



جلد اول
عالمسّان دینی

کرده تراجم و انساب

زیر نظر

غلامرضا جلالی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



مکتبہ اسلامیہ پشاور

مشاهیر مدفون در حرم رضوی

«جلد اول»

جمع‌داری اموال

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

پس-اموال

۴۹۳۰۴

عالمان دینی

زیر نظر: غلامرضا جلالی

مدیر گروه تراجم و انساب بنیاد پژوهش‌های اسلامی

آستان قدس رضوی

پژوهشگران:

ابراهیم زنگنه

اسماعیل رضایی

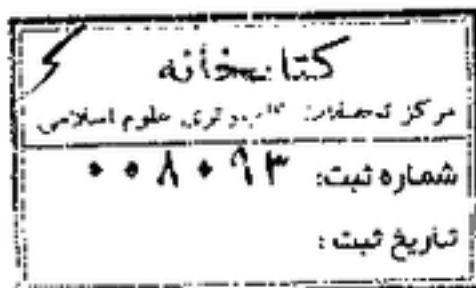
محمدجواد هوشیار

رسول سعیدی‌زاده

علی‌جان سکندری

سیدحسن حسینی

مجتبی‌الهی خراسانی



مشاهیر مدفون در حرم رضوی / زیر نظر غلامرضا جلالی، پژوهشگران ابراهیم زنگنه، اسماعیل رضایی، محمد پرواز هوشیار و... [دیگران]، ویرایش ۲ - مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۶ - ج ۱، حضور.

ISBN set: 978-964-971-202-4 (دوره)، (شابک)

ISBN set: 978-964-971-203-1 (ج ۱) (شابک)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه.

مندرجات: ج ۱. عالمان دینی - ج ۲. شاعران و هنرمندان - ج ۳. رجال سیاسی و اجتماعی - ۱. مشهد - آرامگاهها - ۲. آستان قدس رضوی - آرامگاهها - ۳. اسلام - سرگذشتنامه - الف-جلالی، غلامرضا، ۱۳۳۳ - زنگنه، ابراهیم - ۱۳۶۶ ج. رضایی، اسماعیل، د. هوشیار، محمد پرواز، همبنیاد پژوهشهای اسلامی - و غیره.

۹۲ / ۹۲

۸۱ - ۳۹۹۱۱

BP ۳۶۶ / ۲ / ۳۹ م ۵۱۳۸۶

کتابخانه ملی ایران



مشاهیر مدفون در حرم رضوی

جلد اول: عالمان دینی

زیر نظر غلامرضا جلالی

پژوهشگران: ابراهیم زنگنه - اسماعیل رضایی - محمد پرواز هوشیار -
رسول سعیدی زاده - علی جان سکندری - سید حسن حسینی - مجتبی الهی خراسانی

چاپ دوم / ۱۳۸۶ / ۵۰۰۰ نسخه / قیمت ۶۵۰۰۰ ریال

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: صندوق پستی ۳۶۶ - ۹۱۷۳۵

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشهای اسلامی: ۲۲۳۰۸۰۲

فروشگاههای کتاب بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: ۴۲۳۳۹۲۳، قم: ۷۷۳۳۰۲۹

شرکت به نشر، دفتر مرکزی (مشهد) تلفن ۷ - ۸۵۱۱۱۳۶ - دورنگار ۸۵۱۵۶۰

Web Site: www.islamic-rf.ir

E-mail: info@islamic-rf.ir

حق چاپ محفوظ است

Shiabooks.net



فهرست مطالب

درآمد ۳۱

۲

۳۷ (۱۳۱۶-۱۳۹۵ ه.ق.)	آخرندیان - علی	۱
۳۸ (۱۳۱۳-۱۳۹۴ ه.ق.)	آرام - محمد یوسف	۲
۴۰ (۱۳۰۴-۱۳۸۴ ه.ش)	آشتیانی - سید جلال الدین	۳
۴۲ (۱۲۸۱-۱۳۶۵ ه.ق.)	آشتیانی - مرتضی	۴
۴۴ (۱۲۵۰-۱۳۲۸ ه.ش)	آشتیانی - میرزا هاشم	۵
۴۵ (۱۳۰۲ ه.ق.)	آقا بزرگ - زین‌الائمه	۶
۴۶ (۱۰۸۷ ه.ق.)	آقابزرگ - ملا آقا	۷
۴۶ (۱۲۸۰-۱۳۵۵ ه.ق.)	آقامیری - سید محمد طاهر	۸
۴۷ (۱۳۲۹-۱۳۹۵ ه.ق.)	آقا نجفی شهرستانی - محمد تقی	۹
		آقا نجفی ← علم الهدی - علی	
۴۸ (۱۳۲۲-۱۴۱۷ ه.ق.)	آقا نجفی همدانی - محمد	۱۰
۴۹ (۱۲۸۳-۱۳۶۱ ه.ش)	آملی - ضیاء‌الدین	۱۱
۵۴ (۱۳۰۴-۱۳۹۱ ه.ق.)	آملی - محمد تقی	۱۲
		آیة‌الله زاده اصفهانی ← موسوی اصفهانی - علی	
۵۷ (۱۲۹۲-۱۳۶۴ ه.ق.)	آیة‌الله زاده خراسانی - مهدی	۱۳
۵۹ (۱۳۲۲-۱۳۹۹ ه.ق.)	آیت‌اللهی - سید محمد باقر	۱۴

الف

۶۱ (ش. ۱۳۱۴ - ۱۳۱۴ ه. ش.)	۱۵
۶۱ (ش. ۱۳۶۵ - ۱۲۹۰ ه. ش.)	۱۶
۶۲ (ق. ۱۳۷۱ - ۱۲۹۴ ه. ق.)	۱۷
۶۲ (زنده ۹۰۴ ه. ق.)	۱۸
۶۴ (ش. ۱۳۷۹ - ۱۲۹۵ ه. ش.)	۱۹
۶۵ (ش. ۱۳۷۹ - ۱۳۱۸ ه. ش.)	۲۰
	ادیب اول ← ادیب نیشابوری - عبدالجواد	
۶۶ (ش. ۱۳۴۱ - ۱۲۵۹ ه. ش.)	۲۱
۶۸ (ق. ۱۳۸۶ ه. ق.)	۲۲
	ادیب دوم ← ادیب نیشابوری - محمد تقی	
۶۹ (ق. ۱۳۴۴ - ۱۲۸۱ ه. ق.)	۲۳
۷۱ (ق. ۱۳۹۶ - ۱۳۱۵ ه. ق.)	۲۴
۷۳ (ش. ۱۳۴۷ - ۱۲۶۳ ه. ش.)	۲۵
۷۵ (ق. ۱۳۷۷ - ۱۲۹۶ ه. ق.)	۲۶
۷۷ (زنده ۱۱۳۵ ه. ق.)	۲۷
۷۸ (ق. ۹۶۶ ه. ق.)	۲۸
۷۸ (ق. ۱۲۳۱ - ۱۱۶۰ ه. ق.)	۲۹
۷۹ (ق. ۱۰۵۸ ه. ق.)	۳۰
۷۹ (ق. ۱۳۴۰ ه. ق.)	۳۱
۸۰ (ق. ۱۳۸۱ ه. ق.)	۳۲
۸۰ (ق. ۱۳۶۵ ه. ق.)	۳۳
۸۱ (ش. ۱۳۳۹ - ۱۲۹۰ ه. ش.)	۳۴
	اصفهانى - اسدالله ← مرعشى شوشترى - میراسدالله	
۸۱ (ق. ۱۳۶۱ - ۱۲۷۹ ه. ق.)	۳۵

۸۴	اصفهانی - محمد باقر (۱۲۳۹-۱۳۱۹ ه.ق.)	۳۶
۸۵	اصفهانی - مهدی (۱۳۰۳-۱۳۶۵ ه.ق.)	۳۷
۸۸	اصفهانی - میرزا محمد مهدی (۱۱۵۲-۱۲۱۸ ه.ق.)	۳۸
۸۹	اعدادی خراسانی - محمد رضا (۱۳۰۷-۱۳۶۲ ه.ش)	۳۹
۹۱	امام جمعه - اسماعیل (۱۲۰۷-۱۲۶۲ ه.ق.)	۴۰
۹۲	امامی تربتی - عبدالله (۱۲۸۱ ه.ق - ۱۳۶۲ ه.ش)	۴۱
	امین الاسلام ← طبرسی - فضل بن حسن	
۹۳	انصاری - محمود (۱۳۰۵-۱۳۷۷ ه.ش)	۴۲
۹۵	ایازی - سید حیدر (۱۳۱۲-۱۴۰۱ ه.ق)	۴۳
۹۶	ایروانی - سید مرتضی (۱۳۲۲-۱۴۱۰ ه.ق)	۴۴
۹۶	ایسی محصل - علی (۱۲۵۹-۱۳۵۹ ه.ش)	۴۵

ب

۹۹	باقفی - سید حسین (- ۱۳۰۴ ه.ق.)	۴۶
۹۹	باقفی - شرف الدین علی (۸۹۴-۹۷۴ ه.ق.)	۴۷
۱۰۰	باقفی - محمد علی (- ۱۳۳۹ ه.ق)	۴۸
۱۰۱	بالا خیابانی - عبدالحسین (۱۲۶۲-۱۳۴۴ ه.ق)	۴۹
	بالا خیابانی - محمد رحیم ← بروجردی - محمد رحیم	
۱۰۲	بجستانی - حسین (۱۲۷۵-۱۳۵۶ ه.ش)	۵۰
۱۰۳	بجنوردی - محمد تقی (- ۱۳۱۴ ه.ق)	۵۱
۱۰۴	بجنوردی - مرتضی (- ۱۳۵۰ ه.ق.)	۵۲
۱۰۵	بحرالعلوم رشتی - سید حسن (۱۳۱۴-۱۳۹۷ ه.ق)	۵۳
۱۰۶	بختیاری - سید محمد رضا (- ۱۳۳۹ ه.ش)	۵۴
	براتعلی - حاجی میرزا ← جلد دوم	
۱۰۷	برسی - عبدالجواد (- ۱۳۸۲ ه.ق)	۵۵

۱۰۷	بروجردی - سید محمد رضا (۱۳۶۳ هـ ش)	۵۶
۱۰۸	بروجردی - علی اکبر (۱۳۴۸ هـ ق)	۵۷
۱۰۹	بروجردی - محمد رحیم (۱۲۲۴ - ۱۳۰۹ هـ ق)	۵۸
۱۱۰	برهانی - سید حبیب الله (۱۳۷۶ هـ ق)	۵۹
۱۱۱	بسطامی - علی (۱۳۱۶ - ۱۴۰۷ هـ ق)	۶۰
۱۱۱	بسطامی - نوروز علی (۱۲۳۷ - ۱۳۰۹ هـ ق)	۶۱
۱۱۲	بمروودی قاینی - علی (۱۳۱۵ هـ ق)	۶۲
۱۱۳	بنایی - علی (۱۳۰۵ هـ ق)	۶۳
۱۱۳	بنی هاشمی بزرگ - علی اکبر (۱۳۲۰ - ۱۳۷۶ هـ ش)	۶۴
۱۱۵	بنی هاشمی کردکوهی - سید آقازنگ (- ح ۱۳۸۰ هـ ق)	۶۵
۱۱۵	بهاء الدین عاملی - محمد (۹۵۳ - ۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ هـ ق)	۶۶
۱۱۷	بهبهانی - شمس الدین (۱۲۴۸ هـ ق)	۶۷
	بیات - محمد حسن ← عارف نیشابوری - محمد حسین	
۱۱۸	بیرجندی - عبدالعلی (- ح ۹۳۴ هـ ق)	۶۸
۱۲۰	بیرجندی - محمد حسن (۱۳۳۴ هـ ش)	۶۹

پ

۱۲۱	پایین خیابانی - حسن (۱۳۴۲ هـ ق)	۷۰
۱۲۱	پشت شهدی - سید عبدالرحیم (۱۲۹۴ هـ ق)	۷۱
	پیر پالان دوز ← عباسی - محمد عارف	
۱۲۲	پیشماز - سید محمد (۱۳۲۴ هـ ق)	۷۲
۱۲۲	پیشماز - محمد علی (۱۲۹۰ هـ ق)	۷۳

ت

۱۲۳	تبریزی - علی (۱۲۸۲ - ۱۳۴۰ هـ ق)	۷۴
-----	-----------------------------------	----

۱۲۳	تبریزی - غلامحسین (۱۲۶۰-۱۳۵۹ ه.ش)	۷۵
	تجلی ← نهاوندی - محمد	
۱۲۶	تربتی - اسحاق (۱۱۵۷-۱۲۳۷ ه.ق)	۷۶
۱۲۷	تربتی - حسین (- ۱۳۰۵ ه.ق)	۷۷
۱۲۷	تربتی - عباس (- ۱۳۲۲ ه.ش)	۷۸
۱۳۰	تربتی - محمد (سده ۱۴-۱۳)	۷۹
۱۳۰	تربتی - محمد صالح (- ۱۲۴۶ ه.ق)	۸۰
۱۳۱	تربتی - میرزا نصرالله (۱۲۳۰-۱۲۹۸ ه.ق)	۸۱
۱۳۲	تربتی خراسانی - علی اکبر (- ۱۳۳۱ ه.ق)	۸۲
۱۳۲	ترشیزی - اسماعیل (- ۱۳۲۳ ه.ق)	۸۳
۱۳۳	تستری - علی ایوب (- ۱۳۲۲ ه.ق)	۸۴
۱۳۳	تقوی - مهدی (۱۲۸۶-۱۳۶۰ ه.ش)	۸۵
۱۳۴	تقوی بجنوردی - رضا (۱۲۷۵-۱۳۵۲ ه.ش)	۸۶
۱۳۴	توسلی - قربانعلی (۱۲۹۵-۱۳۷۰ ه.ش)	۸۷
۱۳۵	توسلی - محمد حسین (ح ۱۲۷۵-۱۳۶۷ ه.ق)	۸۸
۱۳۷	تونی بشرویه‌ای - احمد (سده ۱۱ هجری)	۸۹
۱۳۷	تهرانی - حسنعلی (- ۱۳۲۵ ه.ق)	۹۰
۱۳۸	تهرانی - عبدالوهاب (- ۱۳۱۲ ه.ق)	۹۱
۱۳۹	تهرانی - غلامعلی (- ۱۳۳۷ ه.ق)	۹۲
۱۳۹	تهرانی - محمد رضا (- ۱۳۲۶ ه.ق)	۹۳
۱۴۰	تهرانیان - محمد کاظم (۱۲۴۰-۱۳۲۰ ه.ش)	۹۴

ث

۱۴۲	ثقفی - زین العابدین (۱۲۷۸-۱۳۷۰ ه.ش)	۹۵
۱۴۲	ثقفی - محمد (۱۳۱۳-۱۴۰۵ ه.ق)	۹۶

ج

۹۷	جبرئیلی - غلام سرور (۱۳۰۶-۱۳۷۶ هـ ش)	۱۴۴
۹۸	جزایری - سید فخرالدین (۱۲۶۸-۱۳۵۳ هـ ش)	۱۴۵
۹۹	جعفری - محمد تقی (۱۳۰۴-۱۳۷۷ هـ ش)	۱۴۵
۱۰۰	جلالی همدانی - سید محمد (۱۲۸۶-۱۳۶۲ هـ ش)	۱۴۷
	جناب ← گرگانی - محمد حسین	

چ

۱۰۱	چایچی - علی اصغر (۱۲۹۵-۱۳۷۴ هـ ش)	۱۴۹
-----	-----------------------------------	-----

ح

۱۰۲	حائری - سید حسین (۱۳۶۵ هـ ق)	۱۵۰
۱۰۳	حائری - سید علیرضا (۱۳۰۴ هـ ق -)	۱۵۰
	حائری موسی ← جلد دوم	
	حائری خراسانی ← آرام - محمد یوسف	
	حائری زعفرانی ← رضوی - محمد	
	حاج آخوند ← تربتی - عباس	
	حاج عالم ← آیت‌اللهی - سید محمد باقر	
	حاج رئیس ← رئیس - محمود	
۱۰۴	حافظیان - سید ابوالحسن (۱۲۸۲-۱۳۶۰ هـ ش)	۱۵۱
۱۰۵	حجازی طبسی - سید ابراهیم (۱۳۰۴-۱۳۷۷ هـ ش)	۱۵۳
۱۰۶	حجت طباطبایی - محمد باقر (۱۲۹۸-۱۳۸۰ هـ ش)	۱۵۵
۱۰۷	حجت کاشانی - حسن (۱۳۱۲ هـ ش)	۱۵۶
۱۰۸	حرّ عاملی - احمد (ح ۱۰۴۱-۱۱۲۰ هـ ق)	۱۵۶
۱۰۹	حرّ عاملی - حسن (۱۰۰۰-۱۰۶۳ هـ ق)	۱۵۶

۱۵۷	حرّ عاملی - محمد (۱۰۳۳-۱۱۰۴ هـ ق.)	۱۱۰
۱۵۹	حرّ عاملی - محمد رضا (- ۱۱۱۰ هـ ق.)	۱۱۱
۱۵۹	حرفروشی عاملی - ابراهیم (- ۱۰۸۰ هـ ق.)	۱۱۲
		حسین - سید میرزا ← رضوی - میرزا حسین	
۱۵۹	حسینی - ابو جعفر محمد (- ۴۵۲ هـ ق.)	۱۱۳
		حسینی ← کاشانی - سید حسن	
۱۶۰	حسینی بجنوردی - اسماعیل (۱۲۴۱ - ۱۳۲۵ هـ ش)	۱۱۴
۱۶۱	حسینی تبریزی - محمد حسین (- ۱۳۵۰ هـ ق.)	۱۱۵
۱۶۲	حسینی تبریزی - محمود (۱۳۲۰ - ۱۳۸۱ هـ ق.)	۱۱۶
۱۶۲	حسینی تهرانی - محمد حسین (۱۳۴۵ - ۱۴۱۶ هـ ق.)	۱۱۷
		حسینی جلالی - محمد ← جلالی همدانی - محمد	
۱۶۴	حسینی خسروشاهی - سید احمد (۱۳۳۰ - ۱۳۹۷ هـ ق.)	۱۱۸
۱۶۵	حسینی لواسانی - حسن (۱۳۰۸ - ۱۴۰۰ هـ ق.)	۱۱۹
۱۶۷	حسینی نیشابوری - ابراهیم (- ۱۰۱۲ هـ ق.)	۱۲۰
۱۶۷	حسینی یزدی - حسن (- ۱۳۸۰ هـ ش)	۱۲۱
۱۶۸	حکمت نیا - محمد باقر (۱۲۹۸ - ۱۳۸۰ هـ ش)	۱۲۲
۱۷۰	حکیم زرگر - غلامحسین (- ۱۳۵۹ هـ ق.)	۱۲۳
		حکیم سدید ← قمی سدید ← جلد دوم	

خ

۱۷۱	خاتون آبادی - محمد حسین (- ۱۱۵۱ هـ ق.)	۱۲۴
		خادم باشی ← مجید فیاض - عبدالمجید	
۱۷۲	خادمی اصفهانی - سید حسین (۱۲۸۰ - ۱۳۶۳ هـ ش)	۱۲۵
۱۷۴	خالصی - محمد مهدی (۱۲۷۷ یا ۱۲۷۶ - ۱۳۴۳ هـ ق.)	۱۲۶
۱۷۶	خامنه‌ای - سید جواد (۱۳۱۳ - ۱۴۰۶ هـ ق.)	۱۲۷

۱۷۷	خبوشانی - محمد حسین (۱۲۶۲ هـ ق)	۱۲۸
۱۷۸	خبوشانی - محمد علی (۱۲۳۶ هـ ق)	۱۲۹
۱۷۸	خرازی نجفی - محمد باقر (۱۳۱۵ - ۱۴۰۰ هـ ق)	۱۳۰
۱۷۹	خراسانی - عباد (ح - ۱۳۱۰ هـ ق)	۱۳۱
۱۷۹	خراسانی - عبدالله (۱۳۷۳ هـ ق)	۱۳۲
۱۸۰	خراسانی - عبدالوهاب (۱۲۶۸ هـ ق)	۱۳۳
۱۸۰	خراسانی - علی / ۱۷۹ (ح - ۱۳۵۶ هـ ق)	۱۳۴
۱۸۰	خراسانی - فضل الله (۹۹۷ هـ ق)	۱۳۵
۱۸۱	خراسانی - محمد (زنده ۱۳۸۱ هـ ق)	۱۳۶
۱۸۱	خراسانی - محمد اسماعیل (۱۲۵۵ - ۱۳۳۰ هـ ق)	۱۳۷
	خراسانی - محمد حسن ← ادیب هروی - محمد حسن	
۱۸۲	خراسانی - ملا هاشم (۱۲۸۴ - ۱۳۵۲ هـ ق)	۱۳۸
۱۸۳	خراسانی مهدی - حسین (۱۱۷۵ هـ ق)	۱۳۹
۱۸۳	خراسانی نجفی - سید مهدی (ح - ۱۲۷۳ هـ ق)	۱۴۰
۱۸۴	خرقی - محمد علی (۱۲۴۸ - ۱۳۳۸ هـ ش)	۱۴۱
۱۸۵	خلخالی - سید محمد باقر (۱۳۳۳ هـ ق)	۱۴۲
	خلیفه سلطان ← اصفهانی - اسدالله	

۵

۱۸۶	دامغانی - محمد کاظم (۱۳۱۶ - ۱۴۰۱ هـ ق)	۱۴۳
۱۸۷	درچه‌ای زاده - سید ابوالعلی (۱۳۳۹ هـ ش)	۱۴۴
۱۸۸	دزفولی نجفی - سید احمد (۱۲۸۰ - ۱۳۵۵ هـ ق)	۱۴۵
۱۸۹	دستغیب شیرازی - سید عبدالعزیز (۱۲۸۳ - ۱۳۸۴ هـ ش)	۱۴۶
۱۹۱	دهکی قاینی - اسماعیل (۱۳۳۵ هـ ق)	۱۴۷

ذ

ذبیحی قوچانی نجفی - ذبیح الله ← قوچانی - ذبیح الله

ر

۱۹۴	رئیس - محمود (۱۳۷۲ هـ ق)	۱۴۸
۱۹۴	رئیس - محمد تقی (۱۳۱۲ - ۱۴۰۴ هـ ق)	۱۴۹
۱۹۵	رائی - حسین (۱۲۷۴ - ۱۳۳۷ هـ ش)	۱۵۰
۱۹۶	راشد محصل - محمد حسین (۱۲۷۹ - ۱۳۵۳ هـ ش)	۱۵۱
۱۹۷	ربانی - صدرالدین (- ۱۳۶۳ هـ ش)	۱۵۲
۱۹۸	رجائی - سید محمد رضا (۱۲۹۵ - ۱۳۶۰ هـ ش)	۱۵۳
۱۹۸	رستم‌داری - محمد (سده ۱۰ هجری)	۱۵۴
۱۹۹	رشتی نجفی - محمد (۱۲۹۷ - ۱۳۵۲ هـ ش)	۱۵۵
۲۰۱	رضوی - ابوالحسن (۱۲۴۶ - ۱۳۱۱ هـ ق)	۱۵۶
۲۰۲	رضوی - ابوصالح (- ۱۰۹۰ هـ ق)	۱۵۷
۲۰۲	رضوی - احمد (۱۲۴۲ - ۱۳۰۴ هـ ق)	۱۵۸
۲۰۳	رضوی - احمد (- ۱۳۱۲ هـ ق)	۱۵۹
۲۰۳	رضوی - اسماعیل (۱۲۴۲ - ۱۳۲۱ هـ ق)	۱۶۰
۲۰۴	رضوی - حسن (- ۱۲۷۸ هـ ق)	۱۶۱
۲۰۵	رضوی - حسین (۱۲۵۸ - ۱۳۲۲ هـ ق)	۱۶۲
۲۰۶	رضوی - زین العابدین (- بعد از ۱۲۶۶ هـ ق)	۱۶۳
۲۰۷	رضوی - صادق (- ۱۲۶۹ هـ ق)	۱۶۴
۲۰۸	رضوی - طاهر (- ۱۳۲۵ هـ ق)	۱۶۵
۲۰۸	رضوی - عبدالجواد (- ۱۲۹۱ هـ ق)	۱۶۶
	رضوی - عبدالحسین ← جلد سوم	
۲۰۹	رضوی - عبدالله (۱۱۵۱ - ۱۲۳۹ ق)	۱۶۷

۲۰۹	رضوی - علی (۱۳۲۵-۱۳۸۷ ه.ق.)	۱۶۸
۲۱۱	رضوی - علی (۱۳۱۹ ه.ق.)	۱۶۹
۲۱۱	رضوی - علی اصغر (۱۳۳۲ ه.ق.)	۱۷۰
۲۱۲	رضوی - علی نقی (۱۲۵۰ ه.ق.)	۱۷۱
۲۱۲	رضوی - محمد (۱۲۸۳- ۱۳۶۳ ه.ق.)	۱۷۲
۲۱۳	رضوی - محمد (۱۱۸۰- ۱۲۵۳ یا ۱۲۵۵ ه.ق.)	۱۷۳
۲۱۴	رضوی - محمد (۱۱۹۰- ۱۲۶۴ ه.ق.)	۱۷۴
	رضوی - سید محمد، قائم مقام التولیه ← جلد سوم	
۲۱۵	رضوی - محمد (۱۰۹۰- زنده تا ۱۱۳۵ ه.ق.)	۱۷۵
۲۱۶	رضوی - محمد ابراهیم (۱۲۷۳- ۱۳۳۴ ه.ق.)	۱۷۶
۲۱۷	رضوی - محمد باقر (۱۲۷۰- ۱۳۴۲ ه.ق.)	۱۷۷
۲۱۸	رضوی - محمد بن احمد (سده ۴ قمری)	۱۷۸
۲۱۸	رضوی - محمد تقی (۱۱۴۹ ه.ق.)	۱۷۹
۲۱۹	رضوی - محمد تقی (۱۱۵۰ ه.ق.)	۱۸۰
۲۲۰	رضوی - محمد تقی (۱۲۷۴- ۱۳۶۵ ش.)	۱۸۱
۲۲۲	رضوی - محمد جعفر (۱۰۲۵ ه.ق.)	۱۸۲
۲۲۲	رضوی - محمد حسن (۱۲۵۰- ۱۳۲۹ ه.ق.)	۱۸۳
۲۲۳	رضوی - محمد علی (۱۲۳۹- ۱۳۱۱ ه.ق.)	۱۸۴
۲۲۴	رضوی - محمد علی (۱۳۰۹ ه.ق.)	۱۸۵
	رضوی - محمد محسن ← جلد سوم	
۲۲۵	رضوی - محمد معصوم (۱۲۳۲ ه.ق.)	۱۸۶
	رضوی - محمد مهدی ← جلد سوم	
۲۲۵	رضوی - معصوم (سده ۱۴ قمری)	۱۸۷
۲۲۶	رضوی - مهدی (۱۲۶۷ ه.ق.)	۱۸۸
	رضوی - هدایت الله ← جلد سوم	

۲۲۶	رضوی قاینی - حسن (- زنده تا ۱۰۵۶ ه ق)	۱۸۹
۲۲۷	رفیع‌الدین - سید محمد (- ۱۰۸۲ ه ق)	۱۹۰
۲۲۷	روغنی - شیخ محمد صالح (۱۰۱۹ - ۱۱۱۶ ه ق)	۱۹۱

ز

زاهد ← موسوی - علیرضا

۲۳۰	زاهدی - جعفر (۱۳۳۵ - ۱۴۱۹ ه ق)	۱۹۲
۲۳۲	زنجانی - ابوطالب (۱۲۵۹ - ۱۳۲۹ ه ق)	۱۹۳
۲۳۳	زنجانی - محمد رضا (- ۱۳۵۰ ه ق)	۱۹۴
	زواره‌ای یزدی - مهدی ← طباطبایی یزدی	
	زین الاثمه ← آقا بزرگ - زین الاثمه	

س

۲۳۴	ساعدی خراسانی - محمد باقر (۱۰۳۶ - ۱۳۸۲ ش)	۱۹۵
۲۳۷	سبزواری - ابوالحسن (- ح ۱۳۱۳ ه ق)	۱۹۶
۲۳۷	سبزواری - اسماعیل (- ۱۲۶۲ ه ق)	۱۹۷
	سبزواری - حسین ← فقیه سبزواری - حسین	
۲۳۸	سبزواری - سید جعفر (سده ۱۳ قمری)	۱۹۸
	سبزواری - سید عبدالله ← رضوی - عبدالله	
۲۳۸	سبزواری - سید محمد (۱۱۱۸ - ۱۱۹۸ ه ق)	۱۹۹
	سبزواری - سید مرتضی ← واعظی سبزواری	
۲۳۹	سبزواری - شرف‌الدین محمد (سده ۱۰ قمری)	۲۰۰
	سبزواری - محمد باقر ← محقق سبزواری	
	سبزواری - محمد رضا ← قاینی - محمد رضا - جلد دوم	
۲۳۹	سبزواری - میرشاه قاسم (- قرن ۱۲ ه ق)	۲۰۱

۲۴۰	سبزواری - یحیی (- ۱۳۶۶ هـ ق)	۲۰۲
۲۴۰	سبط - مرتضی (۱۲۷۳ هـ ق - ۱۳۴۷ هـ ش)	۲۰۳
	سبط الشیخ ← دزفولی نجفی - سیداحمد	
۲۴۱	سبط الشیخ - سیدمحمد (- ۱۳۶۶ هـ ش)	۲۰۴
۲۴۱	سبط الشیخ - سید محمدعلی (۱۳۳۰ - ۱۴۰۸ هـ ق)	۲۰۵
۲۴۱	سجادی - سید عبدالحمید (۱۳۲۵ - ۱۳۶۹ هـ ش)	۲۰۶
۲۴۴	سدهی - سید محمد رحیم (- ۱۳۳۷ هـ ق)	۲۰۷
۲۴۴	سرابی - سید مصطفی (- ۱۳۵۰ هـ ش)	۲۰۸
۲۴۵	سرابی - محمد تقی (- ۱۳۵۲ هـ ق)	۲۰۹
۲۴۵	سراج - عبدالله (- ۲۷۸ هـ ق)	۲۱۰
۲۴۶	سعیدی کاشمیری - محمد صادق (۱۳۱۲ - ۱۳۷۵ هـ ش)	۲۱۱
۲۴۸	سلطان الفقرا - محمود (سده ۱۳ هـ ق)	۲۱۲
	سلطان القراء ← حسینی تبریزی - محمد حسین	
۲۴۸	سلطانی گلشیخی - ابراهیم (۱۲۸۴ - ۱۳۶۸ هـ ش)	۲۱۳
۲۵۰	سمنانی - میرزا عباس (- ۱۲۹۱ هـ ق)	۲۱۴
	سید قصیر ← رضوی - محمد	
۲۵۰	سیبویه - محمد حسن (۱۳۴۲ - ۱۴۰۱ هـ ق)	۲۱۵
۲۵۱	سیستانی - زین العابدین (- ۱۳۵۵ هـ ق)	۲۱۶
۲۵۲	سیستانی - علی (- ۱۳۴۰ هـ ق)	۲۱۷

ش

شانه چی ← مدیر شانه چی - کاظم

۲۵۳	شاه عبدالعظیمی - مهدی (- ۱۳۰۸ هـ ق)	۲۱۸
۲۵۳	شاهرودی - حسین (۱۳۱۵ - ۱۴۱۰ هـ ق)	۲۱۹
۲۵۴	شاهرودی - عباس (- ۱۳۴۱ هـ ق)	۲۲۰

۲۵۵	شریفی شیرازی - مرتضی (- ۹۷۴ هـ ق)	۲۲۱
۲۵۶	شفتی - میرزا محمد باقر (- ۱۳۱۹ هـ ق)	۲۲۲
۲۵۶	شفیعی - عبدالحسین (۱۲۶۳ - ۱۳۳۸ هـ ش)	۲۲۳
۲۵۷	شکوه الواعظین (- ۱۳۶۸ هـ ق)	۲۲۴
	شمس المحدثین ← ودود - حسن	
۲۵۸	شوشتری - علی (- ۱۳۶۶ هـ ق)	۲۲۵
۲۵۸	شهرستانی - سید عبدالرضا (۱۳۴۰ - ۱۴۱۸ هـ ق)	۲۲۶
۲۶۰	شهیدی - علی اکبر (۱۳۱۵ - ۱۴۰۷ هـ ق)	۲۲۷
	شهیدی - نظام الدین ← جلد دوم	
۲۶۱	شیخ الاسلام - عبدالرحمن (- ۱۲۹۰ هـ ق)	۲۲۸
۲۶۱	شیخ الاسلام - غلامحسین (۱۲۴۶ - ۱۳۱۹ هـ ق)	۲۲۹
۲۶۲	شیخ الاسلام اصفهانی - علی اکبر (- ۱۳۵۰ هـ ق)	۲۳۰
	شیخ الحکما ← تهرانی - محمدرضا	
۲۶۲	شیخ الرئيس - حسین (۱۳۱۲ هـ ق - ۱۴۰۳ هـ ق)	۲۳۱
۲۶۳	شیخ العصر - غلامرضا (- ۱۳۰۱ هـ ق)	۲۳۲
	شیخ بهائی ← بهاء الدین عاملی - محمد	
	شیخ رئیس ← رئیس - محمدتقی	
۲۶۳	شیخ زاده - محمد جواد (۱۲۸۵ - ۱۳۵۶ هـ ش)	۲۳۳
	شیخ غلامحسین ترک ← تبریزی - غلامحسین	
	شیخ محمد کبیر ← قوچانی - محمد	
	شیخ وربا ← واعظ کرمانی - علی اکبر	
۲۶۵	شیرازی - ابوالحسن (۱۲۹۳ - ۱۳۷۹ هـ ش)	۲۳۴
۲۶۶	شیرازی - اسدالله (- ۱۳۳۸ هـ ق)	۲۳۵
	شیرازی - سید ابوالقاسم ← جلد دوم	
۲۶۷	شیرازی - سید عبدالله (۱۲۷۱ - ۱۳۶۳ هـ ش)	۲۳۶

۲۶۹	شیرازی - محمد حسین (۱۳۴۳ هـ ق)	۲۳۷
۲۶۹	شیرازی - نصرالله (۱۲۳۹ - ۱۲۹۱ هـ ق)	۲۳۸
۲۷۰	شیروانی اصفهانی - محمد (۱۰۹۸ هـ ق)	۲۳۹

ص

	صاحب الزمانی - سید حسن ← جلد دوم	
۲۷۲	صادقی - قاسم (۱۳۱۵ - ۱۳۶۰ هـ ش)	۲۴۰
	صبوری - محمد کاظم ← جلد دوم	
۲۷۳	صدرالعلما - سید جعفر (۱۳۳۵ هـ ق)	۲۴۱
۲۷۴	صدرالعلما - میرزا محسن (۱۳۳۵ هـ ق)	۲۴۲
	صفای اصفهانی - محمد حسین ← جلد دوم	
	صفی آبادی ← خوبشانی - محمد حسین	
	ضیاء الادبا - محمد مهدی ← جلد دوم	

ط

۲۷۵	طالقانی - نظر علی (۱۳۰۶ هـ ق)	۲۴۳
۲۷۵	طاهر - مظفر حسین (۱۳۵۰ - ۱۴۰۸ هـ ق)	۲۴۴
۲۷۸	طباطبایی ساروی - محمد (۱۳۱۰ هـ ق)	۲۴۵
۲۷۸	طباطبایی قمی - مهدی (ح ۱۳۵۸ هـ ش)	۲۴۶
۲۷۹	طباطبایی نایینی - سید سعید (۱۲۵۵ - ۱۳۳۷ هـ ش)	۲۴۷
۲۸۰	طباطبایی یزدی - مهدی (۱۲۸۵ - ۱۳۴۶ هـ ق)	۲۴۸
۲۸۰	طباطبایی یزدی مشهدی - عبدالحسین (۱۲۷۳ - ۱۳۳۶ هـ ق)	۲۴۹
۲۸۱	طبرسی - فضل بن حسن (۵۴۸ هـ ق)	۲۵۰
۲۸۳	طیسی - محمد حسین (۱۳۳۶ هـ ق)	۲۵۱
۲۸۴	طیسی - ولی الله (۱۳۶۳ هـ ق)	۲۵۲

۲۵۳	طیب کابلی - سید علیخان (قرن ۱۳ ه.ق.)	۲۸۴
	طوجی ← ایسی محصل - شیخ علی	

ع

۲۵۴	عابدی قانلی - سید محمد (۱۳۲۵ - ۱۴۰۴ ه.ق.)	۲۸۵
۲۵۵	عارف الزین - احمد (۱۲۶۲ - ۱۳۳۹ ه.ش.)	۲۸۶
	عارف عباسی - محمد ← عباسی - محمد عارف	
۲۵۶	عارف نیشابوری - محمد حسن (- ۱۲۶۲ ه.ق.)	۲۸۷
۲۵۷	عاملی - بدرالدین (- پیش از ۱۱۰۴ ه.ق.)	۲۸۸
۲۵۸	عاملی - حسن (- ۱۳۰۰ ه.ق.)	۲۸۸
۲۵۹	عاملی - حسین (- اوایل سده ۱۱ قمری)	۲۸۹
۲۶۰	عاملی - عبدالعالی (۹۲۶ - ۹۹۳ یا ۹۹۴ ه.ق.)	۲۸۹
۲۶۱	عاملی - علی (۱۰۱۳ - ۱۱۰۳ ه.ق.)	۲۹۰
۲۶۲	عاملی بازوری - ابراهیم (- بعد از ۱۰۳۰ ه.ق.)	۲۹۱
۲۶۳	عاملی جبلی - سید حسین (- ۱۰۶۹ ه.ق.)	۲۹۱
۲۶۴	عاملی جبلی - حسین (۱۰۵۶ - ۱۰۷۸ ه.ق.)	۲۹۲
۲۶۵	عباسی - محمد عارف (زنده در سده ۱۰ ه.ق.)	۲۹۲
۲۶۶	عباسی - حسین (۱۲۹۲ - ۱۳۷۴ ه.ش.)	۲۹۳
۲۶۷	عرب - علی (- ۱۳۸۳ ه.ق.)	۲۹۴
	عربزاده ← آقا نجفی همدانی - محمد	
۲۶۸	عربی خوان - حسن (- ۱۳۳۹ ه.ق.)	۲۹۴
۲۶۹	عصار - سید محمد (۱۲۶۴ یا ۱۲۶۵ - ۱۳۵۶ ه.ق.)	۲۹۵
۲۷۰	عصار خراسانی - سید حسن (- ۱۳۵۹ ه.ق.)	۲۹۶
۲۷۱	عطار - محمد علی (۹۸۶ - ۱۰۶۶ ه.ق.)	۲۹۶
	علامه حائری مازندرانی ← مازندرانی - محمد صالح	

	علامه سمنانی ← مازندرانی - محمد صالح	
۲۹۷	علم الهدی - سید ابراهیم (۱۳۷۸ هـ ش)	۲۷۲
۲۹۸	علم الهدی - علی (۱۲۷۳ - ۱۳۵۹ هـ ش)	۲۷۳
۳۰۰	علم الهدی - محمد (۱۳۰۶ - ۱۳۶۷ هـ ش)	۲۷۴
۳۰۱	علمی اردبیلی - محمد (۱۲۸۸ - ۱۳۶۶ هـ ش)	۲۷۵
۳۰۳	علوی - سید محمد (۱۲۹۱ - ۱۳۶۷ هـ ش)	۲۷۶
۳۰۴	علوی - سید محمود (۱۲۷۶ - ۱۳۴۰ هـ ش)	۲۷۷
۳۰۵	علیزاده - علی اکبر (۱۳۰۶ - ۱۳۷۸ هـ ش)	۲۷۸
	عمادالدین تهران ← فهرستی، محمد مهدی	
۳۰۶	عیدگاهی - عبدالرحیم (۱۲۸۰ - ۱۳۳۴ هـ ق)	۲۷۹
۳۰۷	عیدگاهی - محمد (۱۳۶۰ هـ ش)	۲۸۰
۳۰۸	عیدگاهی - مرتضی (۱۳۰۳ - ۱۳۹۲ هـ ق)	۲۸۱
۳۰۹	عینائی - حسین (سده ۱۲ قمری)	۲۸۲
۳۰۹	عینائی - سید محمد (۱۰۸۵ هـ ق)	۲۸۳

غ

	غروی اصفهانی - مهدی ← اصفهانی - مهدی	
۳۱۰	غلامعلی پور - یعقوب (۱۲۹۸ - ۱۳۶۳ هـ ش)	۲۸۴

ف

	فائقی - غلامعلی ← تهرانی - غلامعلی	
	فارسی - نصرالله ← مدرس شیرازی - نصرالله	
	فاضل بسطامی ← بسطامی - نوروزعلی	
۳۱۱	فاضل خراسانی - محمدعلی (۱۳۴۲ هـ ق)	۲۸۵
	فاضل سبزواری - محمد باقر ← محقق سبزواری	

	فاضل قندهاری ← عبدالله ← جلد دوم	
۳۱۳	فرزلی - حسین (قرن ۱۱ ه. ق.)	۲۸۶
	فرید ← نهاوندی - محمد	
۳۱۳	فقاhtی سبزواری - سید ابوالفضل (- ۱۳۶۰ ه. ش)	۲۸۷
۳۱۳	فقیه - ذبیح الله (۱۲۶۷ - ۱۳۲۹ ه. ش)	۲۸۸
۳۱۴	فقیه سبزواری - حسین (۱۳۰۹ - ۱۳۸۶ ه. ق)	۲۸۹
۳۱۵	فقیه سبزواری - سید جواد (۱۳۰۹ - ۱۳۸۴ ه. ش)	۲۹۰
۳۱۸	فقیه قاینی - سید حسین (۱۲۳۹ - ۱۳۳۳ ه. ش)	۲۹۱
۳۲۰	فلسفی - میرزا علی (۱۲۹۹ - ۱۳۸۴ ه. ش)	۲۹۲
۳۲۵	فهرستی تهرانی - محمد مهدی (- ۱۳۱۵ ه. ش)	۲۹۳
۳۲۵	فهری زنجانی - سید احمد (۱۳۰۱ - ۱۳۸۵ ه. ش)	۲۹۴
	فیاض - عبدالمجید ← مجید فیاض - عبدالمجید	
۳۲۸	فیض گنابادی - عبدالرحیم (۱۲۷۶ - ۱۳۶۴ ه. ش)	۲۹۵

ق

۳۳۰	قابچی - حسن (- ۱۳۴۵ ه. ق)	۲۹۶
۳۳۰	قاسم (- ۱۳۰۹ ه. ق)	۲۹۷
۳۳۱	قاینی - ابوتراب (- ح ۱۳۲۸ ه. ق)	۲۹۸
۳۳۱	قاینی - سید جواد (سده ۱۴ شمسی)	۲۹۹
۳۳۲	قاینی - شاه میرزا (- ۱۰۹۲ ه. ق)	۳۰۰
	قبلة الكتاب ← مشهدی - سلطانعلی، جلد دوم	
	قدس ← رضوی - محمد	
	قدس خراسانی ← جلد دوم	
۳۳۲	قزوینی - مجتبی (۱۳۱۸ - ۱۳۸۶ ه. ق)	۳۰۱
۳۳۴	قزوینی - مهدی (- ۱۳۱۳ ه. ق)	۳۰۲

۳۰۳	قزوینی - هاشم (۱۲۷۰ - ۱۳۳۹ ه.ش)	۳۳۴
	قصیر - سید محمد ← رضوی - محمد	
۳۰۴	قصیر ثانی - محمد (- ۱۲۷۸ ه.ق)	۳۳۷
	قطب المحدثین ← موسوی - موسی	
۳۰۵	قمی - حسن (۱۳۲۹ - ۱۴۲۸)	۳۳۸
	قوام الحکما ← حسینی بجنوردی - اسماعیل	
۳۰۶	قوچانی - ذبیح الله (۱۳۲۹ - ۱۴۱۴ ه.ق)	۳۴۰
۳۰۷	قوچانی - رمضانعلی (- ۱۳۶۶ ه.ق)	۳۴۱
۳۰۸	قوچانی - سید رضا (- ۱۳۶۸ ه.ق)	۳۴۲
۳۰۹	قوچانی - محمد (۱۲۹۴ - ۱۳۶۴ ه.ق)	۳۴۲

ک

۳۱۰	کاشانی - سید حسن (- ۱۳۴۲ ه.ق)	۳۴۴
۳۱۱	کاشانی - عبدالله (- ۱۳۰۳ ه.ق)	۳۴۵
۳۱۲	کاظمینی - محمد حسن (- ۱۳۰۵ ه.ش)	۳۴۵
۳۱۳	کافی - احمد (- ۱۳۸۹ ه.ق)	۳۴۶
۳۱۴	کافی مشهدی (- ۹۶۹ ه.ق)	۳۴۷
۳۱۵	کامیاب - سید رضا (۱۳۲۹ - ۱۳۶۰ ه.ش)	۳۴۷
	کاهانی ← قوچانی - سید رضا	
	کبیر - مهدی ← واعظ - مهدی	
۳۱۶	کجوری - ابرالقاسم (۱۲۷۹ - ۱۳۳۷ ه.ق)	۳۴۹
۳۱۷	کجوری - عبدالنبی (۱۳۳۳ - ۱۴۱۹ ه.ق)	۳۵۱
۳۱۸	کجوری تهرانی - محمد باقر (۱۲۵۵ - ۱۳۱۳ ه.ق)	۳۵۳
۳۱۹	کدکنی - هادی (۱۲۶۸ - ۱۳۵۳ ه.ش)	۳۵۴
	کرکی ← عاملی - عبدالعالی	

۳۵۵	کرکی جزائری - علی بن هلال (- ح ۹۰۴ هـ ق)	۳۲۰
۳۵۶	کرمانشاهی - محمد نجف (- ۱۲۹۲ هـ ق)	۳۲۱
۳۵۶	کرمانی - علی (- ۱۳۲۲ هـ ق)	۳۲۲
۳۵۷	کفایی - میرزا احمد (۱۳۰۰ - ۱۳۹۱ هـ ق)	۳۲۳
۳۵۹	کفعمی - محمد (۱۲۸۹ - ۱۳۶۲ هـ ش)	۳۲۴
۳۶۰	کلباسی - محمد تقی (۱۲۸۳ - ۱۳۲۵ هـ ش)	۳۲۵
۳۶۱	کلباسی - محمد حسین (- ۱۳۴۰ هـ ق)	۳۲۶
۳۶۱	کلباسی - محمود (- ۱۳۶۵ هـ ق)	۳۲۷
۳۶۲	کلباسی - میرزا رضا (۱۲۹۵ - ۱۳۸۳ هـ ق)	۳۲۸
	کوثر قمی - عبدالکریم ← جلد دوم	
۳۶۴	کوهستانی - محمد (- ۱۳۵۱ هـ ش)	۳۲۹
	کوهسرخی ← ترشیزی - اسماعیل	

گ

۳۶۶	گرگانی - محمد حسین (- ۱۳۵۳ هـ ق)	۳۳۰
۳۶۷	گلپایگانی - حبیب الله (۱۲۹۷ - ۱۳۸۴ هـ ق)	۳۳۱
۳۶۷	گلپایگانی - سید محمد باقر (۱۲۴۵ - ۱۳۱۵ هـ ق)	۳۳۲
۳۶۹	گلستانه - سید محمد علی (۱۲۷۷ - ۱۳۶۱ هـ ق)	۳۳۳
	گنابادی - علی ← معصومی - علی	
۳۷۰	گیلانی - محمد رفیع (- ۱۱۶۰ هـ ق)	۳۳۴

م

۳۷۱	مازندرانی - محمد صالح (۱۲۹۷ - ۱۳۹۱ هـ ق)	۳۳۵
۳۷۲	مجتهد پور - عبدالله (۱۲۷۰ - ۱۳۴۸ هـ ش)	۳۳۶
۳۷۳	مجتهد تبریزی - محمد یوسف (- ۱۳۱۰ هـ ق)	۳۳۷

	مجتهد جرفادقانی ← گلپایگانی - محمد باقر	
۳۷۴ مجتهد خراسانی - میرزا حبیب‌الله (۱۲۶۶ - ۱۳۲۷ هـ ق)	۳۳۸
	مجتهد رضوی ← رضوی - محمد ابراهیم	
۳۷۶ مجتهد قوچانی - ذبیح‌الله (۱۲۷۴ - ۱۳۳۵ هـ ق)	۳۳۹
	مجتهد کاشانی ← کاشانی - عبدالله	
۳۷۸ مجتهد نیشابوری - محمد باقر (۱۳۲۷ هـ ق)	۳۴۰
۳۷۸ مجتهدی - اسماعیل (۱۲۷۶ - ۱۳۶۹ هـ ش)	۳۴۱
۳۷۹ مجتهدی - جعفر (۱۳۰۳ - ۱۳۷۴ هـ ش)	۳۴۲
۳۸۰ مجتهدی - عبدالله (۱۳۷۹ ق)	۳۴۳
۳۸۲ مجتهدی سیستانی - محمود (۱۳۱۱ - ۱۳۷۲ هـ ش)	۳۴۴
۳۸۲ مجید فیاض - عبدالمجید (ح: ۱۲۷۷ - ۱۳۴۱ هـ ق)	۳۴۵
۳۸۳ محامی - غلامحسین (۱۳۳۳ هـ ش)	۳۴۶
۳۸۵ محامی - محمد رضا (۱۳۱۰ - ۱۳۷۷ هـ ش)	۳۴۷
۳۸۷ محدث خراسانی - علی (۱۳۲۹ - ۱۳۷۰ هـ ق)	۳۴۸
۳۸۸ محقق - بمانعلی (۱۳۳۵ هـ ق)	۳۴۹
۳۸۹ محقق سبزواری - محمد باقر (۱۰۱۷ - ۱۰۹۰ هـ ق)	۳۵۰
۳۹۱ محقق قوچانی - عبدالحسین (۱۳۶۹ هـ ق)	۳۵۱
۳۹۱ محلاتی - محمد (۱۳۰۶ هـ ق)	۳۵۲
۳۹۲ محمدی - جعفر (۱۳۱۰ - ۱۳۶۸ هـ ش)	۳۵۳
۳۹۲ مختاری - تاج‌الدین علی (سده ۱۰ قمری)	۳۵۴
۳۹۳ مدرّس - سید محمد جواد (۱۳۳۵ هـ ق)	۳۵۵
۳۹۳ مدرّس - عبدالرحمن (۱۲۶۸ - ۱۳۲۸ هـ ق)	۳۵۶
۳۹۴ مدرس - میرزا محمد تقی (۱۲۸۰ هـ ق)	۳۵۷
	مدرس رضوی ← رضوی - حسین	
	مدرس رضوی ← رضوی - محمد باقر	

۳۹۴	مدرس غروی - رضا (۱۳۰۷-۱۳۷۰ ه.ش).	۳۵۸
۳۹۶	مدرّس قصیری - سید علی اکبر (سده ۱۴ قمری).	۳۵۹
۳۹۶	مدرّس یزدی - سید جلال (۱۳۲۷-۱۳۷۹ ه.ق).	۳۶۰
۳۹۷	مدرّس یزدی - میرزا احمد (۱۳۰۶-۱۳۹۱ ه.ق).	۳۶۱
۳۹۸	مدرّسی حسینی - سید محمدرضا (۱۳۱۰-۱۳۵۹ ه.ش).	۳۶۲
۳۹۹	مدرّسی خراسانی - سید مرتضی (۱۲۷۹-۱۳۴۲ ه.ش).	۳۶۳
۴۰۰	مدقق خراسانی - علی اکبر (۱۳۱۵ - بعد از ۱۳۸۰ ه.ق).	۳۶۴
۴۰۳	مدیر شانه‌چی - کاظم (۱۳۰۶-۱۳۸۱ ه.ش).	۳۶۵
۴۰۵	مرتضوی - احمد (۱۲۸۰-۱۳۴۷).	۳۶۶
۴۰۶	مرتضوی - محمد (۱۲۶۲-۱۳۲۴ ه.ش).	۳۶۷
۴۰۷	مرعشی - سید کاظم (۱۳۳۷-۱۴۲۳ ه.ق).	۳۶۸
۴۰۸	مرعشی شوشتری - میر اسدالله (۸۸۸-۹۶۳ ه.ق).	۳۶۹
۴۱۰	مروارید - حسنعلی (۱۳۲۹-۱۴۲۵ ه.ق).	۳۷۰
۴۱۵	مروارید - محمدرضا (۱۲۹۹-۱۳۳۸ ه.ق).	۳۷۱
۴۱۸	مروج خراسانی - علی اکبر (۱۳۱۰-۱۴۰۰ ه.ق).	۳۷۲
	مشایخ ← کجوری - ابوالقاسم	
	مشهدی ← رضوی - محمد زمان	
۴۱۸	مشهدی - ابراهیم (- ۱۱۴۸ ه.ق).	۳۷۳
۴۱۹	مشهدی - ابو محمد (- ۱۲۴۰ ه.ق).	۳۷۴
۴۲۰	مشهدی - اسفندیار (- ۱۱۲۵ ه.ق).	۳۷۵
۴۲۰	مشهدی - سید برهان‌الدین (- ۹۱۹ ه.ق).	۳۷۶
۴۲۰	مشهدی - سید محمد صالح (- ۱۲۴۶ ه.ق).	۳۷۷
۴۲۰	مشهدی - عبدالخالق (- ح ۱۳۲۰ ه.ق).	۳۷۸
۴۲۱	مشهدی - فخرالدین (- ۱۰۹۷ ه.ق).	۳۷۹
۴۲۲	مشهدی - فضل‌الله (- ۹۱۴ ه.ق).	۳۸۰

۴۲۲	مشهدی - محمد (۱۱۸۲ - ۱۲۵۷ ه ق)	۳۸۱
۴۲۳	مشهدی - محمد رحیم (- ۱۱۱۷ ه ق)	۳۸۲
۴۲۳	مصباح - سید اسدالله (۱۲۹۳ - ۱۳۶۲ ه ق)	۳۸۳
۴۲۴	مصباح - سید مرتضی (۱۳۲۴ - ۱۳۷۲ ه ق)	۳۸۴
۴۲۵	مصطفوی - سید جواد (۱۳۰۱ - ۱۳۶۸ ه ش)	۳۸۵
۴۲۸	معصومی - علی (۱۳۰۱ - ۱۳۷۹ ه ق)	۳۸۶
۴۲۹	معین الغریاء - ابوالقاسم (- ۱۳۳۹ ه ق)	۳۸۷
۴۳۰	مقدس - حسن (- ۱۴۰۹ ه ق)	۳۸۸
۴۳۱	مقدس - حسین (۱۳۱۲ - ۱۴۰۸ ه ق)	۳۸۹
۴۳۲	ملاباشی - محمد باقر (- ۱۳۲۰ ه ق)	۳۹۰
۴۳۳	ملاباشی - مرتضی (- ۱۳۸۷ ه ق)	۳۹۱
	ملا رفیعا ← گیلانی محمد رفیع	
	ملا محمد مشکک ← رستمداری - محمد	
۴۳۴	منجم - مهدی (- ۱۳۳۷ ه ق)	۳۹۲
۴۳۴	مژدن - محمد علی (- ۱۰۷۸ ه ق)	۳۹۳
۴۳۴	مژدن علوی - حاج آقا (۱۲۸۵ - ۱۳۷۴ ه ش)	۳۹۴
۴۳۵	موسوی - سید موسی (۱۳۰۸ ه ق -)	۳۹۵
۴۳۶	موسوی - علیرضا (- ۱۳۷۴ ه ق)	۳۹۶
۴۳۷	موسوی - عمادالدین یحیی (- ۵۵۸ ق)	۳۹۷
۴۳۷	موسوی - موسی بن احمد (قرن ۶ ق)	۳۹۸
۴۳۸	موسوی اصفهانی - عبدالحمید (۱۳۱۴ - ۱۳۸۱ ه ق)	۳۹۹
۴۳۹	موسوی اصفهانی - علی (۱۳۳۲ - ۱۳۹۳ ه ق)	۴۰۰
۴۴۱	موسوی تونی - میرک (- ۱۰۹۸ ه ق)	۴۰۱
۴۴۲	موسوی حجازی خراسانی - ابوالقاسم (- ۱۳۴۱ ه ش)	۴۰۲
۴۴۳	موسوی خلخالی - محمد صادق (۱۳۰۷ - ۱۳۶۸ ه ش)	۴۰۳

۴۰۴	موسوی گرمارودی - محمد علی (۱۲۹۲ - ۱۳۷۵ هـ. ش.)	۴۴۴
۴۰۵	موسوی ملایری - عبدالله (- ۱۳۴۴ هـ. ق.)	۴۴۹
۴۰۶	موسویان - حسن (۱۳۰۰ - ۱۳۶۴ هـ. ش.) مولانا میرزا ← شیروانی اصفهانی - محمد مولوی صاحب ← نبی بخش	۴۵۰
۴۰۷	مولوی قندهاری - محمد حسن (۱۲۸۰ - ۱۳۷۷ هـ. ش.)	۴۵۳
۴۰۸	مؤیدالاسلام - سید جلال‌الدین (۱۲۴۲ - ۱۳۰۹ هـ. ش.) مهدوی دامغانی - محمد کاظم ← دامغانی - محمد کاظم میبدی ← یزدی - حسین میرخدائی - محمد تقی ← رضوی - محمد تقی	۴۵۲
۴۰۹	میردامادی - حسن (۱۳۱۰ - ۱۳۶۷ هـ. ش.)	۴۵۶
۴۱۰	میردامادی - سید هاشم (۱۳۰۳ - ۱۳۸۰ هـ. ق.) میرزا بابا ← شیرازی - سید ابوالقاسم	۴۵۸
۴۱۱	میرزا داود (۱۱۹۰ - ۱۲۴۰ هـ. ق.) میرزا رفیعی نایینی ← رفیعا - محمد	۴۶۰
۴۱۲	میرزا عبدالجواد (۱۱۸۸ - ۱۲۴۶ هـ. ق.)	۴۶۱
۴۱۳	میرزا عسکری (۱۲۱۱ - ۱۲۸۰ هـ. ق.)	۴۶۲
۴۱۴	میرزا محمد جعفر (۱۲۵۳ - ۱۳۳۵ هـ. ق.)	۴۶۳
۴۱۵	میرزا هاشم (۱۲۸۳ - ۱۳۴۳ هـ. ق.)	۴۶۴
۴۱۶	میرزا هاشم (۱۲۰۹ - ۱۲۶۹ هـ. ق.)	۴۶۴
۴۱۷	میرزا هدایت‌الله (۱۱۷۸ - ۱۲۴۸ هـ. ق.)	۴۶۵
۴۱۸	میلانی - سید محمد هادی (۱۳۱۳ - ۱۳۹۵ هـ. ق.)	۴۶۷
ن		
۴۱۹	ناظر - محمد تقی (- ح ۱۲۴۸ هـ. ق.)	۴۷۴

	ناظر - محمد صادق ← جلد سوم	
	ناظر - محمد مهدی ← جلد سوم	
	نجف آبادی ← میردامادی - حسن	
	نجف آبادی ← میردامادی - هاشم	
۴۷۵	نجفی - محمد حسین (۱۲۸۱ - ۱۳۳۹ هـ ق)	۴۲۰
	نجفی - مهدی ← خدیو گیلانی، جلد دوم	
۴۷۶	نجفی فردوسی - عبدالحسین (۱۲۸۹ - ۱۳۶۵ هـ ق)	۴۲۱
۴۷۷	نجفی مسجدشاهی - مهدی (- ۱۳۹۳ هـ ق)	۴۲۲
۴۷۸	نجومیان - اسماعیل (۱۲۶۲ - ۱۳۵۶ هـ ش)	۴۲۳
	نخودکی ← اصفهانی - حسنعلی	
۴۷۹	نمازی شاهرودی - علی (۱۳۳۲ - ۱۴۰۵ هـ ق)	۴۲۴
۴۸۰	نوقانی - علی اکبر (۱۳۰۰ - ۱۳۷۰ هـ ق)	۴۲۵
۴۸۶	نوقانی - محمد رضا (ح ۱۲۳۷ - ۱۳۴۰ هـ ش)	۴۲۶
۴۸۷	نوقانی - محمد مهدی (۱۳۰۵ - ۱۳۷۱ هـ ش)	۴۲۷
۴۸۸	نهاوندی - حسن (ح ۱۲۷۶ - ۱۳۳۰ هـ ق)	۴۲۸
۴۸۹	نهاوندی - علی اکبر (۱۲۷۸ - ۱۳۶۹ هـ ق)	۴۲۹
۴۹۵	نهاوندی - محمد (- ۱۳۸۹ هـ ق)	۴۳۰
۴۹۷	نهاوندی - محمد (۱۲۹۱ - ۱۳۷۱ هـ ق)	۴۳۱
و		
۵۰۰	واعظ - احمد (۱۲۴۰ - ۱۳۰۳ هـ ق)	۴۳۲
۵۰۱	واعظ - احمد (۱۳۲۰ هـ ق -)	۴۳۳
۵۰۱	واعظ - مهدی (۱۲۵۵ - ۱۳۲۰ هـ ق)	۴۳۴
	واعظ پایین خیابانی - حسن ← پایین خیابانی - حسن	

واعظ تهرانی - محمد باقر ← کجوری تهرانی - محمد باقر		
۴۳۵	واعظ خراسانی - مهدی (۱۲۸۶ - ۱۳۷۰ ه ق).....	۵۰۲
۴۳۶	واعظ زاده مقدس - محمد (۱۲۷۲ - ۱۳۶۲ ه ش).....	۵۰۵
۴۳۷	واعظ طبسی - غلامرضا (۱۳۱۳ - ۱۳۵۵ ه ق).....	۵۰۵
۴۳۸	واعظ کرمانشاهی - محمد علی (۱۳۴۷ ه ق).....	۵۰۹
۴۳۹	واعظ کرمانی - علی اکبر (۱۳۲۶ ه ش).....	۵۰۹
۴۴۰	واعظ مشهدی - محمد حسین (۱۱۴۰ - ح ۱۲۴۰ ه ق).....	۵۱۰
۴۴۱	واعظ مقدس - غلامرضا (۱۲۵۰ - ۱۳۴۵ ه ق).....	۵۱۱
واعظ یزدی ← باقری - محمد علی		
۴۴۲	واعظ یزدی - احمد (۱۳۱۰ ه ق).....	۵۱۲
۴۴۳	واعظ یزدی - علی (۱۳۱۱ ه ق).....	۵۱۳
۴۴۴	واعظی سبزواری - سید مرتضی (۱۲۸۴ - ۱۳۴۷ ه ش).....	۵۱۳
۴۴۵	واله - محمد (۱۳۱۰ - ۱۳۷۵ ه ش).....	۵۱۴
۴۴۶	ودود - حسن (۱۳۰۳ - ۱۳۷۴ ه ق).....	۵۱۷

ه

۴۴۷	هاشمی نژاد - سید عبدالکریم (۱۳۱۱ - ۱۳۶۰ ه ش).....	۵۱۹
۴۴۸	هروی - محمد حسن (۱۱۸۱ - ۱۲۵۴ ه ق).....	۵۲۱
۴۴۹	هروی مشهدی - سید محمد (۱۲۵۷ - ۱۳۲۲ ه ق).....	۵۲۲
۴۵۰	همدانی - عبدالمجید (۱۲۶۷ - ۱۳۴۶ ه ق).....	۵۲۲
همدانی - محمد باقر ← اصفهانی محمد باقر		

ی

۴۵۱	یزدی - حسین (۱۳۵۲ ه ق).....	۵۲۵
۴۵۲	یزدی - عبدالخالق (۱۲۶۸ ه ق).....	۵۲۵

۴۵۳	یزدی - عبدالله (۱۲۷۸ - ۱۳۷۰ ه ش)	۵۲۶
	یزدی - علی ← واعظ یزدی - علی	
۴۵۴	یزدی - محمد رضا (- ۱۳۳۳ ه ق)	۵۲۷
۴۵۵	یزدی - محمد معصوم (سده ۱۲ هجری)	۵۲۷
۴۵۶	یزدی بافقی - سید محمد امین (- ۱۳۴۰ ه ش)	۵۲۸
	فهرست منابع	۵۲۹

درآمد

براساس داده‌های متون دینی اولین جسد آدمی که در زمین دفن شد پیکر هابیل بود. هنگامی که قابیل در پی قبول شدن قربانی هابیل، آتش حسد در دلش زبانه کشید و برادر خود هابیل را کشت، ندانست که پیکر بی‌جان برادر را چه کند، پس خداوند کلاغی را برانگیخت که زمین را می‌کاوید تا به او نشان دهد که چگونه کشته برادرش را پنهان (دفن) کند. [مآخذ / ۳].

آیین خاکسپاری از کهنترین آیینهای آدمی است. حفاری گورهای پیش از تاریخ، نشان می‌دهد که انسان در کهنترین ادوار حیات خود نیز مرگ را فرجام زندگی نمی‌دانسته است. همه جا و بدون استثنا، در همه مراحل فرهنگی خاکسپاری جنازه گویائی باور به زندگی پس از مرگ و شکلی از بقاء است.

نشانه‌هایی وجود دارد که انسانهای پیش از تاریخ، مراسم خاکسپاری را بر سر گورها و مراسمی را نیز به یاد مردگان برگزار می‌کردند؛ و نسبت به آرامگاه آنها بخصوص قبور بزرگان، احترام می‌گذاشتند و از روح آنها مدد می‌جستند و برای خشنودی یا آمرزش روان آنها، کارهای معنوی انجام می‌دادند و آنها را برحسب آیین، عشیره، ملیت و حرفه و صناعت در گورستانهای مختلف دفن می‌کردند و بر روی سنگ گور یا دیوار مقبره‌ها عباراتی را می‌نوشتند تا منزلت متوفی آشکار شود.

این گونه باورها تا به امروز ادامه یافته است و در بیشتر ملتها، تمدنها و فرهنگها گورستانها تقدیس می‌شود. در بیشتر شهرهای پیشرفته غیرمسلمان، قبرستانها در

مرکز شهر تأسیس شده‌اند و مردم روزهای یکشنبه به این گورستانها سر می‌زنند و به تزیین قبرها، باغها و گلستانهای اطراف آنها می‌پردازند.

در اسلام نیز قبور انسانهای مؤمن مورد احترام قرار گرفته است. در منابع روایی، مرده مؤمن از همان احترام زنده او برخوردار است و تفاوتی از این حیث میان زنده و مرده انسان مؤمن نیست. لذا یک مسلمان از همان زمان احتضار و فرارسیدن مرگ تا مردن و غسل و کفن و تشییع و نماز خواندن بر وی و دفن پیکر او، موضوع بسیاری از احکام و آداب شرعی است که در کتابهای فقهی مورد بحث قرار گرفته است و محدثان نیز در کتابهای روایی در ابواب گوناگونی به بیان احادیث و آمده از معصومین علیهم‌السلام پرداخته‌اند. شیخ حر عاملی در جلد دوم *مسائل الشیعه* از صفحه ۶۲۱ تا ۹۳۹ احادیث فراوانی را آورده است. ایشان ۴۹ باب در احتضار، ۳۴ باب در غسل میت، ۳۶ باب در تکفین، ۴۰ باب در نماز میت، ۹۱ باب در دفن و مسائل گوناگون آن و ۷ باب در غسل مس میت تدوین کرده است و این همه نشانگر آن است که در اسلام حرمت مسلمان پس از مرگ او نیز باید مورد توجه قرار گیرد و با رعایت احکام و آداب اسلامی که از پیشوایان دینی در این باره رسیده و پرهیز از برنامه‌های انحرافی و تشریفاتی بر بُعد عبرت‌آموزی این مراسم و بیداری و آمادگی مؤمنان برای سفر به جهان ابدی بیفزایند.

از زمان ظهور اسلام در شهر مدینه، قبور یهود و مسلمانان از هم جدا بود. قبیله قریش از دیر باز قبرستان ویژه‌ای داشتند و شهدا نیز در مکانهای اختصاصی خود دفن می‌شدند. پیامبر اکرم و حضرت علی، فاطمه زهرا و بعدها ائمه معصومین علیهم‌السلام روزهای شنبه، دوشنبه، پنج‌شنبه و جمعه به زیارت قبور مؤمنان، بویژه قبور شهدا می‌رفتند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد زیارت قبور مؤمنان و صالحان سفارش بسیار می‌کرد و از فرموده‌های ایشان است که «قبور [مؤمنان و صالحان] را زیارت کنید، زیرا شما را به یاد آخرت می‌اندازد».

البته باید توجه داشت که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در ابتدا که بیشتر گورها به مشرکان تعلق داشت، از زیارت آنها نهی می‌کرد و این امر سبب کاهش علقه مؤمنان با نیاکان

آنان می‌شد، اما وقتی که قبور مؤمنان زیادتر شد و مسلمانان نسبت به باورهای خود راسختر شدند، زیارت قبور را سفارش می‌کرد، چنان‌که ابن ماجه (در سنن ۱۱۷/۱) باب ما جاء فی زیارة القبور) از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ، فَوُزُّوْهَا فَإِنَّهَا تُزْهِدُ فِي الدُّنْيَا، وَ تُذَكِّرُ فِي الْآخِرَةِ».

از آغاز حیات اسلام در مدینه، مناسک خاصی در تدفین مؤمنان اجرا می‌شد. جنازه‌ها در مکان مناسب دفن می‌شد تا بدن متوفی از تعرض درندگان و نیز متلاشی شدن پیش روی انسانهای دیگر پنهان بماند و خود موجب آلودگی محیط نشود و سطح قبرها کمی بلندتر از زمین قرار می‌گرفت و روی آنها نام مردگان و پیامهای خاص حک می‌شد و حاضران در گورگاهها، موقع زیارت قبور به مردگان سلام می‌کردند و با صدای بلند آنها را مخاطب قرار می‌دادند و از خداوند برای آنها طلب رحمت و آمرزش می‌کردند و آیات یا سوره‌هایی از قرآن بویژه سوره حمد، سوره توحید، معوذتین، انا انزلنا، پس، الرحمن و آیه‌الکرسی، چنانکه در مصادر حدیثی و فقهی شیعه و نیز منابع اهل سنت از جمله کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه (۱/۵۴۰) آمده است، بر سر مزارها خوانده می‌شد و به تدریج برخی از مزارها به مسجد تبدیل شد.

ساختن مسجد بر روی قبور یا پیرامون آن و خواندن نماز در آن، موضوعی است فقهی که باید به نظر فقهای اسلام مراجعه کرد. اما قدر متیقن این است که قرآن کریم پس از تشریح چگونگی اطلاع مردم از قبر اصحاب کهف، به بیان اختلاف مردم در باره نحوه تکریم و گرامیداشت آنان می‌پردازد و می‌فرماید: ﴿وَكذَلِكَ أَعْرَضْنَا عَلَيْهِمْ لِيَتْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُيُوتًا رُبُّهُمْ أَغْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا﴾ (كهف ۲۱/۱۸) و بدین گونه [مردم آن دیار را] بر حال ایشان آگاه ساختیم تا بدانند که وعده خدا راست است و [در فرا رسیدن] قیامت هیچ شکی نیست، هنگامی که میان خود در کارشان با یکدیگر نزاع می‌کردند، پس [عده‌ای] گفتند: بر روی [قبر] آنها

ساختمانی بنا کنید، پروردگارشان به [حال] آنان داناتر است. [سرانجام] کسانی که بر کارشان غلبه یافتند گفتند: حتما بر [غار] ایشان مسجدی بنا خواهیم کرد. روشن است که پیشنهاد ساختن مسجد بر روی قبر اصحاب کهف از سوی مؤمنان مطرح شده و هدف آنان جاودانه ساختن یاد جوانمردان کهف و گرامیداشت مزار مؤمنان خداجو بوده است.

سبزه و رفتار مسلمانان در طول تاریخ نیز حکایت از بنای مسجد بر قبور صالحان و شایستگان دارد. بخصوص پیکر پاک رسول خدا ﷺ در خانه آن حضرت و در کنار مسجدالنبی توسط حضرت علی رضی الله عنه به خاک سپرده شد و با ازدیاد جمعیت مسلمانان و تنگ شدن عرصه مسجد، قسمت شرقی مسجد - که خانه پیامبر و خانه‌های همسران حضرت بود - به محدوده مسجدالنبی افزوده شد و هم‌اکنون نمازگزاران در آنجا به نماز می‌ایستند.

اهمیت توجه به مزارها و قبور اولیا سبب شد بسیاری از بزرگان کتابهایی در مزارشناسی بنویسند. تذکره هزار مزار عیسی بن جنید شیرازی، مقصد الاقبال سلطانیه سید اصیل الدین عبدالله واعظ، ریاض الالواح، روضة الاطهار، مزارات تبریز، مزارات کرمان در شمار این کتابها است.

بتدریج زیارت قبور که یک سنت اسلامی بود به یک فرهنگ عمومی تبدیل شد و مزارات خراسان و مشاهد مشرفه و عتبات عالیات که به طور عمده مربوط می‌شوند به مدفن ائمه اطهار علیهم‌السلام و فرزندان و برادران و خواهران آنان یعنی امامزادگان و نیز بزرگان از علما و صلحا، بخصوص در میان شیعیان مورد اقبال قرار گرفت و افراد مؤمن با حضور خود در کنار آرامگاه این انسانهای برجسته و صالح از روح آنان مدد می‌گرفتند و خود موقع مرگ وصیت می‌کردند تا بدن آنها کنار قبور پیشوایان دینی و اولیای الهی دفن شود. همین امر سبب پیدایش و گسترش گورستانهای زیادی در شهرهای مذهبی شد. بویژه که نقل جنازه از نظر فقهی بدون اشکال شرعی تشخیص داده شد و جمعی از فقها مانند شیخ طوسی در مصباح و نهاییه و شهید اول در ذکری، انتقال و حمل جنازه مردگان را - برای دفن اولیه یا هفن

مجدد - به مکانهای مقدس همچون حرمین شریفین (مکه و مدینه) یا نجف اشرف یا کربلا یا کاظمین و دیگر اعیان مقدسه مانند مشهد و دفن در کنار قبور امامزادگان و بزرگان از علما و صلحا جایز دانستند. (بنگرید به: وسائل الشیعه ۲/۸۳۳ و جامع احادیث الشیعه ۳/۳۹۳، باب استحباب الدفن فی الحرمین و المشاهد المشرفه و حکم نقل الموتی الیها من غیرها).

مشهد چنانکه اشاره شد، یکی از این شهرها است که دلیل پیدایش و گسترش آن را در وجود بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام (۱۴۸-۲۰۳ هـ ق) هشتمین پیشوای شیعیان باید جست. از صدها سال پیش بزرگان زیادی زندگی خود را در این شهر سپری کردند و یا پس از درگذشت در این ارض اقدس دفن شدند یا بدن آنها بر حسب وصیتشان از شهرهای دور و نزدیک به این جا انتقال یافت و بتدریج علاوه بر خاکسپاری در رواقهای حرم، و صحنها و بهشت ثامن الائمه علیهم السلام، گورستانهای شهر، مثل گورگاه سراب، نوغان، قتلگاه و قبر میر و بعدها گلشهر، خواجه ربیع و بهشت رضا به وجود آمد که تعدادی از آنها امروزه از میان رفته‌اند.

از آنجا که عالمان و اندیشمندان و هنرمندان الگوهای یک جامعه هستند و بایسته است یاد و آثارشان در میان مردم زنده بماند تا نسلهای بعد جایگاه بلند و خدمات ارزنده آنان را به دست فراموشی نسپارند، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی همراه با خدمات دیگر فرهنگی و اسلامی خود چند سال پیش تصمیم گرفت مزارات خراسان را که در گوشه و کنار شهرها و روستاهای دور افتاده این استان پهناور پراکنده هستند، شناسایی کند و به معرفی آنها بپردازد به این منظور تدوین تراجم علمای مدفون در حرم رضوی در اولویت قرار گرفت و جلد نخست آن به تدوین شرح حال عالمان دینی اختصاص یافت.

اثر حاضر و بقیه مجلدات آن محصول این تلاش چند ساله است. چاپ اول این جلد که سال ۱۳۸۲ از سوی بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی منتشر شده با همکاری آقایان ابراهیم زنگنه و غلامرضا جلالی فراهم آمده بود و در این چاپ همه مجلدات با نظارت آقای غلامرضا جلالی مدیر گروه تراجم و انساب و همکاری

اعضای هیئت علمی گروه یادشده نوشته شده است. جای آن است که از زحمات همه عزیزانی که در نوشتن این اثر مشارکت داشته‌اند تقدیر گردد، بویژه آقای اسماعیل رضایی که نمونه‌خوانی و نیز آقای محمود رسولی که حروفچینی و صفحه‌آرایی همه مجلدات را به عهده داشته‌اند.

بنیاد پژوهشهای اسلامی

علی‌اکبر الهی خراسانی





خوندیان - علی

۱۲۱۵ - ۱۳۹۵ ق

مشکلات تحصیل را رها کرد و به کسارگری مشغول شد. ولی از سال ۱۳۳۶ ق با اقامت در مدرسه عباسقلی خان فراگیری علوم حوزوی را ادامه داد و بقیه مقدمات را نزد شیخ قربان علی تبریزی، شیخ علی اکبر سعدآبادی و معقق لوقانی، آموخت. سطوح متوسط و عالی را نیز در محضر بزرگانی مانند حاج میرزا حسن لواسانی، سید محمدرضا بختیاری و حاج شیخ هاشم قزوینی به پایان برد. آنگاه مدتی در حوزه درس خارج فقه و اصول آیات، شیخ مرتضی آشتیانی، حاج آقا حسین قمی، میرزا مهدی اصفهانی و سید یونس اردبیلی شرکت جست و از محضر ایشان بهره برد. کتاب *شجرة الانبیاء* در آداب و اخلاق از تألیفات اوست.

شیخ علی آخوندیان یزدی خراسانی فرزند محمد از عالمان دینی یزد در سال ۱۳۶۶ ق در تفت متولد شد. در کودکی به اتفاق خانواده به نیر رفت و روحوانی قرآن و برخی کتابهای دیگر مانند دیوان حافظ را در آنجا نزد غلام علی توراالله و آخوند ملا حسن خان آموخته. پس از آن به روستای بنادکوک دیزه منتقل شد و در خدمت استادانی چون شیخ حسن و آخوند ملا علی اکبر بن ملا باقر فارسی بخشی از ادبیات عرب را فرا گرفت. در سال ۱۳۳۳ ق با خانواده خویش رهسپار مشهد آمد و در ابتدا به دلیل برخی



آخسوندیان در سال ۱۳۱۶ش
(۱۳۵۶ق) به امر برخی از علمای
بزرگ، در بخش «زورآباد مشهد»
سکنی گزید و به تبلیغ و حل و فصل
امور شرعی مردم پرداخت و در کنار آن
سردفتری ازدواج و طلاق را پذیرفت
ولی پس از مدتی در سال ۱۳۲۲ش از
این شغل کناره‌گیری کرد و به انجام
فعالیت‌های مذهبی پرداخت. او

سرانجام در سال ۱۳۹۵ق در مشهد
درگذشت.

مفاخر یزد: ۲/۱ - ۳

سال ۱۳۱۳ هـ. ق در روستای

خانخورد، از توابع بخش بیارجمند

سیدهن خینی شهرستان شاهرود به دنیا آمد. در

کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و

تحت سرپرستی خواهران خود

تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش

خواند و همراه برادرش شیخ ابوالقاسم

خاتمی به منظور تحصیل علوم دینی

پیاده به مشهد آمد و در مدرسه نواب

سکونت یافت. ادبیات را نزد میرزا

عبدالجواد نیشابوری و فلسفه را

خدمت ملا عباسعلی پدر حاجی فاضل

سرکشیک، و علامه شیخ اسدالله یزدی و

(۲)

آرام - محمد یوسف

(۱۳۱۳-۱۳۹۴ هـ ق)

آیه‌الله شیخ محمد یوسف آرام
معروف به «حائری شاهرودی» فرزند
شیخ زین‌العابدین فرزند ملا شریف، از
علمای معاصر می‌باشد و سالها در کر بلا
و مشهد به تحصیل و تدریس مشغول
بوده است.

با توجه به رفتار نامناسب رژیم بعث با ایرانیان مقیم عراق، ایشان به ایران آمد و پس از چند ماه توقف در قم به مشهد هجرت نمود و به دعوت آیه الله العظمی سید محمد هادی میلانی در این شهر مقیم شد و در مسجد گوهرشاد نماز جماعت اقامه نمود و به تدریس دوره خارج فقه و اصول پرداخت. آخرین سالهای زندگی به دلیل پادرد خانه نشین شد و شب اربعین حسینی سال ۱۳۹۴ ه.ق به سرای جاودان شتافت و در رزاقه دارالسیاده حرم دفن شد.

وی از تظاهر احتراز داشت، به پیشوایان دین عشق می ورزید و همه روزه زیارت عاشورا می خواند و با قدرتهای محاطه گرسر نمازگاری داشت و با نفوذ بیگانگان مبارزه می کرد. در بهمن ۱۵ خرداد به حمایت از امام خمینی قدس سره برخاست و در مدرسه سلیمیه کربلا مجلس ختم و سخنرانی به مناسبت فیا جعه مدرسه فیضیه قم تشکیل داد.

منتخب المسائل، حاشیه عروة، زبدة المسائل، زبدة المناسک، حاشیه

ادیب بسجنوردی آموخت و سطوح خارج را در درس شیخ حسن برسی و میرزا محمد آقازاده و حاج آقا حسین قسیمی شرکت نمود و برای تکمیل تحقیقات به عتبات رخت و در نجف، مدرسه قوام حنجره گرفت و به پیلتقه درس آیات نائینی، کمپانی، عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی پیوست و خود نیز به تدریس سطوح عالیة مبادرت ورزید و پس از چهار سال تحصیل در نجف از اساتید خود گنمپانی و اصفهانی اجازه اجتهاد

دریافت نمود. مرحوم آیه الله آرام حدود ۲۵ سال در کربلا بود. و به تدریس و اقامه نماز جماعت در مسجد «عطارها» که مسجد جامع این شهر بود، ادامه داد. تا این که آیه الله میرزا مهدی شیرازی بار دیگر به حوزه کربلا رونق داد. پس از فنوت مرحوم شیرازی در سال ۱۳۸۰ ه.ق مرحوم حائری بنه درخواست شاگردان خود رساله ای به زبان فارسی و عربی به نام «زبدة المسائل» نوشت و نشر داد.

سال ۱۳۰۴ هـ ش در آشتیان از توابع اراک متولد شد و دوره ابتدایی تحصیلات خود را در همانجا به پایان رساند و در سال ۱۳۲۳ هـ ش به راهنمایی آیت‌الله میرزا ابوالقاسم دانش آشتیانی، برای فراگیری معارف اسلامی عازم حوزه علمیه قم شد. پس از

فراگیری کتابهای مقدماتی و شرکت در شرح منظومه حکمت و مکاسب و شوارق مرحوم حاج شیخ مهدی امیر کلامی، درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر گردید و مدت ۸ سال در حوزه درس فلسفه و تفسیر و اصول فقه علامه سید محمد حسین طباطبایی شرکت کرد و الهیات شفا و اسفار را نیز از خدمت ایشان تلمذ کرد.

استاد آشتیانی برای تکمیل فلسفه و حکمت الهی در تهران از سید محمد کاظم عصار بهره برد و به قزوین مسافرت کرد و سفر نفس اسفار را همراه قسمتی از امور عامه، از محضر فیلسوف محقق آیت‌الله سید ابوالحسن رفیعی

علی الوجیزه، شرح کفایه، حاشیه بر وجیزه و تقریرات درسهای نائینی، کمپانی و حاج آقا حسین قمی از آثار چاپ شده و خطی اوست. مهمترین اثر ایشان کتاب مدارک العروه است که بالغ بر بیست مجلد می‌باشد و ۱۲ مجلد آن به‌طور منظم تنظیم و تحریر شده است.

غلامرضا جلالی

(۳)

آشتیانی - سید جلال الدین

(۱۳۰۴-۱۳۸۴ هـ ش)



علامه سید جلال الدین آشتیانی، حکیم و شارح حکمت صدرایی، در

۱۳۷۵ از خدمت در دانشگاه بازنشسته شد و آبان ۱۳۷۶ به عنوان دانشمند برجسته توسط فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران معرفی گردید. ایشان ضمن تدریس در دانشگاه سالیان مدید در مدرسه امام صادق علیه السلام از مدارس حوزه علمیه مشهد و از بناهای مرحوم آیه الله العظمی سید محمد هادی میلانی به تدریس حکمت و عرفان مشغول بود.

از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۷ همکاری نزدیکی میان علامه آشتیانی و دکتر سید محمد حسین نصر برقرار بود. دکتر نصر او را با هانری کربن آشنا کرد و محصول این همکاری مجلدات «منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران» است.

مرحوم سید جلال الدین آشتیانی مصداق کامل همت، تلاش، اخلاص، بصیرت، فهم عمیق و پژوهش علمی بود و نسبت به نظریات و آرای حکمای پیشین نگاه نقادانه داشت. تحلیل های فلسفی و عرفانی آشتیانی در کتابهای هستی از نظر فلسفه و عرفان، شرح

تجزیاتی آموخت. سپس جهت تکمیل علوم نقلی به نجف هجرت کرد و مدت دو سال در محضر مراجع عصر به ویژه آیات میرزا سید حسن بجنوردی و سید محسن حکیم و شیخ حسین حلی و میرزا عبدالهادی شیرازی حضور یافت و پس از بازگشت در تهران نیز مدتی در حوزه علمیه حکیم تهرانی مرحوم میرزا احمد آشتیانی و میرزا مهدی آشتیانی شرکت نمود و در قسم از دانش آیات خواستگاری و سید محمد حجت کوه کبک میرزا رضی تبریزی استناد کرد. ایشان در آیتام جوانی به معون فلسفی و عرفانی تسلط یافت و در عین حال از کند و کاو در حوزه ادبیات عربی و فارسی غافل نماند.

استاد فقید آشتیانی در سال ۱۳۳۸ ش. به عنوان مدرس دانشگاه مشهد در رشته فلسفه و تصوف اسلامی انتخاب شد و در آذرماه ۱۳۴۵ به رتبه استادی نایل آمد و در سال ۱۳۴۹ مدیریت گروه فلسفه و حکمت را در همان دانشگاه به عهده گرفت و خرداد سال

رضوی دفن شدند.

غلامرضا جلالی

(۴)

آشتیانی - مرتضی

(۱۲۸۱-۱۳۶۵ ه. ق)



آیه الله حاج شیخ مرتضی آشتیانی
فرزند آیه الله حاج میرزا محمد حسن
آشتیانی، از مشاهیر علما و مجتهدان
سده چهارده هجری و دایی میرزا مهدی
آشتیانی فیلسوف معروف است. وی در
سال ۱۲۸۱ ه. ق / ۱۲۴۳ ه. ش همزمان
با روز درگذشت شیخ مرتضی انصاری

مقدمه قیصری بر فصوص الحکم و شرح
حال و آرای فلسفی ملاصدرا، شرح
فصوص الحکم قارایی و شرح بر
زادالمسافرین ملاصدرا به چشم
می خورد.

آشتیانی عمر خود را مصروف
حلقه های مفقوده سلسله فلسفه و
حکمت اسلامی ایران کرد. ایشان در
جستجوی دقیق خود توانست رابطه
بین شیخ الرئیس و خواجه نصیر و
حکمای بین آنها را مشخص کند و سه
مکتب شیراز، اصفهان و تهران را معرفی
کند. به این منظور ایشان بیس از بیس
مقاله و ۳۰ تعلیقه و مقدمه بر آثار
عرفانی و فلسفی نوشت و آنها را به
چاپ رساند.

استاد فقید مجرد زیست و صاحب
فرزند نبود. فرزندان او شاگردانش بودند
که به ایرانیان محدود نمی شدند و از
کشورهای اسلامی و غرب و ژاپن افراد
زیادی از محضر او بهره بردند. تا اینکه
در فروردین ۱۳۸۴ در مشهد بدرود
حیات گفت و در دارالزهد حرم مطهر

چشم به جهان گشوده، و به همین مناسبت پدرش که از شاگردان شیخ بوده، او را مرتضی نام نهاد.

آشتیانی مقدمات و سطوح را نزد پدر و عالمان دیگر فراگرفت، در سفر به مکه، همراه پدر به نجف رفت و دوره فقه و اصول را نزد حاج میرزا حبیب الله رشتی، حاج میرزا حسین قوری و حاج میرزا خلیل و آخوند

خراسانی گذراند و به درجه اجتهاد نایل شد. حاج شیخ در اخلاق از شاگردان مرحوم شیخ محمد بهاری بود و در فلسفه دست داشت. شیخ مرتضی پیش از آنکه از بازگشت به تهران، به درس و اقامه جماعت پرداخت. بعد از پدرش در تهران مرجعیت روحانی یافت. حضور ایشان در تهران مصافح با انقلاب مشروطیت بود.

حاج شیخ مرتضی و تنی چند از رجال دینی و سیاسی وقت، از جمله سید محمد طباطبایی، ملک المتکلمین، سید محمد رضا مساوات و حاج شیخ مهدی کاشی، انجمنی تشکیل دادند و

شبهات کنار هم جمع می شدند و به گفتگو و تحلیل اوضاع سیاسی و رویدادهای فکری و فرهنگی می پرداختند. عین الدوله او را از تولیت مدرسه مروی بر کنار نمود. ایشان همراه با سایر علمای تهران برای پیشبرد امر مشروطه به حرم حضرت عبدالعظیم مهاجرت کرد و تعصن گزید.

حاج شیخ در سال ۱۲۴۰ هـ ق به مشهد آمد و به تدریس و اقامه جماعت پرداخت. سال ۱۲۵۳ هـ ق ۱۳۱۴ هـ ش به دنبال واقعه مسجد گوهرشاد، مجبور شد مشهد را ترک کند و چند سالی در زاویه حرم حضرت عبدالعظیم مجاور شود. پس از سقوط رضاخان، در سال ۱۳۶۰ هـ ق به عتبات رفت، دو سال در کربلا ماند و به تدریس پرداخت، ولی به دلیل داشتن کسالت مجبور شد به ایران برگردد و در مشهد ماندگار شود. ایشان به لحاظ اخلاص به اهل بیت علیهم السلام در همه مواعید و فقیات مجلس بر پا می نمود و خود از مردم پذیرایی می کرد و گاه خود

نمایندگی از سوی مردم تهران به مجلس راه یافت و دوره چهارم، از طرف مردم سبزوار انتخاب شد و با همراهی سید حسن مدرس و تنی چند از رجال، حزب «اصلاح طلبان» را به وجود آوردند، و ۱۶ ربیع الاول ۱۳۳۹ هـ ق، همراه پنج نفر دیگر از علما، طی بیانیه‌ای بی طرفی ایران در جنگ جهانی اول را منتشر ساخت. در جریان کودتای ۱۲۹۹ هـ ش رضاخان، و روی کار آمدن کابینه سید ضیاء، میرزا هاشم به مخالفت برخاست و به دستور سید ضیاء، از کابینه استعفا داد.

بدیجه خوانی می نمود. وی ۲۳ ذی حجه سال ۱۳۶۵ هـ ق / ۲۷ آبان ۱۳۲۵ هـ ش در ۸۴ سالگی، چشم از جهان فرو بست و در محل دارالسلام، پایین پای حضرت رضا علیه السلام دفن شد.

مشاهیر بزرگ اسلام ۴/۳۶۶، ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۴۵-۲۴۶، تاریخ آستان قدس / ۳۳۷، شرح حال رجال ایران ۶/۲۶۰، گنجینه دانشمندان ۷/۹۵-۹۷، مکارم الآثار ۲/۴۸۷، گلزار معانی / ۱۶، یادداشتهای محمد قزوینی ۷/۵، مستدرکات اعیان الشیعه ۲/۲۵۷.

فلامیرضا جلالی

(۵)

آشتیانی، میرزا هاشم

(۱۲۵۰-۱۳۲۸ هـ ش)

در مجلس پنجم (۲۲ بهمن ۱۳۰۲ هـ ش) تدین، مهم‌ترین مهره سیاسی رضاخان در مجلس، با اعتبارنامه آشتیانی مخالفت کرد، ولی با دفاع مدرس، اعتبارنامه ایشان تصویب شد. میرزا هاشم در سال ۱۳۰۲ هـ ش، در کنار مدرس و مشیرالدوله، پیشنهاد جمهوریت از سوی رضاخان را رد کرد و در شمار مخالفین ماده و احدهای درآمد که خلع قاجار و سلطنت

میرزا هاشم آشتیانی فرزند آیه الله حاج میرزا محمد حسن آشتیانی در سال ۱۲۵۰ هـ ش به دنیا آمد و پس از تحصیلات مقدماتی و سطوح و خارج به درجه اجتهاد نایل شد. دوره سوم مجلس شورای ملی (۱۳۳۳ هـ ق) به

زندگینامه رجال و مشاهیر ایران
۳۸/۱ - ۴۰، تنزیح مختصر الحزاب
سیاسی ایران جلد های ۱ و ۲، شرح حال
رجال ایران ۴/۲۲۸، تاریخ آستان قدس
۳۲۸/ گنجینه دانشمندان ۲/۳۶۳-۳۶۴.

غلامرضا جلالی

(۶)

آقا بزرگ - زین الاثمه

(۱۳۰۲ هـ ق)

آیه الله حاج مولی آقا بزرگ دلو

مشاهیر قرن ۱۳ و ۱۴ هـ ق است. چون

مؤرد وثوق مردم و بزرگان بود. او با

آیه الله زین الاثمه می خواندند. ایشان خطها

در مسجد آقا محمد مهدی تبریزی

مشهور به «ملک التجار» از مساجد

معتبر و بزرگ تهران، امامت جماعت

داشت و پیش از آن مدتی مجاور آستان

قدس رضوی بود و دوست داشت بنابر

دیگر از معنویت این سرزمین برخوردار

باشد. در اواخر عمر به مشهد آمد و سال

۱۳۰۲ هـ ق دار فانی را وداع گفت و در

جوار مرقد امام هشتم علیه السلام دفن شد.

رضاخان را پیشنهاد کرده بود و به این

ترتیب نامگذاری بخود را با جاگمیت

پهلوی اعلان نموده با این حال، پس از

پس به سلطنت رسیدن رضاخان، در

انتخابات دوره ششم مجلس شورای

ملی، نام او در کنار دوازده نفری قرار

گرفت که مدرس نیست آنها را به عنوان

کاندیداهای مورد اعتماد خود منتشر

سیاحتی به این ترتیب به مجلس راه

یافت.

میرزا هاشم، در دوره هفتم (۱۴ مهر

۱۳۰۷ هـ ش) نیز یکی از کسانی بود که

با اکثریت آراء از تهران به مجلس رفت.

در روند ترور مدرس به دست

مزدوران رضاخان، نطق هیجان آمیزی

در مجلس ایراد کرد و خواهان

دستگیری و مجازات عاملین آن شد.

آیه الله میرزا هاشم آشتیانی در سال

۱۳۲۸ هـ ش، هشت سال پس از سقوط

رضاخان، به سرای ابدی شتافت و

جنازه ایشان به مشهد حمل و در رواق

دارالسلام حرم مطهر رضوی به خاک

سپرده شد.

(۸)

آقامیری - سید محمد طاهر

(۱۲۸۰-۱۳۵۵ ق)

فقیه، مدرس و زاهد. در نجف اشرف متولد شد. پس از مقدمات چند سالی از محضر پدرش و میرزای بزرگ شیرازی استفاده نمود و پس از فوت ایشان از محضر علامه خراسانی بهره‌مند گردید تا به مقام اجتهاد رسید. در ۱۳۵۳ ق به زیارت مشهد رضوی مشرف شد و به سبب اصرار گروهی در آنجا ساکن گردید و به تدریس پرداخت. وی در مشهد در گذشت و در جوار مرقد امام رضا علیه السلام به خاک سپرده شد. از آثارش ۵ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری، حاشیه بر «مکاسب» و حاشیه بر «کفایة الاصول» را می‌توان نام برد.

اثراقرینان، ۳ / ۲۱۸.

ابراهیم زنگنه

مطلع الشمس / ۶۹۲، احیان الشیخه
۱۵۶۳/۳ تذکرة مدينة الادب ۱۸۵/۳.

ابراهیم زنگنه

(۷)

آقابزرگ - ملا آقا

(۱۰۸۷ هـ ق)

حاج ملا آقابزرگ از دانشمندان قرن ۱۱ هجری است. او در مدرسه صالحیه معروف به نواب سکونت داشت و در همان‌جا به تدریس روی آورد. وی سرکشیک آستان قدس رضوی و از اساتید حوزه بود و در مدرسه میرزا جعفر تدریس می‌کرد. بنا به نقل از مصلا در گذشت، که از بناهای دوره صفوی است، در سال ۱۰۸۷ هـ ق، زیر نظر او به پایان رسید.

حاج ملا آقابزرگ، پس از بنای مصلا در گذشت و در یکی از حجره‌های مدرسه میرزا جعفر، واقع در صحن کهنه، به خاک سپرده شد.

فردوس التواریخ / ۱۰۷، احیان الشیخه

۵۶۳/۳

ابراهیم زنگنه

(۹)

آقا نجفی شهرستانی - محمد تقی

(۱۳۲۹ - ۱۳۹۵ هـ ق)

آیة الله حاج آقا نجفی شهرستانی
فرزند سید محمد از نوادگان میرزا
محمد مهدی موسوی شهرستانی، روز
ششم جمادى الاولى سال ۱۳۲۹ هـ ق
در نجف متولد شد و سال ۱۳۳۱ هـ ق به
مشهد آمد، سپس به تهران رفت و سال
۱۳۴۴ هـ ق به نجف بازگشت. مقدمات
را در آن جا خواند و سال ۱۳۴۹ هـ ق
بار دیگر به ایران آمد و در شهر قم از
محضّر آیة الله العظمی مرعشی نجفی و
حاج میرزا محمد علی ادیب تهرانی و
آیة الله شیخ علی اصغر صالحی کرمانی
استفاده برد. دو سال بعد به نجف رفت و
فقه و اصول را نزد سید ابوالحسن
اصفهانی و حاج شیخ محمد حسین
کمپانی تلمذ کرد و پس از درگذشت
مرحوم کمپانی، در درس آیة الله حاج
شیخ محمد علی کاظمینی و آیة الله سید
ابوالقاسم خویی حاضر شد و به سال
۱۳۶۷، پس از ۱۶ سال تحصیل در شهر

نجف به قم بازگشت و از سوی آیة الله
بروجردی برای تبلیغ و اقامه نماز عازم
لرستان شد و شش سال در خرم آباد و
الشتر، به ترویج اسلام پرداخت.

آیة الله شهرستانی سال ۱۳۷۳ هـ ق
به دعوت جمعی از مردم تهران و
شمیرانات در تخریش حضور یافت و
در آخرین سالهای حیات در مسجد
آشتیانی های مرکز، واقع در خیابان
آشتیان تهران به اقامه جماعت و نشر
احکام مبادرت ورزید، تا این که اول
مهر ۱۳۹۵ هـ ق درگذشت و جنازه اش
به مشهد منتقل و در آستانه حضرت
زین العابدین دفن گردید.

گنجینه دانشمندان ۲/ ۲۹۸-۲۹۹، آماز
الحجّه ۲/ ۲۷۳، منار الهدی / ۱۷۰،
سراج المعانی / ۱۳۹، شخصیات
ادرکتها / ۱۴۱

ابراهیم زنگنه

آقا نجفی ← علم الهدی - علی

(۱۰)

آقا نجفی همدانی - محمد

(۱۳۲۲-۱۴۱۷ هـ ق)

بادکوبه‌ای و نیز سلوک عملی را در محضر میرزا علی قاضی طباطبائی فراگرفت.

تحصیل ایشان ۳۰ سال به طول انجامید و پس از ازدواج با دختر مرحوم نائینی، روز ۲۲ ذیحجه سال ۱۳۵۱ هـ ق از مرحوم کمپانی و پنجم ربیع‌الاول ۱۳۵۲ از آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری اجازه اجتهاد دریافت نمود. و سال ۱۳۶۷ هـ ق به ایسران بازگشت و در شهر همدان سکونت گزید. وی در مسجد کولانج و مسجد جامع همدان نماز جماعت را اقامه می‌کرد و بیشترین وقت خود را مصروف نوشتن کتابهایی چون «انوار درخشان در تفسیر قرآن» در ۱۸ جلد، «درخشان پرتوی از اصول کافی» در ۶ جلد، «معاد جسمانی و روحانی»، و رساله «مسیحا مژده مهدی موعود» نمود.

رفتار و گفتار آقا نجفی اخلاقی بود، ساعتی را بدون پژوهش و مطالعه نمی‌گذرانید. در تواضع و فروتنی

آیت‌الله سید محمد حسینی نجفی همدانی (عربزاده) فرزند آیت‌الله سید علی عرب از سادات اعرجی کاظمین و از علمای عارف و عرفای فقیه و فقهای اصولی و نیز از مفسران معاصر است. شب‌جمعه سوم ربیع‌الاول ۱۳۲۲ هـ ق در نجف متولد شد و سال ۱۳۳۰ هـ ق همراه پدر به ایران آمد و پیش از اتمام تحصیلات دارالفنون، به حوزه وارد شد و ۱۳ سال خدمت پدر که از شاگردان میرزا میرزای شیرازی بزرگ و ملا حسینقلی همدانی بود تحصیل علم کرد. و سال ۱۳۴۳ هـ ق برای فراگیری بیشتر معارف اسلامی به نجف رفت و سطح را نزد آقا عماد رشتی، نوه آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی، و خارج اصول را نزد میرزا محمد حسین نائینی و بخشهایی از فقه و اصول، کلام و فلسفه را نزد آیت‌الله شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (کمپانی) و سید محمد حسین

کم مانند بود. از شهره شدن اجتناب می کرد. امام خمینی قدس سره را اسوه و الگوی خود و انقلاب اسلامی را طلیعه حکومت حق می دانست.

سرانجام در ۹۶ سالگی، سحرگاه یکشنبه ۱۵ جمادی الاولی سال ۱۴۱۷ / ۷ مهر ۱۳۷۵ هـ ش در شهر همدان درگذشت و پیکر پاکش به مشهد منتقل، و در رواق دارالزهد حرم دفن شد. مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه ای

در اطلاعیه ای. خدمات و پارسایی و جایگاه علمی ایشان راستود.

ویژه نامه روزنامه همشهری ۱۷ آبان ۱۳۷۵، ص ۲ - ۲ و ۱۴ مهر ۱۳۷۵، ص ۱ - ۳.

غلامرضا جلالی

(۱۱)

آملی - ضیاءالدین

(۱۲۸۳-۱۳۶۱ هـ ش)

آیه الله حاج آقا ضیاءالدین آملی فرزند مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ محمد تقی آملی از علمای وارسته و



مجتهدان معاصر است. وی در تهران دیده به جهان گشود و هنگامی که پدر برای ادامه تحصیلات راهی حوزه علمیه نجف شد، همراه پدر به نجف رفت و پس از گذراندن دروس مقدمات و سطوح عالیّه از محضر حضرات آیات سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا حسین نائینی، حاج آقا ضیاءالدین عراقی، میرزا ابوالحسن مشکینی و شیخ محمد کاظم شیرازی بهره برد و در اثر استعداد فراوانی که داشت در ۲۰ سالگی به درجه رفیع اجتهاد نایل آمد.

مرحوم آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در اجازه اجتهادی ایشان

نگاشته است:

«جناب عالم فاضل مهذب کامل، ثقة الاسلام قرّة العین آقا ضیاء الدین آملی از کسانی می باشد که کوشش خود را در راه تحصیل علوم شرعی به کار برده و عمر خویش را در تکمیل معارف دین صرف کرده و نزد این جانب در مباحث فقه و اصول حضور یافته تا آن که بحمدالله به مرتبه اجتهاد نائل گشته است.»

پس خویش را به تعب افکننده و سالهای درازی آن را از آسایش باز داشته و با کوشش تمام به تحصیل علوم اسلامی پرداخته تا آن که به لطف خداوند به رتبه رفیع اجتهاد رسیده است.»

آیة الله حاج آقا ضیاء الدین آملی با دختر آیة الله العظمی حاج آقا حسین قمی ازدواج نمود و پس از مدتی راهی تهران گردید و چند سال در تهران و مدتی را نیز در شهر آمل به تدریس و

تربیت نفوس مستعدده همت گماشت و در همین سالهای اقامت در آمل بود که آیة الله جوادی آملی به بهره‌بری از انفاس قدسیه ایشان در مدرسه امام

حسن عسکری علیه السلام آمل می پرداخت. ایشان در شرح زندگانی خود از مرحوم حاج آقا ضیاء الدین آملی چنین یاد می کند: «برکاتی را که بنده در آن یک سال عمرم از مدرسه امام حسن عسکری علیه السلام در آمل به یاد دارم در دیگر مدارس به یاد ندارم. امالی مرحوم صدوق را که در روزهای تعطیل در محضر حضرت آیة الله آملی

و همچنین مرحوم آیة الله العظمی آقا ضیاء عراقی یکی دیگر از اساتید ایشان در اجازه اجتهادی که برای ایشان نوشته چنین یاد می کند:

«از کسانی که شیفته عروج بسوی بلندبهای حق و یقین و داخل شدن در سلک علماء و مروجین شریعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله [می باشند] عالم فاضل متوقد، تحریر بارع ثقة مؤتمن بر فرائض و سنن، جامع لباب فقه و اصول، کوشای در معقول و منقول، صفوة الاعلام، رکن الاسلام آقا شیخ ضیاء الدین آملی است که نفس شریف

بازگشت.

آیة الله حاج آقا ضیاء الدین آملی، بزرگ مردی وارسته و آزاده بود، زهد و تقوا و پارسایی با گوشت و خون او آمیخته شده بود. دنیا آن قدر در نظر او کوچک می نمود که با همه جلوه هایش همواره مورد بی اعتنایی وی قرار نمی گرفت. تمام کمندها و قیدهای دنیایی را از خود بریده بود دل بستگی و وابستگی او فقط به خدای متعال بود. او راه را یافته و دریافته بود که در و راه دروس متداول، حقایق دیگری نیز در پس پرده نهفته است که باید به آنها دست یافت و لذا به قرآن و عترت متوسل شد و قلب و حیات و آخرت خویش را روشنایی و جاودانگی بخشید. ایشان شیفته و دلباخته بی چون و چرای قرآن و عترت بود، او حافظ قرآن بود و هیچ آیه و حدیثی نبود که از او پرسیده شود مگر آن که خود به قراءت ابتدا و انتهای آن می پرداخت و با لطافت تمام، معنی زیبای آیه و حدیث را بیان می کرد. ایشان می فرمود در

می آموختم، و همچنین مشغول سوره مبارکه هود و آموختن تفسیر آن شدیم. آن بزرگوار در ترویج کتاب و سنت، بطعی بلیقی داشتند و منی کوشیدند تا طلاب با علم الحدیث آشنا باشند. از امامی مرحوم شیخ صدوق احادیث را انتخاب می کردند و در روزهای تعطیل تدریس می کردند که سند نهج البلاغه در آن بخش تبیین می شد.

آیة الله حاج آقا ضیاء الدین آملی سالیان درازی به نمایندگی از سوی آیة الله العظمی بروجردی و بعد از سوی آیة الله حکیم در کشور مصر به سربرد تا به نشر معارف اهل بیت و حمایت از حوزه تشیع بپردازد. ایشان در مصر رهبری و زعامت شیعیان مصر را به عهده گرفته بود و برای تأسیس کرسی درس فقه جعفری در دانشگاه الازهر مصر سعی بلیغ کرد و بعد از سالیان درازی تلاش و خدمت به خاطر مخالفت جمال عبدالناصر رئیس جمهور وقت مصر با تشکل و پیشرفت شیعیان، ایشان از مصر به تهران

پنجاه سالگی شروع به حفظ قرآن کردم و ظرف ۴ سال آن را به پایان بردم. او همواره بر استماع قرآن و یا تلاوت و تکرار قرآن و یا تفکر و تدبر عمیق در آیات آن اهتمام داشت.

خودشان می‌گفتند: وقتی پیش خود فکر و احساس می‌کنم که این خداوند است که با بشر سخن می‌گوید تمام اعضای بدنم می‌خواهد از درون از هم گسیخته شود. او دلدادۀ خداوند متعال بود هیچ شبی نبود که در آن به تهجد و عبادت نپردازد همین که اطمینان می‌یافت اطرافیان به خواب رفته‌اند از جای برمی‌خاست و تا هنگامه صبح به عبادت و مناجات با خدا می‌پرداخت. ایشان دلشده و شیدای سر از پا نشناخته ائمه اطهار علیهم‌السلام بودند. شیدائی او با معرفت و شناخت زرف همراه بود. عشق عمیقی به مولای متقیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام داشت. به گونه‌ای که یک بار در هنگام قرائت قرآن وقتی به آیه چهارم از سوره مبارکه تحریم رسید، که در آن عبارت

«وصالح المؤمنین» به کار رفته است و در احادیث زیاد و معتبر از این آیه تعبیر به مولای متقیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام شده است، آن‌چنان فریادی از درون دل کشید به گونه‌ای که به حالت غشوه به روی زمین افتاد که یکی از اطرافیان گمان مرگ او را نمود.

او همواره بر حضرت سیدالشهداء امام حسین علیه السلام می‌گریست که شبها پس از برپایی نماز شب به آرامی به سینه خود می‌زد و به یاد مصائب امام حسین علیه السلام آرام و بی‌صدا چشمه اشک خویش را جاری می‌ساخت. هر سال چندین بار و به مناسبت‌هایی مختلف به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام می‌شتافت. گاه در این مسافرت‌ها لباس خویش را به لباس ساده و عربی مبدل می‌ساخت. در گوشه مسجد مسجد در اتاق بسیار ساده و بی‌پیرایه می‌زیست و در همان مسجد نیز به اقامه جماعت می‌پرداخت و با وجودی که از عمر شریفش بیش از ۷۵ سال می‌گذشت اما چون سبکبال و سحرخیز بود مانند

می‌ایستاد و با خواندن آیه‌ای از قرآن یا حدیثی نمازگزاران را با بیانی رسا، شیوا و اثرگذار موعظه می‌کرد.

در مسجد مجدد اطرافی اختصاصی داشت که کارهای علمی خود را در آن جا دنبال می‌کرد؛ از جمله دوره کتاب مصباح الهدی فی شرح عروة الوثقی تألیف پدر بزرگوارش را پس از بازنگری، تصحیح و آماده‌سازی برای چاپ تحویل چاپخانه می‌داد.

در حل مشکلات گوناگون مردم در حد توان مخلصانه اقدام می‌کرد.

در مسائل سیاسی به یاد دارم روزی در خدمت ایشان و جمعی از علمای تهران به محضر مرحوم آیةالله العظمی حاج سید احمد خوانساری شرفیاب شدیم. مرحوم آیةالله حاج آقا ضیاء پس از ایراد سخنانی در باره نهضت اسلامی و شخصیت امام خمینی قدس سره، اظهار داشت ما آماده‌ایم هر دستوری را که حضرت عالی در باره ادامه و پیشرفت نهضت بدهید حتی تهیه اعلامیه و پخش آن انجام دهیم و دیگران هم سخنانی

پرنده جسور و دارای جست و خیز به فعالیت و حسرت و مسافرت می‌پرداخت و هیچ گاه ابراز خستگی نمی‌کرد. شادابی و روح عبادت و معنویت از چهره نورانی او می‌تابید. از مرید و مرادی به شدت بیزار بود. همین که احساس می‌کرد کسی اندک ارادتی به او پیدا کرده است او را به گونه‌ای می‌آزارید تا تمام از سیر الی الله او بکاهد. او معتقد بود که همه ارادتها باید در ذات اقدس باری تعالی اجضار گردند و همه باید رو به سوی خدا کنند و نه غیر خداوند.

نگارنده در حدود سال ۱۳۲۷ به خاطر درمان بیماری درد مفاصل به تهران رفته و چند هفته‌ای در منزل آن مرحوم در محله حسن آباد میهمان و از نزدیک مشاهده فعالیت‌های علمی، اجتماعی، تبلیغی و اخلاقی آن فقید سعید بودم. در مسجد مجدد (واقع در چهارراه حسن آباد) به جای پدر اقامه نماز جماعت می‌کرد. چقدر برایم جالب بود که می‌دیدم ایشان بین دو نماز

مشابه ایراد کردند.

۷۲



سرانجام آیه‌الله العظمی حاج آقا ضیاءالدین آملی در روز جمعه ۱۹ شهریور ۱۳۶۱ / ۲۱ ذیقعده ۱۴۰۲ قمری پس از یک بیماری طولانی در یکی از بیمارستانهای تهران دعوت معبود خویش را اجابت کرد و به ملکوت اعلی پیوست.

بیکر مظهرش به مشهد مقدس انتقال

یافت و در جوار محبوبش امام رضا علیه السلام

در ایوان طلا به خاک سپرده شد.

برگرفته از یادداشتهای داماد محترم

ایشان حجة الاسلام والمسلمین صدوقی

و استاد الهی خراسانی و مجله پیغم

انقلاب اسلامی، شماره ۲۸.

غلامرضا جلالی

معنوی و فرهنگی مشغول بود. پدرش آیه‌الله حاج شیخ محمد فرزند علی آملی در قبرستان ابن بابویه شهر ری دفن شده است و فضایل ایشان در تذکرة المقابر فی احوال المفاخر تألیف شیخ محمد شریف رازی آمده است.

آملی در روز ۱۱ ذیقعده سال ۱۳۰۴ هـ ق مصادف با سالروز ولادت امام رضا در تهران چشم به جهان گشود و زیر نظر پدرش رشد کرد و مقدمات و سطوح را نزد دانشوران تهران آموخت. به سال ۱۳۳۹ هـ ق عازم نجف شد و ۱۴ سال از محضر حضرات آیات نائینی

(۱۲)

آملی - محمد تقی

(۱۳۰۴ - ۱۳۹۱ هـ ق)

آیه‌الله حاج شیخ محمد تقی آملی از مشاهیر علما و مجتهدان بلند پایه عصر حاضر بود. سالها در تهران به خدمات

تلاش می‌کردند حضرت آیه‌الله جوادی آملی در کتاب اسرار عبادت در این باره می‌نویسند:

مرحوم آیه‌الله شیخ محمد تقی آملی حکیم و فقیه متأدب به آداب اسلامی و متواضع بود. بزرگوار و کریم بود. یک وقت فرمود: در خواب دیدم دشمن به من حمله کرد من با آن دشمن درگیر و گلاویز شدم، دشمن مرا رها نمی‌کرد من برای این که از شر او نجات پیدا کنم هیچ چاره نداشتم جز آن که دست او را به شدت گاز بگیرم تا مرا رها کند و در این حال پاره‌پاره شدم و دیدم دستم در دهان خود من است و به شدت دستم را گاز گرفتم. در همان عالم خواب به من فهماندند که دشمن تو کسی جز خودت نیست از خودت نجات پیدا کن.

مرحوم آیه‌الله العظمی شیخ محمد تقی آملی از جمله شخصیت‌هایی است که توفیق ملاقات با حضرت امام زمان (عج) را پیدا کرد. درباره این ملاقات، مرحوم آیه‌الله العظمی علامه طباطبایی (ره) صاحب تفسیر المیزان از

اصفهانی، فیروز آبدی، کمپانی، خوانساری و عراقی بهره‌برد و به درجه ایجتهد نایل گردید و در این سفر بین ایشان و آیه‌الله حاج شیخ محمد کوهستانی همدوره‌اش دیداری حاصل شد، ایشان سال ۱۳۵۳ هـ.ق به تهران بازگشت و در محله حسن آباد اقامت گزید. در مسجد مجددوله امامت جماعت را به عهده گرفت و در منزل خود تدریس می‌کرد. آیه‌الله حسن زاده آملی و آیه‌الله جوادی آملی از نامدارترین شاگردان مکتب او هستند. آیه‌الله حاج شیخ محمد تقی آملی در شمار شخصیت‌های بلندپایه حوزوی بود که مرجعیت امام خمینی را در وقایع خرداد ۱۳۴۲ تأیید کردند و از توطئه رژیم پهلوی نسبت به جان ایشان جلوگیری کردند.

حضرت آیه‌الله العظمی حاج شیخ محمد تقی آملی با این همه موقعیت علمی و فقهی و اجتماعی که داشتند بسیار فروتن و متواضع بودند و پیوسته در جهت خودسازی و مبارزه بانفس

قول استاد خودشان مرحوم قاضی نقل می‌کند که:

بعضی از افراد زمان ما مسلماً محضر مبارک آن حضرت را درک کرده و به خدمتش شرفیاب شده‌اند و یکی از آنها شیخ محمد تقی املی بود که در مسجد سهله در مقام آن حضرت که به مقام صاحب‌الزمان معروف است مشغول دعا و ذکر بود که ناگهان آن حضرت را در میانه نوری بسیار قوی می‌بیند که به او نزدیک می‌شدند و چنان ابهت و عظمت آن نور او را می‌گیرد که نزدیک جوی قبض روح شود و نفسهای او به شمارش قبض افتاده و تقریباً یکی دو نفس به آخر مانده بود که جان دهد آن حضرت را به اسماء جلالیه قسم می‌دهد که دیگر به او نزدیک نگردد. بعد از دو هفته که ایشان در مسجد کوفه مشغول ذکر بود حضرت بر او ظاهر شدند و لذا او مراد خود را می‌یابد و به شرف ملاقات می‌رسد.

آیه‌الله العظمی حاج شیخ محمد تقی املی در کسار تدریس و تبلیغ و روشنگری مردم با این که فرصت کافی

نداشتند از تألیف کتب نیز غافل نماندند و توانستند با اراده قوی و همت عالی خود تألیفات ارزنده‌ای به یادگار گذاردند. تألیفات معظم‌له از این قرار می‌باشد:

- ۱- مصباح الهدی فی شرح عروة الوثقی که شرح مفصلی می‌باشد بر عروة الوثقی مرحوم آیه‌الله العظمی آقا سید محمدکاظم طباطبایی یزدی که تا به حال ۱۲ جلد از این شرح چاپ گردیده است. ایشان با این شرح مشکلات و مشواریهای کتاب عروةالوثقی را به خوبی حل کرده و فهم آن را بسیار آسان نمودند. ۲- شرح کفایة الاصول ۳- شرح منظومه سبزواری ۴- شرح اشارات ابن سینا ۵- تقریرات اصول مرحوم آیه‌الله العظمی آقا ضیاء الدین عراقی تا آخر آن ۶- تقریرات اصول مرحوم آیه‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی ۷- کتاب التجاره ۸- کتاب الصلاة (تقریرات مرحوم آیه‌الله العظمی نائینی) ۹- شرح و حاشیه‌ای بر کتاب مکاسب مرحوم شیخ انصاری ۱۰- رسایل متعدد

آملی علیه السلام در باغ رضوان مشهد در جوار
مرقد علی بن موسی الرضا علیه السلام به خاک
سپرده شد.

غلامرضا جلایی

آیه الله زاده اصفهانی ← موسوی
اصفهانی - علی

(۱۳)

آیه الله زاده خراسانی - مهدی

(۱۲۹۲-۱۳۶۴ هـ ق)

میرزا مهدی معروف به آیه الله زاده
خراسانی فرزند آخوند ملا محمد کاظم،
در سال ۱۲۹۲ هـ ق در نجف به دنیا آمد.
مقدمات و سطح را نزد شیخ
زین العابدین شاهرودی فراگرفت و
مدتی در درس پدر خود شرکت جست،
ولی چشم درد شدید او مانع ادامه
تحصیل شد.

سال ۱۳۱۹ هـ ق به ایران آمد و در
همه جا مورد استقبال مردم قرار گرفت
و در تهران با مظفرالدین شاه دیدار
نمود، به مشهد آمد و پس از مراجعت به
نجف با توجه به شروع نهضت مشروطه

از قبیل رضاع ۱۱ - اصالة الصحه
۱۲ - قاعده لاضرر ۱۳ - صحیحته لا تعاد
و رساله های متعدد در اثبات صانع
۱۴ - استغراقات در فقه ابواب رهن - وقف
و وصیت، و غیر آن ۱۵ - مجموعه کتب
تاریخی عقیدتی که به چاپ رسیده و
در بردارنده سخنرانیهای معظم له در
مسجد مجدالدوله تهران است.

سرانجام آیه الله العظمی حاج شیخ
محمد تقی آملی پس از عمری تلاش
بی وقفه در ۲۹ شوال ۱۳۹۱ قمری بعد از
اقامة دو رکعت نماز و سلام به مولایش
حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام
پرفروغ و حق بینش آهسته به روی هم
قرار گرفت. دفتر حیات عاریت بسته
شد و خورشید درخشان عمرش غروب
کرد. روح پاکش قدم به دنیای جاوید
گذاشت تا در جوار قرب کردگار
جایگزین شود. پیکر پاک و مطهر
حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ محمد
تقی آملی پس از تشییع با شکوه در
تهران و مشهد و اقامة نماز به امامت
فرزندش آیه الله حاج شیخ ضیاء الدین

ایران، از شیخ خزعل خواستند تا در مبارزه فراگیر آنها شرکت کند و مانع نفوذ انگلیس در خوزستان شود.

در مدتی که میرزا مهدی و علمای دیگر در کاظمین بسر می‌بردند، بین ایشان و وثوق الدوله تماس برقرار بود و با آخرین تلگراف وثوق الدوله که از بازگشت قشون روس و اصلاح امور، خبر می‌داد، علما به نجف مراجعت کردند.

میرزا مهدی در سال ۱۳۴۲ هـ ق در جریان اعلان جنگ علمای عراق با انگلیس، همراه علمای تبعیدی به ایران آمد و پس از مدتی به بغداد بازگشت و طی دیدار با ملک فیصل اول، پادشاه عراق، امکان مراجعت علما را فراهم ساخت.

آخرین سفر میرزا مهدی به ایران در سال ۱۳۲۴ هـ ش / ۱۳۶۴ هـ ق اتفاق افتاد. او وقتی به تهران رسید بیمار شد و اردیبهشت همان سال چشم از جهان فرو بست و جسد او را به مشهد حمل کردند و در دارالسماعه کنار قبر

به عنوان مشاور سیاسی پدر فعالیت می‌کرد و برای استقرار مشروطیت سخت کوشید. تا جایی که برخی از مطبوعات آن زمان از جمله روزنامه حبل‌المتین، زحمت‌های ایشان را ستودند.

در سال ۱۳۲۷ هـ ق در جریان اولتیماتوم روس، میرزا مهدی همراه پدر خود به قصد مبارزه با روسها آماده حرکت از نجف شد و با درگذشت ناگهانی آخوند، با لباس عزا، همراه علما

و مردم مؤمن به منظور جهاد علیه روس از نجف حرکت کرد. در شهر کاظمین از طرف علمایی چون حاج شیخ تقی‌الدین تبریزی، شیخ مازندرانی، شیخ الشریعه اصفهانی، حاج شیخ محمد حسین حائری، آقا میرزا محمد تقی شیرازی، به ریاست هیأتی انتخاب گردید که مأموریت داشت برای بیرون راندن روسها با دولت ایران همکاری کند. میرزا حسین نائینی، شیخ عبدالحسین رشتی، شیخ جواد جواهری، سید ابوالحسن اصفهانی و سید مصطفی کاشانی، از اعضای دیگر آن بودند، آنها در کنار تماس با دولت

آیات سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء‌الدین عراقی، حاج شیخ کاظم شیرازی و مشکینی، علم آموخت و پس از مدتی به دلیل کسالت به شیراز مراجعت کرد و در اصفهان نزد آیات میرزا محمد صادق احمدآبادی، آقا شیخ محمد خراسانی، شیخ محمد رضا مسجدشاهی، آقا رحیم ارباب و شیخ محمد حسین فشارکی مدارج علمی را یکی پس از دیگری پشت سر نهاد و به درجه اجتهاد و اخذ اجازه نایل شد.

وی تابستان ۱۳۴۹ هـ ق مدتی در قم از محضر آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه قم بهره برد و همان سال به مشهد آمد و در حوزه درس آیات حاج آقا حسین قمی و حاج میرزا محمد کفایی شرکت جست و سال ۱۳۵۱ هـ ق به شیراز عزیمت نمود و به ترویج معارف الهی و اقامه نماز جمعه در مسجد آقا احمد شیراز پرداخت. او این مسجد را تجدید بنا نمود و مدرسه علمیه ابراهیم را در صحن امامزاده ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام تأسیس

امام هشتم علیه السلام به خاک سپردند.

سرگمی در نور / ۲۰۲-۴۱۱، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران ۱/ ۶۰-۶۱، تاریخ آستان قدس رضوی / ۳۳۷

غلامرضا جلالی

(۱۴)

آیت‌اللهی - سید محمد باقر

(۱۳۲۲-۱۳۹۹ هـ ق)

آیت‌الله سید محمد باقر آیت‌اللهی شیرازی معروف به «حاج عالم» فرزند آیت‌الله حاج سید عبدالباقی مسجد متوفی ۱۳۵۴ هـ ق از علمای شیراز است. پدرش از مراجع تقلید و مدرس دختر آیت‌الله حاج سید عبدالحسین نجفی لاری بود، روز بیستم شعبان ۱۳۲۲ هـ ق متولد شد. سال ۱۳۳۳ هـ ق به شیراز آمد و طی ۱۵ سال در خدمت پدرش و علمایی چون حاج شیخ علی ایبوردی، حاج شیخ جعفر محلاتی، حاج میرزا محمد صادق شیرازی با علوم اسلامی آشنا شد و سال ۱۳۴۶ هـ ق عازم نجف گردید و در محضر

کرد و در برخی از روستاهای اطراف شیراز مسجد و غسلخانه ساخت. آیه‌الله سید محمد باقر آیت‌اللهی در سال ۱۳۹۹ ه‍.ق به قصد زیارت به مشهد آمد و در طول همین سفر روز پنجشنبه ۲۵ شعبان در حال نماز داعی حق را لیبیک گفت و در صحن آزادی در حجرة جنب دارالضیافه دفن گردید.

تقریرات اصول آقا ضیاء الدین عراقی، خارج مکاسب حاج شیخ محمد کاظم شیرازی، صلوة جمعه و صلوة مسافرنائینی و نیز کتاب شناخت دین و رساله‌ای در هیئت و نجوم از آثار علمی ایشان است.

ابراهیم زنگنه



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

الف

داشت. وی سرانجام در سال ۱۳۱۴ ش
در مشهد وفات یافت و در حرم امام
رضا علیه السلام در جوار مقبره شیخ بهایی به
خاک سپرده شد.

مفاخر یزد ۳۸/۱.

سید حسن حسینی

(۱۶)

ابطحی سدهی - سید محمد باقر
(۱۲۹۰ - ۱۳۶۵ ه. ش)

حاج سید محمد باقر ابطحی سدهی
متولد سال ۱۲۹۰ ه. ش از بزرگان
علمیای حوزه علمیه اصفهان بود که
سالها بر مسند تدریس تکیه داشت. وی
در اصل از سده (خمینی شهر) اصفهان
بود که پس از خواندن مقدمات و سطوح
در خدمت آقا میرزا هاشم چهارسوقی،

(۱۵)

ابرقویی - محمود

(۱۳۱۴ ه. ش)

ملا محمود ابرقویی، فرزند ابوطالب

از عالمان دینی یزد در سده ۱۳ و اوایل
سده ۱۴ شمسی است. پدرش اهل

مهرجرد میبد بود و از آنجا به کتیرکوه میرزا سوری

تهاجرت کرد. ملا محمود تحصیلات
خود را در یزد، اصفهان، مشهد و تهران
به پایان رساند. وی در تهران از
شاگردان آیه الله شیخ فضل الله نوری
به شمار می رفت. و با آیه الله العظمی
حاج آقا حسین قمی (م ۱۳۶۶ ق)
همدرس بود.

علامه محمود برای تبلیغ دین به
شهرهای مختلف سفر می کرد و به امر به
معروف و نهی از منکر اهتمام ویژه ای

عبدالحسین محلاتی و جهانگیر خان قشقایی و میرزا هدایت الله چهار سوقی بود و در حدود پنجاه جلد کتاب و رساله تألیف نموده است که از مهمترین آنها می توان به تعلیقه بر فرائد، ختام الفرر، رساله در تعارض ادله، رساله در تعادل و تراجیح، رساله استدلالی در توحید، رساله در رضاع، رساله در ولایت حاکم و شرح فارسی بر کفایه آخوند خراسانی، اشاره کرد.

ابراهیم زنگنه

(۱۸)

ابن ابی جمهور احسایی - محمد
(- زنده ۹۰۴ هـ ق)

محمد بن زین الدین بن علی بن ابراهیم بن حسام الدین بن ابی جمهور احسایی، از علمای نامدار شیعه و زنده تا ذیقعد سال ۹۰۴ هـ ق در احساء بحرین متولد شد و در همانجا به تحصیل پرداخت. سپس سالها در نجف نزد اساتیدی چون شیخ شرف الدین حسن بن عبدالکریم فتال غروی درس

مؤلف میزان الانساب، به تکمیل علوم الهی پرداخت و به درجه اجتهاد دست یافت و سالها به تدریس دانشهای حوزوی اشتغال داشت تا این که به مشهد آمد و شعبان سال ۱۳۶۵ هـ ش در سن ۷۵ سالگی از دنیا رفت و در صحن آزادی حرم مطهر دفن شد.

سنگ مزار آن مرحوم و میزان
الانساب / ۳۲

ابراهیم زنگنه



(۱۷)

ابطحی سدهی - سید محمدعلی
(۱۲۹۴ - ۱۳۷۱ هـ ق)

حاج سید محمد علی ابطحی سدهی فرزند سید مهدی حسینی از سلسله سادات معروف به سادات حکیمی، در ماه صفر سال ۱۲۹۴ هـ ق در سده متولد و در ماه رجب ۱۳۷۱ هـ ق در سفر زیارت مشهد در این شهر درگذشت و در رواق دارالضیافه دفن گردید. ایشان از شاگردان آقا شیخ مرتضی یزدی و آقا سید محمد باقر درچه ای و شیخ

خوانند و سال ۸۷۷ هـ ق عازم سفر حج شد و در بازگشت چندی در شام توقف کرد. یک ماه هم در کرک نوح در محضر شیخ الاسلام علی بن هلال جزایری حاضر شد و مانند معاصر خود محقق کرکوک (م ۹۲۰ هـ ق) از او سماع حدیث کرد. بقیه خراسان آمد.

ابن ابی‌جمهور در فقه و حدیث و کلام تخصص داشت و عارف مشرب بود و کتابهای مفیدی در این عرصه‌ها نوشته است.

از آثار بنام او زاد المسافرین در اصول دین است که در سال ۸۷۸ هـ ق در سفر خود به مشهد تألیف کرد و به درخواست شاگردش میرمحسن بن محمد رضوی مشهدی (متوفی ۹۳۱ هـ ق) آن را شرح کرد و نامش را کشف البراهین الاقطاب الفقهیه والوظائف الدینیة علی مذهب الامامیه، درایة النهایة فی الحکمة الاشراقیه، درر اللآلی المعادیة فی الاحادیث الفقهیه، المجلی وطوالی اللآلی از آثار دیگر اوست.

احسائی گفتمانهایی با فاضل هروی

از علمای عامه داشته است که در کتاب مناظره ابن ابی‌جمهور منعکس است. این کتاب مشتمل بر سه مجلس است: مجلس اول درباره امامت امیرالمؤمنین می‌باشد و در خانه سید محسن بن میر محمد رضوی صورت گرفته است و قاضی نورالله خلاصه آن را در کتاب خود منعکس نموده است و مجلس دوم در مدرسه صورت گرفت. مجلس سوم درباره اعمال خدعه در امر خلافت بود.

همه این مجالس در سال ۸۷۸ هـ ق انجام پذیرفت و مولی نوروز علی بسطامی تمام آن را در فردوس التواریخ آورده است.

آخرین سفر ابن ابی‌جمهور احسایی به مشهد در سال ۸۹۶ هـ ق اتفاق افتاد و پس از درگذشت در کنار قبر امام پاکان دفن شد.

الذریعة ۲/۲۷۳، ۱۰/۱۲، ۱۳/۲۹۷،
۱۸/۲۲، ۲۲/۱۸، ۲۲۸۶/۲۲ ترجمه الکنی و
اللقاب ۱/۳۴۱، مفاخر اسلام
۳۹۷/۴-۴۰۴، نامه دانشوران ۳/۳۷۸،
دائرة المعارف فارسی ۱/۱۴،
دائرة المعارف تشیع ۱/۲۹۳،

عظام میرزای نائینی، سید ابوالحسن
اصفهان‌نی و آقا ضیاء عراقی بوده است.

سید عباس ابوترابی پس از فراگیری
علوم مقدماتی نزد آیات: شیخ محمود
رئیسی، شیخ یحیی مفیدی و پدر خود با
مبانی علوم الهی آشنا شد. سال ۱۳۵۳
ه‌ق به حوزه علمیه قم رفت و به تکمیل
دانش پرداخت در دروس آیات: حجت
کوهکمری و پروچردی و پس از وفات
ایشان درس امام خمینی، محقق داماد و
علامه طباطبائی حاضر شد. بعد به
زادگاهش بازگشت و به تدریس و
اقامه جماعت پرداخت. در سال ۱۳۷۷
ش از سوی مقام معظم رهبری به امامت
جماعت مسجد امام حسین علیه السلام تهران
منصوب شد. وی دلی مهربان داشت و
در کمک به مستمندان و نیازمندان سراز
یا نمی‌شناخت و حسینی‌های برای مردم
شهر قزوین در مشهد بنیاد نهاد.

سرانجام آن عالم بزرگوار پس از ۸۴
سال زندگی صبح روز پنجشنبه ۲۷ صفر
۱۴۲۱ / ۱۲ خرداد ۱۳۷۹ ش در مسیر
زیسارت حضرت علی بن

دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۶۳۴/۲
- ۶۳۷، هدیه الاحباب / ۵۳، اعیان الشیعه
۲/ ۲۵۷، ۲۶۳، ۴۳۴/۹.

غلامرضا جلالی

(۱۹)

ابوترابی - سید عباس
(۱۲۹۵-۱۳۷۹ ه‌ش)



آیةالله حاج سید عباس ابوترابی، از
علمای بزرگ و مشهور قزوین بود، در
سال ۱۳۳۵ ه‌ق / ۱۲۹۵ ه‌ش در
بیت علم و فضیلت، در قزوین به دنیا
آمد. پدرش آیةالله سید ابوتراب قزوینی
(۱۳۰۹-۱۳۹۳ ق) از شاگردان آیات



موسی الرضا رضی الله عنه همراه فرزندش حاج سید علی اکبر ابوترابی در سانحه تصادف درگذشت و پس از تشییع بسیار باشکوه در تهران و قزوین به مشهد انتقال یافت و در صحن نو (آزادی) حجره بیست و چهار دفن شد. زبدة المقال فی خمس النبی، تقریرات درس فقه آیه الله بروجردی و آیه الله حجت، جهاد نفس، حقیقت در سیمای حق، مباحث توحید، یک دوره فقه و اصول از آثار قلمی ایشان است.

آینه پژوهش ۶۲ / ۶۰-۶۱

نماینده مردم تهران در دوره چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی، پس از

غلامرضا جلالی
تحصیل علوم اسلامی در مشهد در

محضر استاد الهی خراسانی و برخی دیگر از بزرگان و در تهران عازم نجف اشرف شد و در ایام انقلاب به ایران برگشت. در جریان جنگ عراق علیه ایران اسیر شد و پس از ده سال اسارت و مقاومت شجاعانه، سرافراز وارد میهن اسلامی شد و بار دیگر در خدمت انقلاب و مردم مؤمن قرار گرفت. او نمونه عینی و تجسم عملی ایثار و تقوا و تعهد و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا،

(۲۰)

ابوترابی - سید علی اکبر

(۱۳۱۸-۱۳۷۹ ش)

حجة الاسلام والمسلمین حاج سید علی اکبر ابوترابی فرزند آیه الله حاج سید عباس ابوترابی سردار سرافراز جبهه‌های جنگ و اسارت و نماینده ولی فقیه در امور آزادگان و نماینده ولی فقیه در دانشگاه تهران، و



خدمت به مردم و عشق به اهل بیت بود.
 حجة الاسلام سید علی اکبر ابوترابی
 در مسیر زیارت قبر مطهر امام هشتم
 ﷺ همراه پدر در روز پنجشنبه ۲۷ صفر
 ۱۴۲۱/۱۲ خرداد ۱۳۷۹ ش. در
 سانحه تصادف، چشم از جهان فرو
 بست و پس از تشییع باشکوه در تهران
 و قزوین و مشهد در صحن نو (آزادی)
 حجره بیست و چهار حرم مطهر امام
 رضا ﷺ به خاک سپرده شد.

آینه پژوهش ۶۲ / ۶۰-۶۱



دنیا نهاد. در دوسالگی پدر را از دست
 داد. درسهای مقدماتی را در زادگاه خود
 به پایان برد و در ۱۵ سالگی به مشهد
 آمد و در مدرسه نواب حجره گرفت.
 صرف و نحو را نزد حاج محقق قوچانی،
 فاضل بسطامی، شیخ عبدالعزیز، ملا
 عبدالخالق و میرزا عبدالجواد ادیب
 نیشابوری تکمیل کرد. ریاضیات را از
 میرزا عبدالرحمن مدرس و هیئت را از
 مشکان طبسی آموخت. فقه و اصول را
 نزد حاج شیخ حسن برسی و میرزا
 قدوس ابهری و حکمت را در محضر
 شیخ ابوالقاسم نیشابوری از شاگردان

ادیب اول ← ادیب نیشابوری -
 عبدالجواد

(۲۱)

ادیب بجنوردی - سید حسین
 (۱۲۵۹-۱۳۴۱ هـ ش)

سید حسین موسوی نسل، معروف
 به ادیب بجنوردی، فرزندی میرزا
 ابوالحسن، در سال ۱۳۰۰ هـ ق در
 روستای خراشا از توابع بجنورد پا به

خدمت فرهنگ درآمد و به اتفاق دانش بزرگ‌نیا و انتخاب‌الملک رام و مستشارالملک، دبیرستان دانش را تأسیس کردند.

در سال ۱۳۰۸ هـ ش دانشکده معقول و منقول با تلاش اسدی، در مشهد تأسیس گردید و تدریس تاریخ ادبیات و تفسیر به مرحوم ادیب بجنوردی واگذار شد. ایشان همزمان در مدرسه نواب منطق، علوم ادب و منظومه تدریس می‌نمود.

ادیب در سال ۱۳۱۴ هـ ش به اصفهان منتقل و مأمور تأسیس دانشکده معقول و منقول در آن شهر شد و ریاست دبیرستان صارمیه نیز به ایشان واگذار گردید. در مدرسه صدر کتاب شوارق، در مدرسه چهارباغ علم کلام و در مسجد حاج میرزا هاشم تفسیر می‌گفت.

ادیب در سال ۱۳۱۶ هـ ش به تهران منتقل شد و معاونت و مشاوره فنی کتابخانه ملی به ایشان واگذار گردید و در همین سمت از فرهنگ بازنشسته شد

حاج ملا هادی سبزواری و عموی خود سید محمد بجنوردی و حاجی فاضل تلمذ نمود. منطق را در پیشگاه حاجی محقق و خارج فقه را در خدمت آیات حاج شیخ حسنعلی تهرانی، میرزا محمد آقا زاده و حاج آقا خستین قمی تحصیل کرد و در مجالس تفسیر عرفانی مرحوم حاج میرزا حبیب الله مجتهد نیز حضور می‌یافت.

ادیب بجنوردی از سال ۱۳۲۲ هـ ق که مصادف با اعلان مشروطیت بود، به خدمات نوین فرهنگی روی آورد و در اولین مدرسه مشهد، یعنی مدرسه معرفت و پیش از آن در مدرسه مظفری و مؤسسات شرکت فرهنگ تدریس ادبیات، منطق، فیزیک و شیمی پرداخت.

ادیب در صدر مشروطیت از اعضای مؤثر حزب دموکرات خراسان بود و با روزنامه‌های محلی و تهران همکاری می‌کرد. در سال ۱۲۹۸ هـ ش همزمان با آمدن سید محمد سلطان العلما و تأسیس فرهنگ خراسان، به

فرهنگ شماره ۷ سال ۱۳۳۱

غلامرضا جلالی

(۲۲)

ادیب خاوری - حسن

(۱۳۸۶ ق ۵)



حاج شیخ حسن معروف به ادیب خاوری، از مشایخ معرفت و سالکین طریقت و نایلان به حقیقت و انسان خوش مشرب، بذله گو، شیرین زبان و خنده رو بود و حافظه و استعداد غریبی داشت.

ادیب خاوری در علوم رمل و اعداد و جفر و طلسمات و تسخیرات و ادویه

و از آن به بعد در دانشکده معقول و منقول به تدریس پرداخت و در کنار آن در مدرسه سپهسالار منظومه و در مدرسه شیخ عبدالحسین کلام تدریس می کرد. در سالهای آخر عمر به دلیل پادرد، در منزل خود درس می گفت، تا این که روز یکشنبه ۴ شهریور ۱۳۴۱ پس از چند سال تحمل سختی دعوت حق را لیک گفت و به سرای ابدی برگشت. جنازه اش به مشهد منتقل گردید و در مدرسه علی نقی میرزا که امروزه بخشی از بست بالا و صحن جدید شده است به خاک سپرده شد. از آثار قلمی مرحوم بجنوردی علاوه بر جزوه های درسی که برای دانشجویان فراهم ساخته بود و مجموعه اشعار که در سال ۱۳۸۰ ش به چاپ رسید، می توان به سیر طبیعت، مقدمه ای بر توحید مفضل، درباره معراج و کتابی در منطق اشاره کرد که هنوز به چاپ نرسیده اند.

فرهنگ خراسان، شماره ۴۸/۴-۱۵۱، روزنامه آزادی ۲/۱۰/۱۳۲۷، ص ۱، دانشوران بجنورد ۱۵۱/۱۵۲، نامه



استادی بی نظیر بود. با عرفا مراوده و با حکما و شعرا دوستی داشت. انوار الیقین در علم جفر، خاتم الرمل، منطق الاسرار در رمل و خلاصه الاعداد و الالواح در علم اعداد از آثار اوست. بهارالمعارف وی مشتمل بر قصاید، غزلیات و ترجیعاتی است که سروده است.

وی قریب ۱۱۵ سال عمر کرد و شب جمعه ۱۷ رمضان سال ۱۳۸۶ از جهان درگذشت و در باغ رضوان دفن گردید.
مرآة الحجة / ۱۰۰-۱۱۳

بیماری آبله چشم راستش را از او گرفت و شوی اندکی برای چشم چپش

علامه کمالی، میرزا باقری، عارف

میرزا حافظه بسیار خوبی داشت. پس از آشنایی با خواندن و نوشتن، به تشویق پدرش ملا حسین، عازم نیشابور شد و سال ۱۲۹۷ هـ ق برای دانش‌اندوزی به حوزه پروتق مشهد آمد، ابتدا به مدرسه خیرات‌خان رفت، بعد مدرسه فاضل‌خان و در آخر در مدرسه نواب حجره‌ای گرفت و ضمن فراگیری مقدمات علوم ادب، کتابهای نهج البلاغه، مغنی، مطول، مقامات

ادیب دوم ← ادیب نیشابوری - محمد تقی

(۲۳)

ادیب نیشابوری - عبدالجواد
(۱۲۸۱-۱۳۴۴ هـ ق)

میرزا عبدالجواد سال ۱۲۸۱ هـ ق در «بیژن‌گرد»، از روستاهای نیشابور چشم به جهان گشود. در اوان کودکی،

بدیعی، مقامات حریری، حاشیه و شمسیه را بدون استاد یاد گرفت و مقداری فقه و اصول و حکمت و کلام را نزد اساتید آن عصر حوزة، تلمذ کرد و به نیشابور بازگشت و پس از درگذشت پدر، در حدود سال ۱۳۱۰ هـ ق بار دیگر به مشهد آمد و در یکی از حجره‌های مدرسه نواب مستقر شد و تا پایان عمر هرگز به سفر نرفت.

میرزا انسانی سخت‌کوش بود، او بد این که قدرت بینایی بسیار اندکی داشت، هرگز دست از مطالعه نکشید. گاهی تا سپیده صبح چشم از کتابت بر نمی‌داشت و سحرگاهان ترنم گنجشکان او را به خود می‌آورد. به تدریج دانسته‌های ادبی و تاریخی او به جایی رسید که سخنان ارجمند او در گستره این دانشها، همه صاحب‌نظران را به حیرت می‌افکند. او در حکمت انبی و طبیعی نیز مهارت داشت و نظریات ملاصدرا را می‌پسندید و در نجوم، جبر و مقابله و حساب و هندسه از دانایان بود و با موسیقی نیز آشنایی داشت. اما

بدون تردید تخصص او در علوم ادب بود. او تمام قاموس و برهان قاطع را حفظ داشت و افزون بر دوازده هزار بیت از اشعار عرب جاهلی را به خاطر سپرده بود. ادیب هر شعری را با همان حال و هوای خود شعر، با لهجه‌ای بسیار دلنشین و سحرانگیز می‌خواند.

ادیب اهل قناعت و مناعت طبع بود. از وجوهات کمتر استفاده می‌کرد. بیشتر از راه حقوق‌التدریس آستان قدس رضوی و عایدات اندک ارثی نیشابور، روزگار می‌گذرانید. او همسر نگزید و به تنهایی راه زندگی را به آخر برد. بیانی صریح داشت و در مبارزه با جهل و ریا بیداد می‌کرد. زندگی نظام‌مندی داشت و هفته‌ای یک بار به حرم مطهر مشرف می‌شد. در بیشتر درسهای او، متجاوز از سیصد طلبه شرکت می‌کردند.

ادیب پس از سالیان مدید سخت مریض شد و به بیمارستان منتصریه انتقال یافت و هرگز به حجره بازنگشت و حجره خود را با خاطره چهل ساله رها ساخت. در حال احتضار از یکی از

مجله ارمغان، سال هفتم، شماره اول
 ۴۵/، دانشوران خراسان / ۱۴۵، شرح
 حال رجال ایران ۳/ ۲۳۷، ضمیمه تاریخ
 علمای خراسان / ۲۴۹، گمنجینه
 دانشمندان ۷/ ۹۷-۹۸، نامه فرهنگیان،
 خطی مجلس شورا / ۱۸۵، مجله
 دانشکده ادبیات مشهد، سال ۱۱ شماره
 ۲، ۱۵۲-۱۶۳، مجله دبستان، سال
 دوم، دی ۱۳۰۵، ۵۹/، الذریعه
 ۲۶۳/۱۸

غلامرضا جلالی

شاگردان خود خواست تا معلقه
 امرؤالقیس را برای او بخواند و خود زیر
 لب زمزمه می‌کرد، در بیت ۲۹ معلقه،
 ادیب برای همیشه چشم برهم نهاد و در
 شصت و سومین سال زندگی خود، صبح
 جمعه ششم خرداد ۱۳۰۵ / ۱۵ ذیقعد
 ۱۳۴۴ هـ ق، با تنی نحیف در گوشه‌ای از
 پای دیوار غربی دارالسیاده حرم مطهر
 به خاک سپرده شد.

میرزا عبدالجواد در طول حیات

پر بار خود، چهره‌های برجسته‌ای چون

ملک الشعراء بهار، بدیع الزمان

فروزانفر، محمد پروین گنابادی،

تقی مدرس رضوی، محمود فرخ، محمد

تقی ادیب نیشابوری، محمد علی

بامداد، سید جلال‌الدین تهرانی، سید

حسن مشکان طبسی را در مکتب خود

پروراند و نسبت به رویدادهای سیاسی

عصر خود بی‌توجه نبود. بیشتر این

جریانهای زندگی‌ساز، در اشعار ادیب

بازتاب یافته است. لالی مکنون از آثار

قلمی اوست که سال ۱۳۲۳ هـ ق در

مشهد به چاپ رسیده است.

(۲۴)

ادیب نیشابوری - محمد تقی

فروزانفر، محمد پروین گنابادی، سید محمد پروین

شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری،

مشهور به ادیب دوم، در سال ۱۳۱۵

هـ ق / ۱۲۷۴ هـ ش در خیرآباد، از بلوک

عشق‌آباد نیشابور پا به جهان نهاد.

پدرش اسدالله نام داشت و از دانش

بی‌بهره نبود.

محمد تقی نزد پدر خواندن و نوشتن

را فراگرفت و در ۱۸ سالگی به دستور

پدر عازم مشهد شد و نزد دایی خود

حاج شیخ محمد کدکنی (متوفی ۱۳۵۷

(متوفی ۱۲۴۰ هـ ق)، شیخ اسدالله یزدی
 (متوفی ۱۲۵۰ هـ ق)، میرزا باقر مدرس
 رضوی (متوفی ۱۲۲۳ هـ ق)، آقا
 سیدجعفر شهرستانی، قوام الحکما،
 مشیرالاطباء، و حکیم فاضل خراسانی
 بهره برد.



ادیب نیشابوری متون ادبی، منطقی
 و اصولی، از جمله سیوطی، مغنی، شرح
 مطول، شرح نظام، حاشیه ملاً عبدالله،
 معالم، مقامات حریری، عروض و قافیه
 ادر مدرسه‌های خیراتخان، سلیمانیه،
 میرزا جعفر، مسجد ترکها، مسجد
 گوهزین شاد و در سال ۱۳۲۵ هـ ش، چند

ماهی در آموزش و پرورش تدریس
 کرد. او همیشه زودتر از دیگران در
 جایی، بالای حجره چهارزانو
 می‌نشست و درس را شروع می‌کرد.

در سال ۱۳۴۱ هـ ش با پیشنهاد سید
 جلال‌الدین تهرانی، استاندار و
 نایب‌التولیه وقت آستان قدس، عنوان
 مدرس آستان قدس را پذیرفت و در
 آرامگاه شیخ بهایی به تدریس پرداخت
 و این امر هفت سال ادامه یافت تا این

هـ ق) مقدمات را فسر گرفته و در
 اواخر سال ۱۳۲۳ هـ ق وارد حوزه
 درس میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری
 گردید.

شیخ محمد تقی از محضر میرزا
 عبدالجواد، کمال استفاده را برد و در
 آموختن ادبیات عرب، فارسی، منطق،
 فلسفه، ریاضیات، تفسیر، حدیث،
 رجال، فقه، اصول، طب، علوم غریبه و
 علوم جدید رنجها کشید. وی در کسب
 این دانشها به جز میرزا عبدالجواد، از
 محضر اساتید دیگر از جمله آقا میرزا
 عسکری مشهور به آقا بزرگ حکیم
 (متوفی ۱۳۵۵ هـ ق)، شیخ حسن بُرسی

(۲۵)

ادیب هروی - محمد حسن

(۱۲۶۳-۱۳۴۷ ه.ش)



که در زمستان ۱۳۴۸ پایش آسیب دید و از آن پس تا زمان ارتحال در منزل تدریس می نمود. او در ۲۱ آذر ۱۳۵۵ / بیستم ذی الحجه ۱۳۹۶ ه.ق، در ۸۱ سالگی بدرود حیات گفت و در زاویه غربی صحن عتیق دفن گردید.

ادیب انسانی آزاده و عارف مسلک بود و نسبت به امور دنیوی، مقامات و شخصیتها بی اعتنا بود و مسامت طبع داشت و از تعلق و ریا دوری می جست و آثار علمی و ادبی زیادی از خرد برجای گذاشت. گوهر تابنده،



آئین نامه، ستایش نامه، طریقت نامه، کبیر علوم، شیخ محمد حسن خراسانی، معروف به ادیب هروی، از ادبای برجسته و شعرای نامور و از دانایان علوم ادب به شمار می رفت. پدرش ملا محمد تقی از علمای مشهد و از خادمان کشیک دوم حرم مطهر امام رضا علیه السلام بود و سال ۱۳۲۵ ه.ق در ۵۳ سالگی در مشهد درگذشت و در حرم دفن شد.

زندگی و اشعار ادیب یشابوری، گنجینه دانشمندان ۱۹۸/۷، نگاه حوزه، فلامرضا جلالی، شماره ۶/۲۵-۹

فلامرضا جلالی

شیخ محمد حسن هروی در سال ۱۲۶۳ ه.ش، در مشهد چشم به جهان گشود و علوم و معارف الهی را از

خدمت پدر فراگرفت و علوم ادب را نزد «ادیب طوسی» و میرزا محمّد باقر مدرّس و میرزا عبدالرحمن مدرس تلمذ کرد و در سال ۱۳۱۹ هـ ق و در آستانه انقلاب مشروطیت به حضور میرزا عبدالجواد نیشابوری رسید و مدت شش سال در درس وی حاضر شد. علوم ادب را نزد او تکمیل کرد و به درجه‌ای از دانش رسید که استاد، اجازه تدریس به وی داد و او را «رجل فاضل» خواند. وی علاوه بر آن از آیات، شیخ محمّد حسین نائینی و سید هادی خراسانی حائری، نیز اجازت‌گیری نمود. روایی دریافت کرد. آنها در اجازات خود مقامات علمی ادیب را ستودند.

ادیب در زمان رضاخان جذب کارهای آموزشی فرهنگ و هنر شد و بخشی از عمر خود را دبیری ومدتی در آستان قدس مدرسی نمود و در سال ۱۳۳۶ هـ ش بازنشسته شد و در سال ۱۳۴۷ هـ ش در ۸۵ سالگی زندگی را بدرود گفت و در دارالسعاده حرم حضرت رضا علیه السلام در کنار قبر پدرش

دفن گردید.

ادیب در آخرین سالهای زندگی خود کاری جز خادمی حضرت و تألیف آثار تاریخی و ادبی نداشت. کتاب «الحدیقه الرضویة»، «تاریخ انقلاب طوس» و «دستور حسن» از آثار پربهای اوست. وی دستور حسن را برای تدریس در مدارس نوشت و مکرر به چاپ رسیده است.

ادیب هروی اهمیت ویژه‌ای به تدوین تاریخ، بخصوص تاریخ معاصر می‌داد و خود وی نقش موثری در ضبط و ثبت رویدادهای عصر خود ایفا کرده است. ایشان در هر دو کتاب گرانبهای «تاریخ انقلاب طوس» و «الحدیقه الرضویة» مشاهدات خود و معاصرینش را در زمینه روزگار مشروطیت، واقعه به توپ بستن حرم مطهر توسط نیروهای روس، قیام گوهرشاد، وقایع شهریور ۱۳۲۰، اشغال خراسان توسط قوای روس و قیام صولت‌السلطنه هزاره را با دقت و وسواس بسیار زیادی نوشته و به خاطره تاریخ سپرده است. او به لحاظ

دارا بودن شم تاریخی و اهتمام به امور سیاسی، پای ادب را به قلمرو سیاست کشانده است و بیشتر رویدادهای سیاسی روزگار خود را به نظم درآورده است.

تاریخ آستان قدس / ۳۳۷، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران ۱/ ۱۰۹-۱۱۰، نقیه البشر ۱/ ۳۷۷، مجله نگاه حوزه، شماره ۲۵/ ۶-۹.

فلامرضا جلالی



(۲۶)

سید یونس در سال ۱۲۹۶ هـ ق در اردبیل چشم به جهان گشود، تحصیلات

۱۲۹۶-۱۳۷۷ هـ ق) در تحقیق کتب معتبره و تالیف کتب خود را در همان شهرستان به

انجام رسانید و برای ادامه تحصیل به زنجان رفت و فقه و اصول را از آخوند ملا قربانعلی زنجان، فراگرفت و علوم معقول را نزد حکیم متأله آخوند ملا سبزعلی حکیم آموخت و در حدود سال ۱۳۱۰ هـ ق عازم نجف شد و همزمان با پی گیری جریان نهضت مشروطه، در خدمت آخوند خراسانی، فاضل شریانی، سید محمد کاظم یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی، علم آموخت.

آیه الله حاج سید یونس اردبیلی، فرزند سید محمد تقی، فرزند میرفتحعلی، فرزند سیفعلی اردبیلی است که همگی در کسوت روحانیت حیات پربار خود را سپری کردند. میرفتحعلی اردبیلی، جد ایشان، از عرفای بلند پایه ای است که دستورالعمل عرفانی در اختیار شیخ مرتضی انصاری گذاشته است.

تقی چند از علما بازداشت شده و به تهران اعزام گردد.

آیه‌الله اردبیلی مدتی در بازداشتگاه بود سپس به اردبیل برگردانده شد و پس از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاخان ایشان به مشهد بازگشت و در برابر توده‌ایها ایستاد و فعالیت‌های باقروف وابسته سیاسی روسها در آذربایجان را ناکام گذاشت.

در طول نهضت ملی بیت آیه‌الله اردبیلی بار دیگر به مرکز تصمیم‌گیری چهره‌های مذهبی و سیاسی مشهد تبدیل شد. آیه‌الله کاشانی در سفر سال ۱۳۲۹ به مشهد، به منزل ایشان وارد گردید.

آیه‌الله سید یونس اردبیلی یک سال پیش از فوت، یعنی سال ۱۳۷۶ هـ ق به نجف اشرف سفر کرد و مورد استقبال جامعه روحانیت و توده‌های مردم قرار گرفت و به تقاضای بزرگان حوزه خارج فقه برخی از بحث‌های ضروری را مطرح کرد و با حالت مرضی به تهران عزیمت کرد. در جماران زیر نظر هیأت

پس از آن به کربلا سفر کرد، در حوزه میرزا محمد تقی شیرازی رهبر نهضت علمای عراق علیه اشغالگران انگلیسی، شرکت کرد و مورد توجه و وثوق ایشان قرار گرفت. رسیدگی به امور طلاب علوم دینی از سوی میرزا به وی واگذار شد.

آیه‌الله اردبیلی در سال ۱۳۴۸ هـ ق بر اثر چشم درد به اردبیل بازگشت و پنج سال بعد، یعنی سال ۱۳۵۳ هـ ق، به مشهد آمد و به تدریس و اداره امور دینی شهر پرداخت.

در جریان کشف حجاب بیت آیه‌الله سید یونس اردبیلی، خانه پنهان‌سازی میسر شد. ۲۱ نفری گردید و ارسال تلگراف ۲۱ نفری علمای برجسته مشهد خطاب به رضاخان و اعزام حاج آقا حسین قمی به تهران در خانه ایشان برنامه‌ریزی شد. پس از کشتار فجیع گوهرشاد، آخرین جلسه علمای مبارز خراسان در روز یکشنبه ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۵۴ / ۲۳ خرداد ۱۳۱۴ نیز در بیت ایشان واقع شد. موضع‌گیری آیه‌الله اردبیلی در جریان گوهرشاد موجب شد ایشان با

(۲۷)

اردبیلی - میر علینقی

(- زنده ۱۱۳۵ هـ ق)

میر علینقی اردبیلی از مشاهیر علمای مجاور بود و براساس گزارش اعتماد السلطنة صاحب مطلع الشمس تا سال ۱۱۳۵ هـ ق در قید حیات بوده و به ترویج و نشر احکام اسلام و تدریس اشتغال داشته است و پس از مرگ در رواق دارالسیاده حرم دفن شد.

مطلع الشمس ۷۰۱/۲، ستارگان در کنار خورشید ولایت / ۱۵، اعیان الشیعه ۳۶۷/۸

ابراهیم زنگنه

(۲۸)

اردوبادی - ابی الحسن علی

(- ۹۶۶ هـ ق)

ابی الحسن علی بن احمد اردوبادی ساکن مشهد و متوفی ۹۶۶ هـ ق و مؤلف رساله‌ای در اثبات واجب است.
الذریعه ۱۲/۱۱

غلامرضا جلالی

پزشکان بود تا این که در ۲۱ ذی القعدة سال ۱۳۷۷ هـ ق / ۱۳۳۷ هـ ش، در ۸۴ سالگی در تهران درگذشت و جنازه ایشان به مشهد حمل شد و در دارالسعادة حرم مطهر مدفون گردید.

آثار علمی بسیار پراهمیتی از مرحوم سید یونس اردبیلی برجای مانده است. دوره کامل فقه، صلاة مسافر، قاعده لاضرر، رساله‌ای در ترتب و حاشیه بر عروة الوثقی آثار چاپ نشده ایشان است و رساله عملیه ایشان تحت عنوان «وجیزة المسائل» و فروع علم اجمالی در علم اصول معتقدات قاصر در اصول دین از آثار چاپ شده مرحوم آیت الله سید یونس اردبیلی است.

علمای بزرگ شیعه / ۴۱۶-۴۱۷، دایرة المعارف تشیع / ۶۴/۲، تاریخ اردبیل / ۳۶۱/۲ و ۳۷۰، تاریخ علمای خراسان / ۲۵۱-۲۵۰، گنجینه دانشمندان / ۶۱/۳-۶۲، تاریخ آستان قدس / ۳۳۷، مجله نگاه حوزه شماره ۳۶-۳۷.

غلامرضا جلالی

(۲۹)

ازغدی - محمد اسماعیل

(۱۱۶۰-۱۲۳۱ هـ ق)

مولی محمد اسماعیل ازغدی فرزند
ملاحسین، مستخلص به وجدی از
مشاهیر اهل سلوک بود. در ازغد، یکی
از توابع شاهان دژ (شاندیز) شهرستان
مشهد، در یک خانواده روحانی چشم
به جهان باز کرد و پس از تحصیل علوم
رایج آن عصر، خدمت مولانا
محراب رسید و راه سیر و سلوک پیش
گرفت. مدتی به هرات رفت و مجلس
درس و بحث در آنجا داشت *و یختمه از پیغمبر*
آن سی سال در مشهد مجاور بود و بجز
مولانا محراب از حسینعلی شاه
اصفهانی بهره برد. و به میرعالم شاه
هندی و قطبالدین فیریزی و آقامحمد
کازرونی و محمد هاشم شیرازی، از
بزرگان سلسله ذهبیه، دست ارادت داد
و سالها ریاضت کشید تا اینکه از
مرشدین این سلسله شد.

ایشان مکتوبی به تنی چند از
اصحاب سلوک داد. آقابزرگ تهرانی،

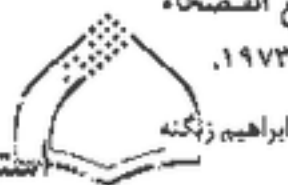
تحت عنوان مکتوب المولی محمد
اسماعیل ازغدی، از آن یاد کرده
است. این مکتوب را حاج محمد زمان
بن کلبعلی جلایرمشهدی متوفی سال
۱۲۸۶ هـ ق به خط خود نوشته است.
مثنوی با ۱۲۰۰۰ بیت از او به
یادگار مانده است. او با میرزا
هدایت الله مجتهد امام جمعه مشهد، و
مولانا عبدالوهاب شیخ الاسلام معاصر
بود و با اهل ظاهر ناسازگاری داشت.
مولانا سید محمد تقی کاشی پست
مشهدی و محمد حسن هروی نزد او
تلمذ کرده اند. پشت مشهدی روزها به
مدرسه مولانا می رفت و در میان درس
او اظهار فضل می کرد. مولانا ازغدی
مدتی با او مسالمت داشت، تا اینکه
روزی گفت: خوب است آنها که بی
خبراند با صاحب نظران سخن از معنی
نرانند ذهن سیدمحمد تقی از معنی
عاری شد تا چهارده روز چنین بود، تا
اینکه ازغدی به وی گفت چرا سخن
نمی گویی، و سرچشمه های علوم از
قطب وی جاری شد.

گویند زمانی که در ازغد بود پدر پیر خود را به دوش می‌گرفت و برای نمازهای روزانه به مسجد می‌برد و می‌آورد.

ازغدی در سال ۱۲۳۱ هـ ق درگذشت و در قتلگاه مشهد دفن شد. اعیان الشیعه ۱۲۲/۹ و ۱۲۳، تاریخ علمای خراسان / ۵۹-۶۲، مطلع الشمس ۷۰۲/۲، الذریعه ۱۵۹/۲۲، الکرام البسرره ۱۳۱/۱، سال فوت را ۱۲۳۲ مرقوم داشته است. مجمع الفصحاء ۱۱۵۶/۶، حدیقه الشعراء ۱۹۷۳/۳.

فارسی، رساله‌ای در اخلاق، تذکره العابدین فی الفقه، مجمع الفرائد، حواشی تلخیص المفتاح و مناسک حج که در سال ۱۰۲۲ از نوشتن آن فارغ شد، نوشت و به سال ۱۰۵۸ هـ ق فوت کرد و در جوار امام هشتم علیه السلام دفن شد. طبقات اعلام الشیعه / ۳۶۳، استرآباد نامه ذیحی / ۱۴۸-۱۴۹، مطلع الشمس ۶۹۵/۲، اعیان الشیعه ۱۹۲/۹.

غلامرضا جلالی



(۳۱)

استرآبادی تهرانی - عبدالنبی

میرزا نجف‌الله پور موسوی سمرقانی (۱۳۴۰ هـ ق)

(۳۰)

استرآبادی - محمد تقی

(۱۰۵۸ هـ ق)

شیخ عبدالنبی فرزند شیخ علی بن شیخ مولا جعفر از فقها و علمای قرن سیزده و چهارده هـ ق است که در تهران تولد یافت. پس از آموزش مقدمات علوم اسلامی نزد پدر و جمعی از فضیای تهران، به کربلا هجرت نمود و فقه و اصول را از علی نقی برغانی (م ۱۳۱۰ هـ ق) فرا گرفت و سال ۱۳۰۰ هـ ق عازم سامرا شد و به حوزه درس

محمد تقی استرآبادی فرزند آبی‌الحسن عبدالوهاب حسینی، ساکن مشهد بود. صاحب طبقات اعلام الشیعه وی را به داشتن علم و ادب ستوده است. وی بالغ بر ۵۰ اثر از خود به یادگار گذاشت که برخی از آنها عبارتند از: شرحی بر فصوص ابونصر فارابی به

یزدی، خطیب توانایی بود و چند جلد کتاب وقایع الایام نوشت. در مشهد سکونت داشت و سال ۱۲۸۱ هـ ق در تهران درگذشت و جنازه‌اش به مشهد منتقل شد.

دفتر یادبود خطی کتابخانه وزیری یزد
۱۶۲/۲

(۳۳)

اشکوری - سید حسین

(- ۱۳۶۵ هـ ق)

بیکر پاک مرحوم سید حسین اشکوری، متوفای ۱۳۶۵ هـ ق هشت سال بعد از وفاتش تر و تازه پدیدار گردید.

سید حسین اشکوری در مدرسه محمودیه - واقع در سرچشمه تهران - سطوح عالی تدریس می‌کرد و در مسجد «حوری» اقامه جماعت می‌نمود، و اینک برادرزاده‌اش آیت‌الله حاج سید مهدی اشکوری به جای ایشان اقامت می‌کنند.

حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا

مولاسماعیل قره‌باغی و میرزای شیرازی (م ۱۳۱۲ هـ ق) ملحق گشت و پس از ارتحال میرزا به کربلا بازگشت و به حوزه برغانی پیوست.

شیخ عبدالنبی سال ۱۳۱۴ هـ ق به تهران مراجعت نمود و سال ۱۳۲۴ هـ ق به نجف و سپس به کوفه رفت و بار دیگر در سال ۱۳۳۲ هـ ق به تهران بازگشت و ریاست دینی یافت و حدود سال

۱۳۳۹ هـ ق مشهد رضوی را مسکن خود

قرار داد و به سال ۱۳۴۰ هـ ق در این

شهر فوت نمود و در صحن مطهر

خاک سپرده شد. کتاب رموز الریاض

آثار قلمی اوست.

دایرة المعارف تشیع ۱۱۳/۲ الذریعه

۱۲۵۲/۱۱ نقباء البشر ۱۲۴۳/۳.

غلامرضا جلالی

(۳۴)

اشرف الواعظین - حسن

(- ۱۳۸۱ هـ ق)

حاج میرزا حسن معروف به «اشرف الواعظین» فرزند محمدحسین حایری

از آنجا به مشهد آمد و در همین سال در مشهد درگذشت.

احکام النجاسات، منجزات المریض، المواقیت و الشکوک از آثار علمی اوست.

تذکرة القبور / ۴۵. نقباء البشر ۸/۱

غلامرضا جلالی

اصفهانی - اسدالله - مرعشی
شوشتری - میراسدالله

(۳۵)

اصفهانی - حسنعلی

۱۲۷۹-۱۳۶۱ ه.ق

حاج شیخ حسنعلی مقدادی اصفهانی، مشهور به «نخودکی» فرزند ملا علی اکبر نیمه ذیقعدہ سال ۱۲۷۹ ه.ق در اصفهان متولد شد. پدرش او را از همان کودکی در هر سحرگاه بیدار و با نماز و دعا آشنا ساخت و از آن پس، تا پانزده سالگی، بیشتر شبها را تا صبح بیدار می ماند و از پانزده سالگی تا پایان عمر پربرکتش هر ساله ماههای رجب،

ضیاء اشکوری در حق ایشان فرمود:

عموی پدرم آقای سید حسین اشکوری بسیار زاهد بود، به تهجد و نماز شب التزام داشت، و بسیار متقی و پرهیزکار بود.

در سالی که ما از نجف اشرف آمده بودیم، ایشان به قصد عتبه بوسی حضرت رضاعلی^{علیه السلام} به مشهد مقدس مشرف شده بود، اجل محتومش در مشهد فرا رسید، و در صحن نو، بین حوض و ایوان طلا به خاک سپرده شد.

ابراهیم زنگنه

(۳۴)

اصفهانی - ابراهیم

۱۲۹۰-۱۳۳۹ ه.

شیخ ابراهیم فرزند شیخ اسماعیل از اساتید فقه و اصول بود. در اصفهان چشم به جهان گشود و در سال ۱۳۱۸ ه.ق به نجف هجرت نمود و در آنجا بیست سال اقامت نمود و به تدریس و تألیف پرداخت و در سال ۱۳۳۴ ه.ق به کرمانشاه سفر کرد و در سال ۱۳۳۹ ه.ق

سید محمد فتسارکی و سید مر نفی
کنمیری و ملا اسماعیل قره‌باغی دانش
آموخت. سال ۱۳۱۱ هـ ق بار دیگر به
مشهد سفر کرد و تا سال ۱۳۱۴ هـ ق در
مشهد ماند

در این مدت در مدرسه حاج حسن
و فاضل خان سکونت داشت و برای
ریاضت حجدای در صحن عنیق
برگزید و به مدت بیس از یک سال، هر
شب در حرم امام رضا علیه السلام به ختم قرآن
نایل می‌گردید و روزها را در محضر
علما بسر می‌برد و در درس حاج محمد
علی فاضل و میر سید علی حانری
یزدی، حاج آقا حسین قمی و میرزا
عبدالرحمن مدرّس شرکت می‌جست.

ایشان بر این باور بود که بعد از علم
توحید و ولایت و احکام سریعت که
آموزش آن واجب است، باید به
تحصیل دانشهای دیگر روی آورد،
چون جهل هر دانشی ناپسند است و
مراد از حرمت برخی از فنون و علوم، به
کار گرفتن آنها نیست نه آموزش آنها.
ایشان فقه و تفسیر و هیئت و ریاضیات



شعبان، رمضان و ایام انبیا هر سال را
روزه‌دار بود و سبها تا صبح بیستونه
می‌کرد.

حاج شیخ، خواندن و نوشتن و زبان
و ادبیات عرب را در اصفهان فراگرفت و
فقه و اصول و منطق و فلسفه را نزد
آخوند ملا محمد کاشی و میرزا
جهانگیرخان قشایری تلمذ کرد و تفسیر
را از محضر تقی چند از نحول دانشوران
آن عصر بهره جست. او سال ۱۳۰۳ هـ ق
حاجزاد مشهد شد و یک سال در این شهر
انجامت کرد و سال بعد برای تکمیل
معارف انهی به نجف مشرف گردید و نزد

را چندین بار به عتبات کسید. تا این که در سال ۱۳۲۹ هـ ق به مشهد عزیمت کرد و تا پایان عمر در مشهد اقامت داشت.

وی سالیان مدیدی که در خدمت مردم نیک سرشت شهر شهادت بود، شب و روز نمی شناخت. روزی پرسش به او گفت: خوب است برای مراجعه مردم وقتی مقرر شود. گفت: بسرم: «لیس عند ربنا صباح و لامساء» آن شخص که برای رضای خدا به خلق خدمت می کند، نباید وقت معین کند.

سینا را نزد حاج میرزا جعفر ظنجه‌تپین ^{سوم آخرین روز} روزهای زندگی مریض شد و به دستور پزشکان معالج، به بیمارستان منتصریه مشهد انتقال یافت و در آن جا بستری شد. ولی ازدحام جمعیت موجب شد تا به منزل یکی از دوستان نزدیک خود، حاج عبدالمجید مولوی منتقل شود. یک ماه آخر عمر را در منزل ایشان بستری بود. تا آن که یکی دو ساعت پس از طلوع آفتاب روز ۱۷ شعبان سال ۱۳۶۱ هـ ق شهر یور ۱۳۲۱ در ۸۲ سالگی چشم از عالم ماده

را به طلبه‌ها آموزش می داد و فلسفه و علوم الهی را به این شرط تدریس می کرد که ابتدا طلبه با اخبار معصومان آشنا باشد و در تزکیه نفس بکوشد.

در سال ۱۳۱۵ هـ ق حاج شیخ به اصفهان بازگشت و پس از توقف کوتاهی عازم نجف شد و تا سال ۱۳۱۸ هـ ق در آن جا ماند، در نجف در مسجد سهله، کوفه، مقبره کعبیل و میثم تمار به زیارت و عبادت می پرداخت. سال ۱۳۱۹ هـ ق بار دیگر به اصفهان بازگشت، به شیراز رفت و قانون ابوعلی سینا را نزد حاج میرزا جعفر ظنجه‌تپین آموزش دید و رمضان همان سال به بوشهر سفر کرد، از آن جا به قصد زیارت خانه خدا به حجاز رفت و پس از فرود آمدن از کشتی پیاده راه مدینه را در پیش گرفت. احرام بست و با پای پیاده به مکه رهسپار گردید. وی در این سفر که همان سال ۱۳۱۹ هـ ق اتفاق افتاد، با حاج شیخ فضل الله نوری و حاج شیخ محمد جواد بیدآبادی همسفر بود. دلباختگی به مقام ولایت حاج شیخ

نشان از بی‌نشانها / ۱-۳۴، علمای بزرگ
شیهه / ۳۷۶-۳۷۷، ضمیمه تاریخ
علمای خراسان / ۲۵۲، تاریخ آستان
قدس / ۳۳۸، گنجینه دانشمندان
۱۱۱/۷-۱۱۳، شمه‌ای از کرامات حاج
شیخ حسنعلی اصفهانی، ۱۳۶۹.

غلامرضا جلالی

(۳۶)

اصفهانی - محمد باقر

(۱۲۳۹-۱۳۱۹ ه.ق)



شیخ محمد باقر در سال ۱۲۳۹ در
آبادی قهی در بخش کوهپایه اصفهان
متولد شد، او مدتی در شهر اصفهان

بست و جنازه‌اش در صحن عتیق در
حرم مطهر امام رضا علیه السلام کنار ایوان
عباسی دفن گردید.

سید ذبیح‌الله امیر شهیدی که از
ارادتمندان ایشان بود، سنگی را بر روی
قبر ایشان نصب کرد، بر روی آن حک
شده است: «تربت کیمیا اثر مقتدای اهل
نظر، مرحوم حاج شیخ حسنعلی
اصفهانی، طاب‌ثراه ۱۷ شعبان ۱۳۶۱
ه.ق».

کرامات این انسان بسودرین جایگاه
رفیعی را در چشم مردم برای او به وجود
آورده بود. روز فوت حاج شیخ که
مصادف بود با روزهای اشغال خراسان به
دست نیروهای ارتش سرخ شوروی،
حالت فوق‌العاده اعلان تسد و سربازان
روسی با مسلسل‌های خود در سراسر
مسیر تنیج جنازه از سمرقند به حرم، به
گشت مشغول بودند. غنی منصور،
استاددار وقت خراسان، رحلت ایشان را
به دربار اطلاع داد، به احترام ایشان
متهد در بست تعطیل شد، حتی ارمنی‌ها
و کنیمی‌ها نیز دست از کار کشیدند.

شاگردان برجسته ملاً حسینقلی همدانی (م ۱۳۱۱ هـ ق) و سید علی قاضی و سید جمال‌الدین گلپایگانی، آشنا گردید و از آنها بهره برد.

همزمان با انقلاب مشروطیت در ایران به اتفاق آیه‌الله سید محمود شاهرودی و آیه‌الله سید جمال‌الدین گلپایگانی، در اولین دوره درس میرزای نائینی شرکت نمود و این درس نزدیک پنج سال ادامه یافت و عید فطر ۱۳۳۸ هـ ق در ۲۵ سالگی اجازه اجتهاد را از میرزای نائینی دریافت نمود و همین اجازه را آقا ضیاء‌الدین عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ عبدالکریم یزدی نیز تأیید نمودند.

او از حدود ۲۰ سالگی پس از توسلات و برای رها شدن از بریشانی حاضر، به تحول شگرف دست یافت و از آن پس اراده کرد داده‌های بنده قرآن و عترت را بدون زرده‌ای خلط و امتزاج با اندیشه‌های دیگر، به کار بیند.

میرزا سال ۱۳۴۰ هـ ق به مشهد آمد.



اصفهان کسب علم کرد. حدود ۹ سالگی پدر را از دست داد و حدود ۱۲ سالگی رهسپار نجف شد. او با توفیق آیه‌الله حاج آقا رحیم آریاب اصفهانی، از آغاز ورود به عراقی با آیه‌الله العظمی سید اسماعیل صدر (م ۱۳۳۸ هـ ق) در ارتباط بود و با عواله روحانی آشنا شد و اصول را نزد آخوند خراسانی و فقه را نزد سید محمد کاظم یزدی تحصیل کرد. در همین دوره، پس از آشنایی با مبانی سب و سلوک شرعی مرحوم صدر، با سید احمد کربلایی (م ۱۳۲۲ هـ ق) و شیخ محمد بیازی همدانی، از

- اثر وجودى وى در حوزه خراسان در قرن اخير كم سابقه بود. او مکتب معارف آل محمد عليه السلام را با مجاهدات علمى و عملى خود در اين ديار رونق بخشيد و عده زيادى از صاحبان علم و فضيلت را بر گرداگرد وجود خود فراهم آورد. ايشان عقیده داشت: جز راه اهل بيت هر راه ديگرى به گمراهى مى انجامد و هر کس هدايت را از غير آل محمد عليه السلام بجويد به آن نخواهد رسيد. او به راه خود اطمینان داشت و خصايع اخلاقى و کمالات ايشان نیز بر کس پوشيده نبود. هم زاهد و وارسته بنویسند و هم مهربان و جذاب.
- آثار زيادى از ميرزا مهدى برجاى مانده است. از جمله مى توان به اين کتابها اشاره کرد:
- ۱- معارف القرآن در اصول اعتقادات اسلامى و تميز علوم قرآنى از فلسفه و عرفان.
- ۲- کتاب مصباح الهدى در اصول فقه.
- ۳- المواهب السنیه فى بيان معاريف و التوریه فى کلمات الائمة لاستنباط احکام الشرعيه.
- ۴- ابواب الهدى.
- ۵- اعجاز قرآن.
- ۶- غاية المنى ومعراج القلوب و اللقاء فى الصلاة.
- ۷- ابطال معارف اليونان.
- ۸- کتاب القضاء و القدر.
- تعدادى از اين آثار سال ۱۳۹۵ هـ ق به اهتمام سيد محمد باقر نجفى يزدي در مشهد منتشر شد.
- از بزرگترين آثار وجودى مرحوم ميرزا ترميت شاگردان برجسته و متقى بود. آيات و حجج اسلام حاج شيخ غلامحسين محاسى، حاج شيخ هاشم قزوینى، حاج شيخ مجتبى قزوینى، حاج شيخ کاظم دامغانى، حاج شيخ زين العابدين تنکابنى، حاج ميرزا جواد آقا تهرانى، حاج سيد جلال مدرس، حاج شيخ حسنعلی مرواريد، حاج شيخ محمود کلباسى، حاج شيخ على اکبر صدرزاده، حاج سيد حسين قاضى طباطبائى، شيخ محمد حسن

وی شرح بر کفایه مولی محمد باقر سبزواری، رساله‌ای در تحقیق نوروز و رساله‌ای در رد رساله محاباتیه است. بازماندگان او طی دو قرن اخیر خدمات معنوی، علمی و فرهنگی ارزنده‌ای به مردم مشهد ارائه داده‌اند.

گلشن مراد، ۶۴۳، خدمات متقابل ایران و اسلام، ۵۳۲، شهیدان راه فضیلت / ۴۲۰، شجره طیبه / ۴۱۰، تاریخ روضه‌الصفای ناصری ۳۵۳/۹، منتخب‌التواریخ / ۶۸۸، اعیان الشیعه ۷۷-۷۵/۱۰.

غلامرضا جلالی

ققه و اصول و اشارات شیخ و پاره‌ای از کتابهای ریاضی مشغول گردید. سید مهدی بحرالعلوم، مولانا محمد حسین خوبشانی (متوفی ۱۲۶۲ ه.ق)، مولی حمزه قاینی، سید کاظم جزایری، سید دلدار علی بن محمد معین بن عبدالهادی رضوی نقوی هندی نصرآبادی از شاگردان وی هستند.

میرزا مهدی شهید از ملکات اخلاقی برجسته‌ای برخوردار و مورد علاقه عاّمه مردم و اهل سلوک بود. او پس از

محاصره مشهد توسط سربازان محمد



حسین خان سردار جهت دستگیری

نادر میرزا و در دل شب نیازمندیهای

بی‌نوایان را تأمین می‌کرد تا این که به

دلیل مخالفت با نادر میرزا و حمایت از

مردم، صبح هنگام روز ۱۱ ماه رمضان

داخل حرم به دست خود وی یا تیمور

نسقی، یکی از افسران مجروح شد

و پس از دو روز در ۱۳ رمضان سال

۱۲۱۸ به شهادت رسید و در رواق

پشت سر مبارک دفن گردید و به عنوان

شهید چهارم اشتهار یافت. از تألیفات

(۳۹)

اعدادی خراسانی - محمد رضا

(۱۳۰۷ - ۱۳۶۲ ه.ش)

محمد رضا اعدادی خراسانی فرزند شیخ مرتضی واعظ در سال ۱۳۰۷ ه.ش در مشهد مقدس به دنیا آمد. تحصیلات حوزوی را تحت نزد عمویش شیخ صدرا آغاز کرد و در سطوح عالی علوم حوزوی از محضر اساتید بزرگ مشهد نظیر سید احمد مدرس یزدی، شیخ

شکرگزاری آن به این است که پس از توسعه مخارج و زندگی خودش به دیگران هم احسان کند... یکی از نعمت‌هایی که فعلاً به آن مستعیم با سواد بودن است. و باید از این نعمت شکرگذاری نمود و کفران آن مطالعه کتب و مجله‌های گمراه‌کننده است. لذا بر هر مسلمانی لازم است، مقداری کتاب سودمند اعم از تفسیر، نهج البلاغه، قصص، حکایات و امثال آن



محمدکاظم دامغانی و شیخ هاشم تهیه و مطالعه نماید.»

حجة الاسلام اعدادی با توجه به این

اعتقادات برای ترویج اسلام و معارف دینی اقدام به تأسیس انتشارات جعفری

در بازار بزرگ مشهد کرد و بیش از ۱۲۰ عنوان کتاب در حوزه‌های مختلف دینی، اجتماعی بد زبانهای فارسی و عربی منتشر ساخت و همچنین برخی آثار تخصصیت‌های انقلابی را نشر و پخش نمود که به خاطر آن مورد تعقیب و بازداشت قرار گرفت.

فعالیت‌های او منحصر به مسایل دینی و فرهنگی نمی‌گردید بلکه در حوزه

قزوینی استفاده نمود. وی از آیات نظام

چون سید ابوالقاسم خویبی و سید محمود شاهرودی اجازه تام‌الاختیار در

مشهد دانست.

فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی او بر اساس باورهایش بود. او در مقدمه‌ای که بر کتاب منهاج السرور می‌نویسد: «شکر هر نعمتی آن است که آن نعمت را در مورد خودش که اجازه داده شده، مصرف نمایند. اگر در غیر مورد مجاز مصرف کنند کفران نعمت است مثلاً وقتی انسان دارای ثروت شد

غرفه ۵۱ صحن آزادی حرم مطهر امام
رضانعلیه دفن گردید. بیش از هزار جلد
کتاب از کتابخانه ایشان وقف بر
کتابخانه آستان قدس گردیده است.

علی سکندری

خدمات اجتماعی مانند ساختن مسجد و
حمام و کمک رسانی به ایتام و نیازمندان
تا حد توان تلاش می‌کرد. ایشان بیش از
۳۰ سفر به عنوان روحانی کاروان به مکه
مکرمه مشرف شد.

بنا به قول همسرش «حاج آقا اگر
چه وجوه شرعی مردم را می‌گرفتند ولی
پارسایی و زهد ایشان مانع این می‌شد
که حتی یک ریال از وجوهات را در
منزل صرف و خرج کند. به همین دلیل
همراه تحصیل علم بدنبال کسب
درآمدهای حلال با دسترنج خودش بود
و شغلی را انتخاب کردند که با شرف و بی‌نیازی
معارف دینی و روحیه ایشان سازگاری
داشت، چون معتقد بود که من کار
می‌کنم تا مخارج زندگی از این طریق
تامین شود زیرا شهریه طلبگی سهم امام
زمان (عج) است و ما در مقابل امام
بی‌ار مسؤل هستیم.

سرانجام حاج شیخ محمد رضا
اعدادی خراسانی پس از عمری تلاش
برای ترویج اسلام در ۱۹ فروردین
۱۳۶۲ در مشهد مقدس درگذشت و در

(۴۰)

امام جمعه - اسماعیل

(۱۲۰۷ - ۱۲۶۲ هـ ق)

مولانا حاج میرزا اسماعیل امام
جمعه در سال ۱۲۰۷ هـ ق در سبزوار
متولد شد. او فرزند میرزا عبدالغفور
تحصیل نمود و خدمت مولانا اسماعیل
ازغدی با مراتب عرفانی آشنا شد و به
عبات رفت و در علوم عقلی و نقلی به
تحصیل پرداخت و با شیخ احمد
احسانی مراوده داشت، و پس از
درگذشت پدرش امامت جمعه و
ریاست عامه سبزوار به ایشان رسید و
به سال ۱۲۶۲ هـ ق در زمان آصف
الدوله درگذشت و در حرم مطهر امام
رضانعلیه دفن شد.

تاریخ علمای خراسان / ۸۷، احیان الشیعه
۳/۳۸۲.

ابراهیم زنگنه

(۴۱)

امامی تربتی - عبدالله

(۱۲۸۱ هـ ق - ۱۳۶۲ هـ ش)

حاج شیخ عبدالله امامی تربتی فرزند
شیخ ذبیح الله فرزند حاج ملا عبدالله
امام جمعه تربت و از احفاد حاج ملا
خداداد تربتی از علمای اوایل عصر
صفویه، محرم ۱۳۲۰ هـ ق / ۱۲۸۱ هـ ش
در تربت حیدریه متولد شد. *مقتدرت*
در مکتب خانه آقا سید محمد مشلول
خواند و از مجالس وعظ مرحوم حاج
آخوند ملاعباس تربتی، پدر مرحوم
حاج شیخ حسینعلی راشد که از نادره
مردان معنوی روزگار خود بود استفاده
کرد. سپس به منظور ادامه تحصیل، در
ربیع الاول سال ۱۳۴۷ هـ ق به حوزه
علمیه مشهد آمد و ادبیات را از حاج
شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری و
اساتید دیگر فراگرفت و فقه و اصول را

از آیات حاج میرزا احمد مدرس یزدی
و حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ
آقا بزرگ شاهرودی، حاج میرزا احمد
کفایی و حاج میرزا مهدی اصفهانی بهره
برد. سپس به قم رفت و آن جا در درس
آیات حاج شیخ عبدالکریم حائری
یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم و آیه الله
حجت و آیه الله خوانساری شرکت
جست و سال ۱۳۵۷ هـ ق به نجف
مهاجرت کرد و در سلک تلامذ آیه الله
حاج شیخ موسی خوانساری و آیه الله
حاج شیخ کاظم شیرازی و آیه الله حاج
سید محمود شاهرودی درآمد و به
درجه اجتهاد نایل شد. حدود سال
۱۳۶۴ هـ ق به تربت حیدریه بازگشت و
به تکالیف دینی خود قیام نمود.
بازسازی مدرسه اسحاقیه، اعزام مبلغ به
روستاهای تربت، تهیه زمین برای
تأسیس کتابخانه امامیه و اقدام به
تجدید بنای مسجد حاج شیخ علی اکبر
در شمار کارهای مفید ایشان در این
دوره محسوب می شود.

در سال ۱۳۵۷ هـ ش ایشان نیز مانند



چهره‌های دیگر روحانیت خراسان تحت رهبری امام خمینی قدس سره تربت را علیه رژیم پهلوی شوراند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی مردم تربت در نخستین دوره مجلس شورای اسلامی به عنوان نماینده انتخاب شد و به مجلس راه یافت و پیش از اتمام دوره مجلس، در سال ۱۳۶۲ هـ ش پس از مدتی بیماری در تهران جان به جان آفرین سپرد و جنازه‌اش به تربت و از آن جا به مشهد منتقل شد و در جوار حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام دفن گردید.

گنجینه دانشمندان ۳/۳۲۳ - ۳۲۴

ابراهیم زنگنه

امین الاسلام ← طبوسی - فضل بن حسن

(۴۲)

انصاری - محمود

(۱۳۰۵-۱۳۷۷ هـ ش)

حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمود انصاری در سال ۱۳۰۵ هـ ش در

مشهد مقدس تولد یافت. پدر وی مرحوم میرزا فضل الله، کاسبی متدین و زاهد پیشه بود و مورد توجه عالمان مشهد قرار داشت.

مرحوم حاج شیخ محمود دوره تحصیلات ابتدایی را در مدرسه باقریه مشهد گذراند و گواهینامه ششم ابتدایی آن زمان را اخذ نمود؛ اما بنا به توصیه مرحوم آیت الله آقا میرزا مهدی اصفهانی، ادامه تحصیلات جدید را رها نموده، برای تحصیل علوم دینی به مدرسه سلیمان خان وارد شد و حسب سفارش مرحوم میرزا، حاج شیخ

در مشهد به حلقه درس خارج ایشان پیوست و در کنار آن به تدریس همه کتابهای ادبی، معالم، قوانین، شرح لمعه و رسائل نیز مشغول گردید.

به توصیه مرحوم میرزا و اصرار آیه الله سبزواری، به وعظ و خطابه روی آورد و با توجه به جاذبه سخن و حافظه قوی، در این میدان شهرتی بسزا یافت، مجالس مهم مشهد و بیوت اساتید و بزرگانی چون مرحوم آیه الله العظمی میلانی، به ایراد سخن پرداخت، و به خاطر صراحت در بیان حقایق، دو بار از سوی ساواک ممنوع المنبر و خانه نشین شد.

مرحوم حاج شیخ محمود انصاری که متجاوز از پنجاه سال به وعظ و خطابه و نشر معارف اهل بیت اشتغال داشت و از ستهای خدا ترس، با اخلاص، حامی ولایت، عاشق خدمت، با عزت و مناعت طبع و خوددار از مصرف سهم مبارک امام بود.

سرانجام در سوم بهمن ۱۳۷۷ هـ ش در پی بیماری طولانی دار فانی را وداع

زین العابدین تنکابنی معلّم اوّل ایشان گردید و جامع المقدمات را نزد این استاد عارف و ارسته گذراند. دیگر بخشهای ادبیات را نیز نزد مرحوم ادیب نیشابوری (دوم) و آیه الله وحید خراسانی طی نمود. قوانین و شرح لمعه را نزد استاد مسلم فن، حضرت آیه الله حاج میرزا احمد مدرس یزدی و بخشی از لمعه را به شکل خصوصی در محضر آیه الله حاج سید جواد خامنه ای فرا گرفت و در رسائل و مکاسب و کفایه از محضر بزرگانی چون آیه الله حاج شیخ کاظم دامغانی، آیه الله حاج شیخ مجتبی قزوینی، آیه الله حاج شیخ هاشم قزوینی بهره کافی برد. درس خارج اصول را از محضر مرحوم آیه الله میرزا جواد آقا تهرانی استفاده نمود؛ البته از همان ابتدا از درس معارف مرحوم آیه الله آقا میرزا مهدی اصفهانی بهره مند می شد و زیر بنا و شالوده مکتب اعتقادی و فکری ایشان در همان سالها بر این اساس استوار شد.

نامبرده با حضور آیه الله العظمی میلانی

گفت و در سخن آزادی در جوار
حضرت ثامن الحجج بخت آرمید.

ابراهیم زنگنه

(۴۳)

ایازی - سید حیدر

(۱۳۱۲-۱۳۱۴ هـ ق)



مرحوم ثقة الاسلام حاج سید حیدر
ایازی فرزند سید اسماعیل در حدود
سال ۱۳۱۲ هـ ق در روستای دهبار
شش فرسنگی مشهد دیده به جهان
گشود و در خانه‌ای مذهبی رشد کرد.
نامبرده خیلی علاقه‌مند به نشر حقائق
اسلام بود و به فرزندان خود می‌گفت هر

چه درس بخوانید باز هم باید برای مردم
خداوم باشید. گاهی از اوقات می‌شد در
یک مجلس دوبار منبر می‌رفت تا وقت
مجلس بی‌استفاده نگذرد. در حدود
توان خود اهل مطالعه بود. در واضح
شدن مسائل شرعی تحقیقات مناسب را
داشت و ظاهراً در هیچ مجلسی بدون
ذکر مسائل شرعی منبر نمی‌رفت. به
مستحبات در حدود توان اهمیت
می‌داد. مرحوم حاج سید حیدر سانه‌ای

سال در دهبار، امام جماعت بود و
مسائل حلال و حرام را بیان می‌کرد و در
چهاردهمین سال عمر را در
مشهد سپری کرد. ابتدا امام جماعت
مسجد مسلم بن عقیل در سعدآباد بود و
امرار معاش را از منبر رفتن و ذکر
مصائب اهل بیت سپری می‌کرد و از
جوهرات شرعی استفاده نمی‌کرد و بعد
امام جماعت مسجد حیدر یها در فلکذ
دروازه قوچان شد و در رسیدگی به فقرا
و محرومین کوشا بود. ایشان دارای پنج
پسر و چهار دختر بود که بیشتر آنها
روحانی هستند. وی در شب تولد



تولدت که پیر سید محمد زین العابدین

عمر به مشهد آمد و روز اربعین حسینی سال ۱۴۱۰ هـ ق دار فانی را وداع گفت و در غرفه ۴۸ صحن آزادی حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام به خاک سپرده شد. بر مزار او نوشته شده است: «مرقد شریف عالم ربانی اسوه تقوا و فضیلت، حضرت آیه الله حاج سید مرتضی ایروانی قدس سره که در سال ۱۳۲۲ قمری متولد و در اربعین حسینی ۱۴۱۰ هـ ق به عالم باقی شناخت، حشره الله مع اجداده الطاهرين».

ابراهیم زنگنه

(۴۵)

ایسی محصل - علی
(۱۲۵۹-۱۳۵۹ هـ ش)

آیه الله حاج شیخ علی ایسی محصل، معروف به «طسوجی» از علما و دانشمندان پرهیزکار و پارسای مقیم مشهد بود و در حوزه علمیه به تدریس اشتغال داشت.

وی در سال ۱۲۵۹ هـ ش در روستای دیزج از توابع بخش طسوج آذربایجان

امیرالمؤمنین سال ۱۴۰۱ هـ ق در ۸۹ سالگی درگذشت و در صحن آزادی حرم مطهر بلوک ۱۹ به خاک سپرده شد. غلامرضا جلالی

(۴۴)

ایروانی - سید مرتضی
(۱۳۲۲-۱۴۱۰ هـ ق)

آیه الله حاج سید مرتضی ایروانی از علمای برجسته تهران در سال ۱۳۲۲ هـ ق در شهرستان تبریز متولد شد، سطوح را همانجا در خدمت آیه الله حاج

میرزا ابوالحسن انگجی و حاج تکی تبریزی علیهما السلام و محمد مولانا و حاج میرزا علی اصغر ملکی، فراگرفت و سال ۱۳۴۸ هـ ق به منظور ادامه تحصیل به قم رفت و از محضر آیات حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی و حجت کوه کمری خارج فقه و اصول را دوره دید، علوم عقلی و فلسفه را نزد آیه الله میرزا محمد علی شاه آبادی آموخت. سال ۱۳۵۵ هـ ق به تهران رفت و چند دهه به اقامه جماعت و ترویج دین همت گماشت. در اواخر

مدت سی سال در محضر آیات سید ابوالحسن اصفهانی، سید محسن حکیم، و حاج سید ابوالقاسم خویی درس آموخت و به مقام رفیع اجتهاد دست یافت و اجازه دریافت نمود.



آیه الله طسوجی ضمن تحصیل به تدریس فقه و اصول و فلسفه و تفسیر دست یازید و شاگردان برجسته‌ای از جمله آیه الله حاج شیخ عباس طسوجی مقیم قم و آیه الله تقوی مقیم بمبئی هندوستان در محضر او درس خواندند.

میل شدید به زیارت مرقد پاک امام هشتم موجب شد تا مرحوم ایسی در سال ۱۳۴۸ هـ ش به مشهد آمد و طی دیدار با آیه الله العظمی سید محمد هادی میلانی، متقاعد شد بقیه عمر خود را به منظور تدریس در حوزه علمیه مشهد در این شهر بماند. و ایشان سال ۱۳۵۰ هـ ش در مشهد رحل اقامت افکند و به تدریس خارج فقه و اصول و تألیف پرداخت. سرانجام در صدمین سال حیات بر اثر خود، روز پنجشنبه ۳۱ مرداد ۱۳۵۹ هـ ش دارفانی را وداع

در خانواده‌ای مذهبی پا به عرصه وجود نهاد، مقدمات را در شهر طسوج فراگرفت و در سال ۱۲۸۰ هـ ش برای ادامه تحصیل به مشهد آمد و نزد آیه الله حاج میرزا حبیب الله ملکی تبریزی و اساتید دیگر به آموزش فقه و اصول و فلسفه پرداخت و پس از ده سال به طسوج برگشت و به اقامه نماز و ترویج دین همت گماشت. بعد به دعوت مردم خوی به این شهر رفت و در مسجد جامع امام خمینی این شهرستان به اقامه نماز و در کنار آن به تدریس مشغول گردید، تا این که به نجف هجرت نمود و

گفت و در صحن نو (آزادی) بلوک ۳
بهشت ثامن الائمه سر به تیره تراب نهاد.
اطلاعات گرفته شده از فرزند ارشد
مرحوم آیه الله طسوجی، آقا حسین ایسی

محصل مسئول امور دینی و بقاع متبرکه
اداره کل اوقاف خراسان، گنجینه
دانشمندان ۸ / ۲۶۱

غلامرضا جلالی



مرکز تحقیقات کتب پویا علوم اسلامی

ب

(٤٦)

بافقی - سید حسین

(١٣٠٤ هـ. ق)

سید مهدی بافقی نیز از عالمان دینی

به شمار می‌رفت.

مفاخر یزد ١/ ١١٨-١١٧

سید حسن حسینی

آیه‌الله سید حسین بافقی یزدی

فرزند سید محمد صادق از عالمان دینی

یزد در سده ١٣ و اوایل سده ١٤ هـ. ق.

در مشهد سکونت داشت و مدارج تعالی که پیر میرزا

اجتهاد را در محضر عالمانی چون

حضرات آیات شیخ محمد تقی

بجنوردی و میرزا نصرالله شیرازی

مدرس آستان قدس رضوی پیمود. وی

در این دوران با آیه‌الله شیخ علی نقی

تربتی (م حدود ١٣٢٠ ق) همدرس بود.

آیه‌الله بافقی دانشمندی فاضل و

فقیهی بزرگ بود و سرانجام در سال

١٣٠٤ ق در مشهد درگذشت و در

همانجا به خاک سپرده شد. فرزند وی

(٤٧)

بافقی - شرف الدین علی

(٨٩٤ - ٩٧٤ ق)

شرف الدین علی بافقی از عالمان

دینی و شاعران یزد در سده ١٠ ق. در

بافق متولد شد. در جوانی رهسپار

شیراز گردید و به فراگیری علوم دینی

پرداخت. پس از اتمام تحصیلات به هند

رفت و مورد توجه بزرگان آن دیار قرار

گرفت. آنگاه به ایران بازگشت و به

خدمت شاه طهماسب صفوی (م

٩٨٤ ق) درآمد و از سوی او مدتها به

۵۱۰/۹-۵۱۱؛ تذکره هفت اقلیم
 ۱۴۹/۱؛ تاریخ نظم و نثر در ایران،
 ۴۶۸/۱؛ کلیات دیوان وحشی بافقی / ۱۲
 کشف الظنون / ۷۷۸؛ تاریخ یزد
 (آبیتی) / ۲۹۶؛ آتشکده آذر / ۳۱۳.

سید حسن حسینی

(۴۸)

باقفی - محمد علی

(- ۱۳۳۹ هـ ق)

مرحوم حاج شیخ محمد علی بافقی،
 معروف به «واعظ یزدی» فرزند حاج
 حسین مشهور به کسائی (م ۱۳۱۰ هـ ق)
 از عظمای و شخصیت‌های مذهبی نیمه دوم
 قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم
 هجری است.

وی اهل بافق یزد بود و تحصیلات
 خود را در مشهد به پایان برد و در زمره
 علما و مبلغان برجسته خراسان درآمد
 و سالها در جوار امام هشتم علیه السلام به ارشاد
 و نشر دین اسلام و احکام اسلامی
 اشتغال ورزید تا این که هفتم
 جمادی الاولی سال ۱۳۳۹ هـ ق زندگی

کلاتتری بافق اشتغال داشت. در واقعه
 قتل بایزید پسر سلطان سلیمان قانونی
 (۹۲۶ - ۹۸۴ ق) با سرودن یک رباعی
 مورد عنایت شاه واقع شد.

منابع، بافقی را دانشمندی برجسته و
 پرهیزگار و سخنوری بزرگ خوانده و
 آورده‌اند که وی همواره به صدور فتوی،
 تدریس و تربیت طلاب مسی پرداخت.
 همچنین شاعری خوش قریحه بود و در
 سرایش قصیده و غزل مهارت داشت و
 از ندیمان سام میرزا برادر شاه طهماسب
 و استاد وحشی بافقی و مرادی بافقی،
 برادر بزرگ وحشی بافقی، به شماره ۳۰۰
 می‌رفت. دیوان شعر مشتمل بر ۴ هزار
 بیت و رساله‌هایی در معما، حفظ
 الصحه و بحر ان از آثار اوست.

باقفی سرانجام در ۸۰ سالگی در
 سال ۹۷۴ ق در قزوین وفات یافت.
 غیاث الدین منصور دشتکی پیکرش را
 به مشهد منتقل کرد و در آنجا به خاک
 سپرد.

ریحانة الادب ۱۱۹۶/۳ تذکره شعرای
 یزد / ۴۳؛ تذکره سخنوران یزد / ۱۶۶؛
 فرمبختگان دارالعباده / ۱۱۶۰ الذریعه

را بدرود گفت و در محل دارالسیاده
حرم دفن گردید.

ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۳۱۵،
اعیان الشیعه ۱۵۸/۶.

ابراهیم زنگنه

(۴۹)

بالا خیابانی - عبدالحسین

(۱۲۶۲-۱۳۴۴ هـ ق)



وی در سال ۱۲۶۲ هـ ق در خانواده
علم و عمل چشم به جهان گشود،
مقدمات را نزد پدر و اساتید آن عصر
خواند و عازم عتبات شد. مدتی در
خدمت میرزا محمد حسن شیرازی
حضور یافت و پس از نیل به درجه
اجتهاد به مشهد برگشت و به تدریس و
تبلیغ پرداخت. او کتابخانه مهمی را
فراهم آورد، در آستان قدس منصب
خادمی ضریح مطهر و مدرسی را به
عهده گرفت و در انقلاب مشروطیت از
مخالفین شد و پس از عمری فعالیت
میرزا محمد حسن شیرازی
در پیوسته اجتماعی، سال ۱۳۴۴ هـ ق در
۸۲ سالگی زندگی را وداع گفت و
جنازه اش در دارالسیاده حرم به خاک
سپرده شد.

نامه آستان قدس، شماره ۱۸، سال
۱۳۴۳، ص ۸۶، نقباء البشر ۱۰۴۴/۳.

غلامرضا جلالی

بالا خیابانی - محمد رحیم ←

بروجردی - محمد رحیم

آیه الله حاج شیخ عبدالحسین
بالاخیابانی، فرزند شیخ محمد
رحیم بروجردی، از دانشمندان و
مجتهدین برجسته خراسان در سده
اخیر بوده است.

(۵۰)

بجستانی - حسین

(۱۲۷۵ - ۱۳۵۶ هـ ش)

جماعت در مسجد رضوان الله واقع در خیابان شهباز تهران به تبلیغ و نشر احکام و معارف دینی اشتغال داشت. در مورخ ۱۳۴۳/۱۱/۳ به اتهام ایراد مطالب انتقادی و دعا به امام خمینی و نفرین دشمنان ایشان، توسط شهربانی دستگیر و روانه زندان قزل قلعه گردید. و پس از تحمل بیش از دو ماه زندان با تعهد و التزام عدم خروج از حوزه قضایی تهران، آزاد شد. ۱.

آیه الله بجستانی در سن هشتاد و یک سالگی در تهران فوت کرد و جنازه اش



آیه الله شیخ حسین بجستانی، فرزند روح‌الله ششم مهر ماه سال ۱۳۵۶ به مشهد

منتقل و در حرم مطهر دفن گردید. ۲.

۱. واعظ شهیر به روایت اسناد ساراک، حجة الاسلام حاج شیخ احمد کافی - مرکز بررسی اسناد تاریخی ۱۳۸۲ ش / ۳۴ و ۳۷.

۲. روزنامه خراسان ۱۳۵۶/۷/۶

علی سکندری

محمد ابراهیم در سال ۱۲۷۵ ش در بجستان یکی از شهرهای خراسان رضوی به دنیا آمد وی پس از خواندن مقدمات و دروس سطح حوزوی از محضر بزرگانی چون: آیات عظام آقا حسین قمی، میرزا محمد، آقازاده، حاج میرزا احمد کافی و حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی بهره‌مند شد.

وی در سال ۱۳۴۱ ش از مشهد به تهران مهاجرت و ضمن اقامه نماز

(۵۱)

بجنوردی - محمد تقی

(۱۳۱۴ هـ ق)

شیخ محمد تقی بجنوردی از چهره‌های نامدار خراسان در سده ۱۴ هـ ق، در اصل اهل بجنورد بود و پس از فراگیری فقه و اصول نزد شیخ حسن نجفی صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری، به مشهد آمد و به تدریس پرداخت. شیخ مولی ابراهیم بن علی اصغر سیزواری نقاشکی، از علمای برجسته سیزوار و متوفی ۱۳۲۸ هـ ق و سید میرزا ابراهیم علوی سیزواری معروف به شریعتمدار (م ۱۳۱۶ هـ ق) و شیخ علی تقی تربتی (م ۱۳۲۰ هـ ق) و شیخ محمد علی کاخکی، از شاگردان وی بودند، شیخ علی تقی به گزارش آقابزرگ تهرانی، طهارت و مکاسب شیخ را نزد او آموخت.

به نوشته اعتماد السلطنه، مردم ولایت خراسان اعتماد عجیبی به وی داشتند. حاج سیاح محلاتی در کتاب خاطرات خود از تقوا و ورع شیخ

محمد تقی بجنوردی تجلیل کرده است. او می‌نویسد: به دیدار شیخ محمد تقی رفته بودم، طبیب انگلیسی نیز برای معالجه چشم وی به منزلش آمده بود. طبیب به من گفت به آقا بفهمانید که دو چیز به چشم شما صدمه زده است: یکی بی‌خوابی، دیگری گریه. باید از این به بعد کاملاً بخوایید و گریه نکنید. و من به آقا گفتم. آقا گفت: «به او بگویید من چشم را برای این دو کار نمی‌خواهم».

طبیب زیاد حیرت کرد و به وضع زندگی او نگاه کرد و گفت: یا اول شخص دنیاخواه هستید، یا حقیقتاً آخرت طلب. ترجمه کردم و آقا گفت: «بگویید تو هر فرضی می‌کنی بکن، ما می‌دانیم شما با ما موافق نخواهید بود، اگر اظهار هم بکنید می‌دانیم ظاهری است و حقیقت ندارد». طبیب گفت: «این مقدار مالی که مردم به ملاها می‌دهند و ملاها کرور کرور از مال مردم گرفته به راحتی خرج می‌کنند، گناه اینها به گردن کیست؟ شما با این وضع همه را می‌توانید بفریبید، حتی من مسیحی را نزدیک است جذب کنید! هرگز

۴۲۰/۳، اعیان الشیعه ۱۹۲/۹

غلامرضا جلالی

(۵۲)

بجنوردی - مرتضی

(- ۱۳۵۰ هـ ق)



حاج تسبیح مرتضی، فرزند شیخ محمد تقی بجنوردی، از فضلا و زهاد معروف نیمه اول قرن چهاردهم هـ ق در مشهد سکونت داشت و اقامه جماعت و اداره مراسم گرامیداشت ائمه اطهار علیهم السلام را در منزل پدر خود مرحوم آیه الله شیخ محمد تقی بجنوردی و جهت همت خود ساخته بود، تا این که در ۲۴ محرم

کشیشان ما این طور نمی توانند دل مردم را شکار کنند». آقا گفت: «بگو که شما هم به این تن پروران که نوکران نفس اماره اند دعا کنید و الا شما الآن از روی زمین محو شده بودید.»

در جریان نهضت تنباکو، بیت شیخ محمد تقی مجتهد، قطب معنوی آن روز خراسان شمرده می شد، ب این حال ایشان چندان که باید با گسترش نهضت موافق نبود و شرایط را مناسب نمی دید. شاید از دسایس دوئتهای بیگانه که نمایندگیهای فعالی در خراسان داشتند، بیمناک بود.

وی شب چهاردهم صفر ۱۳۱۴ هـ ق زندگی را بدرود گفت و در محل دارالسیاده حرم صفا دست چپ متصل به درب مسجد گوهر شاد به خاک سپرده شد.

زندگانی و شخصیت شیخ مرتضی انصاری / ۳۲۶، نقباء البشر / ۴/۱، ۱۶۲۸-۱۶۲۹، مطلع الشمس / ۲/۶۹۰، خاطرات حاج سیاح / ۳/۴۰۵، ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۵۷، منتخب التواریخ / ۶۱۶ و ۶۳۱ و ۶۸۶ و ۷۰۰، زندگانی امام رضا علیه السلام، عمادزاده،

۱۲۵۰ هـ ق چشم از جهان مادی
فرو بست و در کنار قبر پدر در
دارالسیاده حرم امام رضا علیه السلام دفن
گردید.

قوائد الرضویه / ۱۴۳۱ ضمیمه تاریخ
علمای خراسان / ۳۵۸، دانشوران
بجنورد / ۲۶-۲۷

ابراهیم زنگنه

(۵۳)

بحرالعلوم رشتی - سید حسن

(۱۳۱۴-۱۳۹۷ هـ ق)

حسین بحرالعلوم معروف به حاج آقا
میر، مقتول به سال ۱۳۲۷ هـ ق، از
علمای نامور رشت بود.

وی حدود سال ۱۳۱۴ هـ ق در رشت
پا به دنیا نهاد و پس از شهادت پدر و
برادرش در سال ۱۳۲۷ در قزوین، به
تحصیل علوم الهی روی آورد، مقدمات
و قسمتی از سطح را در رشت فراگرفت
و به نجف رفت و در سلک تلامذ آیات
حاج میرزا حسین نائینی، آقا ضیاء

عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی، حاج
شیخ شعبان رشتی و حاج شیخ
محمدنجین اصفهانی درآمد و به درجه
اجتهاد نایل گردید و پس از بازگشت به
رشت به اقسامه نماز جماعت و
پاسخگویی به نیازهای دینی مردم روی
آورد، تا این که در ۸۲ سالگی
درگذشت و ۲۳ شهریور ۱۳۵۶ هـ ش در
محل بازار کفاشها در جوار امام
رضا علیه السلام دفن گردید.

گنجینه دانشمندان ۱۸۵/۵، پرونده
مدفونین در حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام
موجود در شعبه مدفونین.

ابراهیم زنگنه



آیةالله حاج سید حسن مشهور به
بحرالعلوم رشتی، فرزند آیةالله سید

(۵۴)

بختیاری - سید محمدرضا

(۱۳۳۹ هـ ش)



حضور آیه‌الله بختیاری در عتبات
همزمان بود با اعلام جهاد علمای عراق
علیه انگلیس. ایشان نیز در جهاد
شرکت کرد و فرماندهی شصت هزار
مجاهد را به عهده گرفت. پس از
عملیات جنگی وقتی به شهر کاظمین
وارد شد، اهالی کارهای خود را تعطیل
کرده و بیش از دو هزار نفر مسلح که
همه آنها از علما و رجال دولت بودند، به
استقبال وی رفتند. این جنگ چندین
ماه طول کشید و پس از پایان جنگ
آیه‌الله بختیاری به مشهد آمد و مورد

آیه‌الله حاج سید محمدرضا بختیاری رحمته الله علیه بود. رحمته الله علیه آیه‌الله حاج آقا حسین قمی بود.

پس از کشتار مسجد گوهرشاد چند
سالی در تربت حیدریه تبعید بود و پس
از شهریور ۱۳۲۰ به مشهد آمد و به
تدریس علوم حوزوی پرداخت و
متجاوز از چهل سال در این شهر بود و
پس از درگذشت، در جلو سومین
حجره سمت راست نقاره‌خانه واقع در
صحن انقلاب دفن گردید. چهل
درگذشت ایشان روز یکشنبه ۱۱
اردیبهشت ۱۳۳۹ / ۴ ذیحجه ۱۳۷۹

در اصل از بختیار، از توابع اصفهان بود و
مدت دو سال در بختیار و سه سال در
اصفهان در محضر آقا نجفی مسجدشاهی
تحصیل نمود، بعد به عتبات رفت و مدت
هفت سال در نجف و سه سال در سامرا به
فراگیری مبانی اجتهاد در محضر آیات
آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، سید
محمد کاظم طباطبایی یزدی و آیه‌الله
میرزا محمد تقی شیرازی به تحصیل
مشغول شد.

ه ق در مشهد برگزار شد.

روزنامه آفتاب شرق ۱۳۳۹/۲/۱۱

غلامرضا جلالی

براتعلی - حاجی میرزا - جلد دوم

(۵۵)

برسی - عبدالجواد

(۱۳۸۲ ه ق)

تکمیل تحصیلات خود عازم نجف شد و پس از مدتی به مشهد آمد، چندی سردفتر اسناد رسمی بود، ولی از ادامه این کار پرهیز کرد و انزوا پیشه نمود و به مطالعه و پژوهش روی آورد تا این که در روز سه شنبه ۲۰ رجب ۱۳۸۲ ه ق در مشهد جان به جان آفرین تسلیم کرد و در صحن عتیق دفن گردید. شیخ مهدی الهی قمشه‌ای از شاگردان ایشان محسوب می شود.

مقدمه اوگتائی بر جلد ۶ فهرست

کتابخانه آستان قدس، گنجینه دانشمندان

۱۵۲/۷، شمس‌الشموس / ۳۳۲-۳۳۳،

آشنای عرشیان / ۴۷

ابراهیم زنگنه



(۵۶)

بروجردی - سید محمد رضا

(۱۳۶۳ ه ش)

آیةالله حاج سید محمد رضا، فرزند

فخرالدین موسوی بروجردی، از علما و

انمّه جماعات مشهد بود. نسبش از سوی

پدر به سادات نوربخشی و از طرف مادر

حاج شیخ عبدالجواد بُرسی، فرزند

حاج شیخ حسن بُرسی از فضلا و

چهره‌های علمی و اساتید خوزه مشهد

در سده اخیر است. وی مقدمات و

سطوح را در مشهد فراگرفت و به منظور



مسئولیتها شد و به ترویج و نشر دین همت گماشت و در نهضت مشروطه با شیخ فضل الله که رابطه خویشاوندی داشت، هم صدا گردید. پس از نهضت به مشهد آمد و سال ۱۳۴۸ هـ ق در مشهد درگذشت و در حجره عقب صفا غربی دارالسیاده سر بر خاک نهاد.

او فرزندی داشت به نام علی اصغر که در سال ۱۲۳۱ متولد شد و دارای چندین اثر از جمله نورالانوار، ضیاء

النور، و الحکایات الاخلاقیه و عقائد الشیعه می باشد.

تبعیت بالاختیابانی، روز ۱۷ ربیع الاول سال ۱۲۲۴ هـ ق در بروجرد متولد شد و

عصر از جمله حاج مولی اسدالله بروجردی مشهور به حجة الاسلام و

حاج سید محمد شفیع جاپلقی آموخت و سال ۱۲۴۱ هـ ق به نجف رفت و آن

جا رحل اقامت افکند و نزد صاحب جواهر با رموز فقه و اصول آشنا گردید

و استاد شرح وی بر مختصرالنافع را ستود و به وی اجازه اجتهاد داد.

مرحوم بروجردی مدتی در نجف تدریس کرد، بعد به کربلا رفت و سال

شرح حال رجال ایران ۱۶۶/۶
تاریخ آستان قدس ۳۳۶/۳
البشر ۱۵۹۲/۲، اعیان الشیعه ۱۶۷/۸

ابراهیم زنگنه

(۵۸)

بروجردی - محمد رحیم

(۱۲۲۴-۱۳۰۹ هـ ق)

حاج شیخ محمد رحیم بروجردی

فرزند محمد، پدر شیخ عبدالحسین

۲۵۶/۹، مطلع الشمس / ۶۸۲.

غلامرضا جلالی

(۵۹)

برهانی - سید حبیب‌الله

(۱۳۷۶ هـ ق)

حاج سید حبیب‌الله برهانی فرزند
حاج سید کریم رستم کلانی، صاحب
خصال نیک الهی و مناعت طبع و
سخاوت کم‌مانند، از علمای معاصر
خطه شمال بود. مقدمات را در حوزه
مازندران تکمیل کرد و مدتی در مشهد
مشغول تحصیل شد، به قم رفت و از
محضر حاج شیخ عبدالکریم حائری
یزدی، مؤسس حوزه قم برخوردار
گردید، بعد به نجف مهاجرت نمود و
پای درس بزرگانی چون آیه‌الله نائینی و
سید ابوالحسن اصفهانی شرکت کرد و
پس از اتمام تحصیلات به مازندران آمد
و به انجام وظایف دینی و معنوی قیام
نمود. سال ۱۳۷۶ هـ ق چشم از سرای
ناپایدار فرویست و جنازه‌اش به مشهد
حمل شد و در یکی از حجره‌های غربی

۱۲۵۸ هـ ق به درخواست اعیان و
بزرگان خراسان به مشهد آمد و به تألیف
آثار فقهی از جمله جوامع الکلم در شرح
قواعد مبادرت ورزید. سال ۱۲۶۳ هـ ق
به حج مشرف شد. سال ۱۲۶۶ هـ ق به
دنبال سرکوب فتنه سالار، از سوی
امیرکبیر به تولیت آستان قدس رضوی
منصوب گردید و اصلاحات زیادی را به
عمل آورد، سال ۱۲۸۳ به زیارت
عتبات مقدسه رفت و در مراجعت
کتابی در حالات و آداب زیارت
حضرت امام رضا علیه السلام به نام الرضویة
الرضویه نوشت و کتابی در اعتقالات سینه
تحریر کرد. او سال ۱۳۰۹ در ۸۵
سالگی در مشهد درگذشت و در
دارالسیاده حرم دفن گردید. شیخ
عبدالحسین بروجردی (متوفی ۱۳۴۴
هـ. ق) فرزند ایشان است.

تاریخ علمای خراسان / ۱۲۰-۱۲۳،
نقباء البشر / ۷۲۳/۲، لغت‌نامه دهخدا
واژه محمد رحیم، زنده‌گانی
امام رضا علیه السلام، عمادزاده، ۴۲۰/۲،
منتخب‌التواریخ / ۶۳۱ و ۶۸۶ و ۷۰۰،
تاریخ آستان قدس / ۳۳۶، اعیان الشیعه

اقامه نماز جماعت و ارشاد مردم همت
گماشت تا این که ۲۹ تیر
۱۳۶۶/۱۴۰۷ ه.ق درگذشت و یک
روز بعد بر حسب وصیت جنازه اش به
مشهد منتقل و در مقبره چهارم صحن
آزادی حرم مطهر دفن شد.
گنجینه دانشمندان ۱۳۱۷-۱۳۲۰

(۶۱)

بسطامی - نوروز علی
(۱۲۳۷-۱۳۰۹ ه.ق)

حاج مولی نوروز علی، فرزند حاج
باقر از علما و محدثان و مورخان ممتاز
خراسان، معروف به فاضل بسطامی در
قرن سیزده هجری است. وی سال
۱۲۳۷ ه.ق در بسطام متولد شد، در
مشهد خدمت مولانا شمس علم
آموخت و مدتی در محضر مولانا حاج
میرزا عسکری امام جمعه، مشغول
نوشتن احکام و فتاوی گردید و در
اخبار و احادیث تسبیح یافت و از آن
پس سی سال به نوشتن کتاب های زیر
وقت صرف کرد: التحفة الحسینیة،

باغ رضوان به خاک سپرده شد.
گنجینه دانشمندان ۲۶۰/۳

ابراهیم زنگنه

(۶۰)

بسطامی - علی
(۱۳۱۶-۱۴۰۷ ه.ق)

آیة الله شیخ علی توحیدی از علمای
مبارز شاهرود است. سال ۱۳۱۶ ه.ق
در بسطام به دنیا آمد. با مبانی علوم در
بسطام و شاهرود آشنا شد و برای ادامه
تحصیل به مشهد آمد و ۷ سال از حوزه
درس آقا بزرگ حکیم و حاج آقا تجسس
قمی بهره برد، سپس به قم رفت و یک
سال در حوزه درس حاج شیخ
عبدالکریم حائری یزدی شرکت کرد.
بعد به نجف مهاجرت نمود، و ۱۶ سال از
محضر آیات نائینی و آقا ضیاء الدین
عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی
استفاده کرد. پس از دریافت اجازه
اجتهاد به شاهرود برگشت و در مدرسه
قلعه به تدریس خارج فقه و اصول
پرداخت و در مسجد همان مدرسه به

در قبرستان قتلگاه دفن گردید.
تاریخ علمای خراسان / ۱۳۲،
مطلع الشمس / ۶۹۱، الذریعه / ۲۱/۱۰،
۱۴۷/۳، ۵۲/۲۵، ۷۱، ۷۷، ۸۹، احیان
الشیعه / ۲۲۸/۱۰.

غلامرضا جلالی

(۶۲)

بمرودی قاینی - علی

(۱ - ۱۳۱۵ هـ ق)

ملا علی صعودی بمرودی از علما،
شعرا و خوشنویسان اواخر قرن سیزده و
اوایل قرن چهاردهم است.

سازنده تاریخ تولد و شرح زندگی وی
اطلاع روشنی در دست نیست. آنچه
مسلم است ایشان در روستای «بمرود»
از توابع بخش زیرکوه قاینات به دنیا
آمد و قمتی از دوران تحصیل خود را
در مشهد گذراند. در بیشتر علوم رایج
زمان خود بخصوص علم سیاق، نجوم،
لغت و تاریخ دست داشت و گاهی شعر
می گفت و صعودی تخلص می کرد. از
اشعار اوست:

التحفة الرضویة، سرور العارفین در
احوال مختارین ابی عبیده ثقفی، نجات
الخسافقین در فضیلت زیارت امام
حسین علیه السلام، وسیلة النجاة به زبان فارسی
در مصائب امام حسین علیه السلام تألیف سال
۱۲۷۱ هـ ق، ذخیره المعاد فی الاخلاق
و الموعظه و الارشاد، چاپ ۱۲۸۸
تهران، سراج المتجهدين تألیف در سال
۱۲۶۵، وسیلة الرضوان در ترجمه
صحیفه رضویه، الوجیزه فی مصائب

المعصومین به زبان فارسی، تألیف ۱۲۷۱ هـ ق،
محرم ۱۲۷۱ هـ ق، الأکسیر در اصول
دین و اخلاق، الوسائل الحسینیة بطبیعة
المعصومین به زبان فارسی مشتمل
بر ده مقاله در احتضار، مرگ و پس از
مرگ، البداء، فردوس التواریخ در
تاریخ طوس و علمای مشهد،
سفینة النجاة در شرح منظومه دوازده
بند سید بحر العلوم و لؤلؤة البحرین در
تلخیص سفینه مذکور.

حاج ملا صادق مشهور به فاضل
بسطامی فرزند اوست. مولی نوروزعلی
سال ۱۳۰۹ هـ ق در مشهد درگذشت و

محمود الحسینی تبریزی متوفای ۱۳۲۸
از او اجازه نقل روایت اخذ نموده است،
شیخ علی به سال ۱۳۰۵ هـ ق در مشهد
درگذشت.

نقاء البشر ۱۲۹۷/۴، اعیان الشیعه
۳۰۲/۸.

غلامرضا جلالی

(۶۴)

بنی هاشمی بزرگ - علی اکبر
(۱۳۲۰ - ۱۳۷۶ هـ ش)



استاد سید علی اکبر بنی هاشمی
بزرگ فرزند سید محمد از دانشمندان
معاصر حوزه علمیه مشهد است که

ای گشته اسیر شور و شرم در بمرو
محرورم ز فیض خشک و تر، در بمرو
صد حیف که با هزار آرم از بردیم
این عمر عزیز را به سر، در بمرو

دیوان اشعار ملاعلی، کتاب مؤید
الفضلا در لغت و کتاب دره نادره در
تاریخ نادرشاه به خط وی نزد آقا
حسین صعودی توه ایشان در مشهد
نگهداری می شود.

وی به سال ۱۳۱۵ هـ ق دارفانی را
وداع گفت و در مشهد به خاک سپرده
شد.

بزرگان قاین / ۲۴۱ - ۲۴۳



بزرگترین کتب مطبوعه

(۶۳)

بنابی - علی

(- ۱۳۰۵ هـ ق)

شیخ علی بنابی از علمای متبحر و
فقهای بزرگ و مرجع احکام و قضا بود.
او از کوه میر آذربایجان و از شاگردان
ممتاز شیخ مرتضی انصاری بود. در فتنه
شیخ عبیدالله جهاد کرد و سیف العلماء و
مجتهد غازی عنوان یافت، شمس الدین

به تدریس سطح و خارج مبادرت ورزید. او با حکمت و کلام آشنایی کامل داشت.

مرحوم بنی هاشمی به امور سیاسی بی توجه نبود و از ایراز مخالفت علیه رژیم پهلوی پرهیز نمی کرد و از مواضع سیاسی و انقلابی امام خمینی دفاع می نمود. مظهر اخلاق نیک و صدق و صفا بود و ذکاوت ذاتی بالایی داشت و به مباحث علمی بسیار ارج می نهاد، بسیار صمیمی بود و به مشکلات روحی و معیشتی طلبه ها رسیدگی می کرد و افراد مستعد را به کوششهای علمی بالاتر فرامی خواند. سیمای بشاش و طبیعت خودجوش وی به همگان این فرصت را می داد تا از خرمن وجودی او برخوردار باشند. ولی پیک اجل بهار عمرش را خزان کرد و شب یکشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۷۶ هـ ش به علت بیماری سرطان ریه در بیمارستان امید مشهد زندگی را بدرود گفت و روز دوشنبه ۲۷ بهمن پس از تشییع باشکوهی در میان حزن و اندوه عموم طبقات شرکت کننده

سألها به تدریس دوره های سطح و خارج اشتغال داشت.

وی روز ۲۶ اسفند ۱۳۲۰ هـ ش در روستای گرماب از توابع شهرستان تربت حیدریه، در یک خانواده مؤمن و متقی متولد شد. پدرش روحانی و از افراد بانفوذ منطقه بود و کشاورزی می کرد و زندگی ساده و تا حدی مرفه داشت.

مرحوم بنی هاشمی سال ۱۳۳۴ هـ ش جهت تحصیل علوم دینی به مشهد آمد و در مدرسه «ابدال خان» ساکن شد. مقدمات را نزد مرحوم صدیق پور شیخ محمد عیدگاهی و ادیب نیشابوری فراگرفت و سطح را خدمت اساتیدی چون سید حسین شمس، آیه الله وحید خراسانی و آیه الله میرزا احمد مدرس تلمذ نمود و خارج را نزد برخی از اساتید یاد شده و مرحوم آیه الله العظمی سید محمد هادی میلانی در مشهد و قم به پایان برد و مدت کوتاهی نیز از محضر امام خمینی قدس سره برخوردار گردید و پس از مراجعت از قم در مشهد

در صحن نو (آزادی) حرم امام
ابوالحسن الرضا علیه السلام جلو غرفه بین
ایوان طلا و کفشداری گوشه غربی
صحن به خاک سپرده شد. حاشیه بر
عروه و تقریرات درسهای خارج فقه و
اصول اساتیدش از آثار علمی اوست.

غلامرضا جلالی

بنی هاشمی در کردکوی محفوظ است.
از جمله اشعار وی تضمین ابیات نصاب
الصبیان در مدح حضرت علی علیه السلام است.
این اشعار وقتی برای مرحوم حاج آقا
حسین قمی خوانده شد سخت موجب
تأثر ایشان گردید.

مرحوم بنی هاشمی در حدود سال
۱۳۸۰ هـ ق وفات نمود و بیکر
بی جانش به مشهد منتقل گردید و در
جوار امام هشتم علیه السلام به خاک سپرده شد.

گنجینه دانشمندان ۳/۲۳۳ - ۲۳۴



(۶۵)

بنی هاشمی کردکوهی - سید
آقابزرگ

(- ح ۱۳۸۰ هـ ق)

(۶۶)

بهاء الدین عاملی - محمد

(۹۵۳-۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ هـ ق)

بهاء الدین محمد معروف به «شیخ
بهایتی»، دانشمند نامدار قرن دهم و
یازدهم هجری و متبحر در فقه، حدیث،
نجوم، ریاضی، هندسه، طب و معماری
فرزند حسین بن عبدالصمد بن محمد بن
علی بن حسین، در اصل از جبل عامل
لبنان است و نسبش به حارث همدانی،
صحابی معروف حضرت علی علیه السلام

حاج سید آقا بزرگ بنی هاشمی کردکوهی
کردکوهی، عالمی ادیب، متفرد و
میهمان نواز و در بندر گز و کردکوی
صاحب نفوذ معنوی بود و در ایام محرم
و رمضان مبلغین از حوزه های قم و
مشهد و نجف برای اعزام به تبلیغ به
خانه وی وارد می شدند و با مساعدت
او به روستاها و شهرکها اعزام
می گردیدند.

او شعر می گفت و طبعی روان داشت
و اشعارش نزد فرزند دانشورش آقای

می‌رسد.

حسین بن عبدالصمد، پدر شیخ بهائی، از فقها و محدثین بود و سال ۹۶۶ هـ ق به ایران آمد و در اصفهان به منزل شیخ علی منشار، از مهاجران جبل عامل وارد شد و به شاه طهماسب صفوی معرفی گردید. او به درخواست شاه طهماسب در ایران ماند و شیخ الاسلام دارالسلطنه قزوین شد. پس از هفت سال از قزوین به مشهد آمد و ریاست امور دینی هرات را به عهده گرفت و مدتها در هرات بود و در سفر به خانه خدا، شاه صفوی شیخ الاسلام هرات را به عهده شیخ بهائی گذاشت. در راه بازگشت به بحرین رفت و در سال ۹۸۴ هـ ق در ۶۶ سالگی چشم از دنیا فرو بست و در روستای مصلی یکی از روستاهای هجر دفن شد.

شیخ بهائی غروب چهارشنبه سیزدهم ذیحجه سال ۹۵۳ هـ ق در بعلبک لبنان به دنیا آمد و همراه پدر به ایران آمد. مقدمات علوم اسلامی را در لبنان فراگرفت و در ایران بجز خدمت پدر، نزد ملا عبدالله مدرّس یزدی، ملا

عبدالله شوشتری، ملا افضل قاینی، ملا علی مذهب و ملا محمدباقر یزدی و عمادالدین محمود با علوم معقول و طب و ریاضی در شهرهای قزوین، مشهد و اصفهان آشنا شد و سرآمد دانشوران عصر خود گردید.

در سال ۱۰۰۶ هـ ق که پایتخت از قزوین به اصفهان انتقال یافت، شیخ بهائی در اصفهان به امامت مردم و تدریس فقه و حدیث مشغول شد و چهره‌های بلند آوازه‌ای چون حکیم ملا صدرا، ملا محمد تقی مجلسی، نظام‌الدین محمد قرشی، ملا صالح مازندرانی، ملا محسن فیض کاشانی، ملا خلیل قزوینی صاحب شرح اصول کافی، ملا حسنعلی شوشتری، ملا محمد عاملی، محقق سبزواری، شمس‌الدین محمدخاتون آبادی صاحب شرح اربعین، میرابوالقاسم فندرسکی، سلطان‌العلمای اصفهانی در شمار شاگردان او هستند.

شیخ بهائی به سیر و سیاحت دلبستگی داشت در سال ۹۹۱ هـ ق به خانه خدا مشرف شد و در بازگشت به



حاتمی در اسطراب، اربعین، مفتاح
الفلاح در ادعیه و کشکول، از آثار
برجسته او هستند.

بنای بسیاری از آثار معماری عصر
شاه عباس صفوی و بخشهایی از حرم
مظهر امام رضا علیه السلام به ایشان نسبت داده
می‌شود.

مزارات خراسان ۷۲/، منتخب التواریخ
۷۷/ و ۱۳۷ و ۶۸۳، ریاض العارفین
۵۸-۵۹، مجمع الفصحا ۱۳/۴،
روضات الجنات ۷/۳۰۶-۳۰۹،

زندگینامه ریاضیدانان دوره اسلامی
۱۷۰/، الذریعه ۲/۲۹، الاعلام زرکلی
۱۰۲/۶، امل الأمل ۱/۷۵، تعلیقه

سمائل الأمل ۶۷-۷۱، اعیان الشیعه ۹:
۲۳۴، خلاصة الأثر: ۱۸۲، لؤلؤ
البحرین: ۲۳۶، تاریخ عالم آرای عباسی
۲۴۹/۱.

غلامرضا جلالی

(۶۷)

بهبهانی - شمس‌الدین

(۱۲۴۸ هـ ق)

شمس‌الدین فرزند جمال‌الدین
بهبهانی، از محققین زاهد و متقی

عراق، شام، مصر، حجاز و بیت‌المقدس
سفر کرد و با دانشمندان و بزرگان فقها،
حکما و صوفیه و ارباب سلوک دیدار
نمود. در آخرین سالهای حیات خود از
منصب شیخ الاسلامی اصفهان که
بزرگترین مقام دینی و معنوی ایران آن
روز بود، کناره گرفت و به سیر و سلوک
پرداخت تا آن که روز سه‌شنبه،
دوازدهم شوال سال ۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱
هـ ق در اصفهان دعوت حق را اجابت
کرد. طبق وصیتش جنازه‌اش به مشهد
حمل شد و در جوار قبر امام رضا علیه السلام
دفن گردید.

از شیخ بهانی بیش از ۸۰ اثر علمی
برجای مانده است، جامع عباسی،
حاشیه من لا یحضره الفقیه، جواب
المسائل المدنیات، سوانح الحجاز،
شرح شرح چغمینی قاضی زاده الرومی،
خلاصة الحساب، حبل‌المتین در احکام
دین، عروة الوثقی در تفسیر قرآن،
تشریح الافلاک، بحر الحساب،
صمدیه، حدائق الصالحین در شرح
صحیفه سجادیه، اثنی عشریه در
عبادات، توضیح المقاصد، تحفه

روزگار می‌گذرانید.

مطلع الشمس ۶۸۴/۲، فردوس
التساریخ ۱۳۷-۱۳۸، منتخب
التواریخ ۶۷۷ و ۶۹۱، تاریخ علمای
خراسان ۷۷، فهرست کتابهای خطی
آستان قدس ۳۵/۶-۳۶، اعیان
الشیعه ۳۵۲/۷-۳۵۱.

ابراهیم زنگنه

بیات - محمد حسن - عارف
نیشابوری - محمد حسین

(۶۸)

بیرجندی - عبدالعلی

- حدود ۹۳۴ هـ ق

نظام‌الدین عبدالعلی بن محمد
بیرجندی از دانشمندان نامی علوم
ریاضی قرن دهم هجری است. وی علم
حدیث را نزد خواجه حافظ غیاث،
قنون حکمی را نزد مولانا منصور فرزند
مولانا معین‌الدین کاشانی آموخت و در
علوم دیگر شاگرد کمال‌الدین شیخ
حسین القنوی مولانا کمال‌الدین مسعود
شروانی، و مولانا سیف‌الدین احمد

روزگار خود بود. در بهبهان متولد شد
در کربلا رشد کرد و خدمت وحید
بهبهانی و میرزا مهدی شهرستانی و
بحرالعلوم و علامه صاحب ریاض،
دانش آموخت. به مشهد آمد و چندین
دهه در یکی از حجره‌های صحن عتیق،
جنب آرامگاه شیخ حرّ عاملی بالغ بر
۵۰ سال به عبادت و ریاضت و تصنیف
و تألیف مشغول شد. معالم‌الاصول را در
۵ جلد شرح کرد، بر قوانین و مطول
حاشیه نوشت و کتاب جواهرالکلام را
در اصول عقاید تألیف نمود و چندین
تألیف نیز در علم نحو و صرف و بیانی
رساله‌های متفاوت دیگری داشت.
رمضان سال ۱۲۴۸ هـ ق درگذشت و در
همان حجره محل زندگیش دفن گردید.
فاضل بظامی، صاحب فردوس
التواریخ که از شاگردان وی است،
می‌نویسد: او چنان به دنیا و زرق و برق
آن بی‌اعتنا بود که همه لباسهای او را
کسی به پنج ریال نمی‌خرید، و مقام فقر
و ریاضت وی به مرتبه‌ای بود که بیشتر
روزها گرسنه بود و از راه استخاره



تفتازانی بوده است.

مولف حبیب‌السیر، درباره او می‌نویسد: «مولانا عبدالعلی بیرجندی جامع اصناف علوم محسوس و معقول است و حاوی انواع مسائل فروع و اصول در علوم نجوم و حکمیات بی مثل و بدل است و در شیوه زهد و تقوی ضرب‌المثل... آن جناب به صفت تواضع و پرهیزگاری و حلم و دینداری اتصاف دارد و همواره نقش افاده و تألیف بر صحیفه خاطر شریف می‌نگارد.»

محقق بیرجندی به احتمال زیاد در سال ۹۳۴ ه‍.ق در مشهد درگذشت و قبرستان قتلگاه دفن شد. از او آثار علمی زیادی برجای مانده است. از شناخته شده‌ترین آنها می‌توان به این کتابها اشاره کرد:

۱ - حاشیه بر شرح ملخص در هیئت چغمینی که در سال ۹۱۳ نگارش شده است.

۲ - شرح آداب المناظره العضدیه که در سوم جمادی‌الثانی ۹۳۲ نوشته شده است.

۳ - شرح بیست باب در معرفت اسطرلاب به زبان فارسی. متن این رساله از آثار خواجه نصیرالدین طوسی است.

۴ - بیست باب در معرفت تقویم که ملّا مظفر آن را شرح کرده است.

۵ - شرح تذکره خواجه نصیر در هیئت.

۶ - عجایب البلدان که برای وزیر حبیب‌الله خان به فارسی نوشته.

۷ - شرح زیج الغریبک.

۸ - کتاب ابعاد و اجرام.

۹ - تحریر مجسطی.

گاهنامه سال ۱۳۰۷ شمسی تألیف سید جلال‌الدین تهرانی / ۱۲۹، فهرست کتابخانه آستان قدس / ۳۸۲/۴، بهارستان، آیتی / ۲۱۸-۲۱۹، حبیب‌السیر / ۴/۶۱۵، فرهنگ خراسان، مرداد / ۴۲، ۶۳/ اعیان الشیعه / ۲۹/۸-۳۰.

غلامرضا جلالی

(۶۹)

بیرجندی - محمد حسن

(۱۳۳۴ هـ ش)

شیخ محمد حسن فرزند آیه الله شیخ محمد باقر بن محمد حسن آیتی بیرجندی، از علما و مجتهدان سده چهاردهم خراسان است. در خانواده علم و فضیلت و تقوا در بیرجند متولد شد. پدرش عالمی فاضل و محقق ماهر بود که دارای بیش از ۲۰ عنوان کتاب از

جمله وثیقة الفقهاء و بغية الطالب فی



در تحقیق کتب معتبره روح بسند

الامام الغائب می باشد. و محمد حسن پس از نشو و نما و خواندن مقدمات و مقداری از سطوح نزد پدر، برای ادامه تحصیلات خود به مشهد آمد و سالها از محضر اساتید آن عصر برخوردار شد و در همین شهر ساکن گردید. سال ۱۳۳۴ هـ ش در مشهد درگذشت و در دارالسیاده حرم دفن شد. شرحی بر تهذیب علامه نوشت که ناتمام ماند.

ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۶۳،

اعیان الشیعه ۱۸۱/۹.

ابراهیم زنگنه

پ

(۷۰)

پایین خیابانی - حسن

(- ۱۳۴۲ هـ ق)

تمام معنی بسی اعتنا و در ادبیات و مقامات علمی توانمند بود و کتابهایی را به صورت رساله‌های مستقل نوشته بود. فرزندانش همه از سخنوران بودند. حاج شیخ علی محدث فرزند بزرگ او است که خورشید تابان را در معارف اسلامی نوشت و از شاگردان مرحوم میرزا مهدی اصفهانی شمرده می‌شد. حاج شیخ پس از ارتحال در دارالضیافه حرم امام رضا علیه السلام مدفون گردید.

تاریخ علمای خراسان / ۲۱۳

ابراهیم زنگنه



(۷۱)

پشت مشهدی - سید عبدالرحیم

(- ۱۲۹۴ هـ ق)

سید عبدالرحیم پشت مشهدی، از

حاج شیخ حسن پایین خیابانی، متوفی جمادی الآخر ۱۳۴۲ هـ ق، از وعاظ بزرگ و منبری‌های معروف آستان قدس رضوی بود و منبر پرشور و منحصر به فردی داشت. به مال دنیا به

شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود و پس از چندین سال تحصیل فقه و اصول به مشهد بازگشت و به سال ۱۲۹۴ هـ ق درگذشت. برادرش سید مهدی نیز از علما بود.

الکرام البرره ۷۲۵/۲.

غلامرضا جلالی

(۷۳)

پیشناماز - محمد علی

(- ۱۲۹۰ هـ ق)

ملا محمد علی فرزند ملا عباس از علما و مجتهدان قرن سیزدهم خراسان بود که پس از تحصیلات عالی و رسیدن به مقام اجتهاد، به مشهد آمد و سالها در عهده‌دار بود و بین مردم به زهد و تقوا اشتها داشت. پس از مرگش در سال ۱۲۹۰ هـ ق مردم جسد او را با اندوه فراوان به طور باشکوهی تشییع و در حرم امام هشتم علیه السلام دفن کردند. لوح مرقدش کنار الواح دیگر علمای اعلام و مشاهیر، در ازاره رواق پایین پای مبارک نصب گردیده است.

سفرنامه سدیدالسلطنه ۲۳۷/۴

غلامرضا جلالی

پیر پالان دوز ← عباسی - محمد عارف

(۷۲)

پیشناماز - سید محمد

(- ۱۳۲۴ هـ ق)

سید محمد پیشناماز، فرزند سید حسن هندی هروی، ساکن مشهد بود و تا سال فوتش، به جای پدر خود در مسجد جامع گوهرشاد به اقامه نماز می پرداخت و پس از فوت او، فرزندش سید یحیی این امر را به عهده گرفت. سید محمد در محرم سال ۱۳۲۴ هـ ق درگذشت و در دارالسعاده حرم مطهر به خاک سپرده شد کتاب مجموعه الرسائل العروضية اثر سید محمد پیشناماز، در سال ۱۳۱۷ هـ ق به



مرکز تحقیقات و نشر آسیاب، امامت جماعت را

ت

(۷۴)

تبریزی - علی

(۱۲۸۲ - ۱۳۴۰ هـ ق)

شیخ میرزا علی آقا فرزند عبدالعظیم در ۲۸ شوال سال ۱۲۸۲ متولد شد و مقامات علوم اسلامی را نزد ملا نورمحمد مشهور به قدس اهری *میرزا محمد تقی* گرفت و به مشهد مهاجرت نمود و در این شهر سکونت داشت. وقایع الأيام در چند جلد، منتخب الفوائد در شش جلد، تحفة الأحياء در شرح قصیده سید الشعراء، ذخيرة المحشر در شرح باب حادی عشر از آثار اوست. وی به سال ۱۳۴۰ هـ ق در این شهر از دنیا رفت.

الذریعه ۱۰/۱۸، اعیان الشیعه ۸/۲۶۶.

غلامرضا جلالی

(۷۵)

تبریزی - غلامحسین

(۱۲۶۰ - ۱۳۵۹ هـ ش)



مرحوم آیت الله حاج شیخ غلامحسین تبریزی معروف به «شیخ غلامحسین ترک» به سال ۱۲۶۰ هـ ش / ۱۳۰۳ هـ ق در یکی از روستاهای شبستر، در خانواده‌ای

مذهبی، چشم به جهان گشود. در مدرسه طالبیه تبریز به تحصیل پرداخت و پس از اتمام سطح برای ادامه تحصیلات به نجف رفت و آن جا اصول را نزد آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و فقه را در محضر حاج سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی فراگرفت.

پس از اتمام تحصیلات به تبریز بازگشت و به توصیه پدر، با یکی از خویشاوندان خود ازدواج کرد و به فعالیتهای مذهبی روی آورد و «جمعیت دیانت اسلامی» را در سال ۱۳۴۳ هجری قمری تأسیس کرد و معارف اسلامی را به سبکی نو در میان جمعیت تدریس می کرد. گفتار ایشان در نشریه ای به نام «تذکرات دیانتی» هر پانزده روز یک بار منتشر می شد. نخستین شماره این نشریه اول جمادی الاولی ۱۳۴۵ هـ ق در شهر تبریز به چاپ رسید و انتشار آن چند سال دوام آورد. علمای بزرگ قم و مشهد کارهای ایشان را ستودند.

آیه الله تبریزی به گفتگو با صاحبان

ادیان دیگر اهمیت می داد و در مناظره ها شرکت می جست. و از مبارزات سیاسی غافل نبود. در جریان کلاه پهلوی در سال ۱۳۱۱ هـ ش حاج شیخ به مبارزه علیه اتحاد شکل و مظالم رضاخان پرداخت، ولی حرکت او سرکوب شد و خود او پس از مدتی زندگی مخفی، به استانداری احضار شد و ایشان پس از دیدار با علی منصور، پدر حسنعلی منصور، استاندار وقت آذربایجان و قاضی عسکر وقتی متوجه شد قرار است رضاخان به تبریز سفر کند، به کربلا مشرف شد و مدتی آن جا اقامت کرد و پس از آرام شدن اوضاع به تبریز برگشت.

در یکی از روزها نامه ای از علی اکبر داور به دست حاج شیخ رسید. مضمون نامه دعوت از وی جهت همکاری قضایی با نظام عدلیه بود. او متوجه این نکته شد که شرایط برای فعالیتهای دینی و سیاسی آزاد، از میان رفته است، این بود که به تنهایی عازم مشهد شد و همسر و فرزندان

خردسالش پس از مدتی به او پیوستند. هنوز مدتی از اقامت ایشان در محله پانچارمشهد نگذشته بود که همسر ایشان موقع بیرون آمدن از حمام بهاءالدوله، به لحاظ داشتن حجاب مورد تعقیب پاسبان اداره ثبت قرار گرفت. پاسبان به طرف ایشان حمله کرد تا چادر را از سر ایشان بردارد و او که در آخرین روزهای بارداری خود به سر می برد، برای حفظ حجاب، خود را به

شیخ مردوخ کردستانی نشر داد. بعد از ترور نافرجام کسروی، شهید نواب صفوی به مشهد آمد و با کمک حاج شیخ مدتی در یکی از روستاهای اطراف مشهد مخفی شد. در جریان شهادت نواب، مرحوم تبریزی برای او جهلم گرفت و مسئولیت یکی از شاخه های فدائیان اسلام را که به نام مبارزان اسلام خوانده می شد، خود به عهده گرفت.

حاج شیخ در مبارزات ۱۵ خرداد سال ۲۲ نیز فعال بود و فعالیت های

سیاسی خود علیه نظام شاهنشاهی را تا سال ۱۳۵۷ ادامه داد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نماز جمعه تا سال ۱۳۵۹ به امامت ایشان در مسجد گوهرشاد اقامه می شد و تا زمانی که ایشان زنده بود، امام برای کسی حکم امامت جمعه را در مشهد صادر نکرد. او روز اول شعبان ۱۴۰۰ هـ ق / ۲۵ خرداد ۱۳۵۹ در ۹۷ سالگی دعوت حق را پاسخ داد و به سرای ابدی شتافت و در قسمت شمالی دارالسلام حرم امام

سرعت درون منزل حاج کریم آقا، یکی از محترمین محل انداخت و ۱۸ روز بعد از این رویداد به رحمت حق پیوستند. حاج شیخ با علویه ای که همشیره مرحوم آیه الله سید علی علم الهدی بود، ازدواج کرد و از ایشان دارای فرزندان شد. مرحوم آیه الله تبریزی در نهضت گوهرشاد مشارکت داشت و پس از شهریور ۱۳۱۰ به منظور مقابله با اندیشه های سید احمد کسروی که از تبریز با او آشنا بود به انتشار تذکرات دینی در مشهد دست زد و مدتی هم نشریه راحت و ندای حق را در جواب

هشتم رحمته دفن شد.

نگاه حوزه، شماره ۲۱/۲۲.

غلامرضا چلائی

تجلی ← نهاوندی - محمد

(۷۶)

تربتی - اسحاق

(۱۱۵۷-۱۲۳۷ ه.ق)

مولانا حاج ملا اسحاق تربتی فرزند
ملا اسماعیل، در شمار علمای بزرگ

عصر خود بود. جد ششم وی حاج
خداداد از دانشوران نامدار عصر صفوی

حاج ملا اسحاق در شهرستان تربت
حیدریه به سال ۱۱۵۷ ه.ق متولد
شد و پس از تکمیل تحصیلات، در
مشهدالرضا رحمته مجاور گردید و تمام
عمر را به تدریس و افاده و نشر احکام
و تأیید و ترویج شریعت قیام نمود.

ایشان چهل سال از اطراف مشهد خارج
نشد. گوری را در قبرستان قتلگاه حفر
کرده بود و همه روزه به آن جا می رفت
و کنار آن نماز می خواند و به تأمل

آثار علمی زیادی از مرحوم آیه الله
حاج شیخ غلامحسین تبریزی برجای
مانده است. راهنمای حقیقت، اصول
مهذبیه، الدروس الدینییه در ۹ جلد،
گوهرهای درخشان، ندای راستی، انوار
لامعه، الدرر الثمینیه، ترجمه اعتقادات
مفید و ترجمه وجوه اعجاز قرآن علامه
بلاغی در شمار آثار قلمی ایشان
هستند.

آیه الله تبریزی دارای فکری بلند و به
لحاظ معنوی انسانی پالایش یافته بود
و خوف و خشیت الهی تا اعماق جانش
نفوذ داشت. در اخلاق نمونه بود،
هیچ گاه حرکتی نامناسب یا سخنی
رکیک از او دیده یا شنیده نشده بود.
اهل دعا و ابتهال بود و در خلوت و
جلوت با خدای خود راز و نیاز داشت.
پیوسته در اندیشه کمک به افراد
بی بضاعت، بویژه ایتم به سر می برد.

گنجینه دانشمندان ۱۲۰/۷-۱۲۲،
مصاحبه با فرزندان آن مرحوم حاج
محمد مهدی عبدخدایی و دکتر حاج
شیخ هادی عبدخدایی منعکس در مجله

می برداخت. به مکه مشرف شد. پس از بازگشت از مکه در سال ۱۲۳۷ هـ ق در مشهد درگذشت و در همان گور به خاک سپرده شد. حاشیه شرح لمعه از آثار چاپ شده ایشان است.

الکرام البرره ۱/۱۲۱-۱۲۲، نردوس التواریخ ۱۱۸-۱۱۹، مطلع الشمس ۲/۷۰۵، تاریخ علمای خراسان ۶۲/، منتخب التواریخ ۶۹۸/، روضات الجنات ۴/۹۸، مکارم الآثار ۲/۱۰۴۲، الذریعه ۶/۴۷۸، اعیان الشیعه ۳/۲۶۳.

اجتهاد و تقلید، المحاکمات بین المحققین الاصولیین، کتاب النکاح، کتاب الرضاع، کتاب الوقف، رساله‌ای در رد کسانی که مدعی قطعی بودن صدور احادیث هستند، از آثار مرحوم تربتی است. وی کتاب اخیر را در سال ۱۲۹۵ هـ ق در روستای «کوداسیاب»، از توابع سبزوار نوشت. شیخ محمد تقی تربتی متوفی ۱۳۳۰ هـ ق فرزند ایشان است.

شیخ حسین پس از عمری تلاش و

کوشش علمی و دینی در سال ۱۳۰۵ هـ ق

به دیار ابد شتافت و در مشهد

با سینه‌ی حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام

دفن شد.

نقباء البشر ۱/۴۹۸، الکرام البرره

۱/۳۶۵، سفرنامه سدیدالسلطنه ۲۲۷/.

ابراهیم زنگنه

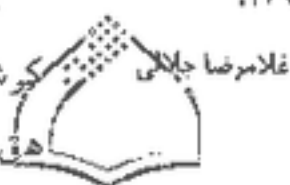
(۷۸)

تربتی - عباس

(- ۱۳۲۲ هـ ش)

ملا عباس تربتی، معروف به «حاج

آخوند»، در روستای «کساریزک



(۷۷)

تربتی - حسین

(- ۱۳۰۵ هـ ق)

شیخ حسین تربتی از علماء، فقها و

حکمای برجسته قرن سیزدهم هجری

است. وی در اصل از تربت حیدریه بود

و در سبزوار سکونت داشت و به

تدریس و زعامت امور دینی مردم

مشغول بود و کتابهای مختلفی را به

رشته تحریر درآورد. شرح روضه البهیة

تا آخر کتاب صوم، شرح دعاء الندبه،

مدتی بعد به خواسته پدر به روستا برگشت، ازدواج کرد و به زراعت مشغول شد و آخر هر هفته به تربت می‌رفت و کتابهای معالم، قوانین، لمعه و شرایع را آموخت و همه الفیه ابن مالک را حفظ کرد.



سال ۱۳۲۶ هـ ق همراه قافله با پای پیاده به کربلا مشرف شد. این سفر هفت ماه طول کشید. پس از آمدن حاج شیخ

علی اکبر تربتی، یکی از شاگردان آخوند خراسانی به تربت آمد و رحل اقامت افکند. آخوند ملا عباس، کفایة الاصول

را نزد ایشان خواند و به اصرار استاد خود روز ۱۲ ذی‌قعدة ۱۳۲۸ هـ ق به شهر تربت رفت و آن جا سکونت یافت و به تدریس مشغول شد و به اصرار حاج شیخ علی اکبر، به جای او در مسجد نماز

گزارد. ملا عباس مردی هوشمند و ژرف‌بین بود. در قضایای مشروطیت مسادام که نهضت را برای او تبیین می‌کردند، استقبال می‌نمود. او با تأسی به علمای مبارز عصر خود، حکومت را غاصب می‌دانست. ایشان در نامه‌هایی

ناگهانی» واقع در ۱۵ کیلومتری شرق تربت حیدریه و ابتدای جلگه زاوه، در یک خانواده متدین و پایبند به شئونات مذهبی چشم به جهان گشود. پدرش ملا حسینعلی، سواد مختصری داشت، قرآن و کتاب فارسی می‌خواند. او فرزند خود را نخست به مکتب‌خانه، سپس برای ادامه تحصیل به شهر تربت فرستاد.

ملا عباس در شهر تربت حیدریه، مدرسه حاج شیخ یوسفعلی، نزد آخوند حاج ملا عبدالحمید صرف و نحو را با دقت فرا گرفت و پس از آن به تحصیل سطح فقه و اصول روی آورد و برای تکمیل دانسته‌های خود به مشهد آمد و

که برای حل مشکلات مردم به نمایندگان دولت می‌نوشت، هرگز آنها را با انقباض مخاطب نمی‌ساخت. از متصدیان امور می‌خواست تا مشکل مردم را حل کنند و خود هرگز خواسته‌های ناروای آنان را اجابت نمی‌کرد.

حاج آخوند سال ۱۳۳۷ هـ ق بار دوم به کربلا مشرف شد و پسرش مرحوم شیخ حسینعلی راشد را با خود برد و سال ۱۳۰۰ هـ ش یکی دو ماه در مشهد اقامت گزید و به درخواست مردم در ماه رمضان در مسجد گوهرشاد تئویاز پیروز زانویش شمال غربی به خاک سپرده شد و عصر می‌خواند و پس از نماز به منبر می‌رفت. سال ۱۳۰۱ هـ ش به کمک زلزله‌زدگان تربت شتافت و سال ۱۳۰۶ هـ ش به مکه مشرف شد.

شخصیت معنوی حاج آخوند به گونه‌ای بود که به رغم انعطاف روحی و تحمل دیگران، تأثیر عمیقی روی آنها می‌گذاشت. سرهنگ نوایی، رئیس شهریانی وقت خراسان در نوبت اول مأموریتش که هنوز جریان سال ۱۳۱۴

هـ ش و حادثه گوهرشاد پیش نیامده بود، شبی در منزل مرحوم آیه‌الله میرزا محمد آقازاده گفت: «من به هیچ یک از این آقایان اعتقاد ندارم، فقط از حاج آخوند ملاً عباس است که می‌ترسم، اگر نفرین کند اثر می‌کند.»

حاج آخوند در زمان حضور روسها در خراسان ۲۴ مهر ۱۳۲۲ هـ ش / ۱۷ شوال ۱۳۶۲ هـ ق دو ساعت از طلوع آفتاب گذشته در شهر تربت خانه خودش فوت کرد و جنازه‌اش به مشهد منتقل یافت و در آخرین غرفه صحن نو پیروز زانویش شمال غربی به خاک سپرده شد و چنان که وصیت کرده بود، این آیه بر سنگ قبرش که بر دیوار غرفه نصب شده نقر شد: «و کلبهم باسط ذراعیه بالوصید». و زیر آن نوشتند: بنده صالح خدا، عالم عامل مرحوم حاج شیخ عباس تربتی، پسر مرحوم ملاً حسینعلی کاریزکی که هفتاد و اند سال عمر خود را به درستی و پاکی و زهد و عبادت و ترویج دین و خدمت به نوع گذرانید و در روز یکشنبه ۱۷ شوال سال ۱۳۶۲ /

۲۴ مهر سال ۱۳۲۲ ه.ش به رحمت
ایزدی پیوست و سر بر این آستان نهاد.
خدا او و همه اهل ایمان را بپامرزد.
به تاریخش رقم زد کلک سانک
به حق دست ارادت داد عباس
کتاب فضیلت‌های فراموش شده.

غلامرضا جلالی

دفن گردید.

فسردوس التواریخ / ۹۵، ۱۱۹-۱۲۰،
اعیان الشیعه ۱۹۰/۹.

غلامرضا جلالی

(۸۰)

تربیتی - محمد صالح

(۱۲۴۶ ه ق)

(۷۹)

تربیتی - محمد

(سده ۱۴-۱۳)

مولانا حاج محمد صالح، مدرّس و
فقیه، در اصل از مردم تربت حیدریه
بود. تحصیلات خود را در عتبات به
انجام رسانید و پس از نیل به مقامات
عالیه در علوم الهی به مشهد آمد و به
تدریس و امامت جماعت مشغول
گردید و سال ۱۲۴۶ ه ق به سرای باقی
شتافت و در قبرستان قتلگاه به خاک
سپرده شد.

تاریخ علمای خراسان / ۷۵،
مطلع الشمس ۷۰۶/۲، فردوس التواریخ
/ ۱۱۹، تاریخ آستان قدس / ۳۳۶، اعیان
الشیعه ۳۶۹/۹

ابراهیم زنگنه



آخوند ملا محمد تربیتی از علما و
فقهای زاهد و متقی قرن ۱۳ و ۱۴ ه ق
بود. از تربت حیدریه برای تحصیل فقه
و اصول به مشهد آمد و نزد سید محمد
علم‌الهدی و آقا میرزا محمد رضوی
علم آموخت و در مشهد اقامت نمود و
به امامت جماعت اشتغال داشت. زهد
او موجب رویکرد مردم به ایشان شده
بود و طلبه‌های زیادی در محضرش
درس می‌آموختند.

ملا محمد نیمه دوم قرن چهاردهم
ه ق درگذشت و در جوار امام رضا علیه السلام

(۸۱)

تربیتی - میرزا نصرالله

(۱۲۳۰-۱۲۹۸ هـ ق)

آیةالله میرزا نصرالله تربیتی، متخلص به «فانی» از علما و فقها و حکمای نامدار و چهره‌های پرهیزکار قرن ۱۳ هـ ق، در سال ۱۲۳۰ هـ ق در شهر تربت حیدریه به دنیا آمد. او در حوزه علمیه مشهد پس از تکمیل مقدمات، در خدمت حاج ملاهادی سبزواری با مبانی حکمت اسلامی آشنا شد و فقه و اصول را نزد اساتید حوزه آموخت و با اجازه آیةالله میرزا حسن شیرازی، محکمه شرع دایر کرد و در کنار فعالیت‌های قضایی کتابهای طهارت، بیع، حاشیه بر قوانین و فصول را نوشت.

میرزا نصرالله سال ۱۲۷۸ هـ ق به حج رفت و سال ۱۲۹۸ هـ ق در مشهد فوت کرد و در صفا عقب مسجد بالاسر حرم مطهر امام رضا علیه السلام دفن شد. وی دایی جدّه پدري آیةالله میرزا حسنعلی مروارید بود. از اشعار اوست:

دوش وقت سحر از پادۀ دوشین سر مست
 که بپر بود مرا مغیچه پادپرست
 عشقم از طره او طائر افتاد به دام
 دل از جلوه او ماهی افتاد به شست
 آنچنان تنگ کشیدم بپرش از سر شوق
 کز میان خاست دویی هم دومین دیده بیست
 نه ز خویشم خبری نزن و جانم اثری
 تن همه جان شد و جان نیز به جان پیوست
 من شدم دلبر و دلبر من و اسودد نمودم
 سینه از وسوسه خالی شد و دل از غم رست
 بس من و یار به یک یار نمودیم عروج
 سدا که اندر نظرم منظر اعلا شد پست
 چهلوهار کرد رخس، اینه‌ها پردم پیش
 در یکی چلوه بهر اینه رنگی بر بست
 سیر کردیم بسی در همه اطوار وجود
 که ز انجام شدم آگه و از سر است
 نازها کرد و ز من بود همه عجز و نیاز
 غمزه‌ها کرد و من از غمزه او بیخود و مست
 آنچنان محو جمالش شدم از جلوه حسن
 که ز خود رفتم و اینه بیفتاد و شکست
 ای خوش آن حالت و آن مستی و آن جذبه عشق
 جان فدایش کنم از بار دگر بدهد دست



(۸۳)

ترشیزی - اسماعیل

(- ۱۳۲۳ هـ ق)

شیخ اسماعیل کوهسرخ از علمای برجسته عصر حاضر بود. دانش خود را نزد مجدد شیرازی به کمال رساند و در مسجد گوهرشاد به اقامه نماز جماعت می پرداخت و ریاست حوزه علمیه مشهد منحصر و متوجه ایشان بود.

ایشان اول ربیع الاول سال ۱۳۲۳ هـ ق درگذشت و در رواق دارالسیاده دفن گردید. نقل است کدورتی میان ایشان و حاج میرزا حبیب الله مجتهد خراسانی رخ داد و آخر امر او پشیمان شد و نامه ای به وسیله قوام الشریعه که از علما و منبری و پیشکارش بود، نوشت تا به حاجی تقدیم کند و پوزش بخواهد. ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۹۹

ابراهیم زنگنه

فانیا هیچ مگو یا به ادب گوی سخن هست کی نیست شود کجا گردد هست ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۱۲۴، فردوس التواریخ / ۱۳۱، منتخب التواریخ / ۶۱۶ و ۶۸۶ و ۷۰۰، سفرنامه سدیدالطنه / ۲۳۱، تاریخ آستان قدس / ۳۳۷، صد سال شمر خراسان / ۴۱۴، اعیان الشیعه ۱۰ / ۲۲۰.

ابراهیم زنگنه

(۸۲)

تربیتی خراسانی - علی اکبر

(- ۱۳۳۱ هـ ق)



حاج شیخ علی اکبر تربیتی تقریباً ۱۳۳۱ هـ ق صاحب تفسیر قرآن کریم معروف به تفسیر حاج شیخ علی اکبر، از شاگردان برجسته آخوند ملامحمد کاظم خراسانی است و به سال ۱۳۳۱ هـ ق در مشهد رضوی درگذشت.

الذریعه ۴ / ۲۹۴.

غلامرضا جلالی

(۸۴)

تستری - علی ایوب

(۱۳۲۲ هـ ق)

سید علی ایوب تستری، متوفی ۱۳۲۲ هـ ق از علمای برجسته و اهل ورع بود. در نجف مدت طولانی اقامت داشت و به مدارج علمی بالا دست یافت و پس از به پایان بردن تحصیلات به شوشتر برگشت. مدتی بعد به قصد زیارت قبر امام رضا علیه السلام به مشهد آمد و تا آخر عمر در این شهر ماند و همانجا درگذشت.

نقباء البشر ۱۲۹۶/۴.

غلامرضا جلالی

پرداخت. در درس خارج آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی شرکت کرد و از ایشان و آیات عظام نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی و نجفی مرعشی اجازاتی در امور حسبی دریافت نمود و در حوزه مشهد به تدریس پرداخت. آیه الله میرزا حسنعلی مروارید در زمره تلامیذ ایشان هستند.

میرزا مهدی تقوی خادم رسمی کشیک اول حرم مطهر بود و خدمت تقوی ضریح به عهده ایشان واگذار گردیده بود. ایشان در ایام کشیک

روزی از جزء قرآن را تلاوت می کرد و روز سوم شهریور ۱۳۶۰ هـ ش چشم از جهان فرو بست و در حرم مطهر دفن گردید.

مقدمه کتاب تنبیها ت حول المبدأ والمعاد، آیه الله میرزا حسنعلی مروارید، چاپ دوم ۱۴۱۸ و اطلاعات نرژند آن مرحوم محمد آقا تقوی.

ابراهیم زنگنه

(۸۵)

تقوی - مهدی

(۱۲۸۶ - ۱۳۶۰ هـ ش)

حاج میرزا مهدی تقوی فرزند حاج شیخ محمد و نوه دختری آیه الله حاج شیخ حسنعلی تهرانی در سال ۱۲۸۶ هـ ش چشم به جهان باز کرد. در حوزه های مشهد و قم به تحصیل

(۸۶)

تقوی بجنوردی - رضا

(۱۲۷۵-۱۳۵۲ ه. ش)

شیخ محمدتقی بجنوردی را در وفيات
بویژه محرم و صفر برعهده داشت و روز
۲۴ آذر ۱۳۵۲ / ۱۹ ذیقعده ۱۳۹۳ ه. ق
به رحمت ایزدی شتافت و در صحن
انقلاب، سمت غربی داخل ایوان،
کفشداری شماره یک دفن گردید.

ابراهیم زنگنه



(۸۷)

توسلی - قربانعلی

(۱۲۹۵-۱۳۷۰ ه. ش)



حاج شیخ قربانعلی توسلی نجفی، از
علمای خوشنام و خدمتگزار معاصر بود
و در شهر تربت جام سکونت داشت. وی

حاج شیخ رضا تقوی بجنوردی

فرزند آیتالله شیخ مرتضی بجنوردی در
۱۲۷۵ ه. ش چشم به جهان گشود. او
عالمی وارسته و دلباخته اهل بیت
پیامبر ﷺ بود. او تحصیلات مقدماتی
حوزوی را در مدرسه باقریه فراگرفت و
خارج فقه و اصول را نزد آیتالله فقیه
سبزواری و آیتالله حاج میرزا احمد
کفایی دوره دید. سالیان مدیدی در
پایین پا حرم مطهر اقامه نماز جماعت
نمود و مراسم سوگواری منزل جد خود

در حدود سال ۱۲۹۵ هـ ش در حومه میانجام متولد شد، دروس ابتدایی را در همانجا خواند، سپس به مشهد آمد. ادبیات و سطوح را نزد اساتید آن زمان فراگرفت و تحصیلات جدید را تا سطح دیپلم ادامه داد.

حدود سال ۱۳۱۴ هـ ش به نجف رفت و مکاسب را خدمت آیه الله العظمی خوئی و کفایه را در خدمت آیه الله میرزا باقر زنجانی و رسائل را از محضر آیه الله سید ابوالقاسم رشتی فراگرفت و یک دوره خارج اصول

نزد آیه الله خوئی گذراند و فقه را در پیروان سید حوزه درس آیه الله میرزا باقر زنجانی و قسمتی را در پیشگاه مرحوم آیه الله حاج شیخ موسی خوانساری آموخت.

مستثنی نیز از درس آیه الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی بهره برد و موفق به دریافت اجتهاد شد و پس از ۱۵ سال به خراسان برگشت و به توصیه آیه الله بروجردی به تربت جام رفت و از همان ابتدا کوشید میان اهل تشیع و تسنن

وفاق به وجود آورد و برحسب اشاره آیه الله بروجردی مدرسه مهدیه و متصل به آن مسجدی ساخت و به تدریس و اقامه جماعت متغول شد تا این که چشم از جهان فروبست و سوم تیرماه ۱۳۷۰ هـ ش در بازار کفاشتهای حرم مطهر امام رضا علیه السلام دفن گردید. از آثار قلمی ایشان می توان به تقریرات درسهای اساتید خود و کتابی در موضوع ولایت اشاره کرد.

گنجینه دانشمندان ۳/ ۲۸۱-۲۸۳.

غلامرضا جلالی



نزد آیه الله خوئی گذراند و فقه را در پیروان سید

(۸۸)

توسلی - محمد حسین

(حدود ۱۲۷۵-۱۳۶۷ هـ ق)

آیه الله حاج شیخ محمد حسین توسلی فرزند میرزا محمد علی سخت سری و نوه عالم عامل و محقق کامل میرزا محمد تنکابنی در حدود ۱۲۷۵ ق در سخت سر (رامر فعلی) از توابع تنکابن دیده به جهان گشود و تحصیلات مقدماتی را نزد پدر و سطوح

را در تنکابن و تهران نزد اساتید حوزه از جمله مرحوم میرزا محمد حسن آشتیانی طی نمود. سپس به قصد زیارت به حجاز و عراق سفر کرد و در سامرا و نجف رحل اقامت افکند و از محضر آیات عظام میرزا محمد حسن شیرازی، میرزا حبیب الله رشتی و شیخ زین العابدین مازندرانی فقه و اصول را تلمذ نموده و به کسب اجازاتی نیز نائل آمد. آنگاه به ایران مراجعت نمود و مدت کوتاهی در دیار خود توقف شهر رامسر کرد. پس از آن به مشهد آمده و در بارگاه حضرت رضا علیه السلام مشرفه گردید و تالیف و توطیات موقوفات مرحوم سهسالار رشتی در مشهد مقدس را به عهده گرفت. وی تا اواخر عمر به تدریس ادبیات عرب و فقه در حوزه مشهد اشتغال داشت و شاگردانی را تربیت کرد. او از معدود علمایی بود که در دوران استبداد رضاخانی که به علما اجازه استفاده از لباس روحانیت داده نمی شد، اجازه تعصم داشت و همواره

آزاده و شجاع و صریح اللهجه در خدمت بیان حق بود و با قناعت و مناعت طبع روزگار می گذرانید. ایشان به شعر پارسی و بویژه شاعر بلند آوازه شیعی فردوسی طوسی علاقمند بود. مرحوم استاد محمد امینی ادیب طوسی و مرحوم استاد محمد کاظم طوسی از فرزندان ایشان هستند. - بعضی آثار خطی در تفسیر و حدیث از وی به جای مانده است. در سال ۱۳۶۷ ق در سن ۹۲ سالگی به رحمت ایزدی پیوست و در جوار مولا علی بن موسی الرضا علیه السلام در مجلسی که هم اکنون ایوان صحن قدس می باشد به خاک سپرده شد.

غلامرضا جلالی

(۸۹)

تونی بشرویه‌ای - احمد

(سده ۱۱ هجری)

مولانا احمد فرزند محمد برادر ملا عبدالله تونی بشرویه‌ای صاحب کتاب الواقیه از علمای متقی و پرهیزکار قرن

حاج محمود تبریزی، از دانشوران نامدار و زاهد قرن چهاردهم هجری در مشهد رضوی بوده است.

وی در شهر تهران پا به دنیا نهاد، پس از آشنایی با مقدمات عازم نجف شد و سالها از محضر علامه ملا علی نهایندی بهره برد. سپس به سامرا رفت و در شمار شاگردان مجدد شیرازی درآمد و تقویت درس وی را از اول بیع تا آخر خیارات را به رشته تحریر درآورد و به درجه اجتهاد دست یافت و به درس و تحقیق مشغول شد.

در زمان حیات میرزا گاهی به جای او امامت نماز جماعت را به عهده می گرفت. پس از ارتحال میرزا در سال ۱۳۱۴ هـ ق از عتبات به تهران برگشت و مورد استقبال ارباب معرفت قرار گرفت. ناسازگاری او با ارکان رژیم قاجار موجب شد برای همیشه زادگاه خویش را به قصد مشهد ترک کند، او سالها به پارسایی زیست و به تدریس فقه و اصول اهتمام ورزید و مقبولیت عامه

یازدهم بود و سالها در مشهد مجاور وی اهل بشرویه، از توابع فردوس و عالمی فاضل عابد و زاهد بود که برای ادامه تحصیل به عراق رفت و پس از نیل به درجه اجتهاد به ایران مراجعت نمود و اجازه ای به محمد معصوم بن کمال الدین حسین مشهدی به تاریخ ۲۰ شعبان سال ۱۰۴۲ و مولی غلامرضا طیبی و مولی حسن هروی و دیگران اعطاء نمود. و در مشهد سکونت یافت

او تمام عمر به تدریس و تحقیق مشغول بود. حاشیه بر شرح لمعه و دو رساله در حرمت غنا و رد صوفیه نوشت و در مشهد فوت کرد.

ریاض العلماء / ۹۲، الذریعة ۱۱/۱۳۸، أمل الأمل ۲/۱۸۳، اعیان الشیعه ۳/۸۸، غلامرضا جلالی

(۹۰)

تهرانی - حسنعلی

(- ۱۳۲۵ هـ ق)

حاج شیخ حسنعلی تهرانی فرزند

یافت و کراماتی از او به ظهور رسید.
سرانجام این عالم ربانی صبح روز
شنبه، ۴ رمضان ۱۳۲۵ هـ ق به سرای
ماندگار شتافت و پیکر پاکش در صفا
قوام شیرازی که پنجره آن به
توحیدخانه حرم امام رضا علیه السلام گشوده
می‌شود به خاک سپرده شد.

علمای بزرگ شیعه / ۳۳۱-۳۳۱
منتخب‌التواریخ / ۶۳۱، ۶۴۴، ۶۸۶،
۷۰۰، تاریخ آستان قدس / ۳۳۷، ضمیمه
تاریخ علمای خراسان / ۲۸۸، گنجینه
دانشمندان / ۱۲۲/۷-۱۲۳، اعیان‌الشیعه
۲۱۴/۵، سند شماره ۴/۳۶، ۱۲ اداره
اسناد آستان قدس رضوی.



تهران بود، فرزند خود را به نجف اشرف
فرستاد تا در آنجا تحصیل کند. او
دستور پدر را بکار بست و روانه نجف
گردید، مقدمات علوم را در نجف فرا
گرفت و بعد وارد حوزه درس شیخ
مرتضی انصاری و سید محمد حسن
شیرازی گردید.

عبدالوهاب مدتی در نجف تحصیل
کرد و به مقامی از علم و کمال رسید.
پدرش از تهران مخارج زندگی را
می‌فرستاد ولی او ساده‌زیستی می‌کرد و
به دوستانش کمک می‌نمود.

هنگامی که میرزای شیرازی به
سامرا رفت او به تهران بازگشت و
مدتی در تهران زندگی کرد، اما در اثر
حوادثی که در خانواده‌اش پدید آمد به
مشهد مقدس مشرف شد و در آنجا
سکونت کرد. هنگامی که شیخ فضل‌الله
نوری به مشهد آمد، دوستانش از او
خواستند تا با توجه به کسک‌هایی که به
شیخ فضل‌الله کرده بود، از وی
مسامحت بخواهد ولی او حاضر نشد به

(۹۱)

تهرانی - عبدالوهاب

(۵۱۳۱۲ - ق)

عبدالوهاب از علمای بزرگ تهران
در زمان خود بوده است و بعد به مشهد
مقدس رضوی مهاجرت کرد و در آنجا
ساکن شد.

پدرش که از بازرگانان و اعیان

دیدن شیخ فضل الله برود. او روزهای جمعه در منزل خود منبر می‌رفت و از روی کتاب ذکر مصیبت می‌نمود و خود می‌گریست. شیخ عبدالوهاب در حدود سال ۱۳۱۲ ه.ق در مشهد درگذشت و در دارالسعاده به خاک سپرده شد.

فرهنگ خراسان ۳۲۷/۵-۳۲۶؛ نقیه
البشر ۳/۱۲۲۶؛ مرزداران نقابت
۱۳۶/ - ۱۳۵.

سیدحسن حسینی

پس از درگذشت بنابر وصیت مرحوم حاج شیخ غلامعلی تهرانی ۲۷ جلد کتاب خطی و ۱۰۶ جلد کتاب چاپی او به کتابخانه آستان قدس رضوی وقف شد.

فهرست کتابخانه مرکزی آستان قدس ج
۶ / مقدمه

ابراهیم زنگنه

(۹۳)

تهرانی - محمدرضا

(- ۱۳۲۶ ه.ق)



(۹۲)

تهرانی - غلامعلی

(- ۱۳۳۷ ه.ق)

شیخ محمدرضا تهرانی فرزند شعبانعلی واعظ معروف به «شیخ الحکما» از علمای تهران بود. پس از آموختن دانشهای دینی و طب در نجف به ایران برگشت و مدتها به اشاعه معارف الهی همت گماشت، سپس به مشهد آمد و مورد اقبال عامه مردم قرار گرفت و به طبابت پرداخت.

او به وعظ و خطابه و تدریس و تحقیق نیز علاقه نشان می‌داد. کتابی به نام ماه معین در شرح اربعین نوشت و

حاج شیخ غلامعلی فرزند محمدرضا تهرانی فائق از خطبا و سخنوران نامور مشهد بود. هنگام جوانی در اواخر صفر ۱۳۳۷ ه.ق درگذشت و جنازه‌اش در میان اندوه مشایعت کنندگان در صحن عتیق حرم امام هشتم علیه السلام دفن شد. کتاب «المواعظ الفائقیه» از آثار ایشان است که نسخه خطی آن در کتابخانه مرکزی آستان قدس نگهداری می‌شود.



رجال کشی را که به خط سید محمّد بن احمد بن ناصرالدین حسینی عاملی به سال ۹۸۴ هـ ق کتابت یسافته است تصحیح و مقابله کرد و ۲۲ ربیع الاول سال ۱۳۲۳ هـ ق از آن فراغت یافت او شانزدهم ذیحجه ۱۳۲۶ هـ ق در مشهد فوت کرد و در حرم دفن شد.

نقباء البشر ۷۳۱/۲، ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۸۸.

ابراهیم زنگنه

مشروطیت و از همکاران نزدیک

آیه الله میرزا محمّد آقازاده و گردانندگان

انجمن ایالتی در سالهای پس از

مشروطیت بود. با این که تحصیلات

حوزوی داشت به بازرگانی مشغول بود.

برادر کوچکترش شیخ محمّد جواد بلور

فروش در دوره های نخستین مجلس

شورای ملی، به نمایندگی از مشهد به

مجلس راه یافت. شیخ محمّد کاظم به

سال ۱۳۲۰ هـ ش در مشهد درگذشت و

در حرم به خاک سپرده شد.

وی همانند بسیاری دیگر از اعضای

خانواده خود به شعر و ادب علاقه



(۹۴)

تهرانیان - محمّد کاظم

(۱۲۴۰ - ۱۳۲۰ هـ ش)

شیخ محمّد کاظم تهرانیان فرزند

حاج عباسقلی و دایی ملک الشعرای

بهار و پدر شیخ احمد بهار، از فضلا،

شعرا و سیاسیون خراسان در قرن

گذشته بود. خانواده وی در اصل از

گرجستان بودند که در گذشته به اسارت

درآمده و به ایران آورده شدند.

تهرانیان از فعالین سیاسی عصر

داشت. شعر او جنبه‌های هنری، ادبی و سیاسی را در خود جمع کرده بود. از اشعار اوست:

هرکسی را که عقل و ایمان است
خالی از های و هوی و افغان است

او چو بحر است و دیگران جویند
بحر آرام و جوی نیلان است
صد سال شعر خراسان / ۱۸۴.

غلامرضا جلالی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

یزدی شرکت جست و نزدیک به هفت سال که در قم به سر می برد یک دوره معقول و منقول نیز از سید ابوالحسن رفیعی قزوینی آموخت و چندی هم از بحث شیخ محمدرضا اصفهانی مسجد شاهی بهره مند گردید.

آیه الله ثقفی از دو استادش شیخ عبدالکریم حایری و سید ابوالحسن رفیعی اجازه روایت و اجتهاد گرفت.

آن گاه به تهران بازگشت و تا پایان زندگی به تألیف و ارشاد مردم و انجام

وظایف شرعی اشتغال داشت. در سال

۱۴۰۵ هـ ق درگذشت پسرش ~~سید~~ ~~محمد~~ ~~رفیعی~~ ~~که~~ ~~پدر~~ ~~محمد~~ ~~رفیعی~~ ~~است~~

مشهد رضوی حمل کردند و در جوار

بارگاہ حضرت رضا علیه السلام به خاک

سپردند. آثار ارزنده اش عبارتست از تقریرات بحث نکاح شیخ عبدالکریم حایری، تقریرات منظومه سید ابوالحسن رفیعی؛ حواشی بر سیوطی، رساله ای در عدم جواز رجوع به حکام جور، دیوان اشعار شامل قصاید، غزلیات و مدایح و مرثیاتی اهل بیت عصمت و طهارت، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید در ۵ جلد، غررالفوائد که حاشیه درالفرائد آیه الله حایری است.

دایرة المعارف تشیع، ۵ / ۲۳۳،

آثارالحججه ۲/۲۶۵، اختران فروزان ری

و تهران ۲۲۳-۲۲۵، بیان سبل الهدایه

۲۷۳/۲ - ۲۷۵، گنجینه دانشمندان،

۳/۱۸-۱۰ / ۶

۲۰۲۳، ۱۲۰۲۵، نقباء البشر ۱ / ۵۳-۵۴.

غلامرضا جلالی

ج

(۹۷)

جبرئیلی - غلام سرور
(۱۳۰۶-۱۳۷۶ هـ ش)



حاج شیخ غلام سرور جبرئیلی
فرزند آخوند علی محمد جبرئیلی، از
علمای هرات بود و در اواخر عمر در
مشهد به ارشاد مهاجرین افغانی اشغال
می‌ورزید.

وی سال ۱۳۰۶ هـ ش در روستای
جبرئیل از توابع هرات افغانستان در
خانواده‌ای روحانی به دنیا آمد. پدرش
را در ۱۳ سالگی از دست داد و تحصیل
علوم دینی را تا سطوح عالی از محضر
آقا میرآقا فاضل زاده و حاج شیخ محمد
طاهر قندهاری و دیگر فضلاء هرات
فراگرفت. پارسایی او موجب شد به
پیشنهاد جمعی از شیعیان هرات از
سوی آیات عظام حکیم شاهرودی،
خویی و امام خمینی قدس سره و مراجع
دیگر به نمایندگی برگزیده شود. همین
امر سرآغاز فعالیتهای اجتماعی ایشان
شد. از آن جمله می‌توان به تأسیس
مدرسه صادقیه هرات، احداث مسجد
جامع صادقیه بزرگترین مسجد شیعیان
هرات، احداث مسجد و حسینیه در شهر

محمدعلی جزایری، در سال ۱۳۰۸ هـ ق به دنیا آمد و در خاندان فضل و ادب رشد یافت و پس از آموزش فقه و اصول نزد آقا سید محمد مدرسی یزدی و شیخ مسیح طالقانی و آقا شیخ علی نوری، سال ۱۳۴۳ هـ ق به قم رفت و در حلقه درسی مؤسس حوزه آیةالله شیخ عبدالکریم حایری یزدی و آیات دیگر شرکت نمود و در اواخر حیات آیةالله حائری به تهران بازگشت و به اقامه جماعت و نشر اسلام مشغول گردید.

حاج سید فخرالدین در سال ۱۳۵۳ هـ ق درگذشت و روز نهم مرداد در دارالسلام حرم امام رضا علیه السلام دفن گردید.

گنجینه دانشمندان ۴/۲۲۳

(۹۹)

جعفری - محمد تقی

(۱۳۰۴-۱۳۷۷ هـ ش)

علامه محمد تقی جعفری فرزند کریم از برجسته ترین چهره های علمی روزگار ما بود. او همه عمر پربار خود را

غوریان، تأمین هزینه تعمیر مسجد و حسینیه هرات، تأمین کتاب و شهریه طلاب علوم دینی، مدرسان و مبلغان حوزه علمیه هرات، تأسیس حسینیه هجرت در مشهد، تأسیس مدرسه انقلاب اسلامی در مشهد، اشاره کرد.

ساده زیستی، مهمان نوازی، همنشینی با فقرا و مستمندان، رسیدگی به ایتم، مدیریت قوی و عدم اعتنا به تشریفات از خصوصیات اخلاقی

مرحوم جبرئیلی بود. ایشان در هفتادمین سال حیات پربار خود، روز جمعه ۲۸ شهریور ۱۳۷۶ هـ ش در مشهد درگذشت و جنازه اش در صحن جمهوری اسلامی بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام دفن شد.

ابراهیم زنگنه

(۹۸)

جزایری - سید فخرالدین

(۱۲۶۸-۱۳۵۳ هـ ش)

حاج سید فخرالدین جزایری فرزند حاج سید علی و نوه آیةالله میر



مدتی به قم رفت و پس از ارتحال مادر و شرکت در مراسم او در تبریز، سال ۱۳۲۷ هـ ش به اصرار آیه‌الله میرزا فتاح شهیدی، رهسپار نجف شد. در آن جا در مدرسه صدر مستقر گردید و سطوح دوره خارج فقه و اصول را نزد آیه‌الله شیخ محمّد کاظم شیرازی، سید ابوالقاسم خویی، سید محمود شاهرودی، سید محسن حکیم، سید جمال گلپایگانی، سید عبدالهادی شیرازی و سید محمّد هادی میلانی آموخت و فلسفه را از محضر شیخ صدرا قفقاژی و آقا شیخ مرتضی طالقانی بهره برد و از طریق مطالعه با دانشهای رایج روزگار خود آشنا گردید و به تألیف و تحقیق روی آورد و پس از ۱۱ سال اقامت در نجف سال ۱۳۳۷ هـ ش به ایران بازگشت. مدتی در قم و مشهد ماند، ولی تهران را برای اقامت خود برگزید و در مدرسه مروی به تدریس پرداخت. او با مجامع و شخصیت‌های علمی داخل و خارج کشور رابطه برقرار کرد و صدها سخنرانی مهم

به آموزش و پژوهش گذراند. وی سال ۱۳۰۴ هـ ش در شهر تبریز متولد شد و نبوغ خود را در همان کلاسهای ابتدایی به ظهور رساند. درسهای حوزه را در مدرسه طالبیه در شرایطی آغاز کرد که به دلیل مشکلات مالی مجبور بود نیمی از روز را به درس و نیمی دیگر را به کار بپردازد. مقدمات را نزد سید حسن شربینانی و اهری خواند و برای ادامه تحصیل عازم تهران شد.

در تهران به مدرسه مروی وارد گردید و در محضر آیه‌الله شیخ محمدرضا تنکابنی و میرزا مهدی آشتیانی سطوح و فلسفه را آموخت.

در حوزه فرهنگ و فلسفه و معارف الهی در محافل دینی و علمی ایراد نمود.

ایشان با علاقه فراوانی که به مولانا جلال‌الدین رومی و مثنوی معنوی داشت به شرح مثنوی و نقد و بررسی افکار مولانا پرداخت و کشف‌الابیات آن را تحت عنوان از دریا به دریا به چاپ سپرد. از مهمترین خدمات علمی و معنوی علامه محمد تقی جعفری، در کنار دهها کتاب مفید، می‌توان به شرح نهج‌البلاغه ایشان اشاره کرد که

مشروح‌ترین شرح نهج‌البلاغه به زبان فارسی است. جبر و اختیار، حقوق جهانی بشر از دیدگاه فقه اسلامی، اندیشه‌های حافظ و فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو نیز از آثار مهم مرحوم علامه جعفری است.

در سال ۱۳۷۶ هـ ش به تصویب شورای عالی تحقیقات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، کنگره نکوداشتی برای تجلیل از خدمات گرانسنگ علامه جعفری به ساحت فکر و فرهنگ الهی و انسانی، تشکیل شد.

آیه‌الله محمد تقی جعفری در سال ۱۳۷۷ هـ ش به منظور معالجه بیماری خود به انگلستان رفت، ولی معالجات موثر واقع نشد و روز ۲۴ آبان همان سال در یکی از بیمارستانهای لندن درگذشت و جنازه‌اش به تهران منتقل شد و روز پنجشنبه ۲۸ آبان در تهران با حضور شخصیت‌های سیاسی و علمی کشور تشییع و به مشهد منتقل گردید و بعد از ظهر همان روز پس از مراسم

تکاپوگر اندیشه‌ها ۳/۹-۹

غلامرضا جلالی

حقوق

(۱۰۰)

جلالی همدانی - سید محمد

(۱۲۸۶ - ۱۳۶۲ هـ ش)

آیه‌الله حاج سید محمد حسینی جلالی، فرزند آیه‌الله حاج سید جلال‌الدین جلالی، از علمای سرشناس و برجسته معاصر، اهل همدان و مقیم شهر مشهد بود. وی سال ۱۳۲۵ هـ ق / ۱۲۸۶ هـ ش در تهران متولد شد و پس

مذهبی در مشهد شب ۱۷ دیماه سال ۱۳۶۲ در پی عارضه قلبی در تهران چشم از جهان مادی فرو بست، به فرمان امام خمینی جنازه او به مشهد انتقال یافت. و در رواق دارالزهده حرم دفن گردید.

مرحوم آیه الله حسینی جلالی در زهد و تقوی و حمایت از فقرا شهره بود و در این راه دوستان صمیمی ایشان از جمله مرحوم حاج محمدرضا منصوری، حاج آقا تقی شریف و کاووسی او را یاری می رساندند.

گنجینه دانشمندان ۱۳۷/۷، دفتر متوفیات آستان قدس، مستقر در صحن آزادی، یادداشت های سید حسن خوانجی ابراهیم.

ابراهیم زنگنه

جناب ← گرگانی ← محمد حسین

از آشنایی با ادبیات فارسی و عربی و همراه پدر خود به عراق رفت در نجف از محضر آیه الله نائینی بهره مند شد، پس از مدتی به همدان برگشت و برای ادامه تحصیلات حوزوی به قم مهاجرت نمود و آن جا از محضر اساتید بزرگ حوزه آیات حاج شیخ عبدالکریم حسینی و حجت و شاه آبادی استفاده برد. او سالها با امام خمینی علیه السلام هم حجره بود. و پس از درگذشت پدرش به همدان مراجعت کرد و به خدمات معنوی پرداخت. احداث مهدیه همدان مشتمل بر مسجد، پرورشگاه، درمانگاه، قرض الحسنه و سالن تبلیغات از جمله کوششهای مفید دینی رفاهی اوست.

وی در سال ۱۳۴۷ تحت فشار ساواک مجاورت امام رضا علیه السلام را برگزید و پس از چند سال اقامت و فعالیت های دینی و احداث بناهای

چ

(۱۰۱)

چایچی - علی اصغر

(۱۲۹۵-۱۳۷۴ هـ ش)

است. سال ۱۲۹۵ هـ ش چشم به جهان

گشود و ۲۳ آبان ۱۳۷۴ هـ ش / ۲۰

جمادی‌الآخره ۱۴۱۶ هـ ق درگذشت و

جنازه‌اش در صحن آزادی (بهشت

قائم‌الائمه) به خاک سپرده شد.

ابراهیم زنگنه



آیة‌الله حاج میرزا علی اصغر

چایچی از علما و مجتهدان معاصر

میرزا تقی‌محمد کاشانی

ح

(۱۰۲)

حائری - سید حسین

(۱۳۶۵ هـ ق)

پدرش آیه الله میر سید علی حائری (م
۱۳۳۰ ق) از برجسته ترین علمای یزد
بود. سید علیرضا در سال ۱۳۰۴ ق

متولد شد. مقدمات و سطوح را در یزد و
در خدمت استادان آنجا به پایان برد.

سپس در سال ۱۳۲۶ ق رهسپار نجف
گزیدید و سالیانی چند در محضر آیات

عظام سید محمد کاظم طباطبایی یزدی،
نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی به ادامه

تحصیل پرداخت. پس از آن به یزد
بازگشت و به انجام وظائف مذهبی و

تدریس علوم دینی اشتغال ورزید.
بزرگانی چون حضرات آیات سید

محمد محقق داماد و سید یحیی مدرس
از شاگردان او بودند. وی همچنین از

قریحه شعری نیکویی برخوردار بود و
اشعاری به فارسی و عربی سرود.

آیه الله حائری در اواخر عمر به مشهد

مرحوم سید حسین حائری
برادرزاده آیه الله آقا سید محمد
اصفهانی، از شاگردان میرزای شیرازی
بود و در مشهد سکونت داشت و به سال
۱۳۶۵ هـ ق در این شهر درگذشت.
دفتر یادبود کتابخانه وزیری یزد
۱۲۰/۲

(۱۰۳)

حائری - سید علیرضا

(۱۳۰۴ هـ ق -)

آیه الله حاج سید علیرضا حائری
یزدی فرزند آیه الله سید علی پسر سید
محمد رضا از عالمان دینی یزد است.



مقدس عزیمت کرد و سرانجام بر اثر ابتلا
به بیماری سل در آنجا وفات یافت.
مسافر یزد ۱/۱۷۸-۱۷۷ هجری
دانشوران/ ۲۲۵، ۲۳۱.

سیدحسن حسینی

حائری موسی ← جلد دوم

حسائری خراسانی ← آرام -
محمد یوسف

ادبیات، علوم ریاضی، طب، فقه و
اخلاق آشنا گردید. به سیر و سلوک
پژدانشت و به مطالعه علوم غریبه روی
آورد و از محضر بزرگانی چون مرحوم
شیخ حسنعلی نخودکی بهره‌مند گردید.

حافظیان با مرحوم حاج شیخ مجتبی
قزوینی مراد داشت تا این که به
پیشنهاد او در سال ۱۲۴۸ هجری ق به منظور
دیدار با مرحوم سید موسی زرابادی به
قزوین رفت و تحت تأثیر مقامات
معنوی او قرار گرفت. خودش در قطعه
شعری می‌گوید:

حائری زعفرانی - رضوی ← محمد

حاج آخوند ← تربتی - عباس
حاج عالم ← آیت‌اللهی - سید محمد
باقر

حاج رئیس ← رئیس - محمود

(۱۰۴)

حافظیان - سید ابوالحسن

(۱۲۸۲-۱۳۶۰ هجری ش)

حاج سید ابوالحسن حافظیان در
سال ۱۲۸۲ هجری ش در مشهد متولد شد. با

ای جوان خدمت بزرگان کن
 نفس اماره را به فرمان کن
 بهر خدمت همیشه حاضر باش
 گر قبولت کنند شاکر باش
 مجتبی شیخ و عالم و استاد
 صاحب معرفت، قرین سداد
 واجد سز و حکمت و ایمان
 اوستاد معارف قرآن
 در جوار رضا (ع) به فیض خفی
 گشته آگه ز حکمت رضوی
 برگذشت از علوم عرفانی
 وز رسوم و فنون یونانی
 جان سوی مطلق حقایق داشت
 سر به درگاه علم صادق (ع) داشت
 بُد مرتبی به جمع اهل صفا
 راه‌آموز سز ملک بقا
 روزگاری که یار من بودی
 متوجه به کار من بودی
 روزی از روی لطف و مرحمتی
 بعد شرحی و مدح و منقبتی
 گفتمی از گفته‌های گاه و گاهی
 که نگوید کسی به سال و ماهی
 حالیا یک سفر به قزوین کن

قلب پاکیزه را تو تزئین کن
 بین چه دریای علم و فضل و کمال
 واقف رازها ز قبل سؤال
 رادمردی بزرگوار و علیم
 صاحب نفس مطمئن و حکیم
 چون رسیدم به خدمتش حیران
 شدم از آن فرشته انسان
 در حقیقت نمونه‌ای ز امام
 گه سجود و رکوع و گه به قیام
 من ز علمش کجا توانم گفت
 خاصه زان علمها که بود نهفت
 بگذردم از بیان حالت او
 نرسدردم پسرده مقاله او
 من و سلوی ز سفرهایش خوردم
 ظرف خود پر نمودم و پردم



حافظیان سال ۱۳۵۱ ه‍.ق به هند
 رفت و با خود عهد کرد تا زمانی که
 رضاخان بر سریر قدرت است به ایران
 برنگردد. در هند به گشت و گذار و
 ریاضت و عبادت روی آورد و لوح
 محفوظ را در پی ریاضت طولانی بر
 روی تپه «صوفی پوره» واقع در دامنه
 کوه ترال کشمیر، استخراج کرد.

برجسته حوزه علمیه مشهد بود. وی در



روز ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ ه.ش در شهر
طبس متولد شد و پس از فراگیری
مقدمات، به سال ۱۳۲۲ ه.ش، برای
ادامه تحصیل به حوزه علمیه مشهد
وارد گردید و از درس شیخ محمّد تقی
ادیب نیشابوری و آیه الله حاج میرزا
احمد مدرّس یزدی بهره برد و در سال
۱۳۲۸ ه.ش وارد حوزه علمیه نجف شد
و پس از ۱۸ سال اقامت و گذراندن
درس خارج فقه و اصول نزد آیه الله
العظمی خوینی و دیگران به ایران
مراجعت کرد و در حوزه علمیه مشهد به
تدریس سطوح عالی، درس اخلاق،

حافظیان در هند با یک دختر ایرانی
که پدرش در آن جا استاد دانشگاه بود،
ازدواج کرد و پس از سقوط رضاخان
در سال ۱۳۲۰ ه.ش به ایران آمد و
سالها در یکی از حجره های فوقانی
صحن عتیق رضوی به عبادت مشغول
شد و ضریح قبر مطهر امام رضا علیه السلام را با
کمک مردم معتقد پاکستان و آستان
قدس و ایرانیان دلباخته مقام ولایت، و
با مساعدت هنرمندان اصفهان و مشهد
ساخت و نیمه شعبان ۱۳۷۹ ه.ق در محل
قبر نصب و از روی آن پرده برداری شد.
او در سال ۱۳۶۰ ه.ش درگذشت و در
غرفه دارالسرور دفن شد.

کیهان فرهنگی، سال نهم، شماره ۱۲،
۳۶-۳۷، لوح محفوظ / ۴۶-۴۹.

غلامرضا جلالی

(۱۰۵)

حجازی طبسی - سید ابراهیم

(۱۳۰۴-۱۳۷۷ ه.ش)

آیه الله سید ابراهیم حجازی طبسی
از علمای معاصر خراسان و مدرّسان

پرورش طلاب، اقامه نماز جماعت و حلّ برخی مشکلات مادی و معنوی بعضی طلاب مشغول گردید.

مرحوم آیه الله العظمی میلانی از جمله مدارس علمیه‌ای که تأسیس فرمودند «مدرسه عالی حسینی» بود که به صورت یک پژوهشکده علمی در سالهای پیش از انقلاب اسلامی، تربیت محقق، نویسنده و کارشناس اسلامی را برعهده داشت. که از جمله شرایط ورودی آن برای طلاب فاضل امتحان جلدین کفایة الاصول بود.



ایشان در مدرسه عالی حسینی می‌باشد که در بنیاد پژوهشهای اسلامی پس از تحقیق و تصحیح در دست آماده‌سازی و چاپ است.

مرحوم آیه الله حجازی در زمان حیات آیه الله العظمی سید عبدالله شیرازی از خواص اصحاب معظم له بود و به استفتائات ایشان پاسخ می‌داد.

او اخلاق الهی داشت و پارسایی را پیشه خود ساخته بود، به داشتن و دارایی نمی‌اندیشید و جلب رضایت خدا را در همه امور دنبال می‌کرد و مورد

احترام عموم علما و فضیلاي حوزه بود، تا این که پس از یک بیماری قلبی روز ۲۷ آبان ۱۳۷۷ هـ درگذشت و روز ۲۸ آبان در صحن آزادی حرم به خاک سپرده شد.

با استفاده از یادداشتهای استاد الهی خراسانی و دیگر آشنایان.

ابراهیم زنگنه

مرحوم آیه الله حجازی یکی از اساتید برجسته آن مدرسه بود که از همان ابتدای تأسیس با آن همکاری علمی داشت و تدریس برخی از دروس آن از جمله «آیات الاحکام» و «آیات العقائد» را برعهده داشت.

آثار علمی به‌جای مانده از ایشان علاوه بر تقریرات درس خارج فقه و اصول و یادداشتهای علمی، کتاب «آیات العقائد» است که همان جزوه تکمیل شده درس «آیات العقائد»

(۱۰۶)

حجت طباطبایی - محمد باقر

(۱۲۹۸-۱۳۸۰ هـ ش)

فراوان برد.

وی در سال ۱۳۲۰ هـ ش از نجف به مشهد هجرت کرد و در این شهر ساکن شد و با دختر مرحوم آیه الله حاج شیخ مرتضی آشتیانی ازدواج کرد. و مدتی همراه آیه الله میرزا حسن صالحی در درس خارج فقه مرحوم آیه الله حاج شیخ هاشم قزوینی در مدرسه حاج حسن شرکت کرد و خود تمام عمر را به درس و بحث سپری نمود.

آیه الله حجت در روز پنجشنبه ۲۷

دی ماه ۱۳۸۰ بر اثر سکته در سن ۸۶

آیه الله سید محمد باقر حجت، ^{سید} ^{سالم} ^{سالم} در مشهد چشم از جهان بست و

به سرای جاودان شتافت و پیکر پاکش صبح جمعه ۲۸ دی ماه با حضور عموم علما و مردم تشییع و در صحن آزادی حرم مطهر به خاک سپرده شد. رهبر معظم انقلاب آیه الله سید علی خامنه ای در پی درگذشت ایشان پیام تسلیتی به آیه الله واعظ طبسی ارسال نمود.

غلامرضا جلالی



اعقاب فقهای نامدار، سید محمد مجاهد صاحب ریاض المسائل و سید علی صاحب ریاض المسائل و از طرف مادر از اعقاب علامه سید بحر العلوم؛ در سال ۱۳۳۷ هـ ق / ۱۲۹۸ هـ ش در بیت علم و فضیلت به دنیا آمد. پدر و عموی ایشان از مراجع تقلید کربلا بودند. آیه الله حجت از دروس آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، سید ابوالقاسم خوئی و سید محمد هادی میلانی بهره

(۱۰۷)

حجت کاشانی - حسن

(۱۳۱۲ هـ ش)

شیخ حسن حجت کاشانی، از علمای منورالفکر مشهد بود و به سال ۱۳۱۲ هـ ش در مشهد درگذشت.

(۱۰۸)

حرّ عاملی - احمد

(ح ۱۰۴۱-۱۱۲۰ هـ ق)

شیخ احمد فرزند شیخ حسن و برادر کوچک شیخ محمد حرّ عاملی صاحب الوسائل است. در سال ۱۰۴۱ هـ ق به دنیا آمد تا سال ۱۱۲۰ هـ ق در قید حیات بود و پس از درگذشت برادرش شیخ حرّ عاملی، در سال ۱۱۰۴ هـ ق شیخ الاسلام مشهد شد. کتابهای تفسیر القرآن، تاریخ کبیر، تاریخ صغیر، حاشیه مختصر النافع و جواهر الکلام فی الخصال المحمودة فی الانام، الملوک که نسخهای از آن در کتابخانه مجلس موجود است و تاریخ کتابت آن ۱۶ ربیع الأول سال ۱۰۹۱ هـ ق می باشد از آثار

ایشان است.

وی در سال ۱۰۷۰ هـ ق به عراق رفت و سال ۱۰۷۱ به حج مشرف شد و سال ۱۰۸۴ در مشهد ساکن شد، در این سال در مشهد زلزله‌ای روی داد و مناره و قبه حرم امام علیه السلام صدمه دید و عده زیادی از بین رفتند و به دستور شاه سلیمان، قبه بازسازی شد. در سال ۱۱۱۵ شاه سلطان حسین شیخ احمد را به اصفهان فراخواند. و در سال ۱۱۲۰ ق درگذشت. به نقل عمادزاده، مؤلف

کتاب زندگی امام رضا علیه السلام قبرش در بشت پیر شیخ حرّ عاملی، در مدرسه میرزا جعفر متصل به صحن عتیق است. امل الأمل / ۳۱، زندگانی امام رضا (ع)، عمادزاده ۳۲۶-۳۲۷، الذریعه ۷۱/۸، اعیان الشیعه ۴۹۴/۲.

ابراهیم زنگنه

(۱۰۹)

حرّ عاملی - حسن

(۱۰۰۰-۱۰۶۳ هـ ق)

شیخ حسن فرزند شیخ علی و پدر شیخ محمد و شیخ احمد، که نسبش به

حرّ بن یزید رباحی می‌رسد، از فقها و چهره‌های برجسته علمی مهاجر جبل عامل لبنان است. سال ۱۰۰۰ هـ ق در جبل عامل متولد شد، به تحصیل پرداخت و حافظ قرآن شد. در سال ۱۰۶۲ هـ ق برای زیارت حرم امام رضا علیه السلام به قصد مشهد حرکت کرد، در بین راه، در بسطام زندگی را بدرود گفت و فرزندش شیخ زین‌العابدین جسد او را به مشهد حمل کرد و در پایین پای حضرت دفن کرد. درگذشت او با تشریح فرزند دیگرش شیخ محمّد مشهور به

محمّد بن حسین، معروف به شیخ حرّ عاملی، یکی از بزرگان علمای امامیه و مشاهیر محدثان شیعه است. وی شب جمعه هشتم رجب سال ۱۰۳۳ هـ ق در مشرفه، یکی از روستاهای لبنان در ناحیه بقاع، چشم به جهان باز کرد و نزد عموی خود شیخ محمّد حرّ و جد مادریش شیخ عبدالسلام بن محمّد حرّ و دایی پدرش شیخ علی بن محمود و صاحب کتاب المعالم و شیخ حسین ظهیری، دانش آموخت و چهل سال در کشورهای اسلامی به سفر پرداخت و دو

بار به حج رفت و پس از زیارت قبر پیشوایان دینی، در مسیر خراسان مدتی در اصفهان اقامت گزید و با علمای بزرگ آن دیار مصاحبت و مباحثه علمی داشت. او مدتی که در اصفهان بود بدون اذن به دربار شاه سلیمان می‌رفت و در کنار او می‌نشست. در سال ۱۰۷۳ به مشهد آمد و مجاور شد و ۳۱ سال در مشهد ماند و دو بار دیگر در این مدت به حج و زیارت ائمه مشرف شد و حلقه درسی تشکیل داد و تفصیل وسائل

شیخ حرّ عاملی به مکه همزمان بود. شهیدان راه فضیلت / ۳۳۲، ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۱۷۸، منتخب التواریخ / ۶۸۷، زندگانی امام رضا (ع)، عمادزاده، ۳۲۶/۲، امل الأمل / ۶۶/۱، اعیان الشیعه ۲/۱۱۲.

غلامرضا جلالی

(۱۱۰)

حرّ عاملی - محمّد

(۱۰۳۳-۱۱۰۴ هـ ق)

محمد بن حسن بن علی بن علی بن

الشیعه را تدریس می‌کرد و شاگردانی را پروراند و به تعدادی از آنها، از جمله به میرزا علاءالملک فرزند میرزا ابی طالب علوی موسوی در ۱۵ ربیع الثانی ۱۰۸۶ و نیز در سال ۱۰۸۵ به علامه مجلسی اجازه داد و از مجلسی اوّل و سیّد جزائری و شیخ علی سبط به نقل حدیث مجازگشت. تا این که ۲۱ رمضان ۱۱۰۴ هـ ق چشم از دنیا فرو بست و در طبقه زیرین مدرسه میرزا جعفر متصل به صحن انقلاب دفن شد.

صوفیه، فصول المهمة فی اصول الائمه، العربیة العلویة و اللغة المرویه، دیوان شعر و چندین کتاب دیگر.

شیخ با تالیفهای خود حق بزرگی بر گردن شیعیان دارد. تالیف و سائل بالغ بر بیست سال طول کشید. پس از آن شیخ به کار فهرست آن پرداخت و هدایة الامه و فصول المسهمه را از آن مجموعه گزینش کرد.

وی در آخر عمر تمام هم خود را مصروف نوشتن شرحی بر وسائل نمود. از اجازه ایشان به میر محمد تقی بن

محمد صادق موسوی در شعبان ۱۱۰۰ هـ ق معلوم می‌شود که تنها مقداری از آن را نوشته بوده است و مطابق نسخه‌های خطی موجود، این شرح با نام تحریر وسائل الشیعه تا باب دهم از ابواب الما المضاف، موجود است.

امل الأمل ۱/۱۴۱-۱۵۴، الفریعه

۲۴/۱۱ و ۲۶۳، اعیان الشیعه ۹/۱۶۷.

غلامرضا جلالی

از شیخ حرّ عاملی آثار گرانبایی بر جای مانده است. از جمله می‌توان از این کتابها و رساله‌ها یاد کرد: الجواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة، الصغیفة الثانیة من ادعیه علی بن الحسین (ع)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، هدایة الامه الی احکام الائمه علیهم السلام، فهرست وسائل الشیعه، الفوائد الطوسیة، اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، امل الأمل فی علماء جبل عامل، رساله‌ای در رجعت، رساله‌ای در رد

(۱۱۱)

حرّ عاملی - محمّد رضا

(- ۱۱۱۰ هـ ق)

شیخ محمّد رضا فرزند شیخ محمّد بن حسن حرّ عاملی، از علمای معروف عصر خود بود و پس از ارتحال پدرش در مشهد، زمام معنوی شهر را به عهده گرفت. پیوسته در حال مراقبه بود تا این که پس از شش سال از رحلت پدرش در سال ۱۱۱۰ هـ ق روح پاکش به جهان غیب برگشود و در طبقه زیرین مدرسه میرزا جعفر متصل به صحن انقلاب، در کنار غرفه پدرش مدفون گردید.

از آثار قلمی او جمع آوری اشعار

شیخ بهایی است.

تاریخ علمای خراسان / ۳۹، منتخب

التواریخ / ۶۸۷، مطلع الشمس

/ ۶۸۰، ۱۶۲.

غلامرضا جلالی

(۱۱۲)

حرفوشی عاملی - ابراهیم

(- ۱۰۸۰ هـ ق)

شیخ ابراهیم فرزند محمّد بن علی بن احمد حرفوشی عاملی کرکی، پدر او به حریری مشهور بود و او نزد پدر و علامه مجلسی دانش آموخت. کتاب مجموعه الاجازات از آثار اوست و در اجازات بحار الانوار زیاد از آن یاد شده است. وی به سال ۱۰۸۰ هـ ق در مشهد حضور داشته است.

الذریعه ۵۹/۲۰، امل الأمل ۳۰/۱، طبقات

۲۱۶/۲. اعیان الشیعه ۵-۴، اعلام الشیعه

غلامرضا جلالی

حسین - سید میرزا - رضوی - میرزا

حسین

(۱۱۳)

حسینی - ابو جعفر محمّد

(- ۲۵۲ هـ ق)

محمّد بن محمّد ابو جعفر حسینی از



نوادگان علی بن حسین بن علی علیه السلام است که در قرن پنجم هجری می زیسته است وی فردی محدث و راوی بود. طبق گزارش عبدالغافر فارسی ابو جعفر حسینی در سناباد طوس وفات یافت و در ماه ذی قعدة سال ۴۵۲ ق در مشهد به خاک سپرده شد.

عزیز الله عطاردی: فرهنگ خراسان
۱۱۳۰/۷ عبدالغافر فارسی: تاریخ
نیشابور / ۴۵.

محمدجواد هوشیار

به نجف رفت و در کنار فراگیری علوم حوزوی آموزش پزشکی را دنبال کرد و سال ۱۳۳۹ ه ق به تأیید وزارت معارف محکمه‌ای در بالا خیابان مشهد دایر کرد و به معالجه بیماران پرداخت.



حسینی ← کاشانی - سید حسن

(۱۱۴)

حسینی بجنوردی - اسماعیل

(۱۲۴۱ - ۱۳۲۵ ه ش)

او پزشکی توانا و متفکری برجسته بود و به زبانهای عربی و فرانسه تسلط داشت. گاهی که پزشکان آمریکایی و روسی شاغل در مشهد به مشکلی برمی خوردند، از قوام الحکما درخواست مساعدت می کردند.

سید اسماعیل پس از مدتی از کار پزشکی دست کشید و به مطالعه و

سید اسماعیل حسینی معروف به «حاج میرزا» و ملقب به «قوام الحکما» فرزند سید محمد سلطان الذاکری (حاج سلطان بزرگ) از علما و مجتهدان قرن سیزده است. وی به سال ۱۲۸۳ ه ق / ۱۲۴۱ ه ش در شهر بجنورد متولد شد. پس از انجام آموزشهای مقدماتی

علم باید به دست اهلس برسد نه اهل تجارت، من هنوز آن انسان صالح را نیافته‌ام»، وی یک سال پیش از مرگش به حسام‌الدین شمس‌المعالی که همیشه از او حمایت مالی می‌کرد پیغام فرستاد که محرمی جز اونمی‌شناسد و قصد داشت دستگاههای دست ساخت خود را به او واگذار کند، اما مرگ ناگهانی شمس‌المعالی مانع آن شد، پس از چندی قوام‌الحکما نیز که زندگی را در فقر و تنگدستی گذرانده بود، به سال ۱۳۲۵ هـ در مشهد درگذشت. کتاب الوجیزه

بود، در دست بیمار قرار می‌گرفت مؤتقیه *سید الفریسه در علم طب از آثار اوست.*
دانشوران بجنورد / ۵۶-۶۱، الفریسه
۵۴/۲۵

ابراهیم زنگنه

(۱۱۵)

حسینی تبریزی - محمدحسین

(- ۱۳۵۰ هـ ق)

حاج سید محمد حسین تبریزی، ملقب به «سلطان‌القراء» از فضلا و قاریان ممتاز و حفاظ روضه رضوی بود

پژوهش روی آورد. در خون شناسی تحقیقات وسیعی انجام داد. او به رشته فیزیک نیز علاقه داشت. سه چرخه‌ای اختراع کرد که بدون نیاز به سوخت حرکت می‌کرد و دستگاهی ساخت که با قرار دادن در برابر دست اشخاص، گروه خونی آنها را تشخیص می‌داد. او زمانی که در مدرسه نواب درس می‌خواند، فواره‌ای در حوض مدرسه کار گذاشت و یک سال پیش از مرگش دستگاهی مشابه کامپیوتر ابداع کرد. این دستگاه که به شکل لوله‌ای مدرج به اندازه عصا بود، در دست بیمار قرار می‌گرفت مؤتقیه *سید الفریسه در علم طب از آثار اوست.*
سر دیگر آن انواع داروها آزمایش می‌شد. دستگاه با نشان دادن علائم منفی یا مثبت، داروی مؤثر را معین می‌کرد.

برخی از مقامات فرانسوی و ایرانی خواستار خرید این دستگاه بودند و مبلغ هنگفتی را به او پیشنهاد کردند، ولی قوام‌الحکما با این که نیاز شدید مالی داشت از پذیرفتن آن خودداری کرده و گفته بود: «علم فروختنی نیست،

المسترشدین الی حرمة الغنا فی الدین از آثار قلمی اوست. سال ۱۳۸۱ هـ ق برای معالجه به تهران رفت و همانجا درگذشت و برحسب وصیت به مشهد منتقل شد و در یکی از حجره‌های صحن عتیق به خاک سپرده شد.

مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۹، واژه‌حسینی، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران ۱۰۵/۳، ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۹۱.

ابراهیم زنگنه

و تعلیم قرائت قرآن کریم به سرپرستی او انجام می‌شد. وی در سال ۱۳۲۲ هـ ق کتاب منهاج المستخیر را در موضوع استخاره نوشت. این کتاب به شماره ۳۴۲۸ در فهرست کتابهای خطی آستان قدس رضوی ثبت است. مرحوم تبریزی روز دهم رمضان سال ۱۳۵۰ هـ ق درگذشت و در راهرو کشیک‌خانه واقع در رواق حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام دفن شد.



فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی ۲۹۸/۶

ابراهیم زنگنه

(۱۱۷)

حسینی تهرانی - محمدحسین

(۱۳۴۵-۱۴۱۶ هـ ق)

مرحوم علامه آیه‌الله حاج سید محمد حسین حسینی تهرانی فرزند مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد صادق، از علما و عرفای برجسته قرن حاضر است. ایشان به سال ۱۳۴۵ هـ ق چشم به جهان گشود و تحت مراقبت پدر دوران آموزشهای ابتدایی و متوسطه را در رشته مکانیک و ماشین‌سازی به پایان

(۱۱۶)

حسینی تبریزی - محمود

(۱۳۲۰-۱۳۸۱ هـ ق)

حاج سید محمود حسینی تبریزی فرزند یوسف علوی، به سال ۱۳۲۰ هـ ق در شهر تبریز متولد شد. سالها در جوار امام رضا علیه السلام مسجاور بود. کتابهای الحجاب و الاسلام یا بهترین ارمغان در حجاب زنان، هدیه الاخوان، و هدایه

حجت، سید محمد داماد و حاج آقا حسین بروجردی حاج سید رضا بهاء الدینی، حاج شیخ عبدالله سدهی و حاج شیخ مرتضی حائری استفاده برد.

به سال ۱۳۷۰ هـ ق به توصیه بزرگانی چون علامه طباطبایی و آیت الله شیخ محمد صدوقی یزدی برای تکمیل تحصیلات خود به نجف رفت و از محضر آیات عظام آقا شیخ حسین حلی، حاج سید ابوالقاسم خویی و سید

محمد شاهرودی استفاده برد، و به سفارش علامه طباطبایی با آیت الله حاج شیخ محمد علی قوچانی، وصی مرحوم آیت الله میرزا علی آقا قاضی در امور سلوکی و معنوی حشر و نشر پیدا کرد و پس از شش سال به حضور مرحوم حاج سید هاشم موسوی (حداد) رسید و از محضر ایشان بهره مند گردید.

سال ۱۳۷۷ هـ ق پس از اتمام تحصیلات عالی و اتقان در علوم عقلی و نقلی و حقیقی، جهت ادای تکلیف و اقامه شعائر الهی به امر استاد عرفانش حضرت آیت الله حاج شیخ محمد جواد

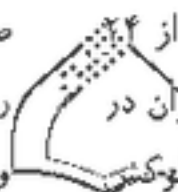


رساند و سپس به تحصیل علوم الهی روی آورد. در سفر زیارتی در مشهد به دست مرحوم آیت الله میرزا محمد تهرانی صاحب مستدرک البحار که از بزرگان علمای عصر و دایی پدری او بود به کسوت روحانیت درآمد. سال ۱۳۶۴ هـ ق برای تحصیل به قم رفت و در مدرسه حجت حجره گرفت و به مجموعه شاگردان علامه سید محمد حسین طباطبایی پیوست و از خواص آن فرزانه در عرفان عملی، تفسیر و فلسفه گردید و مدت هفت سال بجز ایشان از محضر آیات سید محمد

سهمگین بر پیکر مسلمین) لمعات
الحسین و لبّ اللباب را نگاشت و به
نشر سپرد.

اینان سرانجام پس از ۷۱ سال عمر
یرنمر روز شنبه نهم ماه صفر سال ۱۴۱۶
هـ ق درگذشت و پیکر پاکش پس از
تشییع باشکوه و نمازی که به امامت
حضرت آیةالله العظمی بهجت
فومنی برگزار شد در ضلع جنوب شرقی
صحن انقلاب (عتیق) حرم مطهر
رضوی به خاک سپرده شد. عاشق سعیداً
و مات حمیداً.

انصاری همدانی به تهران بازگشت و در
مسجد قائم خیابان سعدی به نشر
احکام اسلامی و ارشاد مردم و تهذیب
نفوس مستعده در راستای تحکیم
بنیانهای حاکمیت دین و احیای علوم
اسلام و تثبیت محورهای اساسی شرع،
اعم از ولایت فقیه، نماز جمعه، ارتش
ملی، الگوهای حجاب و ازدواج و تبیین
لزوم بازگشت به قرآن و پیش
توحیدی، همت گماشت و پس از ۴۰
سال تلاش مخلصانه در شهر تهران در
سال ۱۴۰۰ هـ ق به امر استاد سلوک



مرحوم حاج سید هاشم حداد ^{آیةالله} به روح سرور

غلامرضا جلالی

حسینی جلالی - محمد - جلالی
همدانی - محمد

مجاورت آستان مقدس رضوی به
مشهد مهاجرت کرد و مدت ۱۵ سال
لحظه‌ای از تربیت نفوس مستعده و
تألیف دست نکشید و آثار گرانمایه‌ای
چون الله‌شناسی، امام‌شناسی،
معادشناسی، توحید علمی و عینی، مهر
تابان، روح مجرد، رساله نوین، ولایت
فقیه، نور ملکوت، نگرشی بر مقاله
قبض و بسط ثوریک شریعت، رساله
نکاحیه (کاهش جمعیت ضربه‌ای

(۱۱۸)

حسینی خسروشاهی -

سید احمد

(۱۳۳۰ - ۱۳۹۷ هـ ق)

آیةالله سید احمد حسینی

خسروشاهی در سال ۱۳۹۱ ش /

آن دو از محضر شیخ الشریعة اصفهانی و آقا سید علی گنابادی و آقا شیخ علی قوچانی بهره برد.

در جریان جنگ جهانی اول و شیوع بیماریهای مهلک در عراق، به سوی ایران حرکت کرد، ولی در بین راه همه اعضای خانواده‌اش از بیماری جان سپردند و خود به تنهایی رهسپار ایران شد. در تهران ازدواج کرد و شش سال در مشهد به تدریس اشتغال ورزید و به قصد زیارت حج عازم سفر شد و در بازگشت در عتبات ماند و در درس حضرات آیات محمد حسین غروی اصفهانی، حکیم، و ضیاءالدین عراقی به مدت ۵ سال شرکت جست و اجازات اجتهاد از اساتید خود گرفت و به توصیه سید ابوالحسن اصفهانی و میرزای نائینی و درخواست مردم جبل عامل واقع در جنوب لبنان به آن جا رفت و مدت ۲۲ سال در آن جا به اشاعه دین و نشر احکام پرداخت. او با علمای معاصر خود در ارتباط نزدیک بود.

آیه الله لواسانی سال ۱۲۷۰ هـ ق به



عراق و لبنان از نیکنامی برخوردار بود. سحرگاه روز سوم رمضان سال ۱۳۰۸ هـ ق در نجف متولد شد. پدرش از اساتید برجسته نجف و جدش مرحوم حاج سید ابراهیم حسینی لواسانی از مراجع وقت به شمار می‌رفتند. جد مادری ایشان سید مهدی خراسانی (شهید چهارم) است.

مرحوم لواسانی از نبوغ سرشاری برخوردار بود. در ۲۲ سالگی دوره خارج فقه و اصول را نزد آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم یزدی فراگرفت و پس از ارتحال

(۱۲۰)

حسینی نیشابوری - ابراهیم

(- ۱۰۱۲ هـ ق)

سید ابراهیم حسینی نیشابوری،
مدرس آستان قدس رضوی بود و در
ریاضیات دست داشت و به سال ۱۰۱۲
هـ ق در حرم علی بن موسی الرضا علیه السلام
دفن شد. ایشان رساله نیروزیه را در
اثبات این که تحویل خورشید از حوت

حمل همان قول مشهور است نوشت و
رساله مولودیه به زبان عربی و رساله ای
در نماز جمعه به زبان فارسی از آثار

الذریعه ۶۳/۱۵، ریاض العلماء ۴۰/۱،
اعیان الشیعه ۱۳۶/۲، طبقات اعلام
الشیعه ۱۲.

غلامرضا جلالی

(۱۲۱)

حسینی یزدی - حسن

(- ۱۳۸۰ هـ ش)

آیه الله حاج میرزا حسن بن محمّد
حسینی یزدی صاحب کتاب درر السفیه

قصد اقامت دایم در ایران به تهران
بازگشت و در مسجد محمودیه اقامه
نماز جماعت نمود و ضمن احداث
چندین مدرسه علمی، به تألیف، تحقیق،
تدریس و تبلیغ پرداخت تا این که ۲۵
جمادی الآخر سال ۱۴۰۰ هـ ق در شهر
تهران درگذشت و بنا به وصیتش، جنازه
او را به مشهد حمل کردند و در رواق
دارالزهده حرم به خاک سپردند.

تالیفات زیر از آثار ایشان است:

نورالافهام فی علم الکلام در ۳ جلد
تاریخ النبی احمد، تواریخ الانبیاء،

الدروس البهیة در تاریخ انعمه، مرقیات
الجنان در ادعیه، الشریعة التمهات
رساله ای عملی برای اهالی لبنان،
کشکول لطیف، شرح نهج البلاغه به
عربی، نقض الهفوات و تکذیب
المفتریات، فضیحة الکذّابین در رد
قادیانی، سفینه الحسین الناجیه،
تقریرات فی الفقه، دیوان اشعار عربی
در مدح انعمه در ۳ جلد و تقریرات
اصول نائینی.

غلامرضا جلالی

۱۲۹۸ هـ ش در آذرشهر به دنیا آمد. وی از طرف مادری از نوادگان آقا باقر بهبهانی بود، و جسد مادری ایشان در کرمانشاه به دست رضاخان کشته شده بود.

آیه‌الله حکمت‌نیا در دوران کودکی در تبریز به مدرسه رفت و استعداد درخشان ایشان همه معلمین را شگفت‌زده کرد. توجه وی از هشت سالگی به جهان معنی و مبدأ و معاد جلب شد و کشش عمیقی در خود نسبت به عوالم قدسی، یافت. ایشان در سال ۱۳۱۴ هـ ش در جریان کشف حجاب به قم سفر کرد و به محضر آیه‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری رفت و در یکی از حجرات فیضیه سکونت یافت و به تحصیل علوم دینی پرداخت و تا سال ۱۳۲۰ در درس آیات حجت، خوانساری و میرزا محمد فیض شرکت جست که در همین سال به آذرشهر برگشت و به این اندیشه افتاد که مساجد آذرشهر را دایر کند. او با فرقه‌گرایی و صوفی‌گری و اندیشه‌های الحادی به

در سال ۱۳۸۰ در تهران درگذشت. و جنازه‌اش به مشهد حمل و در راهرو دارالضیافه رضوی از صحن جدید دفن و مجلس ترحیم در مسجد گوهرشاد برگزار شد.

غلامرضا جلالی

(۱۲۲)

حکمت‌نیا - محمد باقر

(۱۲۹۸-۱۳۸۰ هـ ش)



آیه‌الله حاج محمد باقر حکمت‌نیا فرزند میرزا ابوالقاسم خان عرب از مبارزین عصر مشروطیت، در ۱۴ جمادی الاول ۱۳۳۸ هـ ق / ۱۸ بهمن

مبارزه برخواست، با این حال خود متهم به گرایش به صوفیه شد و ناچار به تبریز هجرت کرد و تولیت مدرسه طالبیه را به عهده گرفت و به تدریس لعمه، رسائل و معراج السعاده پرداخت.

ایشان در حدود سال ۱۳۲۴ هـ ش به تهران رفت و حرکت‌های سیاسی خود را آغاز کرد و با توجه به خویشاوندی که با واحدی داشت، در جریان فعالیت فدائیان اسلام قرار گرفت و در مسجد مجدالدوله و مدرسه لرزاده به تدریس مشغول گردید و در دانشگاه تهران به تحصیل الهیات مبادرت نمود و در مدتی در شهر ری مستقر شد و در مدرسه برهانیه به تدریس پرداخت.

در جریان نهضت ملی، آیه‌الله حکمت‌نیا به تبریز بازگشت و با دولت ملی همکاری نمود و مورد علاقه خاص آیه‌الله کاشانی قرار گرفت و پس از کودتای ۲۸ مرداد خانه‌نشین شد و در سال ۱۳۳۵ در حالی که تحت تعقیب بود به عراق، سوریه، لبنان، اردن، هاشمی و عربستان سفر نمود و در

بازگشت به اتهام ارتباط با اخوان المسلمین مورد بازجویی ساواک قرار گرفت.

حکمت‌نیا در سال ۱۳۴۲ از تبریز به قم هجرت کرد و تا سال ۴۵ در این شهر اقامت داشت و از نزدیک با علامه طباطبایی و شیخ مهدی حق‌پناه و بیت امام خمینی ارتباط داشت و در سال ۱۳۴۵ بار دیگر به تهران بازگشت و در دربند شمیران به کار تبلیغ مشغول شد و مدتی بعد از سوی آیات قم به شاه‌آباد (السلام‌آباد) غرب رفت و در مدتی نه چندان طولانی توانست میان جمعیت‌های متفرق آنجا که از شیعه، سنی، بهایی، یهودی و علی‌اللهی ترکیب یافته بود نقش روشنگرانه و مؤثری به دست آورد.

آیه‌الله حکمت‌نیا سالهای آخر عمر خود را در مشهد سپری کرد و به تدریس و تربیت پرداخت و در جریان انقلاب اسلامی حضور فعالی داشت و در بهمن سال ۱۳۸۰ چشم از جهان فرو بست و در ورودی کفشداری ۱۰ صحن

آزادی حرم مطهر دفن شد.

آیةالله حکمت‌نیا انسانی نوگرا و اهل اندیشه و دارای سعه صدر بود. ایشان معتقد بود ما اگر راه امر به معروف و نهی از منکر را بدانیم تا اعماق وجود آدمها می‌توانیم دین خدا را سرایت دهیم. وی تمام عمر خود را در جستجوی حق و عمل به آن سپری نمود. ایشان توحید را سرّ حیات و حیات را منبث از توحید می‌دانست.

پرداخت و در علوم دینی، تفسیر و اسطرلاب به کمال رسید.

وی از مردان وارسته و پارسا و مورد تسوجه و اعتماد عامه مردم حتی اقلیت‌های مذهبی بود و شغل زرگری داشت. در اسطرلاب ماهر و در فهم قرآن بلند پایه بود. اشعار توحیدی شاهنامه را گرد آورد و تفسیری بر بعضی از آیات قرآن کریم نوشت. او که از دسترنج و هنر خود روزگار

غلامرضا جلالی می‌گذرانید، بعد از ۷۰ سال زندگی، در

سال ۱۳۵۹ هـ ق به سرای ماندگار

شتافت و در صحن جدید حرم مطهر دفن گردید.

ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۷۰،
تاریخ آستان قدس / ۳۴۳.

ابراهیم زنگنه

حکیم سدید ← قمی سدید ← جلد
دوم

(۱۳۳)

حکیم زرگر - غلامحسین

(۱۳۵۹ هـ ق)

حاج غلامحسین زرگر معروف به «حکیم زرگر» از عرفا و حکمای مشهد بود و سالها در خدمت حاجی فاضل و دیگر اساتید عصر خود به تحصیل علم

خ

(۱۲۴)

خاتون آبادی - محمد حسین

(۱۱۵۱ هـ ق)

احکام دینی را فدای امیال شخصی نکرد. و بر فقه و حدیث و حکمت و تفسیر تسلط کافی داشت و سرآمد

زمان خویش بود. او شعر می سرود،

داوای خطی زیبا بود و سیدمهدی

بهرالعلوم، فرزندش سید عبدالباقی

و سید نصرالله حایری و شیخ

زین العابدین خوانساری در شمار

شاگردان ایشان هستند. وی اجازات

زیادی نیز به بزرگان علم اعطاء نموده

است.

پس از ظهور نادرشاه، خاتون آبادی

همچنان سمت شیخ الاسلامی را داشت

و مامور آزمون قضات و رسیدگی به

کارهای آنان بود، او حاضر نشد بر سفره

نادرشاه حاضر شود و در ظروف زرین

غذا بخورد. سرانجام روز دوشنبه ۲۳

آقا سید حسین خاتون آبادی فرزند

امیر محمد صالح از جانب مادر نوه

ملا محمد باقر مجلسی بود. در خدمت

پدر و جد خویش علامه مجلسی و آقا

جمال خوانساری سیدعلی خان

شیرازی شارح صحیفه سجادیه و

اساتید دیگر حوزه اصفهان سالها بهره

برد و به مقام اجتهاد رسید و از آیه الله

سید جزایری اجازه دریافت کرد. او

سالها در مقام شیخ الاسلامی و امامت

جمعه اصفهان خدمت کرد و نظارت بر

امور مریم بیگم عمه شاه سلطان حسین

صفوی به عهده وی بود. او هیچگاه

التواریخ / ۶۸۵ و ۶۹۸، روضات الجنات
 ۳۵۶/۵ و ۳۹۶، گنجینه دانشمندان
 ۲۷۸/۳ - ۲۷۹ شهیدان راه فضیلت
 ۳۸۲/، خاتمه مسترک الوسائل / ۳۸۶.
 ریحانة الادب ۱۰۰/۲ - ۱۰۱

غلامرضا جلالی

خادم باشی ← مجید فیاض -
 عبدالمجید

(۱۲۵)

خادمی اصفهانی - سید حسین
 (۱۲۸۰ - ۱۳۶۳ هـ ش)



آیةالله حاج سید حسین خادمی
 اصفهانی فرزند سید ابوجعفر فرزند آقا

شوال سال ۱۱۵۱ هـ ق در اصفهان
 درگذشت و جنازه اش روز جمعه همان
 هفته به مشهد منتقل شد و در جوار
 حضرت رضا علیه السلام دفن گردید.

از تألیفات اوست:

- ۱- مناقب الفضلاء
- ۲- الواح السماویة فی اختیارات
 الایام الاسبوع و السنة
- ۳- رساله ای در منجزات مریض
- ۴- رساله عملیه
- ۵- خزائن الجواهر فی اعمام السنة
- ۶- سبع المثانی فی زیارات ائمة
 العراق
- ۷- وسیلة النجاح فی الزیارات
 البعیدة
- ۸- النجم الثاقب
- ۹- حکم النکاح بین العبدین
- ۱۰- کلمة التقوی فی تحریم الفیه
- ۱۱- مفتاح الفرج فی استخاره
- ۱۲- رساله های در بدأ، زکات،
 خمس، لقطه و...
- ۱۳- حواشی شرح الجدید للتجرید
- ۱۴- حواشی شرح اللمعه
 اعیان الشیعه ۲۵۳/۹ - ۲۵۴، منتخب

سید صدرالدین عاملی که نسبت خانوادگی وی به امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌رسد، از علما و فقهای بنام و رئیس حوزه علمیه اصفهان بود.

وی روز جمعه سوم شعبان ۱۳۱۹ هـ ق / ۱۲۸۰ هـ ش متولد شد و پس از آموزش دوره ابتدایی به تحصیل علوم حوزه روی آورد. مقدمات را نزد حاج شیخ علی یزدی و آقا میرزا اردستانی و آقا میرزا احمد اصفهانی و رسائل شیخ انصاری را خدمت آخوند ملا عبدالکریم جزری و حاج میرزا سید علی نجف آبادی و سطح و تکفایه را در محضر آیه الله سید محمد نجف آبادی فراگرفت و دوره خارج را نزد آیه الله حاج میرزا محمد صادق یزدآبادی حضور یافت. سپس به نجف رفت و خارج فقه و اصول را از محضر آیات میرزا حسین نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء عراقی بهره برد و کلام را در حلقه درسی آیه الله شیخ جواد بلاغی و رجال و درایه را از آیه الله آقا سید ابوتراب خوانساری آموخت.

سال ۱۲۴۷ هـ ق آیه الله خادمی به اصفهان بازگشت و به تدریس دوره خارج فقه و اصول در مدرسه صدر اصفهان و اقامه جماعت مشغول گردید. ایشان از سوی امام، نماینده رسیدگی به امور حوزه علمیه اصفهان شد و در کنار فعالیتهای علمی و اجتماعی خود، کتابهایی در بحث برائت، استصحاب و تعادل و تراجیح و از اول مباحث الفاظ تا مقدمه واجب و لباس مشکوک نوشت. رساله در محرومیت زوجه از آرث غیر منقول، حواشی متفرقه بر کتاب طهارت و صلوٰة و زکوٰة محقق همدانی و کتابهای اصولی و نیز کتاب رهبر سعادت از آثار قلمی ایشان است. آیه الله خادمی از زمان کشف حجاب (۱۳۱۴ هـ ش) مبارزه خود را علیه حکومت پهلوی آغاز کرد. تحصن مردم مبارز اصفهان در منزل ایشان در سال ۱۳۵۷ هـ ش، منجر به اعلان حکومت نظامی در اصفهان شد. ایشان در جریان انقلاب نقش موثری داشتند و با امام خمینی هماهنگ بودند پس از





حلقه درسی میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند خراسانی شرکت کرد. بعد به سامرا سفر نمود و از محضر سید محمد حسن شیرازی میرزای بزرگ، بهره برد و پس از نایل به درجه اجتهاد به زادگاهش مراجعت نمود و به تدریس آموخته‌های خود پرداخت. چگونگی تدریس و ژرفای بینش او موجب شد تعداد زیادی از جویندگان دانش در حلقه درسی او شرکت کنند. نفوذ معنوی او در میان مردم کرخ و کاظمیه به اوج خود رسید. همگان در مسایل دینی و سیاسی خود به او مراجعه می‌کردند و تحت تأثیر بیان نافذ و تقوای او قرار

۱- یک دوره بیماری طولانی، صبح روز بیستم اسفند ۱۳۶۳ در ۸۶ سالگی در اصفهان دارفانی را وداع گفت و از سوی استانداری اصفهان سه روز عزای عمومی و یک روز در همه استان تعطیل عمومی اعلام شد و حوزه علمیه یک هفته تعطیل گردید. جنازه ایشان پس از انتقال به مشهد عصر روز ۲۱ اسفند از مسجد ملا هاشم با شرکت گسترده مردم و علما تا حرم مطهر امام رضا علیه السلام تشییع و در محل دارالسلام دفن گردید.

ابراهیم زنگنه

(۱۲۶)

خالصی - محمد مهدی
(۱۲۷۷ یا ۱۲۷۶ - ۱۳۴۳ هـ ق)

آیت‌الله شیخ محمد مهدی خالصی کاظمی اسدی فرزند شیخ حسین فرزند شیخ عبدالعزیز، از مجتهدان و سراج معیار شیعه در قرن ۱۴ هجری در دیحجه ۱۲۷۷ یا ۱۲۷۶ هـ ق در کرخ کاظمین به دنیا آمد و همانجا نشو و نما یافت و به دستور پدر به نجف رفت و در

داشتند.

آیه الله خالصی مرد میدان سیاست بود و آن را از امور دینی جدا نمی دانست و در امور جاری کشورش شرکت داشت و در برابر سلطه اجانب سخت می ایستاد. در نهضت مشروطیت و برپایی نظام پارلمانی در ایران و استانبول نقش مهمی ایفا کرد. وی سالها با نفوذ و حضور انگلیس در عراق مبارزه نمود و شب سه شنبه ۱۰ ذی قعدة ۱۳۴۱ هـ ق به دستور دولت استعماری انگلیس دستگیر و از عراق به جزیره «هنگام» هند تبعید شد، ولی ینة عینت خود را در کشتی تظاهرات مسلمانان در مخالفت با تبعید ایشان، وی پیش از پیاده شدن از کشتی به یمن برگردانده شد و در مراسم حج از آن جا به حجاز رفت. در مکه از سوی هیأت های ایرانی که از سوی دولت ایران اعزام شده بودند به ایران دعوت شد. وی هنگام پیاده شدن از کشتی در بندر بوشهر، هدف حمله مسلحانه یکی از افسران انگلیسی قرار گرفت.

علمای مقیم عتبات در اعتراض به

این حادثه به ایران آمدند. آیه الله نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی رهبری این مهاجرت را به عهده داشتند. مرحوم خالصی مدتی در قم و اصفهان بود بعد به مشهد آمد و مورد استقبال مردم و سردار اسعد یختیاری استاندار وقت خراسان قرار گرفت. او در مشهد در اوایل سال ۱۳۴۳ هـ ق بیانیه ای به زبان عربی صادر کرد و مسلمانان کشورهای اسلامی را به عضویت در جمعیت استخلاص الحرمین الشریفین و بین النهرین که خود مؤسس آن بود دعوت کرد. ولی عمر او کفاف نکرد و روز ۱۱ رمضان ۱۳۴۳ هـ ق درگذشت و در حجره عقب صفة غربی دارالسیاده حرم دفن شد.

از برجسته ترین آثار ایشان کتابهای زیر است: منظومات در علوم عربیه، الشریعة السمحاء فی احکام سید الانبیاء، حاشیه کفایة الاصول، الحسام البتار فی جهاد الکفار الوجیزه فی الموارث، عناوین الاصول و مختصر الرسائل العملیه و الاصول الدینیة دیدار با ابرار، شماره ۶۳، مجله بصائر

شماره ۲۳ اسفند ۱۳۷۵، روزنامه اطلاعات دهم فروردین ۱۳۷۰، گنجینه دانشمندان / ۲۲۹-۲۳۱، ریحانة الادب / ۱۱۶/۲، منتخب التواریخ / ۶۸۶ و ۷۰۰، اعیان الشیعه / ۱۵۷/۱۰، مکارم الآثار / ۶/۲۱۴۵، معارف الرجال / ۱۵۰/۳

غلامرضا جلالی

(۱۲۷)

خامنه‌ای - سید جواد

(۱۳۱۳ - ۱۴۰۶ هـ ق)



آیةالله سید جواد خامنه‌ای در جمادی الآخر سال ۱۳۱۳ هـ ق در نجف اشرف در خانواده‌ای روحانی دیده به

جهان گشودند. در کودکی به همراه خانواده به تبریز مهاجرت کردند. پدر ایشان مرحوم آیةالله حاج سید حسین خامنه‌ای (رضوان الله علیه) عالم بزرگ تبریز و امام جماعت مسجد جامع این شهر بودند که در سال ۱۳۲۵ هـ ق رحلت نمودند. سنین نوجوانی ایشان مقارن با آغاز نهضت مشروطیت بود و برخی رویدادهای مهم از قبیل مصلوب کردن بزرگان تبریز در روز عاشورا به وسیله روسها را به چشم خود دیده بودند.

مرحوم آیةالله سید جواد خامنه‌ای تحصیل را در تبریز آغاز و در سال ۱۳۳۶ هـ ق برای ادامه تحصیلات به مشهد مقدس مهاجرت نمودند. در آنجا ۹ سال از محضر آیات عظام میرزا محمد آقازاده خراسانی، حاج آقا حسین قمی و حاج فاضل خراسانی استفاده بردند که این ایام با قیام شیخ محمد خیابانی - شوهر خواهر ایشان - مقارن بود.

در سال ۱۳۴۵ هـ ق برای تکمیل تحصیلات رهسپار نجف اشرف شدند و از خرمن علم و معرفت آیات عظام

میرزای نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی بهره بردند. پس از اتمام تحصیلات به مشهد بازگشتند و با دختر مرحوم آیةالله حاج سیدهاشم نجف آبادی (رحمة الله علیه) ازدواج کردند که رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیةالله العظمی حاج سید علی خامنه‌ای و سه برادر دیگر و یک خواهر نمره این وصلت مبارکند.

سر حضرت) به خاک سپرده شدند. از ایشان آثار چاپ نشده‌ای در مباحث فقه و اصول بر جای مانده است. صحیفه شماره ۳۵/۴۰، گنجینه دانشمندان ۱۲۷/۷-۱۲۸. و اطلاعات گرفته شده از بیت محترم مقام معظم رهبری.

غلامرضا جلالی

(۱۲۸)

خبوشانی - محمد حسین

(- ۱۲۶۲ هـ ق)



ایشان سالها در مشهد به تدریس فقه و اصول و اقامه جماعت در مسجد جامع گوهرشاد و مسجد صدیقیهای بازار بزرگ مشغول بودند و در دوران مبارزات که فرزندانشان درگیر فعالیت‌های انقلابی بودند از رژیم ستمشاهی آزار و اذیت بسیاری متحمل شدند.

مولانا محمد حسین خبوشانی فرزند مولانا علی اصغر معروف به «صفی آبادی» در سبزوار چشم به جهان باز کرد. برای ادامه تحصیل به مشهد آمد و پس از تحصیل مقدمات به جمع شاگردان مرحوم میرزا مهدی شهید پیوست و علوم نقلی و عقلی را نزد ایشان فراگرفت و به دستور وی به قوچان رفت و زعامت دینی آن جا را به عهده داشت، تا این که ربیع الاول سال ۱۲۶۲ هـ ق از دنیا رفت و جسدش را به

مرحوم آیةالله حاج سید جواد خامنه‌ای سرانجام پس از عمری سراسر زهد و پرهیزکاری و اخلاص در ۱۵ تیر ۱۳۶۵ / ۲۸ شوال ۱۴۰۶ در مشهد دار فانی را وداع گفتند و پس از تشییع باشکوه مردمی در جوار حضرت امام رضا علیه السلام در توحیدخانه (رواق پشت

مشهد حمل کردند و در محل
توحیدخانه حرم دفن شد.
تاریخ علمای خراسان / ۸۷-۸۸، مطبع
الشمس ۷۰۷/۲، اترکنامه / ۲۳۳، اعیان
الشیعه ۲۶۰/۹.

ابراهیم زنگنه

۱۲۳۶ هـ ق در خبوشان درگذشت و
برحسب وصیت پیکرش به مشهد منتقل
شد و در حرم دفن گردید.
معارف الرجال / ۳، ۳۲۲.

ابراهیم زنگنه

(۱۳۰)

خرازی نجفی - محمد باقر

(۱۳۱۵ - ۱۴۰۰ هـ ق)

آیةالله حاج شیخ محمد باقر خرازی
نجفی در سال ۱۳۱۵ هـ ق، در بیت فضل
و فضیلت در شهر تبریز دیده به جهان
گشود. پس از فراگیری مقدمات و
سطوح به نجف هجرت کرد و از درس
آیات عظام میرزای نایینی، حاج شیخ
محمد حسین کمپانی، سید ابوالحسن
اصفهانی و آقا ضیاء عراقی استفاده
کرد و پس از دریافت اجازات از اساتید
خود به ایران بازگشت و در مشهد رحل
اقامت افکند و به تدریس و تحقیق و
اقامه نماز جماعت در مسجد گوهرشاد
پرداخت و پس از عمری خدمت و
افاضه و انجام وظیفه در حوزه علمیه

(۱۲۹)

خبوشانی - محمد علی

(۱۲۳۶ هـ ق -)

شیخ محمد علی تبریزی خبوشانی
حائری پس از خواندن در سهای
مقدماتی برای ادامه تحصیل به تبریز
رفت، در کربلا به تحصیل پرداخت و
بیشتر دانشهای دینی را نزد وحید
بهبهانی (م ۱۲۰۶ هـ ق) و میرزا مهدی
شهرستانی (م ۱۲۱۶ هـ ق) تکمیل نمود
و در فقه و اصول و کلام و حدیث استاد
شد و در سال ۱۱۹۳ از آنها اجازه
روایی گرفت. در سال ۱۱۹۸ هـ ق به
مکه مشرف شد و در مراجعت به
خبوشان آمد و به تبلیغ و نشر اسلام
پرداخت تا این که شب قدر ۲۳ رمضان



(۱۳۲)

خراسانی - عبدالله

(- ۱۳۷۳ هـ ق)

شیخ عبدالله فرزند ابراهیم معروف به خراسانی، از علمای معروف خراسان بود که سالها در مشهد به ترویج معارف دینی اشتغال داشت و از تحقیق و پژوهش غافل نبود و تحفة النساء، هدیه الاخوان و تلخ و شیرین را به زبان

فارسی به رشته تحریر درآورد. تا این که روز بیستم رجب ۱۳۷۳ هـ ق به سرای ابدی شتافت و جنازه اش در صحن مدرسین چیره دست مقدمات و سطوح ^{مکتوبه} تحقیق ^{مکتوبه} دفن گردید.

ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۷۷،

اعیان الشیعه ۴۶/۸

ابراهیم زنگنه

(۱۳۳)

خراسانی - عبدالوهاب

(- ۱۲۶۸ هـ ق)

مولانا شیخ عبدالوهاب خراسانی، فرزند عبدالرحمان، در بیشتر علوم روزگار خود بویژه فقه، اصول،

مشهد در سال ۱۴۰۰ هـ ق داعی حق را لیبیک گفت و در جوار امام رضا علیه السلام در صحن انقلاب در محل ایوان طلا، زاویه طرف ساعت به خاک سپرده شد.

ابراهیم زنگنه

(۱۳۱)

خراسانی - عباد

(- حدود ۱۳۱۰ هـ ق)

شیخ مولی عباد خراسانی متوفی حدود سال ۱۳۱۰ هـ ق، در اصل از مزینان بود. در مشهد دانش آموخت و از مدرسین چیره دست مقدمات و سطوح شد و طلبه های زیادی نزد او حضور می یافتند. بعدها به عتبات و اوایل سال ۱۳۰۰ هـ ق به سامرا رفت و در درس مجدد شیرازی شرکت جست. پنج سال آن جا ماند، بعد به مشهد بازگشت و به تدریس و امامت نماز پرداخت، تا این که در مشهد چشم از جهان فرو بست.

نقباء البشر ۳/ ۹۸۲ - ۹۸۳.

غلامرضا جلالی

(۱۳۴)

خراسانی - علی

(- ح ۱۳۵۶ هـ ق)

مولی علی خراسانی. از شاگردان
میرزای شیرازی در سامرا بود و حدود
سال ۱۳۵۶ هـ ق از دنیا رفت و در
مقبره پیر پالان دوز دفن شد. صراط
العارفین فی اصول الدین از آثار
قلمی اوست.

الذریعه ۳۴/۱۵.

غلامرضا جلالی

ریاضیات و هیئت دست داشت. وی در
خدمت میرزا مهدی شهید شاگردی کرد
و در نجوم و تنجیم مهارت یافت. او
پیش از درگذشت فتحعلیشاه، سلطنت
محمد شاه قاجار را پیش‌بینی کرد و
پس از فوت فتحعلیشاه، محمدشاه او را
به پاداش این پیشگویی با حقوق و
مستمری زیاد به منصب شیخ‌الاسلامی
مشهد برگزید. او در حدی در علوم

مختلف تسلط داشت که گویند با مولانا



شمس‌الدین هراتی، از فضلاء هرات که

در مشهد به سر می‌برد، در حضور

(۱۳۵)

خراسانی - فضل الله

(- ۹۹۷ هـ ق)

شیخ فضل الله خراسانی که در اصل
عرب بود، از دانشمندان پارسای دوره
شاه طهماسب صفوی است. صاحبان
کتابهای ریاض العلماء، مستدرک
الوسائل، تاریخ عالم آرای عباسی از
وی به تجلیل یاد می‌کنند.

وی در مسجد جامع گوهرشاد به
نماز جماعت می‌ایستاد و برای معاش

آصف‌الدوله حاکم خراسان به تهنیت تبریک می‌برد

نشست و او را مجاب کرد. حواشی بر

کتاب قوانین و شرح تذکره در هیئت و

تعلیقاتی بر ریاض در فقه از آثار

اوست. به سال ۱۲۶۸ هـ ق از دنیا رفت

و در توحیدخانه حرم دفن گردید.

تاریخ علمای خراسان ۸۵/، مطلع

الشمس ۷۰۶/۷۰۷-۷۰۷، الکرام البرره

۸۰۵/۲-۸۰۶، اعیان الشیعه ۱۳۳/۸.

غلامرضا جلالی

خود از موقوفات آستان قدس رضوی مستمری دریافت می نمود. به سال ۹۹۷ هـ ق که عبدالؤمن خان ازبک به خراسان حمله کرد و مشهد را محاصره نمود، مردم از روی ناچاری، پس از چهار ماه تسلیم شدند و خان ازبک فرمان قتل عام آنها را صادر نمود و سادات، علما، خادمان حرم و زائران زیادی که به حرم امام رضا علیه السلام پناهنده شده بودند، به قتل رسیدند. شیخ فضل الله خراسانی نیز از پناهنده شدگان به حرم بود که به ضرب شمشیر به شهادت رسید و در جوار حرم دفن شد. تاریخ مشهور شهیدان راه فضیلت / ۲۷۶ - ۲۷۹.

غلامرضا جلالی

(۱۳۶)

خراسانی - محمد

(- زنده ۱۳۸۱ هـ ق)

حاج شیخ محمد فرزند حاج سلا هاشم خراسانی است که از سال ۱۳۸۱ هـ ق پس از درگذشت پدر به نشر فتاوی علما پرداخت و پس از مراجعت از مکه

در مشهد درگذشت.

ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۷۸.

ابراهیم زنگنه

(۱۳۷)

خراسانی - محمد اسماعیل

(۱۲۵۵ - ۱۳۳۰ هـ ق)

محمد اسماعیل خراسانی ملقب به «مجدالادبا» مستوفی دیوان اعلی و معاون کارگزاری خراسان بود. او علاوه بر این که به کارهای دیوانی پرداخت، از تحقیق و تألیف غافل نبود. کتابهای منهاج الکرامه، کشف الیقین علامه حلّی و مسکن الفواد شهید ثانی را تحت عنوان «تسلية العباد» ترجمه کرد و منتشر نمود. دیوان اشعاری نیز از او باقی مانده است.

مجدالادبا در ۷۵ سالگی روز ۱۲ رجب ۱۳۳۰ هـ ق در مشهد درگذشت و به خاک سپرده شد.

ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۳۰.

خراسانی - محمد حسن - ادیب

هروی - محمد مختار

(۱۳۸)

خراسانی - ملا هاشم

(۱۲۸۴-۱۳۵۲ هـ ق)



۱- به یادگار گذاشت. رساله ربا، رضاع، وسیله الامان، ارث، معاملات، نفقات و کتاب برپهای منتخب التواریخ از آثار ایشان است. وی بیشتر وقایع روزگار خود از جمله به توپ بستن حرم توسط قوای روس را به تفصیل در منتخب التواریخ آورده است.

چراغ عمر حاج ملا هاشم پس از ۶۸ سال خاموش گشت، بدن بی جان وی روز سوم ذیحجه ۱۳۵۲ هـ ق در محل دارالحفاظ حرم، به خاک سپرده شد.

ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۷۸.

مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی

۷۶۱/۵، فهرست کتابخانه آستان قدس

۵۷۵/۵، منتخب التواریخ / ۶۳۲-۶۳۷.

غلامرضا جلایر

(۱۳۹)

خراسانی مشهدی - حسین

(۱۱۷۵ هـ ق)

شیخ حسین مشهدی از علما و مجتهدان طراز اول خراسان در قرن دوازدهم هجری بود و سالها در مشهد به امامت جمعه و جماعت اشتغال داشت و

حاج ملا هاشم خراسانی رحمته الله علیه

مورخ، فرزند محمد علی، از معارف علما بود و بسیاری از مردم از او پیروی می کردند. وی در بیستم صفر ۱۲۸۴ هـ ق در مشهد تولد یافت و پس از تحصیل دانشهای دینی عصر خود در مشهد و نجف و بهره گیری از محضر درس استادانی چون آخوند خراسانی و سید اسماعیل صدر اصفهانی، به مشهد بازگشت و به تدریس و ترویج و تحقیق روی آورد و کتابهای سودمندی از خود

در فقه و اصول و علوم ریاضی در شمار
دانیان رموز بود و میرزا مهدی شهیدی
در خدمت او با علوم ریاضی آشنا شد.
ارشاد المسترشدین تالیف او می باشد.

او از احفاد شیخ حافظ ابردهی
مدفون در یکی از قرای مشهد است که
آرامگاه وی مورد زیارت اهالی است.

او سالها در مسجد جامع گوهرشاد
تدریس می کرد و در ۷۰ سالگی دار
فانی را وداع گفت و فرزندش مولانا آقا

ابو محمد (م ۱۲۴۰ هـ. ق) است که هنگام
مرگ پدر، کودکی کم سن و سال بود.

مطلع الشمس / ۱۷۰۳، فردوس التواریخ
/ ۱۱۲ - ۱۱۳، تاریخ علمای خراسان
/ ۴۹، اعیان الشیعه ۹/۶ و ۸۷/۲

غلامرضا جلالی

آمد و به تحصیل پرداخت و برای
تکمیل دانشهای خود به نجف رفت و از
محضر صاحب جواهر استفاده برد و
حدود سال ۱۲۷۳ هـ ق به ایران
بازگشت، در تهران بیمار شد و فوت کرد
و جنازه او به مشهد حمل و در صحن
جدید دفن گردید. سبیل الرشاد فی
شرح نجات العباد و فوائد متفرقه فی
الاصول در شمار آثار قلمی ایشان



است.
اعیان الشیعه ۱۰/۱۴۳، معارف الرجال
۸۹/۳
ابراهیم زنگنه

(۱۴۱)

خرقی - محمد علی

(۱۲۴۸ - ۱۳۳۸ هـ ش)

مرحوم حاج شیخ محمد علی خرقی
در حدود سال ۱۲۴۸ هـ ش در روستای
خرق، از توابع قوچان، به دنیا آمد
پدرش قربانعلی و مادرش سکینه نام
داشته اند. او در سن ۱۵ سالگی برای
تحصیل علوم دینی به مشهد آمد و در

(۱۴۰)

خراسانی نجفی - سید مهدی

(- ح ۱۲۷۳ هـ ق)

سید مهدی فرزند سید اسماعیل
موسوی خراسانی نجفی، از دانشوران
سده ۱۳ هجری است. در مشهد به دنیا

شیخ مقدس مشهور بوده‌اند. با وجود این اوصاف ایشان تمایلی به شهرت نداشتند و حتی به دیگران توصیه می‌کردند وقتی در جایی به نیکی شناخته شدید، آنجا نمانید مبادا موجب غرور شما شود.

او پس از حدود ۱۲ سال به همراه خانواده به مشهد بازگشت و در این دوره بیشتر به مطالعه و وعظ و تبلیغ امور دینی پرداخته و با آیه‌الله فقیه سبزواری حشر و نشر و صمیمیتی داشت.

سرانجام مرحوم خرقی در تاریخ

۱۳ صفر / ۱۳۷۹ ه.ق / ۱۳۳۸ ه.ش بدرود حیات گفت و روحش از ملک فانی به دیار باقی شتافت. مراسم تشییع جنازه ایشان با شکوهی خاص از مقابل مسجد حیدریها در بالا خیابان تا حرم مطهر برگزار شد و در باغ رضوان نزدیک قبر سبز، از نوادگان امام زین العابدین علیه السلام، به خاک سپرده شد.

غلامرضا جلالی

مدرسه‌ای از مدارس حوزه علمیه مشهد اقامت گزید و در سن ۲۵ سالگی با دختر شیخ اسماعیل ازدواج کرد. شیخ اسماعیل اهل روستای دهنة اجاق، از تسابح اسفراین، بوده است و در برخوردی اتفاقی با شیخ محمدعلی در مشهد، رفتار او را می‌پسندد و او را به دامادی خویش انتخاب می‌کند. ثمره این ازدواج، ۸ پسر و ۶ دختر بوده که از آن میان تنها یک پسر و پنج دختر عمر طولانی باقی ماندند و بقیه در کوچکی از دنیا رفتند.

خرقی مقید بود دامادهايشان اهل علم باشند تا هم متدین بوده و هم از نظر مادی در یک سطح باشند.

ایشان در زمان رضاخان و جریان کشف حجاب، سال ۱۳۱۴ ه.ش، برای چندین سال به همراه خانواده از مشهد رفتند و در خرق زندگی کردند. او در روستای خرق و اطراف آن شخصی معروف بود و به خاطر مراتب علم و فضل و تقوی و مقید بودنشان به آداب و سنن دینی و زندگی ساده و زاهدانه به

(۱۴۲)

خلخالی - سید محمدباقر

(-۱۳۳۳ هـ ق)

حاج سید محمد باقر خلخالی از
 علما و خطبای برجسته بود. در مشهد
 سکونت داشت و به نظر احکام اسلامی
 می پرداخت و اقامه جماعت می نمود.

آثار عدیده‌ای را تألیف نمود. از آن
 جمله کتاب «الجنات الثمانیه» در
 تواریخ مشاهد ثمانیه از اوست. وی به
 سال ۱۳۳۳ هـ ق در مشهد فوت کرد و
 در حرم به خاک سپرده شد.

گنجینه دانشمندان ۳۸/۵ - ۳۹، نقیاء
 البصر ۱/۱۸۶.

ابراهیم زنگنه

خلیفه سلطان ← اصفهانی - اسدالله



مکتب تحقیقات و معارف اسلامی
 مشهد

(۱۴۳)

دامغانی - محمد کاظم

(۱۳۱۶-۱۴۰۱ هـ ق)

مادر خود را از دست داد و علیرغم دشواریهای زندگی به کسب دانش روی آورد، پس از فراگیری مبانی علوم دینی به مشهد آمد. ابتدا در منزل آخوند ملا

همانعلی محقق، واعظ معروف آن زمان که با وی نسبت خویشاوندی داشت،

ساکن شد سپس در مدرسه دو درب

حجره‌ای گرفت و نزد میرزا عبدالجواد

معروف به ادیب نیشابوری و نیز فاضل

بسطامی با علوم ادب آشنا شد، سپس

قوانین را نزد مرحوم شهرستانی و

سطوح عالیه را خدمت علمای اعلام:

شیخ حسن بُرسی و شیخ محمد قوچانی

و شیخ محمد نهاوندی که هر سه از

شاگردان برجسته آخوند خراسانی

بودند، آموخت و ۱۴ سال درس آیت‌الله

حاج میرزا محمد آقازاده و ده سال



آیت‌الله حاج شیخ محمد کاظم مهدوی دامغانی فرزند آخوند ملا علی اکبر، در جمادی‌الثانی ۱۳۱۶ هـ ق در روستای شمس آباد، ۶ کیلومتری دامغان به دنیا آمد. در کودکی پدر و

خدمت آیة‌الله آقا میرزا مهدی اصفهانی و سه سال محضر آیة‌الله حاج آقا حسین قمی و یک سال درس آیة‌الله شیخ موسی خوانساری را که همه آنها از فحول علمای شیعه در قرن ۱۴ هجری بودند درک کرد و از آیات عظام میرزا محمد حسین نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی و میرزا محمد آقازاده اجازه اجتهاد و از شیخ آقابزرگ تهرانی و علامه سمّانی صاحب «حکمت بوعلی» و آیة‌الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی اجازه روایی دریافت کرد.

سجایای اخلاقی و صراحت لهجه و اجستتاب از هرگونه تظاهر از مشخصه‌های برجسته روحی مرحوم آیة‌الله دامغانی بود. از اقدامات اجتماعی ایشان می‌توان به مرمت مسجد جامع دامغان در سال ۱۳۸۱ هـ ق اشاره کرد. ایشان دهم تیر سال ۱۳۶۰ هـ ش / ۲۷ شعبان ۱۴۰۱ هـ ق در مشهد درگذشت و در دارالزهده حرم مدفون گردید.

گنجینه دانشمندان ۱۰۵/۷-۱۰۸، اطلاعات دفتر شعبه مدفونین حرم مطهر و یادداشتهای آیة‌الله حاج شیخ محمد

میرزا محمد باقر بروجردی و سید فضل‌مهدوی دامغانی

غلامرضا جلالی

مرحوم دامغانی از سال ۱۳۳۶ هـ ق در مشهد حوزه درس قوانین، شرایع، ریاض، رسائل، مکاسب و کفایه داشت و از سال ۱۳۵۶ هـ ق پس از واقعه مجد گوهرشاد در منزل خود منزوی گردید و هیچ شغلی را اعم از تدریس در دانشگاه یا فعالیت‌های قضایی نپذیرفت، هر چند در بازسازی حوزه مشهد پس از شهریور ۱۳۲۰ هـ ش از فعالین بود.

(۱۴۴)

درجه‌ای زاده - سید ابوالعلی

(۱۳۲۹ هـ ش)

آیة‌الله حاج سید ابوالعلی درجه‌ای زاده فرزند ارشد آیة‌الله العظمی سید محمدباقر درجه‌ای، در حوزه نجف به تحصیل پرداخت و به دریافت اجازه

آبان ۱۳۳۹ شمسی در سجده نوافل صبح در شهر مشهد در گذشت و به دستور آیت‌الله فقیه سبزواری در یکی از حجره‌های باغ رضوان دفن گردید.

ابراهیم زنگنه

(۱۴۵)

دزفولی نجفی - سید احمد

(۱۲۸۰ - ۱۳۵۵ هـ ق)



حاج سید احمد فرزند علامه حاج سید محمد ظاهر، فرزند علامه سید اسماعیل آقا میری دزفولی نجفی چون نوه شیخ انصاری بود، معروف به سبط شد. به سال ۱۲۸۰ هـ ق در نجف، پا به عرصه وجود نهاد و پس از تحصیل مقدمات، چند سالی در سامرا از محضر میرزای شیرازی و پدر خود استفاده برد. سپس در حوزه درسی آخوند خراسانی شرکت کرد تا این که به قوه اجتهاد دست یافت.

سال ۱۳۵۲ مرحوم دزفولی به منظور زیارت مرقد امام رضا علیه السلام به مشهد آمد و به اصرار جمعی در این شهر ماندگار

اجتهاد از اساتید خود آیات سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء عراقی و نائینی و عمویش آقا سید مهدی درجه‌ای نایل آمد. ایشان پس از بازگشت به اصفهان به عنوان نماینده تمام الاختیار آیت‌الله العظمی بروجردی در این شهر تعیین شد.

آیت‌الله درجه‌ای زاده از شبیه تا چهار شبیه در اصفهان در مسجد قصبه اقامه جماعت داشتند و روزهای پنجشنبه و جمعه را همانند پدر خود به درجه می‌رفتند و به امور مذهبی مردم آن جا رسیدگی می‌کردند. ایشان نهم

شد و به تدریس پرداخت تا این که روز
۲۶ ربیع الآخر ۱۳۵۵ هـ ق زندگی را
بدرود گفت و در حرم دفن شد.

کتابهای حاشیه بر رسائل و مکاسب
و کفایه از آثار فقهی و اصولی ایشان
است.

گنجینه دانشمندان ۱۴۲/۵، نقباء البشر
۱۰۵/۱.

ابراهیم زنگنه



(۱۴۶)

دستغیب شیرازی - سید

عبدالحسین

(۱۲۸۳ - ۱۳۸۴ هـ ش)

برای ادامه تحصیل عازم مشهد گردید و
از محضر علمای بزرگی همچون آیات
مرکز تحقیقات که پیر شیخ حسنعلی اصفهانی نخودکی و
آیات حاج شیخ هاشم قزوینی و محمد
رضا کلباسی کسب علم نمود. در این
زمان همدرس با آیات حسنعلی
مروارید و میرزا جواد آقا تهرانی بود.
وی برای تکمیل سطوح عالی حوزه،
عازم عراق شد و در حوزه علمیه کربلا
مدتی از محضر علمایی چون آیه الله
حکیم بهره جست و به درجه اجتهاد
رسید. وی پس از بازگشت از عراق
عازم شیراز شد و در آنجا به اقامه نماز

آیه الله سید عبدالحسین دستغیب
شیرازی فرزند آیه الله سید مجدالدین
دستغیب شیرازی (م ۱۳۳۳ هـ ق) در
سال ۱۲۸۳ در شهر شیراز به دنیا آمد.
پس از تحصیلات ابتدایی وارد حوزه
علمیه شد و دروس مقدماتی را نزد
پدرش که در مدرسه خان شیراز و
مسجد نصیرالملک تدریس می نمود فرا
گرفت. پس از پایان دوره مقدماتی

در مسجد نصیرالملک و تدریس در مدرسه حکیم و فعالیت‌های اجتماعی مشغول گردید.

ایشان در جریان قیام خونین مسجد گوهرشاد در مشهد حضور داشت و به همراه سایر مجتهدین توسط مأموران رژیم پهلوی در ۲۲ تیرماه ۱۳۱۴ ه.ش دستگیر و به تهران منتقل گردید. در بین راه یکی از مأموران که نسبت به وی ارادت پیدا کرده بود در نزدیکیهای تهران او را نیمه شب از ماشین پیاده کرد تا اسیر زندان و شکنجه رضاخانی نگردد. پس از پیاده شدن از ماشین برای این که شناسایی نگردد لباس روحانیت را از تن خارج کرد و پیاده به طرف قم حرکت نمود و مسافت طولانی تهران و قم را به صورت معجزه‌آسایی با پای پیاده طی کرد بطوریکه اذان صبح در حرم مطهر حضرت معصومه (س) حضور داشت. از آنجا عازم شیراز شد و تدریس و فعالیت‌های دینی را پی گرفت. در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به رهبری امام خمینی (ره) که منجر به

دستگیری ایشان گردید همه علمای شیرازی نسبت به دستگیری امام اعتراض کردند. در این خصوص از آیه‌الله دستغیب شیرازی نقل شده است که علمای شیراز در اعتراض به دستگیری امام به تهران رفتند و اجتهاد امام را تأیید نمودند. در همان زمان ایشان فردی بزرگواری را در خواب می‌بیند که بر ایشان وارد شده اظهار داشت دستغیب به آیه‌الله رضوی بگو چرا از نایب ما خمینی حمایت نمی‌کنید. صبح که از خواب بیدار شد به منزل آیه‌الله رضوی رفت که قضیه خواب را خدمتشان عرض کند. در این زمان منزل آیه‌الله رضوی توسط مأموران محاصره شده بود. آیه‌الله رضوی دید که آیه‌الله دستغیب بیرون منزل هستند. پیش ایشان رفت، وقتی این ملاقات صورت گرفت آیه‌الله دستغیب خواب خود را برای ایشان تعریف کرد. آیه‌الله رضوی گفتند من الآن دارم به طرف فرودگاه می‌روم تا عازم تهران گردم پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شهادت آیه‌الله

(۱۴۷)

دهکی قاینی - اسماعیل

(۵۱۳۳۵ ق.)

شیخ اسماعیل دهکی قاینی از شخصیت‌های برجسته زمان خود بود. عمده تحصیلات حوزوی خویش را در کربلا و نجف نزد علمای برجسته‌ای همچون آیة‌الله سید محمّد حسن شیرازی معروف به میرزای شیرازی (م ۱۳۱۲ ق) و آیة‌الله سید حسن کشمیری فرا گرفت. وی پس از مدت‌ها اقامت در عتبات عالیات و آموختن علوم دینی و حوزوی به ایران بازگشت و در مشهد اقامت گزید. در نهضت مشروطیت از طرفداران مشروطه مشروعه‌خواه و هواداران شیخ فضل‌الله نوری بود. در استبداد صغیر (۱۲۸۶-۱۲۸۷ ه.ش) به هواخواهان محمّد علی‌شاه پیوست و بعد از خلع محمّد علی‌شاه مدتی فراری بود. وی یکی از همراهان سید محمّد طالب‌الحق بود که در سال ۱۳۳۲ ق در مسجد گوهرشاد مردم را به طرفداری از محمّد علی‌شاه فرا خواند و در نتیجه

دستغیب شیرازی امام جمعه شیراز که همنام و پسر عمویشان بود، منافقین قصد ترور ایشان را کردند. این موضوع سبب شد به همراه خانواده به مشهد مهاجرت نمایند. با ورود به مشهد ضمن ارتباط با علمای این شهر تدریس در حوزه علمیه را آغاز نمود.

آیة‌الله دستغیب انسانی وارسته و اهل دل بود که در همه حال و امور توکل بر خدا داشت و به سایرین نیز توصیه می‌کرد که توکل داشته باشند. ایشان اهل تهجد و شب‌زنده‌داری بود و شب‌ها را اغلب به نوافل می‌گذراند. و هیرگاه دچار مشکلی می‌شد به ذکر صلوات می‌پرداخت.

سرانجام آیة‌الله دستغیب در ۱۹ تیر ۱۳۸۴ ه.ش مصادف با سالروز رحلت حضرت فاطمه علیها السلام به دیار حق شتافت و در صحن جمهوری حرم مطهر به خاک سپرده شد. از وی ده فرزند پسر و دختر باقی مانده است که همه دارای تحصیلات عالی هستند.

علی سکندری

به مکه معظمه مشرف شد. ملک
درویش منشانه او سبب شده بود در بین
مردم جاذبه داشته باشد.

آقا بزرگ تهرانی، میرزای شیرازی /
۱۱۱۴ محمد حسین آیتی، بهارستان /
۳۴۸؛ یونس مروارید، از مشروطه تا
جمهوری ۵۴/۱

علی سکندری

حادثه به توپ بستن حرم توسط دولت
تزاری روس به وقوع پیوست، پس از
این قضیه مجدداً متواری شد و تا زمان
مرگ همچنان فراری بود که در سال
۱۳۳۵ ق در مشهد فوت کرد. شیخ
اسماعیل فردی خوش خوی و خوش
بیان و خطیبی توانا بود و چندین مرتبه



سازمان تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

ذ

ذبیحی قوچانی نجفی - ذبیح اللہ ← قوچانی - ذبیح اللہ



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامیہ

(۱۴۸)

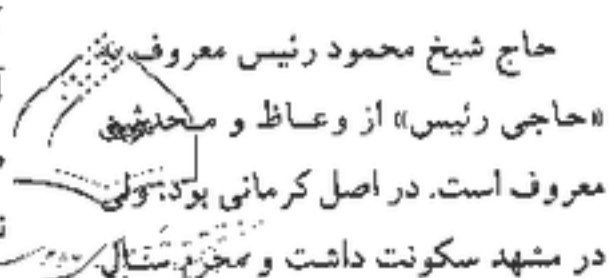
رئیس - محمود

(۱۳۷۲ هـ ق)

متولد شد و پس از فراگیری مقدمات، به مشهد آمد و نزد آقا شیخ محمد کبیر تلمذ نمود، بعد به نجف رفت، سطح کفایه و خارج اصول را در خدمت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی خواند و پس از نایل به درجه اجتهاد به قوچان برگشت و به تدریس فقه و اصول پرداخت، بعد به مشهد آمد و نزدیک ۴۰ سال به تدریس رسائل، مکاسب و کفایه و امامت نماز جماعت در مسجد امین مشغول شد تا این که در ۹۲ سالگی، پنجم خرداد ۱۳۶۲ / ۱۴۰۴ هـ ق در مشهد فوت نمود و در صحن آزادی، بهشت ثامن الائمه به خاک سپرده شد.

گنجینه دانشمندان ۲۲۱/۷، اثرنامه ۲۴۹/

ابراهیم زنگنه



حاج شیخ محمود رئیس معروف «حاجی رئیس» از وعاظ و محدثین معروف است. در اصل کرمانی بود. ولی در مشهد سکونت داشت و مجازات سنتال ۱۳۷۲ هـ ق درگذشت.

دفتر یادبود خطی کتابخانه وزیری یزد ۱۴۶/۲

(۱۴۹)

رئیس - محمد تقی

(۱۳۱۲-۱۴۰۴ هـ ق)

مرحوم حاج شیخ محمد تقی فرزند آقا شیخ حسین، معروف به «شیخ رئیس» سال ۱۳۱۲ هـ ق در قوچان

(۱۵۰)

رائی - حسین

(۱۲۷۴-۵۱۳۳۷. ش)

حاج شیخ حسین رائی فرزند حسنقلی در سال ۱۲۷۴ در مشهد چشم به جهان گشود. دوران حیات ایشان همزمان با حضور علما، مراجع، مروجین و ارباب سخن در مشهد بود؛ از آن جمله می توان به نام آیت الله حاج سید یونس اردبیلی و آقا حسین قمی اشاره کرد. مرحوم رائی در حوزه علمیه مشهد تا درس خارج فقه و اصول تحصیل کرد و در سفرهای متعدد به عراق، از جمله نجف اشرف، کربلا، کوفه و مدینه منوره، جلسات درس اساتید آنجا کسب فیض نمود و اشراف کامل در احادیث و روایات مستند و معتبر پیدا کرد و در بحارالانوار، مستدرک، اصول کافی و دیگر کتب معتبر به طور مستمر مطالعات عمیقی داشت. او در سخنرانی هایی که در حرم مطهر و منزل مرحوم حاج شیخ محمد تقی و منزل حاج شیخ علی اکبر نوغانی، منزل مرحوم حاج شیخ مهدی برکات و دیگر

مجالس که علما و فضلا و تجار و کسبه معتبر و طلاب علوم دینی حضور داشتند شرکت می نمود. و در سفرهای زیارتی مشاهد مشرفه عراق از محضر مراجع و طلاب استفاده می کرد. مراتب علمی و منابر ایشان مورد تأیید علما و مراجع بویژه آیت الله میرزا مهدی اصفهانی بود. او با دختر حاج شیخ مهدی کبیر ازدواج کرد و از این راه رابطه خویشاوندی با مرحوم ملک الشعراء بهار پیدا نمود.

رائی در زمان استبداد رضاخانی در امتحانی که رژیم در ساختمان شیر و خورشید به عمل آورد شرکت کرد و قبول شد و جواز لباس دریافت نمود ولی از اجازه خود استفاده نکرد و در خانه منزوی شد تا اینکه رژیم مستبد رضاشاه سقوط کرد.

از سخنوران معاصر ایشان می توان از حاج شیخ مهدی واعظ، رکن، محقق خراسانی، مدقق اعتماد سرابی، جناب آقای حاج شیخ محمود حلبی و حاج شیخ غلامرضا واعظ طبسی نام برد.



مرحوم رائی در حالی که در حجره خود بستری بود و خویشاوندان و آشنایان دور او حلقه زده بودند در سن ۶۳ سالگی در سال ۱۳۳۷ درگذشت. او در حالی که آخرین نفس های خود را می کشید، نگاهی به اطراف حجره کرد و در حالتی شادمانه جان به جان آفرین تسلیم کرد. ضیاء الدین، حجة الاسلام جلال الدین رائی مشهور به فانی و نظام الدین رائی فرزندان ذکور ایشان هستند.

غلامرضا جلالی

ختم تحصیلات از نجف اشرف به

پیرچند آمد و به خواست مادر، جهت

ارشیاد مردم به مسقط الرأس خویش،

افضل آباد، بازگشت. جد پدریش حاج

شیخ حسین هم از علمای صاحب اثر

در حوزه علمیه پیرچند بود. جد

مادریش آخوند ملا محمد حسن

هردنگی از فقهای برجسته و متبحر به

خصوص در بحثهای کلامی بود.

مجالس بحث او با فقهای مذاهب

اسلامی زبانزد عالمان آن دیار بود.

شیخ محمد حسین تنها فرزند پسر

خانواده بود که تا سن ۱۳ سالگی مبادی

(۱۵۱)

راشد محصل - محمد حسین

(۱۲۷۹-۱۳۵۳. ش)

شیخ محمد حسین راشد محصل از علما و مجتهدان پیرچند بود که در سال ۱۲۷۹ ش در روستای افضل آباد قیس آباد از بخش خوسف پیرچند در خانواده ای روحانی متولد شد. پدرش حاج شیخ محمد رضا از شاگردان آخوند ملا محمد کاظم خراسانی صاحب کفایة الاصول بود که پس از

مرحوم پنج فرزند پسر و یک دختر باقی مانده که همگی تحصیلات خود را در رشته‌های مختلف تا سطوح عالی به پایان رسانیده‌اند. دست‌نوشته‌های شیخ در مباحث کلامی و بحثهای تفسیری و بلاغی باقی است و در شمار آثاری است که می‌تواند راهگشای صاحب‌نظران در مباحث یاد شده باشد.

ر.ک: دکتر محمد رضا بهنیا، بیرجند نگین کویر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول: ۵۴۱/۱۳۸۰.

غلامرضا جلالی

(۱۵۲)

ربانی - صدرالدین

(۱۳۶۳ هـ ش)

حجة الاسلام والمسلمین صدرالدین ربّانی در شهر تربت‌حیدریه به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی خود را در این شهر به پایان برد، بعد به مشهد آمد و پس از مدتی به قم مهاجرت نمود و سطوح عالی و خارج فقه و اصول را در حوزه‌های درسی این شهر به آخر

علوم و صرف و نحو عربی را در نزد پدر و جد خود فرا گرفت. پس از فوت پدر رهسپار خوسف بیرجند و سپس مشهد شد و تا سال ۱۳۰۸ ش سطح و خارج را گذرانید و از علمای زمان از جمله آقازاده اجازه اجتهاد گرفت. در این سال به اصرار مادر به روستا برگشت و به ملاحظه درخواست او ماندگار شد و تربیت و تعلیم فرزندان خویش را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۲۸ ش به



شهرستان بیرجند مهاجرت کرد تا به درخواست حوزه علمیه و مرحوم آیت‌الله

تهامی پاسخ بدهد و در کنار آن نیز تدریس علوم

تحصیل فرزندان خویش نظارت کند؛ از این زمان تا سال ۱۳۴۴ ش عهده‌دار تدریس بخشی از دروس حوزه علمیه بیرجند بود. از آن پس در شهر مشهد مجاور شد و در مدرسه حضرت آیت‌الله میلانی تدریس تفسیر قرآن و درسهای دیگری را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۵۳ ش به رحمت ایزدی پیوست و در جوار بارگاه ملکوتی امام هشتم علیه السلام در صحن کهنه به خاک سپرده شد. از آن

رساند و به زادگاهش تربت حیدریه بازگشت و سالها در این شهر به وعظ و تبلیغ و تدریس اشتغال ورزید. روز ۱۲ شهریور سال ۱۳۶۳ هـ ش روانش به ملکوت حق پیوست و در صحن آزادی حرم مطهر رضوی دفن شد.

ابراهیم زنگنه

(۱۵۳)

رجائی - سید محمدرضا

(۱۲۹۵-۱۳۶۰ ش)



(۱۵۴)

رستم‌داری - محمّد

(سده ۱۰ هـ ق)

محمّد رستم‌داری معروف به «ملاً محمّد مشکک» از علما و چهره‌های برجسته مشهد و خدّام آستان قدس رضوی بود. در منطق و حکمت مهارت داشت و شعر نیز می‌سرود. از آن جمله است:

باد از طرف تو لاله گون می‌آید

از خاک در تو بوی خون می‌آید



حجة الاسلام حاج سید محمدرضا

رجائی صدرالشریعه فرزند سید محمد

در مشهد سکونت داشت و در محضر

شمسیه قطیبه را در شمار آثار او دانسته است.

تاریخ عالم آرای عباسی ۱/۳۹۰-۳۹۸،
مطلع الشمس / ۵۸۷، منتخب التواریخ
/ ۶۹۴ به بعد، اصیان الشیعه ۹/۲۷۶،
تاریخ علمای خراسان / ۳۰، تذکره هفت
اقلیم ۲/۱۲۸ - ۱۲۸۶.

غلامرضا جلالی

(۱۵۵)

رشتی نجفی - محمد

(۱۲۹۷ - ۱۳۵۲ هـ ش)



آیةالله شیخ محمد رشتی نجفی
فرزند آیةالله شیخ عبدالحسین فرزند
عیسی فرزند یوسف فرزند علی. فرزند

در جلوه گه تواز دل هرزره
صد چشمه خورشید برون می آید
در سال ۹۹۷ هـ ق که عبدالله خان
ازبک به مشهد لشکر کشید و به قتل و
غارت پرداخت، تعدادی از علمای
مشهد طی نامه ای وی را موعظه کردند.
عبدالله خان این نامه را به علمای ازبک
واگذار کرد و آنها پاسخی به آن نامه
دادند. مرحوم مشکک که از آگاهان به
معارف بلند پیشوایان دین بود به
یکایک نکات مهم آن نامه پاسخ داد.
این مکاتبه از اسناد درخشان دینی
علمای ما در آغازین سالهای حاکمیت
صفویه شمرده می شود و نکات بسیار
پراهمیتی در زمینه مباحث کلامی و
شیوه های برخورد خلاق و در عین حال
نکات ارزشی را در خود به نمایش
گذاشته است.

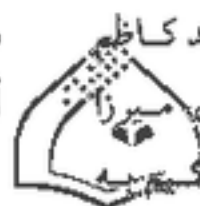
محمد رستم داری در قبرستان قتلگاه
دفن شد. بجز مکاتبه یاد شده که متن آن
در کتاب عالم آرای عباسی به تفصیل
آمده است، صاحب اعیان الشیعه تعلیقه
بر بحث جزء تمام مشترک از کتاب

درازی از سوی ایشان به امور طلاب غیر عرب رسیدگی می نمود و به نامه ها و استفتائات پاسخ می داد و به منظور رسیدگی به امور شیعیان ایران و هند و کشورهای اسلامی دیگر به این کشورها مسافرت کرد. او دارای اخلاق پسندیده و سعه صدر بود و به رفع مشکلات مردم مسلمان و مؤمن اهتمام می ورزید. در جوانی به مصاهرت آیه الله شیخ عبدالله مامقانی درآمد و نسبت باجناق با آیه الله العظمی میلانی پیدا نمود.

آیه الله رشتی تا سال ۱۳۹۱ هـ ق در نجف بود و همین سال بر اثر تعدی و ظلم دولتمردان عراق به ایران آمد، مدتی در کرمانشاه اقامت داشت، سپس رهسپار مشهد شد و صبح روز ششم آبان ۱۳۵۲ هـ ش دعوت حق را لبیک گفت و پیکر پاکش پس از تشییع باشکوه و اقامه نماز میت توسط مرحوم آیه الله دامغانی در محل دارالزهده حرم دفن شد.

مرحوم آیه الله رشتی در تأسیس کتابخانه آیه الله العظمی حکیم در نجف

عبدالغنی بیجاربندی رشتی، از علما و مجتهدین معاصر است. وی ۲۳ جمادی الآخر ۱۳۳۶ / ۱۲۹۷ ش ق در نجف متولد شد و در همین شهر مقدمات و سطوح را خدمت پدر فراگرفت. تجوید را نزد سید احمد معروف به سید آقا شوشتری و فلسفه را خدمت شیخ عبدالرحیم فیض گنابادی و خارج فقه و اصول را بجز محضر پدر نزد آیات سید عبدالهادی شیرازی، شیخ محمد کاظم



شیرازی، میرزا حسن بجنوردی، میرزا باقر زنجانی و سید محسن حکیم به پایان برد و از آیه الله شیخ محمد عروزی و شیخ اصفهانی (کمپانی)، پدر خود شیخ عبدالحسین رشتی، آقا سید ابوالحسن اصفهانی و سید محسن حکیم اجازه اجتهاد و از آیه الله سید محمود شاهرودی و آیه الله سید ابوالقاسم خوئی اجازه در امور حسبه را دریافت نمود.

حسن تدبیر و بینش و علم و دانش وی موجب شد که از نزدیکترین مشاوران آیه الله حکیم در آید و سالیان

و تأسیس بیش از پنجاه شعبه فرعی آن نقش داشت و همه کتابهای خود را موقع مراجعت به ایران به این کتابخانه واگذار کرد. از آثار قلمی ایشان می توان به تعلیقات رجالیه او بر کتاب الفهرست منتجب الدین و معالم العلماء اشاره کرد.

ابراهیم زنگنه

(۱۵۶)

رضوی - ابوالحسن

(۱۲۴۶-۱۳۱۱ هـ ق)



بازگشت و با دختر یکی از خانهای هرات ازدواج کرد و برای نیل به درجه اجتهاد بار دیگر عازم عراق شد و نزد شیخ مهدی سبط فقیه اعظم شیخ جعفر غروی کاشف الغطا و شیخ مرتضی انصاری تحصیل فقه و اصول کرد و اجازه اجتهاد دریافت نمود و به مشهد مراجعت کرد و از سوی مجد الملک متولی باشی آستان قدس به منصب مدرسی آستان قدس برگزیده شد. او به انزوا تمایل داشت و بیشتر به مطالعه و تألیف و تحشیه کتاب روزگار گذراندید.

نظم و نثر زیبا می نوشت و با علم جعفر آشنا بود. سال ۱۳۱۱ هـ ق فوت کرد و در محل دارالضیافه حرم به خاک سپرده شد.

شجره طیبه / ۳۱۱-۳۱۲، ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۸۱، صد سال شعر خراسان / ۲۶۷، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری / ۱۷۴، نقباء البشر / ۱/۴۴، الکرام البرره / ۱/۳۷، اعیان الشیعه / ۲/۲۳۱.

غلامرضا جلالی

حاج میرزا ابوالحسن رضوی ^{تقریر} (م ۱۲۶۶ هـ ق) فرزند میرزا حسین ملقب به قدس فرزند میرزا حبیب الله رضوی، از فقهای عصر خود بود. شب اول ذی الحجه ۱۲۴۶ هـ ق به دنیا آمد و همراه برادرش میرزا احمد از شیخ صادق قوچانی دانش دین آموخت و علوم عقلی را نزد ملاهادی سبزواری فراگرفت، بعد به عراق رفت و پس از تکمیل دانسته های خود به مشهد

(۱۵۷)

رضوی - ابوصالح

(۱۰۹۰ هـ ق)

الشمس / ۷۰۰، تاریخ علمای خراسان /
 ۳۶، طبقات اعلام الشیعه / ۲۸۳،
 منتخب التواریخ / ۷۳۶، اعیان الشیعه
 ۳۶۲/۲.

غلامرضا جلالی

میرزا ابوصالح فرزند میرزا محسن،
 از سادات رضوی است و از طریق احمد
 بن موسی مبرقع فرزند امام محمد تقی
 نسبش با چندین واسطه به امام رضا علیه السلام
 می‌رسد. مادرش فخرالنسا بیگم دختر
 شاه عباس اول صفوی بود.

(۱۵۸)

رضوی - احمد

(۱۲۴۲ - ۱۳۰۴ هـ ق)

میرزا احمد رضوی فرزند ارشد

میرزا محمد رضوی (م ۱۲۶۴ هـ ق) از
 علمای پارسای مشهد بود. دهم
 شعبان ۱۲۴۲ هـ ق در مشهد متولد شد.
 پس از سالیان مدید تلاش و کوشش
 علمی، به درجه اجتهاد نایل شد. پس از
 درگذشت پدر، علیرغم دارا بودن
 ملکات روحانی و مدارج علمی و
 اصرار مردم، به دلیل ضعف جسمی و
 بیماری، هیچ مسئولیتی را نپذیرفت و
 وظایف پدر به عهده برادرش حاج
 میرزا محمود گذاشته شد.

او در نهایت عزت نفس و مناعت

طبیع روزگار خود را سپری کرد و در

وی از بزرگان و دانشوران عهد
 صفوی به شمار می‌رود و در زمان شاه
 عباس دوم به صدر الممالکی همه ایوان
 رسید. مدرسه صالحیه که افتخیرتوسعه
 مدرسه نواب خوانده می‌شود، از آثار
 اوست که در سال ۱۰۸۶ هـ ق به اتمام
 رساند و املاک زیادی را برای نگهداری
 آن وقف نمود. او در سال ۱۰۹۰ هـ ق در
 مشهد درگذشت و در یکی از
 حجره‌های مدرسه میرزا جعفر دفن شد.
 میرزا عبدالرحمن بنای مصلاهی مشهد را
 که سال ۱۰۸۷ هـ ق به پایان رسیده
 است، از آثار او می‌داند.

فردوس التواریخ / ۱۰۵ - ۱۰۶، مطلع

شعبان ۱۳۰۴ ق فوت و در محل کشیکخانه خدام به خاک سپرده شد. میرزا حسن مدرس از علما و ریاضیدانان، پسر اوست. و دخترانش بی بی کوچک، همسر میرزا حسین خطیب پاشی و بی بی زهرا، همسر میرزا هاشم (م ۱۳۰۱ ه ق) بوده اند.

شجره طیبه / ۳۰۵-۳۰۷.

سند شماره ۱۱۸۵۲/۲۲ اداره اسناد

استان قدس رضوی

پس از کسب دانش به مشهد بازگشت. به امور شرعی و عرفی رسیدگی می کرد و در امور سیاسی دخالت می نمود و طفیان حسین خان شجاع الدوله امیر قوچان با تدبیر او کنترل شد. در حفظ دین سخت کوش بود. صبحها در حوزه خارج فقه تدریس می کرد و بقیه روز را به رفع مرافعه های مردم و حل مشکلاتشان می گذراند. ماه رجب سال ۱۳۱۲ ه ق از دنیا رفت و در اتاق

بالا سر حضرت جنب قبر پدر خود دفن



ابراهیم زنگنه

الکوام البرره ۱/۱۱۵-۱۱۶، شجره طیبه

۳۴۷-۳۴۸، شرح حال رجال ایران

۱۸/۶، منتخب التواریخ ملاهاشم

۶۹۰/، اعیان الشیعه ۳/۱۲۸، منتخب

التواریخ شیانی / ۱۳۷.

ابراهیم زنگنه

(۱۵۹)

رضوی - احمد

(- ۱۳۱۲ ه ق)

میرزا احمد فرزند سید محمد قصیر (م ۱۲۵۵ ه ق) از سادات رضوی و مجتهدین و چهره های برجسته حوزه مشهد است. نویسنده شجره طیبه او را افتخار دودمان بزرگ رضوی، بلکه تمام اهالی خراسان می دانند.

وی ابتدا علوم عقلی و نقلی را در مشهد فراگرفت، سپس به عتبات رفت و

(۱۶۰)

رضوی - اسماعیل

(۱۲۴۲-۱۳۲۱ ه ق)

میرزا اسماعیل فرزند حاج سید

صادق، پدر مؤلف کتاب شجره طیبه، از

دارالسعادة حرم دفن گردید.

شجره طیبه / ۲۷۸-۲۷۹، ضمیمه تاریخ
علمای خراسان / ۲۸۰، اعیان الشیعه
۳/۲۷۷.

غلامرضا جلالی

(۱۶۱)

رضوی - حسن

(- ۱۲۷۸ هـ ق)

مولانا حاج میرزا حسن رضوی،
برادر کوچکتر مولانا حاج سید محمد
قصیر و فرزند میرزا محمد معصوم، از
سادات رضوی است. چندی در خدمت
برادر درس خواند، سپس عازم اصفهان
شد و مدتی نزد شیخ محمد تقی
اصفهانی، صاحب حاشیه بر معالم علم
اندوخت و به درجه اجتهاد رسید.

پس از اتمام تحصیلات در اصفهان
به عراق رفت و مدتی خدمت سید
محمد مجاهد در شهر کربلا حضور
یافت، بعد به مشهد برگشت و پس از
درگذشت برادرش سید محمد قصیر،
مرجعیت عامه یافت و اوایل فتنه سالار

علمای مشهد است و شب یکشنبه ۲۴
جمادی الآخر سال ۱۲۴۲ در این شهر به
دنیا آمد. در عنفوان جوانی با ریاضت و
رعایت حدود الهی و عرفان و پارسایی
مأنوس شد. ادبیات و فقه را خدمت
مولانا شیخ حسن یزدی و شیخ صادق
قوجانی آموخت و خط نسخ، ثلث،
شکسته و سیاق را در نهایت ملاحمت
می نوشت.

از پدرش امکانات فراوانی ماند. اما
همه آنها در فتنه سالار جزء املاک
خالصه درآمد و اموال او به تاراج رفت.
وی به میرزا فضل الله خان ^{و ذریع} ^{نظام} ^{سید} ^{سید}
تولیت آستانه شکایت برد، ولی او را
خوش نیامد و تهدید به برکناری از
خدمت آستان قدس نمود. بعدها هر
چند متولی و سایر امنای آستان قدس در
مقام جلب رضایتش برآمدند، نپذیرفت و
بکلی خادمی را ترک گفت و همه وقت
خود را صرف نماز و عبادت و صلوة رحم
و قرائت قرآن نمود و به خیرات و مبرات
پرداخت تا این که پنجم ذیحجه ۱۳۲۱
هـ ق از این دنیا رفت و در زاویه

با او به نصیحت نشست و سعی در خواباندن این فتنه کرد و چون به نتیجه نرسید به عتبات سفر کرد و پس از آرامش اوضاع به مشهد آمد و شعبان ۱۲۷۸ هـ ق رحلت نمود و در مسجد پشت سر حرم امام رضا علیه السلام دفن گردید. چهره‌های برجسته‌ای چون مولی نوروزعلی بسطامی، میرزا نصرالله مدرس، میرزا محمد صادق نیشابوری، و میرزا بابا سبزواری از شاگردان او هستند. مولی نوروزعلی بسطامی بسیاری از آثار خود را به تشویق و توصیه او نوشت.

تاریخ علمای خراسان / ۹۲-۹۳، الکرام
البرره / ۱-۳۵۵-۳۵۶، شجرة طیبه
/ ۳۳۷-۳۳۸، مطلع الشمس / ۷۰۸،
مختب التواریخ / ۶۷۶ و ۶۹۰، اعیان
الشیعه / ۱۷۳/۹.

غلامرضا جلالی

(۱۶۲)

رضوی - حسین

(۱۲۵۸-۱۳۲۲ هـ ق)

سید میرزا حسین فرزند آقا میرزا

احمد فرزند میرزا محمد حسین ملقب به قدس رضوی از علمای بلندپایه مشهد مقدس بود. در هفتم محرم سال ۱۲۵۸ هـ ق متولد شد و پس از اکتساب علوم اسلامی از محضر پدر، در کمال زهد عمر خود را سپری کرد وی در آغاز به جمع‌آوری کتاب علاقه‌مند و مجموعه گرانبهایی گرد آورد اما با فوت دسته جمعی فرزندان در بیماری وبا. وضعیت عادی خود را از دست داد و هشتم صفر سال ۱۳۲۲ هـ ق به دار ابدی شتافت و در دارالسعاده حضرت امام رضا علیه السلام به خاک سپرده شد. وی در آغاز به جمع‌آوری کتاب علاقه‌مند بود و مجموعه گرانبهایی گرد آورد، اما با فوت دسته‌جمعی فرزندان در بیماری وبا، دچار پریشانی شد و حالت عادی را از دست داد. حواشی بر قوانین و فصول و خلاصه الحساب شیخ بهایی از آثار قلمی اوست.

گنجینه دانشمندان / ۷-۱۶۲-۱۶۳، اعیان
الشیعه / ۵-۴۴۸، سند شماره / ۶-۱۱۹۹۲
اداره اسناد آستان قدس رضوی.

ابراهیم زنگنه

(۱۶۳)

رضوی - زین العابدین

(- بعد از ۱۲۶۶ هـ ق)

میرزا زین العابدین فرزند میرزا سیدمحمد بن میرزا رضی ناظر از مشاهیر اعیان خراسان بود. بنا به گفته میرزا محمدباقر رضوی (م ۱۳۴۲ ق) وی در ظرافت طبع و حسن سلیقه و کمال و ابهت و جلال بی نظیر بود بعد از درگذشت برادرش میرزا محمدعلی (۱۲۷۳ - ۱۳۱۷ ش) با دختر میرزا ابراهیم ناظر ازدواج نمود. در محاصره سالار چند نفر سرباز را در منزل شخصی پناه داد که البته با خبرچینی رجب باتر مروی منزل وی را خراب و ویران نمودند و تمامی اثاث منزل او را به یغما بردند. بعد از محاصره به قصد تظلم روانه تهران شد در آن زمان تعدادی از علمای خراسان از جمله میرزا هاشم بن هدایت الله، میرزا عسگری امام جمعه خراسان، حاجی میرزا اسماعیل سبزواری و فرزندش حاجی میرزا عبدالکریم به دار الخلافه احضار شده

بودند و در مجلس امیرکبیر حضور داشتند میرزا زین العابدین نیز وارد شد و عرض تظلم نمود که سالار خانه مرا خراب کرد و اموال مرا به غارت برد این چه دین و آئین است و این چه دولت و سلطنت است. امیرکبیر از بس که در فتنه سالار رنج و مشقت کشیده بود در این هنگام از روی غیظ و غضب دشنام زیادی به سالار و هر کس که از او تظلم می کرد داد. میرزا زین العابدین هم این حال را تحمل نکرده به عینه همان قسم دشنام را به امیرکبیر و کلیه امناء دولت و شخصی سلطنت داد و از مجلس بیرون آمد. بعد از مراجعت به مشهد مقدس از رنج و غصه درگذشت و از وی فرزند نمائند با توجه به اینکه فتنه سالار در سال ۱۲۶۶ ق پایان یافت سال درگذشت میرزا زین العابدین بعد از این سال بوده است.

میرزا محمدباقر رضوی: شجره طیبه
(چاپ ۱۳۸۴) / ۲۴۱

محمدجواد هوشیار

(۱۶۴)

رضوی - صادق

(۱۲۶۹ هـ ق)

سید صادق رضوی فرزند میرزا ابوالقاسم، پدر بزرگ مؤلف کتاب شجره طیبه رضوی، از علما و مجتهدین و اعیان خراسان بود. در مشهد چشم به جهان گشود و پس از رشد و تحصیل علوم الهی به درجه اجتهاد نایل شد و میان مردم به دارا بودن مکارم اخلاق و بلندی همت، اشتهاار یافت.

وی در امور سیاسی عصر خود دخالت می‌کرد. در سال ۱۲۴۵ هـ ق که بر اثر شورش محمدخان قرائی، در مشهد اغتشاش به وجود آمده بود، به عراق و از آن جا به آذربایجان، نزد عباس میرزا نایب‌السلطنه رفت و رویدادهای خراسان را با ایشان در میان گذاشت و پس از ۳۵ روز به مشهد بازگشت و از مشهد به تهران رفت و با فتحعلیشاه قاجار دیدار نمود و از او خواست تا نایب‌السلطنه را به خراسان اعزام کند. عباس میرزا به مشهد آمد و

اوضاع را به حالت عادی برگرداند و اسحاق خان قرائی را دستگیر نمود.

حاج سید صادق مورد احترام پادشاهان قاجار بود و از طرف فتحعلیشاه به لقب «مجتهد الشریعه» ملقب شد و منصب تدریس آستان قدس به وی محول گردید. در زمان ناصرالدین شاه هم مورد حمایت او بود و در فتنه سالار از دولت پشتیبانی کرد.

در زمانی که عباس میرزا حکومت خراسان را در دست داشت، پسر ارشد او که بعدها با نام محمد شاه زمام امور کشور را به دست گرفت، با وی از نزدیک مرتبط بود. حاج سید صادق در اواخر عمر بیشترین وقت خود را صرف طاعت و عبادت کرد تا این که در شوال ۱۲۶۹ هـ ق در قلعه ویرانی به مرض وبا درگذشت و جنازه‌اش با زحمت به مشهد انتقال یافت و در ایوان طلای صحن عتیق دفن گردید.

شجره طیبه / ۲۸۰-۲۸۳:

(۱۶۵)

رضوی - طاهر

(- ۱۳۲۵ هـ ق)

سید طاهر رضوی فرزند میرزا احمد فرزند سید محمد رضوی خراسانی معروف به قصیر، از بزرگان علمای مشهد بود. در مشهد متولد شد و پس از آشنایی با مقدمات و سطوح به نجف رفت و به درجه اجتهاد نایل شد، سپس به مشهد بازگشت و جای پدرش میرزا احمد به تدریس و نشر احکام الهی و اقامه نماز مشغول گردید. از اخلاق بلند او این بود که اموال موروثی پنهان خود را مادرش را برای مستحقان و مستضعفان بذل نمود. به سال ۱۳۲۵ هـ ق بر اثر سکت قلبی دار فانی را وداع گفت و دو فرزند لایق به نام میرزا حسین از دختر حاجی میرزا صادق ناظر و میرزا عبدالله از دختر آقا میرزا محمد مجتهد از او به یادگار ماند.

نقباء البشر ۳/ ۹۶۸، شجره طیبه / ۳۴۹.

ابراهیم زنگنه

(۱۶۶)

رضوی - عبدالجواد

(- ۱۲۹۱ هـ ق)

میرزا عبدالجواد فرزند میرزا حسن فرزند میرزا مرتضی پسر میرزا عبدالغفور از نوادگان میرزا خلیل فرزند میرزا حیدر بود و از سوی مادر از نوادگان رقیه سلطان دختر امامقلی فرزند شاه عباس اول صفوی به شمار می‌رفت. او از جمله علما و بزرگان نامدار دوران خود بود، و به سرکشیکی چهارم آستان قدس رضوی منصوب شد. از وقار و متانت برخوردار بود و بیشتر وقت خود را به نوشتن کتاب سپری می‌کرد. سال ۱۲۹۱ هـ ق درگذشت و در رواق پشت سر حضرت رضا علیه السلام دفن گردید.

شجره طیبه / ۲۳۸-۲۳۹.

منتخب التواریخ / ۷۳۶-۷۳۷.

ابراهیم زنگنه

رضوی، عبدالحسین ← جلد سوم

شجره طیبه به آن اشاره شده است و از سال تولد و درگذشت او بحثی نشده و به این مقدار اکتفا شده است که وی بیشترین وقت خود را در کشیک خانه آستان قدس به تدریس مشغول بود. منتخب التواریخ / ۶۷۶ و ۶۹۰، شجره طیبه / ۳۲۷، اعیان الشیعه ۵۲/۸.

غلامرضا جلالی

(۱۶۷)

رضوی - عبدالله

(۱۱۵۱ - ۱۲۳۹ هـ ق)

مولانا حاج میرزا عبدالله، مدرس آستان قدس رضوی از علما و فضیلاي خراسان بود. به سال ۱۱۵۱ هـ ق در مشهد به دنیا آمد و پس از فراگیری مقدمات و سطوح، تحصیلات خود را نزد داییش مولانا سید محمد سبزواری امام جمعه، فرزند میرزا شاه قاسم به پایان رسانید و به عنوان مدرس آستان قدس رضوی برگزیده شد و نایب الصداره ارض اقدس بود و عزم تسبیح و زیارت بیت الله الحرام کرد و پس از زیارت مکه و مدینه و عتبات عراق به ایران مراجعت نمود و به سال ۱۲۰۹ هـ ق در ۸۸ سالگی دار فانی را در مشهد وداع گفت و در جوار بارگاه امام رضا علیه السلام آرامید.

به نظر می رسد ایشان همان میرزا عبدالله فرزند میرمحمد تقی رضوی (م ۱۱۵۰ هـ ق) فرزند میرزا غیاث الدین فرزند میرزا پدیع رضوی است که در

(۱۶۸)

رضوی - علی
(۱۳۲۵ - ۱۳۸۷ هـ ق)



تسبیح و زیارت بیت الله الحرام



آیه الله سید علی رضوی از مجتهدان معاصر و از اصحاب حقیقت و معنی

است. روز ۱۳ رمضان ۱۳۲۵ هـ ق در مشهد چشم به جهان گشود. پدرش آیه الله حاج میرزا حسن مجتهد رضوی از شاگردان آخوند خراسانی و جدش آیه الله میرزا ابراهیم مجتهد رضوی است.

وی ادبیات و سطح را در مشهد نزد استادانی چون حاج میرزا حسینی اصفهانی نخودکی به پایان رسانید و به نجف رفت و به تحصیل پرداخت. بازگشت ایشان به ایران مصادف بود با اوج گیری استبداد رضاخانی. او به منظور دوری از تیرانچهره مأموران، به روستای فارمد از توابع مشهد مهاجرت کرد و تا شهریور ۱۳۲۰ هـ ش همانجا ماند. و بعدها به مشهد برگشت و در اواخر عمر در مسجد ملا حیدر اقامه نماز جماعت داشت.

مرحوم رضوی به خاندان عصمت و ساحت مقدس حضرت ولی عصر (عج) عشق می ورزید و با اشعار نغز و پر معنی خود که در کتاب گلزار آل طه گرد آمده است، نکات عرفانی زیادی را

بیان کرده است. قطعه زیر از آن جمله است:

ان مگس خود را به کندویی فکند
از قضا شد دست و پاش آن جا به بند
بود غافل کین غذای خوش خوراک
بی تأمل می کند او را هلاک
وانسچه دانستی حیات خود در آن
در حقیقت بد هلاکش اندر آن
چون فراغت یافتی از آن غذا
عزم جای خویش کرد آن بی نوا
عزم کرد و پای خود را بسته دید
از حیات خویش خود را رسته دید
بهر چه قوت کرد بندش شد بتر
ور بماند نام گردد سخت تر
بسا هزاران ناله و شور و نوا
کرد خود را فارغ از بند جفا
دست و پا شویند یکسر زان غذا
که نخواهم این طعام پر بلا
چون که در دام اوفتاد و حتم کرد
کی اگر خود را بیندازد به بند
در حقیقت زان مگس ما کمترین
با یقین خویش زان غافلترین

تو یقین داری که دنیا پریلاست
 آرزوی ماندنت در وی چراست
 «علویا» کمتر مباش از آن مگس
 و ا رهان خود را از این دام هوس
 تا به سوی لامکان پزبان شوی
 دور از حیوانی و انسان شوی

مرحوم رضوی پس از ۶۲ سال
 زندگی پرتلاش روز ۱۸ صفر سال
 ۱۳۸۷ هـ ق برابر با هفتم خرداد ۱۳۴۶
 هـ ش در تهران به رحمت حق واصل
 گردید و جنازه او را به مشهد انتقال
 دادند و در صحن عتیق (انقلاب) حرم
 رضوی دفن شد. هدیه القبر از آثار
 قلمی ایشان است.

ابراهیم رنگنه

(۱۶۹)

رضوی - علی

(- ۱۳۱۹ هـ ق)

میرزا علی فرزند حاج میرزا
 ابوالحسن رضوی فرزند سید محمد
 رضا فرزند میرزا حبیب‌الله، از دانشوران
 قرن ۱۴ و انسانی سلیم‌النفس و متواضع

بود. علم جفر را از پدر آموخت و پس از
 درگذشت پدر نسخه‌هایی را که از او
 باقی مانده بود کامل کرد و از آگاهان به
 اسرار و رموز این علم به شمار می‌رفت.
 در مسافرتی که به بخارا داشت از این
 علم استفاده کرد و اهالی آن سامان به
 وی روی آوردند. پس از بازگشت از
 سفر بخارا، در سنین جوانی، ششم شوال
 ۱۳۱۹ هـ ق زندگی را وداع گفت و در
 محل دارالضیافه حرم دفن شد.

شجره طیبه / ۳۱۱-۳۱۲.

غلامرضا جلالی

(۱۷۰)

رضوی - علی اصغر

(- ۱۳۳۲ هـ ق)

حاج میرزا علی اصغر فرزند حاج
 میرزا محمد حسین پسر میرزا محمد
 تقی از علما و مجتهدان خراسان بود. در
 ابتدای زندگی با نهایت پارسایی به
 تحصیل علوم الهی پرداخت و به درجه
 اجتهاد رسید و به نشر و تبلیغ اسلام
 اهتمام ورزید و میان مردم از جایگاه

برادرش آقا میرزا محمد مجتهد و نیز نوشتن سبج‌ها و تحقیق قبایله‌ها و نگهداری سپرده‌ها به عهده وی گذاشته شده بود. سفری به عتبات رفت. پس از بازگشت به مشهد، روز پنجم محرم ۱۲۵۰ هـ ق دارفانی را وداع گفت و در جلو ایوان طلای صحن عتیق دفن گردید. فرزندانش میرزا عبدالوهاب و میرزا فتح‌الله از خوشنویسان برجسته خراسان بودند.

شجره طیبه / ۳۱۲-۳۱۳.

غلامرضا جلالی

(۱۷۲)

رضوی - محمد

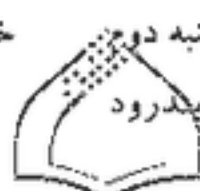
(۱۲۸۳ - ۱۳۶۳ هـ ق)

سید محمد حائری استاد مسلم فن تجوید و قرائت کلام‌الله مجید بود. سال ۱۲۸۳ هـ ق در شهر کربلا چشم به جهان گشود و پس از تحصیل علوم دینی به هند و تبت سفر نمود و آخر عمر در مشهد ساکن شد و در حوزه علمی به تدریس مشغول گردید و رساله «تجوید

بلندی برخوردار شد. حاج میرزا ابراهیم سبزواری در سال ۱۲۹۴ هـ ق او را برای مساحبت خود به سبزواری برد و خواهرزاده خود، دختر حاجی میرزا را به عقد او درآورد.

پس از درگذشت پدر، حاج میرزا علی‌اصغر در سال ۱۳۰۴ به مشهد آمد و در اواخر عمر از طرف تولیت آستان قدس رضوی به منصب فزاشی ضریح

مطهر مفتخر شد و در روز سه‌شنبه دوم صفر سال ۱۳۳۲ هـ ق زندگی را بدرود گفت و در پایین پا دفن شد.



شجره طیبه / ۱۸۲-۱۸۳، *أخوات الشیخ*، سند شماره ۱/۱۶۱۱۲ اداره

اسناد آستان قدس رضوی

غلامرضا جلالی

(۱۷۱)

رضوی - علی نقی

(۱۲۵۰ - هـ ق)

میرزا علینقی فرزند میرزا حسین قدس پر میرزا حبیب‌الله از مشاهیر خراسان است. امور عرفی و عادی

آموخت و پس از بازگشت، چهار سال در مدرسه بالاسر به تدریس فقه مشغول شد، بعد به اصفهان رفت و پس از چند سال اقامت و ازدواج به مشهد آمد و بعد از ارتحال برادرش ریاست تامه به وی محول شد. ایشان حکم جهاد در برابر خان خیوق که با سی هزار ازبک به سوی مشهد در حرکت بود داد و با تعداد زیادی از مردم نزدیک حصاربند مشهد به حالت دفاع و آماده‌باش نیروهای خود را صف‌آرایی کرد و ازبکها از بیم حضور وی متواری شدند.

او در کنار امور روزمره به تدریس می‌پرداخت. حاج میرزا نصرالله، ملا محمد صادق نیشابوری، آقا میرزا بابا سبزواری، مولی محمد رضا سبزواری، مولانا محمد تقی جولانی، مولی نوروزعلی بسطامی، مولانا محمد رضا مایانی، سید محمد صادق رضوی، مولانا میرزا محمد مهدی، مولانا حاج میرزا حسین از اکابر شاگردان بنام وی هستند.

سید قصیر یک بار به مکه مشرف

فرهنگ» را برای تدریس سال ششم ابتدایی تألیف نمود که با چاپ سنگی به چاپ رسیده است. منتخب التجوید نیز از آثار اوست. به سال ۱۳۶۳ هـ ق در مشهد درگذشت و در صحن جدید دفن گردید.

ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۸۸، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس، اوکتایی ۱۹۰/۶.

غلامرضا جلالی

(۱۷۳)

رضوی - محمد

(۱۱۸۰ - ۱۲۵۳ یا ۱۲۵۵ هـ ق)

مولانا علم الهدی حاج سید محمد فرزند حاج میرزا معصوم رضوی، از بزرگان سادات رضوی و دانشوران خراسان است و چون کوتاه قد بود «قصیر» شهرت یافت. مبادی را در مشهد در خدمت حاج میرزا هاشم و پدرش فراگرفت و برای ادامه تحصیل به عتبات رفت. چندی در محضر بهبهانی و سید بحر العلوم و شیخ جعفر نجفی علم

(۱۷۴)

رضوی - محمد

(۱۱۹۰ - ۱۲۶۴ هـ ق)

سید میرزا محمد رضوی فرزند میرزا حسین ملقب به «قدس» از نوادگان میرزا ابوالقاسم رضوی و از دانشوران قرن سیزدهم است. وی نزد صاحب ریاض تحصیل دانش کرد و صاحب ریاض طی اجازه مفصلی مراتب علمی و اجتهاد ایشان را تأیید نمود. سید محمد رضوی از آقا سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط و سید محمدباقر حجة الاسلام معروف به شفتی و سید محمد قصیر نیز اجازه اجتهاد دریافت نمود.

وی ریاست دینی را طی سالیانی به عهده داشت و مردمانی از او تقلید می کردند و در شبستان مسجد گوهرشاد امامت نماز داشت و به تدریس مبادرت می ورزید، تا این که رجب سال ۱۲۶۷ هـ ق درگذشت و در مسجد ریاض جنب حرم رضوی دفن گردید. آقا بزرگ در الذریعه درگذشت ایشان را سال ۱۲۶۴ هـ ق در ۷۴ سالگی دانسته است.

شد و بارها به زیارت عتبات رفت و در آخرین سالهای زندگی فلج شد و در مسیر خود به عراق در تهران در ۷۵ سالگی به سال ۱۲۵۲ یا ۱۲۵۵ درگذشت و جنازه اش به مشهد منتقل و میان مسجد بالاسر و مسجد پشت سر مرقدا امام هشتم علیه السلام به خاک سپرده شد. رساله عملیه در آداب حج که در ظهر نسخه خطی قلادة العوام به شماره ۱۷۱۷۶ کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی منعکس شده است، التحفة الرضویه فی شرح اللمعة الدمشقیه، اعلام الوری، حاشیه معالم الاصول، کتاب رجال، مصابیح الفقهیه، قلادة العوام فی التقليد فی الاحکام که رساله عملی به زبان فارسی است و تا آخر نماز مسافر را در برمی گیرد، از آثار علمی اوست.

الذریعه ۱۵۷/۳، ۳۶۷/۱۸، ۱۴۷/۱۰، تاریخ علمای خراسان / ۸۰، فردوس التواریخ / ۱۲۴-۱۲۶ و ۱۲۹ - ۱۳۰، شجرة طیبه / ۱۷۰ و ۳۲۹-۳۳۳، اعیان الشیعه ۳۳۵/۹.

غلامرضا جلالی

مقدس دیده به جهان گشوده، و در سال ۱۱۳۵ ه.ق از تألیف کتاب وسیلة الرضوان را به پایان رساند ولی تاریخ فوت ایشان در دست نیست.

وی از علمای عصر خویش بود که منصب سر کشیک آستانه مقدسه حضرت امام رضا علیه السلام را به عهده داشت. از وی آثار ارزشمندی به یادگار مانده، که از آن جمله است:

۱- وسیلة الرضوان در کرامات شاه

فردوس التواریخ / ۱۳۰-۱۳۱، شجره طیبه / ۲۹۷-۳۰۴ و ۴۶۳-۴۶۴، تاریخ علمای خراسان / ۸۸، مطلع الشمس / ۷۰۷، اعیان الشیعه / ۲۶۱، ۲۶۹، الذریعه / ۴۹۷.

۲- تزیین المجالس و ...

شیخ آقا بزرگ تهرانی در ضمن شرح حال ایشان می نویسد:

«حکایت کرد برای من مولای مورد اعتماد حاج ملا صادق بسطامی، از پدرش مولی نوروز علی متوفای ۱۳۰۹ ه و صاحب فردوس التواریخ که فرمود: بر حسب تصادف قبر شریف سید محمد رضوی شکافته شد، پیکر پاکش را پس از سالیان متمادی تر و تازه مشاهده

از سید محمد آثار ارزشمندی برجای ماند، از آن میان می توان به کتابهای زیر اشاره کرد: شرح احکام خلل تا آخر فصل قضا و صلوة، کتاب شرایع، مناهج الاحکام از کتاب طهارت تا قضا و شهادت، کتاب سؤال و جواب فتاوی شرعیه، شرحی بر معالم الاصول، رساله ای در قواعد اصولی، رساله ای در شبهه محصوره، رساله ای در ماه قلیل و رساله ای در حقیقت شرعیه.

فردوس التواریخ / ۱۳۰-۱۳۱، شجره طیبه / ۲۹۷-۳۰۴ و ۴۶۳-۴۶۴، تاریخ علمای خراسان / ۸۸، مطلع الشمس / ۷۰۷، اعیان الشیعه / ۲۶۱، ۲۶۹، الذریعه / ۴۹۷.

ابراهیم زنگنه

رضوی - سید محمد، قائم مقام التولیه

← جلد سوم

(۱۷۵)

رضوی - محمد

(۱۰۹۰- زنده تا ۱۱۳۵ ه.ق)

میرشمس الدین محمد فرزند میرزا بدیع در حدود ۱۰۹۰ ه.ق در مشهد

کردم».

مشروعاً خواهان به شمار می‌رفت. شب پنج‌شنبه روز دوم ذی‌الحجه ۱۲۷۳، سال فتح هرات در مشهد چشم به جهان گشود. اعتماد مردم به ایشان تا حدی بود که اگر سند و قبانه‌ای به مهر ایشان مهور نمی‌شد آن معامله دارای اعتبار نبود. هیچ‌گاه به ضیافت نمی‌رفت و در خانه‌اش پیوسته برای معاشرت با علما و زوّار باز بود. در صدور حکم چنان دقت می‌کرد که هیچ‌گاه فسخ نمی‌شد.

حاج میرزا محمد ابراهیم روز یکشنبه سوم رجب سال ۱۳۳۴ ه‍.ق در ساعت ۷ شب به بیماری سل در باغ خارج شهر درگذشت و جنازه‌اش با احترام تشییع شد و در رواق بالاسر امام رضا علیه السلام به خاک سپرده شد. اولاد وی به نامهای میرزا حسن رضوی، آقا میرزا ابراهیم و آقا میرزا محمد علی همگی به علم و تفوا آراسته بودند.

شجره طیبه / ۳۳۹-۳۴۰، اعیان الشیعه ۲/۲۰۹.

سند شماره ۱۲۱۲۱/۴ و ۲۶۸۵۴ اداره اسناد آستان قدس رضوی

ابراهیم زندگانه

طبقات اعلام الشیعه - قرن دوازدهم / ۶۷۰، الذریعه ۴/۱۷۲.
شجره طیبه، (چاپ ۱۳۸۲) / ۱۴۱ - ۱۴۷.

(۱۷۶)

رضوی - محمد ابراهیم

(۱۲۷۳ - ۱۳۳۴ ه‍.ق)



میرزا محمد ابراهیم مجتهد رضوی فرزند میرزا محمد مجتهد رضوی پسر میرزا حسن مجتهد، از نوادگان حاج میرزا معصوم است وی از علما و مجتهدین عصر مشروطه و از رهبران

(۱۷۷)

رضوی - محمد باقر

(۱۲۷۰-۱۳۴۲ هـ ق)



علی مدرّس، آخوند ملا غلامحسین
 شیخ الاسلام و سید محمد باقر شفتی نوه
 میرزا هدایت‌الله فراگرفت. سال
 ۱۲۹۴ هـ ق به سبزوار رفت و مدتی از
 محضر حکیم سبزواری استفاده برد و
 سال ۱۳۰۶ هـ ق همراه میرزا حبیب‌الله
 مجتهد به عتبات هجرت نمود و در نجف
 اشرف از درس آخوند خراسانی بهره‌مند
 گردید و پس از بازگشت به مشهد به
 تدریس شرح لمعه و سطوح عالی
 پرداخت. بیش از دویست طلبه پای
 درفش شرکت می‌کردند. به سال ۱۳۲۵

میرزا محمد باقر فرزند میرزا محمد باقر فرزند آیه‌الله شیخ حسنعلی تهرانی و

بعدها از میرزا حسین نوری طبرسی
 اجازه روایی گرفت. او سخت مورد
 قبول مردم بود و مدتی سمت نمایندگی
 انجمن ایالتی را به عهده داشت و در
 دوره‌های دوم و سوم مجلس شورای
 ملی از سوی مردم به نمایندگی انتخاب
 شد، ولی از پذیرفتن این مسؤولیت
 خودداری نمود. او در واقعه‌ای که متجر
 به توپ بستن حرم به وسیله روسها شد
 بین دولت روس و مستحصنین

اسماعیل رضوی (۱۲۴۲ - ۱۳۲۱ هـ ق)
 مدرّس آستان قدس و حوزه علمیه
 مشهد در عصر خود بوده است. میرزا
 اسماعیل فرزند حاج سیدصادق
 مشهدی (۱۲۷۰ - ۱۳۴۲ هـ ق) بن میرزا
 ابوالقاسم بن میرزا حبیب‌الله بن میرزا
 عبدالله رضوی است. میرزا محمد باقر
 روز ۱۷ ربیع‌الاول ۱۲۷۰ هـ ق در مشهد
 چشم به جهان گشود و ادبیات و مبادی
 علوم را نزد عموی خود میرزا محمد

(۱۷۸)

رضوی - محمد بن احمد

(قرن ۴ ق)

محمد بن عبدالله احمد (م ۲۵۸ ه.ق)
بن محمد بن موسی بن محمد جوادی
یکی از نوادگان موسی مبرقع، سیدی
شریف و جلیل بود که بعد از درگذشت
پدر بزرگوارش «املاک پدر بفروخت و
پس از آن به ناحیه خراسان آمد، مردم
این ناحیه او را مورد احترام قرار دادند،
پس از چندی فوت کرد و به روایتی
کشته شد.

به مشهد حمل شد و روز جمعه بمقبره پدرش
عید قربان زیر درب پایین پای امام
دفن گردید. سید محمد تقی مدرس
رضوی فرزند ایشان است.

الرضا در طوس می باشد.
میرزا محمد باقر رضوی: شجره طیبه /
۸۶، ابوالحسن علی بیهقی: لباب
الانساب ۵۸۶/۲.

محمد جواد هوشیار

میانجیگری نمود، ولی مؤثر واقع نشد.
لالی المنثوره، شجره طیبه در شرح حال
سادات رضویه، حاشیه بر شرح لمعه،
حاشیه قوانین، حاشیه فصول، شرح
احادیث مشکله، کتابی در عروض و
قافیه و بدیع، رساله‌ای در خط، کتابی
در شرح حال ربیع بن خثیم از آثار
اوست.

میرزا محمد باقر روز پنجشنبه، نهم
ذیحجه سال ۱۳۴۲ ه.ق در روستای
سوران از توابع شاندیز واقع در ۲۰
کیلومتری مشهد از دنیا رفت و جنازه‌اش
به مشهد حمل شد و روز جمعه بمقبره پدرش
عید قربان زیر درب پایین پای امام
دفن گردید. سید محمد تقی مدرس
رضوی فرزند ایشان است.

شجره طیبه (چاپ ۱۳۸۴) / ۲۸۸ -
۲۹۰، گنجینه دانشمندان ۱۶۲/۷،
ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۳۰۱،
الذریعه ۳۳/۱۳، ۲۶۴/۱۸، مکارم الآثار
۱۹۴۶/۶، اعیان الشیعه ۱۸۵/۹،
منتخب التواریخ / ۷۳۹، اثر آفرینان
۱۹۷/۵.

غلامرضا جلالی

(۱۷۹)

رضوی - محمد تقی

(- ۱۱۴۹ هـ ق)

میر محمد تقی از سادات رضوی و مشهور به «میرخدایی» است. او انسانی زاهد و پارسا بود و نزد مردم جایگاه ویژه‌ای داشت. گویند سالی که شاه سلطان حسین صفوی به مشهد آمد مورد توجه او قرار گرفت. شاه وی را در خانه‌اش ملاقات نمود. میر به هیچ وجه در حق او به قیام و اکرام نپرداخت. شاه از نقد و جنس هر چه تکلیف کرد نپذیرفت مگر قرآنی که دارای خطی بسیار خوش بود. شاه ایشان را به اصفهان دعوت کرد، ولی ایشان از رفتن به اصفهان خودداری نمود. سلطان حسین طی نامه‌ای همه اهالی خراسان را موظف کرد تا او را به اصفهان اعزام کنند، دخالت مردم سودی نبخشید، در همان زمان در مشهد فرد دیگری به نام میر تقی رضوی بود که او نیز از پارسایان به شمار می‌رفت، مردم به هر نحوی بود او را راضی کردند و به

اصفهان اعزام نمودند. از آن زمان این دو میر که هر دو هم نام و هم نسب بودند، اولی «میرخدایی» و دومی «میرشاهی» نامیده شدند.

میرخدایی در سال ۱۱۲۳ شصت و یکمین سال تولدش بود. او در قفقاز و تولیت آن را به عهده فرزندش محمدعلی و نظارت آن را به عهده عبدالرزاق بن اسماعیل سمنانی نهاد.

میرخدایی در قبرستان قتلگاه دفن شد و میرشاهی چنان که اشاره خواهد شد در قبر میر واقع در محله نوغان دفن گردید. هر چند مؤلف مطلع الشمس محل دفن هر دو را قتلگاه نوشته است. میرخدایی براساس ماده تاریخی که شیخ محمد علی حزین لاهیجی در آورده است، سال ۱۱۴۹ هـ ق درگذشت.

مطلع الشمس ۶۹۳/۲-۶۹۴، منتخب التواریخ ۶۷۷/ و ۶۹۱، تاریخ آستان قدس ۳۳۵/، ریاض العارفین ۱۳۸/، اعیان الشیعه ۱۹۳/۹، طبقات اعلام الشیعه، الکواکب المنتشرة فی القرن الثانی بعد العشره ۱۲۶/.

غلامرضا جلالی

(۱۸۰)

رضوی - محمد تقی

(۱۱۵۰ هـ ق)

میر محمد تقی رضوی مشهور به «میرشاهی» و مشهدی از پارسایان قرن ۱۲ هجری است و در مشهد سکونت داشت. دلیل نامیده شدن او به میرشاهی در شرح حال محمد تقی رضوی موسوم به میرخدایی گذشت.

شیخ عبدالنبی قزوینی که به خدمت او رسیده است او را به این گونه می‌ستاید: «وقتی وارد روضه مقدسه رضوی می‌شد. گویی قالبی نبی رُوح بسیار نقشی بر دیوار است و اعتنا به هیچ مقام و شوکت و صولتی نمی‌نمود. در امانتداری و حق‌گویی در برابر قدرتمندان، وحید عصر بود. روزی رضاقلی میرزا فرزند نادرشاه به دستور پدرش به تسخیر ماوراءالنهر مأمور شد، هنگام حرکت به خدمت میر محمد تقی آمد و استمداد نمود، میر فرمود اگر برای خدا می‌روی خدا همراهت هست و در غیر این صورت به هدف نمی‌رسی. او

افراد زیادی را به میهمانی می‌خواند و غذاهای لذیذ می‌خورانید، ولی خرد به اندک چیزی قناعت می‌کرد، با میر محمد ابراهیم قزوینی معاشرت داشت. او با همه زهد و حالت عرفانی، در تمام دوران عمرش سخنی صوفیانه به زبان نیاورد.

میر فتاح مراغه‌ای درباره او خوابی دید و آن را در مثنوی ریاض الفتوح به نظم درآورد. از آن ابیات جلالت قدر میر محمد تقی معلوم می‌شود. وی شب عید قربان سال ۱۱۵۰ هـ ق، در مشهد درگذشت و به قولی در قبرستان قتلگاه و براساس نظر آقا بزرگ تهرانی در محله قبر میر واقع در خیابان طبرسی دفن گردید و امروزه مدرسه قبر میر در محل آن قبرستان بنا شده است و شیخ محمدعلی حزین محضر او را درک کرده و قطعه شعری را در رثای او سروده است.

مطلع الشمس / ۶۹۴، تاریخ آستان قدس / ۳۴۶، منتخب التواریخ / ۶۹۲، اعیان الشیعه ۹ / ۱۹۲، تاریخ و سفرنامه حزین، ملحقات / ۳۸۲-۳۸۳. شجره طیبه (چاپ ۱۳۸۴) / ۳۷۲.

ابراهیم زنگنه

(۱۸۱)

رضوی - محمد تقی

(۱۲۷۴ - ۱۳۶۵ ش)

سید محمد تقی مدرس رضوی در شب سه شنبه دوم شوال سال ۱۳۱۳ قمری / ۲۸ اسفند ۱۲۷۴ ش در مشهد زاده شد. پدر ایشان مرحوم میرزا محمد باقر رضوی (۱۲۷۰ - ۱۳۴۲ ق) از چهره‌های علمی عصر خود بود.

مدرس رضوی پس از اتمام کلاس ششم ابتدایی در مدرسه رحیمیه مشهد، از محضر پدر خود، میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری، حاج آقا حسین قزوینی، میرزا محمد آقازاده، و میرزا عبدالرحمن مدرس و حسن مشکان طبسی و آقا بزرگ حکیم شهیدی بهره برد و به تشویق پدرش به آموختن زبان فرانسوی پرداخت و سال ۱۳۳۸ ق به تهران سفر کرد و در کلاس میرزا محمد طاهر تنکابنی (م ۱۳۶۰ ق) حاضر شد و برای تمکیل زبان فرانسه به مدرسه آلیانس فرانسه رفت و پس از سه سال و چند ماه به مشهد بازگشت و پس از

مرگ پدر در سال ۱۳۴۲ ق منصب تدریس آستان قدس به ایشان محول شد و چندی بعد از طرف سید محمد تدین مأمور تدریس در مدرسه دانش‌مشهد شد که نخستین مدرسه متوسطه مشهد بود و در سال ۱۳۱۰ ش برای تدریس در مدرسه عالی سهسالار به تهران رفت و به سمت معلم و ناظم آن مدرسه منصوب شد و در مدارس دارالفنون و علمیه و شرافت و معرفت نیز به تدریس زبان فارسی پرداخت. مدتی بعد باز به خراسان انتقال یافت و ریاست دبیرستان دانش را به عهده گرفت و سال ۱۳۱۷ ش به دستور علی اصغر حکمت به تهران رفت و مدیر داخلی و استادی دانشکده معقول و منقول شد. بعد به دانشکده ادبیات منتقل شد و در اردیبهشت سال ۱۳۴۴ بازنشسته شد و در بهمن ۱۳۵۵ ش از طرف دانشگاه تهران منشور استادی ممتاز به ایشان اعطا شد. و در سال ۱۳۶۵ ش در گذشت و در حرم مطهر دفن شد.

می‌زیست و به درجه اجتهاد نایل شده بود. محمد زمان رضوی مشهدی (متوفی ۱۰۴۱) فرزند او و میر لوحی فرزند محمد سبزواری از شاگردان او می‌باشند. وی از اعضای مجمع تصحیح کشف‌الغمه شمرده می‌شد. اعضای دیگر مجمع دو فرزندش میر محمد زمان و میر تقی‌الدین و افصح‌الدین علی تستری ابن فتح الله و جمال‌الدین خوانساری قاضی و تعداد دیگری بودند. مجموعه علمای مجمع به ۱۲ تن بالغ می‌شدند.

طبقات اعلام الشيعة / ۱۱۴-۱۱۶، اعیان الشيعة ۹/ ۲۰۰-۲۰۱.

غلامرضا جلالی

تصحیح المعجم فی معاییر اشعار المعجم، تاریخ بخارا، آثار علوی، دیوان سنایی، مجمل‌التواریخ، دیوان سید حسن غزنوی، حدیقه الحقیقه سنایی، اساس الاتباس خواجه نصیر، رسائل خواجه طوسی، بیت باب اسطرلاب خواجه، دیوان انوری، تنوخ‌نامه ایلخانی، شجره طیبه و چند کتاب دیگر و نیز تألیف احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، یادداشت‌های حدیقه سنایی، مختصری در احوال و آثار محقق طوسی، تاریخ مشهد و تاریخ رجال خراسان از آثار اوست.

«جشن‌نامه استاد مدرس رضوی / تهران ۱۳۵۷ مقاله ضیاء‌الدین سجادی.

ابراهیم زنگنه

(۱۸۲)

رضوی - محمد جعفر

(- ۱۰۲۵ هـ ق)

محمد جعفر رضوی فرزند محمد سعید، متوفی ۱۰۲۵ هـ ق از علمای برجسته، فقها و محدثین و پارسایانی بود که از شبهه احتراز داشت و در عصر شاه عباس صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ هـ ق)

(۱۸۳)

رضوی - محمد حسن

(۱۲۵۰-۱۳۲۹ هـ ق)

حاج میرزا محمد حسن رضوی فرزند میرزا محمد محسن از اعیان میرزا ابراهیم ناظر، از علما و فقهای بلند پایه است. روز جمعه بیستم محرم

۱۲۶۲ هـ ق به نجف عزیمت نمود و در حوزه درس شیخ مرتضی انصاری، شیخ مشکور حولای، شیخ محمّد و شیخ راضی نجفی به مدت ۲۰ سال شرکت جست، و اجازه اجتهاد از شیخ انصاری دریافت نمود.

طول مدت اقامت وی در عراق این فرصت را برای او فراهم ساخت تا کتابهای زیادی نقد کند و به آنها حاشیه بنویسد. مطالعه زیاد، چشم او را ضعیف

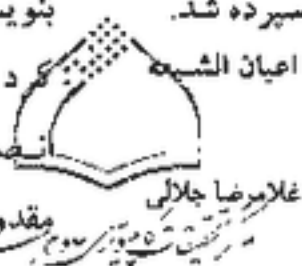
کرد و به رغم حمایتهای مرحوم شیخ انصاری، اقامت بیشتر او در عراق

مقدور نشد و برای معالجه چشم خود به تبریز رفت و پس از اندکی بهبودی به مشهد بازگشت و به تدریس و اقامه نماز جماعت و تبلیغ مشغول شد، تا این که بکلی بینایی خود را از دست داد و رمضان سال ۱۳۱۱ هـ ق به سرای ماندگار شتافت و در محل دارالضیافه حرم دفن گردید.

رساله هیئت به زبان فارسی، رساله‌ای در رجال، حاشیه مبسوط بر قوانین، حاشیه بر شرح لمعه، نتایج

سال ۱۲۵۰ هـ ق به دنیا آمد و در اندک زمانی در علوم عقلی و نقلی به مراتب عالی دست یافت و متولی امر قضا و فتوا شد. در زهد و پارسایی کم مانند بود و همتی عالی و طبعی متعالی داشت. فروتنی و تواضع از ویژگیهای اخلاقی او بود و بیشتر وقت خود را مصروف ترویج شریعت کرد، تا آن که رمضان سال ۱۳۲۹ هـ ق با جهان فناپذیر وداع کرد و پایین پای امام رضا علیه السلام به خاک سپرده شد.

شجره طیبه ۱۸۶/ - ۱۸۷، اعیان الشیعه ۱۷۴/۹.



(۱۸۴)

رضوی - محمّد علی

(۱۲۳۹-۱۳۱۱ هـ ق)

میرزا محمّد علی مدرّس رضوی فرزند سید صادق، از سادات رضوی و چهره‌های علمی عصر خود بود. روز ۲۱ رجب ۱۲۳۹ هـ ق در مشهد به دنیا آمد و از آغازین روزهای جوانی به تحصیل علم روی آورد. اول رمضان

(۱۸۶)

رضوی - محمد معصوم

(- ۱۲۳۲ هـ ق)

حاج میرزا محمد معصوم فرزند میرزا سید محمد رضوی از علمای بزرگ روزگار حکومت افشاریان بود. پس از تکمیل علوم نقلی در زمره مشایخ وقت درآمد و چون پدرش به واسطه ضعف مزاج از خدمت در آستان قدس رضوی معذور شد او را به جای خود معرفی نمود. او با این که مقام اجتهاد داشت، متصدی حکومت شرعی نمی شد. به سال ۱۲۳۲ هـ ق درگذشت. در صحن عتیق حرم دفن گردید. سید محمد قصیر حاج میرزا حسن فرزندان ایشان هستند.

شجره طیبه / ۳۲۸ - ۳۲۹، تاریخ علمای خراسان / ۶۳، فردوس التواریخ / ۱۱۸، منتخب التواریخ / ۶۷۵ و ۶۸۹، مدیة الاحباب / ۱۷۶، ترجمه الکنی و الاتقاب / ۳ / ۳۳۰، مطلع الشمس / ۲ / ۷۰۵، اعیان الشیعه / ۵۷ / ۵۸.

غلامرضا جلالی

(۱۸۷)

رضوی - معصوم

(سده ۱۴ هـ ق)

میرزا معصوم رضوی فرزند یسحیی پسر حبیب الله رضوی از مشاهیر علمای مشهد بود. در مسافرت اول ناصرالدین شاه قاجار به مشهد، مورد توجه مهد خلیفه مادر شاه قرار گرفت و مهد علیا در حلقه امیریدان او درآمد.

میرزا معصوم زندگی را در صفای باطن و سیر و سلوک به آخر برد و پس از فوت محاذی ایوان طلای صحن عتیق حضرت رضا علیه السلام به خاک سپرده شد. فرزندانش میرزا مهدی، میرزا محمد و میرزا ابوالقاسم همه از بزرگان و مشاهیر روزگار خود بودند. شجره طیبه / ۳۱۸ - ۳۱۹.

ابراهیم زنگنه

(۱۸۸)

رضوی - مهدی

(۱۲۶۷ هـ ق)

میرزا محمد مهدی رضوی فرزند
سید محمد قصیر، فقیهی فاضل و
زاهدی وارسته بود، پس از فوت پدر
برای تکمیل تحصیلات علوم دینی به
نجف رفت و خدمت شیخ محمد حسن
صاحب جواهر به مدارج عالی دست
یافت. سپس به مشهد آمد و مرجع عموم
گردید و سال ۱۲۶۷ هـ ق درگذشت و
کنار قبر پدر خود در مسجد ریاض در
اتاق بالاسر که پنجره‌ای به ممر
دارالسیاده و سقاخانه دارد به خاک
سپرده شد.

شجره طیبه / ۳۴۴-۳۴۵، مطلع الشمس

/ ۷۰۷-۷۰۸، تاریخ علمای خراسان

/ ۸۹، اعیان الشیعه ۱۰/ ۷۴.

غلامرضا جلالی

رضوی - هدایت‌الله ← جلد سوم

(۱۸۹)

رضوی قاینی - حسن

(- زنده تا ۱۰۵۶ هـ ق)

امیر سیدحسن رضوی قاینی فرزند
ولی الله فرزند هدایت الله از فقها و
محدثین قرن ۱۱ هجری است. وی از
شیخ محمد نوه شهید ثانی اجازه روایت
داشت. در مشهد ساکن شد. وی سیدی
جلیل و عالمی فاضل بود که میرزا
عبدالله افندی صاحب ریاض العلماء از او
به شایستگی یاد کرده است. بزرگانی
چون محقق سبزواری، مولانا محمد
یوسف دهخوارگانی تبریزی و مولانا
حسین نیشابوری از وی اجازه روایی
دریافت نموده‌اند. حاشیه اصول کافی و
ترجمه رساله اعتقادات شیخ بهایی از
آثار اوست.

وی تا سال ۱۰۵۶ هـ ق در قید
حیات بود و پس از تألیف ریاض العلماء
توسط مؤلف آن، در مشهد درگذشت.
فرزندان او آقا شاه میرزا تقی و میرولی
الله از علمای زمان و مورد وثوق مردم
بودند و ملا افضل قاینی آن دو را متولی

موقوفات خود قرار داده بود.

بزرگان قاین / ۲۶۴، اعیان الشیعه
۷۳-۷۲/۵

ابراهیم زنگنه

الرضائیه دفن شد. او دارای تألیفاتی
همچون نعمة الالهیه، حاشیه بر شرح
اشارات، حاشیه بر مختصر الاصول،
حاشیه بر صحیفه کامله و... است.

تذکره سخنوران نایین / ۵۶، تذکره
نصرآبادی / ۱۲۸.

ابراهیم زنگنه

(۱۹۰)

رفیع الدین - سید محمد

(- ۱۰۸۲ هـ ق)

(۱۹۱)

روغنی - شیخ محمد صالح

(۱۰۱۹-۱۱۱۶ هـ ق)

سید محمد ملقب به رفیع الدین

معروف به «میرزا رفیعی نائینی» فرزند

سید حیدر از عرفای عصر شاه سلیمان

صفوی است. وی از مقامات عرفانی
برخوردار بود و در شعر و ادب ^{دینی} دست
داشت. از اشعار اوست:

در کعبه اگر باده خوری جرم ندارد

اندیشه مکن صاحب این خانه بزرگ است

میرزا رفیعا جد سید حسین مجمر

اصفهانی و میرزا ابوالحسن جلوه است.

به سال ۱۰۸۲ هـ ق وفات یافت و در

تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد

و پس از مدتی به نقل صاحب تذکره

نصرآبادی جنازه او به مشهد حمل و در

جوار حضرت امام علی بن موسی

شیخ محمد صالح روغنی فرزند
شیخ ^{مخمس} باقر قزوینی معروف به
روغنی و متخلص به فقیر از استوانه‌های
علمای عصر صفوی. او در قزوین به
دنیا آمد و پس از اخذ مقدمات علوم نزد
علمای زادگاه خود، در ۱۰۲۸ ق راهی
اصفهان گردید و به حوزه درس سید میر
محمد باقر داماد (م ۱۰۴۲ ق) ملحق
گشت. پس از وفات استادش در
۱۰۴۲ ق، مجدداً به موطن خود قزوین
بازگشت و در مدرسه نواب مدارج عالی
اجتهاد را در حوزه درس شیخ محمد

کتاب از خود به یادگار گذاشته که عبارتند از: شرح نهج البلاغه، مهمترین و بزرگترین اثر او که از مفیدترین شروح نهج البلاغه است که در ۱۳۲۱ ق توسط میرزا علی آشتیانی به غلط به نام محمد صالح برغانی طبع گردیده ولی در چاپ دوم در ۱۳۸۰ ق در تهران این اشتباه مرتفع گردیده است؛ کنوز العرفان و رموز اصحاب الايقان، در ۱۳۷۴ ش در تهران جلد چهارم شرح مثنوی او چاپ شده که نسخه خطی آن در کتابخانه امام صادق علیه السلام در قزوین محفوظ است؛ ترجمه محاضرات راغب که در ۱۳۷۲ ش طبع گردید؛ حکمت اسلام که شامل کلمات قصار امیرالمؤمنین علیه السلام است توسط دکتر جلال الدین محدث در ۱۳۵۴ ش چاپ شد؛ ترجمه عهدنامه مالک اشتر؛ ترجمه صحیفه سجاده؛ برکات المشهد المقدس؛ ترجمه فارسی کتاب عیون اخبار الرضا، شرح دعاء السمات به فارسی، اکمل آدم من الشجره؛ مقامات؛ منشور ادب الهی و دستور العمل کارآگاهی؛ رساله در

کاظم طالقانی قزوینی و ملا خلیل قزوینی پیمود. او از پیشتازان جنبشهای فکری و ترویج زبان فارسی در حوزه‌های علمی شیعه بود و بیشتر آثار خویش را به فارسی تألیف نمود و یا اینکه کتب مهم عربی را به فارسی ترجمه کرد. در روزگار روغنی دولت صفویان از جریان اخباری‌گر حمایت می‌کرد. در حدود ۱۰۷۰ ق که جمعی از علمای اصولی قزوین به شهرهای گوناگون تبعید شدند، روغنی به شهر قندهار تبعید شد. او در ۱۰۷۵ ق به مشهد مقدس هجرت نمود و ثلاً آخیر عمره از مشهد بیرون نرفت و در همان سامان وفات یافت. شیخ حر عاملی در *امل الامل* از وی با عظمت و بزرگی، با عنوان «مولانا محمد صالح بن محمد باقر القزوینی المعروف بالروغنی...» یاد کرده است. وی از علمایی است که به نثر فارسی خدمات شایانی نموده و تمامی آثار خود را جز شرح عربی صحیفه سجاده، همگی را به زبان فارسی نگاشته است. وی پیش از بیست عنوان

الادب ۳۳۳/۲؛ فرهنگ بزرگان/ ۵۱۷؛
الکواکب المتشره/ ۱۳۷۱ مصادر نهج
البلاغه ۱/۲۳۶؛ روضات الجنات
۳۳۳/۲؛ فوائد الرضویه/ ۵۴۷.

عبدالحسین شهیدی صالحی

امامت، ترجمه مناجات حضرت
امیرالمؤمنین؛ محاکمه میان فقیر و
غنی؛ دیوان شعر نیز از آثار اوست.

امل الأمل ۲/۲۷۷؛ الذریعه ۲/۳۲۷ به
بعده؛ ریاض العلماء ۲/۲۶۳؛ ریحانة



مرکز تحقیقات و نشر اسلامی
پستال: ۱۱۱۱۱۱۱۱

ز

زاهد ← موسوی - علیرضا

(۱۹۲)

زاهدی - جعفر

(۱۳۳۵ - ۱۴۱۹ هـ ق)

دانشکده الهیات و معارف اسلامی
دانشگاه مشهد ۱۰ ربیع الاول
۱۳۳۵ هـ ق در مشهد دیده به جهان
گشود. پدرش آقا محمود فرزند فرج الله
اهل بروجرد و مقیم مشهد بود.

زاهدی به تحصیل علوم دینی
روی آورد و ادبیات عرب را از محضر
شیخ محمد تقی شاهرودی، شیخ محمد
کاظم دامغانی، شیخ حسن هروی و شیخ
محمد تقی ادیب آموخت. و سطح را نزد
آیات: شیخ مجتبی قزوینی و شیخ هاشم
قزوینی خواند.

خارج فقه و اصول را از آیات حاج
میرزا احمد کفایی خراسانی، سیدیونس
اردبیلی، میرزا مهدی آشتیانی، شیخ
محمد رضا کلپاسی و آیت الله العظمی
میلانی، و دروس فلسفه را از شیخ سیف



حکیم فرزانه حاج شیخ جعفر
زاهدی (جورابچی) یکی از اساتید

الله ایسی، شیخ مجتبی قزوینی و میرزا مهدی آشتیانی بهره برد. ایشان از سال ۱۳۳۷ ش در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد به تدریس اشتغال ورزید و دانشجویان بسیاری را تربیت کرد.

علامه زاهدی در اثر داشتن مقامی ارجمند و جایگاهی والا در علوم اسلامی از آیات و علمای بسیاری، موفق به دریافت اجازات علمی و روایی شد که می توان به اجازات حضرات آیات: سید حسین فقیه

ه ق)، محمود رنکوسی (۱۳۹۲ ه ق)، شیخ ابوالعباس امرانی، حسن مغربی (۱۳۶۹ ه ق)، و محمد ادیب حسون نزیل حلب (۱۳۹۲ ه ق) اشاره کرد.

علامه زاهدی از سال ۱۳۵۶ ه ق در مدرسه نواب و خیراتخان مشهد به تدریس ادبیات و فقه و اصول و تفسیر و حکمت پرداخت. آنگاه به تدریس حکمت و فلسفه رو آورد و شرح منظومه و شرح اشارات و سایر کتب عقلی را درس گفت. کتابهای زیر از آثار قلمی ایشان است:

سبزواری (۱۳۳۷ ه ش)، شیخ هبائتیه سبزواری، توضیح الاشارات، شرح منطق بوعلی سینا در چهار جلد؛ ۲- خودآموز منظومه، در سه جلد؛ ۳- روش گفتار، در فن معانی و بیان و بدیع؛ ۴- قواعد صرف و نحو، دستور زبان عربی؛ ۵- اصول فن خطابه، در صناعت و وعظ و تبلیغ؛ ۶- تاریخ فن مناظره، در یونان و مصر و ایران؛ ۷- مبانی فن مناظره، در آداب بحث و جدل؛ ۸- تاریخ ادیان، در چین و هند و ایران؛ ۹- مناظرات حضرت رضای علیه السلام با علمای زردشتی و

قزوینی (۱۳۷۸ ق)، حاج آقا بزرگ تهرانی (۱۳۸۰ ه ق)، سید علی بهبهانی رامهرمزی (۱۳۸۸ ه ق)، سید علی مددقائینی (۱۳۸۲ ه ق)، سید محسن طباطبائی حکیم (۱۳۸۵ ه ق)، شیخ محمدرضا کلباسی، سید شهابالدین مرعشی (۱۳۸۵ ه ق) میرزا حسن معروف به موسی احقانی (۱۴۰۰ ه ق) و از سایر طرق و مذاهب: احمد عادل خورشید پیشوای طریقه شاذلیه (۱۳۹۲

(۱۹۳)

زنجانى - ابوطالب

(۱۲۵۹ - ۱۳۲۹ هـ ق)

حاج میرزا ابوطالب زنجانى از دانشمندان اوایل سده چهاردهم هجرى است. وی ۱۸ ذی‌فعدة ۱۲۵۹ هـ ق در زنجان به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات و سطح در حوزه‌های علمى زنجان و قزوین، عازم نجف شد و از محضر شیخ مرتضى انصارى و سید حسین کوه‌کمره‌ای و شیخ راضى نجفى، استفاضه نمود و به درجه اجتهاد دست آورده است. او پس از پایان تحصیلات به ایران آمد و به کار تحقیق پرداخت. کتاب «التنقید لاحکام التقلید» را به سال ۱۳۱۴ تألیف کرد و در ۷۰ سالگی روز ۱۵ ربیع الاول سال ۱۳۲۹ هـ ق در شهر تهران درگذشت و برحسب وصیتش جنازه او به مشهد منتقل شد و در جوار امام رضا علیه السلام دفن گردید. فهرست کتب خطی آستان قدس ۱۰۹/۶.

یهودى و نصرانى؛ ۱۰ - روش پیشوایان، در زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام؛ ۱۱ - حاشیه بر شرح اشارات؛ ۱۲ - حاشیه بر مکاسب؛ ۱۳ - حاشیه بر اسفار؛ ۱۴ - حاشیه بر شرح منظومه؛ ۱۵ - حاشیه بر کفایة الاصول؛ ۱۶ - حاشیه بر شرح فصوص الحکم؛ ۱۷ - حاشیه بر رسایل؛ ۱۸ - حاشیه بر شرح اصول کافی، از ملا خلیل قزوینى؛ ۱۹ - جنگ بین الملل در معرفت غنى اول، در علم کلام؛ ۲۰ - گلشن دانشوران در ترجمه دانشمندان ۲۱ - تفسیر زاهدی، در تفسیر سوره‌های، یس، صافات و مؤمنین سوره. اخلاق از نظر اسلام. استاد زاهدی سرانجام پس از عمری خدمت و تدریس در سال ۱۴۱۹ هـ ق / ۱۳۷۷ ش در ۸۴ سالگی در مشهد مقدس به دیدار یار شتافت.

غلامرضا جلالی

(۱۹۴)

زنجانی - محمد رضا

(- ۱۳۵۰ هـ ق)



علمای عصر خود بود و مورد توجه مردم قرار داشت. به نوشته شیخ علی اکبر مروج خراسانی در کتاب سوانح، شب اول صفر سال ۱۳۵۰ هـ ق در مشهد درگذشت و در صحن جدید حرم امام رضا علیه السلام دفن شد.
ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۸۱.

غلامرضا جلالی

زواره‌ای یزدی - مهدی ← طباطبایی

یزدی



بین الاثمه ← آقا بزرگ - زین الاثمه

شیخ محمد رضا زنجانی از اولاد آقا بزرگ مروج خراسانی

س

(۱۹۵)

ساعدی خراسانی - محمدباقر

(۱۳۰۶ - ۱۳۸۲ ش)



حاج شیخ محمد باقر ساعدی
خراسانی از عرفا، معلمان، در سال
۱۳۰۶ ش در مشهد پا به دنیا گذاشت.
پدرش شیخ حسین مقدس از علمای
زاهد این شهر بود.

ساعدی تحصیلات ابتدایی را در
مکتبخانه و دبستان دیانت به اتمام
رسانید. بهره‌های علمی او بسیار فراتر
از سن و سالش بود. برای تحصیل علوم
دینی در سال ۱۳۲۰ شمس وارد مدرسه
ابدال خان شد. پس از گذراندن دروس
مقدماتی حوزه، برای فراگیری پیش‌تر
به قم و سپس تهران عزیمت کردند. هر
روز صبح به دانشکده معقول و منقول
می‌رفتند؛ بعد از ظهرها دروس حوزه را
می‌خواندند و شب‌ها به دانشسرای
عالی تربیت معلم می‌رفتند. در سال
۱۳۳۶ به استخدام آموزش و پرورش
در آمدند. به مدت ۲۵ سال در دبیرستان
هدایت مشهد و حوزه به تدریس و
تعلیم مشغول شدند. وی در کنار
تدریس دروس متداول آموزش و

پرورش، متون عرفانی چون فصوص الحکم را نیز تدریس می‌کرد و به جز آن به صورت خستگی ناپذیری به ترجمه، تحقیق و تألیف می‌پرداختند و حاصل آن، ده‌ها اثر گرانسنگ علمی است.

ساعدی بعد از ۷۶ سال زندگی پر بار در سال ۱۲۸۲ ش، شب شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام چشم از جهان بست.

وی نزد پدر خود شیخ حسین مقدس، شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری، شیخ غلام حسین اسلامی، شیخ عبدالحسین محقق نوقانی، حاج میرزا احمد مدرس یزدی، حاج میرزا ابراهیم کلباسی اصفهانی، آقامیرزا محمد علی حکیمی، حاج میرزا محمد علی ادیب تهرانی، حاج شیخ محمد علی جولستانی، حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، حاج سید احمد شهرستانی، سیدمحمد مصطفوی، شیخ محمد باقر ربانی قمی، سیدمحمد مشکوة، محدث ارموی، مهدی الهی قمشه‌ای، محمود شهابی و فاضل تونی درس آموخت. و

از فقها و محدثین بزرگی اجازه‌ی علمی و نسقل حدیث دریافت کرد. شخصیت‌های زیر در شمار این فقها و محدثین هستند:

آیات میرزا محمد علی اردوباری، سیدفخرالدین امامت کاشانی، حاج میرزا محمد رضا بروجرودی، حاج شیخ محمدحسین بیرجندی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، حاج سید مصطفی خوانساری، سید ابوالقاسم خوبی، حاج شیخ نصرالله شبستری، سیدعبدالله شیرازی، حاج شیخ ابوالحسن شریف عسکری، حاج شیخ علی غروی علیاری، حاج شیخ محمدتقی بهجت فومنی، حاج شیخ محمدرضا کلباسی، حاج سید محمدرضا گلپایگانی، حاج شیخ مجتبی لنگرانی، حاج شیخ محمد صالح مازندرانی، حاج سید شهاب الدین مرعشی، حاج شیخ علی اکبر مروج خراسانی، میرزا محمد علی معلم حبیب‌آبادی و آیه‌الله حاج سید محمد هادی میلانی و ادیب خاوری.

ترجمه‌ی کتاب‌های زیر از آثار

مرحوم ساعدی خراسانی است:

بغدادی.

منية المرید شهید ثانی، اخلاق حسنه
ملا محسن فیض کاشانی، منظومه ملا
هادی سبزواری به نظم فارسی، الارشاد
شیخ مفید، التحصین فی صفات العارفين
ابن فهد حلی، تفسیر صافی فیض
کاشانی، حقایق فیض کاشانی، روضات
الجنات خوانساری، ریاض العلماء ملا
عبدالله افندی اصفهانی، سفینه البحار
شیخ عباس قمی، شمس المعارف بونی،
عصمة الحجج سیدعلی میبدی، عیون
الاخبار الرضائیة، فضایل الخیمة
سیدمرتضی فیروزآبادی، فوائیح الجلال
نجم الدین کبری، کشکول شیخ بهایی،
المجلی ابن ابی الجمهور، مشارق
الانوار، مصباح الشریعه، مناقب ابن
عربی، منهاج السالکین، نفس المجلی
ابن ابی الجمهور، مشارق الانوار، مصباح
الشریعه، مناقب ابن عربی، منهاج
السالکین، نفس الرحمان فی احوال
حضرت سلمان میرزا حسین نوری،
تحفة الحکیم کمپانی، ریاض الفضلا،
تحفة المراد و تحفة البرره مجدالدین

او به جز این ترجمه ها کتاب های زیر را
نیز نوشته است که تعدادی از آنها به
چاپ رسیده است: پسر بختگان،
پیشوای هشتم شیعیان، تفسیر سوره
نور، توزیع الدلائل لتوضیح المسائل،
خورشید بطحا، تکمیل تاریخ علماء
خراسان، رجال معاصر شیخ طوسی،
شرح حال خواجه ربیع، شرح حال شیخ
الطایفه انصاری، شرح حال محقق
حلی، شرح مخمس صفی، شرح عرفای
الحق صفی، شهید راد حق، لطائف
صفی، عیون التاریخ، نهمین پیشوای
شیعیان، شرح وجیزه علامه مجلسی
در رجال، شرح فصوص الحکم، مجمع
الزیارات، ماده و خدا، ذریعة الافکار فی
شرح نور الانوار، کشف المغازات فی
الاجازات، ملاذ العارفين در شرح
خطبه‌ی بسی نقطه‌ی حضرت
امیرالمؤمنین، تذکره‌ی باقریه، زینبیات
و کشکول ساعدی.

ساعدی مجموعه‌ای مرکب از حکمت و
شریعت و طریقت بود. در اخلاق حسنه،

در فقاہت و شریعت صاحب نظر، در کلام و حکمت نیرومند، در عرفان دل آگاہ و روشن ضمیر، در تحقیق و پژوهش روحی توانمند و خستگی ناپذیر و در تعلیم و تربیت عالمی عامل و معلمی صبور و با کرامت بود.

غلامرضا جلالی

و عدم وجوب آن در عصر غیبت دارد که در سال ۱۳۰۰ هـ ق آن را به پایان رسانده است.

نقباء البشر ۴۳/۱، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری / ۱۷۴.

غلامرضا جلالی

(۱۹۷)

سبزواری - اسماعیل

(- ۱۲۶۲ هـ ق)

سید میرزا اسماعیل سبزواری فرزند سید عبدالغفور علوی عریضی



سبزواری، نزد علمای مشهد علم آموخت و به سبزوار برگشت و ریاست دینی شهر و امامت جمعه آنجا را پس از فوت پدر به دست گرفت. به سال ۱۲۶۲ هـ ق درگذشت و جنازه اش به مشهد حمل شد و در محل توحیدخانه دفن گردید. سید میرزا ابراهیم شریعتمدار سبزواری و سید میرزا زین العابدین رئیس الطلاب، سید میرزا عبدالکریم، سید میرزا محمد علی و میرزا ابوالقاسم از جمله فرزندان ذکور وی هستند.

(۱۹۶)

سبزواری - ابوالحسن

(- ح ۱۳۱۳ هـ ق)

میرزا ابوالحسن سبزواری *فَرَسْتَوَانِی*

علامه سید محمد سبزواری رضوی در نجف نزد شیخ مرتضی انصاری علم آموخت و حدود سال ۱۳۱۳ در مشهد درگذشت. پسرش سیدعلی اهل فضل بود و در جوانی به سال ۱۳۲۴ هـ ق از دنیا رفت.

میرزا ابوالحسن سبزواری دارای حاشیه‌ای بر *هدایة الابرار* اثر حسین بن شهاب اخباری است که در سال ۱۲۸۷ نوشته است. رساله‌ای نیز در نماز جمعه

الصلاة فی حکمة تشریعیها و اجزائها، و رسالة فی علم القراة از آثار اوست.

الذریعه ۱۹۳/۲، اعیان الشیعه ۱۰۸/۴،

تاریخ علمای خراسان ۵۷/، مطلع

الشمس ۷۰۴/، منتخب التواریخ

۶۹۰-۶۹۱، فردوس التواریخ

۱۱۷-۱۱۸، تاریخ آستان قدس ۳۳۶/.

غلامرضا جلالی

الکرام البرره ۱۴۱/۱، نباء البشر

۱۴۷۱/، مطلع الشمس ۷۰۷/، مکارم

الآثار ۱۶۷۹/۵ - ۱۶۸۱، اعیان الشیعه

۳۸۲/۳.

غلامرضا جلالی

سبزواری - حسین ← فقیه سبزواری -

حسین

سبزواری - سید عبدالله ← رضوی -

عبدالله

(۱۹۸)

سبزواری - سید جعفر

(سده ۱۳ هـ ق)

(۱۹۹)

سبزواری - سید محمد

(۱۱۱۸ - ۱۱۹۸ هـ ق)

مولانا سید محمد سبزواری فرزند میرزا شاه قاسم از علما و دانشوران قرن دوازدهم هجری است. فردی محقق، متکلم، فقیه، محدث و عابد بود. به سال ۱۱۱۸ هـ ق در سبزوار چشم به جهان گشود و پس از تکمیل آموزش معارف دینی در مشهد ساکن شد و به ترویج و نشر احکام اسلامی مشغول گردید و شهرت به سزایی کسب نمود. تا این که در

مولانا سید جعفر سبزواری مشهدی خواهرزاده سید محمد ابن میر شاه قاسم امام جمعه وقت مشهد بود. وی در مشهد نشو و نمو یافت و در شمار علمای شهر درآمد. او از معاصرین میرزا مهدی شهید (م ۱۲۱۸ هـ ق) است و در زمان حیات میرزا فوت کرد و در یکی از حجره های شمالی صحن جدید، نزدیک مقبره دایی خود سید محمد امام جمعه دفن شد.

کتابهای ریاض الانوار فی احوال الائمة الاطهار و اثبات عصمتهم، اسرار

عبیدالله اعرج بن حسین اصغر، نسبتش
به امام زین‌العابدین علیه السلام می‌رسد.

او از سادات بنی مختار سبزواری است
که سالها نقابت علویون منطقه را به
عهده داشت و جنازه‌اش پس از ارتحال
به وسیله برادرزاده‌اش تاج‌الدین علی
به مشهد حمل شد و در صفت پایین پای
مسجد کبیر حرم امام علی بن موسی
الرضا علیه السلام به خاک سپرده شد.
سراج الانساب / ۱۲۷ - ۱۲۸

ابراهیم زنگنه

سبزواری - محمد باقر - محقق

سبزواری

سبزواری - محمدرضا - قاینی -

محمدرضا - جلد دوم

(۲۰۱)

سبزواری - میرشاه قاسم

(- قرن ۱۲ ه. ق)

میرشاه قاسم سبزواری از علمای
قرن دوازدهم هجری است. در مشهد

زمان نصرالله میرزا نواده نادرشاه امامت
جمعه مشهد به او واگذار شد و چندین
مرتب به خاندان خدا و زیارت عتبات
عالیات موفق شد تا این که در ۸۰ سالگی
به سال ۱۱۹۸ ه. ق به سرای ابدی شتافت
و در یکی از حجره‌های شمالی صحن
جدید دفن شد. حواشی بر شرح لمعه و
تفسیر قرآن از آثار علمی او بوده است.

منتخب التواریخ / ۶۷۶ و ۶۹۰، تاریخ

علمای خراسان / ۴۶-۴۷، مطلع الشمس

/ ۶۹۹ و ۷۰۳، فردوس التواریخ

/ ۱۱۱-۱۱۳، مکارم الآثار / ۷۹-۸۰



سبزواری - سیدمرتضی - واعظی

سبزواری

(۲۰۰)

سبزواری - شرف‌الدین محمد

(قرن ۱۰ ه. ق)

شرف‌الدین محمد فرزند ناصرالدین

احمد بن شرف‌الدین محمد بن

شمس‌الدین علی نقیب‌النقبا از مشاهیر

معروف سبزواری است که از جانب

تحصیل کرد و در سبزوار به ارشاد مردم و ترویج دین پرداخت و نیمه دوم قرن دوازدهم هـ ق دار فانی را وداع گفت و در یکی از حجره‌های شمالی صحن جدید دفن شد. سید محمد سبزواری (م ۱۱۹۸ هـ ق) پسر ایشان است که پس از وی امام جمعه مشهد شد.

مطلع الشمس ۷۰۲/۲-۷۰۳، ستارگان در کنار خورشید ولایت ۱۵/ اعیان الشیعه ۴۴/۸.

ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۸۲.

ابراهیم زنگنه

(۲۰۳)

سبط - مرتضی

(۱۲۷۳ هـ ق - ۱۳۴۷ هـ ش)

سید مرتضی سبط فرزند حاج سید احمد، از فقها و دانشوران بلند پایه مشهد است. وی به سال ۱۲۷۳ هـ ق در

نجف متولد شد، نزد علمای نجف علوم دینی را فرا گرفت. چون داماد آیه الله

حاج شیخ مرتضی آشتیانی بود، حدود

سبزواری - یحیی

(۲۰۲)

(۱۳۶۶ هـ ق)

به منظور ملازمت ایشان به

مشهد آمد و هشتم تیرماه ۱۳۴۷ شمسی

در ۷۵ سالگی وفات یافت و در حجره

رواق دارالسیاده دفن شد.

شمس الشموس / ۳۳۶-۳۳۷.

ابراهیم زنگنه

آیه الله آقا میرزا یحیی سبزواری از علما و فقها و سادات خراسان در اصل از سبزوار است، در مشهد ساکن شد و سالها امامت جماعت مسجد گوهرشاد را به عهده داشت. او در بین عامه مردم از اعتباری ویژه برخوردار بود. روز ۲۴ رجب سال ۱۳۶۶ هـ ق به سرای ابدی شتافت و در صحن جدید حرم دفن شد.

سبط الشیخ - دزفولی نجفی -

سید احمد

(۲۰۴)

سبط الشیخ - سید محمد

(- ۱۳۶۶ هـ ش)

حاج سید محمد سبط الشیخ فرزند
حاج سید مرتضی سبط و از سوی مادر
نوه آیة الله شیخ مرتضی آشتیانی است.
چون پدر این خاندان از سوی مادر نوه
شیخ مرتضی انصاری است به سبط
الشیخ موسوم شده اند.

حاج سید محمد در مشهد درگذشت
و دهم دی ماه سال ۱۳۶۶ شمسی در
رواق دارالزهد حرم امام رضا علیه السلام دفن
گردید.

شمس الشموس / ۳۳۶-۳۳۷.

ابراهیم زنگنه

جهان گشود و پس از اتمام مقدمات و
سطوح از محضر درس شیخ ضیاء الدین
عراقی و شیخ محمد کاظم شیرازی
استفاده برد و در سال ۱۳۵۷ هـ ق به
تهران مهاجرت کرد و سپس در مشهد
مقیم شد و به تدریس و اقامه نماز و
نظارت بر امور حسبی پرداخت و مورد
توجه اکثریت مردم قرار گرفت و در
جمادی الاولی سال ۱۴۰۸ هـ ق

درگذشت. رساله‌ای در حجاب و
تعمیرات و کتابهایی در فقه و اصول

زندگانی و شخصیت شیخ مرتضی
انصاری / ۳۵۳.

(۲۰۶)

سجادی - سید عبدالحمید

(۱۳۲۵ - ۱۳۶۹ هـ ش)

سید عبدالحمید سجادی فرزند سید
محمد حسین در حدود سال ۱۳۲۵ یا
در ناحیه لعل و سرچنگل از توابع
ولایت غور افغانستان به دنیا آمد.
تحصیلات مقدماتی را نزد پدر خویش

(۲۰۵)

سبط الشیخ - سید محمد علی

(۱۳۳۰ - ۱۴۰۸ هـ ق)

آیة الله سید محمد علی فرزند سید
محمد نبی فرزند سید موسی، نوه
دختری مرحوم شیخ انصاری و از
اساتید فقه و اصول بود. در نجف دیده به

افغانی خود جلساتی خصوصی تشکیل می داد که موضوع آن مباحث سیاسی و اجتماعی بود.

در سال ۱۳۵۳ ه. ش رژیم عراق برخی روحانیون را از عراق اخراج کرد که از جمله آنها سجادی بود. وی مدتی در مناطق مرکزی افغانستان به فعالیت و سخنرانی پرداخت و در سال ۱۳۵۵ ه. ش تصمیم گرفت در مشهد مقدس ساکن شود. بعد از ورود به این شهر در حوزه علمیه آن نزد افرادی مثل آیه الله صالحی، محقق، ادیب اصفهانی و ... ادامه تحصیل نمود. در این زمان انقلاب اسلامی مردم ایران وارد روزهای پر التهاب خود شده بود و سجادی مانند بسیاری دیگر از طلاب هموطنش با مطالعه آثار امام، استاد مطهری، آیه الله طالقانی و شرکت در جلسه مبارزان افغانستانی که در مدرسه جعفریه تشکیل می شد، عملاً وارد مبارزات انقلابی گردید؛ وی امام خمینی را مرجع تقلید خود می دانست و اجرای اوامر ایشان را واجب تلقی



و علمای محلی فراگرفت و بعد از ازدواج با دختری یکی از علمای منطقه در ۱۳۵۰ ه. ش برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مهاجرت کرد. در طی این سفر مدتی در شهرهای مشهد و قم متوقف شد و برای اولین بار با اوضاع، انقلاب و اندیشه های متفکران ایران آشنا شد. پس از ورود به نجف با امام خمینی (ره) دیدار نمود و در نزد افسرادی چون موسوی سنگ تختی، شیخ عیسی محقق و دیگران به تحصیل پرداخت. علاوه بر آن آثار امام خمینی را مطالعه می کرد و با چند تن از همفکران ایرانی و

۱۳۳۷ در سفر زیارت در مشهد
درگذشت و در این شهر دفن شد.
تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان
اصفهان / ۱۸۴.

(۲۰۸)

سرابی - سید مصطفی
(- ۱۳۵۰ هـ ش)



میرزا مصطفی سرابی فرزند سید
مرتضی، از علما، مبلغان و شعرای عصر
خود بود. در مشهد سکونت داشت.
چندی به کار قضا مشغول گردید، بعد به
وعظ و تبلیغ روی آورد. در رادیو برنامه
مذهبی اجرا می‌کرد و شعر می‌سرود و

نیازمندان، تأسیس مکتب‌خانه، تعمیر و
ساخت چندین پل در زادگاهش.
وی در سال ۱۳۶۹ هـ.ش برای انجام
یک مأموریت به پاکستان رفت و ضمن
ایراد سخنرانی در خانه فرهنگ ایران در
پیشاور از وضعیت سیاسی پاکستان و
رشد وهابیت انتقاد کرد. پس از پایان
سخنرانی، با یک خودروی شخصی به
سمت لاهور حرکت کرد که در اثر
تصادف در تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۲۵
هـ.ش جان باخت. پیکر پاکش بعد از
انتقال به مشهد مقدس در بهشت ثامن
صحن آزادی حرم مطهر رضوی دفن
گردید.

اسماعیل رضایی

(۲۰۷)

سدهی - سید محمد رحیم
(- ۱۳۳۷ هـ ق)

حاج سید محمد رحیم سدهی
معروف به حاج آقا سدهی عالم فاضل
از افراد مورد اعتماد امام جمعه وقت
اصفهان بود و در شب ۱۸ صفر سال

دیوان مختصری از او چاپ شده است. تابستان سال ۱۳۵۰ در شهر تهران فوت کرد و جنازه‌اش به مشهد انتقال یافت. دکتر ضیاءالدین سجادی، استاد دانشگاه تهران و رضا سجادی شهردار اسبق مشهد فرزندان ایشان هستند. از اشعار اوست: سرمایه‌ای برای بشر غیر کار نیست جز مرد کار در دو جهان کامکار نیست دنیا چو کارخانه بشر کارگر در آن چیزی به غیر کار در این جا بکار نیست بیکاره همچو خشک درختی بدون بار او را به باغ علم و هنر هیچ بار نیست مردم ترا به مردمک چشم می‌تقین چه چیز سودمند بشهد سکونت داشت و با رو کار کن که بهتر از آن افتخار نیست. صد سال شعر خراسان / ۲۸۷.

(۲۰۹)

سرابی - محمد تقی

(- ۱۳۵۲ هـ ق)

میرزا محمد تقی سرابی از علما و فقهای عصر خود بود. در ۲۵ ربیع الثانی سال ۱۳۵۲ هـ ق در مشهد فوت کرد و در محل دارالسیاده حرم مطهر به خاک

سپرده شد.

ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۸۲.

ابراهیم زنگنه

(۲۱۰)

سراج - عبدالله

(- ۳۷۸ هـ ق)

عبدالله فرزند علی بن محمد بن یحیی معروف به «ابونصر سراج» و «طاووس الفقرا» از عرفا و زهاد نامدار سده چهارم هجری است و با زین سازی فرزندان زندگی می‌کرد.

عراقی چون سری سقطی و سهل تستری معاصر بود. از جعفر خلدی و ابوبکر دقّی روایت می‌کرد و از طریقت مرشد ابوالفضل حسن سرخسی از اتباع ابوسعید ابی‌الخیر پیروی می‌نمود. وی سفرهای بسیار کرد و با مشایخ بصره، بغداد، دمشق، رمله، انطاکیه، طرابلس، صور، قاهره، دمیاط و بعضی از شهرهای ایران دیدار نمود و رجب سال ۳۷۸ در مشهد درگذشت و در محل

اسرار التوحید / ۲۶، نفعات الانس
 ۲۸۳، شذرات الذهب / ۹۱۳، تذکره
 الاولیاء ۱۸۲/۲ - ۱۸۳، تلبیس ابلیس
 / ۱۶۴، تاریخ آستان قدس / ۳۴۶، مشهد
 طوس / ۶۳۸، جستجو در تصوف ایران
 / ۱-۶۷-۶۸، اعلام زرکلی / ۳-۱۴۳،
 تذکره هفت اقلیم / ۲-۸۹، ۲۸۹، ۳۱۴،
 ۳۱۲، ۳۷۵.

غلامرضا جلالی

(۲۱۱)

سعیدی کاشمیری - محمدصادق

(۱۳۱۲ - ۱۳۷۵ هـ ش)



آیة الله حاج شیخ محمد صادق
 سعیدی کاشمیری فرزند شیخ

کنونی پیر پالان دوز دفن شد. در حقیقت
 مزار وی قرن‌ها پیش از زمان پیر
 پالان دوز وجود داشته و مورد توجه
 مردم بوده است. با دفن شیخ محمد
 عارف معروف به پیر پالان دوز در کنار
 قبر وی، نام او به تدریج به فراموشی
 سپرده شد. در حالات وی آورده‌اند:
 «وقتی شب زمستان بود و در آتشدان
 آتش می‌سوخت، در معارف الهی
 سخنی می‌رفت، شیخ را حالتی پدید
 آمد، روی به آتشدان نهاد و در میان
 آتش خدای را سجده‌ای آورد و روی
 وی را آسیبی نرسید. شیخ را از آن
 حالت سؤال کردند، گفت: کسی که بر
 درگاه او آبروی خود ریخته بود، آتش
 روی وی نسوزد».

ابسونصر سراج گفته بود: «هر
 جنازه‌ای که به پیش خاک من بگذرانند،
 مغفور بود. به حکم این بشارت همه اهل
 طوس جنازه‌ها را پیش خاک وی
 آوردندی و زمانی بداشتندی آن گاه
 ببردندی». کتاب اللّمع فی التصوف از
 تألیفات وی است.

غلامحسین سعیدی، از علمای محقق و مجتهدین مفسر و لغویون خراسان است. در آخرین روز اسفند سال ۱۳۱۲ هـ ش در روستای فرشه از توابع شهرستان کاشمر پا به عرصه وجود نهاد. تا سیزده سالگی در زادگاه و محضر پدر به آموزش قرآن و دعاها و مائور و نصاب الصبیان و اندکی صرف و نحو، مشغول بود. بعد به کاشمر رفت و در خدمت برادر بزرگتر خود شیخ محمد کاظم سعیدی و آموزگاران کاشمر به تحصیل خود ادامه داد و پس از ده سال صرف وقت، توانست با مبانی فقهیه اصول و علوم دیگر آشنا شود.

در سال ۱۳۳۵ هـ ش از سوی آیه الله حاج شیخ محمد باقر امامی نوری که زعامت حوزه کاشمر را به عهده داشت، به نجف اعزام شد و در مدرسه طباطبایی یزدی سکونت یافت و در حلقه درسی آیه الله العظمی خوئی و آیات حاج سید عبدالاعلی سبزواری، آقای میرزا باقر زنجانی و علامه فانی اصفهانی شرکت جست و از محضر شیخ آقا بزرگ

تهرانی اجازه نامه روایی دریافت نمود. مرحوم سعیدی در سال ۱۳۴۳ هـ ش پس از ۷ سال تحصیل در نجف به منظور تجدید دیدار به مشهد آمد و با اصرار مرحوم امامی در کاشمر ماندگار شد. با حضور وی حوزه کاشمر و سه مدرسه علمی آن رونق یافت. ایشان تا سال ۱۳۶۲ هـ ش در کاشمر ماند و علاوه بر حل و فصل مسایل مردم و تفسیر قرآن توانست حدود ۳۰ بنای خیریه، مسجد و حسینیه را احداث نماید. بسیمارستان و درمانگاه جواد الائمه و صندوق قرض الحسنه همت و مدرسه امام حسن مجتبی از آن جمله است. ایشان به ادبیات تسلط داشت و در همه مسایل آن حاضرالذهن و هزاران بیت شعر از آثار منظوم عرب و عجم را از حفظ بود. کفایة الاصول آخوند را بسیار ساده تدریس می کرد و در فقه دست داشت و بعضاً نظریات خود را مطرح می نمود و در تفسیر می توان ایشان را مؤسس سبکی نو دانست؛ سبکی متکی بر نکات ادبی،

کلامی، تاریخی، اجتماعی، علمی و فقهی و با نظمی بسیار جالب در حدی که احساس حضور در عالم مفاهیم قرآنی برای مخاطبین حاصل می‌شد.

مرحوم سعیدی پس از عمری تلاش ظهر روز ۱۹ ذیحجه / ۱۹ اردیبهشت ۱۳۷۵ هـ ش داعی حق را لیک گفت و روز بعد یعنی ۲۰ اردیبهشت در رواق دارالزهد مبارکه حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام به خاک سپرده شد.

تعدادی مقاله که به مناسبت‌های مختلف از جمله کنگره شیخ مفید، شیخ انصاری و مقدس اردبیلی نوشته شده از مرحوم سعیدی برجای مانده است.

غلامرضا جلالی

از حفاظ و قاریان طراز اول تبریز بود و لقب سلطان الفقرا را از اصحاب سلسله‌اش دریافت کرد. فتحعلیشاه قاجار به او باور داشت. او پس از مرگ عباس میرزا نایب‌السلطنه به سمت متولی مقبره‌اش برگزیده شد.

سلطان الفقرا در مشهد می‌زیست تا این که در پی بیماری طولانی درگذشت و در صفا جنوب دارالحفاظ حرم دفن گردید.

سفرنامه سدید السلطنه / ۲۱۹.

غلامرضا جلالی

سلطان القراء ← حسینی تبریزی -
محمد حسین

(۲۱۳)

سلطانی گلشیخی - ابراهیم

(۱۲۸۴ - ۱۳۶۸ هـ ش)

حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ ابراهیم سلطانی گلشیخی فرزند حاج محمد، سال ۱۲۸۴ در شهرستان فریمان متولد شد. پدرش مرحوم شیخ

(۲۱۲)

سلطان الفقرا - محمود

(سده ۱۳ هـ ق)

سید محمود ملقب به «سلطان الفقرا» فرزند محمد حافظ تبریزی، از فضلا و عرفای قرن سیزدهم هجری بود. در جرگه زهاد قرار داشت و مانند پدر خود

منطقه، پرداخت.

وی پس از چندی به دستگاه حاج حسین آقا ملک وارد شد و به عنوان کارپرداز او در منطقه فریمان و سرخس به فعالیت پرداخت. رفتار حسنه وی زبانزد خاص و عام ساکنان آن مناطق بود، در دوران تولیت اسدی به وی پیشنهاد وکالت مجلس شورا شد که نپذیرفت. پس از آن بر اثر ارتباط با مرحوم اسدی و در رابطه با قیام مسجد



گوهرشاد تحت تعقیب قرار گرفت. وی برای ادامه تحصیل به عتبات عالیات عراق سفر کرد ولی دغدغه اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی کشور موجب شد که پس از چند ماه اقامت در کربلا و نجف به کشورهای اردن، سوریه، فلسطین سفر کرده و آهنگ انجام مناسک حج کند. ایشان پس از بازگشت در حوزه علمیه مشهد مقدس از محضر اساتید بزرگواری چون: ادیب نیشابوری، آیه الله سبزواری، آقا شیخ مجتبی قزوینی، آقا سید یونس اردبیلی، مرحوم مدرس یزدی و آیه الله میلانی بهره مند شد.

محمد در ضمن پرداختن به کشاورزی و دامداری به پاسخگویی امور شرعی منطقه اهتمام می ورزید. ابراهیم کتبی عراقی در خصوص نصاب کودکی قرآن کریم، دیوان حافظ، نصاب الصبیان و شاهنامه فردوسی را نزد پدر و پدربزرگ خود آموخت و در ۱۵ سالگی برای تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه مشهد مهاجرت کرد. ایشان همزمان با تحصیل علوم حوزوی، به سبب ذوق و سلیقه و خط خوش، با مرحوم حاج شیخ حسین مطهری پدر استاد شهید مطهری رحمته الله علیه به کارهای ثبت اسناد و تهیه شناسنامه برای ساکنان

وی روز ۲۵ فروردین ۱۳۶۸ هـ ش در
مشهد مقدس دأر فانی را وداع گفت و در
جوار بارگاد ملکوتی ثامن الحجج علیه السلام در
صحن قدس مدفون شد.

ابراهیم زنگنه



(۲۱۴)

سمنانی - میرزا عباس

(- ۱۲۹۱ هـ ق)

میرزا عباس طیب سمنانی از افاضل
حکمای مجاور ارض اقدس بود، فلسفه
تدریس می کرد و داماد سید میرزا علی
خان کابلی و به سال ۱۲۹۱ هـ ق
درگذشت.

مطلع الشمس ۷/۲، اصیان الشیعه
۴۱۱/۷

ابراهیم زنگنه

(۲۱۵)

سیبویه - محمد حسن

(۱۳۴۲ - ۱۴۰۱ هـ ق)

محمد حسن سیبویه، فرزند آیه الله
عظمی حاج شیخ محمد علی سیبویه

(متوفی ۱۳۹۱ ق) در کربلای معلی
متولد گردید. وی در دوران نوجوانی و
جوانی تحت تربیت پدرش قرار داشت.
ضمن بهره گیری از والدش نزد دیگر
اساتید حوزه علمیه کربلا مشغول به
فراگیری علوم دینی شد و مراتب علمی
و تقوایی وی به حدی رسید که مراجع
تقلید آن زمان از جمله: آیات عظام امام
خمینی، اصفهانی، خویی، عبدانهادی
شیرازی و دیگر مراجع، در باب امور
حسبیه و نقل روایات اهل البیت علیهم السلام
اجازاتی دریافت نمود.

حجة الاسلام والمسلمین سیبویه

از عراق اخراج و روانه ایران شد و در مشهد مقدس سکونت اختیار نمود.

حاج شیخ محمد حسن سیبویه به علت شکنجه‌های روحی و ضعف مزاج مبتلا به بیماری‌های گوناگون شد و در ۲۲ صفر ۱۴۰۱ / ۱۰ / ۱۳۵۹

دعوت حق را رالیک گفت و به سرای ابدی شتافت. پیکر پاکش پس از تشییع

جنازه و اقامه نماز توسط آیه‌الله عظمی سید عبدالله شیرازی رحمته در صحن آزادی

نه خاک سپرده شد.

اطلاعات ارائه شده از حجة الاسلام محمدرضا سیبویه.

سید قصیر ← رضوی - محمد

(۲۱۶)

سیستانی - زین العابدین

(- ۱۳۵۵ هـ ق)

سید زین العابدین، فرزند سید محمدرضا حسینی و برادر آیه‌الله حاج سید علی سیستانی از علما و دانشمندان قرن چهاردهم هجری است. از ائمه

انسانی وارسته و پایبند به فرایض دینی بود و نسبت به کسانی که در امور دینی

بی توجه بودند برخورد می‌کرد و آن‌ها را امر به معروف و نهی از منکر می‌نمود.

چون در کربلا بیت معظم پدرش محل مراجعات مردمی بود، خدمت به پدر

بزرگوارش را ترک ننمود و همواره در رسیدگی و پاسخگویی مراجعات مردم

به خصوص افراد مستمند و سادات معظم و بی‌بضاعت همت فراوان به خرج

می‌داد تا جایی که از آبروی خود مایه می‌گذاشت. در امور دین به هیج وجه

ملاحظه افراد را نمی‌کرد و همواره آیته وظایف دینی خود عمل می‌نمود. از

دیگر ویژگی‌های وی بر پایی مجالس ذکر توسل به خاندان عصمت و طهارت

بود به خصوص ایام شهادت اباعبدالله الحسین علیه السلام و یاران با وفای او، خود به

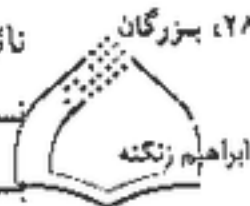
منبر می‌رفت و یاد و خاطره آن‌ها را گرامی می‌داشت.

در سال ۱۳۵۹ ش به دلیل فعالیت‌های اجتماعی و دینی که

ناخوشایند رژیم بعثی صدام حسین بود

جماعت مسجد جامع گوهرشاد، موجهین ارض اقدس و مورد احترام و وثوق مردم مشهد بود. او ضمن ارشاد و هدایت مردم به پژوهش و تألیف اشتغال داشت و روز ۱۷ رمضان ۱۳۵۵ قمری در مشهد چشم از دنیا بست و به ملکوت حق پیوست و در مقبره پیرپالان دوز دفن شد.

گنجینه دانشمندان ۲۱۸/۵، ضمیمه تاریخ علمای خراسان ۲۸۲/، بزرگان سیستان ۱۸۲/.



مقامات علمی و پارسایی دست یافت و در شمار مردان خوش خلق و غیور و سلیم النفس درآمد. حدود سال ۱۳۱۸ هـ ق به ایران آمد و در مشهد ساکن شد و در مسجد گوهرشاد به اقامه جماعت و ارشاد مردم و تدریس فقه و اصول پرداخت. او در خانه محقر و خرابی زندگی می‌کرد. دوره مشروطه با آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و میرزا حسین نائینی مکاتبه و تبادل نظر داشت و نسبت به مشروطه خواهی معترض بود و به همین دلیل مورد حمله

میرزا حسین قزوینی و میرزا محمد باقر خراسانی قرار گرفت و مدتی در زندان به سر برد تا این که شب ۱۳ رمضان سال ۱۳۴۰ هـ ق به طور ناگهانی درگذشت و در دارالحفاظ حرم دفن گردید. میرزا فضل الله آل داود اشعاری در فراق و مقام رفیع او سروده است.

نقباء البشر ۱۳۳۵/۲، گنجینه دانشمندان ۲۱۶/۵ - ۲۱۷، ضمیمه تاریخ علمای خراسان ۲۸۳/، بزرگان سیستان ۱۸۲/، تاریخ آستان قدس ۳۳۷/.

غلامرضا جلالی

(۲۱۷)

سیستانی - علی

(- ۱۳۴۰ هـ ق)

آیه الله حاج سیدعلی فرزند سید محمدرضا حسینی سیستانی از فقها و علما و مجتهدان بلند پایه عصر خود بود. در نجف از محضر ملاعلی نهاوندی علم آموخت، به سامرا رفت و در محضر آیه الله میرزا محمدحسن مجدد شیرازی به خصوص سید اسماعیل صدر به

ش

شانه چی ← مدیر شانه چی - کاظم

(۲۱۹)

شاهرودی - حسین
(۱۳۱۵-۱۴۱۰ هـ ق)



آیه الله حاج آقا حسین موسوی
شاهرودی از فقها و اصولیین قرن
چهاردهم هجری است. وی حدود سال
۱۳۱۵ هـ ق در یکی از روستاهای
شاهرود به دنیا آمد. پس از تحصیل

(۲۱۸)

شاه عبدالعظیمی - مهدی
(۱۳۰۸ هـ ق)



شیخ مهدی معروف به «شاه»
عبدالعظیمی در اصل از شهر ری بود و پیش از این
به دلیل ارادت خود به خاندان عصمت و
طهارت، پس از تکمیل تحصیلات خود
به مشهد آمد و به ترویج و نشر احکام
اسلامی مشغول شد و از اعتماد مردم
برخوردار گردید، و ماه جمادی الاولی
سال ۱۳۰۸ هـ ق در گذشت و در محل
دارالعباده حرم به خاک سپرده شد.
ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۸۴.
ابراهیم زنگنه

(۲۲۰)

شاهرودی - عباس

(۱۳۴۱ هـ ق)

آیه الله حاج سید عباس شاهرودی
فرزند سید علی، از علماء و فقهای مشهد
است. در شاهرود متولد شد و پس از
آشنایی با مبادی علوم به تهران رفت و
از خدمت میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا
محمدحسن آشتیانی، فلسفه و فقه و
اصول را آموخت. وی به مشهد
مهاجرت کرد و به تدریس پرداخت و
مورد توجه اهل فضل قرار گرفت و در
مسجد جامع گوهرشاد به اقامه نماز
جماعت مداومت داشت. به ذکر و
قرائت قرآن اهتمام می ورزید و تدریس
و تبلیغ را به امور دیگر ترجیح می داد.
وی سال ۱۳۴۱ هـ ق به زیارت
عتبات رفت و پس از بازگشت، هشتم
شوال همان سال در حال نماز با عارضه
سکنه از دنیا رفت و در محل دارالسیاده
دفن شد. رساله ای در «کلی» از تقریرات
استاد خود مرحوم جلوه و نیز رسائل و
یادداشت های دیگری را فراهم آورد.

مقدمات و سطوح در شاهرود، عازم
نجف شد و آن جا سالها از محضر آیات
عظام سید ابوالحسن اصفهانی و
آقاضیاء الدین عراقی و حاج سید
محمود شاهرودی و سید ابوالقاسم
خونی استفاده کرد و تقریرات فقه و
اصول دو استاد متأخر خود را نوشت و
پس از نیل به درجه اجتهاد به ایران آمد،
در مشهد ساکن شد و در مسجد
بالاخیابان به اقامه جماعت و تدریس
پرداخت.

روز ۲۹ ربیع الاول ۱۴۱۰ هـ ق
هشتم آبان ۱۳۶۸ هـ ش در مشهد
درگذشت و روز بعد طی تشییع
باشکوهی در حجره فراشها واقع در
دارالسیاده حرم به خاک سپرده شد.
حجة الاسلام والمسلمین حاج سید
محمد موسوی، از مدرسین نامدار مشهد
فرزند اوست.

ابراهیم زنگنه

ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۸۳،
گنجینه دانشمندان ۳۶۳/۵ - ۳۶۴،
منتخب التواریخ / ۷۰۰، تاریخ آستان
قدس / ۳۳۶.

ابراهیم زنگنه

(۲۲۱)

شرفی شیرازی - مرتضی

(- ۹۷۴ هـ ق)

مسیر مرتضی شرفی از دانشوران
ایرانی مقیم هند بود و نسبش با سید
واسطه به میر سید شریف گرگانی،
دانشمند معروف قرن نهم هجری
می‌رسد. در علوم ریاضی، منطق، و کلام
دست داشت. مدتی صدارت خراسان به
عهده وی بود، ولی از کار خود کناره
گرفت و از شیراز عازم مکه شد و آن جا
از ابن حجر عسقلانی علم حدیث
آموخت و اجازه تدریس یافت، سپس
راهی هند شد و به دکن رفت و از آن جا
به آگره سفر کرد و به تدریس حکمت و
منطق و کلام مشغول گردید.
میرعلاءالدین کافی قزوینی در نفائس

المائر می‌نویسد: وی مدت ۲۰ سال در
دکن صدارت داشت و سال ۹۷۱ هـ ق از
ملازمان اکبر شاه گردید و مورد احترام
او قرار گرفت، تا این که روز چهارشنبه
۲۱ جمادی الآخر سال ۹۷۴ هـ ق در شهر
دهلی به رحمت حق پیوست و
جنازه‌اش در جوار امیر خسرو دهلوی
(م ۷۲۵ هـ ق) به خاک سپرده شد، ولی
پس از چندی بدن او را به مشهد منتقل و
در جوار امام هشتم علیه السلام دفن کردند. از او
کتاب فقهی منظوم و دیوان غزلی برجای
مانده است و این بیت از شعرهای

خاطر جمع زاسباب میسر نشود

تخم جمعیت دل، تفرقه اسباب است

کاروان هند ۱/ ۶۳۳ - ۶۳۵، تاریخ نظم

و نثر در ایران / ۶۸۲، تذکره هفت اقلیم

۱/ ۲۳۳، تاریخ تذکره‌های فارسی

۳/ ۳۸۰، اکبرنامه ۲/ ۲۲۰ - ۲۲۱، اعیان

الشیعه ۱۰/ ۱۱۷.

ابراهیم زنگنه

(۲۲۲)

شفتی - میرزا محمد باقر

(۱۳۱۹ هـ ق)

میرزا محمد باقر معروف به «شفتی»
فرزند میرزا هاشم مجتهد، از دو
برادرش حاج میرزا حبیب الله و حاج
میرزا جعفر بزرگتر بود. او پس از
تحصیل مقدمات به عتبات رفت و نزد
شیخ مرتضی انصاری و میرزا بزرگ

شیرازی به تکمیل علوم پرداخت و پس
از نیل به درجه اجتهاد به وطن
بازگشت. بیشتر اوقات تدریس می کرد
و به امور زندگی مردم رسیدگی می نمود.

شیخ محمد نهاوندی و میرزا محمد باقر
رضوی (۱۳۲۲ - ۱۲۷۰ هـ ق) مدرس
اول آستان قدس رضوی از جمله
تلامذ او هستند. آقا بزرگ تهرانی،
مولی محمد علی خراسانی معروف به
فاضل را نیز از شاگردان وی می داند.

میرزا روز جمعه یازدهم رجب ۱۳۱۹
هـ ق از دنیا رفت. میرزا هاشم کلیددار
فرزند اوست. میرزا محمد باقر شعر
می سرود و این دو بیتی از اشعار اوست:

آوردنم از عدم در این راه چه بود
انگاه در این ره این همه چاه چه بود
در آمدنم گریه و در رفتنم آه
آن گریه برای چه و این آه چه بود
میرزای شیرازی / ۱۱۵ و ۱۷۴، نامه
آستان قدس شماره ۲۰ نوروز ۱۳۴۲،
شجره طیبه / ۴۲۸.

ابراهیم زنگنه

(۲۲۳)

شفیعی - عبدالحسین

(۱۲۶۳ - ۱۳۳۸ هـ ش)



شیخ عبدالحسین شفیی در سال
۱۲۶۳ هـ ش در روستای مزج از توابع

شاهرود در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. پس از آشنایی با مقدمات و سطوح، مطول را همراه حاج میرزا مسیح شاهچراغی، حاج شیخ یوسف رجائی، حاج شیخ محمد عمادی، شیخ محمد امام، شیخ محمد حسن صاحبی، شیخ حسینعلی رضائی، در محضر آیه‌الله حاج شیخ عبدالعلی مزجی معروف به بسطامی خواند و برای ادامه تحصیل به مشهد آمد و در مدرسه فاضلخان که متصدی آن، در آن زمان ملا بابا از اهالی مزج بود، مستقر شد و بلافاصله

شمار شاگردان حاج سید عین‌الدین که در آن زمان در آن جا به دنیا آمد و به اتفاق پدر به مشهد هجرت نمود و در این شهر تحصیلات خود را نزد آیه‌الله میرزا محمد آقا زاده و آقا بزرگ حکیم و دانشوران دیگر به پایان برد و به منظور وعظ و تبلیغ، عازم تهران شد. سال ۱۳۶۸ هـ ق برای زیارت به مشهد آمد و پس از دو روز به علت سکت قلبی چشم از جهان فرو بست و در محل دارالضیافه حرم دفن گردید. برادرش نیز که سالها

آسایشگاه خدام دفن شد.

ابراهیم زنگنه

(۲۲۴)

شکوه الواعظین

(۱۳۶۸ هـ ق)

شکوه الواعظین فرزند آیه‌الله سید عبدالله موسوی ملایری از علما و وعاظ معروف و مشهور مقیم تهران بود. خانواده ایشان در اصل اهل ملایر بودند، ولی چون پدرش در کریملا سکونت داشت همانند برادرش آیه‌الله سید ابوالقاسم موسوی (رئوف) ملایری در آن جا به دنیا آمد و به اتفاق پدر به مشهد هجرت نمود و در این شهر تحصیلات خود را نزد آیه‌الله میرزا محمد آقا زاده و آقا بزرگ حکیم و دانشوران دیگر به پایان برد و به منظور وعظ و تبلیغ، عازم تهران شد. سال ۱۳۶۸ هـ ق برای زیارت به مشهد آمد و پس از دو روز به علت سکت قلبی چشم از جهان فرو بست و در محل دارالضیافه حرم دفن گردید. برادرش نیز که سالها

(۲۲۶)

شهرستانی - سید عبدالرضا

(۱۳۴۰ - ۱۴۱۸ هـ ق)



در مشهد اقامت داشت و در محل دارالسیاده حرم اقامه نماز جماعت می‌کرد. در مسافرت به تهران درگذشت و در شهر ری به خاک سپرده شد.

گنجینه دانشمندان ۱۷۲/۷ - ۱۷۳

۲۱۸ ۲۱۷

ابراهیم زنگنه

شمس‌المحدثین ← ودود - حسن

(۲۲۵)

شوشتری - علی

(۱۳۶۶ هـ ق -)

علامه آیه‌الله حاج سید عبدالرضا حسینی مرعشی شهرستانی، فرزند سید زین‌العابدین و نوه علامه حاج میرزا محمد حسین ثانی، عالمی فاضل، دانشمندی توانمند و چهره‌ای پارسا و پرهیزکار بود. به سال ۱۳۴۰ هـ ق در شهر کربلا متولد شد و از دوران کودکی با دین و دانش مانوس گردید. سال ۱۳۴۷ هـ ق به مدرسه مقدماتی جعفریه رفت و سال ۱۳۵۱ هـ ق به تحصیل سطوح روی آورد و از محضر

حاج سید علی شوشتری از سادات و علمای مقیم ارض اقدس بود و صفاتی نیک داشت. در کتاب سوانح‌الایام تألیف مرحوم مروج یاد خوبیهای او آمده است. در مشهد به تبلیغ دین مشغول بود و روز ۱۹ محرم ۱۳۶۶ هـ ق درگذشت و در صحن عتیق حجره سوم متصل به بازار زنجیر دفن گردید.

ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۸۵.

ابراهیم زنگنه

دانشمندانی چون شیخ علی اکبر سیبویه، علامه شیخ حسن اصفهانی و علامه شیخ جعفر رشتی برخوردار شد. او مکاسب و رسائل و کفایه را در درس آیه الله شیخ یوسف خراسانی و آیه الله شیخ محمد رضا اصفهانی شرکت جست و هیئت و ریاضیات را نزد آیه الله سید محمد طاهر بحرانی تحصیل نمود.

وی خارج فقه و اصول را در حلقه درسی آیات سید میرزا مهدی شیرازی، سید محمد هادی میلانی، سید عبدالحسین حجت، و شیخ مرتضی آشتیانی شرکت کرد. سال ۱۳۵۶ هجری قمری از کپورچولان به تبریز مراجعت نمود. سوی آیه الله سید محمد طاهر بحرانی مکلف به اقامه نماز جماعت شد و در کنار آن به تدریس پرداخت. او جلسات درس خود را در صحنها و حرم حضرت ابوالفضل برگزار می کرد.

ایشان در راه اندازی مدرسه امام جعفر صادق علیه السلام در سال ۱۳۷۱ هـ ق به منظور آموزش دینی و فقهی جوانان و تعلیم تفسیر و عقاید، و نیز تأسیس مؤسسه خیریه، درمانگاه اطفال،

کتابخانه جعفریه در مدرسه هندیه کربلا، با آیات دیگر مشارکت داشت و گروه فرهنگ دینی را در سال ۱۳۷۰ تأسیس نمود.

در کنار این اقدامات خیرجویانه، آیه الله سید عبدالرضا شهرستانی در رویدادهای سیاسی جامعه خود فعال بود. در کنار آیه الله سید محسن حکیم بر ضد کمونیسم و توسعه افکار کمونیستی مبارزه کرد و مقاله های زیادی در این زمینه نوشت. به حمایت از آزادسازی کناره سوئز و جزیره سینا و بلندیهای جولانید، توسط نیروهای مصر و سوریه، اعلامیه صادر کرد و مراسم دعا و شکر در صحن حرم مطهر امام حسین علیه السلام برگزار نمود و در حمایت از نهضت امام خمینی آنچه در توان داشت کوتاهی نکرد و به دنبال مخالفت با سیاستهای عراق به ایران برگشت و پس از عمری خدمت بعد از ظهر روز ۲۸ ربیع الاول سال ۱۴۱۸ هـ ق / ۱۲ مرداد ۱۳۷۶ هـ ش در مشهد درگذشت و جنازه اش در صحن آزادی حرم رضوی دفن

گردید.

(۲۲۷)

شهیدی - علی اکبر

(۱۳۱۵ - ۱۴۰۷ هـ ق)



سید علی اکبر شهیدی نجفی فرزند
آیه الله حاج میرزا محمد حسین نجفی از
فضلا و واعظان مشهور است. در سال
۱۳۱۵ هـ ق در خانواده ای روحانی در
کربلا متولد شد و در زمان کودکی به
اتفاق پدر به ایران آمد و در شهر مشهد
اقامت گزید.

او مقدمات را در خدمت پدر خواند
و فقه و اصول و حدیث را از محضر
علمای آن عصر فراگرفت و به وعظ و
خطابه روی آورد. آثار قلمی چندی در

آیة الله شهرستانی به رغم
مسئولیت های سنگین، آثار علمی زیادی
را در طول حیات خود نوشت که بعضی
از آنها به چاپ رسیده است. بعضی از
آثار چاپ شده ایشان به این قرار است:
النوروز فی الاسلام چاپ ۱۳۷۱ هـ ق،
نوروز در تاریخ و دین چاپ ۱۳۷۷
هـ ق، صلوات جمعه در عصر غیبت چاپ
۱۳۸۰ هـ ق، السجود علی التربة
الحسینیه، چاپ چهارم سال ۱۳۸۸
هـ ق، حیات الامام الحسین بن علی،
الصلاة معراج المؤمنین، الامر
بالمعروف و النهی عن المنکر، ایشان
بجز این آثار و کتاب های چاپ شده، بر
کتاب های مکاسب، شرح لمعه، رسائل،
قوانین و معالم حاشیه نوشته است.

تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی
۳۰۰/ - ۳۱۴، تحلیلی از نهضت امام
خمینی ۲۷۷/۱ - ۲۸۲، گنجینه
دانشمندان ۲۰۲/۹.

غلامرضا جلالی

باب اعتقادات از ایشان به یادگار مانده است که هنوز به چاپ نرسیده‌اند. و یک جلد از آن مجموعه تحت عنوان عالم پس از مرگ انتشار یافته است. او در سال ۱۴۰۷ هـ ق در ۹۲ سالگی به رحمت حق واصل و در رواق دارالعباد حرم جنب آرامگاه شیخ بهایی دفن شد. غلامرضا جلالی

تا این که در غره ذی القعدة ۱۲۹۰ هـ ق به جوار رحمت حق شتافت و در محلّ توحیدخانه حرم دفن شد. از او چندین حاشیه بر کتابهای ریاضی و فنون و علوم دیگر به جای مانده است. تاریخ علمای خراسان / ۱۱۴، اصیان الشیعه ۴۶۶/۷، مطلع الشمس / ۷۷۶. ابراهیم زنگنه

شهیدی - نظام الدین - جلد دوم

(۲۲۹)

شیخ الاسلام - غلامحسین

(۱۲۴۶ - ۱۳۱۹ هـ ق)



(۲۲۸)

شیخ الاسلام - عبدالرحمن

(۱۲۹۰ هـ ق -)

رحمت حق پیوسته روح



مولانا عبدالرحمن شیخ الاسلام فرزند عبدالوهاب، شیخ الاسلام مشهد و مدرس آستان قدس در زمان فتحعلی شاه قاجار بود. علوم عقلی و ریاضی را خدمت پدر فرا گرفت و در زمانی که مولانا حاج میرزا مسیح تهرانی به زیارت مشهد آمده بود، فقه و اصول را نزد ایشان آموخت. از آن پس به تدریس علوم عقلی و نقلی روی آورد.

آخوند ملاغلامحسین فرزند میرزا محمد از علما و ادبا و فقها و حکمای

عبدالله بن رحیم بن مرتضی، عالم فاضل و از رؤسای علمای اصفهان بود و در گرانی و قحطی سال ۱۳۳۴ - ۱۳۳۶ هـ ق اصفهان به عنوان رئیس بلدیة این شهر انتخاب شد. در انتخابات مجلس شورای ملی نیز به عنوان وکیل مردم اصفهان برگزیده شد و به مجلس راه یافت. ایشان سرانجام ۲۲ ذی قعدة ۱۳۵۰ در مشهد وفات یافت و در مدرسه میرزا جعفر دفن شد.

ابراهیم زنگنه

شیخ الحکما ← تهرانی - محمدرضا

(۲۳۱)

شیخ الرئیس - حسین

(۱۳۱۲ هـ ق - ۱۴۰۳ هـ ق)

شیخ حسین ملقب به «شیخ الرئیس» از اساتید مدرسه عوضیه بود. او این لقب را از امیرگونه خان دریافت کرد. او به سال ۱۳۱۲ هـ ق در قوچان متولد شد و سپس به نجف رفت. از آقا ضیاءالدین عراقی اجازه داشت. به سال

خراسان است. به سال ۱۲۴۶ هـ ق در مشهد متولد شد و پس از آموزش مقدمات و سطوح، خدمت حاج ملا هادی سبزواری با حکمت آشنا شد و پس از درک و فهم فلسفه اسلامی به نجف رفت و از حضور شیخ مرتضی انصاری بهره برد و پس از ارتحال شیخ انصاری به سال ۱۲۸۱ به مشهد آمد و منصب شیخ الاسلامی را به عهده گرفت.

در مشهد بزرگانی چون حاج میرزا حبیب و حاج شیخ محمدعلی مقروف به «حاجی فاضل» از حوزه درسش برخوردار شدند. تا این که بنه عیال سبزواری در ۱۳۱۹ هـ ق در ۷۳ سالگی در مشهد درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد.

شرح حال رجال ایران ۱۷۲/۶.

(۲۳۰)

شیخ الاسلام اصفهانی - علی اکبر

(- ۱۳۵۰ هـ ق)

حاج شیخ علی اکبر شیخ الاسلام اصفهانی فرزند حاج میرزا رحیم بن

شیخ بهائی ← بهاءالدین عاملی -
محمد

شیخ رئیس ← رئیسی - محمدتقی

(۲۳۳)

شیخ زاده - محمد جواد

(۱۲۸۵ - ۱۳۵۶ ه. ش)

محمد جواد شیخ زاده مستخلص به

«فکرت» فرزند شیخ علی از علمای

آذربایجان است. به سال ۱۲۸۵ ه. ش

در آذربایجان در خانواده علم و تقوا

چشم به جهان گشود. در کودکی پدرش

را از دست داد و تحت سرپرستی مادر

به تحصیل پرداخت و پس از آشنایی با

خواندن و نوشتن و آموزش مقدمات به

مشهد آمد و خدمت اساتید حوزه، از

جمله آیه الله شیخ هاشم قزوینی و آیه الله

میرزا مهدی اصفهانی، فقه و اصول و

معارف الهی را فراگرفت و پس از فراغ

از تحصیل به تدریس و تفسیر قرآن و

تعلیم کتاب الغدیر پرداخت. به شعر و

ادب فارسی علاقه فراوان داشت.

۱۳۲۶ ه. ق در مشهد معقیم شد و به

تدریس مشغول گردید و در مسجد امین

مشهد نماز جماعت اقامه می کرد و

مدتها سرپرست مدرسه عوضیه بود. تا

این که روز ۵ خرداد ۱۳۶۲ ه. ش /

۱۴۰۳ ه. ق در نمود و دو سالگی

درگذشت.

(۲۳۲)

شیخ العصر - غلامرضا

(۱۳۰۱ ه. ق)

شیخ غلامرضا، مرشدی کامل و

عارفی زاهد، و متقی از مردم سقز

مازندران بود. او را «شیخ العصر»

می نامیدند. وی ابتدا صحبت مشایخ

هند را دریافت، بعد به ایران آمد و اواخر

عمر در تهران اقامت گزید. مردم به او

ارادت تام داشتند، تا این که در ۱۳۰۱ ه.

ق. درگذشت و بنا به وصیتش جنازه او

را به مشهد منتقل کردند و در جوار مرقد

پاک امام پاکان به خاک سپرده شد.

مطلع الشمس / ۶۹۲.

ابراهیم زنگنه

قصاید و چکامه‌های او در ستایش آل محمد تاکنون گردآوری و منتشر نشده است. مرحوم شیخ زاده در ۷۱ سالگی روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۶ هـ ش به رحمت ایزدی پیوست و در حرم به خاک سپرده شد. مدیحه حسینی زیر از سروده‌های اوست:

آمد آن روزی که داور جلوه دیگر کند
پرتو نور جلالش جلوه زیباتر کند
نور افشان کند ظاهر جمال خویش را
وز تجلای جمالش عرش را زیور کند
ز آسمان قدس نور افتد دمادم بر زمین
منعکس گردد سما را رنگ آینه‌ها
هم زمین زیبا نماید در نظر. هم آسمان
جلوهای دیگر ز یکدیگر به یکدیگر کند
گل دمد بلبل چمد پهلوی گل چهچه زند
بید لرزد نارون نازد صنوبر بر کند
شمع سوزد برفروز آتش افروزی کند
پرزند پروانه ز آتش بازی اش پرپر کند
رو به چرخ چارمین عیسی کند موسی به طور
پور اندر از شعف جا در دل اندر کند
جمله در رقص و طرب سرگرم و سرمست سرور
آفرین بر ساز آهنگی که رامشگر کند

نغمه لاهوتی دلبود را چون بشنود
دمبدم احیا بر قصد عود در مجمر کند
هاجر آب ارد شکر بیزد زیبرون آسیه
با گلاب و زعفران پرورده گلپرور کند
از طرب مریم رطب ارد گذارد در طبق
سفره را ساره بیارد شیر در شکر کند
وجه روحانی بین روح القدس چون بنددای
آستین بالا زده تا کار با قنبر کند
گوهرا نه زهره زهرا در اغوش علی
صد کرشمه برپدر صدناز بر مادر کند
حکمت حق بین که جوهر را دهد بر جوهری
هم زرناب آورد تا قسمت زرگر کند
مویی مشکین بوی وی باروی نیکویش بهم
حکم کلا والقمر واللیل اذا ادبر کند
گر بشر گویم به من گویند عا هذا الی بشر
ور ملک خوانم گمانم نی خرد باور کند
نام شیرین حسین آمد که مام روزگار
نام او را از حسن بگرفته مستصفر کند
از لبش بوسه محمّد وز گلویش فاطمه
روی در رویش علی دستش حسن در بر کند
فاطمه در بستر ناز و به خدمت جبرئیل
بال بآلینش گشوده چتر از شهپر کند



سوره



فکرت امشب دست زد بر دامن لطف حسین
دستگیری تا از او در عرصه محشر کند
صد سال شعر خراسان / ۲۳۹ - ۴۴۱.

شیخ غلامحسین ترک ← تبریزی -
غلامحسین

شیخ محمد کبیر ← قوچانی - محمد

شیخ ورپا ← واعظ کرمانی -
علی اکبر

عالم پرور آیه الله میرزا مهدی

اصفهانی (ره) بهره گرفت. پس از مدتی

در هیار نجف گردید و از محضرات آیات

عظام شیخ محمد حسین اصفهانی

(کمپانی)، میرزا محمد حسین نائینی،

آقا ضیاء عراقی و سید عبدالهادی

شیرازی استفاده کرد و موفق به دریافت

اجازه اجتهاد از برخی آیات عظام

گردید. آنگاه به ایران بازگشت و دو

سال در حوزه علمیه قم در درس

مرحوم آیه الله العظمی بروجردی شرکت

کرد. در سال ۱۳۴۰ به مشهد مراجعت

کرد و به تدریس و تربیت طلاب فاضل

پرداخت.

(۲۳۴)

شیرازی - ابوالحسن

(۱۲۹۳ - ۱۳۷۹ ش)

آیه الله شیخ ابوالحسن شیرازی
(مقدسی)، در سال ۱۲۹۳ در کوهستان
از توابع داراب استان فارس متولد شد.
پدرش مهدی قلی خان از متنفذین محل
بود. مقدمات دانش اندوزی را در داراب
و اصطهبانات گذراند و در شیراز سطوح
عالیه و مقداری فلسفه آموخت، سپس
به مشهد آمد و مدتی از دروس اساتید
حوزه مشهد بویژه دروس عمیق و

شیرازی - سید ابوالقاسم - جلد دوم

(۲۳۶)

شیرازی - سید عبدالله

(۱۲۷۱ - ۱۲۶۳ هـ ش)



آية الله العظمى حاج سید عبدالله موسوی شیرازی فرزند آية الله سید محمد طاهر موسوی (م ۱۳۴۵ هـ ق) از مراجع بزرگ تقلید و از علمای روحانیت شیعه در سده اخیر، شب یکشنبه ۱۳ شعبان ۱۳۰۹ هـ ق / سوم اسفند ۱۲۷۱ هـ ش در شهر شیراز پا به دنیا نهاد. مادرش علویه‌ای از خاندان قاضی حسین دزفولی بود.

سید عبدالله پس از فراگیری عرفان و ادب، با مقدمات علوم اسلامی آشنا شد و در محضر پدر و شیخ علی ابوالوردی، میرزا محمد صادق مجتهد و حاج شیخ رضا نامنی به تحصیل علوم اسلامی پرداخت و در جمادی الاولی ۱۳۳۳ هـ ق / خرداد ۱۲۹۴ هـ ش عازم نجف شد. حجره‌ای در مدرسه آخوند خراسانی اختیار کرد و در درس آیات حاج شیخ ضیاء الدین عراقی و حاج شیخ محمد حسین نائینی شرکت جست و بیشترین وقت خود را در محضر سید ابوالحسن اصفهانی سپری کرد و به تدریج، خود دوره خارج فقه و اصول را شروع کرد و در مدت کوتاهی استادی چیره‌دست شد و جمع زیادی از فضلاء لبنانی، عراقی، هندی و ایرانی حوزه نجف بر گرد ایشان جمع شدند.

در اواسط سال ۱۳۴۵ هـ ق قصد وطن کرد و استادش محقق عراقی اول جمادی الآخر ۱۳۴۵ هـ ق / ۱۳۰۶ هـ ش اجازه اجتهاد مطلق به ایشان داد. بازگشت وی به وطن هم زمان بود با

اعمال سیاستهای ضد دین رضا شاه و همایش بزرگ علما در قم که با مشارکت آیةالله شیرازی قرین بود.

در جریان کشف حجاب ایشان به مشهد آمد و با آیةالله العظمی حاج آقا حسین قمی و علمای اعلام مشهد دیدار نمود و پس از رحل اقامت افکندن در مشهد، در شورای آنها که در منزل آیةالله سید یونس اردبیلی دایر می شد شرکت جست و پس از کشتار فجیع گوهرشاد و بازداشت علما، ایشان نیز دستگیر و به تهران اعزام شد. وی پس از پنج ماه آزاد و فروردین ۱۳۱۵ سال پس از آمدن به مشهد گردید.

آیةالله سید ابوالحسن اصفهانی در سال ۱۳۲۳ ش، طی یادداشتی ایشان را به عنوان شخصی شایسته مرجعیت معرفی نمود و از مردم خواست در امور دینی به وی رجوع نمایند و رساله عملیه آیةالله شیرازی تحت عنوان «انیس المقلدین» انتشار یافت.

آیةالله شیرازی در جریان نهضت ملی از اقدامات سیاسی آیةالله سید

ابوالقاسم کاشانی حمایت کرد و در جریان لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی سال ۱۳۴۱ و ۱۵ خرداد ۴۲ به دفاع از حریم دین و روحانیت و امام خمینی قدس سره برخاست، تا این که با اعمال فشار حزب بعث عراق، این کشور را ترک گفت و روز ۱۰ آذر ۱۳۵۴ به ایران آمد و پس از سفر به قم و شیراز وارد مشهد شد و به تدریس طلاب و ارشاد مردم پرداخت و در جریان انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ زمام امور خراسان را به عهده گرفت و هماهنگ با امام عمل کرد، تا این که ساعت ۱۱/۵ شب ششم مهرماه سال ۱۳۶۳ ه. ش در ۹۲ سالگی به دیدار معبود شتافت.

ایشان هرگز لباسی برتر از لباس طلاب متوسط الحال بر تن نمی کرد. اجازه نمی داد اتاق سکونتش با قالی مفروش شود. غذای ساده می خورد و همه کارهایش را خود انجام می داد و از حضور افراد در کنار خود هنگام رفت و آمد جلوگیری می کرد. شب زنده دار بود و به مقام ولایت عشق می ورزید و با

(۲۳۷)

شیرازی - محمد حسین

(۱۳۴۳ هـ ق)

شیخ محمد حسین شیرازی از فضلا و علمای شیراز به شمار می رفت و نزد مردم از اعتبار خوبی برخوردار بود. تحصیلات را در ایران و عراق به پایان برد و به درجه اجتهاد رسید و در شیراز به ترویج و نشر احکام اسلامی همت گماشت. در آخرین سالهای حیات خود به مشهد مهاجرت کرد و سال ۱۳۴۳ هـ ق درگذشت و در محل دارالسماعه مناسک حج، توضیح المسائل و غیره سپرده شد.

تاریخ آستان قدس / ۳۴۲.

ابراهیم زنگنه

(۲۳۸)

شیرازی - نصرالله

(۱۲۳۹ - ۱۲۹۱ هـ ق)

مولانا حاج میرزا نصرالله شیرازی معروف به «فارسی» از بزرگان علما و دانشوران سده ۱۳ هجری است. وی در علوم عقلی و نقلی مهارت داشت و از

هوای نفس سخت پیکار می کرد.

جایگاه علمی آیه الله شیرازی بسیار بالا بود. او بجز تدریس فقه و اصول که سالها در نجف و مشهد دوام آورد، کتابهای فقهی و اصولی زیادی را نوشت. عمده الوسایل فی العاشیه علی الرسائل، کتاب القضاء، الدرر البیض فی منجزات المریض، ازاحة الشبهات فی الشک فی الرکعات، رفع الحاجب فی الاجرة علی الواجب، التحفة الکاظمیه فی قتل الحيوانات بالآلات الکهربائیه، العاشیه علی العروة، الامامة فی الشیعه، مناسک حج، توضیح المسائل و غیره پوشش زن از دیدگاه اسلام از آن جمله است. ایشان در کنار فعالیتهای علمی به تأسیس مدارس علمی و کتابخانه های عمومی و مساجد و مراکز درمانی همت گماشت.

غلامرضا جلالی

التواریخ / ۱۳۴-۱۳۵، تاریخ علمای
خراسان / ۱۰۷، اعیان الشیعه
۲۱۹/۱۰ - ۲۲۰.

ابراهیم زنگنه

(۲۳۹)

شیروانی اصفهانی - محمد

(۱۰۹۸ هـ ق)

محمد فرزند حسن شیروانی معروف
به «ملا میرزا» و «فاضل شیروانی» از
دانشمندان برجسته قرن یازدهم هجری
است. سالها در عراق به تحصیل
پرداخت، بعد به حوزه اصفهان رفت و
تدریس و تحقیق را اساس کار خود
قرار داد. او در عصر شاه سلیمان صفوی
می زیست و به درخواست وی به
اصفهان مهاجرت نمود و مجلس درسی
ترتیب داد و میرزا عبدالله افندی،
صاحب ریاض العلماء و شیخ حسن
بلاغی، و مولی محمد اکمل پدر علامه
بهبهانی و امیر محمد صالح خاتون
آبادی، داماد علامه مجلسی از ایشان
استفاده بردند.

او فرزندی از دختر علامه مجلسی

شیخ مرتضی انصاری و مولانا فاضل
دربندی اجازه نقل حدیث داشت. در
سال ۱۲۳۹ هـ ق در شیراز متولد شد و
پس از تکمیل تحصیلات به مشهد آمد و
به عنوان مدرس اول آستان قدس
رضوی به تدریس پرداخت و آثار
گرانسنگی را به وجود آورد. تعلیقات بر
قوانین الاصول در چهار مجلد، حواشی
بر کتاب روضه در فقه در چهار مجلد،
حواشی بر اوایل تفسیر بیضاوی، رساله
مبسوط در علم عروض و قافیه، کتاب
خلل الصلوة، رساله ای در نسبة الثنائیه،
حواشی شرح کبیر، تعلیقات بر فرائد
شیخ مرتضی انصاری، رساله ای در حل
بعضی معضلات مسائل علم حساب و
رساله های دیگر از آن جمله است.

وی صبح روز پنجشنبه پنجم
جمادی الآخر سال ۱۲۹۱ درگذشت و
در ایوان طلای صحن جدید دفن
گردید.

فرزند او میرزا عبدالرحمن از مفاخر
علمی خراسان است.

مطلع الشمس / ۶۸۵-۶۸۶، فردوس

به نام حیدر علی داشت که فرقه حیدریه به او منسوب است. حیدر علی با دختر مجلسی دوم ازدواج نمود.

شاگردش عبدالله افندی پس از وفات او سروده

هیئات آن یأتی الزمان بمثله
ان الزمان بمثله لبخیل
از تألیفاتش مسائل جیش أسامة است.
وی از شاگردان آقا حسین ابن جمال الدین خوانساری است. ملا میرزا

داماد مجلسی اول و پسرش داماد مجلسی دوم است و مدرس تبریزی در ریحانة الادب و محدث قمی در فوائده و الرضویه و شیخ حرّ عاملی در امل الامل و افندی در ریاض العلما مقام علمی و معنوی او را ستوده‌اند. وی در فن کلام، منطق، حکمت، اصول، فقه، حدیث، علوم ریاضی و طبیعی بی‌مانند بود و در فن جدل و مناظره مهارت عجیبی داشت. شرایع مطالع و مختصر عضدی را شرح کرد. رساله انموذج و شرح مختصر اصول و شرح رساله فاضل دوانی و فاضل قوشچی، حاشیه معالم

الاصول، اثبات عصة الائمه من آية ان الابرار لقی نعیم، اثبات النبوة والامامة، اثبات الواجب تعالی، (موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی) الاجتهاد والاخبار، الاحباط و التکفیر، الجمع بین الاخبار المتعارضة، حاشیه حکمة العین کاتبی، و اشعاری که به وی نسبت داده‌اند و رسائل متعدد دیگر از آثار علمی او شمرده می‌شود.

شیروانی روز جمعه آخر ماه رمضان سال ۱۰۹۸ یا ۱۰۹۹ هـ ق به هنگام ظهر دعوات حق را اجابت کرد و جسدش از اصفهان به مشهد انتقال یافت و در سرداب مدرسه میرزا جعفر کنار قبر ملا محمدباقر سبزواری و شیخ حرّ عاملی دفن گردید.

اعیان الشیعه ۱۴۲/۹-۱۴۳، روضات الجنّات ۳۴۱/۷-۳۴۳، منتخب التواریخ ۶۸۸، فردوس التواریخ ۱۰۵/، مطلع الشمس ۶۸۱-۶۸۲، ریحانة الادب ۳۸۶/۵، هدیه الاحباب ۲۵۲/ و ۲۷۰، تذکره نصرآبادی ۱۵۷/، ضمیمه تاریخ علمای خراسان ۲۳۳/، دائرة المعارف تشیع ۲۱۹/۱۰.

غلامرضا جلالی

ص

صاحب الزمانی ← سید حسن ← جلد
دوم

فرزند اسفندیار از متفکرین مبارز
معاصر است. وی روز دوم مهر ۱۳۱۵
در گرمه بجنورد به دنیا آمد. در هفت
سالگی مادرش را از دست داد و در ۱۳
سالگی پس از به پایان رساندن ششم
ابتدایی برای تحصیل علوم دینی به
حوزه علمیه مشهد آمد. تحصیلات
مقدماتی را در مدرسه نواب و سطح را
نزد آیه الله شیخ هاشم قزوینی آموخت و
خارج فقه و اصول را خدمت آیه الله
العظمی میلانی شرکت جست سپس وارد
دانشگاه گردید و پس از اخذ لیسانس به
استخدام آموزش و پرورش درآمد و در
مشهد به کار تدریس روی آورد.

وی در کنار دبیری به تحصیل خود
ادامه داد و موفق به دریافت درجه
دکتری در رشته فقه و حقوق اسلامی
شد و از آموزش و پرورش به دانشگاه



(۲۴۰)
صادقی - قاسم
(۱۳۱۵ - ۱۳۶۰ هـ ش)



روحانی شهید دکتر قاسم صادقی

نیز تعدادی مقالات مفید به یادگار مانده است.

وی در واقعه هفتم تیرماه ۱۳۶۰ و بمب‌گذاری دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی از سوی منافقین، در تهران همراه ۷۲ تن به شهادت رسید و پیکر پاکش به مشهد حمل و در غرفه شماره ۵ صحن آزادی به خاک سپرده شد. از وی دو پسر به نامهای محمّد و علی و یک دختر سه ماهه بر جای ماند.

شهادت روحانیت شیعه در یکصد ساله اخیر ۱/۵۵۰-۵۵۱، ماهنامه شاهد، ۱۵ شهریور ۱۳۶۰، ص ۸۳.

ابراهیم زنگنه

صبوری، محمّد کاظم ← جلد دوم

(۲۴۱)

صدرالعلما - سید جعفر

(- ۱۳۳۵ هـ ق)

سید جعفر صدرالعلما فرزند سید محمّد باقر صدرالعلما و برادر زاده سید مرتضی صدرالعلما و میرزا ابوالقاسم امام جمعه تهران که در اصل از سادات

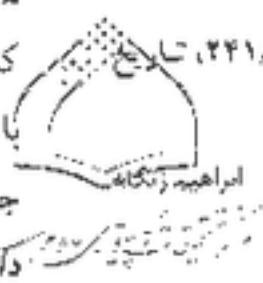
فردوسی مشهد منتقل و در دانشکده الهیات به تدریس پرداخت.

با توجه به مشارکت فعالانه در جریان انقلاب، با تأیید علمای طراز اول مشهد، کاندیدای دوره اول مجلس شورای اسلامی شد و با به دست آوردن ۹۷/۷ درصد آرای مأخوذه به عنوان نماینده مردم مشهد به مجلس شورای اسلامی وارد شد و به عضویت کمیسیون آموزش و پرورش و فرهنگ و تحقیقات و تعلیمات عالی درآمد.

دکتر صادقی چه هنگامی که به عنوان یک طلبه در حجره مدرسیه نواب تحصیل می‌کرد یا زمانی که به عنوان استاد دانشگاه در جامعه حضور داشت یا در مجلس به نمایندگی از مردم به قانونگذاری مشغول بود، بی پیرایگی و تواضع خود را از دست نداد. به خدا عشق می‌ورزید و سوز و گدازی عارفانه در حین تهجد داشت.

سخنانش در حوزه معارف الهی، معقول و منطقی و دل آرا بود. از او دو اثر ارزنده به نام «مسلمانان و مادی» و «مسلمانان و سفر» پیرامون مبدأ و معاد و

وی انسانی هوشمند بود و با طبقات مختلف جامعه رابطه داشت و در امور سیاسی دخالت می نمود. دوره اول مجلس شورای مئی از طرف طلاب علوم دینی تهران به وکالت مجلس انتخاب شد. سیدمحسن داماد مرحوم سید عبدالله بهبهانی بود و پس از شهادت وی جای او را گرفت و پیوسته با مردم رابطه داشت تا این که رمضان سال ۱۳۳۵ هـ ق / ۱۲۹۶ خورشیدی، به وسیله کمیته مجازات در ۲۷ سالگی در تهران با شلیک چند گلوله به شهادت رسید. جنازه اش به مشهد حمل شد و در محل دارالحفاظ دفن گردید.



خاتون آبادی اصفهان هستند در اواخر عمر پس از شهادت سید عبدالله بهبهانی، با توجه به نفوذ سیاسی برادرش سید محسن، ریاست حوزه های علمی تهران را به عهده گرفت. او انسانی خوش قلب و نیک نفس و مهربان بود و سال ۱۳۳۵ هـ ق در تهران فوت کرد و با توجه به وصیتش به مشهد منتقل و در صفا رواق پشت سر مبارک به خاک سپرده شد.

شرح حال رجال ایران ۱/۲۴۱، تاریخ آستان قدس / ۳۲۷.

(۲۴۲)

صدرالعلما - میرزامحسن

(۱۳۳۵ هـ ق)

شرح حال رجال ایران ۳/۲۰۰، تاریخ آستان قدس / ۴۲۷، گنجینه دانشمندان ۴/۴۷۸.

ابراهیم رنگنه

حاج سیدمحسن ملقب به «صدرالعلما» برادر حاج یحیی سجادی از علمای تهران و رجال سیاسی صدر مشروطیت است. ریاست هیأت عنمای تهران را به عهده داشت و پیش از برادرش در مسجد حاج سید عزیزالله نماز جماعت اقامه می کرد.

صفای اصفهانی - محمدحسین ← جلد دوم
صفی آبادی ← خبوشانی - محمد حسین
ضیاء الادب - محمد مهدی ← جلد دوم

ط

(۲۴۳)

طالقانی - نظر علی

(۱۳۰۶ هـ ق)

و مواعظ است و در سال ۱۲۷۹ تا سال
۱۲۸۶ تألیف شده، حجیت خبر واحد و
رساله‌ای در غنا از تألیفات وی است.

احسن الودیعه / ۱۱۱، الذریعه ۲۶۹/۱،
گنجینه دانشمندان ۱۳/۶، اعیان الشیعه
۲۲۲/۱، ریحانة الادب ۱۹/۴.

غلامرضا جلالی



ملانظر علی طالقانی که نسبتش به
طالقان خراسان است نه تهران، عالمی
کامل و حکیمی متکلم و از حافظان
قرآن بود. در عصر ناصرالدین شاه مشایخ شیخ میرزا سید

(۲۴۴)

طاهر - مظفر حسین

(۱۳۵۰ - ۱۴۰۸ هـ ق)

از فضلا و خطبای برجسته شیعه
معاصر هندوستان. وی حدود سال
۱۳۵۰ هـ ق در شهر لکهنو در شمال هند
متولد شد و در همانجا نشو و نما یافت.
پدرش سید نظیر حسین ابتدا در
روستای جرول ساکن بود و بعد در

قاجار می‌زیست و در مدرسه مروی
تهران تدریس می‌کرد و خود از
شاگردان صاحب جواهر و شیخ مرتضی
انصاری بود. وی به سال ۱۳۰۶ هـ ق در
مشهد درگذشت و در جوار مرقد مطهر
امام رضا علیه السلام دفن شد.

اجتماع امر و نهی، اشتراط الحسن
فی قبول الشهاده، حاشیه بر رسائل
شیخ انصاری و کاشف الاسرار که شامل
اصول دین و بخشی از آن در فن اخلاق

لکهنو مقیم شد. طاهر نوه دختری سید ناصر حسین فرزند میر حامد حسین مؤلف کتاب عبقات الانوار بود و علم و شرف را از این خاندان به ارث برد.

مظفر حسین نزد جدش سید ناصر حسین و دانش سید محمد سعید تربیت یافت. قرآن و زبان فارسی را فرا گرفت و در ضمن با مسائل دینی و تعلیمات اسلامی هم آشنا گردید. سپس به شیعه کالج رفت، این مؤسسه دانشکده‌ای است که توسط علمای شیعه هندوستان در لکهنو ایجاد گردیده است و در آن علاوه بر تعلیم و تدریس می‌گردد. در آنجا با اصول و مبانی تشیع آشنا گردید و از اکبر علی، امیر حسین و شهنشاہ حسین استادان این مؤسسه بهره برد.

او نزد مولانا محمد نصیر، مولانا محمد سعید و مولانا میرزا محمد طاهر که از علمای بزرگ شیعه در لکهنو بودند به طور خصوصی علم آموخت، سپس وارد دانشگاه لکهنو گردید و در رشته حقوق فارغ التحصیل شد.

او بعد از گرفتن مدرک حقوق پروانه وکالت گرفت تا در کارهای مربوط به دعاوی اشتغال پیدا کند، ولی به خاطر علاقمندی به کار تبلیغات مذهبی و خطابه به آن کار دل‌بستگی پیدا نکرد و دنبال تبلیغ و ارشاد رفت و در این کار مهارت یافت بطوریکه در سراسر هند و پاکستان مشهور گردید.

او نخست در روستای جرول به مرثیه‌خوانی روی آورد و در محرم و صفر و ایام ذکر مصیبت سید الشهداء علیهم السلام در حسینیه‌ها مرثیه می‌خواند و مورد توجه قرار گرفت و بعد از آن در اتر خواهش مردم به سخنرانی و خطابه پرداخت. چندی نگذشت که از شهرها و ولایات از وی دعوت شد تا در مجالس مذهبی حضور پیدا کند و برای مردم سخنرانی نماید. بیان جذاب و سخنان شیوا و مناظرات و احتجاجات او درباره شیعه موجب گردید تا به عنوان یک خطیب برجسته در هندوستان مطرح شود.

او در میان شیعیان پاکستان هم

می‌کرد، سخنرانی می‌نمود و از شیعیان دفاع می‌کرد.

پس از انقلاب اسلامی در ایران وی مکرر به ایران مافرت کرد و به حضور امام خمینی رسید. و در مجامع مذهبی در تهران، قم و مشهد مقدس شرکت می‌کرد. در هندوستان نیز از انقلاب ایران حمایت می‌کرد و از مواضع امام خمینی دفاع می‌نمود.

مظفر حسین پس از درگذشت ^{تائیش سید سعید عبقاتی که از علما و رهبران برجسته هندوستان بود، ریاست کتابخانه ناصریه را برعهده گرفت و تا هنگام وفات این سمت را داشت. وی در سال ۱۴۰۸ ق / ۱۳۶۷ ش از طرف مجمع جهانی اهل بیت ^{علیهم السلام} به ایران دعوت شد و در تهران هنگام شرکت در جلسات مجمع ناگهان درگذشت، جنازه او را به مشهد مقدس منتقل و در صحن جدید (آزادی) بارگاہ امام رضا ^{علیه السلام} به خاک سپردند.}

سید حسن حسینی

طرفداران زیادی داشت و از وی دعوت می‌شد تا در آنجا نیز مجلس تشکیل دهد و سخنرانی نماید.

مظفر حسین ماه محرم و صفر در مرکز ایالت‌های هندوستان حضور پیدا می‌کرد، در کلکته، حیدرآباد، بمبئی و دهلی سخنرانی می‌کرد و در شهرهای بزرگ مانند بمبئی و کلکته سخنرانیهای او به وسیله تلفن در محلات شیعه‌نشین پخش می‌شد.

او به خاطر علاقه‌ای که به مذهب تشیع داشت در ترویج و تبلیغ احکام آن کوشش می‌کرد و در مجالس ترویج اجتماعات مربوط به تشیع حضور پیدا می‌کرد. وی چند سال رئیس شیعه کالج لکهنو بود و مدتی مدیریت کنفرانس شیعیان هندوستان را برعهده داشت.

مظفر حسین را «طاهر جرولی» و «خطیب الایمان» هم می‌گفتند، خطیب الایمان عنوان مخصوص وی بود که در اعلامیه‌ها از او به این عنوان یاد می‌شد. او در همه مجامع و محافل مذهبی که پیرامون شیعه تشکیل می‌شد، شرکت

(۲۴۵)

طباطبایی ساروی - محمد

(- ۱۳۱۰ هـ ق)

آیةالله سید محمد مجتهد معروف به «ساروی» مجاور حرم بود و سالها در مشهد به تدریس اشتغال داشت. در آخر عمر برای دیدار خویشاوندان به مازندران رفت و سال ۱۳۱۰ هـ ق در ساری دارفانی را وداع گفت و بر حسب وصیت، جنازه اش به مشهد حمل



محل دارالضیافه حرم دفن شد.

تاریخ آستان قدس / ۳۳۸، راهتجاریا

تاریخ آستان قدس / ۲۲۸، رتجاریا

غلامرضا جلالی

طباطبایی قمی - حسن ← قمی - حسن

(۲۴۶)

طباطبایی قمی - مهدی

(- حدود ۱۳۵۸ هـ ش)

آیةالله حاج سید مهدی قمی فرزند آیةالله العظمی حاج آقا حسین قمی است. وی در مشهد به دنیا آمد، ادبیات را در خدمت میرزا عبدالجواد ادیب

نیشابوری فراگرفت و فقه و اصول را بیشتر نزد پدر آموخت و به درجه اجتهاد رسید.

ایشان بعد از واقعه مسجد گوهرشاد که در سال ۱۳۱۴ هـ ش اتفاق افتاد، همراه پدر به عتبات مهاجرت کرد و در کربلا رحل اقامت افکند. پس از درگذشت آیةالله العظمی سیدابوالحسن اصفهانی و رفتن حاج آقا حسین قمی به نجف، ایشان در کربلا ماند و به جای پدر نماز می خواند و روزها تدریس می کرد و حوزه علمیه کربلا را با درایت کامل اداره می نمود و همه ساله در روزهای تابستان جهت استراحت به بعلبک می رفت.

حاج سید مهدی قمی بعد از انقلاب عراق و روی کار آمدن حزب بعث به لبنان رفت و در حالت انزوا در بعلبک بسر می برد و اوایل پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در حالی که بیش از هفتاد سال عمر داشت به تهران آمد و پس از چند روز درگذشت و جنازه اش را به مشهد انتقال دادند و در وسط ایوان طلای صحن عتیق حرم امام رضا علیه السلام به

خاک سپردند.

آیه الله حاج سید مهدی قمی به زهد و تقوا و پرهیزکاری اشتہار داشت و صاحب فضیلت و کرامت بود. از او دو پسر به نامهای حجة الاسلام سید هادی و سید ابوالقاسم و یک دختر به نام صدیقه باقی ماند. مادر صدیقه دختر مرحوم حاج شیخ مهدی واعظ خراسانی است.

برادرش جزو سردسته‌های این نهضت در اصفهان بود؛ تا جایی که در دوره استبداد صغیر توسط محمد علی شاه و روس‌ها محکوم و مورد تعقیب قرار گرفت اما توانست خود را از گرفتار شدن در دست نیروی استبداد برهاند. وی به همراه برادرش در جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸م) هم فعال بود و در صف مجاهدان فعالیت‌هایی کرد. سید سعید در سال ۱۳۰۸ هـ ش به مشهد

مقدم شد تا پایان عمر در این شهر ساکن و در سال ۱۳۳۰ هـ ش به

(۲۴۷)

طباطبایی نایینی - سید سعید

(۱۲۵۵ - ۱۳۳۷ هـ ش)

سید سعید طباطبایی از جمله افرادی است که در زمینه امور فرهنگی اقدامات شایسته‌ای انجام داده است از جمله تأسیس ده مدرسه، یک کتابخانه و چاپخانه گلپهار در اصفهان و تأسیس کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد از اقدامات مهم وی می‌باشد. او ۱۸ عنوان کتاب درسی تألیف و ۲۷ عنوان از کتب دیگران را تصحیح و چاپ نمود.

با وجود این، وی که در پوشیدن

سید سعید طباطبایی نایینی فرزندی میرزا نصرالله و از سادات حنی نایین در سال ۱۲۵۵ هـ ش در این شهر به دنیا آمد. پس از طی مقدمات در زادگاه خویش در آغاز جوانی به همراه برادرش جعفر به اصفهان رفت و در مدارس این شهر به تحصیل پرداخت. وی از جمله کسانی بود که در جریان مشروطیت به صف مشروطه‌خواهان بیوست و به همراه

چهار جلد برای مظفر الدین شاه قاجار نوشت. جلد اول این کتاب در وقایع روزهای سال، جلد دوم درباره رویدادهای روز طف، جلد سوم درباره روزهای عید و جلد چهارم درباره زندگی حضرت ابوالفضل العباس رضی الله عنه، به نگارش درآمده است. از آثار دیگر او *بدایع الکلام در وقایع الأيام و الانفاس القدسیه فی الحوائج الانسیه* در ادعیه را می‌توان یاد کرد.

الذریعه ۳/۲ و ۳/۳، ۱۷۰/۳، اعیان الشیعه ۱۰/۶۶، ۶۷، تاریخ علمای خراسان / ۲۸۱

محقق جواد هوشیار

لباس روحانیت اصرار داشت و نمی‌خواست به استخدام دولت پهلوی درآید، در اواخر عمر از فعالیت‌های فرهنگی کناره گرفت و در ۱۲ دی سال ۱۳۳۷ هـ ش دار فانی را وداع گفت و در پایین کتابخانه گوهرشاد مدفون گردید. محل دفن او اکنون در پشت ایوان مقصوره مسجد گوهرشاد در ایوان شمالی صحن قدس واقع شده است.

اسماعیل رضایی

(۲۴۸)

طباطبائی یزدی - مهدی

(۱۲۸۵ - ۱۳۴۶ هـ ق)

سید محمد مهدی فرزند سید محمد باقر فرزند مرتضی، فرزند احمد، فرزند حسین فرزند میرسامع فرزند غیاث‌الدین طباطبائی زواره‌ای یزدی حائری، در جمادى‌الثانی ۱۳۸۵ در کاظمین به دنیا آمد و مشهد سکونت داشت و روز دوم محرم سال ۱۳۴۶ هـ ق در همین شهر درگذشت. *أم‌الکتاب* از آثار اوست که سال ۱۳۰۷ هـ ق آن را در

(۲۴۹)

طباطبائی یزدی مشهدی -

عبدالحسین

(۱۲۷۳ - ۱۳۳۶ هـ ق)

سید عبدالحسین طباطبائی فرزند سید زین‌العابدین، از بزرگان فقه و حدیث و کلام و تفسیر و از روشنفکرترین علمای خراسان است.

(۲۵۰)

طبرسی - فضل بن حسن

(۵۴۸ هـ ق)

فضل بن حسن بن فضل معروف به شیخ طبرسی ملقب به امین الاسلام و امین العلة و الدین و مکنی به ابوعلی، در عصر سلاجقه می زیست و در فقه، حدیث، ادب، رجال، لغت و علوم ریاضی متبحر بود و شعر می سرود.

ابوالحسن علی بن زید بیهقی (متوفی

۵۴۵ هـ ق) در تاریخ بیهق از ایشان نام

برده، می نویسد: وی از تفرش است که

مهری آن طبرس می باشد. این نظر

بیهقی مورد اعتماد است، چون طبرسی

سال ۵۲۳ وارد بیهق شده و تا سال ۵۴۸

یعنی ۲۵ سال در این شهر زندگی

می کرد و بیهقی در این زمان به عنوان

مورخ بیهق و نویسنده مشهور آن، در

قید حیات بوده است. علت مهاجرت

شیخ طبرسی از مشهد به سبزوار را یکی

از چند دلیل زیر دانسته اند:

۱- وجود اختلافهای زیاد بین امرای

سلجوقی در شهرهای مختلف،

سال ۱۲۷۳ هـ ق متولد شد، سطوح و

خارج را خدمت مولانا عبدالله کاشی،

یکی از شاگردان شیخ انصاری و نیز

سید علی حائری یزدی به پایان رسانید

و در ردیف اصولیین و محدثین و

مفسرین و متکلمین نامدار خراسان

قرار گرفت. آقا بزرگ تهرانی می نویسد

وی در شمار موثقین و بزرگان ائمه

جماعات بود و در خطابه و وعظ

زبردست، و پیوسته در خدمت شریعت

نبوی قرار داشت و از تحقیق و تألیف

غافل نبود و کتابهایی چند، از جمله

شرح دعای عرفه را به رشته تحریر

درآورد. او ۱۸ شعبان سال ۱۳۳۶ هـ ق

به سرای جاویدان هجرت نمود و در

محل دارالسیاده حرم دفن گردید. سید

موسی طباطبایی فرزند اوست.

نقباء البشر ۱/ ۱۰۴۵-۱۰۴۶، ضمیمه

تاریخ علمای خراسان / ۲۸۷.

غلامرضا جلالی

افکار صوفیانه یا قصه‌های اسرانیلی خبری نیست.

طبرسی تفسیر دیگری دارد به نام جوامع الجامع. وی پس از فراغت از مجمع‌البیان، به تفسیر کشاف که توسط معاصر نامدارش جاراالله زمخشری (۴۶۷-۵۳۸ هـ ق) تألیف یافته بود، دست یافت. برخی از نکات ادبی را که در مجمع‌البیان نیامده بود در تفسیر جوامع الجامع با توجه به کشاف نوشت و سال ۵۴۲ آن را به آخر رساند.

بجز دو اثر گرانبهای یاد شده، الآداب الدنیه للخرزانه المعینیه، که آن را به اسم خواجه اتابک ابی نصر احمد بن فضل بن محمود نوشته است، اعلام الوری باعلام الهدی، تاج الموالد، الجواهر در نحو، برای امیر صفی الدین ابی منصور محمد بن یحیی بن هبة الله الحسین تألیف نمود. غنیة العابد و منیة الزاهد، الفائق، الکاف الشاف من کتاب الکشاف، النور المبین نیز از آثار قلمی اوست.

طبرسی در خدمت دانشورانی چون سید ابوظالب محمد بن حسین حسینی

بخصوص در سرو به عنوان مرکز خراسان.

۲- درگذشت وزیر معین الدین ابی نصر احمد بن فضل بن محمود کاشانی، وزیر سلطان سنجر فرزند ملکشاه سلجوقی که از سال ۴۹۰ حاکم خراسان بود.

۳- هجرت بزرگان آل زیار به بیهق. طبرسی در بیهق مهمترین کتابهای خود از جمله مجمع‌البیان را نوشت.

در مدرسه باب انعراق بیهق تدریس می‌کرد و مجمع‌البیان را به درخطو است

شریف سید جلال الدین ابی منصور شریف محمد بن یحیی بن هبة الله حسینی زباری نوشت و در ذی القعدة ۵۲۶ از تألیف مجمع فراغت یافت. مجمع‌البیان به تعبیر استاد شهید علامه مطهری «از نظر ادبی و حسن تألیف بهترین تفسیر است و شیعه و سنی برای این تفسیر اهمیت فراوانی قائلند. مکرر در ایران، مصر و بیروت چاپ شده است». مجمع‌البیان پس از از تحال طبرسی مورد توجه همه مسلمانان قرار گرفت. در این تفسیر از

معالم العلماء/ ۱۳۵، مناقب آل ابی طالب
 ۱۴/۱، مجمع البیان ۲/۲۱۰ و ۲/۲۳۷
 و ۳/۲۱۱، ۳۴۳ و ۵۳۴، اعلام الوری
 باعلام الهدی/ ۳۴۹، تاریخ بیهقی/ ۲۴۲،
 اعیان الشیعه ۸/۴۱۳.

غلامرضا جلالی

(۲۵۱)

طَبْسِي - مُحَمَّد حَسِين

(- ۱۳۳۶ هـ ق)

آیة الله العظمی آقا شیخ محمد حسین
 طَبْسِي، فقیه برجسته عصر خود بود. در
 خدمت آیة الله میرزا محمد ابراهیم
 طَبْسِي به تکمیل علوم پرداخت و به
 سامرا رفت و از محضر میرزای بزرگ
 شیرازی استفاده نمود و پس از آن به
 نجف عزیمت نمود و در حلقهٔ درسی
 آیات سید محمد اصفهانی فشارکی و
 آخوند خراسانی شرکت کرد و بعد از
 اتمام تحصیلات به طبس بازگشت و
 زعامت مردم این شهر را به عهده گرفت
 و به تدریس و تبلیغ پرداخت. ملا محمد
 علی فرزند ملا علی اکبر طَبْسِي و آیة الله

شیخ النَّصَبِي گرگانی، شیخ ابوعلی ابن
 شیخ طوسی، شیخ ابوالوفاء
 عبدالجبار بن علی مقری رازی، حسن
 بن حسین بن حسن بن بابویه قمی
 رازی، شیخ ابوالحسن عبیدالله بن
 محمد بن حسین بیهقی، حاکم موفق بن
 عبدالله عارف نوقانی از مشایخ عامه
 دانش آموخت، و از آنان اجازه روایی
 گرفت و چهره‌های برجسته‌ای چون
 فرزندش شیخ جلیل رضی الدین ابونصر

حسن بن فضل طبرسی، حافظ محمد بن
 علی بن شهر آشوب (م ۵۸۸ هـ ق در
 حلب) شیخ منتجب الدین علی بن
 عبیدالله بن حسن رازی قمی، سید جلیل
 امام ضیاء الدین فضل الله بن علی بن
 عبیدالله حسینی راوندی کاشانی، شیخ
 امام قطب الدین ابوالحسن معروف به
 قطب راوندی، شیخ ابوالفضل شاذان بن
 جبرئیل قمی و شیخ برهان الدین بن
 محمد بن علی قزوینی همدانی را در
 مکتب علمی خود پرورش داد و سال
 ۵۴۸ هـ ق در ۸۰ سالگی درگذشت و در
 گورستانی نزدیک حرم معروف به
 تلگناه دفن گردید.

مفاخر یزد ۱/۲۴۲

(۲۵۳)

طیب کابلی - سید علیخان

(ج قرن ۱۳ هـ ق)

حاج میرسید علیخان معروف به «طیب کابلی» از سادات و علمای بنام و اطبای حاذق مقیم مشهد بود. در اواسط عمر به قصد زیارت از کابل به مشهد آمد. مدتی امام جماعت بود و بعدها به نشر مقاله و معالجه بیماران پرداخت. کتب گرانبهایی داشت و به کتابخانه آستان قدس وقف کرد. به سفر رفت، در بین راه دار فانی را وداع گفت و جنازه اش را به مشهد آوردند و در جوار حرم مطهر رضوی دفن نمودند.

مطلع الشمس / ۷۰۸، تاریخ علمای خراسان / ۹۰، فهرست کتابخانه مرکزی، ج ۶، مقدمه حرف د، اعیان الشیعه ۳۰۲/۸

غلامرضا جلالی

طسوجی ← ایسی محصل - شیخ علی

حاج شیخ محمدرضا طیّبی از محضر او استفاده کردند. روز ۱۸ شعبان سال ۱۳۳۶ هـ ق از دنیا رفت و در محل دارالسیاده حرم امام رضا علیه السلام دفن شد. ضمیمه تاریخ علمای خراسان/۲۸۷، گنجینه دانشمندان ۳۰/۶-۳۱.

(۲۵۲)

طیبی - ولی الله

(۱۳۶۳ هـ ق)

سید ولی الله طیّبی فرزند سید علی نقی، از عالمان دینی یزد در سده چهاردهم است. وی تحصیلات خود را در حوزه مشهد آغاز کرد، سپس همراه برادران خود سید محمد کاظم و سید باقر به کربلا رفت و در محضر آیات شیخ علی شاهرودی و میرزا هادی خراسانی به ادامه تحصیل پرداخت. وی در آخرین سفر خود به مشهد، در سال ۱۳۶۳ هـ ق بیمار شد و در مشهد درگذشت مدفون وی میان صحن عتیق و صحن نو قرار دارد.

دائرة المعارف الشیعة العامه ۱۱/۲۸۲

(۲۵۴)

عابدی قائنی - سید محمد

(۱۳۲۵ - ۱۴۰۴ هـ ق)



حوزوی را در مدرسه جعفریه قائن ادامه داد و در ۲۲ سالگی برای ادامه تحصیل به قم عزیمت کرد و پس از یک سال اقامت در این شهر عازم نجف شد و در محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، میرزای نائینی و آقا ضیاء عراقی فقه و اصول را فراگرفت و پس از چهل و شش سال حضور فعال در حوزه نجف و خدمات شایان به این حوزه، مورد توجه آیه الله شاهرودی و آیه الله حکیم و آیه الله خوئی و نیز امام خمینی رحمة الله عليهم اجمعین قرار گرفت او به مدیریت مدرسه آخوند خراسانی و رسیدگی به مشکلات طلاب و زائرین عتبات و تشرّف شیهای هر جمعه به کربلا اهتمامی بلیغ داشت. در سال ۱۳۹۵ هـ ق / ۱۳۵۴ ش از سوی عناصر

آیه الله سید محمد عابدی قائنی در سال ۱۳۲۵ هـ ق در شهر قائن در خانواده ای متدین چشم به جهان گشود. پدر ایشان سید اسحاق هاشمی نژاد بود. سید محمد تحصیلات مقدماتی علوم

رژیم صدام بازداشت و تحت حفاظت از مرز خانقین - خسروی وارد ایران شد. ایشان شب ۱۹ ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۴ هـ ق / ۲۹ خرداد ۱۳۶۳ ش پس از حدود ۳ سال بیماری در ۷۹ سالگی زندگی را بدرود گفت و به لقاء حق شتافت و در کنار حوض صحن آزادی حرم مطهر رضوی دفن گردید.

ابراهیم زنگنه

طرف جامعه روحانیت و مطبوعات خراسان از وی به عمل آمد. بر اثر سکت قلبی در ۷۹ سالگی دار فانی را وداع گفت و در صحن عتیق دفن شد. او موقع آمدن به ایران طی صحبتی با امام موسی صدر، مرگ خود در جوار امام رضا علیه السلام را پیش بینی کرده بود.

وی سال ۱۳۰۱ هـ ق در روستای «شحور» لبنان متولد شد و پس از طی دوران کودکی در مدرسه ابتدایی نبطیه و

مدرسه حسن یوسف مکی به تحصیل علم پرداخت سپس نزد عبدالحسین

شیرینالدین با اصول فقه آشنا شد بعد به صیدا رفت و علم دینی و آموزش زبان فرانسه و اندکی ترکی و فارسی را دنبال نمود. او در سال ۱۳۲۷ هـ ق مجله العرفان را که به اوضاع سیاسی کشورهای اسلامی و نفوذ استعمار می پرداخت منتشر ساخت و پیش از آن مقالاتی از وی در نشریات اجتماعی و سیاسی روز لبنان مثل: ثمرات الفنون، الاتحاد العثماني و حقیقه الاخبار، نشر یافته بود. در سال ۱۳۳۰ هـ ق روزنامه

(۲۵۵)

عارف الزین - احمد

(۱۲۶۲ - ۱۳۳۹ هـ ش)

استاد شیخ احمد عارف الزین مدیر دانشمند مجله اسلامی «العرفان» از علمای میرز شیعی مذهب معاصر لبنان بود که مهرماه ۱۳۳۹ همراه سید حسن حسینی مفتی شیعیان لبنان، شیخ محمد خلیل الزین، شیخ محمد قبلان و شیخ عبدالکریم حرّ عاملی، چهار نفر از علمای بلند پایه این کشور برای زیارت قبر مطهر امام هشتم علیه السلام به مشهد مشرف شد و پس از استقبال با شکوهی که از

«جبل عامل» را منتشر نمود، ولی در اندک زمانی شیخ احمد توسط ترک‌ها دستگیر و روزنامه و مجله، هر دو توقیف شد. او سال ۱۳۳۵ آزاد شد و عرفان را بار دیگر به چاپ سپرد و سال ۱۳۴۶ هـ ق تبعید گردید و تا سال ۱۳۵۴ هـ ق در تبعید و زندان بسر برد و پس از آزادی و بازگشت به صیدا علاوه بر نشر مجله عرفان به انتشار کتابهای اسلامی و تفاسیر مهمی چون *مجمع البیان و آلاء الرحمن*، دست یازید.

نامه آستان قدس، شماره دوم، دی ماه ۱۳۳۹، ص ۴۷-۴۹ و نقل قول از *آریه الله* واعظ زاده خراسانی دبیر کل پیشین مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

ابراهیم زنگنه

عارف عباسی - محمد - عباسی -

محمد عارف

(۲۵۶)

عارف نیشابوری - محمدحسن

(- ۱۲۶۲ هـ ق)

مولانا حاج محمد حسن از علما و

عرفای قرن سیزدهم هجری است، در یکی از روستاهای نیشابور به نام «معموری» در میان طایفه بیات به دنیا آمد و پس از پشت سر گذاشتن دوران نوجوانی عازم مشهد گردید و نزد میرزا معصوم رضوی فقه و اصول را آموخت و در نزد مولانا عبدالوهاب شیخ الاسلام، علوم عقلی و ریاضیات را فراگرفت و پس از آن خود به تدریس روی آورد و تحت تأثیر مولانا علی اکبر شیروانی، *مخدبه الهی* او را در ربود و با پشت بازدن به همه امور دنیوی، گوشه عزلت برگزید و در مدت چهار سال در یکی از حجره‌های مدرسه پایین پا به ریاضتهای سخت مشغول گردید و صاحب کراماتی شد. سرانجام دوم رجب سال ۱۲۶۱ یا ۱۲۶۲ هـ ق به رحمت ایزدی پیوست و بر حسب وصیت، در کنار مزار شیخ طبرسی در قبرستان قتلگاه مدفون گردید.

تاریخ علمای خراسان / ۱۱۷،
فردوس التواریخ / ۱۲۴، مطلع
الشمس / ۷۰۶ و ۷۱۰، الکرام البرره
۲۹۶/۱، مکارم الآثار / ۵/ ۱۶۴۷، اعیان

الشیعه ۹ / ۱۴۸.

جواهر النقاد فی حجیة الاخبار الاحاد، از
آثار ایشان است.

غلامرضا جلالی

او پیش از درگذشت شیخ حرم
عاملی چشم از این جهان فرو بست و
شیخ در مراسم تدفین وی شرکت داشت
و به احتمال زیاد داخل حرم دفن
گردید.

از شاگردان او می توان سید محمد
بن علی بن محیی الدین موسوی عاملی
را نام برد.

الذریعه ۶ / ۲۷۰، ۱۳ / ۳۹۸، ریحانة
الادب ۴ / ۹۰، امل الأمل ۱ / ۴۲، اعیان
الشیعه ۳ / ۵۴۹.

غلامرضا جلالی

حدیث و فقه و شعر و ادب صاحب نظر
بود. در اصل از جبل عامل است. در
اصفهان متولد شد و نوه دحسری

میرداماد به شمار می رود. او *فَرَزْدَتِیْ مَعْلَیِّ* شرح بسند
شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ هـ ق) به مشهد
آمد و مجاور شد و به تدریس مشغول
گردید.

(۲۵۸)

عاملی - حسن

(- ۱۳۰۰ هـ ق)

شیخ حسن فرزند شیخ نظام الدین
مرتضی عاملی مؤلف شجره طوبی
است. ایشان شیخ الاسلام مشهد بود و
کتاب *السؤال و الجواب* را در اصول
عقاید، به اسم رکن الدوله محمد تقی

بدرالدین از پدر خود، و شیخ بهائی،
ملا محمد تقی مجلسی و فخرالدین
طریحی حدیث روایت کرده و تألیفات
ارزنده ای مانند: *حجیة الاخبار*، شرح
اثنی عشریه صلاتیه در تاریخ ۱۰۳۵
هـ ق تألیف نمود، شرح اثنی عشریه
صومیه، شرح زبده شیخ بهائی، عیون

(۲۶۰)

عاملی - عبدالعالی

(۹۲۶ - ۹۹۳ یا ۹۹۴ هـ ق)

عبدالعالی فرزند محقق کرکی، مشهور به تاج الدین ابو محمد از فقیهان و محدثان و متکلمان قرن دهم هجری است. وی شب جمعه نوزدهم ذی القعدة در سال ۹۲۶ هـ ق به دنیا آمد و نزد پدر و عالمان دیگر به تحصیل پرداخت و جزو بزرگان ارکان دولت شاه طهماسب صفوی شد. او به بحثهای کلامی رویکرد بیشتری از خود نشان داده است. پسر میرداماد از او اجازه نقل روایت اخذ کرده و سید حسین بن حیدر عاملی کرکی از شاگردان اوست. وی کتاب امامت را در رد نواقض الروافض میرزا مخدوم شریفی نوشت و کتاب مناظرات و کتاب قبله به طور عام و خصوص قبله خراسان و رساله عملیه در فقه (نماز یومیه) و شرح ارشاد علامه تا کتاب حج و بالغ بر سه هزار بیت شعر و تعلیقه بر رساله استاد پدرش علی بن هلال کرکی

میرزا برادر ناصرالدین شاه نوشت و به سال ۱۲۹۹ هـ ق از نوشتن آن فراغت یافت و سال ۱۳۰۰ هـ ق از دنیا رفت. الذریعه ۳۱/۱۳ - ۳۲.

غلامرضا جلالی

(۲۵۹)

عاملی - حسین

(- اوایل سده ۱۱ هـ ق)

شیخ حسین فرزند حسن عاملی مشغری، فقیه و ادیب قرن دهم و یازدهم است. او از خاندان عاملی مهاجر از مشغری جبل عامل به مشغری خدمت شهید ثانی و شیخ بهاء الدین عاملی تحصیل کرد و اجازه روایی گرفت. به هند، اصفهان و در آخر به خراسان سفر نمود. در مشهد به تحقیق و تألیف پرداخت و همانجا درگذشت. از تألیفات اوست کتاب النکاح.

امل الأمل ۶۹/۱، اعیان الشیعه ۴۷۹/۵.

غلامرضا جلالی

از آثار اوست.

می‌باشد. سال ۱۰۱۳ هـ ق در مکه تولد یافت و در اوان جوانی در اصفهان ساکن گردید و نزد شیخ بهائی به تحصیل پرداخت و در سلک اعلام اصفهان درآمد و به تألیف و تدریس روزگار خود را سپری نمود. الدر المنثور، الدر المنظوم من کلام المعصوم شرح اصول کافی در حدیث، حاشیه شرح لمعه، الهام المارقه عن اغراض الزنادقه، زاد المرشدین فی رد الصوفیه و رسائلی

ایشان الفیه شهید اول را شرح کرد و بیشتر عمر خود را در کاشان سپری نمود و سال ۹۹۳ یا ۹۹۴ هـ ق در شهر اصفهان فوت کرد و در زاویه منسوب به سید الساجدین دفن گردید و پس از ۳۰ سال جنازه او همراه جنازه شیخ فقیه علی بن هلال کرکی به مشهد انتقال یافت و در محل دارالسیاده به خاک سپرده شد.

در عبادت را نوشت.



منتخب التواریخ / ۶۷۸ و ۶۹۲،
روضات الجنات ۱۲/۵، أمل الأمل
۱۱۰/۱، نقد الرجال / ۱۸۸-۱۸۹، تاریخ
عالم آرای عباسی ۱/۱۵۴، اعیان الشیخه
۱۷-۱۸/۸

او در مجلد دوم الدر المنثور، ص ۲۳۸ شرح زندگی خود را به تفصیل آورده است. محقق، حسین و محی الدین فرزندان وی بودند که همگی از علمای بلند مرتبه و مدرسان برجسته اصفهان شمرده می‌شدند.

غلامرضا جلالی

(۲۶۱)

عاملی - علی

(۱۰۱۳ - ۱۱۰۳ هـ ق)

شیخ علی سال ۱۱۰۳ هـ ق در نودمین سال زندگی خود در شهر اصفهان رحلت کرد و جنازه‌اش به مشهد حمل و در سردابه مدرسه میرزا جعفر حاشیه صحن عتیق جنب مقبره شیروانی و سبزواری دفن شد.

شیخ علی فرزند محمد بن حسن بن شهید ثانی، معروف به «شیخ علی کبیر» و «سبط الشهید» بود. وی از جانب مادر سبط محقق ثانی و در اصل عاملی

منتخب التواریخ / ۶۷۷، علمای بزرگ
شیعه / ۱۲۴-۱۲۶.

غلامرضا جلالی

(۲۶۳)

عاملی جبعی - سید حسین

(- ۱۰۶۹ هـ ق)

سید حسین فرزند سید محمد بن
علی بن حسین بن ابی الحسن موسوی
عاملی جبعی، نسبش با چندین واسطه
به حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
می‌رسد. در اصل از جبل عامل است.
پدرش صاحب مدارک و از شاگردان
شیخ بهائی است. او پس از رسیدن به
کمال، نزد پدرش صاحب مدارک و
شیخ بهاء الدین عاملی و اساتید برجسته
چون شیخ بهاء الدین به تحصیل پرداخت و بعد
از رسیدن به درجه اجتهاد، به خراسان
سفر کرد و در مشهد ساکن شد و به
منصب شیخ الاسلامی و تدریس
اشتغال ورزید و به سال ۱۰۶۹ هـ ق در
مشهد درگذشت.

این خاندان به جهت پرورش عالم و
مجتهد به سلسله الذهب مشهورند.

امل الأمل / ۸۱/۱، منتخب التواریخ
۶۹۴ و ۶۸۰، الذریعه ۲۲/۶، اعیان
الشیعه ۱۲۷/۶.

غلامرضا جلالی

(۲۶۲)

عاملی بازوری - ابراهیم

(- بعد از ۱۰۳۰ هـ ق)

شیخ ابراهیم فرزند فخرالدین عاملی
بازوری از شاگردان شناخته شده شیخ
بهائی و شیخ محمد بن شیخ حسن
صاحب معالم پسر شیخ زین الدین شهید
ثانی است. شیخ حر در کتاب *امل الأمل*
وی را به فضل و صدق و شعر و رساله
توصیف کرده است. دیوان شعر و رساله
رحلة المسافر از آثار اوست. در این
دیوان، شعری در رثای شیخ بهائی و
شعری در ستایش زین الدین سروده
است.

بازوری پس از سال ۱۰۳۰ هـ ق
درگذشت و در مشهد رضوی دفن
گردید.

مطلع الشمس ۶۹۵/۲.

ابراهیم زنگنه

(۲۶۴)

عاملی جبعی - حسین

(۱۰۵۶ - ۱۰۷۸ هـ ق)

عرفان به مقامات بلندی دست یافت، در کیمیاگری و خطاطی متبحر بود. هفت سوره از قرآن با خطی بسیار زیبا از وی تا روزگار ما باقی مانده است.

وی با این که صاحب موقعیت بود و می توانست بدون کوشش زندگی خوبی داشته باشد، از راه پالان دوزی روزگار می گذراند.

برخی ساختمان آرامگاه پیر پالان دوز را کهنتر از زمان درگذشت او مسی دانند. کتیبه موجود، سال

۹۸۵ هجری را سال پایان بنای مزار پیر

صاحب نظران بر این باور هستند که اصل بنا در سال ۷۱۶ هـ ق در زمان سلطان محمد خدابنده اولجایتو

پی ریزی شده است و آن محل ابتدا مقبره شیخ ابونصر سراج بوده است و بعدها پیر پالان دوز در آن دفن گردیده است.

مویده این نظر این است که قبر پیر پالان دوز در وسط بقعه قرار ندارد و معلوم می شود که قبر دیگری پیش از آن در وسط بقعه بوده است.

شیخ حسین فرزند علی بن محمد بن حسن بن زین الدین شهید ثانی عاملی جبعی، از فضلا، صالحان و محققان قرن یازدهم است. وی ۱۸ ذیحجه سال ۱۰۵۶ هـ ق به دنیا آمد، علوم دینی را نزد پدر آموخت و ۲۱ ذیحجه سال ۱۰۷۸

در جوانی در اصفهان درگذشت. جنازه اش به مشهد منتقل شد. پدرش صاحب درالمنثور، مقامات علمی و معنوی او را ستوده است.

املی الأمل ۱/ ۷۸، شهیدان راه نصیبت ۲۶۹/، فوائد الرضویه ۱/ ۳۲۳.

غلامرضا جلالی

(۲۶۵)

عباسی - محمد عارف

(زنده در قرن ۱۰ هـ ق)

شیخ محمد عارف عباسی مشهور به «پیر پالان دوز» از عرفا و پیران سلسله ذهبیه است. او علاوه بر این که در



مشهد آمد و در حوزه درسی آیات حاج شیخ هاشم قزوینی، سید یونس اردبیلی، میرزا مهدی اصفهانی و حاج سید جواد خامنه‌ای شرکت کرد همسری از سادات رضوی برگزید و همه زندگی خود را در مشهد وقف کارهای تربیتی و تبلیغی نمود و پس از درگذشت آیه‌الله حاج سید علی رضوی، برادر همسرش به درخواست عده‌ای از مردم به جای وی در مسجد ملاحیدر به اقامه نماز مبادرت نمود. وی از مدافعین سرسخت انقلاب و رهبری امام خمینی قدس سره بود و از زراندوزی و توجه به ماده و مادیات

آرامگاه پیرپالان دوز در حال حاضر در ضلع شرقی مجموعه حرم مطهر قرار دارد و مردم مؤمن همه روزه به زیارت آن می‌روند.

بحث در آثار و احوال حافظ ۲/۲۱۱،
دائرة المعارف تشیع ۱/۳۶، بناهای
تاریخی خراسان ۲۰/، منتخب التواریخ
۶۹۹/، فهرست بناهای تاریخی ایران
۳۳۹/، تاریخ آستان قدس ۳۴۶/
سوزمین و مردم ایران ۸۲۴/، طرائق
الحقائق ۳/۷۱۱، راهنمای خراسان
۱۲۹/ - ۱۳۰/.

غلامرضا جلالی

(۲۶۶)

عبایی - حسین

(۱۲۹۲ - ۱۳۷۴ هـ ش)

حاج میرزا حسین واعظ عبایی،
فرزند حاج میرزا حسین واعظ، از
علمای معاصر است. به سال ۱۲۹۲
هـ ش بعد از درگذشت پدر، در شهر
تبریز در خانواده‌ای روحانی چشم به
جهان گشود و به نام پدر موسوم گردید.
وی در ۱۸ سالگی پس از پایان
مقدمات، به منظور ادامه تحصیل به

اوست. شعر نیک می‌سرود. مدتی در بستر بیماری بود تا آن که روز ۱۵ رجب سال ۱۲۸۳ هـ ق از جهان فانی گذشت و به عالم باقی شتافت و در صحن عتیق مقابل ایوان عباسی مدفون گشت.
مرأة الحجه / ۱۲۰-۱۲۸.

غلامرضا جلالی

برهیز داشت و سلب علاقه از مادیات را از ضروریات ایمان می‌شمرد. خود همه عمر را در ورع و پارسایی گذراند و ۳۰ رجب ۱۴۱۶ هـ ق / ۱۳۷۴ هـ ش به رحمت حق پیوست و در ضلع شمال غربی صحن آزادی دفن گردید.

غلامرضا جلالی

عربزاده ← آقا نجفی همدانی - محمد

(۲۶۷)

عرب - علی

(- ۱۳۸۳ هـ ق)

(۲۶۸)

عربی خوان - حسن

(- ۱۳۳۹ هـ ق)



شیخ علی عرب معروف به «سجده»

میرزا حسن معروف به عربی خوان از فضیلت نامدار و واعظان برجسته مشهد بود، چون اشعار عربی را به لحن عرب می‌خواند به این نام شهرت یافت. وی در فن و عظم و خطابه از سرآمدان عصر خود بود و شعر می‌سرود و روز ۱۵ صفر ۱۳۳۹ هـ ق در مشهد فوت کرد و در محل دارالسیاده حرم به خاک سپرده شد.

ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۸۹.

ابراهیم زنگنه

صاحب علوم غربیه و نجوم توفیق همیشه در او بود. در اوایل عمر لباس عالمان دین را به تن داشت، ولی در زمان پهلوی وقتی که اتحاد شکل پیش آمد و بسیاری از علما به شکل عادی درآمدند، از لباس بیرون شد و دیگر ملبوس نگردید.

در دوره دوم انتخابات مجلس شورای ملی از سوی مردم سبزوار انتخاب گردید، ولی پس از مدتی استعفا کرد. مرامنامه فرقه ترقی و تمدن کام یا خیال خام برای فریب عوام از آثار

(۲۶۹)

عصار - سید محمد

(۱۲۶۴ یا ۱۲۶۵ - ۱۳۵۶ هـ ق)



آیة الله علامه سید محمد تهرانی
 لواسانی معروف به «عصار» و متخلص
 به «ناظم» و «آشفته»، فرزند محمود از
 چهره‌های بلند آوازه حوزه، به سال
 ۱۲۶۵ یا ۱۲۶۴ هـ ق در تهران به جهان
 پانهاد و دوم ذی الحجه ۱۳۲۰ هـ ق پس
 از تلمذ در محضر آیات میرزای
 شیرازی، میرزای نائینی، میرزای
 آشتیانی و اخوند ملا محمد کاظم
 خراسانی و نیل به درجه اجتهاد، به
 مشهد آمد و با وجود ضعف جسمی و از

دست دادن یک چشم به تألیف و
 تصنیف پرداخت. از آن جمله می‌توان به
 آثار زیر اشاره کرد:

شرحی بر زبدة شیخ بهایی، شرح
 معالم، تفسیر بسم الله و فاتحة الكتاب،
 شرح لمعه، حجیت خبر واحد، مسأله
 اجزاء، مسأله بیع به شرط خیار، مبحث
 اجتهاد و تقلید، استصحاب و تنبیهات
 استصحاب، البرکات الرضویه فی
 تلخیص الفرائد الاصولیه علامه
 انصاری، رساله‌ای در تجزیه و کلام
 اخباریین و ظاهر کتاب رساله‌ای در
 قاعده نفی ضرر، رساله‌ای در مبحث
 ترتیب، تقریرات درس میرزا در وقف،
 رساله‌ای در مبحث ترتیب، رساله‌ای در
 عدم اعتبار تساوی سطوح، رساله‌ای در
 جواز صلاة در لباس مشکوک، شرح
 کشف الفوائد علامه، شرح کشف الریبه
 فی الغیبه و النمیمه، الالهامات الرضویه
 فی شرح الزیارة الجامعة الکبیره، شرح
 قواعد شهید ازل، شرح وجیز بر منظومه
 سید بحر العلوم، وجوه تأمل بر مکاسب
 مرحوم شیخ مرتضی، توحید کمالی و

(۲۷۰)

عصار خراسانی - سید حسن

(۱۳۵۹ هـ ق)

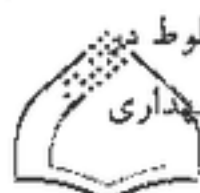
سید حسن عصار خراسانی از علما و نویسندگانی است که سالهای طولانی در شهر مدینه مجاور و به تحصیل و تحقیق مشغول بود. به مشهد آمد و آثاری علمی را پدید آورد و حدود سال ۱۳۵۹ هـ ق درگذشت.

نقباء البشر ۱/ ۳۷۰، ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۸۹.

غلامرضا جلالی

اخلاق کمالی، لسان الغیب، بیان الغیب، نباح الغیب، تشطیر مقدمات گنجینه راز، شرح منظوم گلشن راز، ذیل الارغام و ارغام الشیطان در رد بابیه و بهائیه، رسانه‌ای در دیات مطابق وجه نقد، حاشیه بر شرح منظومه حاج ملاهادی سبزواری، پاسخ‌نامه به فارسی و تعداد دیگری از آثار علمی و پربها که برخی از آنها منتشر شده است و

تعدادی نیز به صورت مخطوط در کتابخانه آستان قدس نگهداری می‌شود.

عصار در سال ۱۳۵۶ هـ ق *تقریر فیه* روح بسند

(۲۷۱)

عطار - محمد علی

(۹۸۶ - ۱۰۶۶ هـ ق)

در جوانی در شهر کاشان عطاری می‌کرد و اهل تزکیه نفس بود. از کاشان به مشهد آمد و بیشتر وقتها در زاویدای به چله می‌نشست و مردم به او علاقه داشتند. در هشتاد سالگی در سال ۱۰۶۶ هـ ق دعوت حق را لبیک گفت و در مقبره شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی دفن شد.

رخت به سرای بقا کشید و در صحن جدید حرم مطهر دفن شد. سید محمد کاظم عصار فرزند اوست.

زندگی نامه خود نوشت مرحوم آیه‌الله سید محمد عصار، تصحیح محسن صادقی، مجله پیام حوزه، شماره ۱۸، ۲۷۷-۲۹۵، ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۹۰، الذریعه ۲/ ۲۷۱، ۱۰۵/۲۰، ۵/۲۴، ۹۴/۲۶.

غلامرضا جلالی

تصص الخاقانی ۱۸۶/۲.

فلامرضا جلانی

علامه حائری مازندرانی ←

مازندرانی - محمد صالح

علامه سمنانی ← مازندرانی - محمد

صالح

(۲۷۲)

علم الهدی - سید ابراهیم

(۱۳۷۸ هـ ش)



آیت‌الله حاج سید ابراهیم
علم‌الهدی سبزواری از ستارگان پرفروغ

آسمان فقه و فتاوت در شهر سبزواری به دنیا آمد و سطح را در آن جا به پایان برد و در محضر شاگردان مکتب حاج ملاهادی سبزواری با مبانی کلامی و حکمی آشنا شد و برای ادامه تحصیل به نجف عزیمت کرد و از محضر آیات عظام حاج آقا حسین قمی، حاج سید ابوالقاسم خویی بخصوص آیت‌الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی بهره برد و از او به دریافت اجازه اجتهاد نایل شد. پس از هجرت آیت‌الله میلانی در سال ۱۳۳۳ به مشهد ایشان نیز به این شهر آمد و در شبستان گوهرشاد، پس از آن که آیت‌الله میلانی خارج فقه و اصول تدریس می‌کرد ایشان به تقریر درس استاد می‌پرداخت و پس از ارتحال ایشان خود حلقه درسی تشکیل داد و بیش از دو دهه در مدرسه امام صادق علیه السلام به تدریس خارج اصول مبادرت می‌ورزید و شاگردان برجسته‌ای را در مکتب اصولی خود پروراند. از ویژگی حوزه درسی ایشان می‌توان به ژرفنگری وی در ارائه



به «آقانجفی» و «علم الهدی» از سادات شهیدی و علمای معاصر است. وی نهم شعبان ۱۳۱۲ هـ ق در شهر کربلا متولد شد و در خاندان علم و عمل پرورش یافت و به اتفاق پدرش به ایران آمد و در مشهد سکونت یافت.

او پس از تحصیل مقدمات و سطوح در حلقه درس خارج آیات شیخ مرتضی آشتیانی، حاج آقا حسین قمی، سید ابراهیم خراسانی و فاضل بسطامی شرکت کرد و از مرحوم آیه الله محمد غصار اجازه علمی دریافت نمود و رساله الوضوء را در احکام وضو نوشت. وی سال ۱۳۳۹ هـ ق پس از

مباحث اصولی اشاره کرد.

آیه الله علم الهدی انسانی خلیق، تنوع طبع، ساده زیست و بسیار متواضع بود و بیش از سه دهه در مسجد فرش فروشها (حوض چهل پایه) نماز جماعت اقامه می نمود و به گره گشایی از کار مردم اهتمام می ورزید و در حل مسائل بفرنج قضایی به قضات کمک می کرد. ایشان هیچ گاه سعی نمی کرد شاگردان خود را مقند بار بیاورد و در طرح مسائل علمی و گسودن گره از معمای آنها از نبوغ خاصی برخوردار بود. بیکر پاک آیه الله علم الهدی در روز ۱۳ آذر سال ۱۳۷۸ هـ ش از مسجد فرش فروشها تنسیع و در حرم مطهر دفن شد.

علامه سماجیانی

(۲۷۳)

علم الهدی - علی

(۱۳۷۳ - ۱۳۵۹ هـ ش)

آیه الله حاج سید علی علم الهدی
فرزند سید محمد حسین نجفی معروف

می‌گزارم. اما حال فهمیدم مسجد خانه دولت است، مردم من «امام‌الدوله» نیستیم و حرکت کرد که مسجد را ترک کند، مردم مانع شدند. او نماز عصر را هم خواند و دیگر به مسجد نیامد. بعدها تقاضای مقامات دولتی مفید واقع نشد و ایشان تا پایان حیات در خانه کوچک خود نماز می‌گزارد و جمعی از مردم نیز به او اقتدا می‌کردند.

آیه‌الله علم الهدی سال ۱۳۵۹ هـ ش

در مشهد به دیار حق شتافت و روز بیستم اسفند در حجره فرانشها، واقع در دارالسیاده حرم دفن گردید. حجج

جواد، سید مصطفی، سید عباس، سید کاظم و سید احمد فرزندان او هستند.

کتابهای رساله الوضوء، رساله المیاء، رایت رهنا در چهار جلد، عدل و معاد، نهج الخطابه در ۳ جلد، مستدرک زاد المعاد مجلسی، النکاح و حاشیه بر عروة الوثقی از آثار قلمی ایشان است.

گنجینه دانشمندان ۱۴۴/۷-۱۴۷.

ابراهیم زنگنه

درگذشت پدر به جای وی در مسجد گوهرشاد به اقامه جماعت پرداخت و چند سالی به نجف رفت و آن جا از محضر آیات میرزا حسین نائینی، حاج سید محمد فیروزآبادی و سید ابوالحسن اصفهانی بهره برد و پس از دریافت اجازه اجتهاد به مشهد آمد و به ارشاد و تألیف مبادرت ورزید. او از رژیم پهلوی نفرت داشت و یکی از سالها که محمدرضا پهلوی قصد آمدن به مشهد در ایام نوروز را داشت، به منظور پرهیز از هر نوع ملاقات تحمیلی به مسافرت رفت.

پس از بازگشت از سفر، سرهنگ صالحی ریاست وقت اداره اوقاف خراسان به او پیام رساند که: او می‌تواند فقط یکی از دو نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا را به جماعت در مسجد گوهرشاد اقامه کند. مرحوم علم الهدی که این پیام را در فاصله نماز ظهر و عصر دریافت کرد، رو به جماعت کرد و گفت: من تاکنون فکر می‌کردم مسجد خانه خداست و من در خانه خدا نماز

(۲۷۴)

علم الهدی - محمّد

(۱۳۰۶ - ۱۳۶۷ ه. ش)



در شوال ۱۳۶۵ ه. ق / ۱۳۲۲ ه. ش
راهی حوزه علمیه قم و سپس نجف شد
و پس از مدتی بهره‌مندی از محضر
برخی اساتید حوزه نجف، به قم
بازگشت و بیش از سیزده سال از
درسهای فقه و اصول مرحوم آیه‌الله
العظمی بروجردی استفاده کرد. همچنین
از دروس فقه و اصول و فلسفه حضرت
امام خمینی قدس سره و آیه‌الله محقق
داماد بهره‌های فراوانی کسب کرد.
همزمان طلاب و فضلا از تدریس ایشان
بهره‌مند می‌شدند.

بالاخره پس از ۲۸ سال تحصیل و
تدریس در حوزه علمیه قم و در پی
دعوت و اصرار جمعی از مؤمنین، به
تهران مهاجرت کرد و تا آخر عمر در
مسجد الزهرا، سلام‌الله علیها به امامت
نماز جماعت، تدریس، تبلیغ، رسیدگی
به امور مستمندان، احداث مسجد،
مدرسه و کتابخانه اهتمام ورزید.

سرانجام در ربیع‌الاول سال ۱۴۰۹
ه. ق / ۱۳۶۷ ه. ش در پی دعوت برخی
از مسلمانان اروپا، جهت تبلیغ به اروپا

آیه‌الله سید محمد علم الهدی فرزند
عالم وارسته مرحوم آیه‌الله حاج سید
علی علم الهدی در روز چهارشنبه ۹
ذی‌القعدة ۱۳۲۵ ه. ق / ۱۳۰۶ ه. ش در
شهر مقدس مشهد دیده به جهان گشود.
وی پس از فراگیری دروس جدید، در
سال ۱۳۶۱ ق وارد حوزه علمیه شد و
ادبیات عرب را نزد مرحوم ادیب
نیشابوری و مرحوم محقق نوقانی و
بخشی از دروس سطح را نزد آیه‌الله
حاج میرزا احمد مدرس فراگرفت.

(۲۷۵)

علمی اردبیلی - محمد

(۱۲۸۸ - ۱۳۶۶ هـ ش)



آیةالله حاج شیخ محمد علی علمی
 اردبیلی فرزند میرزا علی از علما و
 مجتهدین و اساتید معاصر است. روز
 ۱۳ رجب سال ۱۳۲۷ هـ ق / مرداد
 ۱۲۸۸ هـ ش در روستای «سولا» ۲۴
 کیلومتری شهر اردبیل، در یک خانواده
 مذهبی به دنیا آمد. تا سن ۱۳-۱۲
 سالگی نزد میرزا غلام و ملا مظفر درس
 آموخت و سال ۱۳۴۰ هـ ق برای ادامه
 تحصیل به اردبیل رفت و در مدرسه
 «حاج ملا ابراهیم» حجره‌ای گرفت و

عزیمت کرد و پس از یک ماه اقامت در
 اتروش در روز سه‌شنبه هیجدهم
 ربیع‌الثانی ۱۴۰۹ ق / ۱۳۶۷/۹/۸ ش
 در اثر سکت قلبی دعوت حق را لبیک
 گفت و پیکر شریفش از شهر وین به
 تهران و سپس به مشهد مقدس انتقال
 یافت و پس از تشییع باشکوه همزمان با
 اذان ظهر دوشنبه چهاردهم آذر ۱۳۶۷
 ش در دارالزهد حرم مطهر حضرت امام
 رضا علیه السلام به خاک سپرده شد.

تالیفات به جای مانده از آن فقیه
 سعید عبارت است از: یک دوره کامل
 علم اصول، تقریرات درس مرحوم
 آیةالله محقق داماد، تقریرات سیزده
 سال درس مرحوم آیةالله العظمی
 بروجرودی، مکاسب محرمة، کتاب
 صلاة و خمس و تقریرات درس امام
 خمینی قدس سره.

ابراهیم زنگنه

تحصیلات خود به نجف رفت و به حلقه درس آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، علامه شیخ محمّدعلی کاظمینی خراسانی، و حاج شیخ موسی خوانساری پیوست و پس از فوت آنها مدت بیست سال (۱۳۶۲ - ۱۳۸۲ هـ ق) از محضر آیةالله حاج شیخ حسین حلی بهره برد. و پس از اخذ اجازه اجتهاد از آیةالله سید ابوالحسن اصفهانی به ایران آمد. او از آیةالله العظمی میلانی نیز اجازه روایت داشت.

آیةالله علمی در سال ۱۳۳۳ هـ ش به قم رفت و مدتی از محضر آیةالله العظمی حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم استفاده کرد، و اواخر سال ۱۳۱۵ هـ ش، پس از فوت مرحوم حائری، درس آیات سید صدرالدین صدر، سید محمّد تقی خوانساری و سید محمّد حجت کوه کمره‌ای شرکت نمود و در شمار نزدیکان آیةالله کوه کمره‌ای درآمد و کم‌کم خود به تدریس سطوح عالی پرداخت.

تقریرات دو دوره اصول آیةالله شیخ حسین حلی، یک دوره متاجر براساس

سطح اولیه را خدمت میرزا ابراهیم کلانتر (م: ۱۳۴۳ هـ ش) و میرزا طاهر اردبیلی فراگرفت و سطوح عالی را در محضر آیةالله حاج میرزا علی اکبر مجتهد اردبیلی (م: ۱۳۴۷ هـ ق) آموخت. پس از درگذشت میرزا علی اکبر، و در همان سال، در حالی که بیش از بیست سال نداشت، به مشهد آمد و دوره خارج را خدمت آیات میرزا محمّد آقازاده، حاج آقا حسین قمی

سید یونس اردبیلی و اشرفی شاهرودی آغاز کرد. بعد از واقعه مسجد گوهر شاد

به قم رفت و مدتی از محضر آیةالله العظمی حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم استفاده کرد، و اواخر سال ۱۳۱۵ هـ ش، پس از فوت مرحوم حائری، درس آیات سید صدرالدین صدر، سید محمّد تقی خوانساری و سید محمّد حجت کوه کمره‌ای شرکت نمود و در شمار نزدیکان آیةالله کوه کمره‌ای درآمد و کم‌کم خود به تدریس سطوح عالی پرداخت.

سال ۱۳۲۲ هـ ش برای تکمیل

مکاسب شیخ انصاری از اول بیع تا نقد و نسیه، شرح استدلالی عروة الوثقی، رساله‌ای در اجتهاد و تقلید، توضیح المسائل با نام ذخیره المعاد و دوره معارف اسلامی و کتاب صلوة از آثار علمی مرحوم علمی است.

او اعتنایی به سلیقه‌ها و تقلیدهای سنتی عرف نداشت. حق استاد را محترم می‌شمرد و سرانجام روز جمعه ۱۱ مرداد ۱۳۶۶ در ۷۸ سالگی دارفانی را وداع گفت و جنازه‌اش در غرفه ۲۴ واقع در ضلع جنوبی نزدیک گوشه غربی صحن نو دفن شد.

مجله نگاه حوزه، ش ۲۴، ص ۲۰۴،
اسفند ۱۳۷۵، ص ۵-۹.

غلامرضا جلالی

(۲۷۶)

علوی - سید محمد

(۱۲۹۱ - ۱۳۶۷ ه. ش)

سید محمد علوی فرزند عالم جلیل میرزا یوسف علوی تبریزی و برادر حاج سید محمود علوی، از علما و ائمه

جماعت مشهد بود. دهم ربیع الاول ۱۳۳۰ ه. ق در شهر تبریز چشم به جهان باز کرد و در چهارده سالگی همراه خانواده خود به مشهد آمد و پس از تحصیل مقدمات، سطوح را خدمت آیات حاج میرزا احمد مدرس یزدی و حاج آقا بزرگ اشرفی شاهرودی آموخت و برای تکمیل تحصیلات، سال ۱۳۵۵ ه. ق به نجف مهاجرت نمود و از درس آیات عظام ضیاءالدین عراقی، حاج سید علی مدد قاینی، سید ابوالحسن اصفهانی و در رشته اخلاق و معارف اسلامی از حاج سید علی آقا قاضی بهره‌مند شد و سال ۱۳۶۶ ه. ق به مشهد آمد و به تبلیغ و ارشاد پرداخت و ۱۷ بهمن سال ۱۳۶۷ ه. ش، از دنیا رفت و در سرداب ۲۷ بلوک ۱۲۱ صحن آزادی به خاک سپرده شد.

گنجینه دانشمندان ۱۴۴/۷.

نیراهیم زنگنه

(۲۷۷)

علوی - سید محمود

(۱۲۷۶-۱۳۴۰ هـ ش)



آیات میرزا محمد آقازاده و شیخ مرتضی آشتیانی بهره برد و اجازه نقل حدیث و اجتهاد از هر دو استاد خود و نیز آیات سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی و سید محمد حجت دریافت نمود. مدتی به نجف مهاجرت کرد ولی مشهدالرضا را برای سکونت دائمی خود برگزید و به تدریس و تألیف و ارشاد پرداخت. وی در شبستان اول مسجد جامع گوهرشاد امام جماعت بود. و دهم ربیع الاول سال ۱۲۸۱ هـ ق سحرگاد اول مهر ۱۳۴۰ ش که برای معالجه به تهران رفته بود، همانجا درگذشت و جنازه اش به مشهد انتقال یافت و در یکی از حجره های صحن عتیق دفن شد. الحجاب و الاسلام، الربا و الاسلام، الفنا و الاسلام، هدیه الانام الی تعالیم الاسلام از آثار چاپ شده ایشان است. بهارستان عرفان در تفسیر سوره حمد، الشهاب الثاقب فی الاسلام و المذاهب در سه جلد، هدیة المشرشدین الی معارف الدین المبین و چندین کتاب در

آیةالله سید محمود علوی فرزند عالم جلیل حاج میرزا یوسف حسینی خیابانی فرزند حاج میرزا فتاح پسر حاج میرزا یوسف بزرگ از مجتهدین و علمای قرن چهاردهم هجری است سال ۱۳۲۶ هـ ق / ۱۲۷۶ ش در تبریز متولد شد مقدمات و مطوح را در محضر واند خود و آیةالله حاج سید محمد مولانا و آیةالله حاج میرزا ابوالحسن انگجی خواند. در ۱۸ سالگی به مشهد مهاجرت کرد و از محفل درس

رفع شبهات معاندین و اثبات اصول و عقاید اسلام نیز از آثار مخطوط ایشان است.

غلامرضا جلالی

(۲۷۸)

علیزاده - علی اکبر

(۱۳۰۶ - ۱۳۷۸ هـ ش)

آیةالله شیخ علی اکبر علیزاده یزدی فرزند عبدالخالق، در سال ۱۳۰۶ هـ ش در مشهد متولد شد و پس از تحصیل دوره ابتدایی، از سنین نوجوانی به آموزش علوم حوزوی در مشهد روی آورد. ادبیات را نزد ادیب نیشابوری، لمعه را در محضر آیةالله سید احمد مدرس، رسائل و مکاسب را در خدمت شیخ هاشم قزوینی فرا گرفت و خارج فقه و اصول را در حوزه درسی آیةالله میرزا جواد آقا تهرانی و آیةالله العظمی سید محمد هادی میلانی شرکت نمود و حدود سال ۱۳۳۶ هـ ش مدتی به نجف رفت و از درس آیات عظام خوبی، حکیم و شاهرودی استفاده کرد و پس

از بازگشت از نجف چند سال به توصیه آیةالله شیخ مجتبی قزوینی مدیریت مدرسه علمیه فردوس را به عهده گرفت و در مسجد جامع این شهر به اقامه نماز پرداخت و پس از بازگشت به مشهد چندی به تدریس سطوح در مدرسه های میرزا جعفر، موسوی نژاد و بعثت اهتمام ورزید.

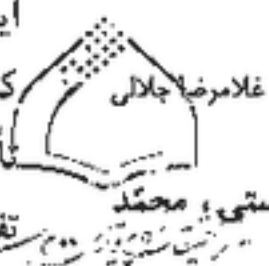
ایشان در جریان انقلاب اسلامی، نماز مغرب و عشا را به جماعت در مدرسه میرزا جعفر اقامه می کرد و پس از نماز، تفسیر قرآن تدریس می نمود، تا این که این سوی دفتر امام (ره) به عنوان امام جمعه فردوس انتخاب شد و چند سال این امر را به عهده داشت. پس از بازگشت به مشهد در رواق دارالزهده نماز جماعت می خواند و در دانشگاه رضوی و برخی دیگر از مراکز آموزشی و نهادهای انقلابی به آموزش فقه، اخلاق، عقاید، درایه و حدیث مشغول بود و در دوره دوم مجلس خبرگان رهبری به این مجلس راه یافت، تا این که روز ۱۴ آذر ۱۳۷۸ در مشهد

درگذشت و در رواق دارالعباده حرم مطهر دفن گردید.

از بارزترین خصوصیات اخلاقی ایشان ساده‌زیستی و عدم تمایل به مادیات و دلمشغولی‌های دنیوی بود. فرزند بزرگ ایشان شهید محمد علیزاده یزدی در جبهه غرب به شهادت رسید و تنی چند از فرزندان ایشان به تحصیل علوم اسلامی در حوزه مشهد اشتغال دارند.

دست داد و تحت تربیت برادر بزرگ خود آقا میرزا یحیی روضه‌خوان قرار گرفت. تا بیست سالگی دوره ادبیات و فقه و اصول را در مشهد به پایان برد و عازم نجف شد.

در نجف به حوزه درس خارج میرزای شیرازی وارد گردید و در شمار شاگردان برجسته وی درآمد و اجازه اجتهاد دریافت نمود و پس از ارتحال ایشان، به حلقه درسی آخوند ملا محمد



کاظم خراسانی پیوست و در کنار تأملات فقهی و اصولی به فراگیری رموز تفسیر و کلام و هیئت و نجوم اهتمام ورزید. پس از بازگشت به وطن در مدرسه فاضلخان مشهد حوزه درسی تشکیل داد و به دلیل شیوه آموزش و جدیت، مورد توجه طلاب قرار گرفت و از حمایت آیه‌الله میرزا محمد آقازاده که ریاست آن روز حوزه را به عهده داشت، برخوردار گردید.

او برای تأمین معاش کشاورزی می‌کرد و از هر فرصت مناسبی برای تبلیغ دین استفاده می‌نمود و چون این

عمادالدین تهران ← فهرستی، محمد مهدی

(۲۷۹)

عیدگاهی - عبدالرحیم

(۱۲۸۰ - ۱۳۳۴ هـ ق)

آیه‌الله حاج شیخ عبدالرحیم عیدگاهی فرزند آخوند ملا صفر علی، به سال ۱۲۸۰ هـ ق در خانواده‌ای روحانی در محله عیدگاه مشهد متولد شد. در چهاردهمین بهار زندگی پدر خود را از

(۲۸۰)

عیدگاهی - محمد

(۱۳۶۰ هـ ش)

حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد عیدگاهی معروف به «استاد» فرزند ملا احمد، پس از فراگیری ادبیات عرب، منطق، فقه و اصول نزد استادان برجسته حوزه مشهد، خود به تدریس منطق پرداخت و حاشیه ملا عبدالله را بیش از چهل دوره درس داد. بسیاری از علمای و مدرسان فعلی حوزه از جمله استاد الهی خراسانی در مدرسه سلیمان خان پای درس ایشان شرکت کرده‌اند.

مرحوم عیدگاهی علاوه بر تدریس، منبر نیز می‌رفت و در خواندن احادیث و نقل مرانی بسیار دقیق بود. در مجالس رسمی و بیوت علما غالباً ایشان افاضه می‌کردند. او در تمام عمر از سهم امام استفاده نکرد و از ۱۸ سالگی تا اواخر عمر به خواندن زیارت عاشورا و دعای علقمه مداومت داشت و تا دو سال پیش از فوتش همه روزه به حرم مطهر

مجالس از مبانی علمی خوبی برخوردار بود، مورد استقبال علما و فضلا قرار گرفت. یکی از وصایای ایشان به طالبان علوم دینی بخصوص فرزندان مرحوم شیخ مرتضی عیدگاهی، این بود که تا می‌توانید علم بیاموزید و از ترویج آن دریغ نوزید و تبلیغ معارف الهی را از یاد نبرید.

وی در ۵۴ سالگی شب ۲۵ رجب ۱۳۳۴ هـ ق مصادف با شهادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به شهادت رسید. عاملین این دسیسه، ایشان را پس از تشرف به حرم و خواندن نماز مغرب و عشاء در کوچه صدراالاطباء نزدیک فلکه قدیم به ضرب دو گلوله که به چشم و مغزش اصابت نمود، از پا درآوردند و روز بعد پیکر پاکش در میان انبوه مردم مشهد و علما تشییع و در رواق دارالسیاده، زیر چهلچراغ به خاک سپرده شد.

غلامرضا جلالی

حضرت امام رضا علیه السلام مشرف می شد.
وی روز ۱۵ فروردین سال ۱۳۶۰
ه.ش به رحمت حق پیوست و در محل
کفشداری شماره ۷ جنب ایوان طلا در
صحن آزادی دفن شد.

غلامرضا جلالی

(۲۸۱)

عیدگاهی - مرتضی

(۱۳۰۳-۱۳۹۲ ه.ق)



حاج شیخ مرتضی واعظ شهیدی،
عیدگاهی فرزند آیه الله حاج شیخ
عبدالرحیم، از واعظ معروف خراسان
بود.

در سال ۱۳۰۳ ه.ق در مشهد تولد یافت،
پس از رسیدن به سن رشد، ادبیات، را
خدمت میرزا عبدالجواد ادیب
نیشاپوری آموخت و فقه و اصول را در
محضر حضرات آیات میرزا محمد
آقازاده، شیخ مرتضی آشتیانی، حاج
شیخ حسن برسی و علوم عقلی و کلام
را نزد پدر فرا گرفت. در بیان احادیث
انمه معصومین علیهم السلام و تفسیر قرآن بسیار
دقیق و خوش ذوق بود و در فنّ وعظ و
خطابه تا آن جا پیش رفت که از
برجسته ترین چهره های وعظ و خطابه
خراسان در عصر خود شد. و عنوان
«ثقة المحدثین» و «شیخ الخطباء» به
وی لقب داده شد.

وی روز پنجشنبه هفتم ذیقعده ۱۳۹۲
ه.ق پس از عمری سراسر اخلاص و
تلاش در هدایت و ارشاد مردم در ۹۰
سالگی زندگی را بدرود گفت و در محلّ
دارالسلام حرم امام رضا علیه السلام دفن
گردید. فرزندان ایشان منزلش را که در
خیابان امام رضا علیه السلام قرار دارد، به
صورت حسینیه ای بزرگ درآورده و

مجالس سوگواری ائمه علیهم السلام در روزهای جمعه، و ایام محرم، صفر و رمضان را در آن جا برگزار می کنند. گنجینه دانشمندان ۱۵۰/۷.

است.

اصیان الشیعه ۴۶۷/۵-۴۶۸.

غلامرضا جلالی

ابراهیم زنگنه

(۲۸۳)

عینائی - سید محمد

(- ۵۱۰۸۵ هـ ق)

سید محمد بن محمد بن حسن بن قاسم عینائی از نوادگان شهید ثانی، در

مشهد اقامت داشت و کتاب الاثنی عشریه فی المواظف المددیه را در مشهد ۱۰۶۸ هـ ق به پایان برد و در ۱۰۸۵ هـ ق وفات یافت.

وی در سرودن شعر تسلط کافی داشت و اشعار زیادی به او منسوب است.

امل الأمل ۱۷۶/۱، اصیان الشیعه ۴۶۷/۵، الثریعه ۱۱۹/۱.

غلامرضا جلالی

(۲۸۲)

عینائی - حسین

(سده ۱۲ هـ ق)

شیخ حسین بن جمال الدین بن یوسف بن خاتون عاملی عینائی، منسوب به روستای عینائای جبل عامل است. وی عالمی فاضل و محقق دقیق و فقیهی وارسته و با تقوی بود. شیخ حر جایگاه علمی او را ستوده است. در مشهد اقامت داشت و تا سال ۱۱۰۸ هـ ق در قید حیات بود. او کتابی به عنوان وسیله الغفران در عمل شهر رمضان و باره ای از شرح مختصر تألیف نموده

است.

غ

در فاروج چشم به جهان گشود. در مشهد به تحصیلات خود ادامه داد و در نجف محضر درس آیه‌الله سید ابوالحسن اصفهانی را درک کرد و پس از مراجعه به وطن با توجه به داشتن وکالت از آیات عظام حکیم شاهرودی و میلانی به ارشاد و هدایت مردم در مناطق روستایی شهرستان فاروج پرداخت. در سال ۱۳۶۳ هـ ش درگذشت و در صحن آزادی به خاک سپرده شد.

ابراهیم زنگنه

غروی اصفهانی - مهدی - اصفهانی
- مهدی

(۲۸۴)

غلامعلی پور - یعقوب
(۱۲۹۸ - ۱۳۶۳ ش)



حجة الاسلام حاج شیخ یعقوب
غلامعلی پور در حدود سال ۱۲۹۸ هـ ش

ف

فائقی - غلامعلی - تهرانی -
 غلامعلی
 فارسی - نصرالله - مدرس شیرازی -
 نصرالله
 فاضل بسطامی - بسطامی -
 نوروزعلی

اعم از حکمت مشاء و اشراق و حکمت
 متعالیه، استاد مسلم بود. در علم کلام و
 آثار و اخبار وارد از ائمه شیعه در اصول
 عقاید، تبحر داشت و در دوران طلبگی
 کتابهای ادبی را تدریس می نمود و از
 طبع شعر به هر دو زبان فارسی و عربی
 برخوردار بود. نیک محضر، مهربان،
 خندان و بسیار شجاع بود و سخنان
 شیرین و شیوایی می گفت و در سیاست
 دخالت داشت و با علمایی که قوانین
 مشروطه را به تمام معنی اسلامی
 می دانستند موافق نبود و یادآور می شد
 که بعد از این، مرتب روش حکومت ها
 در اروپا و مغرب زمین تغییر خواهد
 یافت و ما باید مرتب قوانین اسلام را با
 توجیه و تأویل، نسبت به مشروطه و
 حکومت های دیگر منطبق سازیم.

(۲۸۵)

فاضل خراسانی - محمدعلی

(- ۱۳۴۲ هـ ق)

ملا محمد علی فاضل، فرزند مولی
 عباسعلی فرزند شیخ حسن سودخروی
 سبزواری، یکی از اساتید عالیقدر حوزه
 علمیه مشهد و از اکابر علمای اسلام در
 قرن ۱۴ هـ ق به شمار می رود. او در فقه،
 اصول، تفسیر، حکمت و فلسفه الهی

معروف است وقتی مشروطه طلب‌ها وقتی او را ترور نمودند، با این که چند تیر به او اصابت کرده بود، هیچ بیمناک نبود و این در حالی بود که سن او از هفتاد تجاوز می‌کرد. وقتی او را روی تخته‌ای گذاشتند تا به بیمارستان ببرند و مریدان در اطرافش جمع شده بودند و خون از بدنش می‌رفت، فریاد زده بود: بلند بگو لا اله الا الله. او در زمان آصف‌الدوله شاهسون به کلات و درگذشت تبعید شده بود.



یافت و بالاخره برای تکمیل تحصیلات خود در حد اعلی، در سال ۱۲۹۸ در سامرا رحل اقامت افکند و چندین سال درس میرزا محمد حسن شیرازی، زعیم شیعه پس از شیخ انصاری، حاضر شد و مورد توجه میرزای بزرگ قرار گرفت و پس از پنج سال اقامت و اتمام تحصیلات خود به مشهد مراجعت نمود و تا آخر حیات پرثمر خود به تدریس علوم و معارف اسلامی اشتغال ورزید و در اواخر عمر تصدی امور محکمه شرع را نیز به عهده گرفت. حاج ملا هاشم ریاضی را از دو نفر از شاگردانی که در تکمیل سبب صلاحیت منتهی‌التواریخ و حاج ملا غلامحسین حکیم زرگر از شاگردان وی هستند.

فلسفه و حکمت الهی و معلوم ریاضی را از دو نفر از شاگردانی که در تکمیل سبب صلاحیت منتهی‌التواریخ و حاج ملا غلامحسین شیخ‌الاسلام و میرزا محمد سروقدی معروف به خادم‌باشی کشیک سوم آستان قدس رضوی، آموخت و فقه و اصول را چندین سال در مشهد از محضر آقا شیخ حسنعلی تهرانی و آخوند ملا عبدالله کاشی استناده نمود و به حد کمال رسید. به عراق سفر کرد و مدتی در نجف درس حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و دیگر بزرگان حضور

حاجی فاضل روز ششم و به نقلی روز هفتم ربیع‌الآخر ۱۳۴۲ هـ ق در مشهد به رحمت حق واصل شد و در مقبره مرحوم آیه‌الله خالصی، واقع در حجره عقب صفا غربی دارالسیاده حرم امام هشتم علیه السلام دفن گردید. از حاجی فاضل شرح دعای عرفه با مقدمه استناد سید جلال‌الدین آشتیانی در شمار

انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی به
چاپ رسیده است.

نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی
مشهد شماره ۲۶-۲۷، بهار و تابستان
۱۳۵۷، ضمیمه تاریخ علمای خراسان
/ ۲۷۰، منتخب التواریخ / ۶۸۶ و ۷۰۰،
تاریخ آستان قدس / ۳۳۶، صد سال شعر
خراسان / ۴۱۲-۴۱۳.

غلامرضا جلالی

فاضل سبزواری - محمّد باقر ← محقق

سبزواری

فاضل قندهاری ← عبدالله ← جلد

دوم

(۲۸۶)

فرزلی - حسین

(قرن ۵۱۱ ق.)

حسین فرزلی فرزند علی بن
خضر بن صالح عاملی، از دانشوران
مهاجر جبل عامل است. در مشهد ساکن
گردید و نزد حسین بن محمّد بن ابی
الحسن عاملی و فرزند صاحب مدارک
علم آموخت و در مشهد از دنیا رفت.

طبقات اعلام الشيعة ۱۷۷/۵.

غلامرضا جلالی

فرید ← نهاوندی - محمّد

(۲۸۷)

فقاہتی سبزواری - سید

ابوالفضل

(- ۱۳۶۰ ه. ش)



حاج سید ابوالفضل فقاہتی
سبزواری فرزند حاج میرزا مهدی
فقاہتی فرزند آقا میرزا موسی در مشهد
اقامت داشت و سالها در بالاسر حرم
مطهر حضرت رضی اللہ عنہم به اقامه نماز

بازگشت و به اقامه نماز جماعت در مسجد انقلاب کنونی مشغول گردید و بعدها پیشنماز مسجد امامی شد و در کنار آن به ترویج احکام اسلامی پرداخت.

فقیه، انسانی نیکنام، صالح و قانع بود و از پذیرفتن حق الزحمه برای انجام امور شرعی خودداری می‌کرد و هزینه زندگی را از راه کشاورزی زمینی که در روستای قارلق داشت، تأمین

می‌کرد. وی در سال ۱۳۲۹ هـ ش در بجنورد درگذشت و بر حسب وصیت، جنازه‌اش به مشهد حمل و در صحن صتیق به خاک سپرده شد. از او کتابخانه‌ای با آثار خطی برجای مانده بود که جهت مخارج مراسم پس از مرگ به فروش رفت.

دانشوران بجنورد / ۱۲۴۱-۱۲۵۰.

ابراهیم زنگنه

می‌پرداخت. تا اینکه در سال ۱۳۶۰ هـ ش درگذشت و در صحن آزادی دفن شد. حاج سید محمد تقی فقاہتی (م ۱۳۷۳ هـ ش) امام جماعت مسجد جامع سبزوار برادر آیت‌الله حاج میرزا حسین فقیه سبزواری عموی ایشان بودند.

سبزوار شهر دانشوران بیدار، ۱۵۰/۲.

غلامرضا جلالی

(۲۸۸)

فقیه - ذبیح الله

(۱۲۶۷-۱۳۲۹ هـ ش)

حاج شیخ ذبیح‌الله فقیه فرزند حاج جعفرقلی از علمای بجنورد است. به سال ۱۲۶۷ هـ ش در این شهر به دنیا آمد. اجدادش از شوقان بودند. او پس از آشنایی با مبادی علوم دینی به مشهد آمد و در مدرسه نواب به فراگیری معارف اسلامی پرداخت و بعد از هشت سال تحصیل به نجف رفت و پس از اخذ اجازه اجتهاد از آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی به شهر خود

(۲۸۹)

فقیه سبزواری - حسین

(۱۳۰۹ - ۱۳۸۶ ه. ق)



آیةالله حاج میرزا حسین سبزواری مشهور به «فقیه سبزواری»، فرزند آیةالله میرزا موسی (۱۳۳۷ - ۱۲۶۵ ه. ق) سوم رمضان ۱۳۰۹ ه. ق در شهر سامرا به دنیا آمد و در سال ۱۳۱۸ ه. ق همراه پدر خود آیةالله میرزا موسی به سبزوار رفت و در آن جا به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی در سال ۱۳۲۶ ه. ق برای ادامه تحصیل وارد مشهد شد و در مدرسه فاضلخان حجره گرفت و از محضر دانتورانی چون حاج شیخ

حسن برسی، میرزا محمد باقر مدرس رضوی، میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری، حاج میرزا حسین از شاگردان میرزای شیرازی و حاج میرزا اسماعیل مجتهد، علم آموخت.

فقیه در طول تحصیلات خود در حوزه مشهد، شاهد فاجعه به توپ بستن حرم در روز دهم ربیع الثانی ۱۳۳۰ ه. ق بود و این فاجعه را در یادداشتهای منتشر نشده خود منعکس کرده است. وی شعبان سال ۱۳۳۱ ه. ق با دختر میرزا حسین صدرالعلماء (۱۳۲۹ - ۱۲۹۵ ه. ق) یکی از علمای برجسته سبزوار ازدواج نمود و شش سال در سبزوار اقامت کرد. در این مدت ضمن تدریس، خارج فقه و اصول را از محضر پدر و حکمت را نزد افتخار الحکما شاگرد کم مانند حاج ملا هادی سبزواری، فرا گرفت و سال ۱۳۳۸ ه. ق، پس از فوت پدر و طبق وصیت او، برای ادامه تحصیل به نجف رفت و فقه و اصول را نزد آیات میرزا حسین نائینی، سیدابوالحسن اصفهانی، آقاضیاء

عراقی و حاج سید محمد فیروزآبادی فرا گرفت و از همه اساتید خود اجازه اجتهاد دریافت نمود و به «فقیه سبزواری» اشتهار یافت.

وی علاوه بر درک محضر اساتید یادشده خود در سامرا، در نجف نیز از محضر شیخ حسن مامقانی، آیه الله شریبانی، آیه الله سید محمد بحر العلوم، شیخ محمد طه نجف، شیخ علی گنابادی و شیخ علی قوجانی بهره برد. و سال ۱۳۴۷ ه. ق. در ۲۸ سالگی به درخواست مردم سبزواری به ایوان بازگشت و در مشهد ساکن شد. پیش از آن نیز در تبریز و مشهد تدریس فقه و اصول و فلسفه و نیز اقامه نماز جماعت روی آورد و خدمات اجتماعی و عمرانی کم نظیری انجام داد. او مدرسه باغ رضوان را با ۱۶ هزار متر مربع مساحت به سال ۱۳۳۰ شمسی ساخت و تکیه سیدها را احداث کرد. درمانگاه رازی را تکمیل کرد و ۱۲۰ باب منزل در خیابان نخریسی و ۲۵ باب در خیابان خواجه ربیع برای سیل زدگان بنا نهاد و ۲۵۰۰ قطعه زمین را در

کوب طلاب در سال ۱۳۳۹ ه. ش. به طلبه ها و فضلاء حوزه مشهد واگذار کرد و مدرسه محمدیه را در سبزواری مدرسه ای در کویته پاکستان و دهها مسجد را در محلات مختلف مشهد ساخت و خود روز شنبه ۲۴ شوال ۱۳۸۶ ه. ق. / ۱۳۴۵ ه. ش. در ۷۷ سالگی راه ناهموار دنیای مادی را به آخر رساند و روحش به دار قرار برگشود و در محل مدرسه باغ رضوان خاک سپرده شد. هدایه الانام رساله عملی اوست و کتاب مناسک حج وی نیز پیش از این چاپ رسیده است. سیدزین العابدین (۱۳۳۲ - ۱۴۱۱ ه. ق.) سید محمد باقر، سید محمد جواد (۱۳۰۹ - ۱۳۸۴ ه. ش.) و سید محمد صادق از فرزندان مرحوم فقیه سبزواری هستند که در لباس روحانیت در خدمت حوزه مشهد به تدریس و امامت جماعت مشغول بوده و هستند.

غلامرضا جلالی

(۲۹۰)

فقیه سبزواری - سید جواد

(۱۳۰۹-۱۳۸۴ ه. ش)



حاج شیخ هاشم قزوینی و فلسفه را نزد
حاج شیخ محمد رضا کلباسی که همه
آنها از علمای بزرگ و اساتید بلند پایه
حوزه علمیه مشهد بودند، فرا گرفت و
خارج فقه و اصول را نزد پدرش به
پایان رساند و تقریراتی در فقه و اصول
نوشت.

جدیّت و تلاش علمی مرحوم حاج
سید جواد در حدی بود که پس از یک
دوره خارج فقه و اصول آیه الله سید
حسین فقیه سبزواری و سایر مراجع به
ایشان اجازه اجتهاد دادند.



آیه الله سید جواد فقیه سبزواری در

کنار تدریس مدتی مدیریت مدرسه
شرقی باغ رضوان را عهده دار بود. وی
در حوزه علمیه مشهد دوره سطح و
خارج فقه و اصول تدریس می نمود و
طلاب زیادی را تربیت کرد. پشتکار او
در تدریس بین طلاب ضرب المثل بود.

آیه الله سبزواری مدتها در مسجد
حاج حکیم واقع در خیابان طبرسی امام
جماعت بود و جمع زیادی از مردم،
بازاریها و طلاب در نماز جماعت

آیه الله سید جواد فقیه سبزواری

فرزند آیه الله العظمی سید میرزا حسین
فقیه سبزواری از سادات حسینی است.
هفتم ربیع الاول ۱۳۴۹ ه. ق. / ۱۳۰۹
ه. ش در مشهد مقدس رضوی به دنیا
آمد. پس از دوران طفولیت و کودکی
مقدمات دروس حوزوی را در مدرسه
محمدیه سعادت فرا گرفت. وی ادبیات
را نزد ادیب نیشابوری، شرح لمعه را نزد
آیات میرزا احمد مدرّس یزدی و
رسائل و مکاسب و دوره کفایه را نزد

تشییع و در جوار مرقد مطهر امام
رضانعلیه دفن گردید. وی مجموعه
کتابهای نفیس خود را وقف کتابخانه
مرکزی آستان قدس رضوی نمود.

علی جان سکندری

(۲۹۱)

فقیه قاینی - سید حسین

(۱۲۳۹-۱۳۳۳ ه. ش)



آیه‌الله آقا سید حسین فقیه قاینی،
مشهور به «امام» فرزند آیه‌الله آقا سید
زکی اندین حسینی ملقب به شیخ العلما
و امام جماعت مسجد جامع قاین، در
۱۲۳۹ ه. ش در شهر قاین، دیده به

شرکت می‌جستند. وی انسانی نکته‌سنج
بود و مسایل تاریخی را با شیرینی
خاص برای شاگردان بیان می‌نمود.
اهتمام فراوان در رفع نیازهای طلاب و
سادات و فقرا داشت. با سادگی در معابر
و خیابان رفت و آمد می‌کرد. او با تلاش
خستگی‌ناپذیرش همیشه در لابه‌لای
کتابهای خطی و قدیمی‌اش چنان
مسائل فقهی و اصولی را برای طلاب و
شاگردانش به زیبایی بیان می‌کرد که هر
طلبه‌ای در اولین جلسه درسش شیفته
تبحر و فن بیانش می‌شد.

به تحصیل کردگان علم دینی و
سادات احترام ویژه‌ای قائل بود. منزلش
به روی عموم مردم و به خصوص طلاب
باز بود. مورد مشورت بسیاری از
بزرگان بود ولی در مسائل سیاسی وارد
نمی‌شد. سرانجام پس از عمری تلاش و
فعالیت در راه ترویج اسلام و تربیت
طلاب روز سه شنبه اول آذر ۱۳۸۴
ه. ش به دیار باقی شتافت. پیکر پاکش
روز بعد، از مسجد حاج حکیم تا حرم
مطهر امام رضانعلیه به صورت با شکوهی

جهان گشود. وی تحصیلات خود را در قاین، نزد پدر و برادرش آقا سید حسن مجاهد که اوائل مشروطه، پس از بازگشت از نجف اشرف در تهران به شهادت رسید، شروع کرد. پس از آن نزد مرحوم آقا شیخ محمد فرزند اسماعیل بیهودی قاینی معروف به حاجی آخوند، که از علمای منطقه قاینات و از شاگردان و صاحب اجازه از مرحوم چارسوقی بزرگ بوده، تحصیل نمود. بعد در حالی که ۱۹ سال پیش نداشت به دعوت عمویشان عازم نجف شد و در درس مرحوم آخوند خراسانی شرکت جست و مجموعه‌ای را تدوین کرد که حاوی نقد و تقریر مباحث محقق خراسانی بود. ایشان با آیات عظام سید محمود شاهرودی، و مرحوم آقا سید احمد خوانساری هم‌بحث بود. در سال ۱۳۲۹ ق که مرحوم آخوند دار فانی را وداع کرد، برای ادامه تحصیل به درس مرحوم آقا شیخ علی گنابادی وارد شد، و تا سال فوت ایشان یعنی ۱۳۳۲ در درس ایشان حضور داشت و پس از

فوت استاد، ایشان برای دیدار خانواده به ایران آمد و در قاینات به دعوت علماء ماندگار شده و در حوزه علمیه درس را شروع نمود و تعداد زیادی از طلاب در درس ایشان حضور یافتند. پس از تخریب حوزه علمیه قاین توسط رضاخان، با تلاش روحانیون قاین به سرپرستی مرحوم امام، املاک و موقوفات مدرسه پس گرفته شد و مدرسه مجدداً احیا گردید. مرحوم آقا سید حسین امام در سالهای آخر حیات، نیز در مسجد جامع قاین، درس خارج فقه شروع کرد و جمعی از فضلاء قاین در بحث ایشان شرکت می‌جستند.

ایشان در رجب سال ۱۳۲۴ ق / اسفند ۱۳۳۲ ش برای معالجه بیماری، و زیارت حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام عازم مشهد شد و بر اثر کبر سن، و ضعف جسمانی، در روز ۲۴ رجب، دار فانی را وداع گفت و به دستور نیابت تولیت وقت آستان قدس رضوی در صحن عتیق دفن گردید.

(۲۹۲)

فلسفی - میرزا علی

(۱۲۹۹-۱۳۸۴ ه.ش)



از ایشان علاوه بر مجموعه‌ای از استفتائات، یک موسوعه فقهی به نام الرسائل الفقیهیه که تقریر و نقد مباحث مرحوم آخوند است و همچنین مجموعه‌ای در علم رجال به نام الثقات من الرجال و حواشی بر رساله عملیه آیه‌الله شیخ حسن صاحب جواهر و رساله عملیه فارسی مرحوم آخوند خراسانی باقی مانده است.

در سال ۱۳۸۲ بخشی از فهرست

نسخ خطی ایشان در ضمن مجموعه‌ای

به نام فهرست نسخ خطی کتابخانه‌های

قاین به چاپ رسید.

معلم ربانی، فقیه محقق و اصولی

مدقق، آیه‌الله حاج میرزا علی آقا

فلسفی در ربیع الثانی ۱۳۳۹ ق /

۱۲۹۹ ش در تهران به دنیا آمد و با

ولادتش چشم پدر را به چهارمین پسر

خانواده، پس از حاج شیخ ابوالقاسم،

حاج شیخ محمد تقی و مرتضی روشن

ساخت.

پدرش آیه‌الله حاج شیخ محمد رضا

تنکابنی (۱۲۸۲-۱۳۸۵ ق) فرزند شیخ

محمد واعظ تنکابنی، از علمای

ایشان سه فرزند داشتند؛ سید زکی

الدین (فوت ۱۳۷۴ ق) دبیر بازنشسته،

آیه‌الله سید محمد علی فقیه (فوت

۱۳۷۴ ش) مدفون در قاین و سید حسن

فقیه، کارمند بهداری (فوت ۱۳۷۵ ش)

مدفون در مشهد مقدس.

علی سکندری

اساتید آن سامان، و بیشتر از همه نزد پدر خود فرا گرفت.

سال ۱۳۲۴ ش با اتمام کامل دوره سطح در تهران، در حالی که ۲۵ سال داشت بار سفر به عتبات بست و در مدرسه سید محمد کاظم یزدی در نجف رحل اقامت افکند و تا سال ۱۳۴۰ ش در آن دیار به تعلّم و تفقّه و تدریس پرداخت.

ایشان پس از ارزیابی دروس ^{فراگیری از بزرگان فقه و اصول نجف،} ^{تخصیص در درس آیت الله شیخ محمد علی کاظمینی از بزرگان فقه و اصول نجف،} ^{که بزرگان فقه و اصول نجف،} آیت الله نائینی، شرکت جست. پس از فوت استاد، مدت کوتاهی به درس آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی و آنگاه در درس فقه و اصول آیت الله سید ابوالقاسم خویی شرکت کرد. وی دو دوره کامل اصول فقه و ابواب متعددی از فقه را در محضر ایشان آموخت و در جلسه استفتاء آیت الله خویی در تعلیق بر عروة الوثقی و وسیلة النجاة نیز عضویت داشت.

برجسته تهران بود. مرحوم حاج شیخ محمد رضا تنکابنی شش سال از محضر فقهی آیت الله حاج شیخ حبیب الله رشتی استفاده کرد و سالیانی در مجلس درس اصول فقه آیت الله شیخ محمد کاظم آخوند خراسانی، فقه آیت الله سید کاظم یزدی و اخلاق و سلوک آیت الله حاج ملا حسینقلی همدانی بهره مند گردید. ایشان تقریرات قابل توجهی از اساتید خود داشت و از همین رو، وی عالمی جامع و مورد توجه خاص و عام بود. آیت الله حاج میرزا هاشم آملی و آیت الله آخوند ملا علی همدانی از شاگردان ^{که بزرگان فقه و اصول نجف،} ایشان بودند.

کودکی آیت الله فلسفی در تهران گذشت و پس از گذراندن مکتبخانه، در حدود یازده سالگی تحصیل علوم اسلامی را آغاز کرد. دروس مقدمات را نزد برادر ارشد خویش، حاج شیخ ابوالقاسم، شیخ حسین نوایی، سید محمد حسین بروجردی و سید محمد قصیر به پایان برد. سپس دروس سطح، لمعه، رسائل، مکاسب و کفایه را نزد

در خلال همین سالها، به تدریس سطح مشغول شد و تا پایان اقامت در نجف، تمام دروس سطح اعم از لمعه، رسائل، مکاسب و کفایه را تدریس نمود. به دلیل تسلط علمی فوق العاده و بیان روان و شیوا، دروس ایشان به ویژه کفایه مورد توجه خواص قرار گرفت.

در سال ۱۳۴۰ ش جمعی از متدینین تهران نامه‌هایی را به آیات عظام حکیم و خویی فرستادند تا از آیه‌الله فلسفی بخواهند به دیار خود باز گردد و اقامه جماعت در مسجد لرزاده‌ی میبدان خراسان را پس از مرحوم حاج شیخ سید علی اکبر برهان برعهده گیرد. به این ترتیب، آیه‌الله فلسفی با کوله‌باری از فسقاهت و علم، که اجازه اجتهاد استادش آیه‌الله خویی گواه آن بود، به تهران مراجعت کرد. در سال ۱۳۴۵ ش با رحلت پدر و برای انتقال پیکر ایشان به نجف اشرف و دفن در جوار مرقد امیر مؤمنان علیه السلام به آنجا بازگشت و پس از انجام این وظیفه، به تهران آمد.

در تهران علاوه بر اقامه جماعت در

مسجد لرزاده، به تدریس دروس خارج برای حوزویان، و پس از اصرار مردم و تأکید برادرشان واعظ شهیر مرحوم حاج شیخ محمد تقی فلسفی، به وعظ و تعلیم معارف اسلامی برای عموم مردم پرداخت. قوت فکری و علمی و مطالعات گسترده برای این مجالس، این دروس را بسیار غنی، و مردم را شیفته شخصیت و جامعیت ایشان ساخت. سال ۱۳۴۹ ش که خفقان حکومت پهلوی به اوج خود رسید، و روحانی مبارز آیه‌الله سید محمد رضا سعیدی در زندان شهید شده بود، مجلس فاتحه‌ای از سوی آیه‌الله فلسفی در مسجد لرزاده برگزار شد. اما در همان آغاز با دخالت نیروهای رژیم وقت، از ادامه مجلس جلوگیری شد.

آیه‌الله فلسفی در حدود سال ۱۳۵۰ ش به درخواست مرحوم آیه‌الله میلانی ابتدا مدتی کوتاه، و سپس به صورت دائمی به اقامت در جوار عالم آل محمد امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و تدریس در حوزه علمیه مشهد مصمم

گردید. این تصمیم مورد استقبال علما قرار گرفت و بلافاصله، دروس خارج ایشان به یکی از پر رونق‌ترین دروس فقه و اصول این حوزه مبدل شد. می‌توان گفت که دروس ایشان چند سال پس از شروع، تا زمان رحلت آن فقید، همواره پر جمعیت‌ترین دروس فقه و اصول حوزه مشهد بود.

ایشان، مبانی فقه و اصول خود را در مدرسه میرزا جعفر، مسجد ملاحیدر، و در دوره‌های اخیر در تالار اصلی مدرسه آیه‌الله خویی، برای انبوه شاگردان تدریس می‌کرد. در این دوره استاد فرزانه، در مقایسه با سایر دروس مشهد و قم، نمونه‌ای کم‌نظیر از شیوایی تعبیر و تقریر و روانی بیان به‌شمار می‌آمد. بطوریکه تعداد زیادی از طلاب و فضلاء حوزه، از محضر ایشان بهره جستند. بسیاری از آنها در زمان حیات استاد، از مدرسان خارج فقه و اصول و پژوهشگران برجسته علوم اسلامی به‌شمار می‌آمدند.

نماز جماعت ایشان در مسجد شهدا

(بناها)، از جماعت‌های مورد توجه خواص بود که با حال و هوای معنوی اقامه می‌گردید.

ایشان در دهه پنجاه شمسی، از ارکان حوزه علمیه مشهد در حمایت از انقلاب اسلامی بود و پس از پیروزی این انقلاب شکوهمند، به انتخاب مردم از استان خراسان به همراه جمعی دیگر از بزرگان حوزه، به عنوان عضو مجلس خبرگان قانون اساسی در مراحل تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شرکت جست.

از برکات آن مرحوم که علاوه بر حوزویان، عموم مردم از آن بهره‌مند بودند، مجالس اعتقادی و اخلاقی بود که ماه‌های رمضان در مسجد شهدا، و به صورت هفتگی در مسجد کوچک جنب منزل ایشان، مسجد موسی بن جعفر علیه السلام، برگزار می‌شد.

مجالس اخلاق ایشان در ماه رمضان، مجلس موعظه‌ای بود که در آن به جای اکتفا به ارشاد نظری، عملاً و بالفعل تأثیر عمیق کلام و نفس ایشان به

صورتی دیرپا در مستمعان می ماند. بیانات ایشان در این مجالس، چنان از صمیم جان و با حرارت خاصی ادا می شد که بارها انبوه جمعیت را به گریه وامی داشت.

گریز آن عالم وارسته از مال و مقام، اگر چه از جنس مناصب دینی همچون مرجعیت باشد بی نیاز از شرح و توضیح بود. همین پرهیز شدید میان ایشان و دو

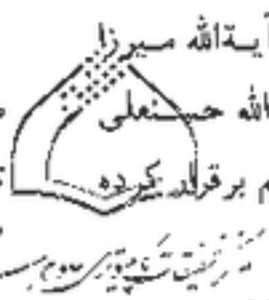
عالم ممتاز دیگر یعنی آیه الله میرزا جواد آقا تهرانی و آیه الله حسینی مروارید پیوندی مستحکم برقرار کرده بود.

ایشان به هیچ کاری تا از درستی و بایستگی آن مطمئن نمی شد، اقدام نمی کرد. در عین حال، آن جا که پای تکلیف و مسئولیت در میان بود، وارد میدان می شد. ایشان ریاست هیأت مدیره یکی از نخستین صندوق های قرض الحسنه کشور، صندوق قرض الحسنه حوزه علمیه مشهد، را تا پایان عمر برعهده داشت و فعالانه امور آن صندوق و کتابخانه و فروشگاه وابسته

به آن را دنبال می کرد. بی تکلف بود و در عین ابهت، بسیار متواضع. او خریده های مورد نیاز خانواده را خود انجام می داد و گاهی مدت ها در صف نانوایی توقف می کرد. دقیق و به دور از مجامله و هرگونه اغراق یا فروکاستی سخن می گفت. حالت غالب ایشان سکوت بود و کلمه ای که به آسانی به زبان می آورد، «نمی دانم» بود.

سرانجام ایشان در عصر هشتم محرم: به دلیل سکت قلبی در بیمارستان تخصصی قلب جوادالائمه بستری گردید و ساعتی پیش از اذان ظهر تاسوعای حسینی ۱۴۲۷ ق / ۱۹ بهمن ۱۳۸۴ ش به ملکوت حق پیوست.

بیکر آن مرحوم از محل مسجد شهدا به سمت حرم مطهر در فضایی آکنده از اندوه و غم، با حضور اساتید و طلاب حوزه و مردم تشییع گردید. حضور پرشور جوانان در این تشییع، نمایانگر آن بود که فاصله زیاد سنی آن عارف روشن ضمیر با این نسل مانع ارادت و ارتباط صمیمی آنها نبوده است. نماز بر



بیکر ایشان به امامت حضرت آیه‌الله وحید خراسانی در صحن آزادی خوانده شد، و آنگاه در جوار لطف حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام در رواق دار السور آرامید.

مجتبی الهی خراسانی

(۲۹۳)

فهرستی تهرانی - محمد مهدی

(۱۳۱۵ هـ ش)

گردآوری کتابخانه جامعی بود که در زمان حیاتش در سال ۱۳۱۰ هـ ش به کتابخانه آستان قدس وقف نمود. وی روز هشتم سال ۱۳۱۵ هـ ش درگذشت و جنازه‌اش در صحن جدید مقابل ایوان طلا دفن گردید.

ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۹۳،

شمس‌الشموس / ۳۲۵؛ واقفین عمده

کتاب / ۲۰.

ابراهیم زنگنه

(۲۹۴)

فهری زنجانی - سید احمد

(۱۳۰۱ - ۱۳۸۵ هـ ش)

آیه‌الله حاج سیداحمد فهری زنجانی فرزند حاج سید سجاد فهری از علما و دانشمندان زنجان، در سال ۱۳۰۱ ش در شهر زنجان چشم به جهان باز کرد. پس از تحصیل مقدمات عازم قم شد و بیش از یک سال از درس آیه‌الله آقا نجفی مرعشی استفاده برد و در سال ۱۳۲۰ ش عازم نجف شد و در محضر آیات حاج آقا روح الله خمینی علیه السلام،



شیخ محمد مهدی فرزند یحیی

افرازی قزوینی فهرستی ملقب به

«عمادالدین تهرانی» از علماء ادباً و اهل

منبر بود. تحصیلات خود را در مشهد به پایان برد و به کار تبلیغ روی آورد. کتابی در شرح و جیزه شیخ بهایی نوشت و حواشی بر شرح فصوص قیصری به رشته تحریر درآورد. این کتاب در زمان اسدی نایب‌التولیه آستان قدس چاپ شد. او به جهت اشتغال به فهرستنویسی در کتابخانه مرکزی آستان قدس به «فهرستی» اشتهار یافت. از اندوخته‌های عمر پر بار او

سالار شهیدان، معراج روحانی و کتاب
الخمینی فی القرآن و ترجمه کتاب‌های
خصالی صدوق، عبدالله سبا، اسس
المنطقية للاستقرا شهید صدر، اسرار
الصلاة و آداب الصلاة امام خمینی علیه السلام
اشاره کرد. ایشان تدوین کننده بخشی از
مباحث اصولی امام خمینی علیه السلام تحت
عنوان طلب و اراده بوده است.

آیه‌الله فهری مورد تأیید و علاقه امام و
حاج احمد آقا و مقام معظم رهبری
بوده‌اند و از دوستان نزدیک مرحوم
آیه‌الله آقا مصطفی خمینی و امام مرسى
صادق علیه السلام بودند.

وی در سال ۱۳۶۰ به نمایندگی امام
خمینی علیه السلام، در سوریه و لبنان جهت
ساماندهی امور مذهبی و زیارتی
منصوب شد و طی حکمی در ۱۳ رجب
۱۴۰۸ / ۱۲ اسفند ۱۳۶۶ از سوی امام
خمینی علیه السلام به عنوان امام جمعه دمشق
منصوب گردید. در این حکم آمده
است: «جناب حجة الاسلام آقای
سید احمد فهری دامت برکاته، بر طبق
این حکم جناب عالی به سمت امام



آقامیرزا باقر زنجانی، سید ابوالقاسم
خویی و سید جمال گلپایگانی علیهم السلام
سطح و خارج را به پایان برده و علیهم السلام

۱۳۳۰ ش به میهن برگشت و مدت ۱۴
سال در کرمانشاه اقامت گزید و به اقامه
جماعت در مسجد جامع این شهر
پرداخت و در این مسجد کتابخانه‌ای
تأسیس کرد و تولیت آن را بعد از
درگذشت خود به عهده آستان قدس
رضوی گذاشت.

آیه‌الله فهری در سال ۱۳۴۵ به تهران
بازگشت و آثار زیادی را نشر داد. از
آن جمله می‌توان به تألیف کتاب‌های

روستای دلیقان گناباد در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود و در سال ۱۲۹۱ ه.ش برای ادامه تحصیل به مشهد عزیمت کرد و در مدرسه نواب در حجره برادر بزرگش مرحوم شیخ محسن گنابادی اقامت نمود و در حلقه درس میرزا عبدالجواد نیشابوری، آقا بزرگ حکیم، میرزا محمد آقازاده، حاج آقا حسین قمی و حاج آقا بزرگ اشرفی شاهرودی با ادبیات عرب، حکمت و کلام و فقه و اصول آشنا شد. از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۲ ه.ش خود در همان مدرسه به تدریس ادبیات پرداخت و در جریان تغییر لباس علما، به نجف رفت و در مدرسه سید محمدکاظم ساکن شد و سالها ضمن بهره‌گیری از درسهای خارج فقه و اصول آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء عراقی، خود به تدریس شرح منظومه سبزواری و اشارات ابوعلی سینا پرداخت. وی با دختر مرحوم آیه‌الله شیخ محمد علی کاظمینی صاحب تقریرات نائینی ازدواج نمود و در سال ۱۳۲۹ ش به

غلامرضا جلالی

۱ - شرح زندگانی دانشمندان وواب، رجال لشکری و کشوری استان زنجان: تألیف کریم نیرومند، انتشارات عود، ۱۳۸۵/۱۸۶ - ۱۸۴.

فیاض - عبدالمجید ← مجیدی فیاض
- عبدالمجید

(۲۹۵)

فیض گنابادی - عبدالرحیم

(۱۲۷۶ - ۱۳۶۴ ه.ش)



آیه‌الله حاج شیخ عبدالرحیم فیض
گنابادی در سال ۱۲۷۶ ه.ش در

گناباد بازگشت و در حوزه علمیه
 کاخک به تدریس شرح لمعه، مکاسب،
 رسائل و کفایه و نیز شرح منظومه و
 اقامه جماعت مشغول شد. در جریان
 زلزله گناباد سخت مجروح گردید و
 مدتی در بیمارستانهای مشهد تحت
 مراقبت قرار گرفت و به درخواست

بزرگان شهر در مسجد گوهرشاد به
 اقامت نماز جماعت مبادرت ورزید.
 ایشان فردی آزاداندیش بو و از
 جریانات انقلاب اسلامی حمایت
 می کرد. در شب پنجشنبه ۱۹ تیر ۱۳۶۴
 ه. ش داعی حق را لبیک گفت و در
 صحن آزادی نزدیک حوض دفن شد.

ابراهیم زنگنه



مرکز تحقیقات - کتابخانه و اسناد - مسجد

ق

(۲۹۶)

قابچی - حسن

(- ۱۳۴۵ هـ ق)

نقباء البشر ۱/۴۳۵

فرهنگ خراسان ۴/۶۳

سید حسن حسینی

(۲۹۷)

قاسم

(- ۱۳۰۹ هـ ق)

شیخ حسن قابچی کاظمی خراسانی
از علمای بزرگ و فقهای جلیل القدر در
آغاز زندگی در کاظمین زندگی می‌کردند

و مبادی علوم را در آنجا فراگرفتند

شیخ قاسم از علمای معاصر شیخ
محمد رحیم پروچردی (م ۱۳۰۹ هـ ق)
بوده است. وی در مشهد سکونت داشت
و به اقامه جماعت و ترویج احکام
اسلامی اشتغال می‌ورزید و ۲۵ ذیقعدة
سال ۱۳۰۹ هـ ق درگذشت و در حرم
نسطهر متصل به در ورودی رواق
پایین پای مبارک، دفن گردید.
ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۸۵.

ابراهیم زنگنه

بعد از آن به سامرا رفت و در درس
آیةالله میرزا حسن شیرازی شرکت کرد
و مدتی هم در نزد سید اسماعیل
شیرازی و سید محمد اصفهانی تلمذ
نمود. بعد از وفات شیرازی به حوزه
درس میرزا محمد تقی شیرازی رفت،
سپس به مشهد مقدس آمد و مقیم شد و
به وظائف شرعی پرداخت او در سال
۱۳۴۵ هـ ق در این شهر درگذشت و در
دارالسیاده به خاک سپرده شد.

(۲۹۸)

قائنی - ابوتراب

(- حدود ۱۳۲۸ هـ ق)

آیه الله ابوتراب فرزند سید ابوطالب (م ۱۲۹۳ هـ ق) از فقها و اصولیون و انسانی متخلق به اخلاق نیک بود، در ادبیات فارسی نیز دست داشت و در شعر انوار تخلص می کرد. نزد آیه الله سید حسین کوه کمری در نجف درس خواند و جایگاه علمی ویژه در فقه و اصول و حکمت و ادب یافت. بعدها به قاین برگشت و به کار قضا پرداخت و در اواخر زندگی خود به دلیل ناسازگاری با حکام زمان، به مشهد مهاجرت نمود و در حدود سال ۱۳۲۸ هـ ق در این شهر درگذشت و در دارالسیاده حرم دفن شد. سید ابوطالب خراسانی فرزند اوست. اسرار التوحید در تفسیر سوره توحید، دیوان شعر فارسی، کواکب سبعة، فوائد الغرویه در درایه و رجال، صلاة المسافر، مناسک حج و المکاسب از آثار اوست.

اعیان الشیعه ۳۰۹/۲، بهارستان / ۳۲۶

(۲۹۹)

قائنی - سید جواد

(قرن ۱۴ هـ ش)

سید جواد قائنی فرزند سید حسن قائنی از علمای بزرگی است که در شهر قاین متولد گردید. پدر وی عالمی عالی مقام بود و به ترویج احکام و امر به معروف و نهی از منکر می پرداخت و در اواخر اوقات به تألیف، تصنیف و تدریس مشغول بود. کتاب قصوی در علم منطق و الابصار در علم اصول فقه و فهرست الاصول و الوثائق در فقه استدلال از آثار اوست.

فرزندش سید جواد نیز از علمای قاین بود و در رشادت و بزرگی شهرت داشت و امور شرعیه قاین بر عهده او بود در طی سفری که به مشهد داشت به رحمت ایزدی پیوست و در همانجا مدفون گردید.

بهارستان / ۲۸۲.

(۳۰۱)

قزوینی - مجتبی
(۱۳۱۸ - ۱۲۸۶ هـ ق)

علی سکندری



(۳۰۰)

قائینی - شاه میرزا
(۱۰۹۲ - ۱۰۹۲ هـ ق)

شاه میرزا قائینی فرزند حسن اهل فضل و کمال بود. علوم عقلی را نزد خوانساری شارح دروس (۱۰۱۶ -

۱۰۹۸ هـ ق) خواند. از ذکاوت بالایی برخوردار بود. در مشهد ماند تا این که به سال ۱۰۹۲ هـ ق از دنیا رفت.



تعلیقاتی چند بر کتابهای فقهی و فلسفی ^{مرحوم} آیه الله حاج شیخ مجتبی قزوینی نوشت. برخی از علمای معاصر حکم به کفر و نجاست او دادند. طبقات اعلام الشیعه / ۲۵۷.

غلامرضا جلالی

وی در سال ۱۳۱۸ هـ ق در قزوین در خانواده‌ای روحانی متولد شد و با مقدمات و مبانی علوم در شهرهای قزوین و تهران آشنا شد و سال ۱۳۳۰ هـ ق همراه پدر به عراق رفت و مدت هفت سال در شهر نجف از محضر

قبلة الکتاب ← مشهدی - سلطانعلی،
جلد دوم

قدس ← رضوی - محمد

قدس خراسانی ← جلد دوم

بزرگانی چون سید محمد کاظم یزدی، میرزا محمد تقی شیرازی و میرزا محمد حسین نائینی بهره جست و پدرش مرحوم میرزا احمد که از شاگردان حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی بود در سال ۱۳۳۲ هـ ق در نجف فوت کرد.

پس از بازگشت به وطن، دو سال در قزوین ماند و در آن جا با افکار سید موسی زراآبادی قزوینی آشنا شد و به سیر و سلوک شرعی روی آورد و از

عرفان و اشراق گنوسی و اسکندرانی دیده بازگرفت و به جستجوی اسلام ناب و عرفان و فلسفه اسلامی پرداخت. در سال ۱۳۳۹ هـ ق به قم رفت و

مدتی از محضر آیه الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه قم استفاده برد و سال ۱۳۴۱ هـ ق به مشهد آمد و در محله دریادل جنب تکیه و مسجد علی اکبرها سکونت یافت و ضمن اقامه نماز در مسجد مرویها از معارف بلند بزرگانی چون آقا بزرگ حکیم، میرزا محمد آقازاده، شیخ اسدالله عارف یزدی، شیخ موسی خوانساری، میرزا

مهدی غروی اصفهانی و حاج آقا حسین قمی استفاده برد و به مدت چهل سال در حوزه علمیه مشهد به تدریس پرداخت و شاگردان برجسته‌ای را در مکتب فکری خود پرورش داد. ایشان معارف قرآنی و دوره سطح و خارج فقه و اصول را برای عموم طلبه‌ها و متون فلسفی از جمله اشارات و اسفار را برای خواص به روش اجتهادی و همراه نقد تدریس می‌کرد.

در بین سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۴ هـ ش بیان الفرقان را در ۵ جلد به رشته تحریر درآورد و رساله‌ای در معرفه النفس، رساله‌ای در نقد اصول یازده گانه ملاصدرا شیرازی و آثاری در برخی از علوم غریبه نوشت.

او زندگی بسیار ساده‌ای داشت و نمونه‌ای مجسم از پرهیزکاری و پارسایی بود و از طلبه‌های درس‌خوان سخت حمایت و پشتیبانی داشت و برای سادات احترام ویژه‌ای قائل بود. روز ۲۲ ذیحجه سال ۱۳۸۶ هـ ق / ۱۴ فروردین ۱۳۴۶ هـ ش چشم از سرای

سرابین فروبست و به رحمت الهی
 واصل گردید و در جانب غربی صحن
 عتیق دفن شد.

الذریعه ۱۱۶/۲۶، نگاه حوزه، ش ۱۲، ص ۱۴،
 مجله حوزه، ش ۱۵، ص ۴۴-۴۹، کیهان فرهنگی، ش ۱۲، ص ۳۳
 ۳۵

غلامرضا جلالی

(۳۰۲)

قزوینی - مهدی

(۱۳۱۳ هـ ق)

حاج شیخ مهدی قزوینی از واعظان
 شناخته شده اوایل قرن ۱۴ هـ ق است.
 وی از قزوین به منظور همجواری و
 برخورداری از نفعات معنوی
 مشهدالرضا علیه السلام به این شهر آمد و به
 وعظ و تبلیغ مشغول گردید. کتابخانه
 جامعی داشت و از آن برای مطالعات
 دینی و علمی خود بهره می برد. در اواخر
 عمر همه کتابهای خود را به کتابخانه
 آستان قدس رضوی تقدیم نمود. او در
 سال ۱۳۱۳ هـ ق در مشهد درگذشت و

در صحن عتیق به خاک سپرده شد.
 ستارگان در کنار خورشید ولایت / ۲۵.

(۳۰۳)

قزوینی - هاشم

(۱۲۷۰ - ۱۳۳۹ هـ ش)



آیةالله حاج شیخ هاشم قزوینی از
 بزرگان علما و مدرسین قرن چهاردهم
 هجری حوزه علمیه مشهد است در
 سال ۱۲۷۰ هـ ش در قلعه هاشم خان
 قزوین متولد شد. مقدمات و قسمتی از
 سطح را در قزوین و تهران آموخت
 پس از بهره‌وری از محضر اساتید آن جا
 به مشهد آمد و مدتی از محضر آیةالله

حاج میرزا محمد آقازاده و آیه الله میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده برد و خود به تدریس سطوح عالی و خارج پرداخت و در مدت زمانی نه چندان طولانی توانست با پرورش شاگردان نامدار، تأثیر انکارناپذیری بر فضای علمی و معنوی حوزه مشهد بگذارد.

وی رسائل، مکاسب، کفایه و خارج اصول را در مدرسه فاضلخان و مدرسه نواب تدریس می کرد و به تعبیر مقام معظم رهبری حضرت آیه الله سید علی خامنه ای، حلقات درس او از لحاظ کم و کیف بی نظیر بود. آیه الله واعظ طنسی می نویسد: «حاج میرزا مهدی نوغانی، استاد محمد تقی شریعتی، استاد کاظم مدیرشانه چی، استاد محمدرضا حکیمی، آیه الله صالحی و در رأس همه آیه الله خامنه ای از شاگردان مکتب مرحوم قزوینی به شمار می روند.

بدون تردید مهمترین نقش شیخ هاشم قزوینی، نه تدریس، بلکه تعلیم بوده است. او به نوشته استاد محمدرضا حکیمی، نمونه برجسته یک عالم دینی

و یک روحانی اسلامی واقعی بود. مردی خردمند، وارسته، متواضع، هوشیار، متعهد، شجاع، روشن بین و بیزار از عوام فریبی و انحطاط پراکنی و ارتجاع گرایی بود. سعه صدر و مشرب مرحوم حاج شیخ هاشم، مورد تأیید همه شاگردان وی است. حضرت آیه الله خامنه ای در سخنرانی ۱۱ تیر ماه ۱۳۶۴ در مراسم دیدار با امام جمعه و جمعی از مسئولین قزوین یادآور شده است: «مرحوم آقا شیخ هاشم بسیار برای ما محبوب بود. عالمی بود بسیار سنگین، متین، خوش بیان، اهل معنی و زاهد و بی اعتنا به دنیا، در عین حال بسیار روشنفکر، آن زمان که اهل علم اهل روزنامه خوانی و مجله خوانی و این چیزها نبودند، ایشان مرتباً مجلات مختلف را می گرفت و در جیبش می گذاشت، طوری که کاملاً دیده شود و با آن محاسن سفید خیلی مرد بزرگی بود».

آیه الله شیخ هاشم قزوینی در طول حیات خود، در جریانهای مهم سیاسی

خراسان شرکت فعال داشت. ایشان از نقش آفرینان واقعه گوهرشاد بود و در شمار مجتهدینی قرار داشت که پیش از واقعه در منزل مرحوم آیه الله سید یونس اردبیلی، طی تصمیم شجاعانه‌ای به رضاخان تلگراف زدند و عمل وی را در زمینه کشف حجاب نکوهیدند. به همین دلیل صبح روز یکشنبه ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۱۴ هـ ش همراه امضاکنندگان دیگر، یعنی آیات و

آمد و به تدریس پرداخت.

شیخ هاشم قزوینی سرانجام روز ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۸۱ هـ ق / ۲۲ مهر ۱۳۳۹ هـ ش درگذشت و جنازه‌اش در راهرو رواق دارالضیافه حرم مطهر رضوی واقع در سمت راست ایوان طلای صحن آزادی که در حال حاضر کفشداری شماره ۷ می‌باشد، به خاک سپرده شد.

دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی در سوگ استاد خود قصیده‌ای سروده

است و ما چند بیت از آن را در ذیل

می‌آوریم:

امروز بامداد، خراسان بود
گیسوی آفتاب پریشان بود
می‌خواست، شمع صبح برافروزد
دست سپیده، خسته و لرزان بود
و آن روشنائی صبحدم آفاق
مشرق نبود، چاک گریبان بود
در هر کراتی از افق مشرق
اندره بیکرانه نمایان بود
اندره سایه گستر اندوهش
در سوگ آفتاب خراسان بود

حجج اسلام: سید یونس اردبیلی، سید هاشم نجف آبادی، سید علی اکبر خونی

پدر سید ابوالقاسم خوبی، حاج میرزا حبیب ملکی، سید علی سیستانی، شیخ آقابزرگ شاهرودی، شیخ علی اکبر آشتیانی و سید عبدالله شیرازی بازداشت و پس از هشت روز، شب‌هنگام به تهران اعزام شدند.

آیه الله قزوینی تا شهریور ۱۳۲۰ اجازه بازگشت به مشهد را نداشت، بعد از سقوط رضاخان با توصیه آیه الله میرزا مهدی اصفهانی و درخواست عده‌ای از فضلا، ایشان مجدداً به مشهد

آنکه درفش بـ ارقه فـ ضلش
 بر آسمان علم چو کیوان بود
 امـ وخت فرق باطل و حق ما را
 رمز آشنای معنی فرقان بود
 گـ سـ تیز در ره حق جویی
 یکتا مبارز صف میدان بود
 در ملک زهد و کشور استغنا
 بی تاج و تخت، حاکم و سلطان بود
 آن مشعل هدایت انسانی
 بنیاد فخر کشور ایران بود
 نگاه حوزه، شماره ۵ / ۶ - ۸

تلمذ نمود. بعد به اصفهان رهسپار
 گردید و در محضر مرحوم شیخ محمد
 تقی تحصیلاتش را ادامه داد تا به درجه
 اجتهاد رسید. پس از آن به کربلا مشرف
 شد و دو سال در محضر درس مرحوم
 آقا سید محمد فرزندی سید علی
 طباطبایی صاحب ریاض المائل
 حاضر گشت و پس از استفاده احکام و
 قواعد فقهی به ارض اقدس مراجعت



او بعد از وفات برادر مرجعیت عام

غلامرضا جلالی و در امور شرعی و ترویج احکام

قصیر - سید محمد - رضوی - محمد

همکاری و معاشرت نمی‌کرد و جمعی از
 علما از محضر درس او به مرتبه بالایی
 از علم و عمل دست یافتند.

حاج میرزا نصر الله، ملا محمد صادق
 نیشابوری و آقا میرزا بابای سبزواری از
 شاگردان ایشان بودند. در اوائل فتنه
 سالار او حسن خان سالار را دعوت کرد
 و نصایح مشفقانه با او در میان نهاد ولی
 اثری نبخشید، به سمت عتبات اعزام شد،
 و زمانی که مشهد به دست نیروهای

(۳۰۴)

قصیر ثانی - محمد

(- ۵۱۲۷۸ ق)

او فرزند سید محمد قصیر است. وی
 یکی از علما و فقهای مشهد مقدس و از
 مدرسان عالی مقام حوزه علمیه بود و
 بعد از برادرش سید حسن به ریاست
 رسید و در خدمت پدر خود در مشهد

از فرزندان زعیم شیعه مرحوم آیه‌الله
العظمی حاج آقا حسین قمی (متوفی
۱۳۲۵ ش) است.

وی در سال ۱۳۲۹ ق در نجف به
دنیا آمد. دوران کودکی خود را همان جا
گذارند و در خدمت والد خود به مشهد
آمد و در سال ۱۳۵۰ ق به عتبات رفت
و در آن جا از محضر آیه‌الله میرزا
حسین نائینی و بعضی دیگر از اساتید
مبرز نجف بهره برد. سپس به مشهد
بازگشت و در جریان مسجد گوهرشاد
همراه والد خود به عتبات تبعید شد و در
کربلا از محضر والد و اساتید دیگر
استفاده کرد و خود به تدریس سطوح
عالی پرداخت.

آیه‌الله قمی، پس از ارتحال واند معظم
در نجف سال ۱۳۲۵ ش به مشهد
بازگشت و در مسجد گوهرشاد به اقامه
نماز و تدریس خارج فقه و اصول
پرداخت. او در جریان نهضت خرداد
سال ۱۳۴۲ / ۱۳۶۸ ق امام خمینی رضی
را همراهی نمود. بیت ایشان به محاصره
مامورین رژیم پهلوی درآمد و ایشان

دولتی افتاد سید محمد به مشهد برگشت و
در جوار آستان قدس بود تا اینکه در ماه
شعبان سال ۱۳۷۸ درگذشت و در پشت
سر مبارک به خاک سپرده شد.
فرهنگ خراسان، ۴۰۳/۷-۴۰۱.

سید حسن حسینی

قطب المحدثین ← موسوی - موسی

(۳۰۵)

قمی - حسن

(۱۳۲۹ - ۱۴۲۸ ق)



آیه‌الله حاج آقا حسن طباطبایی
قمی از علمای مبارز و از مراجع عظام و

بازداشت و به تهران منتقل شد. تا این که محمدرضا پهلوی که روز ۱۶ فروردین ۱۳۴۲ ش در حرم مطهر امام حضرت رضا علیه السلام حضور یافته بود، با بازگشت آیه الله قمی به مشهد موافقت نمود و فردای آن ایشان آزاد شد و به مشهد بازگشت و بار دیگر به مبارزه خود علیه جنایات رژیم پهلوی ادامه داد. او در جریان تبعید امام خمینی علیه السلام و مآله کاپیتولاسیون در بیستم آذر ۱۳۴۳ یک اعلامیه و در اعتراض به تبعید امام به ترکیه در بیست و چهارم مهر ۱۳۴۴ اعلامیه دیگری را منتشر نمود و با آیت الله کاشانی علیه السلام و دیگران همکاری کرد.

در روز ۳ فروردین ۱۳۴۶ شیخ موسی قمی پیامی از امام خمینی علیه السلام به آیه الله قمی رسانید و روز ۹ فروردین همین سال آیه الله قمی در مسجد جامع گوهرشاد علیه رژیم پهلوی سخنرانی کرد و از سوی ساواک ممنوع الخروج شد و فردای آن روز تحت مراقبت مأموران امنیتی به منظور تبعید به خاش به زاهدان برده شد.

آیه الله حاجی آقا حسن قمی به مدت دوازده سال در کرج در تبعید بود و در جمادی الثانی ۱۳۹۸ / اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ ش در حالی که هنوز در تبعیدگاه بود، با انتشار اعلامیه‌ای به انتقاد از رژیم شاه پرداخت و روز جمعه ۱۹ شهریور ۱۳۵۷ به مشهد آمد و مورد استقبال ده‌ها هزار نفر قرار گرفت. ایشان روز جمعه ۲۴ شهریور در منزل خود سخنرانی کرد. او ضمن ستایش از مقاومت مردم و تأکید بر عقاید و باورهای آنان، شعار: خدا، شاه، میهن را سرگشته کرد.

شوال ۱۳۹۸ امام خمینی علیه السلام با ارسال نامه‌ای به ایشان، آزادی از تبعیدگاه طاغوت را تبریک گفت. ۲ آیه الله حاج آقا حسن طباطبایی قمی در روز ۲۱ خرداد ۱۳۸۶ در اولین ساعات صبح در بیمارستان امام رضا علیه السلام در مشهد دیده از جهان فرو بست و پیکر پاک وی روز ۲۲ خرداد از محل بیت آن مرحوم واقع در چهارباغ جنب مدرسه امام صادق علیه السلام تشییع گردید و در

(۲۰۶)

قوچانی - ذبیح الله

(۱۳۲۹ - ۱۴۱۴ هـ ق)



دارالشکر پشت سر مبارک حضرت به خاک سپرده شد. در مراسم تشییع ایشان آیات و اساتید حوزه شرکت داشتند و آیه الله عظمی وحید خراسانی بر پیکر ایشان نماز خواند.

مقام معظم رهبری حضرت آیه الله سید علی خامنه ای در پیام تسلیت خود در تمجید از خدمات ایشان بیان داشته است: «سالیان درازی از عمر با برکت

این فقیه مجاهد در راه مبارزه با رژیم طاغوت گذشت و بیانات پر شور ایشان گرمابخش نیروهای مبارز بود. راسخ



محنت زندان و تبعید نتوانست قدرت عظیم روحی راسخ آن بزرگوار خلل وارد آورد و تا لحظه پیروزی انقلاب تلاش ایشان را متوقف سازد.

غلامرضا جلالی

۱ - محمد شریف رازی: گنجینه

دانشمندان ۱۴۲/۷.

۲ - غلامرضا جلالی: تقویم تاریخ

خراسان / ۲۸۸.

قوام الحکما ← حسینی بجنوردی -

اسماعیل

کاج شیخ ذبیح الله قوچانی از علمای عامل و مجتهدین نامدار معاصر قوچان است، وی در سال ۱۳۲۹ هـ ق / ۱۲۸۹ ش در روستای خیرآباد مایوان متولد شد و در ۱۳ سالگی برای تحصیل به شهر قوچان رفت و در ظرف سه سال مقدمات را آموخت. سپس به سال ۱۳۴۵ هـ ق به مشهد آمد، و در ارض اقدس به تکمیل ادبیات عرب و سطح پرداخت. پس از شش سال توقف در این شهر، سال ۱۳۵۱ هـ ق به نجف

مجاورت امام هشتم زندگی می‌کرد تا این که در سحرگاه روز سه‌شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۷۲ هـ ش / سوم شوال ۱۴۱۴ هـ ق بر اثر سکت قلبی درگذشت و در میان اندوه فراوان علاقه‌مندان در صحن آزادی نزدیک ایوان طلا به خاک سپرده شد.

اترک‌نامه / ۲۵۰، گنجینه دانشمندان
۲۲۱/۶ - ۲۲۲.

ابراهیم زنگنه

(۳۰۷)

قوچانی - رمضانعلی

(۱۳۶۶ هـ ق)

حاج شیخ رمضانعلی قوچانی از علمای زاهد و متقی بود و عوام و خواص به او توجه داشتند و در انزوا می‌زیست. از شاگردان آخوند خراسانی است و در مسجد معروف پیرزن، که اکنون در محل مسجد گوهرشاد به شکل حوض بزرگی درآمده است، نماز می‌خواند و ۲۸ رجب سال ۱۳۶۶ هـ ق درگذشت و در رواق دارالضیافه حرم مطهر دفن گردید.

اشرف هجرت نمود و در آن جا درسهای فقه و اصول را نزد مرحوم آیه‌الله آقا ضیاء عراقی و آیه‌الله حاج سید محمود شاهرودی، سید ابوالحسن اصفهانی و سایر اساتید حوزه نجف فراگرفت و پس از ۲۰ سال اقامت در نجف و نیل به درجه اجتهاد، در سال ۱۳۷۱ هـ ق به قوچان مراجعت کرد و در این شهرستان به ترویج و نشر احکام اسلامی و تدریس علوم دینی پرداخت و پس از ده سال خدمت فرهنگی و علمی در قوچان، در سال ۱۳۸۱ هـ ق به مشهد عزیمت کرد و مجاورت دائمی حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی را اختیار نمود. او علاوه بر مقام علمی و جامعیت از وارسستگی و مسعنویت والایسی برخوردار بود. از اقدامات مفید وی تأسیس مدرسه علوم دینی محمودیه فاروج است که طلاب علوم دینی تا سطح لمعتین و رسائل در آن جا به تحصیل ادامه می‌دهند.

شیخ ذبیح‌الله در کمال زهد و تقوا در

(۳۰۹)

قوچانی - محمد

(۱۲۹۴ - ۱۳۶۴ هـ ق)



حاج شیخ محمد غروری قوچانی معروف به «شیخ محمد کبیر» از اعلام بزرگوار و مدرسی عالی مقام بود. سال ۱۲۹۴ هـ ق در روستای رسالت (چری) به دنیا آمد، پس از آشنایی با خواندن و نوشتن نزد آخوند ملا اسماعیل، مقدمات را در قوچان فراگرفت و به مشهد آمد و در ۲۱ سالگی عازم نجف شد و هفت سال در آموزش علوم تلاش کرد و در بازگشت در تهران با به توپ بستن مجلس توسط مستبدین به

ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۹۶،
گنجینه دانشمندان ۱۵۷/۷.

غلامرضا جلالی

(۳۰۸)

قوچانی - سید رضا

(۱۳۶۸ هـ ق)

سید رضا کاهانی قوچانی از علما و ائمه جماعت مشهد و از شاگردان آخوند خراسانی است. وی پس از مراجعت از نجف در مشهد مقیم شد و بیش از سی سال در مسجد جامع گوهرشاد اقامه نماز جماعت می کرد و سالهای آخر عمر نابینا شد. او شب ۲۴ شوال ۱۳۶۸ هـ ق درگذشت و در صحن آزادی دفن گردید. در تقیاب البشر سال فوت ایشان ۱۳۵۸ هـ ق آمده است.
ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۹۵.

ابراهیم زنگنه

مخالفت برخاست و از سوی شاه به مرگ تهدید گردید.

حاج شیخ محمّد که از مقامات علمی بالایی برخوردار بود، از تهران به قوچان آمد و به تدریس فقه و اصول و قضاوت پرداخت و در اواخر حیات خود به مشهد نقل مکان کرد و عصرها

در مدرسه ابدالخان به تدریس مشغول شد. سرانجام ششم صفر سال ۱۳۶۴ هـ ق درگذشت و در محل دارالضیافه حرم مطهر امام هشتم علیه السلام دفن گردید. ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۹۶، اتوکنامه ۲۴۷-۲۴۸، گنجینه دانشمندان ۱۵۷/۷.

ابراهیم زنگنه



میرزا تقی میرزا قزوینی

ی

(۳۱۰)

کاشانی - سید حسن

(۱۳۴۲ هـ ق)

اجازه نقل روایت اخذ نمود.
کوثر الحیاض در فقه که شرحی است بر
ریاض در پنج جلد، نتایج الافکار،
مفتاح مقفلات الاصول فی توضیح
معضلات الفصول در علم اصول در
هفت جلد، هدایة الابرار فی شرح شرایع
الانوار و الموائد الحسینیه در تعلیقات
بر الروضة البهیة در ۲۰ جلد، از آثار
قلمی اوست.

وی در سال ۱۳۴۲ هـ ق در مشهد
فوت کرد و در رواق دارالضیافه حرم
دفن گردید.

الذریعه ۱۸۲/۱۱، ۳۵۰/۲۱، اعیان
الشیعه ۱۴/۶، گنجینه دانشمندان
۲۵۲/۶، تاریخ آستان قدس ۳۳۸/ اثر
آفرینان ۹/۵.

ابراهیم زنگنه

سید حسن فرزند سید احمد
رکن‌الدین حسینی کاشانی از علمای
مقیم مشهد بود و سالها خدمت مسایحی
چون ملا علی بن میرزا خلیل قزوینی
نجفی، سید حسین کوه‌کمری، شیخ
محمد حسین کاظمی، ملا محمد معروف
به فاضل ایروانی و میرزا حبیب الله
رشتی، در عتبات به تحصیل پرداخت و
با دریافت اجازه روایی از برخی اساتید
خویش در حدود سال ۱۲۹۷ هـ ق به
مشهد آمد و مدتها به تدریس و تبلیغ
اشتغال ورزید. سید یحیی بن محمد بن
حسن معروف به هندی از شاگردان
ایشان است. که در سال ۱۳۳۷ از او

(۳۱۱)

کاشانی - عبدالله

(۱۳۰۲ هـ ق)



مولانا عبدالله کاشانی، معروف به «مجتهد کاشانی» از علمای نامدار ساکن مشهد و اهل زهد و تقوا بود. در نجف نزد شیخ مرتضی انصاری و دیگران درس آموخت و به مشهد آمد و تا پایان حیات خود به تدریس و تبلیغ پرداخت. سید عبدالحسین طباطبایی از

علمای بنام کاظمین بود و پدرش شیخ

محمد جمالی قاجبی از اساتید بزرگ

حوزه بود و در مرقد کاظمین علیه السلام

مسئولیت مهمی داشت و فرزندان ایشان

آل جمالی خوانده می شوند که در بین

آنها علما و دانشوران چندی پدیدار شد.

شیخ محمد حسن کاظمینی پس از

جریان مبارزه با انگلیسیها در عراق به

ایران تبعید شد و همراه مرحوم آیتالله

شیخ مهدی خالصی به مشهد آمد و در

این شهر کمیته‌ای را همراه با تعدادی از

علمای مهاجر و مجاور از جمله میرزا

مرتضی یزدی، حاج آقا حسین قمی،

شاگردان اوست. وی در ۱۱ صفر سال

۱۳۰۲ هـ ق در مشهد فوت کرد و در

توحیدخانه حرم دفن شد.

نقباء البشر ۱۱۸۷/۳، ضمیمه تاریخ

علمای خراسان ۲۹۷/، تاریخ آستان

قدس ۳۳۷/، سند شماره ۱۱/۱۱۸۳۴

اداره اسناد آستان قدس رضوی.

ابراهیم زنگنه

(۳۱۲)

کاظمینی - محمد حسن

(۱۳۰۵ هـ ش)

شیخ محمد حسن کاظمینی از

سه فرزند به نام‌های میرزا مهدی، شیخ محمدعلی و حاج محمدجواد داشت. مرحوم شیخ محمدحسن موقع مهاجرت در تهران همسر دوم اختیار کرد که فرزندان او به نام احمد، محمود، محمدباقر و محمدصادق با فامیل جمالی اشتهار داشته‌اند.

غلامرضا جلالی

شیخ علی اکبر نهاوندی، شیخ محمد نهاوند، شیخ حسن بُرسی، سید صدرالدین، حاج ملا هاشم، حاج سید عباس شاهرودی، سید رضا قوچانی، آیت‌الله آقازاده، به منظور ایجاد ارتباط با مسلمانان دیگر و مشارکت اسلامی با آنها و جلوگیری از فعالیتهای غیر دینی از جمله مصرف نوشابه‌های الکلی و بی‌حجابی زنان و شرکت بانوان در تئاتر پدید آوردند.

(۳۱۳)

کافی - احمد

(- ۱۳۸۹ هـ ق)



کاظمینی در پایین پای حضرت

رضاع علیه السلام اقامه نماز می‌کرد و در سال

۱۳۰۵ هـ ش / ۱۳۴۵ هـ ق در مشهد

درگذشت و مرحوم حاج ملا هاشم خراسانی ایشان را تغسیل و تکفین کرد و بر او نماز خواند و در دارالسیاده زیر چهل چراغ دفن شد.

مرحوم شیخ محمد حسن کاظمینی از همسر اول خود که نوه علامه سیدصادق طباطبایی معروف به سنگلجی، از اساتید برجسته حوزه نجف و در شمار مهم‌ترین شاگردان نایینی مدفون در حرم عبدالعظیم علیه السلام،

میرزا احمد کافی امامی، فرزند ملا رمضان یزدی از سخنوران نامدار سده اخیر است. در یزد متولد شد و در مدرسه مصلی تدریس و در بعضی از مساجد، اقامه جماعت می‌نمود، تا این که به مشهد هجرت نمود و پس از مدتی درد چشمی به او عارض شد که بتدریج او را از بینایی محروم کرد.

میرزا احمد وقتی از همه جا مأیوس شد به حرم امام رضا علیه السلام رفت و از روح پاک امام همام علی بن موسی الرضا علیه السلام

نصیرالدین طوسی است. پدرانش در آذربایجان به کار قضاوت مشغول و از اهل علم بودند. وی فردی دانشمند و خطاط ماهری بود که در نستعلیق و شکسته نویسی مهارت داشت، به سال ۹۶۹ هـ قی در قزوین درگذشت و بدنش به مشهد منتقل شد و در این شهر دفن گردید.

امیان الشیعه ۲۲/۹، فرهنگ خراسان
۱۵۷/۶ تاریخ نظم و نثر در زبان فارسی
۷۰۳/۲.

غلامرضا جلالی



استعداد طلبید و به طور معجزه آسایی بهبود یافت. و دیگر اثری از ناپینایی او بر جای نبود. وی پس از بهبودی کافی در کوچه زردی بالاخیابان سکونت گزید و در مسجد جعفری‌ها به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخت و شب دوشنبه ۱۵ رجب سال ۱۳۸۹ هـ ق بدرود حیات گفت و در صحن عتیق، مقابل قبر شیخ حرّ عاملی دفن شد. حاج شیخ زین العابدین کافی و حاج محمّد

کافی پدر مرحوم حاج شیخ احمد کافی خراسانی از وعاظ معروف عصر

محمدرضا بهلوی که در آستانه انقلاب کبیر میوزیم سمرقند (۳۱۵)

کامیاب - سید رضا

(۱۳۲۹ - ۱۳۶۰ هـ ش)

حجة الاسلام سید رضا کامیاب، روحانی مبارز، مؤمن و متقی، مرداد ۱۳۲۹ شمسی در روستای نوده گناباد در خانواده‌ای روحانی چشم به جهان باز کرد. سیزده ساله بود که به حوزه علمیه گناباد وارد شد و برای ادامه تحصیلات حوزوی به مشهد آمد و به

اسلامی در یک تصادف جان به جان آفرین تسلیم کرد، فرزندان ایشان هستند.

گنجینه دانشمندان ۱۵۸/۷ - ۱۵۹.

ابراهیم زنگنه

(۳۱۴)

کافی مشهدی

(۹۶۹ هـ ق)

کافی مشهدی از ذریه خواجه

علیه رژیم شاه در شهرهای مختلف از جمله کرمان پرداخت.

کامیاب پس از پیروزی انقلاب با نهادهای مختلف انقلابی همکاری داشت و زندگی خود را وقف توده‌های مردم کرد. او با دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی سر ناسازگاری داشت و ممانعت طبع او مانع از آن می‌شد که به امور مادی رویکرد داشته باشد ایمان، بصیرت، توکل و قاطعیت از گرایشهای درونی و درون‌مایه‌های معنوی وی بود. او اهمیت ولایت فقیه در نظام اسلامی را باور داشت و می‌گفت با جمعیتها و تشکیلاتی می‌توانم همکاری داشته باشم که تابع خط امام و ولایت فقیه باشند.

موقعیت مردمی کامیاب موجب شد که در انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی که روز جمعه دوم مرداد ۱۳۶۰ برگزار شد، از سوی مردم مشهد به نمایندگی انتخاب گردد. ولی یک هفته پس از انتخاب، ساعت ۱۱/۴۴ صبح روز هشتم مرداد ۱۳۶۰ در محل



فراگیری علو: اسلامی مستغول گردید و مدتی در حوزه درس آیه‌الله شیخ ابوالحسن شیرازی شرکت نمود.

سال ۱۳۴۷ با آیدالله خامنه‌ای رهبر فرزانه انقلاب آشنا شد و راهبردهای نوینی را در چشم‌انداز زندگی دریافت نمود. وی در نشستهای مخفی و خصوصی آیه‌الله خامنه‌ای حضور می‌یافت. در جریان جشنهای ۲۵۰۰ ساله به علت فعالیتهایی که علیه رژیم پهلوی داشت، مورد شناسایی مأموران امنیتی قرار گرفت و مدتی تحت تعقیب بود و در جریان انقلاب به افتخاری

تقاطع بلوار راه آهن با خیابان
خواجه ربیع، به دست یکی از اعضای
مناقضین هدف قرار گرفت و در
بیمارستان امداد (شهید کامیاب) به
شهادت رسید و روز نهم مرداد
جنازه اش تشییع و در رواق دارالزهد
حرم دفن شد.

شهادی روحانیت شیعه ۱۷۹/۲ - ۱۸۰.

غلامرضا جلالی

گاهانی - قوجانی - سیدرضا

کبیر - مهدی - واعظ - مهدی

(۳۱۶)

کجوری - ابوالقاسم

(۱۲۷۹ - ۱۳۳۷ ه.ق)

آیة الله شیخ ابوالقاسم کبیر کجوری
از تحصیل کردگان حوزه نجف اشرف و
مازندران است. ایشان در منطقه نوشهر،
نور و کجور با عنوان شیخ ابوالقاسم
کبیر و شیخ ابوالقاسم مشایخ و شیخ
ابوالقاسم مجتهد شهرت داشته است.
شیخ در روستای پول کجور از توابع

شهرستان نوشهر در ششم دی ماه
۱۲۷۹ ه.ق در خانواده علم و اجتهاد
متولد شد. پدرش آیة الله ملاعلی بابا
کجوری از مشاهیر و مجتهدین خطه
کجور و شاگرد شیخ اعظم مرتضی
انصاری در حوزه نجف بود که در سنین
میانسالی وارد حوزه علمیه شد و در
سال ۱۲۸۹ ه.ق نیز حوزه علمیه سنگ
تجن نوشهر را تأسیس نمود که حاصل
آن تربیت صدها نفر از علما و فضلاء

منطقه است. مرحوم شیخ ابوالقاسم

کجوری از طرف مادری نیز منسوب به

آیة الله شیخ مهدی کجوری شیرازی

است. مرحوم ملاعلی بابا کجوری

فرزند خود را به خاطر علاقه وافری که

به پیامبر اکرم داشت ابوالقاسم نامید.

ایشان دوران کودکی خود را در همان

روستای پول کجور در دامن طبیعت

گذراندید و مقدمات دانش آموزی مانند

روخوانی قرآن مجید و ادبیات فارسی

را در مکتب خانه همان دیار آموخت.

سپس در حوزه علمیه سنگ تجن

نوشهر مقدمات علوم اسلامی و



کجوری

در جوار مرقد شیخ بهایی مدفون گردید.
غلامرضا جلالی

(۳۱۷)

کجوری - عبدالنبی

(۱۳۳۳ - ۱۴۱۹ هـ ق)



آیة الله حاج شیخ عبدالنبی کجوری
فرزند شیخ نورالله از علماء و مجتهدان
مازندرانی مقیم خراسان است که
متجاوز از نیم قرن در جوار حضرت
امام رضا علیه السلام به امر تدریس و ارشاد
مردم مشغول بوده است.

وی در حدود سال ۱۳۳۳ هـ ق در
منطقه کجور در خاندانی روحانی متولد

سال ۱۳۱۴ هـ ق به چاپ رسید که در
کتاب الذریعه مرحوم آقا بزرگ تهرانی
نیز ذکر شده است. کتابها و رساله های
اجتماع امر و نهی، بیع و معاملات،
حجیت اجماع، حجیت ظن، حجیت فهم
عرف، شهره، استصحاب، مشتقات،
مطلق و مقید تقلیدمیت و عدم جواز،
عام و خاص مطلق و مقید، شبهه
محصوره و غیر محصوره و نیز رساله
«منظومه طهارت تا آخر صلوة» از
آثار علمی دیگر مرحوم شیخ ابوالقاسم
کجوری طالقانی است که هنوز به چاپ
نرسیده است. همچنین کتابخانه شخصی
ایشان در روستای پول کجور در نزد
احفاد ایشان که به مشایخی شهرت
دارند هنوز دایر است.

سرانجام این عالم بزرگ در روز
نوزدهم رمضان سال ۱۳۳۷ هـ ق ساعت
۲ بعد از ظهر و در سن ۵۸ سالگی
درگذشت و منطقه کجور سیاهپوش و
عزادار گردید و جنازه ایشان توسط سی
نفر از بزرگان و علمای منطقه به مشهد
مقدس منتقل و در حرم امام رضا علیه السلام ر



زاهد بود و چون در ایام زندگی فرزندی نداشت کار روزانه خویش را تدریس در مدرسه قرار داده بود. تا این که بالاخره در اثر یک بیماری طولانی در روز ۲۴ آبان ۱۳۷۷ هـ ش / ۲۵ رجب المرجب سال ۱۴۱۹ هـ ق درگذشت و در روز ۲۵ آبان ۱۳۷۷ هـ ش در صحن آزادی (جدید) حرم حضرت رضا علیه السلام به خاک سپرده شد.

غلامرضا جلالی

و با دریافت اجازه از ایشان به ایران مراجعت کرد. در تهران به تبلیغ پرداخت و مورد توجه عموم مردم قرار گرفت. ایشان چهل سال به وعظ و ازشاد مشغول بود، از مبالغه و اغراق دوری می‌جست و بیشتر طلاب و فضلاء حوزه در پای منبر او حضور می‌یافتند. چنان ازدحامی در مجالس او به وجود می‌آمد که مستمعین مجبور می‌شدند ساعتی پیش از سخنرانی به منظور داشتن جا در مجلس حضور پیدا کنند.

کجوری به تحقیق و تألیف هم علاقمند بود. خصائص فاطمیه در

(۳۱۸)

کجوری تهرانی - محمد باقر

(۱۲۵۵ - ۱۳۱۳ هـ ق)

مولی حاج محمد باقر کجوری تهرانی فرزند مولی اسماعیل (م ۱۲۷۸ هـ ق) مدرس مدرسه صدر تهران و از مفسرین و وعاظ مشهور است.

وی سال ۱۲۵۵ هـ ق متولد شد و پس از آشنایی با مقدمات نزد پدر و دیگر علما، عازم عتبات شد و مدتی نزد اساتید فقه و اصول از جمله سید ابراهیم قزوینی و صاحب ضوابط درس خواند

فضایل حضرت فاطمه علیها السلام چاپ سنگی
۱۳۱۸ و جنة النعیم در احوال حضرت
عبدالعظیم و السراج الوهاج فی العروج
و المعراج

کتاب خطوات الشیطان فی خطرات
الانسان، کتاب المنتخب فی شرح دعا
الرجب، کتاب هداية المرتاب فی
تحریف الکتاب، کتاب شرح توحید
مفضل بطریق المفصل، رساله نوروزیه،
رسالة الاسرار فی کیفیتہ الاسفار و
رسالة سبیل الفجاج فی المنازل و مواقف
الحاج، از آثار قلمی ایشان است.

کجوری در ۵۸ سائگی در سفر
زیارتی در مشهد، روز جمعه ۲۱
ربیع الاول سال ۱۳۱۳ به بیماری
استسقا درگذشت و بر حسب وصیتش
در حرم مطهر کنار بقعه شیخ بهائی دفن
شد. برادرش حاج ملا محمد سلطان
المتکلمین کتابی به نام زبدة المآثر فی
ترجمة حاج ملا باقر و استاد محمد باقر
ساعدی کتاب تذکره باقریه را در شرح
حال وی نوشته‌اند.

فهرست کتابخانه آستان قدس

غلامرضا جلالی

(۳۱۹)

کدکنی - هادی

(۱۲۶۸ - ۱۳۵۳ هـ ش)



شیخ هادی کدکنی در کدکن از توابع
تربت حیدریه به دنیا آمد. تحصیلات
مقدماتی را نزد پدر بزرگش مرحوم
حاج ملا محمد به انجام رسانید و در ۲۲

فقیهی اصولی، حکیمی متکلم و جامع علوم عقلی و نقلی بود. وی نزد ابن فهد حلّی و شیخ حسن بن العشره درس خواند و خود از اساتید محقق ثانی علی بن عبدالعالی عاملی است. الدر المنیرید در توحید و کتاب الطهارة که به امر شاه طهماسب صفوی نوشته شده از آثار اوست.

کرکی انسانی فروتن و از پارسایان بود. او بیشتر عمر خود را در عتبات گذراند و حدود ۹۰۴ هـ ق فوت نمود. چینه وی در اصفهان به امانت به خاک

سپرده شد و پس از مدتی، حدود سال ۱۰۲۳ هـ ق همراه جنازه شیخ عبدالعالی بن محقق ثانی به مشهد منتقل و در رواق دارالسیاده حرم به خاک سپرده شد. وی از سید حسین بن سید حمیدر حسینی عاملی اجازه نقل روایت داشته است، تنها یک دختر داشت که خاتونی فاضله و متدینه بود که به عقد مرحوم شیخ بهائی درآمد. او از پدرش بالغ بر ۵ هزار کتاب نفیس به ارث برد که همه را در اختیار شوهرش شیخ بهائی قرار داد.

سالگی به مشهد مهاجرت کرد. در مدرسه خیراتخان به ادامه تحصیل پرداخت و پس از تکمیل تحصیلات در زمینه‌های فقه و اصول و دیگر علوم عقلی و بهره‌گیری از حوزه درس اساتیدی همچون حضرات آیات حاج آقا حسین قمی و حاج میرزا محمد آقازاده، تا سال ۱۲۵۰، به امر تدریس در زمینه‌های منطق و فلسفه مشغول شد. استاد مدیر شانهدچی و پرفسور جواد فلاطوری و سید جواد مصطفوی از شاگردان ایشان هستند.

سرانجام در پنجم مهر ۱۳۵۲ هـ ق بدرود حیات گفت و در تسو حیدخانه مبارکه به خاک سپرده شد.

غلامرضا جلالی

کرکی ← عاملی، عبدالعالی

(۳۲۰)

کرکی جزائری - علی بن هلال

(- حدود ۹۰۴ هـ ق)

ابوالحسن شیخ علی کرکی جزائری،

الحمدیقه فی علم القیافه، کشف
الغوامض فی علم الفرائض، شرح
خطبه الزهراء، شرح دعای کمیل،
شرح دعای جوشن، شرح دعای صباح،
شرح شرایع الاسلام و جامع الاحادیث
از آفرینشهای علمی و قلمی اوست و بجز
این آثار، رساله‌های دیگری نیز دارد.

تاریخ علمای خراسان / ۱۱۳-۱۱۴،
مطلع الشمس ۷۰۹/۲، الذریعه ۶۳/۱۶
و ۲۲۱/۱۹ و ۲۴۸ و ۲۵۵ و ۳۳۱.

ابراهیم زنگنه

(۳۲۲)

کرمانی - علی

(- ۱۳۲۲ هـ ق)

آخوند ملا علی کرمانی، بود، پس از
تحصیل علوم الهی به اقامه جماعت در
مسجد جامع کرمان پرداخت. حکومت
وقت چون نتوانست با تطمیع و تهدید او
را راضی کند تا هنگام تردد به مسجد از
بازاری که آن را به طور غصبی و با
نارضایتی مردم ساخته بودند، عبور
نماید، لذا او را به مشهد تبعید کرد.

امل الأمل ۱/۱۱۰، منتخب التواریخ
۶۷۸/۱، احیان الشیعه ۳۶۹/۸.

غلامرضا جلالی

(۳۲۱)

کرمانشاهی - محمدنجف

(- ۱۲۹۲ هـ ق)

مولانا حاج محمد نجف در اصل از
کرمانشاه بود. در اوایل جوانی به مشهد
آمد و در فقه، اصول، درایت، اخبار،
تفسیر، رجال، علوم ریاضی متبحر شد.
مدتی قدم در طریقت نهاد و به اصفهان
رفت و در مساجد و مناظر به موعظه
پرداخت. با علمای آن جا اختلاف
مشرب یافت، عازم تهران شد و بار
دیگر به مشهد آمد و تا آخر عمر مجاور
گردید. مشربش به طریقه اخباریها
نزدیک بود و سنش از ۹۰ سال تجاوز
نمود و سال ۱۲۹۲ هـ ق به رحمت حق
واصل و در حرم دفن گردید.

تنقیح المرام فی علم الکلام،
خلاصه الانساب، غناء الادیب عن فهم
مغنی اللیب، خلاصه العروض،



آخوند ملا علی کرمانی به مشهد آمد و سالها در پارسایی و پرهیزکاری سیری کرد و به تدریس و ترویج معارف اسلامی همت گماشت و به تاریخ ۲۶ جمادی الاول سال ۱۳۲۲ هـ ق دارفانی را وداع گفت و در محل دارالسیاده حرم به خاک سپرده شد. سجع مهر او که در ذیل اسناد موجود است چنین بود: الحق مع علی و علی مع الحق.

ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۹۸ و سند شماره ۱۱۹۹۵/۲۷ اداره اسناد آستان قدس رضوی.

خود را نزد شیخ زین العابدین
عنا هرودی و شیخ ابراهیم دشتی و
مکاسب را نزد آیة الله سید ابوالحسن

اصفهانیه در رسائل و کفایه را نزد برادر
خود آیة الله میرزا محمد آقازاده
فراگرفت. سپس معقول و منقول را نزد
آیة الله شیخ احمد شیرازی و درس
خارج فقه و اصول را از سال ۱۳۱۹ هـ ق
در مجلس درس پدر خود مرحوم
آخوند خراسانی، حاضر شد و به درجه
اجتهاد نایل گردید.

میرزا احمد سال ۱۳۲۹ هـ ق در
زمان حیات پدر به ایران آمد و هنگام
درگذشت آخوند، که همان سال به وقوع

ابراهیم زنگنه

(۳۲۳)

کفایی - میرزا احمد

(۱۳۰۰ - ۱۳۹۱ هـ ق)

آیة الله حاج میرزا احمد کفایی،
یکی از چهره های مطرح خراسان در
قرن حاضر است. ایشان فرزند سوم
آخوند ملا محمد کاظم خراسانی است.
ربیع الاول سال ۱۳۰۰ هـ ق در شهر
نجف متولد شد. تحصیلات مقدماتی

پیوست، در مشهد بود، سپس به عراق بازگشت و در انقلاب مردم عراق علیه انگلیس که به رهبری علما و مراجع صورت می‌گرفت، شرکت کرد. او از مشاورین نزدیک آیه‌الله میرزا محمد تقی شیرازی و در شمار تبعیدشدگان به ایران بود و پس از بازگشت تبعیدیها ایشان به دعوت مردم به مشهد آمد و در این شهر ساکن شد.

وی پس از فوت برادر بزرگش میرزا محمد آقازاده، ریاست علمی حوزه مشهد را به عهده گرفت و در این مدت چند بار به قم سفر کرد و مؤثرترین آنجا بود. مؤسس حوزه قم مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حایری قرار گرفت.

میرزا احمد در زمان حکومت رضاخان، علیرغم سخت‌گیری‌هایی که وجود داشت، در مشهد حوزه درسش را حفظ کرد و پس از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاخان، تصدی حوزه و امور دینی مشهد در شرایطی به عهده مرحوم کفایی گذاشته شد که فسون روس در مشهد به سر می‌برد و توده‌ایها شب و

روز فعالیت سیاسی داشتند، او با تشکیل هیأت‌های مذهبی و راه‌انداختن دسته‌های عزاداری و روضه و منبر که سالیان مدید ممنوع بود، توانست سدی در برابر نفوذ فرهنگی شوروی به وجود آورد. او تا زمان نهضت ملی با توده‌ایها درگیری داشت و در مسائل شهر دخالت می‌کرد و در دوره نهضت ملی، بخصوص با توجه به نقش منفی که دسته‌های

مذهبی در سقوط مصدق و تقویت رژیم شاه داشتند، سخت مورد حمله مخالفین بود و جرأید به ایشان اهانتها کردند و ایشان مدتی به قم سفر کرد و مورد تجلیل آیه‌الله بروجردی قرار گرفت.

سیاستهای خاص آیه‌الله کفایی که بخصوص سالهای آخر عمر هماهنگی لازم را با روحانیت مبارز نداشت، موجب انتقاد شدید آنها و انزوای سیاسی وی شد و هر از چند گاهی طلاب حوزه خراسان اعتراضهای خود را در رابطه با مشی سیاسی ایشان به گوش او می‌رساندند.

وی در همه طول حیات خود به

(۳۲۴)

کفعمی - محمد

(۱۲۸۹ - ۱۳۶۲ هـ ش)



آیةالله شیخ محمد کفعمی فرزند حاج شیخ رجبعلی محدّتی خراسانی از شخصیت‌های نیک‌نام خراسان است که بیشترین بخش حیات پربار خود را در زاهدان گذراند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی امام جمعه این شهر شد.

وی سال ۱۲۸۹ هـ ش در محله عیدگاه مشهد به دنیا یا نهاد و پس از تحصیل مقدمات و سطوح در خدمت پدر خود و میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و ادیب ثانی و حاج محقق

منظور تقویت مبانی فرهنگ دینی جامعه و رشد و نمو آداب نیک تلاش کرد و دوست داشت فقر و فاقه در جامعه نباشد و پناهگاه هزاران انسان در دوره ستم‌شاهی بود.

ایشان ۱۶ خرداد سال ۴۸ برای معالجه به خارج کشور عزیمت کرد و سال ۴۹ به دلیل کسالت قلبی تحت معالجه قرار گرفت. روز ششم دی ماه سال ۱۳۵۰ / ۷ ذی‌قعدة ۱۳۹۱ هـ ق ساعت ۶/۳۵ دقیقه صبح بر اثر سکنه مغزی در مشهد درگذشت و جنازه‌اش باسکوه فراوان تشییع و در محل توحیدخانه حرم مطهر دفن گردید.

مرحوم کفایی علاوه بر فعالیت‌های سیاسی، به فعالیت‌های علمی اشتغال داشت، حاشیهای بر کفایةالاصول نوشت و مدت ۴۵ سال در مسجد گوهرشاد و منزل خود به تدریس فقه و اصول پرداخت.

آفتاب شرق ۱۷، ۱۸ / بهمن / ۱۳۳۳، ص ۴، نور خراسان (۷ / شهریور / ۱۳۳۲)، آثار الحجّه ۲ / ۲۸ - ۲۹.

غلامرضا جلالی

مدرسه علمیه، کتابخانه، غسالخانه، و تکیه علاقه ویژه‌ای داشت و بناهای متعددی در شهرهای زابل، ایرانشهر، خاش، چاه‌بهار و طبس به همت وی ساخته شد. او لحظه‌ای از خدمت به مردم و روحانیت مبارز و تبعیدها دست نکشید و بیت ایشان مأوای عالمان برجسته و مبارزین نستوه روحانیت بود. روز ۳۰ تیر ۱۳۶۲ در بیمارستان قائم مشهد چشم از جهان فرو بست و جنازه‌اش روز ۳۱ تیر در صحن نو مقابل آرامگاه شیخ بهایی و چند شهیدای هفتم تیر به خاک سپرده شد.

یادنامه مرحوم حضرت آیت‌الله کفعمی خراسانی که به مناسبت چهلمین روز رحلت ایشان منتشر شده است.

غلامرضا جلالی

(۳۲۵)

کلباسی - محمد تقی

(۱۲۸۳-۱۳۲۵ ه.ش)

حجة الاسلام شیخ محمد تقی

قوچانی و مرحوم شمس و آیات شیخ کاظم دامغانی و میرزا احمد مدرس یزدی، به سال ۱۳۰۹ ه.ش عازم نجف شد و در سلک شاگردان آیات حاج میرزا ابوالحسن مشکینی، آقا ضیاءالدین عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی درآمد و به درجه اجتهاد نایل گردید. سال ۱۳۱۷ ه.ش به ایران بازگشت و به تدریس و تبلیغ در مشهد و شهرهای دیگر خراسان مشغول گردید. سال ۱۳۱۹ به زابل رفت و هفت شش سال در این منطقه محروم به فعالیت دینی و اجتماعی می‌اندرت. پیروزه سال ۱۳۲۵ ه.ش عازم زاهدان شد و در راستای تفاهم دینی اهل سنت و تشیع سیاستهای خاصی را دنبال نمود. از جمله حضور جمعی نمازگزاران شیعه پس از نماز عید فطر در مصلاهی اهل سنت و حضور آنان پس از نماز عید قربان در مصلاهی اهل تشیع، از ابتکارات ایشان بود.

کفعمی به ساختن اماکن مذهبی و خدماتی مثل احداث مسجد، حمام،

کلباسی فرزند آیه‌الله شیخ محمود کلباسی در سال ۱۲۸۲ هـ ش در تهران به دنیا آمد و در مشهد نزد آیه‌الله میرزا مهدی اصفهانی با معارف الهی آشنایی یافت. و روز دوم شهریور ۱۳۲۵ در مشهد درگذشت و در صحن آزادی ضلع شمال شرقی دفن شد.

ابراهیم زنگنه

عهدہ گرفت. وی در سال ۱۳۴۰ هـ ق درگذشت و در رواق دارالسیاده دفن شد. پسرش شیخ علی از علمای زمان خود بود و سال ۱۳۵۴ هـ ق فوت کرد.
نقباء البشر ۲/۶۶۳

غلامرضا جلالی

(۳۲۷)

کلباسی - محمود

(- ۱۳۶۵ هـ ق)

(۳۲۶)

کلباسی - محمد حسین

(- ۱۳۴۰ هـ ق)



شیخ میرزا محمد حسین فرزند کلباسی

محمد مهدی بن محمد ابراهیم کلباسی اصفهانی در مشهد سکونت داشت و پس از تحصیلات مقدماتی، سال ۱۲۸۵ هـ ق به نجف رفت و سال ۱۲۹۰ هـ ق با دختر صاحب جواهر ازدواج کرد و پس از تلمذ نزد صاحب جواهر و آیه‌الله محمد حسین کاظمینی و حاج سید اسماعیل صدر عاملی اصفهانی، در سال ۱۳۳۲ هـ ق به خراسان مراجعت نمود، و زعامت دینی و مرجعیت مردم را به

عالم ربانی مرحوم حاج شیخ محمود کلباسی فرزند محمد تقی بن محمد بن ابراهیم، انسانی وارسته، خلیق، خوش برخورد و پیر تلاش در

او مایل بود میرزا مهدی در تهران ماندگار شود، و به همین دلیل همه روزه تعدادی از جوانان تهرانی را به محضر میرزا می آورد، ولی میرزا پس از معالجه و در پی مکاتبه آیه الله حاج شیخ هاشم قزوینی به مشهد بازگشت.

مرحوم کلباسی در ۲۵ سوال سال ۱۳۶۵ ق در ابتلا به تب راجعه، که پس از جنگ جهانی دوم شایع شده بود، درگذشت و پس از تشییع، در صحن آزادی دفن شد. آیه الله خزعلی داماد ایشان است.

حوزه مشهد بازگشت و ضمن تیار کردن و ترمیم خطی خطبه غدیریه به شماره ۲۵۲ موجود در کستانبخانه مسجد گوهرشاد و راه سعادت، از آثار علمی ایشان است.

غلامرضا جلالی

(۳۲۸)

کلباسی - میرزا رضا

(۱۲۹۵ - ۱۳۸۳ هـ ق)

حاج میرزا رضا کلباسی فرزند میرزا عبدالرحیم فرزند شیخ محمد رضا

راستای انجام وظایف و تکالیف دینی خود بود و به امور طلبه ها رسیدگی می کرد و در حل مشکلات آنها اهتمام می ورزید. وی مدتی در عراق در شهرهای کربلا، نجف و سامرا به ریاضت و تکمیل نفس مشغول بود، سپس به مشهد آمد و با بهره گیری از روشهای درست به امر به معروف و نهی از منکر پرداخت، او در دوره رضا خان به طور پنهانی در ترویج شعائر دینی می کوشید و پس از دستگیری، خلع لباس شد و بعد از سقوط رضاخان به حوزه مشهد بازگشت و ضمن تیار کردن و ترمیم خطی خطبه غدیریه به شماره ۲۵۲ موجود در کستانبخانه مسجد گوهرشاد و راه سعادت، از آثار علمی ایشان است.

فرقه ضاله بهائیت در شمار شاگردان مرحوم آیه الله میرزا مهدی غروی اصفهانی درآمد. وی مرحوم حاج میرزا جواد آقا تهرانی را با مکتب میرزا آشنا ساخت و در مسافرت هفت ماهه سال ۱۳۲۳ ش آیه الله میرزا مهدی اصفهانی به تهران و قم، در کنار آیه الله میرزا جواد آقا تهرانی و آیه الله تنکابنی و حاج آقا جلال مروارید، عازم این سفر شد و مدیریت این مسافرت را به عهده گرفت.

شیخ الاسلام فرزند حاج محمد ابراهیم کلباسی صاحب منهاج و اشارات و غیره، از خاندانهای اصیل اصفهانی است و نسب او از طرف مادر به سید الفلاسفه میرداماد می‌رسد.

ایشان روز ۲۵ ذیقعدہ ۱۲۹۵ در اصفهان متولد شد. ابتدا در اصفهان محضر حاج شیخ محمد علی نجفی ثقة الاسلام و آخوند ملا محمد کاشانی و مرحوم میرزا جهانگیرخان قشقانی و میرزا محمد باقر حکیم‌باشی به تحصیل پرداخت و مدتی در تهران به محفل درسی حاج فاضل تهرانی و آخوند ملا میرزا سید محمد آملی پیوست و از معارف بلند این دو شخصیت علمی بهره گرفت و در سال ۱۳۲۳ هـ ق یک سال پیش از انقلاب مشروطیت عازم نجف گردید و خدمت آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی درس خواند و اجازاتی از آنان دریافت نمود. او سپس به اصفهان برگشت و به تدریس و ترویج و عمران بناهای دینی همت گماشت و میرزا سلمان خان

رکن الملک در تخت فولاد اصفهان برای ایشان مسجدی ساخت. در جریان اوج‌گیری مخالفت روحانیت با سیاستهای دینی رضاخان در سال ۱۳۴۶ هـ ق ایشان همراه حاج آقا نورالله اصفهانی به قم مهاجرت نمود و با سخنرانیهای افشاگرانه خود توانست تأثیر مثبتی در رفع ابهام از ذهن مردم نسبت به سیاستهای رضاخان داشته باشد. نقش مؤثر ایشان موجب دستگیری وی شد و مدت ۷ ماه در بازداشت بسر برد و پس از آن به خراسان تبعید گردید.

حاج میرزا رضا مدت دو سال در مشهد ماند، سپس به اصفهان برگشت و بار دیگر برای اقامت دائم به مشهد آمد و تا پایان عمر یعنی سال ۱۳۸۳ هـ ق در این شهر بود. و در همه حرکت‌های دینی و سیاسی مردم مشهد بخصوص نهضت ملی نفت از گردانندگان اصلی و در عین حال روشن بین نهضت در خراسان بود و از حمایت همه اقشار بخصوص مبارزین ملی و دینی و روشنفکران

تحصیل کرده برخوردار بود.

آیه الله کلباسی شب سه شنبه چهارم شوال ۱۳۸۳ هـ ق در مشهد از دنیا رفت و در صحن عتیق در ایوان مجاور دفتر کشیک خانه بالاخیابان دفن گردید.

انیس اللیل در شرح دعای کمیل، نفعات اللیل، مکیال الیقین در شرح اصول دین، دعوة الحسینیه و راهنمای دین و دستور تبلیغ از آثار چاپ شده ایشان است. هدیة السالکین در سیر و سلوک، منازل السائرین در شرح مقامات العارفين، شرح دیوان خواجه حافظ، حواشی منظومه سبزواری، حواشی اسفار، رسائل و کفایه ایشان هنوز به چاپ نرسیده است.

ایشان مسجد خیاطها واقع در بازار اصفهان، مسجد سلام، مسجد تکیه واقع در شیش بیدآباد، مسجد آیه الله حاج محمد جعفرآبادهای را احیا کرد و حسینیه بزرگ اصفهانها را در مشهد با همکاری تعدادی از نیکوکاران تأسیس نمود.

نقباء البشر ۲/۷۵۹، مؤلفین کتب چاپی

۱۷۸/۳، تاریخ آستان قدس / ۳۳۸.

غلامرضا جلالی

کوثر قمی - عبدالکریم - جلد دوم

(۳۲۹)

کوهستانی - محمد

(- ۱۳۵۱ هـ ش)



شیخ الفقها مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد کوهستانی بهشهری، عالمی ربانی و زاهدی راستین بود. در روستای کوهستان، واقع در شش کیلومتری بهشهر مازندران پا به عرصه وجود نهاد و پس از فراگیری مقدمات و سطوح در

بسازم استخاره کردم، آیه آمد: قُلْ بِفَضْلِ
الله و برحمته فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ
مما يجمعون (یونس / ۵۸) «ای رسول
به خلق بگو: شما باید منحصرأً به فضل
و رحمت خدا شادمان شوید که آن
مفیدتر از ثروتی است که بر خود
اندوخته می‌کنید» بر این اساس بود که
پنج مدرسه ساختم.

کرامات زیادی به وی نسبت داده
شده است و دو کتاب در شرح زندگی
وی به همت دو نفر از فضلاء شمال
نوشته و منتشر گردیده است.

آیه الله کوهستانی ماه ربیع الاول سال
۱۳۹۲ هـ ق پس از چند ماه کسالت از
دنیا رخت بست و جنازه‌اش به مشهد
حمل و روز نهم اردیبهشت ۱۳۵۱ در
رواق دارالسیاده حرم دفن شد.

گنجینه دانشمندان ۲۵۴/۳-۲۵۵،
مشاهیر دانشمندان اسلام
۳۹۲/۴-۳۹۳.

ابراهیم زنگنه

کوهسرخي - ترشيزی - اسماعيل

مازندران، به مشهد آمد و چند سالی به
تحصیل پرداخت. سپس عازم نجف شد
و در درس آیات نایینی، سید ابوالحسن
اصفهانی شرکت و پس از نیل به درجه
اجتهاد به وطن مراجعت نمود و علیرغم
درخواست مردم بهشهر، ساری و
گرگان، در روستای کوهستان توطن
کرد.

رفتار معنویش مردمان زیادی را
مجنوب وی ساخته بود و همه او را
«آقا جان» می‌خواندند. وجودش منشأ
خیر و آبادی بود، در آن روستای
کوچک به تدریج مدرسه‌های قتیض
رحمت، فرح، خیر و جمع ساخته شد و
از حوزه علمیه او صدها نفر اندیشمند
خودساخته بیرون آمد. دانشمند فرزانه
شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد از
تربیت‌شدگان مکتب ایشان است.

روزی از علت تأسیس مدارس یاد
شده و وجه نامگذاری آنها از ایشان
پرسیدند، او جواب داد: چون تصمیم
گرفتم در کوهستان حوزه‌ای تاسیس
کنم و برای سکونت طلاب مدرسه

گ

(۳۳۰)

گرگانی - محمد حسین

(۱۳۵۳ هـ ق)

نوشت از جمله می توان به نام ابداع
البدایع در فن بدیع تألیف ۱۳۲۸ هـ ق،
الانتصاف، ساز و آهنگ باستان،

نصرة الاسلام، نورالحدیقه، منظومه
الاصول، شرح ایساغوجی، المقامات
العشر، زیة الاسد، در الیتیم و حواشی
قاموسی اشاره کرد.

ایشان در سال ۱۳۵۳ هـ ق فوت کرد
و جنازه اش به مشهد انتقال یافت و در
صحن جدید دفن گردید.

نقباء البشر ۵۰۸/۲، طرائق الحقائق
۷۴۹/۳، تاریخ آستان قدس ۳۳۸،
شرح حال رجال ایران ۲۳۶/۵-۲۳۷.

غلامرضا جلالی

شیخ محمد حسین گرگانی معروف
به شمس العلماء و ملقب به جناب و
متخلص به قریب و «ربانی» از علمای
عرفای تهران است. پس از تحقیقات
سیرتیه

عالیه دینی و دریافت اجتهاد از حاج
ملا علی کنی تهرانی (م ۱۳۰۶ هـ ق) و
علامه ادیب میرزا ابوالفضل کلانتری (م
۱۳۱۶ هـ ق) و محمد حسن آشتیانی
(متوفای ۱۳۱۹ هـ ق) به هند رفت و
کتابهای لطائف الحکم، مقصد الطالب و
ملنقط الاصول را در آن جا نوشت و به
سال ۱۳۱۸ هـ ق به تهران بازگشت و
ضمن اداره یکی از مدارس جدید به
تحقیق و تألیف روی آورد. کتابهایی را

(۳۳۱)

گلپایگانی - حبیب‌الله

(۱۲۹۷-۱۳۸۴ هـ ق)



به قصد کسب فیض پیاده به مشهد آمد و در مدرسه فاضلخان و پس از خرابی آن در مدرسه خیراتخان به تدریس فقه و تفسیر مشغول گردید و پس از نیم قرن تدریس و اقامه جماعت در مدارس دینی و مسجد گوهرشاد، سحرگاه روز ۲۳ جمادی‌الآخره سال ۱۳۸۴ هـ ق / ۱۳۴۳ هـ ش پس از قرائت سوره مبارکه والصفات دعوت حق را لبیک گفت و بیکر بی‌جانش در رواق دارالسلام حرم مطهر به خاک سپرده شد.

گنجینه دانشمندان ۵/۱۳، تاریخ آستان

قدس / ۳۴۳.

ابراهیم زنگنه

آیه‌الله شیخ حبیب‌الله گلپایگانی از علمای سده چهاردهم هجری قمری است. وی تابستان سال ۱۲۹۷ هـ ق در شهر گلپایگان به دنیا آمد و در سنین نوجوانی وارد مدرسه دینی شد. مقدمات را در همان شهر فراگرفت و در ۱۶ سالگی جهت ادامه تحصیل به اصفهان رفت و مدت ۲۱ سال در اصفهان به کسب معارف الهی مشغول گردید و از اصحاب حاج آقا نجفی بود. در سال ۱۲۹۶ هـ ش / ۱۳۳۵ هـ ق

(۳۳۲)

گلپایگانی - سید محمد باقر

(۱۲۴۵-۱۳۱۵ هـ ق)

آیه‌الله العظمی سید محمد باقر گلپایگانی در حدود ۱۲۴۵ هـ ق در گلپایگان به دنیا آمده، و پس از تحصیل مقدمات در حوزه‌های مختلف، برای ادامه تحصیل به عراق مهاجرت کرد. در

ایشان؛ علاقه وافری که به وقف کتب علمیّه داشته، صدها جلد از کتابهای شخصی خود را بر طلاب علوم دینی وقف کرد، که هم اکنون برخی از آنها در حوزه‌های علمیّه نجف، قم، تهران و مشهد موجود و مورد استفاده دین‌پژوهان و محققان است.

نمونه ذیل قابل ملاحظه می‌باشد:

«و بعدُ فقد وَقَفَ هذا الكتابُ

المسمى بالفصول العالمُ العاملُ السید

محمدباقر گلپایگانی الساکن بمشهد

المقدس الرضوی علی مشرفه ألف تحیة

و سلام. رابع المحرم سنة اثنتین و

ثلاثمائة بعد الالف (۱۳۰۲).»

سرانجام پس از عمری تلاش و خدمت و عرضه آثاری پر برکت در حدود سال ۱۳۱۵ ه. ق به رحمت ایزدی پیوست و در رواق پایین پای حضرت امام رضا علیه السلام مدفون گشت.

از ایشان یک پسر و یک دختر باقی ماند، پسر ایشان مرحوم آیه الله سید محمد جواد مدرس حسینی از اساتید حوزه علمیّه مشهد بوده که لقب مدرس

ابتدا ساکن کربلا شد و در محضر اساتید بزرگ آن شهر به تحصیل علوم دینی مشغول گردید سپس به نجف اشرف و بعد به سامرا هجرت کرد و از حواریین مجدد بزرگ مرحوم آیه الله العظمی میرزا محمد حسن شیرازی شد. بعد از فوت میرزا به تهران عزیمت کرد، و در شرق بازار بزرگ تهران در مسجد کوچک حمام گلشن، که از زمان مرحوم شیخ اعظم شیخ مرتضی انصاری رحمته الله تا به امروز محل اجتماع و فعالیت علمای گلپایگان ساکن در تهران بوده، به اقامه نماز جماعت و فعالیت‌های مذهبی پرداخت. بعدها ایشان به مشهد عزیمت نمود و در این شهر به تدریس و تصدی امور عامه مشغول گردید و گفته می‌شود به دلیل این که ایشان اعلم علمای مشهد به شمار می‌رفت، مدتی تولیت آستان قدس رضوی به معظم له واگذار شد.

علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب *نقاء البشرفی احوال علماء القرن الرابع عشر* از ایشان به عنوان مدرس حوزه مشهد یاد کرده است.

تحصیلات و دریافت اجازه اجتهاد به مشهد آمد و به ترویج احکام الهی و اقامه جماعت در مسجد کله واقع در کوچه چهنو مشغول شد.

او بیش از ده بار به مکه مشرف شد. کتاب الوسائل در اثبات خدا، از هاشق الباطل، علائم ظهور و تحفه امامیه در حقیقت مذهب شیعه در دو جلد که جلد اول آن چاپ شده است از آثار اوست. گلستانه شعر می سرود و از اشعار اوست:

بسین چون گرفتند از ما گذار
رفیقان پیرار و یاران پار
شب و روز بی ما بیاید بسی
که از روز ما یباد نارد کسی
بسی دوستان بر زمین پا نهند
که بی پاک، پا بر سر ما نهند
بیاید بسی در جهان سوگ و سوز
که ما خفته باشیم در خاک گور
جهان را بسی بگذرد صبح و شام
که از ما نباشد در ایام نام
دریغاکه تا چشم برهم زنی
در این عالم از ما نبینی تنی

در اولاد ایشان همچنان باقی است، آیه الله سید محمد جواد مدرس با دختر مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی اکبر مروارید، عموی آیه الله میرزا حسنعلی مروارید، ازدواج کرد.

(۳۳۳)

گلستانه - سید محمد علی

(۱۲۷۷ - ۱۳۶۱ هـ ق)



حاج سید محمد علی اصفهانی معروف به «گلستانه» و از احفاد علاءالدین گلستانه صاحب شرح الآلاء (م ۱۱۰۰ هـ ق) است. به سال ۱۲۷۷ هـ ق در کربلا پا به دنیا نهاد. پس از پایان

دختر آخوند ملا صالح مازندرانی بود، به عقد خود درآورد و پیش از چهل سال در حوزه مشهد به تدریس دروس شرح المقاصد، التهذیب، تفسیر البیضاوی، شرح مختصر، الهیات شفا پرداخت. میرزا حسن زنوزی و شیخ یوسف بحرانی از شاگردان اویند.

وی به نقل آقابزرگ به سال ۱۱۶۰ در حالی که سنش بالغ بر صد سال بود، در مشهد فوت کرد. منظومه‌ای به سبک نان و حلوائی شیخ بهایی موسوم به «نان و پنیر» و کتابی تحت عنوان الرد علی الفیخر الرازی و رساله فی تتمیم استدلال الشیعه رساله در وجوب عینی نماز جمعه، رساله‌ای در اجتهاد و تقلید حاشیه بر کتاب الشافی، المدارک، شرح لمعه و تفسیر بیضاوی از آثار قلمی اوست.

الذریعه، ۲۱۶/۱۰ و ۱۳۵/۱۱، مطلع الشمس، ۶۹۲/، منتخب التواریخ، ۶۹۳/، اعیان الشیعه، ۳۶/۱۰، تتمیم امل الآمل / ۱۵۹ - ۱۶۱.

غلامرضا جلالی

گلستانه ۱۶ رمضان سال ۱۳۶۱ هـ ق در مشهد چشم از جهان فروهشت و در محل ایوان طلای صحن نو دفن گردید.

نفاذ العلام ۱/ ۲۹۲، مکارم الآثار ۲۱۸۵/۶ - ۲۱۸۶، ضمیمه تاریخ علمای خراسان ۲۹۹/.

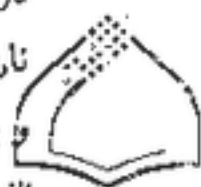
ابراهیم زنگنه

گنابادی - علی - معصومی - علی

(۳۳۴)

گیلانی - محمدرفیع

(- ۱۱۶۰ هـ ق)



مولی محمدرفیع فرزند فرج گیلانی مشهور به ملا رفیعا در اصل اهل گیلان و ساکن رشت بود. به مشهد آمد و به تحصیل علوم اسلامی مشغول شد. او مردی متواضع و دارای اخلاق پستندیده و مجتهدی محقق و متکلمی فصیح بود، وی در سلک شاگردان محمّد بن حیدر حسینی طباطبایی نایینی درآمد و مدتی از محضر علامه مجلسی بهره برد و دختر شیخ ابوالمعالی کبیر را که مادرش

(۳۳۵)

مازندرانی - محمّد صالح

(۱۲۹۷ - ۱۳۹۱ هـ ق)



شاعر بود.

به سال ۱۲۹۷ هـ ق در شهر کربلا متولد شد، در سنین جوانی در مازندران

از حضور والد خود و اعلام دیگر بهره‌مند شد، بعد عازم نجف گردید.

علوم عقلی را نزد حکیم حاج ملا

اسماعیل پروچردی فراگرفت. سالها

محضر آخوند خراسانی و حاج میرزا

حسین خلیلی و سید محمّد کاظم

صاحب عروة الوثقی، خارج فقه و

اصول را دوره دید و به درجه

اجتهاد رسید.

ایشان در شعر و ادب عربی و فارسی

دست داشت و کفایة الاصول آخوند

خراسانی را به نظم درآورد و حدود

سیصد رساله و کتاب در فقه و حکمت

و کلام و غیره از خود به یادگار گذاشت.

علامه حاج شیخ صالح مازندرانی

فرزند میرزا فضل الله حائری مازندرانی

معروف به «علامه حائری مازندرانی» و

«علامه سمنانی» مجتهدی محقق،

حکیمی متکلم، محدثی مفسر و ادیبی

سالها در مازندران زندگی کرد و بعدها به سمنان رفت و آخرین سالهای عمر خود را در این شهر سپری نمود و به تدریس و تحقیق مشغول بود. سرانجام در سال ۱۳۹۱ هـ ق / ۱۳۵۰ هـ ش در شهر سمنان درگذشت و جنازه‌اش به مشهد حمل شد و در محل دارالسیاده دفن گردید.

زندگی‌نامه رجسال و مشاهیر ایران
۶۸/۳-۶۹، تاریخ آستان قدس رضوی
۳۴۴/۱، اثر آفرینان ۲/۲۵۷.



(۳۳۶) *مؤلفیت زنگنه پور مدین*

مجتهدپور - عبدالله

(۱۲۷۰ - ۱۳۴۸ هـ ش)

شیخ عبدالله مجتهدپور فرزند مرحوم حاج شیخ ذبیح‌الله مجتهد قوچانی از علما و فضیلاي معاصر است. وی در سال ۱۲۷۰ هـ ش در نجف اشرف متولد شد. در کودکی مادر را از دست داد و بیشتر روزگار خود را در دوران کودکی و جوانی همراه پدر سپری کرد.

شیخ عبدالله در نزد فضیلاي نجف با مقدمات آشنا شد. سپس درس آیات سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی شرکت کرد و بالاخره از حضور آن دو به اخذ اجازه‌نامه اجتهاد نایل آمد. او حدود سال ۱۳۱۴ هـ ق در زمان اوج دیکتاتوری رضاخان به ایران آمد. در این زمان زمینه کوششهای دینی از میان رفته بود؛ با این حال به ترویج و نشر احکام اسلامی همت گماشت و از پذیرش دفتر اسناد رسمی خودداری کرد و بخشی از اوقات خود را به مطالعه و امر کشاورزی مشغول بود.

شیخ عبدالله فرزندان خود را به فراگیری دانشهای نوین و زبانهای خارجی تشویق می‌کرد؛ با این حال با غرب‌گرایی مخالفت می‌ورزید. ساده می‌زیست و خانه خود را با پلاس فرش کرده بود، و می‌گفت: «مگر همه مردم روی قالی می‌نشینند»، اگر دو نوع غذا در سفره‌ای می‌بود فقط از یکی استفاده می‌کرد. فرزندان خود را همیشه به نماز

اول وقت و امانتداری توصیه می‌کرد و می‌گفت: «اگر کسی به شما خوبی کرد فراموش نکنید و اگر بدی کرد از یاد ببرید.» کمتر عصبانی می‌شد، از حالات عرفانی برخوردار بود و مناجات خواجه عبدالله انصاری را در شبهای ماه رمضان زمزمه می‌کرد و دانه‌های اشک از سیمای روحانیتش فرو می‌غلتید.

شیخ عبدالله با کمتر کسی ارتباط داشت، گاهی به منزل آیت‌الله العظمی میلانی و آیت‌الله قمی می‌رفت. موقع وضو، آب از چاه بیرون می‌کشید و با آن وضو می‌ساخت و آب وضوی خنوق‌تیرا که تبریز می‌بود پای بوته گل یا نهالی می‌ریخت و معتقد بود نباید قطره‌آبی بیهوده مصرف شود. او از وجوهات استفاده نمی‌کرد و از راه کشاورزی امرار معاش می‌نمود. دربند هیچ تجملی نبود، غذایی که بوی آن برای همسایه‌ها آزاردهنده باشد نمی‌پخت.

شیخ عبدالله خداشناسی و خداپرستی را جدای از مبارزه با طاغوتها و اهتمام به مسایل سیاسی

نمی‌دانست، این بود که از سال ۱۳۳۷ همیشه از امام راحل قدس سره و مبارزات ایشان یاد می‌کرد و در سال ۱۳۴۲ هـ ش پیوسته می‌گفت که: «آقا قیام کرد ولی خیلی‌ها او را تنها گذاشتند». با علمای وابسته به نظام طاغوت در نهان مبارزه می‌کرد. او سرانجام بعد از چند ماه بیماری در هفتم آبان‌ماه سال ۱۳۴۸ هـ ش بعد از ۷۸ سال عمر توأم با زهد و تقوا درگذشت و جنازه‌اش در باغ رضوان مجاور حرم رضوی به خاک سپرده شد.

اترک‌نامه، / ۴۲۳۹ مجله نگاه حوزه، شماره ۲۶، اردیبهشت ۱۳۷۶، ص ۱۰.

غلامرضا جلالی

(۳۳۷)

مجتهد تبریزی - محمد یوسف

(- ۱۳۱۰ هـ ق)

میرزا محمد یوسف مجتهد تبریزی
فرزند میرزا محمد باقر نوه میرزا محمد
تقی فاضل طباطبایی تبریزی از علمای
طراز اول آذربایجان بود. پس از فراغت



از تحصیل از نجف به زادگاه خود برگشت و به تدریس و ارشاد مردم پرداخت.

مجتهد تبریزی در صفر سال ۱۳۱۰ هـ درگذشت و جنازه‌اش به مشهد حمل شد و در محل دارالسیاده حرم مطهر به خاک سپرده شد. ایشان اهل ادب بود و گاهی شعر می‌سرود.
سفرنامه سدیدالسلطنه / ۲۲۲، دانشمندان آذربایجان / ۴۰۳.

غلامرضا جلالی

مجتهد جرقادقانی ← گلپایگانی -
محمد باقر

(۳۳۸)

مجتهد خراسانی - میرزا
حبیب‌الله

(۱۲۶۶ - ۱۳۲۷ هـ ق)

میرزا حبیب‌الله مجتهد خراسانی از بزرگترین علمای خراسان در سده گذشته است. او فقه را با فلسفه و عرفان را با ادب درآمیخت و از مرز صورتها به

اعماق رازآلود معارف دینی راه جست و به تکمیل نفس و سیر در عالم باطن روی آورد.

میرزا حبیب‌الله فرزند میرزا هاشم (۱۲۰۹ - ۱۲۶۹ هـ ق) نوه میرزا هدایت‌الله مجتهد (۱۱۷۸ - ۱۲۴۸ هـ ق) و نبیره میرزا مهدی خراسانی (۱۱۵۲ - ۱۲۱۸ هـ ق) است. وی شامگاه یکشنبه نهم جمادی‌الاول سال ۱۲۶۶ هـ ق / سوم فروردین ۱۲۲۵ هـ ش، به دنیا آمد که فردای آن مشهد از فتنه حسن‌خان سالار و محمدخان بیگلریگی، پسران الهیارخان آصف‌الدوله رها شد و سلطان مراد میرزای حسام‌السلطنه

اوضاع شهر را به دست گرفت.

میرزا در سال ۱۲۶۹ در سومین سال حیات خود، پدر را از دست داد و مادر او «حاجیه آقابزرگ» پس از چندی همسر برادرشوهر خود، حاج میرزا حسن مشیر شد. با این حال میرزا هرگز از تحصیل دانش باز نماند و پس از اخذ علوم ادب، فقه و اصول از محضر حاج میرزا نصرالله عازم نجف شد. وی با ادبا و متفکرین شهرهای کاظمین و بغداد نیز در ارتباط بود و زبان فرانسه را فراگرفت و از آموزه‌های عرفانی میرزا مهدی گیلانی

کوتاهی حاج ملاعباسعلی فاضل و میرزا محمود قدسی نیز به مجموعه آنها پیوستند و تلاشهای علمی و عملی اصحاب سراچه در شهر مشهد بازتابی گسترده یافت، همین امر موجب مخالفت عده‌ای از قشریون شد و اصحاب پراکنده گشتند و میرزا به سامرا رفت و چندین سال در بحث میرزای شیرازی حضور یافت و مورد توجه وی قرار گرفت و دو رساله «تعادل و تراجیح» و «لباس مشکوک» را از تقریرات میرزا فراهم ساخت.

متخلص به «خدایو» متأثر شد. میرزای خدیو به پیشنهاد میرزا حبیب، همراه میرزا زین‌العابدین و ملا غلامحسین شیخ‌الاسلام به مشهد آمدند و در مشهد عده‌ای به آنها ملحق شدند و در سراچه بیرونی منزل میرزا هدایت‌الله، پدربزرگ حاج میرزا حبیب سکونت اختیار کرده و کتابخانه‌ای تشکیل دادند، تالاری برای نشیمن و خلوتگاهی برای عبادت، آماده ساختند و انجمنی را سامان دادند و طی زمان

میرزا حبیب سال ۱۲۹۹ هـ ق به مشهد مراجعت کرد و تا سال ۱۳۱۶ به امور دینی مشهد و تدریس مشغول بود. در ایران و عراق نامور گردید و با تأکید او، شبیه‌خوانی و تعزیه‌گردانی و برخی از رسمهای غلط متوقف شد. همه ریاست خراسان به تعبیر افضل‌الملک با ایشان بود.

میرزا حبیب در سال ۱۳۱۶ هـ ق با سید ابوالقاسم درگزی عارف معروف آشنا شد و چنان تحت تأثیر او قرار

مجتهد رضوی ← رضوی - محمد
ابراهیم

(۳۳۹)

مجتهد قوچانی - ذبیح‌الله

(۱۲۷۴ - ۱۳۳۵ هـ ق)

شیخ ذبیح‌الله فرزند حاج شیخ
صادق و نوه دختری آخوند ملا صالح
تبریزی، شب یکشنبه، هشتم
جمادی‌الآخر ۱۲۷۴ هـ ق در شهر کهنه
قوچان چشم به جهان گشود.

وی پس از آموزشهای مقدماتی در
مدینه منوره نزد میرزا جعفر مشهدی، درس حاج
میرزا نصرالله مجتهد خراسانی شرکت
جست و به سال ۱۲۹۵ هـ ق در بیست و
یکمین بهار زندگی خود، به عتبات رفت
و سه سال خدمت میرزای شیرازی و
پس از درگذشت وی مدت ۱۲ سال از
محضر میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند
ملا محمد کاظم خراسانی علم آموخت.
پس از وقسوع زلزله قوچان و
درگذشت برخی از خویشاوندانش به
وطن بازگشت و میرزای رشتی طی

گرفت که یک باره دست از ریاست
دینی کشید و خلوت‌نشین شد. استقبال
خوشی از جریان مشروطه نداشت، هر
چند مخالفت خود را نیز چندان آشکار
نکرد تا این که عصر روز ۲۶ شعبان
۱۳۲۷ هـ ق / سال ۱۲۸۷ هـ ش در
بحرآباد، در پی عزم مهاجرت از ایران
درگذشت و پیکر پارسایش در حرم
امام رضا علیه السلام بالای صفا شاه طهماسب،
در سردابه‌ای که نیای بزرگوارش سید
محمد مهدی شهید به خاک سپرده شده
بود، دفن گردید.



میرزا روح بیدار زمان خود تبریزی را
حرکتهای سیاسی و فرهنگی عصر خود
آگاهی داشت و شعر می‌سرود، و دیوانی
از وی برجای مانده است که به همت
مهندس علی حبیب به چاپ رسیده
است.

برگرفته از مقدمه دیوان میرزا حبیب
نوشته حسن حبیب نگاه حوزه، شماره
۱۹ و ۲۰، سند شماره ۱۶/۱۲۰۶ اداره
اسناد آستان قدس رضوی.

غلامرضا جلالی

عتبات رفت و بعد از فراگیری دوره عالی اجتهاد به خراسان بازگشت و در شهر مشهد ساکن شد و به تدریس و اقامه نماز جماعت و ترویج احکام اسلامی مشغول گردید و در ۴ شوال ۱۳۲۷ هـ ق فوت کرد مرغ روحش به جنان برگشود و جنازه اش در راهرو مسجد بالاسردفن شد.

ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۳۱۲.
سند شماره ۱۲۰۳۷/۴ اداره اسناد
استان قدس رضوی.

غلامرضا جلالی

خراسان دنبال کرد و چندین سال ریاست انجمن ایالتی خراسان را به عهده داشت تا این که شب چهارشنبه، بیستم جمادی الاولی ۱۳۲۵ هـ ق، در ۶۱ سالگی در مشهد درگذشت و در رواق دارالسیاده کنار قبر دانایانی چون حاج شیخ اسماعیل ترشیزی، شیخ محمد سرابی و شیخ محمد باقر خراسانی دفن شد.

برگرفته از مقاله حیات و حرکت ضد

استبدادی شیخ ذبیح الله مجتهد قوچانی،
نگاه حوزه، شماره ۲۶، سال سوم.
غلامرضا جلالی

مجتهد کاشانی - کاشانی - عبدالله

مجتهد کاشانی - کاشانی - عبدالله

(۳۴۱)

مجتهدی - اسماعیل

(۱۲۷۶ - ۱۳۶۹ هـ ش)

آیه الله حاج شیخ اسماعیل مجتهدی
فرزند آیه الله شیخ علی اکبر مجتهدی
تسرتی از علما و مجتهدان معروف
معاصر تربت حیدریه است. ایشان در
سال ۱۲۷۶ هـ ش در تربت حیدریه به
دنیا آمد و پس از تحصیلات علوم دینی
و رسیدن به درجه اجتهاد، به تربت

(۳۴۰)

مجتهد نیشابوری - محمدباقر

(۱۳۲۷ هـ ق)

شیخ محمد باقر مجتهد نیشابوری از
علمای قرن دوازدهم و اوایل قرن
سیزدهم هجری است. تحصیلات خود
را در نیشابور آغاز و برای ادامه تحصیل
به مشهد آمد و پس از خواندن سطوح به



رفت و سالها امامت جماعت مسجد جامع تربت حیدریه را به عهده داشت. و پس از عمری ذکر مناقب اهل بیت عصمت و طهارت و ارشاد مردم به راه دین و مبانی اسلام در چهاردهم تیرماه سال ۱۳۶۹ هـ ش درگذشت و جنازه‌اش در صحن آزادی حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام مدفون گردید.

ابراهیم زنگنه

(۳۴۲)

مجتهدی - جعفر

(۱۳۰۳-۱۳۷۴ هـ ش)

و روح بلند و بی قرار او به دنبال کشف حقایق و اسرار برآمد و شروع به تهذیب نفس و خود سازی نمود و در قبرستان متروکه شهر تبریز، قبری حفر نمود و در آن شب را تا به صبح به فکر و ذکر سپری می نمود و چون دوست داشت به بینوایان کمک کند به کیما روی آورد و قسمتی از سرمایه پدری را در این راه صرف نمود ولی نتیجه‌ای نگرفت تا این که این سرورش به او ندا داد: «جعفر کیما، ما اهل بیت هستیم، اگر به دنبال آن هستی قدم بگذار و ثابت باش» او پس از آن محبت و دوستی ائمه اطهار را

عارف بالله و عاشق دل سوخته اهل بیت، حاج شیخ جعفر مجتهدی در بیست و هفتم جمادی الثانی ۱۳۴۳ هـ ق / اول بهمن ۱۳۰۳ در خانواده‌ای بسیار متدین و مرفه در شهر تبریز دیده به جهان گشود. پدر ایشان حاج میرزا یوسف از دلباختگان آستان سید الشهداء علیه السلام بود.

جعفر مجتهدی از دوران طفولیت متوجه عشق ربوبی و عشق به ائمه شد

پیشه خود ساخت.

ایشان بعد از شنیدن آن ندای آسمانی صبح روز بعد با حالتی آشفته و پای برهنه و پیاده از تبریز به قصد کربلا حرکت کرد و از مرز خسروی وارد خاک عراق شد. و مأموران حکومتی عراق ایشان را بازداشت و چندین ماه در زندان به سر برد تا این که اجازه ورود به خاک عراق را به او دادند و او مدت یک سال در نجف به پینه‌دوزی

عبدالکریم قاسم بر ضد ملک فیصل به ایران بازگشت. در ایران مدام در سفر به سر می‌برد و شانزده مرتبه با پای پیاده به مشهد مشرف شد و پس از حدود چهار سال اقامت در جوار حضرت امام رضا علیه السلام در تاریخ ششم رمضان ۱۴۱۶ ه.ق / ششم بهمن ۱۳۷۴ ه.ش هنگام ظهر روز جمعه دارقانی را وداع گفت و در صحن آزادی حرم مطهر، حجره بیست و چهار به خاک سپرده شد.

غلامرضا جلالی



پرداخت و تمام املاک خود را به مستأجران بخشید، مدتی برای تکمیل

(۳۴۳)

ریاضت به بغداد رفت و هشتاد سالگی که میرزا علوم رحمته الله علیه سدی

مجتهدی - عبدالله

طور مداوم در مسجد سهله کوفه معتکف گشت و جز برای تجدید وضو و تطهیر از مسجد خارج نشد و حالتی شبیه حال شخص محتضر داشت. ایشان در همین ایام با حاج ملا آقا جان زنجانی دیدار نمود.

(۱۲۸۲ - ۱۳۵۵ ه.ش)

آیه الله حاج میرزا عبدالله مجتهدی تبریزی فرزند آیه الله حاج میرزا مصطفی مجتهدی، محقق، ادیب، فقیه و شاعر معاصر. در نجف متولد شد، دروس مقدماتی را در نزد پدرش گذراند در سال ۱۳۴۴ ه.ق برای ادامه تحصیل به قم عزیمت نمود، از محضر آیات عظام حاج شیخ عبدالکریم

مرحوم مجتهدی هفت سال نیز در کربلا ماند و سراسر شب را در صحن حضرت سید الشهداء به عبادت و توسل می‌پرداخت و در جریان کودتای

اطلاعیه‌های مشترک همگام سایر علمای ایران اقدام رژیم پهلوی را نسبت به تبعید ایشان محکوم کرد.

آیه‌الله مجتهدی از علمایی بود که به خاندان عترت و طهارت عشق می‌ورزید و مکرر برای زیارت قبر مطهر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به شهر مشهد مشرف می‌شد و در آخرین سفرش در سال ۱۳۵۵ ش که به مشهد آمده بود پس از چند روز اقامت در این شهر جان به جان آفرین تسلیم نمود و به دیار حق شتافت و پیکرش پس از تشییع در صحن انقلاب (کهنه) به خاک سپرده شد. و امروزه مزارش مورد توجه اهل دل است.

یاران امام به روایت اسناد ساواک، کتاب بیست و نهم ۲/۲۴۹ و کتاب ۱۹/۲۲، مصاحبه با آیه‌الله استاد محمد واعظ زاده خراسانی، کتاب بحران آذربایجان همه صفحات

علی سکندری

حائری یزدی و حاج شیخ محمدرضا اصفهانی بهره برد، پس از اتمام تحصیلات و دریافت اجازه اجتهاد به شهر تبریز بازگشت و به تدریس، تبلیغ و تحقیق مشغول شد. افزون از ۵۰ مقاله علمی، تحقیقی نگاشت. ایشان گاهی مقالات خود را با نام مستعار «عطارد» منتشر می‌کرد. با مجله رساله الاسلام که از سوی الازهر در پایتخت مصر منتشر می‌شد، ارتباط داشت. در کنار فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقی به تدریس تفسیر قرآن و اخلاق می‌پرداخت.

آیه‌الله مجتهدی به زبانهای ترکی، عربی، انگلیسی و فرانسه مسلط بود، کتابخانه بسیاری بزرگی در تبریز داشت و همواره کتابخانه‌های مراکز علمی از جمله دانشگاه را تقویت می‌نمود. در مدتی که در قم مشغول تحصیل بود با حضرت امام خمینی علیه السلام روابط دوستانه‌ای داشت، در جریان قیام پانزده خرداد و دستگیری و تبعید امام خمینی علیه السلام از تبریز با صدور

(۳۴۴)

مجتهدی سیستانی - محمود

(۱۳۱۱ - ۱۳۷۲ ه.ش)



مدرس یزدی، حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت. بعد در درس خارج فقه و اصول آیه الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی شرکت جست و مدتی هم به حوزه علمیه قم و بعدها به عتبات رفت و آخرین بخش حیات پر تلاش خود را در مشهد گذراند و روز یکشنبه ۱۶ رمضان سال ۱۴۱۴ / هشتم اسفند ۱۳۷۲ ه.ش در همین شهر دارفانی را وداع گفت و در صحن آزادی جنب کفشداری ۹ به خاک سپرده شد. گنجینه دانشمندان ۲۹۹/۹ - ۳۰۰.

آیه الله حاج سید محمود مجتهدی

سیستانی فرزند عالم زاهد حاج سید محمد باقر فرزند علامه متقی آیه الله العظمی حاج سید علی مجتهدی سیستانی و برادر مرجع کنونی حضرت آیه الله العظمی حاج سید علی سیستانی است.

وی به سال ۱۳۵۱ ه.ق / ۱۳۱۱ به دنیا نهاد. مقدمات و علوم ادب را خدمت ادیب نیشابوری آموخت و سطح را از محضر آیات حاج سید احمد

(۳۴۵)

مجید فیاض - عبدالمجید

(حدود: ۱۲۷۷ - ۱۳۴۱ ه.ق)

ثقة الاسلام سید عبدالمجید مجید فیاض، معروف به «خادم باشی» فرزند میرزا علی اکبر فرزند میرزا اسماعیل، از علما و مجتهدین مشهد بود و نسبش به میرزا مهدی شهید می رسد. وی در حدود سال ۱۲۷۷ ه.ق در

به توبه‌بندی حرم توسط روس‌ها در ۱۳۳۰ هـ. ق. بسرای زدودن آثار این جنایت از حرم مطهر تلاش چشمگیری داشت. او در ۱۴ رمضان ۱۳۴۱ هـ. ق. دارفانی را وداع گفت و در رواق پشت سر مبارک صَفَه مرحوم قوام‌الملک شیرازی دفن شد. دکتر علی اکبر فیاض و عبدالحسین مجید فیاض فرزندان ایشان هستند. احکام آستانه مربوط به ایشان و حکم لقب «ثقة الاسلامی» که



همراه با یک خلعت و یک حلقه انگشتری الماس از سوی محمد علیشاه قاجار فرستاده شده بود در نامه آستان قدس شماره ۱۹ آذرماه ۱۳۴۳ منعکس شده است.

نامه آستان قدس شماره ۱۹، سال ۱۳۴۳، ۱۰۶/ - ۱۱۲، شمس‌الشموس ۸۶-۸۷/

ابراهیم زنگنه

(۳۴۶)

محامی - غلامحسین

(- ۱۳۳۳ هـ. ش)

شیخ غلامحسین محامی بادکوبه‌ای

شهر شهادت چشم به جهان باز کرد، علوم مقدماتی، منطق و مختصری از طب را نزد صدرا لاطباء آموخت و علوم دینی را نزد شیخ الاسلام مشهد فرا گرفت و عازم نجف گردید و محضر شیخ هادی تهرانی صاحب محجة العلماء و میرزا حبیب الله رشتی شاگردی کرد و به مشهد بازگشت و به اقامه جماعت در مسجد جامع گوهرشاد، تدریس، وعظ و فصل دعاوی پرداخت و کتابی در طهارت و صلاة نوشت و منصب «خادم‌باشی» حرم را عهده‌دار گردید.

وی از جمله افرادی بود که پس از واقعه

شیخ غلامحسین محامی پس از تحصیلات ابتدایی از بادکوبه رهسپار مشهد شد و در مدرسه خیراتخان حجره گرفت و به تحصیل علوم دینی روی آورد و خارج فقه و اصول را پس از اتمام سطح، نزد آیات میرزا محمد آقازاده، حاج آقا حسین قمی و میرزا مهدی غروی اصفهانی خواند و حکمت را از محضر آقا بزرگ حکیم بهره برد. بیشترین بحث و فحص را در مباحث معارف اسلامی و قرآنی دنبال کرد و از علاقمندان نزدیک مکتب مرحوم میرزا مهدی بود.



فرزند شیخ اباصلت، از علمای جامع و متعبدان زاهد و مجاهدین راه خدا بود و بخش اعظم حیات خود را در تدریس و تالیف سپری کرد.

وی در دفاع از مقدسات دینی و ارزشهای اسلامی بسیار سرسخت بود و در مقام ادای تکلیف سیاسی و اجتماعی سخن احدی در او اثر نداشت و او را از انجام وظیفه باز نمی داشت. شاید همین خصوصیت موجب پیوند عمیق میان ایشان و شهید نواب صفوی شد.

او به جوانان و رفع شبهات آنها توجه تام داشت، با مردم مهربان و متواضع

محامی پیش از انقلاب اکتبر شوروی سال ۱۹۱۷ م در آذربایجان شوروی سابق، در یکی از روستاهای بادکوبه در خانواده‌ای روحانی چشم به جهان باز کرد. پدرش شیخ اباصلت بادکوبه‌ای چهره برجسته دینی آن دیار بود که پس از درگذشت حاج شیخ غنی بادکوبه‌ای، مرجع دینی آن سامان گردید.



بود، قرآن را بسیار تلاوت می‌کرد و اهل ذکر و تهجد و توسل بود و تا آخر عمر، زندگی خود را وقف خدمت به جامعه کرد. سال ۱۳۳۳ هـ ش در مشهد درگذشت و در جوار حضرت رضا علیه السلام به خاک سپرده شد. حجج اسلام شیخ محمد رضا محامی و شیخ مرتضی محامی فرزند ایشان و از اساتید حوزه علمیه خراسان هستند.

کیهان فرهنگی، سال نهم شماره ۱۲.

گذشت، سپس نزد حاج شیخ حسن غلامرضا جلالی علیه السلام کوبه‌ای و شیخ محمد محدث

مقدمیات را به پایان برد و در مدرسه نواب به تحصیل مشغول شد. سطح اولیه را در خدمت آیه الله حاج میرزا احمد مدرس یزدی معروف به «نهنگ‌العلماء» و سطوح عالی و کمی از دوره خارج را از محضر درس آیه الله شیخ هاشم قزوینی استفاده برد. شرح منظومه و همچنین تقریرات اصول مرحوم آیه الله نایینی را در خدمت پدرش فراگرفت.

در حدود سال ۱۳۳۰ هـ ش به قم رفت و در حوزه علمیه آن جا درس

(۳۴۷)

محامی - محمد رضا

(۱۳۱۰ - ۱۳۷۷ هـ ش)

آیه الله شیخ محمد رضا محامی فرزند آیه الله شیخ غلامحسین محامی از علما و مجتهدین معاصر است که سالها در حوزه‌های علمیه مشهد و قم به تدریس اشتغال داشته است.

وی در سال ۱۳۱۰ هـ ش در مشهد در خانواده علم و فضیلت متولد شد. برای تحصیل علم ابتدا به مکتبخانه پا

اندرزگو بود و از سال ۱۳۴۲ هـ ش با حضرت امام راحل قدس سره در ارتباط بود و با نام مستعار بلیت هواپیما می‌گرفت و خدمت ایشان می‌رسید. وی دوستی نزدیکی با مرحوم آیت‌الله آقا مصطفی خمینی فرزند ارشد حضرت امام داشت. و هر گاه به حضور امام راحل علیه السلام مشرف می‌شد، امام می‌فرمود: «مرحباً بالرجل الشجاع ان الله يحب الرجل الشجاع».

چون حضرت امام به ترکیه و سپس به نجف اشرف تبعید شد، وی به عنوان وکیل امام در مشهد فعال بود و مشکلات مالی طلاب علوم دینی را برطرف می‌نمود و نیز هزینه فعالیت‌های انقلابی آنان را تأمین می‌کرد.

پس از پیروزی انقلاب در پی اختلافاتی به قم رفت و در مدرسه فیضیه و مدرسه خان به تدریس مشغول شد و در مسجد دفتر تبلیغات اسلامی امام جماعت بود و مبلغین اعزامی به داخل و خارج کشور را ایشان از طریق مصاحبه و امتحان تأیید می‌کرد.

خارج فقه آیت‌الله العظمی بروجردی و درس اصول امام خمینی قدس سره شرکت کرد و در بین دوستانش شرکت‌کننده در امتحان عمومی درس خارج مقام اول را احراز نمود.

وی در اوایل سال ۱۳۳۳ هـ ش که پدرش به رحمت ایزدی پیوست ناچار به مشهد مراجعت کرد و وارد حوزه درس آیت‌الله العظمی میلانی شد. چون از فضایی باسواد و زبده حوزه بود، مورد توجه آقای میلانی قرار گرفت و سالها از محضر درس ایشان استفاده برد. در درجه اجتهاد نایل آمد. در فلسفه مرحوم آیت‌الله شیخ مجتبی قزوینی هم بهره گرفت.

بعد از این دوران جهت ارشاد مردم به شهر فردوس رفت و مدتی در آن جا به نشر احکام اسلامی مشغول بود. سپس به مشهد مراجعت کرد و در مدرسه نواب به تدریس سطوح مختلف پرداخت.

ایشان از مردان انقلابی و از هم‌زمان شهید آیت‌الله سعیدی و شهید

صحن آزادی به خاک سپرده شد.
اطلاعات گرفته شده از: حجة الاسلام
والمسلمین حاج شیخ مرتضی محامی،
برادر صاحب ترجمه، روزنامه قدس
۱۳۷۷/۵/۷؛ روزنامه خراسان
۱۳۷۷/۵/۸.

غلامرضا جلالی

(۳۴۸)

محدث خراسانی - علی

(۱۳۲۹ - ۱۳۷۰ هـ ق)



شیخ علی محدث خراسانی فرزند
حاج شیخ حسن واعظ پایین خیابانی از
واعظان نامدار خراسان است که در زهد
و پارسایی کم مانند، و مورد احترام

در سالهای آخر عمر به علت ضعف
جسمی از کارهایش کاسته شد تنها یک
درس می گفت و در اواخر آن را هم
تعطیل کرد. در دو سه ماه آخر عمر بیمار
شد و چون ضعف بر وی عارض شده
بود به زمین خورد و پایش از ناحیه ران
به سختی شکست. در قم بهبود نیافت و
به دستور مقام معظم رهبری به
بیمارستان خاتم الانبیاء تهران انتقال
یافت و در آن جا سکتة مغزی و به دنبال
آن سکتة قلبی کرد و بالاخره در ساعت
چهار صبح روز دوشنبه پنجم مرداد ۱۳۷۷
به رحمت ایزدی پیوست. **روز شنبه**
سه شنبه ششم مردادماه از مسجد امام
حسن عسکری قم با شرکت علمای
اعلام و فضیای حوزه تا حرم مطهر
حضرت معصومه علیها السلام تشییع باشکوهی به
عمل آمد و در این مکان مقدس به امامت
آیه الله شبیری زنجانی نماز بر او خوانده
شد. سپس جنازه اش را به مشهد حمل
کردند و در روز پنجشنبه هشتم مردادماه
۱۳۷۷ هـ ش به طرف حرم مطهر رضوی
تشییع شد و در غرفه جنب کفشداری

مرکبی بود که وی را در بادیۀ عشق به سمت معشوق می‌کشاند. شبهایش هرگز بی‌یاد خدا نمی‌گذشت. در منابر چون ذکر مصیبت می‌گفت، خود پیش از دیگران می‌گریست.

عمر ایشان روز هفتم ربیع‌الاول سال ۱۲۷۰ هـ ق تنگ غروب آفتاب، غسروب کرد و فردای آن، تن آرام یافته‌اش در صحن نو، حجره سوم ضلع شمالی به دل خاک سپرده شد. خورشید تابان در علم قرآن ۱۸-۲۳.

(۳۴۹)

محقق - بمانعلی

(۱۲۲۵ هـ ق)

حاجی ملا بمانعلی معروف به «محقق» از علما و وعاظ معروف مشهد بود و شعر می‌سرود. ایشان از دامغان به مشهد مهاجرت کرد و بیشترین بخش عمر خود را وقف تبلیغ و ارشاد مردم نمود. تا این که روز بیستم شعبان ۱۲۲۵ هـ ق درگذشت و در آستانه مبارکه حضرت رضا علیه السلام دفن شد. شیخ

عموم مردم بود. در سال ۱۳۲۹ هـ ق در بیت علم و عمل زاده شد، ادبیات را نزد حاج شیخ عبدالعلی و میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری فراگرفت و سطح را در حلقه درس میرزا محمدباقر، مدرس اول آستان قدس رضوی، آقا شیخ موسی خوانساری و حاج شیخ حسن بررسی شرکت جست و معقول را از آقا بزرگ حکیم و خارج اصول را از میرزا محمد آقازاده آموخت و برای

ادامه تحصیل به نجف رفت و در سلک شاگردان آیات سید ابوالحسن اصفهانی

و حاج آقا ضیاءالدین عراقی رحمتهما الله تحصیل نمود. پس از مدتی به مشهد بازگشت و خسارج فقه و معارف را از محضر آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی بهره برد و تا مرگ استاد او را رها نساخت.

مرحوم محدث از صاحب نظران عرصه فقه و حدیث و خطابه بود و سخنان عمیق و معنوی او تأثیر انکارناپذیر بر دلها می‌گذاشت و رمز این تأثیر را باید در کناره گیری او از زرق و برق دنیا دانست. زهد وی چونان

دنیا آمد. روزگار جوانی را در اصفهان گذراند و تحت تأثیر مکتب اصفهان، در هر دو قلمرو فقه و فلسفه به کمال رسید. او از بزرگان اصحاب مجلسی اول بود و در علوم نظری از شاگردان میرزا ابوالقاسم فندرسکی و قاضی معز است و از شیخ بهایی و سید حسین بن حیدر علی اصفهانی و حسن قائمی رضوی و ملا حسنعلی فرزند ملا عبدالله شوشتری روایت می‌کند و مولی حاج حسین



نیشابوری مکی و مولی محمّد یوسف دهخوارقانی تبریزی و خواهرزاده‌اش آقا جمال خوانساری (م ۱۱۲۵ ه. ق.) و علامه رضا جلالی تبریزی

مولانا محمّد سعید رودسری و سید عبدالحسین حسینی خاتون‌آبادی، صاحب کتاب وقایع السنین و الاعوام، از شاگردان وی هستند و آقا حسین خوانساری (م ۱۰۹۹ ه. ق.) از او اجازه دارد.

محقق سبزواری چندین سال در اصفهان منصب امامت جمعه و شیخ الاسلامی را از طرف شاه سلیمان صفوی بر عهده داشت و در مدرسه مولی

عباسعلی محقق فرزند ایشان است.

ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۷۰

(۳۵۰)

محقق سبزواری - محمّد باقر

(۱۰۱۷ - ۱۰۹۰ ه. ق.)

مولی محمّد باقر فرزند مولی محمّد مؤمن خراسانی مدفون در گنبد سبز، مشهور به فاضل و محقق سبزواری از مشاهیر علما و فقها و اندیشمندان جامع قرن یازدهم هجری است. وی به سال ۱۰۱۷ ه. ق در روستای نایمن سبزواری به

عبدالله شوشتری تدریس می‌کرد و با فیض کاشانی معاصر و هم‌فکر بود. از احترام شاه عباس دوم برخوردار بود و شعبان سال ۱۰۶۸ هـ ق شاه عباس طی فرمانی که در آن مقام علمی محقق را بسیار ستوده، از وزیر مستوفی السلطنه اصفهانی خواسته است تا همه ساله از بابت وجوهات و محصولات دارالسلطنه در وجه ایشان مقرر دارد.

داشتن مناصب دینی و سیاسی و افکار و اندیشه‌های ویژه و نوگرایانه محقق، دشمنان فراوانی را برای او رقم زد. شاید به همین دلیل محقق از اصفهان به مشهد هجرت کرد و سال ۱۰۸۳ مدرسه سمیعیه مشهور به مدرسه باقریه را از مال واقف آن با سعی میر عبدالحسین تجدید بنا نمود و در آن جا به تدریس مشغول گردید و تعدادی کتاب و املاک به آن وقف کرد.

ایشان هفتم ربیع‌الاول ۱۰۹۰ هـ ق در مشهد درگذشت و بنا به وصیتش در مدرسه میرزا جعفر، کنار قبر شیخ محمد عاملی و ملا میرزا شیروانی و

فرزند شیخ دفن شد. فرزندان او مولانا محمد مهدی و مولانا میرزا جعفر، هر دو اهل علم بودند. جواهر سلیمانی در شرح کلمات قصار حضرت امیر از آثار محمد مهدی است که بنام شاه سلیمان صفوی در پنج باب تألیف کرده است.

محمدباقر آثار پربهایی را در طول حیات خود آفرید شامل شرح زبدة الاصول شیخ بهایی، دفع شبهة الاستلزام، ذخیره المعاد در شرح ارشاد الاذهان در فقه، کفایة الاحکام در فقه تحریم الغناء، روضة الانوار عباسی در مدین، مفاتیح النجاة عباسی به فارسی در ادعیه، رساله‌هایی در غنا و نماز آدینه و رساله خلافتیه که رساله عملی اوست و بنام شاه عباس دوم آن را نوشته و به مسائل خلافتی فقها هم اشارت کرده، از شناخته شده‌ترین آثار ایشان است. برخی از نسخه‌های خطی آثار ایشان در کتابخانه ملک موجود می‌باشد.

محقق سبزواری شعر می‌سرود و از رباعیات ایشان است:

در عالم تن چه مانده‌ای بس سایه
پایی بردار و بگذار زنده پایه
از شرق جان بر تو نتابد نوری
تا از پی تن همی روی چون سایه

طبقات اعلام الشيعة ۵۹۳-۵۹۷،
تذکرة القبور ۵۰/، مجله بررسیهای
تاریخی سال چهارم، شماره دوم، تذکره
نصرآبادی ۱۵۲/، تاریخ و سفرنامه
حزین ۳۱۷/، تاریخ علمای خراسان
۳۳/، تصص الخاقانی ۵۹/۲، اعیان
الشیعة ۱۸۹/۹، فهرست کتب خطی

ملک ۲۳۳/۱ و ۱۹۴/۲ و ۸۳۲/۴ و
۸۶۴ فهرست کتب خطی کتابخانه آستان
قدس رضوی ۴۸۵/۵ و ۵۱۰، ۹۹۲/۶ و
۴۳۰، ریحانة الادب ۲۴۲/۵ - ۲۴۴

غلامرضا جلالی

شاگرد، مهارت ویژه‌ای داشت و درس را
با سخنان نمکین و حکایات شیرین و
دلپذیر، پذیرفته‌تر می‌کرد و تا اعماق
روان مخاطبین خود نفوذ می‌نمود. در
اواخر عمر به رعشهٔ بدنی مبتلا شد و
پنجم صفر سال ۱۳۶۹ هـ ق وفات یافت و
در مهمانخانه آستان قدس دفن گردید.
ضمیمه تاریخ علمای خراسان ۲۷۴/.

ابراهیم زنگنه

(۳۵۲)

محلاتی - محمد

(- ۸۱۳۰۶ ق)



شیخ محمد فرزندی علی فرزند
زین العابدین محلاتی از علمای پارسای
عصر خود بود. در مشهد سکونت
داشت. نزد سید محمد شفیع و مولانا
اسدالله بروجردی با علوم حوزه آشنا
شد، به تهران رفت و مدتی خدمت شیخ
عبدالرحیم بروجردی به کسب دانش
پرداخت و در فقه و اصول متبحر شد و
تالیفات ارزنده‌ای نوشت.

وی در مشهد به ترویج احکام

(۳۵۱)

محقق قوچانی - عبدالحسین

(- ۱۳۶۹ ق)

شیخ عبدالحسین معروف به حاجی
محقق از علما و فضلا و دانشوران
خراسان است. بیشتر طلاب آن عصر،
ادبیات را از محضر او فرا گرفتند.

ایشان در فن تدریس و پرورش

(۳۵۴)

مختاری - تاج‌الدین علی

(سده ۱۰ هـ ق)

سید تاج‌الدین فرزند شمس‌الدین
علی بن ناصرالدین احمد از اعقاب
امامزاده عبدالله اعرج پسر حسین اصغر
فرزند حضرت امام زین العابدین علیه السلام
است. او با پسرش سید مهدی و نوه‌اش
سید محمد از خراسان به یزد و نایب
هجرت کرد و تا آخر عمر در یزد ساکن
بود تا در اواخر قرن دهم هجری مقارن
با حکومت سلسله صفویه در آن جا
وفات یافت و فرزندش سید مهدی
جنازه او را به مشهد منتقل کرد و در
حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا
مدفون نمود.

سراج الانساب / ۱۳۰، منتخب التواریخ
۳۵۸/

ابراهیم زنگنه

اسلامی اشتغال داشت و به سال ۱۳۰۶
هـ ق درگذشت.
اعیان الشیعه ۱۷/۱۰.

غلامرضا جلالی

(۳۵۳)

محمدی - جعفر

(۱۳۱۰ - ۱۳۶۸ هـ ش)

شیخ جعفر محمدی در سال ۱۳۱۰

هـ ش به دنیا آمد، مقدمات و سطوح
در مشهد گذراند و برای ادامه
تحصیلات خود عازم نجف شد و پس از
مدتی خود به تدریس پرداخت و او را
عمر به ایران بازگشت و به شهر فاروج
رفت و در آن جا به تدریس و اقامه نماز
جماعت و ترویج و تبلیغ مشغول گردید
و از نفوذ معنوی برخوردار شد. نوزدهم
شهریور ۱۳۶۸ پس از ۵۸ سال زندگی
پرتلاش به رحمت ایزدی پیوست و
بیکرش در غرفه ۲۸ صحن آزادی به
خاک سپرده شد.

ابراهیم زنگنه

(۳۵۵)

مدرّس - سید محمد جواد

(۱۳۳۵ هـ ق)

سید محمد جواد مدرّس فرزند
علامه فقید آیت‌الله سید محمد باقر
گلپایگانی از دانشورانی بود که در مشهد
سکونت داشت و از علم و هنر بهره
کامل داشت و با دختر محمد تقی
مشرف رضوی ازدواج نمود و رمضان
سال ۱۳۳۵ هـ ق دارفانی را وداع گفت و

در محل دارالسعادة حرم در کنار قبر
پدر دفن گردید.

شجره طیبه / ۲۹۴، سبزه نانه
سدیدالسلطنه / ۲۲۳.

غلامرضا جلالی

(۳۵۶)

مدرّس - عبدالرحمن

(۱۲۶۸ - ۱۳۲۸ هـ ق)

میرزا عبدالرحمن فرزند حاج میرزا
نصرالله از حکما، ادبا و شغرای قرن ۱۳
هجری است. وی در اصل اهل شیراز
بود و روز ۱۲ شعبان ۱۲۶۸ هـ ق در این

شهر متولد شد و در ۱۱ سالگی همراه
پدر به مشهد آمد و در محضر پدر و
میرزا احمد مدرّس آستان قدس، حاج
ملّا هادی سبزواری و حاج محمد رحیم
بروجردی شاگردی کرد و پس از پدر،
سال ۱۲۹۱ هـ ق به عنوان مدرّس اول
آستان قدس برگزیده شد و در کنار آن
به تألیف و تحقیق روی آورد که از
جمله تألیفات وی می‌توان به موارد ذیل
اشاره کرد:

تعلیقات معالم‌الاصول، حواشی
شوارق‌الالهام، حواشی شرح تذکره

خفیه، حواشی تحریر اقلیدس، شرح
رساله عروض میرزا نصرالله کتاب زکاة

الفطرة و تاریخ علمای خراسان که به

درخواست ناصرالدین شاه و تشویق

اعتضادالسلطنه علیقلی میرزا وزیر

علوم نوشته شد. در این کتاب ترجمه

علماء و دانشورانی منعکس شده‌است که

از سالهای ۱۱۳۶ تا ۱۲۹۴ هـ ق در مشهد

می‌زیسته‌اند. تاریخ علمای خراسان

روز چهارم ذیقعدة سال ۱۲۹۴ هـ ق به

اتمام رسید و استاد محمد باقر

رضوی در حرم به خاک سپرده شد.
او منظومه‌ای در فقه و نحو تألیف
نموده بود.

میرزا محمد حسین و میرزا علی
اصغر، برادران وی نیز از مدرسین
آستان قدس شمرده می‌شدند و
فرزندش مولانا میرزا عبدالعلی در نجوم
صاحب نظر و منجم باشی آستان قدس
بود.

الکرام البرره ۱/۲۲۱، تاریخ علمای
خراسان ۹۷-۹۸، اعیان الشیعه
۱۹۳/۹.



غلامرضا جلالی

غلامرضا جلالی

(۳۵۷)

مدرس - میرزا محمد تقی

مدرس رضوی ← رضوی - حسین

(- ۱۲۸۰ هـ ق)

مدرس رضوی ← رضوی - محمدباقر

(۳۵۸)

مدرس غروی - رضا

(۱۳۰۷ - ۱۳۷۰ هـ ش)

حجة الاسلام شیخ رضا مدرس
غروی فرزند ارشد آیه الله میرزا مهدی
اصفهانی در ۲۱ تیر ماه ۱۳۰۷ هـ ش در

ساعدی آن را همراه با ضمایمی که خود
افزوده است، در سال ۱۳۸۲ هـ ق به
زیور چاپ آراست. میرزا عبدالرحمن
در شمار یاران طریقتی سلسله ذهبیه
بود و به سال ۱۳۲۸ هـ ق در ۷۰ سالگی
زندگی را بدرود گفت و در ایوان طلای
صحن نو دفن شد.

مقدمه تاریخ علمای خراسان، شرح حال
رجال ایران ۱۳۸/۶، مطلع الشمس
۶۸۹/۲، اعیان الشیعه ۴۶۶/۷.

سید میرزا محمد تقی فرزند میرزا
عبدالله، مدرس آستان قدس رضوی
است. نزد دانی خود سید محمد رضوی
سبزواری امام جمعه مشهد و متوفی
۱۱۹۸ هـ ق درس خواند و در فقه و
اصول و معقول و منقول متبحر شد. ۷۲
سال زیست و به سال ۱۲۸۰ هـ ق
درگذشت و در مزار پدرش میرزا عبدالله

محمد آقا زاده شرکت جست و معارف
الہی را از میرزا جواد آقا تهرانی و شیخ
مجتبی قزوینی آموخت.

وی در حدود سال ۱۳۳۰ هـ ش به
قم مهاجرت کرد و خارج فقہ را از
محضر آیة اللہ العظمیٰ بروجردی و
آیة اللہ حجت و خارج اصول را از امام
خمینی و اسفار را در خدمت علامہ
طباطبائی فراگرفت و پس از بازگشت
به مشهد ضمن شرکت در درس آیة اللہ



مشہد دیدہ بہ جهان گشود. در سہای
مقدمات را در مشہد نزد شیخ
زین العابدین غیائی تنکابنی و
حاشیہ ملا عبد اللہ و معالم را در خدمت
شمس واحد العین و مطول را در محضر
شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری و
قوانین را در خدمت سید احمد مدرس،
رسائل و مکاسب را نزد آیة اللہ آقا شیخ
ہاشم قزوینی در مدرسہ نواب و کفایہ
را در خدمت آیة اللہ شیخ کاظم دامغانی

پس از حدود سہ دہہ ترویج معارف
قرآنی در روز شانزدہم آذر ماہ ۱۳۷۰
به دیدار حق شتافت و در ایوان غرفہ
۲۵ صحن نو دفن شد.
ایشان دارای سہ فرزند پسر و چہار
دختر بود و از آثار مکتوب ایشان
می توان بہ دو جلد کتاب دین و فطرت و
امام شناسی اشارہ نمود.

غلامرضا جلالی

خواند و پس از اتمام سطح خارج فقہ و
اصول در حلقہ درس آیات فقیہ
سبزواری، سید یونس اردبیلی و میرزا

(۳۵۹)

مدرّس قصیری - سید علی اکبر

(قرن ۱۴ هـ.ق)

آیةالله سید علی اکبر مدرّس قصیری
خراسانی فرزند حاج میرزا محمّد حسین
و نوه حاج میرزا عبدالوهاب از مدرسان
بلند پایه حوزه منهد بود. جد اعلای
ایشان مرحوم سید محمّد قصیر است.

ایشان دروس عالی حوزه را در

بالاسر مرقد مطهر امام رضا علیه السلام تدریس

می کردند و در ضمن امام جماعت

توحیدخانه حرم مطهر بودند. قبر ایشان



در قسمت جنوبی ایوان طلای سخن نویی قرار دارد.

حاج سید جلال معروف به مدرّس

یزدی فرزند آیت الله حاج میرزا احمد

مدرّس در سال ۱۳۲۷ هـ.ق متولد شد،

مقدمات و علوم ادب و سطح و خارج را

در خدمت بزرگان علمی حوزه مشهد

فراگرفت و خود به تدریس فقه و اصول

و اقامه جماعت در مسجد گوهرشاد

پرداخت و ۲۳ محرم ۱۳۷۹ هـ.ق از دنیا

رفت و در غرفه شمالی صحن عتیق دفن

شد. او ذوق شعر داشت و «حسینی»

تخلّص می کرد.

ابراهیم زنگنه

آیةالله حاج مرتضی مدرّس خراسانی

متوفی ۲۳ شوال ۱۳۸۳ هـ.ق فرزند

ایشان است.

غلامرضا جلالی

(۳۶۱)

مدرّس یزدی - میرزا احمد

(۱۳۰۶ - ۱۳۹۱ هـ ق)



کفایه اشتغال یافت. نظم و ترتیب
درسی، بی‌آلایشی و تواضع استاد
موجب شد که صدها فاضل در پای
درس او شرکت کنند و از محضر
پرفیضش بهره ببرند.

ایشان ضمن تدریس در مسجد
ملاهاشم اقامه جماعت می‌نمود و
زندگی خود را از محل درآمد مزرعه‌ای
که از همسر اولش در اختیار داشت،
اداره می‌کرد و در طول شصت سال
اشتغال به تدریس، هرگز از وجوه
شرعی استفاده ننمود، تنها یکی دو سال

آخر عمر که توان خویش را به کلی از
دست داده بود، از روی اجبار به قدر
کفاف از این وجوه برای تأمین معیشت
خود بهره گرفت.

وی سحرگاه شب ۱۷ ربیع‌الاول
سال ۱۳۹۱ هـ ق / ۲۴ اردیبهشت
۱۳۵۰ هـ ش دارقانی را وداع گفت و
روز بعد پیکرش در محل دارالسیاده
حرم دفن شد.

غلامرضا جلالی

آیة‌الله حاج میرزا احمد مستدرّس کتبی و شفاهی
یزدی از علمای اعلام و مدرسین
بلند پایه و پارسای حوزه علمیه مشهد
بود. در سال ۱۳۰۶ هـ ق در یزد متولد
شد و پس از پشت سر گذاشتن آموزش
مقدمات و سطح عازم مشهد شد و درس
خارج آیات سید عباس شاهرودی،
میرزا محمد آقازاده و حاج آقا حسین
قمی شرکت نمود و از معارف بلند آنها
برخوردار گردید و خود سالها به
تدریس شرح لمعه، قوانین، مکاسب و

(۳۶۲)

مدرسی حسینی - سید

محمدرضا

(۱۳۱۰-۱۳۵۹ ه. ش)



محمدرضا مدرسی حسینی در سال ۱۳۱۰ ه. ش در مشهد متولد شد. پدر وی مرحوم حجة الاسلام سید محمد علی مدرسی حسینی از خدام و مدرّسین آستان قدس امام رضا علیه السلام بود که در قضیه کشف حجاب به واسطه فشارهای وارده به همراه پدرش مرحوم حجة الاسلام والمسلمین سید جواد مدرسی حسینی و فرزند خردسالش سید محمدرضا به کربلا و نجف هجرت

کردند. سید محمدرضا پس از گذراندن مقدمات نزد اساتید نجف، دروس سطوح را نزد آية الله حاج شیخ ذبیح الله قوچانی که شوهر همشیره وی بود، گذراند و در دروس خارج از محضر آیات عظام خونی و سید عبدالاعلی سبزواری، که شوهر عمه و پدر خانم او بود، استفاده کامل کرد. در سال ۱۳۴۷ ه. ش از نجف به مشهد بازگشت. در مشهد ضمن اقامه نماز جماعت در مسجد محرابخان خیابان طبرسی، به ارشاد مردم و موعظه مؤمنین و رسیدگی به مشکلات مستمندان پرداخت.

وی علاوه بر کسب مدارج علمی، دارای فضائل اخلاقی پویزه تواضع، سکوت و تقوا بود.

بالاخره پس از عمری تلاش علمی و خدمت به جامعه اسلامی در نیمه شوال سال ۱۳۹۸ ه. ق برابر با ۲۷ شهریور ۱۳۵۹ ه. ش بر اثر واژگون شدن اتومبیل در جاده شیروان به قوچان دعوت حق را لبیک گفت و در جوار ملکوتی مولایش حضرت امام

رضای علیه السلام در صحن انقلاب به خاک سپرده شد.

غلامرضا جلالی

(۳۶۳)

مدرسی خراسانی - سید
مرتضی

(۱۲۷۹ - ۱۳۴۲ ه. ش)



شاه آبادی ازدواج نمود و امامت مسجد امامزاده زید واقع در بازار بزرگ تهران را به عهده گرفت و بعدها به جای آیه الله شاه آبادی مدتی امام جماعت مسجد جامع بازار تهران بود.

شرایط علمی، اخلاقی و اجتماعی آیه الله سید مرتضی او را به پناهگاه توده های نادار و محروم تبدیل کرد و قاطبه مردم تهران و متدینین بازار با وی معاشرت داشتند.

ایشان در ۲۳ شوال ۱۳۸۳ ق / ۱۳۴۲ ش بر اثر کسالت ریوی در سن ۶۳ سالگی درگذشت و با توجه به ارتباط بسیار نزدیک و عاطفی که در زمان حیات خود با آیه الله العظمی سید احمد خوانساری داشتند، با حضور ایشان جنازه اش در تهران تشییع شد و به مشهد انتقال یافت و با حضور آیه الله العظمی میلانی در محل دارالعهزه حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد.

غلامرضا جلالی

آیه الله سید مرتضی خراسانی از علمای برجسته خراسان، تا سن ۴۰ سالگی در مشهد نزد پدر خود به تحصیل علوم و معارف دینی مشغول بود. سپس به تهران سفر کرد و با دختر ارشد مرحوم آیه الله شیخ محمد علی

(۳۶۴)

مدقق خراسانی - علی اکبر

(۱۳۱۵ - بعد از ۱۳۸۰ هـ ق)

خراسانی را فرا گرفت؛ سپس در دروس خارج شهید آیةالله میرزا محمد آقا زاده شرکت کرد.

شیخ علی اکبر مدقق اهل منبر بود، ایشان با آهنگ زیبا و پرجاذبه مستمعین را سحر می کرد. او چون عاشق اهل بیت مخصوصاً سیدالشهداء علیه السلام بود در ختم منابر ذکر مصیبت می خواند و مردم را متأثر می نمود. پس از که مدتی در مشهد بود و شهرت عجیبی پیدا کرد او را به قم دعوت نمودند و منابر علمی زیادی در آن جا ارائه داد. مرحوم آیةالله العظمی



در ۱۳۱۵ هـ ق در قریه سعید آباد رحمتم الله متولد شد. حاج شیخ عبدالکریم یزدی مؤسس حوزه علمیه قم و مرحوم آیةالله سیدصدرالدین در زمانی که در مشهد بودند به ایشان محبت داشتند و از ایشان تجلیل می کردند. او در منزل آیةالله صدر سه شب منبر رفت، ولی فکر کرد که منبر رفتن برای او زود است دیگر آن جا نرفت؛ بعد از چند روز در حرم مطهر حضرت رضائیه علیها السلام مرحوم آیةالله صدر به او گفتند: چرا منبرت را تعطیل نمودی. ایشان گفت: من باید خانواده ای با ایمان قدم به جهان گذارد. پنج سال نزد ملای ده به مکتب رفت. استعداد وی استاد را متحیر می ساخت. این کودک در مدت کوتاهی مقدمات را سپری نمود. بعد به مشهد رفت، مطول را نزد میرزا عبدالجواد ادیب و فیلسف و حکمت را نزد مرحوم آقا بزرگ آموخت و اخلاق را از آیةالله میرزا مهدی اصفهانی تلمذ نمود و لمعه و قوانین و کفایه مرحوم آیةالله العظمی آخوند

درس بخوانم. مرحوم سید صدر الدین فرمودند: روزهای پنجشنبه، من در منزل منبر می‌روم شما بیا قبل از من منبر برو به شرط این که هر پنجشنبه یک خطبه از حضرت امیر بخوانی؛ بعد مرحوم آیه‌الله صدر به حجره او رفته بود نهج البلاغه خود را در اختیار او گذاشت. از آن پس ایشان هر روز پنجشنبه یک فراز آن را حفظ می‌کرد و به منبر می‌رفت.

گوهرشاد منبر رفت و در اجتماع مردم گفت: ای مردم بدانید هدف از آوردن جنازه، دفن یک مشت استخوان نیست بلکه ترویج مرام پهلوی است. مأموران مخفی او را دستگیر و در منزل خودش در یک اطاقی او را زندانی و مورد بازجویی قرار دادند که این به تعطیلی بازار مشهد انجامید.

در زمانی که آیه‌الله بروجردی به مشهد مشرف شدند شیخ علی اکبر مدقق برای وعظ و تجلیل از آیه‌الله بروجردی و تشکر و قدردانی از مراجع و علماء و مردمی که با عشق و علاقه به دیدارش می‌آمدند در نظر گرفته شد و ایشان از عهده این برآمد.

روزی آیه‌الله بروجردی قصد بازدید از علماء داشتند، به آقای مدقق هم اطلاع داده شد که آقا می‌خواهد به منزل شما بیایند جمعیت زیادی از آقایان علماء با ایشان بودند وقتی آقا وارد منزل شدند چشمشان به حیاط محقر افتاد با لحن شوخی به او فرمود: آقای مدقق گویا منزل شما در بهشت آبادتر از

مرحوم مدقق مردی شجاع بود و از حریم اسلام همواره دفاع می‌کرد، هر وقت متوجه می‌شد سخنی یا قیاسی علیه اسلام تبلیغ می‌شود، به منبر رفته و علیه آن، سخن می‌گفت. هنگامی که رضا خان پهلوی از ایران تبعید شد و در جزیره موریس از دنیا رفت درباریان و خانواده‌اش بدن او را مومیایی کردند و در تابوت گذاردند و متحیر بودند با جنازه او چه کنند؟ آن‌ها سه جا را در نظر گرفتند: قم، حضرت عبدالعظیم علیه السلام و مشهد. در این موقع بود که مرحوم شیخ علی اکبر مدقق در صحن مسجد

دعا خواندن هستند. به راننده گفت: «روح» یعنی برو. او به مسجد رفت، مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی نماز می‌خواند به او اقتدا کرد نماز که تمام شد جریان گرفتاری خود را برایش بیان نمود آیه‌الله اصفهانی فرمود: هر شب نیم ساعت این جا منبر برو، من تو را اداره می‌کنم. حتی یکروز برای دستگیری مدقق از کنسولگری ایران آمدند ولی به خاطر مرحوم سید موفق نشدند. مدقق تا زمانی که متفقین به ایران آمدند و رضاشاه با خانواده‌اش به جزیره مورپس تبعید شدند، در شهر کربلا بود و بعد به ایران برگشت.

پس از سال ۱۳۸۰ درگذشت و در صحن انقلاب نزدیک پنجره فولاد حرم مطهر رضوی دفن شد. حاج شیخ محمد مدقق، واعظ و محدث معاصر از فرزندان ذکور او هستند. مرحوم مدقق دوازده دختر دارد که یکی فوت کرده و بقیه حیات دارند.

برگرفته از یادداشت‌های یکی از فرزندان.

غلامرضا جلالی

منزل این دنیا است؛ مادیات در نظر مدقق بی‌ارزش بود حتی در لحظه مرگ هم دستش از مال دنیا تهی بود او از درآمد منبر به اندازه قوت لایموت بر می‌داشت و بقیه را انفاق می‌کرد.

در حادثه مسجد گوهرشاد منزل مدقق در یکی از محله‌های قدیمی مشهد به نام «تپ‌المحله» در کنار حمام عمومی قرار داشت، آن روز شش نفر پلیس تمام منزل مدقق را تفتیش نمودند، چیزی دستگیرشان نشد ولی مدقق را دستگیر و با خودشان بردند.

مدقق گفته بود من می‌خواهم از مشهد بروم لذا او را رها کردند. وی از شهر بیرون و به قم هجرت کرد، از آن جا با پنج نفر دیگر به‌طور قاچاق عازم عراق گردید. ایشان از تمام پاسگاهها عبور کردند و به جایی رسیدند که راننده گفت اگر از این جا عبور کنم ما را هدف گلوله قرار می‌دهند و رشوه هم قبول نمی‌کنند. آن‌ها تابوتی در وسط اتومبیل گذاردند و ملافه‌ای روی آن کشیدند و در اطراف آن نشستند، رئیس پاسگاه آمد و نگاهی به داخل کرد دید آن‌ها مشغول

(۳۶۵)

مدیر شانه چی - کاظم

(۱۳۰۶ - ۱۳۸۱ هـ ش)



شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری و مرحوم، محقق نوقانی بهره برد. آنگاه معالم الاصول را نزد آیه الله مروارید و شرح لمعه و قوانین را نزد مرحوم حاج میرزا احمد مدرس یزدی و دروس رسائل، مکاسب، کفایه و خارج اصول را نزد آیه الله حاج شیخ هاشم قزوینی فراگرفت. از دیگر اساتید ایشان مرحوم حاج میرزا احمد کفائی بود. استاد همچنین یک دوره خارج اصول و چند مبحث فقه را نزد مرحوم آیه الله العظمی سید محمد هادی میلانی آموخت و دروس فلسفه را از محضر حاج شیخ مجتبی قزوینی، حاج شیخ سیف الله ایسی و مرحوم الهی قمشای فراگرفت. اجازاتی از حاج آقا بزرگ تهرانی، حاج شیخ هاشم قزوینی، میرزا مهدی الهی قمشای و حاج میرزا حسین سبزواری دریافت نمود.

استاد شانه چی با بنیانگذاری دانشکده الهیات مشهد در سال ۱۳۲۷ ه.ش، طی دعوتی از سوی دکتر فیاض، به تدریس فقه و حدیث در دانشکده

حجة الاسلام و المسلمین استاد

کاظم مدیر شانه چی در ۱۳۰۶ خورشیدی در مشهد مقدس دیده بدین خاکدان گشود. پدر ایشان از بازرگانان معتبر مشهد و مادرشان از خانواده علم و فضیلت بود. استاد تحصیلات آغازین را در دهستان و دبیرستانهای مشهد گذراند و سپس در مدرسه خیراتخان به تحصیل دروس حوزوی و ادبیات عرب پرداخت و از دروس ادبیات مرحوم

الهیات پرداخت، و حاصل همت و تلاش بی‌وقفه استاد در شناساندن جایگاه علم حدیث و بسط و رواج آن، تألیف کتابهای ارزشمندی چون «درایة الحدیث»، «علم الحدیث» و «تاریخ حدیث» است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت‌های علمی استاد شانه‌چی توسعه بیشتری یافت و با تأسیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس در سال ۱۳۶۳ ه. ش، استاد همزمان با عضویت در هیأت مدیره، سرپرستی گروه حدیث بنیاد را نیز عهده‌دار گشتند. جایگاه استاد در بنیاد پژوهش‌های اسلامی موقعیت مناسبی را پدید آورد تا ایشان با کمک پژوهشگران فاضل در زمینه استخراج و تدوین احادیث نبوی و دیگر معصومان علیهم‌السلام خدمات ارزنده‌ای تقدیم نمایند؛ از جمله می‌توان به هدایة‌الامة شیخ حر عاملی در ۸ جلد، الحکم من کلام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب در ۲ جلد، سنن النبی در ۱۰ جلد و تصحیح نسخه‌ای کهن از

صحیفه سجادیه اشاره کرد. ایشان با مجله آستان قدس، مشکوة و دانشکده الهیات همکاری نزدیک داشت.

استاد آثار دیگری نیز نگاشته‌اند که برخی از آنها بدین شرح است: ترجمه و شرح تبصره، چهل حدیث حضرت رضا (ع) با مقدمه‌ای در رجال معاصر حضرت علیه‌السلام، تصحیح و تحشیة الانوار البهیه شیخ عباس قمی، روش استنباط، آیات الاحکام، تاریخ فقه مذهب اسلامی، مزارات خراسان، تاریخچه ادوار منطق.

استاد شانه‌چی در کنار تدریس و تألیف که حاصل دهها سال مطالعه و کاوش ایشان بود از چنان فضایل اخلاقی بهره داشت که حتی در میان همگنان زبانزد بود و همواره آرامشی دست نیافتنی بر روح و روان ایشان سایه می‌افکند که هیچ رویدادی وجود استوارش را به تلاطم نمی‌کشانند و این یادآور گوهری است که حضرت علی علیه‌السلام چنین فرموده است: «تزول الجبال و لا تزل».

وی سرانجام در نیمروز
 ۱۳۸۱/۲/۲۳ آخر صفر ۱۴۲۳ در
 سالروز شهادت هشتمین اختر آسمان
 ولایت حضرت علی بن موسی الرضا
 عالم آل محمد ﷺ چشم از جهان
 فرو بست و در غرفه ۲۵ صحن آزادی
 دفن شد.

فلامرضا جلالی

(۳۶۶)

مرتضوی - احمد

(۱۲۸۰ - ۱۳۴۷ ه. ش)



آیةالله سیداحمد مرتضوی فرزند
 میرزا بابا، در سال ۱۲۸۰ شمسی در

شهرستان بجنورد متولد شد. او پس از
 فراگرفتن مقدمات و ادبیات در
 زادگاهش، به مشهد رفت و در آن جا
 سطوح را خواند. سپس رهسپار نجف
 اشرف شد و از محضر آیات عظام میرزا
 حسین نائینی، آقاضیاء اندین عراقی و
 سیدابوالحسن اصفهانی بهره جست. او
 با علوم جدید از جمله ریاضیات آشنا
 بود و به زبان فرانسه نیز تسلط داشت.

میرزا احمد پس از سالها تحصیل
 به سبب علاقه به زادگاهش بجنورد، به
 این شهر بازگشت و به اقامه جماعت و
 خدمات دینی و تدریس و تربیت طلاب
 پرداخت. او پس از مشارکت در
 بازسازی مدرسه سلطانی برای طلاب
 بجنوردی، خود شخصاً کار تدریس
 طلاب را عهده‌دار گردید.

او عالمی شجاع، صریح اللهجه و در
 عین حال خوش مشرب و زنده دل بود
 و به دستگاه حکومت و ایادی آنها
 اعتنایی نداشت. در جشنی که در
 پادگان بجنورد بر پا شده بود،
 بی‌احترامی به روحانیت را دستاویز

مقدماتی حوزه را نزد پدرش فرا گرفت، سپس برای کسب علوم دینی همراه با برادر راهی مشهد شد و در مدرسه نواب، در اتاق مشهور به سر در سکونت گزید. درگذشت پدر باعث شد که تحصیلات خود را ناتمام رها کند و به بجنورد باز گردد. وی امامت جماعت مسجد فاطمی بجنورد را عهده‌دار بود. او مسؤولیت محضر اسناد را نیز داشت.

میرزا محمد از روحانیون به نام زمان خویش بود که با حکام محلی بجنورد سر ستیز داشت. او به سبب مخالفت با حکومت به مدت دو سال به مشهد تبعید گردید. در دوره کشف حجاب جزو محدود روحانیونی بود که با لباس روحانیت در مجالس و محافل حضور می‌یافت.

میرزا محمد مرتضوی در سن ۶۲ سالگی در سال ۱۳۲۴ ش به هنگام سجده نماز دچار سگته شد و دعوت حق را لبیک گفت. جنازه او در صحن نو حرم مطهر امام رضا علیه السلام به خاک سپرده شد.

قرار داد و همراه با علمای وقت مجلس را ترک گفت. در جریان احداث جاده سنتی از طریق گنبد به بجنورد و مشهد به رهبری او علماء تلگرافی را امضاء کردند که در آن به عبور این جاده از طریق سملقان به بجنورد اعتراض شد. فوت آیه‌الله سیداحمد مرتضوی در سال ۱۳۴۷ شمسی در سن ۶۷ سالگی واقع شد. پیکرش را در جوار آستان قدس رضوی به خاک سپردند.

علی‌اکبر عباسیان و احسان سیدی زاده، دانشوران بجنورد / ۸ - ۱۳۳۴ محمد شریف رازی: گنجینه دانشمندان ۱۸۵/۳

رسول سمیدی زاده

(۳۶۷)

مرتضوی - محمد

(۱۲۶۲ - ۱۳۲۴ ش)

میرزا محمد مرتضوی فرزند میرزا بابای سنخواستی، روحانی مبارز. میرزا محمد در سال ۱۲۶۲ ش / ۱۳۰۳ ق در شهرستان بجنورد متولد شد. تحصیلات

علی اکبر عباسیان و احسان سیدی زاده:
دانشوران بجنورد / ۹ - ۱۳۸.

(۳۶۸)

مرعشی - سید کاظم

(۱۳۳۷ - ۱۴۲۳ هـ ق)



آیه الله حاج سید کاظم مرعشی از
سادات جلیل القدر مرعشی است که
نسل آنها به حسین الاصفهری فرزند امام
زین العابدین علیه السلام می رسد.

وی در روز جمعه پانزدهم شعبان
۱۳۳۷ هـ ق همراه برادرش آیه الله حاج
سید مهدی در نجف در باب طوسی از
مادری منسوب به خاندان میرزا محمد

حسن شیرازی دیده به جهان گشود و تا
سال ۱۳۴۷ در نجف اشرف بودند، آنگاه
به شهرستان رفسنجان رفت و تا سال
۱۳۵۳ به تکمیل دروس فارسی
پرداخت و پس از آن به حوزه علمیه قم
هجرت نمود. بعد از تحصیل مقدمات
علوم عربی و تکمیل مبانی سطوح عالی
نزد علمای متبحر زمان خود در مدرسه
فیضیه قم به همراه برادرش دروس
خارج فقه و اصول را از محضر آیات
حاج سید محمد حجت، حاج سید
محمد تقی خوانساری، حاج سید
صدرالدین صدر، امام روح الله خمینی و
حاج آقا حسین بروجردی بهره برد و
پس از تکمیل مراتب علمی و معنوی در
سال ۱۳۷۰ هـ ق به نجف مهاجرت نمود
و با وجود قوه استنباط و اجتهاد به مدت
چهار سال در بحث خارج فقه آیه الله
حاج سید عبدالهادی شیرازی شرکت
نمود و در بحث استفتائی آن مرحوم
حضور یافت و حدود بیست و دو سال
در حوزه علمیه نجف اشرف به تدریس
سطوح عالی و خارج فقه و اصول

(۳۶۹)

مرعشی شوشتری - میر اسدالله
(۸۸۸ - ۹۶۳ هـ ق)

میر اسدالله مرعشی شوشتری از فضیلتی سادات نامدار شوشتر در قرن دهم هجری بوده است. پدر او میر زین الدین علی نام داشت؛ و سلسله نسب او با ۲۱ واسطه به امام زین العابدین می‌رسد. میر اسدالله متولد ۸۸۸ هـ ق در شهر نجف اشرف تحصیلات خود را تکمیل کرد. او یکی از شاگردان برجسته محقق ثانی، شیخ علی بن عبدالغالی کرکی (م ۹۹۳ ق) بود و از او اجازه دریافت کرد. در سال ۹۴۱ هـ ق که محمدخان شرف الدین اغلی تکلو، حاکم بغداد از جانب شاه طهماسب اول صفوی در سالهای ۹۳۵ - ۹۴۰ ق، به ایران برگشت؛ میر اسدالله هم همراه او بود.

وی در سال ۹۴۴ ق با وساطت استادش توسط شاه طهماسب اول (۹۳۰ - ۹۸۴ ق) به منصب صدارت انتخاب شد و به «صدر» اشتهاار یافت.

مشغول بود، تا آن که به سال ۱۲۹۲ هـ ق به ایران آمد و بعد از ۲ سال توقف در حوزه علمیه قم در سال ۱۳۹۴ هـ ق به شهر مشهد هجرت نمود و تا پایان حیات خود در این شهر به تدریس خارج فقه و اصول و خدمات دیگر اجتماعی همت گماشت. ایشان در جریان انقلاب اسلامی از پیشگامان این انقلاب در مشهد بودند و در ۲۴

ربیع الآخر ۱۴۲۳ / ۱۵ تیر ۱۳۸۱ در سن ۸۶ سالگی در مشهد چشم از جهان فرو بست و در حرم مطهر رضوی دارالزهد دفن گردید. آیه الله خاتمه ای میر اسدالله رهبر انقلاب اسلامی به ارسال پیامی به تولیت آستان قدس رضوی درگذشت ایشان را تسلیت گفتند.

از آثار برجسته ایشان است: تقریرات بحث خارج آیات بروجردی، حجت، سید عبدالهادی شمیرازی و حاشیه بر عروة الوثقی و رساله عملیه.

غلامرضا جلالی

او به مدت ۲۰ سال عهده‌دار این مقام بود، جالب این که شرح جزئیات فعالیت‌های او در این مدت در منابع ذکر نشده است. به نظر می‌آید او توانسته است بدون جنجال و رقابت دیگران در شغل خود انجام وظیفه کند. در اواخر عمر که دچار ضعف و بیماری شد امور صدارت در اختیار پسرش میرسید علی بود. میر اسدالله در سال ۹۶۳ ق در شهر تبریز فوت کرد، جسدش به مشهد منتقل و در پایین پای حضرت مرقد امام رضا علیه السلام دفن شد. با توجه به تصریح منابع این دوره به دفن او در تبریز بسم الله الرحمن الرحیم و کبریا بسم الله الرحمن الرحیم مشهد، گفته محسن امین که «قبر میر اسدالله مرعشی یکی از علمای عهد شاه طهماسب اول در اصفهان در مزار بی بی فاطمه قرار دارد» درست نیست. میر اسدالله بیش از آنکه یک شخصیت سیاسی باشد یک عالم دینی است. همانطور که گفته شد او از شاگردان ممتاز محقق ثانی بوده است و اکثر اوقات در مشاهد مقدسه به افاده علوم دینی می‌پرداخت. او دارای کمالات

صوری و معنوی حسن خط و انشاء بود و در علوم مختلف آثار داشت بوداق منشی قزوینی نظر مثبتی نسبت به میر ندارد. او ضمن آنکه آغاز صدارت او را در سال ۹۴۲ ق می‌داند؛ می‌نویسد: «وطن او در شوشتر بود، به نجف رفته بود که مطالعه کند چون فترت روم شد همراه محمد خان به وطن آمد و او را رتبه و منزلتی نبود، شیخ علی بن عبدالعالی تعریف او کرده بودند... که به یک بار این منصب [صدارت] یافته» با توجه به اینکه بوداق منشی هم همراه محمد خان بوده و سمت منشی گری و لشکر نویسی عراق را بر عهده داشته است احتمال می‌رود بین او و میر اسدالله روابط خوبی برقرار نبوده است. آثار و تالیفات او در منابع به صورت گوناگون ذکر شده است. حسن بیگ روملو برخی از آنها را اینگونه معرفی کرده است: ترجمه العینیه اثر خاتم المجتهدین (محقق کرکی) به فارسی و رساله‌ای در باب علامات ظهور صاحب الزمان به نام جلا العیون. و علاالملک

میر اسدالله دو پسر داشت؛ یکی میر زین الدین سید علی که در آخر عمر پدرش عهده دار کارها بود و همو در سال ۹۷۰ ق به طور مستقل منصب صدارت یافت و عاقبت از آن استعفا کرد و تولیت روضه رضویه را بر عهده گرفت. پسر دوم او به نام میر عبدالوهاب نام داشت که در تعمیر و آبادانی املاک خاندان مرعشی‌ها در خوزستان فعالیت زیاد نمود. هم‌اکنون بسیاری از سادات مرعشی شوشتر از نسل این خانواده می‌باشند.



حسینی مرعشی، مؤلف فردوس در تاریخ شوشتر که به لحاظ نسبی و زمانی به میر اسدالله نزدیک است آثار او را این‌گونه بیان می‌کند: «ترجمه الاهوت، اثر محقق ثانی، تالیف رساله کشف الحیره در فواید و حکم غیبت صاحب الامر، رساله در اراضی انفال، رساله متعلقه و رساله‌ای در تحقیق آنکه زینب و رقیه از صلب رسول خدا اند. صاحب اعیان الشیعه کتابهای شرح تسجید بر کافی، شرح بر قواعد علامه و شرح بر شرایع را از جمله آثار او می‌داند.

سراج الانساب / ۱۴۵، جواهر الاخبار / ۲۶۶ و ۱۸۵ و ۱۸۸، احسن التواریخ / ۳۶۲ و ۵۱۱ و ۵۳۸، خلاصه التواریخ ۳۶۸/۱، اعیان الشیعه ۲۸۵/۳، فردوس در تاریخ شوشتر / ۲۲ - ۲۵ و ۱۹۵، حیاة المحقق کرکی و آثاره ۵۱۹/۲

اسماعیل رضایی

به نظر می‌رسد این آثار همه مربوط به میر اسدالله بوده است و هر نویسنده‌ای برخی از آنها را ذکر کرده است. در مورد ترجمه میر اسدالله از اثر استادش نباید اشاره کرد که محقق کرکی کتابی نوشته است به نام «نفحات اللاهوت فی لعن الجبت والطاغوت» در بیان جواز لعن کردن بر مخالفان علی علیه السلام و همین کتاب توسط میر اسدالله ترجمه شده است که به صورت عینیه، لعنیه و اللاهوت آمده است.

(۳۷۰)

مروارید - حسنعلی

(۱۳۲۹ - ۱۴۲۵ هـ. ق)

عالم ربانی، متأله قرآنی، و استاد



و افشان بیخته را ایشان اختراع کرده است. عموی آیه‌الله مروارید، حاج شیخ علی اکبر مروارید نیز از علما و شاگردان آخوند محمد کاظم خراسانی بوده است. جد مادری ایشان، آیه‌الله حاج شیخ حسنعلی تهرانی (م ۱۳۲۹ق) است که از شاگردان برجسته مرجع بزرگ، آیه‌الله میرزا محمد حسن شیرازی و از عالمان نامدار قرن ۱۴ در

مشهد مقدس بوده است و نام حسنعلی، به یاد او و به احترام حاج شیخ حسنعلی اصفهانی نخودکی بر آیه‌الله مروارید نهاد شده است.

آیه‌الله میرزا حسنعلی مروارید، در سال ۱۳۳۷ق و در اوان ۹ سالگی پدر را از دست داد و بر اساس وصیت پدر تحت نظارت حاج شیخ حسنعلی اصفهانی نخودکی، و تربیت مادر (م ۱۳۶۰ش) که مشهور به مواظبت بر دعا و مداومت عبادت بود، قرار گرفت. در ۱۳ سالگی به دلیل علاقه زیاد به علوم اسلامی وارد حوزه علمیه مشهد شد و در مسیر دانش‌ورزی، نزد عالمانی چون

مکتب معارف اهل بیت علیهم‌السلام، آیه‌الله حاج میرزا حسنعلی مروارید، هشتم سوال

۱۳۲۹ق. در مشهد مقدس پا به عرصه

حیات نهاد. پدرش حاج شیخ متحیّد

رضا مروارید (۱۲۹۹-۱۳۳۸ق) از

عالمان وارسته بود و با حاج شیخ

حسنعلی اصفهانی نخودکی عقد اخوت

داشت. شهرت «مروارید» در خاندان

ایشان، با یکی از مشهورترین رجال

ادب و هنر خوشنویسی، خواجه

شهاب‌الدین عبدالله مروارید کرمانی

(۸۶۵-۹۵۵ق) آغاز می‌شود. سام

میرزا محمد مومن پسر خواجه عبدالله

مروارید از اساتید خط نسخ و ثلث بود

خواهش تنی چند از شاگردان خویش، آن را به صورت کتابی مستقل به رشته تحریر درآورد.

دو مدرسه علمیه بعثت و سعادت توسط ایشان تأسیس شد و در مدرسه میرزا جعفر، مسجد حاج ملا هاشم و مسجد ملا حیدر امامت جماعت را به عهده داشت و نمازهایش، از دیر باز مورد استقبال مجاوران و زائران و محل اجتماع فضلا و علما بود.

مرحوم آیه الله مروارید هر روز به حرم حضرت امام رضا علیه السلام مشرف دروس علمی و عملی خود بنظر مستحب می‌گرفتند و تا آخر عمر با وجود کهولت سن و ضعف بنیه این رسم را ترک نکرد.

او در سی سالگی با یکی از خویشاوندان مادری از خاندان آیه الله حاج شیخ محمد تقی بجنوردی (م ۱۳۱۴ش) ازدواج کرد و ثمره آن هفت پسر و سه دختر بود. ایشان به تعلیم و تربیت فرزندان اهتمام بسیار داشت و فرزندان و دامادها و بیشتر نوه‌های ایشان از مدرسان سطوح عالی و خارج فقه و اصول در حوزه علمیه مشهد

حاج شیخ حسنعلی اصفهانی نخودکی و علامه حاج شیخ هاشم قزوینی کسب علم نمود. برجسته ترین استاد ایشان، آیه الله میرزا مهدی اصفهانی (۱۳۰۳-۱۳۶۵ق) بود، و مباحث تخصصی فقه و اصول و معارف اهل بیت علیهم السلام را در محضر ایشان فراگرفت.

آیه الله مروارید مدتی پس از فوت استاد خویش میرزا مهدی اصفهانی در مشهد به تدریس خارج فقه و معارف

دینی پرداخت، و قریب چهل سال جویندگان علوم و معارف اسلامی را از آرامش دروس علمی و عملی خود بنظر مستحب می‌گرفتند و تا آخر عمر با وجود کهولت سن و ضعف بنیه این رسم را ترک نکرد.

آیه الله مروارید سالیان مستمادی با مرحوم آیه الله میرزا جواد آقا تهرانی هم درس و هم بحث بود. او بر معارف اهل بیت علیهم السلام و تفسیر روایات تسلط داشت.

کتاب «تنبیها ت حول المبدأ و المعاد» خلاصه‌ای از درس‌های معارف ایشان است که در دوره‌های متعدد به تدریس آنها پرداخته بود و بنا به

می‌باشند.

بدون تردید یکی از مهمترین بخش‌های حیات وی مبارزات سیاسی و مشارکت‌های اجتماعی ایشان بود.

ایشان روز دوازدهم فروردین سال ۱۳۴۲ ه. ش همراه آیه‌الله شیخ مجتبی قزوینی و حسین وحیدی و میرزا جواد آقا تهرانی با ارسال تلگرام به آیه‌الله گلپایگانی ضمن بیان مراتب تأثر خود نسبت به حادثه دلخراش فیضیه،

مخالفت خود را با سیاست‌های دینی و فرهنگی شاه اعلام نمودند.

شب ۲۷ فروردین سال ۴۳ در یکی از آزادی امام خمینی و بازگشت ایشان از تهران به قم، آیه‌الله حسنعلی مروارید همراه آیه‌الله حاج شیخ مجتبی قزوینی و آیه‌الله میرزا مهدی نوقانی و سید محمد مظلومی، فردوسی‌پور و سید عباس سیدان و متجاوز از ۴۰ نفر از طلاب و بازاربهای مشهد عازم قم شدند و در سیده‌دم با امام خمینی دیدار نمودند. در این دیدار آیه‌الله خزعلی سخنرانی نمود و عصر همان روز امام با علمای

مشهد در منزل آیه‌الله خزعلی دیدار نمود.

با تبعید امام خمینی در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ به ترکیه، در پی اعتراض ایشان به کاپیتولاسیون آیه‌الله مروارید همراه آیات حاج آقا حسن قمی، حاج شیخ مجتبی قزوینی، میرزا احمد مدرس یزدی، میرزا جواد آقا تهرانی و حاج شیخ کاظم دامغانی و مدرسین برجسته دیگر حوزه، در منزل آیه‌الله العظمی سید

محمد هادی میلانی حضور یافتند و پس از مذاکره و تبادل نظر تصمیم جدی برای مبارزه با رژیم و خشنی کردن سیاست‌هایش گرفتند.

آیه‌الله مروارید در جریان زلزله خونبار جنوب خراسان که روز نهم شهریور سال ۱۳۴۷ اتفاق افتاد و در پی آن شهرهای کاخک و فردوس، با خاک یکسان شدند و بیش از ۱۶۰۰۰ نفر جان باختند، همراه آیه‌الله خامنه‌ای و آیه‌الله طوسی و شهید هاشمی‌نژاد به حسامیت از مردم زلزله‌زده جنوب خراسان برخاست.

سرنوشت‌ساز انقلاب در مشهد از سوی علمای حوزه صادر شد، و نام و امضای ایشان در پای آن نباشد. در حرکت‌های اعتراض‌آمیز علما نیز در همه رویدادهای مهم مشارکت جدی داشتند.

آیه‌الله مروارید از بُعد اخلاقی و عبادی کم مانند بود. او هرگز کسی را به خود دعوت نکرد. به پارسایی در دنیا زیست و فروتنی و مهربانی را اساس کار خود قرار داد. نماز را محور سلوک و ذکر و دعا را عمده‌ترین راه تعالی معنوی می‌دانست. به نوافل تأکید می‌ورزید و در کتمان کمالات روحی و کرامات نفسی مهارتی تام داشت و سرانجام در سن ۹۶ سالگی شامگاه سه‌شنبه نوزدهم شعبان ۱۴۲۵ ق / ۱۴ مهر ۱۳۸۳ ش پس از قرائت زیارت عاشورا و آل یس، در پی سکته قلبی از این دیار رخت بر بست و به لقای حق شستاف و پیکر ایشان در رواق دارالسرور به خاک سپرده شد. مقام معظم رهبری و مراجع تقلید، در

آیه‌الله مروارید همراه میرزا جواد آقا تهرانی و شهید هاشمی‌نژاد در ۱۹ خرداد ۵۴ در اعتراض به عملکرد رژیم پشیمانی از مبارزه حوزه قم و اعلان انزجار از دستگیری طلاب مدرسه‌های فیضیه و دارالشفاء، درس خود را تعطیل نمود.

آیه‌الله طیبسی در این جریان بازداشت شد و پس از آزادی از زندان در آبان سال ۱۳۵۶ در مسجد ملاهاشم که امام جماعت آن را آیه‌الله مروارید به عهده داشت، بعد از نماز به تدریس می‌پرداخت.

در جریان انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، ایشان عضو شورایی بود که در بیت آیه‌الله العظمی سید عبدالله شیرازی در خصوص مسائل مهم سیاسی، اجتماعی و انقلابی تصمیم‌گیری می‌کردند.

ایشان در شمار کسانی بود که در راستای انقلاب اسلامی و تحقق نظام جمهوری اسلامی گام برداشتند و کمتر اعلامیه گروهی است که در روزهای

پیام‌های تسلیت خود، ایشان را بقیه
السلف زهاد و عباد، مرزبان مخلص
مکتب اهل بیت علیهم‌السلام خوانده‌اند.
مجتبی الهی خراسانی

(۳۷۱)

مروارید - محمدرضا

(۱۲۹۹ - ۱۳۳۸ هـ ق)

حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ
محمدرضا مروارید فرزند حاج محمد
علی از اتقیاء عصر خود بود و در محله
دربند علیخان پایین خیابان مشهد
سکونت داشت. ایشان به خاندان
عصمت و طهارت عشق می‌ورزید و به
فقر پنهانی کمک می‌کرد. او در سن ۲۸
سالگی با دختر آیه‌الله حاج شیخ
حسنعلی تهرانی ازدواج کرد. چند سال
بعد در ایامی که وبا در مکه باعث مرگ
بسیاری از حجاج شده بود همراه با
حاج شیخ مهدی قلندرآبادی به حج
مشرّف گردید. در همان سال شایع شده
بود که انگلیسیها برای آن که مسلمانان
در مکه مجتمع نشوند آب مکه را به وبا

آلوده کرده بودند! مرحوم مروارید با
علمای اعلام حاج شیخ عباس قمی و
حاج ملا هاشم مؤلف منتخب التواریخ
و حاج شیخ حسنعلی اصفهانی
(نخودکی) رابطه نزدیک داشت و علاقه
آنها به آن مرحوم تا جایی بود که پس از
وفات ایشان نیز قطع رابطه نکرده از
فرزند او دلجویی داشتند و مرحوم حاج
شیخ عباس قمی گاه به منزل آن مرحوم
سر می‌زد و بعضی از تألیفات خود را به
فرزند بزرگ ایشان هدیه می‌کرد.

مرحوم مروارید با مرحوم نخودکی
عقد اخوت و برادری بسته بود و از
نخودکی نقل شده که: من با بسیاری از
اشخاص عقد اخوت بسته در انجام
وظایف برادری بر آنها سبقت گرفته‌ام،
ولی هر چه کوشیدم از حاج شیخ
محمدرضا مروارید پیشی بگیرم،
نتوانستم.

حاج شیخ حسنعلی نخودکی تا سن
۵۴ سالگی ازدواج نکرده بود و
تابستانها به مزرعه گلشاد مجاور
خواجهریبع که از املاک مرحوم حاج

محمدعلی پدر حاج شیخ محمدرضا مروارید بود می‌رفت و سه ماه رجب و شعبان و رمضان را روزه می‌گرفت و غذای او در افطار یک پیاله شیر و شیره توت و یک قرص نان و مقداری آب بود و در ۲۴ ساعت به همان یک وعده غذا اکتفا می‌کرد و سحر قدری آب می‌خورد. ایشان نام حسنعلی را که نام خود و نام آیه‌الله حاج شیخ حسنعلی تهرانی بود، برای آیه‌الله حاج شیخ حسنعلی مروارید فرزند اول مرحوم حاج شیخ محمد رضا مروارید انتخاب کرده بود.

مرحوم حاج شیخ محمدرضا مروارید هفت روز قبل از وفات خود در سن ۳۸ سالگی در عاشورای سال ۱۳۳۸ هـ ق در منزلش منبر رفت و انقلاب عجیبی به او و مستمعان دست داد و پس از ایراد خطابه بیمار شد و در همین بیماری اظهار کرده بود که گمانم آخر عمرم باشد. چون قبل از ازدواج، با برادرم آیه‌الله حاج شیخ علی اکبر مروارید که از شاگردان مرحوم آیه‌الله آخوند

خراسانی بود، به نجف مشرف شدیم، در نجف برادرم مریض شد و وفات کرد و من او را در حال غربت کفن و دفن نمودم. پس از بازگشت به مشهد بیمار شدم، به طوری که از ادامه حیات مأیوس گردیدم، به حرم حضرت رضا علیه‌السلام مشرف شدم و پس از زیارت و نماز از خداوند متعال درخواست کردم که به من آن قدر عمر عطا فرماید که دو سه فرزند صالح از من باقی بماند که بلا عقب نمیرم. حالی پیدا کردم که اطمینان داشتم دعایم مستجاب شده است. اکنون که دارای سه فرزند شده‌ام عمرم سر رسیده است؛ و همان طور هم شد.

ایشان در وصیت خود آقا میرزا محمد؛ فرزند حاج شیخ حسنعلی تهرانی، برادر همسر خود را وصی و حاج شیخ حسنعلی اصفهانی را ناظر قرار داد و هفت روز پس از آن عاشورا، در ۱۷ محرم ۱۳۳۸ پس از اداء فریضه صبح جان به جان آفرین تسلیم نمود.

دستخط مرحوم حاج شیخ

محمدرضا مروارید، حاکی از تاریخ تولد فرزند بزرگ ایشان آیه الله حاج میرزا حسنعلی مروارید که در صفحه‌ای از قرآن خود نوشته، در ذیل صفحه قابل ملاحظه است. شایان ذکر می‌باشد که آن مرحوم با جمله دعائیه (وفقه الله للعلم و العمل فی عمر طویل) توفیق علم و عمل و عمر طولانی را برای اولین فرزند خود از خداوند خواستار شده بود:

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ تولد نورچشمی میرزا حسنعلی و فقه الله تعالی للعلم و العمل فی عمر طویل، تقریباً دو ساعت به غروب از یوم دوشنبه هشتم شهر شوال المکرم من شهر سنه ۱۳۲۹، حرره الأحرر محمدرضا الشهیر بمروارید.

مرحوم آیه الله مروارید و نیز برادر ایشان حاج آقا جلال مروارید از مادرشان دختر مرحوم آیه الله حاج شیخ حسنعلی تهرانی نقل کردند که: موقع نماز صبح دستمال خاک تیمم را روی سینه حاج شیخ محمدرضا پهن کردم و

او را تیمم دادم و گفتم وقت نماز صبح شده نماز بخوانیه، دیدم خیره خیره به گوشه اتاق نگاه می‌کند. مجدداً گفتم وقت نماز صبح شده نماز بخوانید. ناگاه در آن حال که به گوشه اتاق خیره شده بود با صدای بلند داد زد و گفت: «دور شوای خبیث! من دارای ولای علی علیه السلام هستم، تو از من بهره‌ای نداری». این جمله را (که گویا خطاب به شیطان بود) گفتم و مشغول نماز شد و همان طور که

به پشت خوابیده بود نمازش را کامل خواند و پس از گفتن لا اله الا الله، به حرم مطهر در رواق دارالسعاده پایین پای حضرت رضا علیه السلام دفن شد و در همان جا که آرزو داشت، سر بر آستان آن حضرت گذاشت.

مرحوم آیه الله حاج میرزا حسنعلی مروارید و مرحوم حاج محمد باقر مروارید و حاج آقا جلال مروارید فرزندان ایشان هستند.

غلامرضا جلالی

(۳۷۲)

مروج خراسانی - علی اکبر

(۱۳۱۰ - ۱۴۰۰ هـ ق)

محدث قمی، محدث بیرجندی، شیخ
آقابزرگ تهرانی و حاج شیخ علی اکبر
نیاوندی اجازه روایت داشت.

نفائس اللباب در ۲ جلد، هدیه
المحدثین در درایه به فارسی، تاریخ
المعصومین، کرامات الرضویه در ۲
جلد، سوانح الایام در ۱۲ جلد و
حواشی منتخب التواریخ از آثار وی
می باشد. او به عربی و فارسی شعر
می گفت و روز چهارشنبه اول محرم سال
۱۴۰۰ هـ درگذشت و جنازه اش در
گوشه ضلع شمالی صحن عتیق دفن شد.

الذریعه ۱۲۹/۲۵، گنجینه دانشمندان
۱۶۵/۷ - ۱۶۷، مناقب فاطمی
۱۰۷/ - ۱۰۸.

غلامرضا جلالی

مشایخ ← کجوری - ابوالقاسم

مشهدی ← رضوی - محمّد زمان

(۳۷۳)

مشهدی - ابراهیم

(۱۱۴۸ هـ ق)

آقا ابراهیم مشهدی ملقب به نایب



حاج شیخ علی اکبر مروج خراسانی

متخلص به «شفیق» از علما، خطبا و
مبلغان معاصر خراسان بود و در حدیث
و خطابه از نخبگان به شمار می رفت.

ایشان حدود سال ۱۳۱۰ هـ ق در
کرمان متولد شد. پدرش غلام علی
کرمانی نام داشت. مروج با معارف
اسلامی نزد اساتید بزرگ حوزه علمیه
مشهد آشنا شد بعد به تالیف و تبلیغ
روی آورد و به تدریج به عنوان
«مروج الاسلام» اشتهار یافت و از

(۳۷۴)

مشهدی - ابو محمد

(- ۱۲۴۰ هـ ق)

شیخ آقا ابو محمد فرزند شیخ حسین
مشهدی از احفاد شیخ حافظ مدفون در
کوه پایه است. پدرش امام جمعه مشهد
و از مشایخ میرزا مهدی شهید بود. شیخ
آقا در ریاضی و نجوم مهارت داشت و
بعد از فوت پدرش به جای او امام جمعه
شد و از علما و مدرسین برجسته
به شمار می رفت و عده ای از بزرگان، از
جمله محمد ولی میرزا فرزند
فتحعلی شاه قاجار علوم دینی و ریاضی
را از او فرا گرفتند.

وی پیش از هفتاد سال زیست و در
سال ۱۲۴۰ هـ ق در مشهد درگذشت و
در صفا رواق پشت سر حرم دفن شد.
در کتاب دقایق الخیال اثر محمد صالح
رضوی اشعار زیادی به وی نسبت داده
شده است.

مطلع الشمس ۷۰۳/۲، تاریخ علمای
خراسان ۵۰-۵۱، الکرام البرره ۶۹/۱،
اعیان الشیعه ۸۷/۲.

ابراهیم زنگنه

الصدر یا نایب الصدارة شیخ الاسلام
مشهد بود و مدرسی و نیابت صدارت
آستان قدس رضوی را در روزگار شاه
سلطان حسین صفوی (۱۱۰۵-۱۱۳۵
هـ ق) برعهده داشت. در حکمت، کلام و
فقه متبحر بود و کتابی در مسائل
حکمت و کلام نگاشت. او معاصر میرزا
محمد رضوی صاحب وسیله الرضوان
بود. مشهدی در سال ۱۱۲۰ هـ ق
رساله ای در عدم مشروعیت نماز جمعه
در غیاب سلطان عادل نوشت. کتاب
فیروزه طوسیه در شرح الدرّة الغرّیه و
الفوائد الکلامیه از آثار دیگر او است.
سید عبدالصمد فرزند شریف عبدالباقی
کشمیری و شیخ عبدالنهی قزوینی از
شاگردان او به شمار می روند.

آقا ابراهیم به سال ۱۱۴۸ هـ ق در
مشهد درگذشت.

الذریعه ۶۳/۱۵، اعیان الشیعه ۲۲۷/۲،
مطلع الشمس ۷۰۲/۲، ریحانة الادب
۱۲۶/۶

غلامرضا جلالی

(۳۷۵)

مشهدی - اسفندیار

(- ۱۱۲۵ هـ ق)

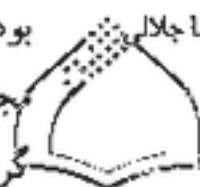
اسفندیار مشهدی از علمای خراسان و مدرسین مشهد بود و ۲۵ رمضان سال ۱۱۲۵ هـ ق درگذشت و در مدرسه میرزا جعفر، کنار قبر ملا میرزا محمد شیروانی دفن شد.
الکواکب المنتشرة / ۵۷.

(۳۷۷)

مشهدی - سید محمد صالح

(- ۱۲۴۶ هـ ق)

مولانا محمد صالح مشهدی از علمای بلند پایه و فاضلی زاهد و جلیل بود. در عتبات تحصیل کرد و در مشهد مجاور شد و به درس و بحث مشغول گردید و اقامه نماز جماعت می نمود و مولانا جلالی



(۳۷۶)

مشهدی - سید برهان الدین بن سید رفیع خوافیات را به عهده داشت. در سال

۱۲۴۶ هـ ق درگذشت و در مقبره قتلگاه

(- ۹۱۹ هـ ق)

مولانا سید برهان الدین عطاء الله مشهدی، از فضلا و شعرای بنام اوایل قرن دهم هجری و در عصر سلطان حسین بایقرا می زیسته است. وی رساله ای در علم بدیع و قوافی دارد. اواخر عمر نابینا شد و اواسط شوال سال ۹۱۹ هـ ق در مشهد درگذشت و در رواق دارالسیاده دفن شد.

دفن شد.

اهیان الشیعه ۳۶۹/۹، الذریعه ۴۰۱/۱۶

غلامرضا جلالی

(۳۷۸)

مشهدی - عبدالخالق

(- حدود ۱۳۲۰ هـ ق)

شیخ عبدالخالق مشهدی از علما و اهل پارسایی بود و در ادبیات یگانه

آموخت، او از شیخ علی سبط شیخ زین الدین عاملی در مشهد اجازة روایت دریافت کرد.

میرزا فخرالدین مشهدی کتابهای خوبی داشت که همه به خط مؤلفان تصحیح شده بودند، در میان آنها کتابهای معمولی و نادر هم وجود داشت. از جمله آثار او عبارتند از حاشیه بر شرح لمعه، رساله‌ای در تفسیر سوره توحید، شرحی فارسی بر کتاب فوشچی در علم هیئت، شرحی بر کافیه ابن حاجب به زبان فارسی، رساله در تفسیر سوره توحید و وفات علما و مشاهیر و حاشیه‌هایی بر کتب متفرقه.

فخرالدین مشهدی در سال ۱۰۹۷ در مشهد مقدس رضوی درگذشت.

فرهنگ خراسان، بخش طوس ۱۵۶۴/۵
ریاض العلماء ۴/۴۱۷-۴۱۶ مصنفات
شیمه ۳۰۸/۲

سیدحسن حسینی

روزگار به‌شمار می‌رفت. خود علوم ادب، بلاغت و منطق تدریس می‌کرد. آقابزرگ تهرانی باب قصر کتاب مطول تفتازانی را مدتی که به سال ۱۳۱۰ هـ ق در مشهد اقامت داشت، از ایشان استفاده کرد.

وی در حجره سر در مدرسه مستشار تدریس می‌کرد و از معمرین و مورد احترام بزرگان شهر بود و حدود سال ۱۳۲۰ هـ ق درگذشت.
نقاء البشر ۳/۱۰۹۵.

غلامرضا خلیلی

(۳۷۹)

مشهدی - فخرالدین

(۱۰۹۷ هـ ق)

از علما و فضلاء مشهد مقدس بوده است. او علوم عقلی را نزد مولی شمس الدین محمد گیلانی مشهور به مشهدی فراگرفت و ملک حکما را داشت.

علوم نقلی را هم از مولی قاضی سلطان محمود شیرازی که در مشهد مقدس به شغل قضا مشغول بود

(۳۸۰)

مشهدی - فضل الله

(۹۱۴ هـ ق)

شهادی راه فضیلت / ۲۱۸، مطلع الشمس
۶۹۸/۲ و ۷۱۳

ابراهیم زنگنه

(۳۸۱)

مشهدی - محمد

(۱۱۸۲ - ۱۲۵۷ هـ ق)

مولانا حاج محمد فرزند حاج شیخ
حسن از علما و فقهای قرن ۱۲ و ۱۳

هـ ق بود. در سال ۱۱۸۲ هجری به دنیا

آمد و پس از آموختن مقدمات، در کربلا

مقدمت صاحب ریاض و شیخ جعفر

نجفی کاشف الغطاء به تکمیل علوم

عالیه پرداخت و به مقام اجتهاد رسید.

او عالمی فاضل و پژوهشگر دانایی بود

که مشهد را محل سکونت دائم قرار داد

و در مسجد گوهرشاد امام جماعت بود.

او در ضمن اقامه جماعت به تدریس و

نیز تألیف و تحقیق اشتغال داشت و

تصنیفات عدیده‌ای از وی به یادگار

مسانده است، از جمله: الفیروزجات

الطوسیة شرح بر ذره مرحوم

بحرالعلوم، در حل احادیث مشکله و

شیخ عمادالدین فضل الله مشهدی
فرزند خواجه علاءالدین علی بن
خواجه کمال‌الدین نعمت الله برزش
آبادی طوسی، از مشایخ بلند آوازه نیمه
دوم قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری
است.

وی پس از فراگیری دانشهای
ظاهری در اوان جوانی به خدمت شیخ
حاج محمد خبوشانی، عارف مشهور
رسید و با استمداد از انقاس پور
کمالات عالی روحانی دست یافت و
اجازه‌ای از شیخ خود به سال ۸۹۷ هـ ق
دریافت کرد.

شرحی بر لوائح شیخ عبدالرحمن
جامی دارد که در آن طریقه جامی را
تتبّع نموده است. وی سرانجام در سال
۹۱۴ هـ ق به امر شیبک خان ازبک که به
مشهد حمله نموده بود به شهادت رسید
و در حرم دفن شد.

مجالس المؤمنین ۱۵۸/۲ - ۱۶۱

بزرگ تهرانی در طبقات اعلام شیعه قرن دوازدهم گوید: محمّد رحیم مشهدی از مدرسان حوزه علمیه مشهد مقدس بود. شاگرد او محمّد بن عاشور در آخر نسخه‌ای از کتاب منهج المقال گوید: استاد من که جامع علوم معقول و منقول بود و از دانشمندان به‌شمار می‌رفت. در دوازدهم ماه ذی‌قعدة سال ۱۱۱۷ فوت نمود و در مدرسه میرزا جعفر به خاک

بیانات آنها ۳ جلد، کتابی در اصول فقه، رساله‌ای در حدیث هیجدهم از خصال، رساله شریک و برق در طهارت خون امام، رساله گل جعفری در طب، رساله در ترجمه طب الرضا، رساله کشف الغطاء عن حکم الغناه، مرشد الخواص فی حل بعض الآیات والروایات المشکلة، زیادة وجیزة فی تحقیق المقادیر الشرعیة، فوائد الرضویة، کنز الذهب.

سیرده شد.

وی در سال ۱۲۵۷ هـ ق در ۷۵

فوهنگ خراسان ۱۲۶۴/۶ تراجم الرجال ۲۲۵/۳، کواکب المستره فی قرن الثانی بعد العشر / ۲۶۱.



سالگی در مشهد درگذشت و در دارالسیادة به خاک سیرده شد.

سیدحسن حسینی

سیرده شد.

نردوس التواریخ / ۱۲۱، مطلع الشیخ / ۷۰۶، مکارم الآثار / ۱۵۵۲/۵، منتخب التواریخ / ۶۹۴ و ۶۸۰، ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۸۴، تاریخ آستان قدس / ۳۳۸، اعیان الشیعه / ۱۷۲/۹.

غلامرضا جلالی

(۳۸۳)

مصباح - سید اسدالله

(۱۲۹۳ - ۱۳۶۲ هـ ق)

سید اسدالله موسوی بیارجمندی شاهرودی از علما و مدرسین و ائمه جماعات قرن چهاردهم هجری است. وی به سال ۱۲۹۳ هـ ق در دستجرد بیارجمند از توابع شاهرود به

(۳۸۲)

مشهدی - محمّد رحیم

(۱۱۱۷- هـ ق)

او از علما و فضیلاي مشهد مقدس بوده است. علامه جلیل القدر شیخ آقا

حضرت رضا علیه السلام مدفون گردید. حجج اسلام سید مرتضی و سید محمد حسین مصباح فرزندان ایشان هستند.
گنجینه دانشمندان ۱۶۸/۷ -
۱۶۹، ضمیمه تاریخ علمای خراسان
۳۰۶/

ابراهیم زنگنه

(۳۸۴)

مصباح - سید مرتضی

(۱۳۲۴ - ۱۳۷۲ هـ ق)

حجة الاسلام والمسلمین حاج سید مرتضی مصباح فرزند حجة الاسلام سید اسدالله موسوی بیارجمندی از علما و دانشمندان قرن چهاردهم هجری است.

او در سال ۱۳۲۴ هـ ق در خانواده‌ای روحانی در مشهد مقدس پا به عرصه وجود نهاد و پس از رسیدن به سن رشد به تحصیل علم و کمال پرداخت تا به درجه مدرّسی در حوزه علمیه مشهد رسید. وی ضمن این که به جای پدر اقامه جماعت و خدمات دینی را در

دنیا آمد و سال ۱۳۱۰ قمری پس از خواندن و نوشتن و آموزش قسمتی از مقدمات به مشهد مهاجرت نمود و در مدرسه نواب به تحصیل پرداخت و از محضر مدرس رضوی و آیه الله حاج میرسید علی حائری و آیه الله زاده خراسانی استفاده نمود. سپس در محله پایین خیابان اقامت گزید و ابتدا در مسجد آن جا و بعد از مدتی در مسجد

فیل به اقامه جماعت و تبلیغ دین و در مدرسه نواب به تدریس شرح لمعه و غیره پرداخت. مراجع بزرگ آل شریعتی مانند آیه الله حاج سید اسماعیل علیه السلام و آیه الله العظمی آقا میرزا محمد تقی شیرازی و بعد از آن مرحوم آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی کمال وثوق و اطمینان را به وی داشتند و وکالت دریافت وجوهات به ایشان داده بودند، تا وجوهات را پس از جمع آوری به نجف اشرف ارسال کند.

وی در ۷۰ سالگی شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان سال ۱۳۶۲ هـ ق دارفانی را وداع گفت و در جوار





مسجد فیل به عهده داشت در حوزه علمیہ شرح لمعه و مکاسب تدریس می کرد و منبر نیز می رفت و به وکالت از مرحوم آیة الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی و پس از ایشان از آیة الله العظمی بروجردی وجوهات شرعیہ را جمع آوری می نمود و به نجف و قم می فرستاد. ایشان در ۴۸ سالگی به سال ۱۳۷۲ قمری به علت ابتلا به بیماری سل درگذشت و در رواق دارالضیافہ

آستانہ مقدسہ حضرت رضا علیه السلام مدفون گردید.

تدریس اشتغال داشت. وی روز دوم اردیبهشت ۱۳۰۱

ه.ش. در خانواده ای روحانی و متدین

در روستای طرق حومه شهر مشهد

متولد شد. چون آغاز تحصیل وی

مصادف با زمان حکومت ضد اسلامی

رضاخان و تعطیل شدن و از رونق

افتادن مدارس علوم دینی بود، بعد از

مدتی رفتن به مکتب و آشنایی با قرآن

مجید، به تحصیلات رسمی دبستان و

دبیرستان پرداخت و در سال ۱۳۲۱ هـ

ش به اخذ دیپلم متوسطه نایل گشت.

در این سال که رضاخان از حکومت

گنجینه دانشمندان ۱۶۹/۷، ابراهیم زنگنه

(۳۸۵)

مصطفوی - سید جواد

(۱۳۰۱ - ۱۳۶۸ هـ ش)

حجة الاسلام والمسلمین دکتر

سید جواد مصطفوی فرزند مرحوم سید

محسن مصطفوی از علما و دانشمندان

معاصر است که سالها در سنگر تعلیم و

تربیت اسلامی در حوزه و دانشگاه به

مدرسه تحصیلات دروس خارج حوزه را آغاز نمود. مرحوم مصطفوی در دروس خارج آیه‌الله سید احمد خوانساری و شرح منظومه آیه‌الله قاضی شرکت کرد و دانش خود را در علوم عقلی و نقلی افزایش داد و تصمیم گرفت که آندوخته‌های علمی خود را در اختیار نسل جوان قرار دهد. به این انگیزه از سال ۱۳۳۱ هـ ش به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و در مدارس حوزاتی به خدمت مشغول شد.

همت بلند و روحیه دانش‌طلبی‌اش مطول و معنی، سید احمد مدرس تبریزی ^{سید احمد را} سیر درجات علمی بالاتر واداشت و در سال ۱۳۳۲ هـ ش به دانشکده معقول و منقول تهران (الهیات کنونی) راه یافت و پس از سه سال به اخذ دانشنامه لیسانس در رشته معقول و منقول دست یافت. سپس در دوره دکتری همین رشته به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۳ پایان‌نامه خود را با عنوان «رابطه قرآن و نهج البلاغه» گذراند، و به دریافت درجه علمی دکتری موفق گردید.

برکنار و از کشور اخراج شده بود حوزه‌های علوم دینی مجدداً رونق یافت و طلاب علوم دینی نیز با خلوص و شوقی وافر رونق‌بخش مدارس متروک و گرم‌کننده مجالس درس و بحث بودند. علایق مذهبی و روح دانش‌طلبی، این جوان کوشا و مستعد را به حلقه درس آنان کشانید. ابتدا در مدرسه خیراتخان و سپس در مدرسه دودر و بالاخره در مدرسه نواب حجره‌ای گرفت و در خدمت استلان دانشمند و مبرزی مانند ادیب نیشابوری شرح لمعه، شیخ هاشم قزوینی رسائل و مکاسب و کفایة الاصول، شیخ مجتبی قزوینی شرح تجرید علامه و شیخ هادی کدکنی قسمتی از اشارات را فراگرفت و دروس سطح حوزه را در مشهد به پایان رسانید.

در اواخر سال ۱۳۳۰ هـ ش پس از ازدواج جهت تکمیل تحصیلات به تهران رفت و در مدرسه مروی حجره گرفت. وی ضمن تدریس در این

هر چند از سال ۱۳۴۲ هـ ش در هر هفته چند ساعتی در دانشکده الهیات به تدریس مشغول بود، اما چند سال بعد به زادگاهش مشهد مراجعت نمود و از سال ۱۳۴۸ هـ ش رسماً به دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد منتقل شد و تا پایان عمر در این دانشکده به تدریس و تحقیق اشتغال داشت. در این دوره علاوه بر این که دانش‌آموختگان فراوانی از محضرش استفاده بردند تألیفات چندی از خود به یادگار گذاشت؛ از آن جمله می‌توان از این آثار نام برد: *الکافیته* عن الفاظ نهج البلاغه فی شروحه، ترجمه و شرح اصول کافی (۲ جلد)، *مفتاح الوسائل*، ابعاد گسترده اسلام، رابطه قرآن با نهج البلاغه، *التطبیق بین السفینه و البحار*، بهشت خانواده، *الهادی الی الفاظ اصول کافی*، انسانیت از دیدگاه اسلام (بهشت زندگی)، پرتوی از نهج البلاغه و هشت مقاله که از سوی دانشگاه فردوسی انتشار یافته است.

استاد دکتر مصطفوی در سال ۱۳۶۲ هـ ش به حکم مقام تولیت آستان قدس رضوی به ریاست دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد منصوب شد و برای پی‌ریزی تشکیلات این مرکز آموزشی نوین یاد زحمات فراوانی متحمل گردید. در مردادماه سال ۱۳۶۳ که نخستین کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام در همین دانشگاه برگزار شد، برای برپایی آن به عنوان دبیر کنگره و نازنه مقاله‌ای تحقیقی تلاش و کوشش فراوانی به عمل آورد. هر چند این کارهای اجرایی را به نحو مطلوب به سامان می‌رسانید، اما بیشترین دلبستگی ایشان به تحقیق و تألیف بود و اوقات خود را صرف ایجاد آثار علمی می‌کرد.

ایشان زندگی را توأم با همین فعالیتها سپری می‌نمود تا این که برای عمل جراحی در بیمارستان امام رضا مشهد بستری شد و دو روز پس از عمل جراحی بر اثر سکتۀ قلبی در ۶۷ سالگی درگذشت و روز بیستم اردیبهشت ماه

پرهیزکار خراسان است. در سال ۱۳۰۱ هـ ق در بیدخت متولد شد و در ایام فراغت در مدرسه علوم دینی بیدخت به فراگیری علوم اسلامی مشغول گردید.

سال ۱۳۱۸ هـ ق به اتفاق والدین خود به مشهد آمد و به منظور ادامه تحصیل در مشهد ماندگار شد و در مدرسه‌های پریزاد و فاضلخان اقامت نمود. او با علوم ادب و منطق و فلسفه و کلام نزد بزرگانی چون حاج شیخ حسن کاشانی، ملا اسدالله یزدی، آخوند ملا عباسعلی معروف به حاج فاضل، آشنا شد و کفایه را نزد حاج شیخ حسن بررسی و خارج فقه و اصول را در محضر آیات حاج آقا حسین قمی و حاج میرزا محمد آقازاده و حاج شیخ مرتضی آشتیانی فراگرفت و خود در مدرسه فاضلخان به تدریس پرداخت و در شمار مدرسان زبده قرار گرفت. به عتبات رفت نزد آخوند خراسانی دانش آموخت و سال ۱۳۲۹ از مصاحبین مولی محمد حسین قمشه‌ای بزرگ شد و سال ۱۳۳۸ به مشهد بازگشت و از آقا

۱۳۶۸ پیکر پاکش تشییع گردید و در یکی از حجرات شرقی صحن آزادی در جوار حرم مطهر حضرت رضاعلیه به خاک سپرده شد.

فرزانه‌ای که با نهج البلاغه زیست / ۱۳۱-۱۳۳.

(۳۸۶)

معصومی - علی

(۱۳۰۱-۱۳۷۹ هـ ق)



شیخ علی فرزند یوسف بن حسین بن حیدر بن یوسف بن حسین بیدختی جنابندی خراسانی معروف به «حاج شیخ علی مقدس» از علما و مجتهدان

آخرین سالهای حیات مرحوم معصومی در مشهد سپری شد و شب هفتم ماه صفر سال ۱۳۷۹ هـ ق در ۷۸ سالگی درگذشت و پیکرش در صحن حقیق جلو قبر مرحوم حاج شیخ حسنعلی نخودکی به خاک سپرده شد.
غلامرضا جلالی

(۳۸۷)

معین الغریب - ابوالقاسم

(۱۳۳۹ هـ ق)

حاج میرزا ابوالقاسم مشهور و ملقب به «معین الغریب» فرزند عبدالوهاب بن محمد بن حسین خراسانی از مشاهیر علمای عصر خود بود.

وی مقدمات و سطوح را در مشهد آموخت و بعد به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر میرزا حبیب الله رشتی و آخوند ملاعلی نهاوندی استفاده کرد و علم اخلاق و سلوک را از آخوند ملا حسینقلی همدانی و آقا سید محمدرضا فراگرفت و پس از آن به مشهد مراجعت کرد و به تدریس پرداخت. در

منیرالدین اصفهانی که برای زیارت به مشهد آمده بود و نیز از شیخ محمد باقر آیتی بیرجندی در سال ۱۳۲۸ و شیخ عباس قمی اجازه دریافت کرد.

ایشان از تحقیق و تألیف نیز غافل نبود و علاوه بر تقریرات فقه و اصول، شرحی بر کفایه مرحوم آخوند خراسانی نوشت که هم اکنون در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی نگهداری می شود.

عنوان المعارف، عنوان البراهین فی رد

المخالفین، المغنی فی رد الصوفی

تنبیه الجاهلین یا ندای حق، رساله

منظوم ارشادیه فی رد الصوفیه، توشیه

قبر و مناجات نامه از آثار چاپ شده

ایشان است که بیشتر ناظر بر مخالفت با

اهل تصوف می باشد.

حاج شیخ علی مقدس زندگی بی آلاشی داشت و علیرغم داشتن اجازه نامه هایی از بزرگان حوزه های علمی در وجوهات تصرف نمی نمود و برای چاپ آثار خود از فروش ملک موروثی و اجدادی در گناباد استفاده نمود.

(۳۸۸)

مقدس - حسن

(۱۴۰۹ هـ ق)



آیت الله حاج شیخ حسن
مقدس فرزند آیه الله حاج میرزا علی
مقدس تبریزی از علما و ائمه جماعت
تهران بوده و سالها در مسجد قلعهک به
اقامه نماز جماعت و ترویج و نشر
احکام اسلامی اشتغال داشته است تا
این که در ذیقعدۀ سال ۱۴۰۹ هـ ق
مطابق روز ۲۷ خرداد ماه ۱۳۶۸ هـ ش
در تهران به رحمت ایزدی پیوست و
برحسب وصیت نامبرده جنازه اش را به
مشهد حمل کردند و در غرفه ۴۸ صحن

چهارم ماه صفر سال ۱۳۳۹ هـ ق وفات
یافت و در دارالسیاده حرم حضرت
رضانعلیه مدفون گردید. فضل الله
بدایع نگار آستان قدس رضوی فرزند
اوست.

یکی از صفات بارز ایشان مخالفت
با بیگانگان بود، از آن جا که آقاخان
محلاتی رئیس فرقه اسماعیلیه در
هندوستان تحت حمایت انگلیس بود
اسماعیلیان مقیم دیزباد نیشابور بدین
جهت خود را تحت حمایت دولت
انگلیس می دانستند و او نیز بدین سبب
با آنان مخالفت می ورزید و چندی هم
از جانب دولت تحت فشار بود و مدتی
به نجف اشرف تبعید گردید و مورد
حمایت مرحوم آخوند خراسانی قرار
گرفت.

گنجینه دانشمندان ۱۶۷/۷-۱۶۸
ضمیمه تاریخ علمای خراسان ۱۳۰۶/
شرح حال رجال ایران ۱۴/۶.

ابراهیم زنگنه

نو (آزادی) جوار حضرت
ثامن الحجج علیه السلام به خاک سپردند.
سنگ لوح مرقد واقع در غرفه
۴۸ صحن آزادی و اظهارات مستحفظ
غرفه.

ابراهیم زنگنه

(۳۸۹)

مقدس - حسین

(۱۳۱۲ - ۱۴۰۸ ه ق)



شیخ حسین مقدس فرزند مرحوم
حاج ملا یوسف از علما و فضلا و
خوشنویسان معاصر خراسان است که
در بیست و یکم ماه مبارک رمضان سال

۱۳۱۲ ه ق در مشهد متولد شد. پس از
رشد لازم و فراگیری خواندن و نوشتن
به تحصیلات علوم دینی پرداخت و
ادبیات را در مدرسه فاضلیه از مرحوم
حاجی محقق و سایر فضلا فرا گرفت.

سپس در سال ۱۳۴۰ درس مرحوم
آیه الله العظمی حاج آقا حسین قمی
شرکت کرد و از محضر ایشان بهره‌های
فراوان گرفت و ضمن استفاده درسی امور
کتابت ایشان را نیز بر عهده داشت و از هر
جهت مورد اعتماد و اطمینان ایشان بود.
پس از تشریف ایشان به کربلا از
سوی وی و اعظام علما به اخذ امور
حسبیه می پرداخت، ولی هیچ وقت از
تحقیق و مطالعه غافل نبود و رساله‌ای
در لباس مشکوک و فوائد متفرقه نوشت
و نیز در سال ۱۳۴۲ ه ق به تقاضای
مقرب السلطنه به تألیف کتابی در
تعقیبات و زیارات پرداخت، لکن با
معزول شدن مقرب السلطنه، وی تألیف
آن را به اتمام نرسانید.

مرحوم شیخ حسین علاوه بر
اجازات امور حسبیه، اجازات روایی از

حجة الاسلام والمسلمین آقا شیخ

حسین بن یوسف مشهور به مقدس.

شیخ حسین مقدس آن که نزد گام

جز به رضای ولی و ایزد یکتا

وز پس عمری صلاح و خدمت و نیکی

«رفت ز لبیک حق به پرده عقبی»

دانشور بلند پایه مرحوم حاج شیخ

محمد باقر ساعدی فرزند ایشان است.

ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۳۱۸.

ابراهیم زنگنه

(۳۹۰)

ملاباشی - محمد باقر

(۱۳۲۰ هـ ق)

آیة الله میرزا محمد باقر ملاباشی

فرزند مرحوم علامه میرزا محمد

ملاباشی از علما و دانشمندان قرن ۱۳ و

۱۴ هجری است و خاندانش از فقهای

عصر خویش بوده اند.

وی در اواخر سلطنت فتحعلی شاه

قاجار (۱۲۱۲-۱۲۶۰ هـ ق) در شیراز

در خانواده ای روحانی و متقی به دنیا

آمد و از محضر پدر و سایر علمای

اعلام عصر داشت و نخستین کسی که به

ایشان اجازه روایی داد، مرحوم محدث

قصی در سال ۱۳۴۸ قمری بود. اجازات

دیگر ایشان از شخصیت های زیر است:

۱ - علامه شیخ محمد صالح

مازندرانی در سال ۱۳۶۶ هـ ق.

۲ - آیة الله العظمی سید محمد هادی

میلانی در سال ۱۳۶۲ هـ ق.

۳ - علامه آقا شیخ بزرگ تهرانی

مؤلف الذریعه در سال ۱۳۶۵ قمری.

۴ - علامه میرزا محمد عطی

اردوبادی در سال ۱۳۶۸ هـ ق.

۵ - آیة الله سید فخرالدین آیتامیرزا میرزا علی

کاشانی در سال ۱۳۸۳ هـ ق.

معظم له انواع خط را به خوبی و با

کمال استادی می نوشت و پس از عمری

خدمت به اسلام و مسلمین در ۹۶ سالگی

در روز سه شنبه هفدهم ربیع المولود سال

۱۴۰۸ هـ ق دارفانی را وداع گفت و در

صحن نو (آزادی) مدفون گردید.

بر لوح قبرش این عبارت کتیبه شده

است:

«مرحوم مبرور عالم ربانی

بزرگ شیراز مانند حاج شیخ مهدی کجوری، شیخ ابوتراب فرزند شیخ مفید (زاهد شیرازی) استفاده برد؛ آنگاه به اصفهان رفت و سطوح مختلف را در محضر ملا عبدالجواد خراسانی معروف به مدرّس کبیر، ملا محمد صادق تنکابنی و مرحوم حاج شیخ محمد باقر به اتمام رسانید. سپس راهی عتبات عالیات گردید و از محضر دانشمندان فراوانی به خصوص سرخاله اش

مرحوم میرزا محمد حسن شیرازی استفاده برد و به درجه اجتهاد نایل آمد.

چون به ایران مراجعت کرد، به ترویج و نشر احکام اسلامی پرداخت.

وی در طول عمرش با فرزندان وصال شیرازی شاعر معروف ایران مخصوصاً میرزا احمد وقار شیرازی و میرزا ابوالقاسم فرهنگ ارتباط نزدیک داشت و از اطلاعات ادبی و مذهبی یکدیگر استفاده می بردند، از مرحوم ملا باشی حواشی عدیده ای در ریاضیات، دعوات و علوم دیگر در دست است که متأسفانه به چاپ نرسیده

است. آیت الله ملا باشی که عمری را در خدمت به اسلام و مسلمانان سپری کرد، سرانجام در شب بیستم جمادی الآخر سال ۱۳۲۰ ه ق در مشهد درگذشت و به دستور نصیرالملک دوم نایب التولیه وقت آستان قدس رضوی پس از تشییع باشکوهی در دارالضیافه حرم مطهر رضوی نزدیک گنبد الله وردیخان مدفون گردید.

(۳۹۱)

فیلاباشی - مرتضی

(۱۳۸۷ ه ق)

حاج آقا مرتضی ملا باشی فرزند حاج میرزا رضا، از علمای بلند پایه اصفهان بود و در سال ۱۳۸۷ در این شهر درگذشت و جنازه ایشان به مشهد منتقل گردید.

ابراهیم زنگنه

ملا رفیعا ← گیلانی - محمد رفیع

ملا محمد مشکک ← رستمداری -

محمد

(۳۹۳)

مؤذن - محمد علی

(۱۰۷۸-۵۱ ق)

شیخ محمد مؤذن از علما و عرفای عصر خود به شمار می‌رفت. قرآن را از حفظ داشت و از خدمتگزاران آستان قدس رضوی بود. در ادبیات فارسی دست داشت و غزلهای عارفانه‌ای می‌سرود. کتاب «تحفه عباسی» از آثار اوست. سال ۱۰۷۸ هـ ق در مشهد درگذشت و در صحن عتیق دفن شد. ستارگان در کنار خورشید ولایت ۲۳/

(۳۹۴)

مؤذن علوی - حاج آقا

(۱۲۸۵ - ۱۳۷۴ هـ ش)

ایشان سال ۱۲۸۵ هـ ش در خانواده‌ای متقی در مشهد دیده به جهان گشود. پدرش میرزا حسن از سادات جلیل بود و روزگار کودکی، او را تنها گذاشت و خود به دار ابدی شتافت. مرحوم مؤذن در دامن پر مهر مادر بزرگ شد و به خاطر علاقه زیادی که به کسب

(۳۹۲)

منجم - مهدی

(۱۳۳۷-۵ ق)

حاج مولی مهدی منجم در علوم ریاضی دست داشت و روزها در یکی از حجره‌های فوقانی مدرسه دو در زندگی می‌کرد و شبها به خانه خود می‌رفت. تعدادی تقویم استخراج کرده بود و هر ماه در چندین جای حرم می‌آویخت تا زایرین و مجاورین از آن استفاده کنند و پس از اتمام ماه تقویم ماه نو را جای آنها قرار می‌داد.

حاج مولی مهدی رمضان سال ۱۳۳۷ هـ ق در مشهد درگذشت. زندگی او را شاگردش سید جلال‌الدین تهرانی در گاهنامه‌ای که سال ۱۳۱۳ هـ ش به چاپ رسانده، آورده است و آقابزرگ سال ۱۳۱۰ هـ ق که همراه پدر خود به مشهد رفته بود، محضر او را درک کرد. الذریعه ۲۲۴/۸.

غلامرضا جلالی

معارف اسلامی داشت در ده سالگی به حوزه علمیه وارد گردید و به تدریج در خدمت اساتیدی چون آیات میرزا احمد مدرّس، ادیب نیشابوری، میرزا علی اکبر نوغانی، حاج شیخ مجتبی قزوینی، حاج شیخ هاشم قزوینی و آیه الله العظمی سید محمد هادی میلانی بارموز علوم حوزوی آشنا شد.

وی همزمان با تحصیل به تبلیغ اهتمام ورزید و برای بهره گیری از منابع خارجی به فراگیری زبان فرانسه پرداخت و مدتی هم در دانشکده علوم معقول و منقول تحصیل کرد. علوی زندگی عارفانه و بسیار ساده‌ای داشت و بیشترین وقت خود را صرف ترویج فرهنگ و معارف الهی می نمود.

مرحوم علوی صبح روز ۱۱ محرم ۱۴۱۲ در حوالی قوچان به دار بقا شتافت و به دستور آیه الله واعظ طبسی تولیت عظمای آستان قدس رضوی، در صحن قدس حرم مطهر به خاک سپرده شد. مجموعه آثار علوی از یادگارهای قلمی او است که درباره فضایل و مناقب

پیشوایان تشیع بحث می کند.

ابراهیم زنگنه

(۳۹۵)

موسوی - سید موسی

(۱۳۰۸ هـ ق -)



سید موسی فرزند سید قاسم موسوی معروف به «قطب المحدثین» از فضلاء اهل منبر و ذاکر اهل بیت خاندان عصمت و طهارت بود.

اصل وی کشمیر هند بود و سال ۱۳۰۸ هـ ق در آن جا متولد شد و پس از چندی به اتفاق مرحوم پدرش به مشهد آمد و تحصیلات خود را در مشهد آغاز

(۳۹۶)

موسوی - علیرضا

(۱۳۷۴ - ۵۱ ق)

سید علیرضا موسوی معروف به «زاهد» از علما و مجتهدان قرن چهاردهم هجری است. او روزگاری بین شیعیان قندهار و کابل قائد دینی و نماینده مراجع تقلید نجف اشرف مخصوصاً مرحوم آیه الله نائینی و صدر بود. پس از هجرت به ایران و توطن در مشهد مقدس رضوی و ادامه تحصیلات عالی دینی به مقام شامخ فتوا و اجتهاد رسید و مرحوم آیه الله شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء علاقه ای خاص به ایشان داشتند. چهل سال ساکن مشهد بود و در کمال قدس و زهد و تقوا در دین بسر برد. پس از ۶۷ سال عمر بجز چند جلد کتاب «وقف اولاد» ماترک و ثروتی نداشت. دو فرزند ذکور به نامهای سید محسن واعظ و سید علی اکبر واعظ موسوی (محب الاسلام) نویسنده و خطیب معروف و یک دختر از وی باقی ماند. به وقت مرگ به فرزندان خود

و از محضر استادانی چند استفاده نمود. صرف و نحو و معانی و بیان را نزد ادیب اول و حاج شیخ عبدالحسین سرولایتی و حاج محقق نوقانی و حاج شیخ محمد فاضل بسطامی و سید یحیی نحوی خواند و منطق را از شیخ غلامرضا طباطبائی خراسانی و شیخ محمد رضا یزدی فراگرفت و فقه و اصول را از محضر مرحوم حاج شیخ ذبیح الله قوجانی بزرگ و حاج شیخ حسن برسی بهره برد و نیز حکمت را در سالهای متمادی از محضر مرحوم حکیم شهیدی معروف به آقا بزرگ حکیم استفاده کرد. در این بین وی بر حسب وظیفه ای که بر دوش خود احساس می کرد متجاوز از پنجاه سال از طریق منبر و موعظه به خدمات دینی و ترویج و نشر احکام اسلامی پرداخت و از ابتدای ورود بدین جرگه مقدس از معاریف و عاظم شهد به شمار می رفت تا این که بعد از عمری طولانی درگذشت و در جوار حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به خاک سپرده شد. گنجینه دانشمندان ۱۵۶/۷.

ابراهیم زنگنه

(۳۹۷)

موسوی - عمادالدین یحیی

(۵۵۸ - ق)

عماد الدین یحیی فرزند کمال الدین
علی (م ۵۲۲ ق) از نوادگان قاسم بن
حمزه بن موسی کاظم علیه السلام. فردی
پرهیزگار و از تقبای مشهد بوده است که
در ماه شوال ۵۵۸ ق در این شهر
درگذشت و پس از او فرزندش ریاست
و نقابت سادات مشهد را به عهده گرفت.
لباب الانساب ۵۹۲/۲، الشجرة المباركة
فخر رازی / ۹۵ - ۹۶.

محمدجواد هوتیار

(۳۹۸)

موسوی - موسی بن احمد

(قرن ۶ ق)

موسی بن احمد از نقبا و سادات
مشهد و همچنین از نوادگان قاسم بن
حمزه بن موسی کاظم علیه السلام که در مشهد،
قبل از ۵۶۵ ق، درگذشت و طبق
گزارش بیهقی قبر وی در مشهد بوده
است.

گفت: «مرا ببخشید که برای شما مال
نگذاشته‌ام، اما پس از من احدی از من
گله نخواهد کرد. از شما نمی‌خواهم که
برای من یک رکعت نماز یا سوره‌ای از
قرآن بخوانید. و کسی ادعای ده‌شاهی
طلب مرا از شما نخواهد کرد.»

ایشان به خوراک و نوشاک طبیعی
علاقه داشت و بیشتر با خرما و کشمش
چای می‌خورد و آرد مصرفی خود را از
روستا فراهم می‌ساخت، آن را در خانه

خمیر می‌کرد و خمیر را برای پخت به
نانوایی واگذار می‌نمود. ایشان از

رسانه‌های عمومی استفاده نمی‌کرد.
روزی هنگام وضو با خود حدیث نقش
می‌کرد و می‌گفت: «ای دنیا از تو خیری
ندیدم» پس از اندکی با خنده گفت: «ای
دنیا تو هم از ما خیری ندیدی.»

وی نیمه رجب سال ۱۳۷۴ هـ ق در
مشهد درگذشت و در صحن انقلاب
(عتیق) نزدیک ایوان عباسی به خاک
سپرده شد.

دفتر یادبود کتابخانه وزیر یزد،
۴/۴۰۷، گفتار پیشوایان دین.

غلامرضا جلالی

لباب الانساب ۵۹۴/۲.

غلامرضا جلالی

(۳۹۹)

موسوی اصفهانی - عبدالحمید

(۱۳۱۴ - ۱۳۸۱ ه. ش)



سید عبدالحمید موسوی اصفهانی
فرزند مرحوم آیه الله حاج سیدعلی
موسوی اصفهانی و از نوادگان مرحوم
آیه الله العظمی سید ابوالحسن موسوی
اصفهانی (۱۲۸۴ - ۱۳۶۵ ه. ق) به سال
۱۳۵۴ ه. ق / ۱۳۱۴ ه. ش در نجف
اشرف چشم به جهان گشود. دوران
طفولیت و کودکی را در همان زادگاهش

سپری کرد. و وارد حوزه نجف شد و از
محضر اساتید بزرگ حوزه نجف اشرف
بسیویزه مرحوم آیه الله العظمی
سید ابوالقاسم خوئی بهره های علمی و
معنوی برد.

در سال ۱۳۵۰ ه. ش به ایران
مهاجرت کرد و پس از یک سال اقامت
در مشهد مقدس رضوی، در پی رحلت
پدر بزرگوارش به جای پدر در صحن
مظهر رضوی علیه السلام تا سال ۱۳۶۰ ه. ش
اقامه نماز جماعت نمود.

سید عبدالحمید موسوی اصفهانی
علاوه بر اقامه نماز جماعت سطوح فقه
و اصول را در حوزه علمیه مشهد
تدریس می کرد و مدت زیادی هر شب
شنبه جلسه قرائت و تفسیر قرآن را برای
نزدیکان خود در منزلش بر گزار
می نمود. از دیگر توفیق های وی اقامه
مجلس روضه خوانی و عزاداری در
روزهای پنجشنبه هر هفته و نیز
مناسبت های سوگواری بود. از آثار
که از وی بجای مانده است تقریرات
دروس خارج اساتید و بحث های

سید جواد فقیه سبزواری، در صحن
جمهوری حرم مطهر امام رضا علیه السلام به
خاک سپرده شد.

حیات جاودانی، زندگی آیه الله العظمی
سید ابوالحسن موسوی اصفهانی / ۷۱ -
۳۶۹.

علی جان سکندری

(۴۰۰)

موسوی اصفهانی - علی

(۱۳۳۲ - ۱۳۹۳ هـ ق)



مرحوم آیه الله سید علی موسوی
اصفهانی معروف به «آیه الله زاده
اصفهانی» فرزند سوم مرحوم آیه الله

تفسیری شب‌های شنبه می‌باشد.

سید عبدالحمید در کنار
تدریس علوم دینی و پاسخ‌گویی به
احکام فقهی مورد نیاز مردم به وضع
فقرا و مستمندان بویژه در اواخر عمرش
رسیدگی می‌کرد و خانواده‌های نیازمند
زیادی را تحت پوشش قرار داد و بنا
تهیه منزل و جهیزیه برای نو عروسان
خدمات شایسته‌ای را انجام داد. وی از
سعه صدر و اخلاق حسنه و روی گشاده
برخوردار بود.

همواره مورد توجه و مشورت

فامیل، در حل مشکلات و گرفتاری‌ها

بود. و سرانجام پس از عمری تلاش
نیمه شب جمعه پنجم رجب سال ۱۴۲۳
هـ ق / ۲۲ شهریور ۱۳۸۱ هـ ش در سن
۶۹ سالگی در بیمارستان امام رضا علیه السلام
در حالیکه مشغول تلاوت قرآن بود
چشم از این جهان فانی فرو بست و به
دیار حق شتافت. پیکر آن مرحوم پس
از تشییع با شکوه با حضور علما و
روحانیون و دیگر اقشار مردم مشهد و
اقامه نماز توسط مرحوم آیه الله

امور حسبیه از حضور آیةالله حاج میرزا حسین نائینی نایل آمد.

آیةاللهزاده اصفهانی در حدود سال ۱۳۶۲ هـ ق از نجف اشرف به کربلای معلی هجرت کرد و در حوزه علمیه آن جا به تدریس و بحث پرداخت و نیز در صحن و گاهی در حرم مطهر ابي عبدالله الحسين علیه السلام اوقات سه گانه را به اقامه نماز جماعت مشغول بود. جمعیت نمازگزاران و اقتداکنندگان به ایشان به حدی بود که صحن و اطراف آن پر از جمعیت مسی شد و گاهی تعداد تکبیرگویان مخصوصاً در مناسبتهای خاص مذهبی مانند تاسوعا، عاشورا، اربعین حسینی و ۲۸ ماه صفرالمظفر به ۱۴ نفر می رسید.

چون آیةالله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی خود را مستطیع نمی دید به حج نرفت و آن مرحوم بعد از رحلت پدر به نیابت ایشان به مکه معظمه مشرف شد و بعد از بازگشت در سال ۱۳۶۷ هـ ق به ایران هجرت کرد و در مشهد مقدس جوار بارگاه ملکوتی

العظمی سید ابوالحسن اصفهانی که سلسله نسب ایشان با ۳۲ واسطه به امام کاظم علیه السلام می رسد از علما و مجتهدان معاصر است. او سالها در کربلای معلی و نیز مشهد مقدس به اقامه نماز جماعت اشتغال داشت و بر جنازه پدرش در یازدهم ذیحجه سال ۱۳۶۵ هـ ق در صحن مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نماز خواند.

وی در روز ۱۹ ذیحجه سال ۱۳۳۲ هـ ق در نجف اشرف و در خانواده علم و فقاہت متولد شد و به تحصیل علوم حوزوی پرداخت. ادبیات، منطق، کلام، فلسفه و علم اصول و فقه را در حوزه علمیه نجف در خدمت آیات گرامسی مانند حاج میرزا حسن سیادت و حاج شیخ مجتبی لنگرانی و شیخ صدری بسادکوبه ای آموخت. سپس دروس خارج فقه و اصول را نزد پدر بزرگوارش دوره دید و به درجه عالی اجتهاد رسید. و از محضر پدر و مرحوم آیةالله حاج شیخ ضیاءالدین عراقی اجازه اجتهاد گرفت و به اخذ اجازه در

حضرت رضا علیه السلام اقامت گزید. وی ضمن تدریس و بحث و ارشاد مردم به اقامه نماز جماعت در صحن عتیق و در حرم مطهر نامن الحجج قسمت بالا سر مبارک مشغول بود تا این که به بیماریهای مختلف مانند عارضه کبدی مبتلا شد و حدود یک سال گاهی در بیمارستان و گاهی در منزل بستری بود. سرانجام بیماری اش شدت گرفت و در شب ۱۸ ماه رمضان سال ۱۳۹۳ هـ ق دارفانی را وداع گفت. روز بعد جنازه اش با تشییع باشکوه طبقات مختلف، در میان اندوه انبوه مردم مشهد در کنار دیوار سمت راست رواق دارالسلام حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد.

مرحوم اصفهانی از حشر و نشر با مردم احتراز می کرد. در اوقات بیکاری به اذکار و نمازهای مستحبی و عبادات مختلفه می پرداخت. همه روز اوایل طلوع آفتاب در وقت مراجعت از حرم به سوی منزل، مقدار زیادی نان و پنیر در زیر عبایش پنهان می کرد و به

نیازمندان و مستضعفان می داد. ایشان از تصرف در وجوهات پرهیز می کرد. حتی زمانی که در نجف بسر می برد، مرحوم پدرش شهریه ای برایش تعیین نموده بود، ایشان در مصرف آن صرفه جویی می کرد و خانواده اش در تنگدستی زندگی می کردند و در آخر هر ماه بساقی مانده شهریه را به پدر بازمی گرداند.

تالیفات خطی متعددی از وی باقی مانده که از آن جمله کتابی است به نام «زبدة التالیف» در ۱۹ جلد.

از ایشان یازده فرزند بسر بجا مانده که سه نفر آنها به نامهای حجج اسلام سید عبدالحمید، سید محمد و سید جعفر در کسوت روحانیت می باشند.

غلامرضا جلالی

(۴۰۱)

موسوی تونی - میرک

(- ۱۰۹۸ هـ ق)

میرک موسوی تونی فرزند میر محمد اکبر حسینی، عالم فاضل، متکلم،

فقیه و مدرس بلند پایه بود. در مشهد سکونت داشت و در آستان قدس تدریس می‌کرد. و در شعبان سال ۱۰۹۸ هـ ق درگذشت. محمد صادق نیشابوری و محمد تستری از شاگردان او هستند. رساله‌های در زکات به فارسی نوشته است.

وقایع السنین / ۷۴۲، طبقات اعلام الشیعه / ۶۰۴-۶۰۵

غلامرضا جلالی

(۴۰۲)

موسوی حجازی خراسانی -
ابوالقاسم

(۱۳۴۱ هـ ش)

حجة الاسلام والمسلمین حاج سید ابوالقاسم موسوی حجازی خراسانی از علما و دانشمندان قرن چهاردهم هجری است. وی پس از تحصیلات و رسیدن به مقام اجتهاد چندین سال در مشهد تولیت مدرسه پریزاد، واقع در بالاسر حضرت را به عهده داشت. سپس به تهران هجرت نمود و در شمار علما و

ائمة جماعت آن جا قرار گرفت و به تقوا و ورع و زهد و پارسایی موصوف بود. او در ضمن خدمت به مردم عمر خویش را به پاکی و صداقت گذراندید و در میان روحانیون و علمای محترم تهران شهرت بسزایی داشت و مورد توجه عموم و بویژه مورد علاقه تام مردم بازار بود. در ۲۶ اسفندماه سال ۱۳۴۱ هـ ش در تهران درگذشت و بنا بر وصیتش جنازه او با تجلیل فراوان و تشییع باشکوهی به مشهد حمل گردید و در باغ رضوان جوار حضرت

موسوی حجازی خراسانی مدفون شد.

مرحوم حجازی در شعر و ادب نیز دست داشت و تألیفات سودمندی از وی به جای مانده که برخی از آنها عبارتند از: قانون و حکومت در اسلام، عقده‌ها و مشکلات مذهبی، داستانهای کوتاه، مشکلات مذهبی جوانان، تا مرز عدالت (مجموعه داستان)، از نشانه‌های اوست... در تفسیر و تحلیل آیه بیستم سوره روم، جزوهای به نام نگاهی به مهدی عج.

گنجینه دانشمندان ۸/۱۳۸-۱۳۹.

(۴۰۳)

موسوی خلخالی - محمد صادق

(۱۳۰۷ - ۱۳۶۸ هـ ش)



حجة الاسلام والمسلمین مرحوم
حاج سید محمد صادق موسوی
خلخالی فرزند آیه الله حاج سیدعلی
موسوی خلخالی از مشاهیر علمای
معاصر است و نیش از سوی مادر به
خاندان شیخ شعبان فقیهی گیلانی منتهی
می شود.

وی به سال ۱۳۰۷ هـ ش در نجف

متولد شد، ادبیات را نزد شیخ مرتضی
فقیهی و سطوح را خدمت اساتید حوزه
نجف فرا گرفت و در درس خارج
پدرش و آیه الله العظمی خویی شرکت
نمود و سال ۱۳۴۲ هـ ش از طرف آیه الله
العظمی حکیم و بنا به دعوت عده ای از
مردم کاظمین و بغداد به آن دو شهر رفت
و به اقامه نماز در مسجد بازار بغداد و
مسجد حارثیه پرداخت و تفسیر و
معارف اسلامی تدریس می نمود.

در اواخر سال ۱۳۵۰ هـ ش بر اثر
فشارهای رژیم بعث مجبور شد عراق را
ترک کند و در سال ۱۳۵۱ هـ ش به
امامت مسجد اعظم تهران واقع در
خیابان «شیخ صفی» منصوب شد. در
خلال هشت سال جنگ تحمیلی عراق
علیه ایران به جبهه رفت و آمد داشت و
از خانواده شهدا و معلولان دلجویی
می کرد و سال ۱۳۶۲ هـ ش به کمک
عده ای از نیکوکاران، درمانگاهی به نام
«امام جعفر صادق علیه السلام» در کنار مسجد
اعظم تهران تأسیس نمود. روز ۲۵
محرم سال ۱۴۱۰ هـ ق / ششم شهریور

بالاتر از قلعه حسن صباح، در دل کوه‌های بسیار بلند البرز مرکزی به دنیا آمد.

پدر وی سید عملینی، از معدود با سوادهای آن روستا و ریش سفید محل و داور و وکیل دعاوی آنان بود.

در ۵ سالگی در مکتب‌خانه گرمارود، نزد ملا محمود طالقانی قرآن و سپس در روستای ورک صرف و نحو آموخت. او خوشنویسی را از همان کودکی، نزد میرزا مهدی اهل طالقان، آموخته بود.

خانواده‌اش در فصل پاییز به روستای مَزَرَک در تنکابن می‌رفت و اواخر خرداد به گرمارود بازمی‌گشت. بنابراین، بخشی از آموخته‌های دوران کودکی ایشان، در تنکابن انجام یافته است.

در تنکابن، یکمی دو سال در دبستان‌های دوره احمدشاهی، در روستای خرم‌آباد درس خواند. صمدیه و سیوطی و مغنی را تابستان‌ها، وقتی به الموت باز می‌گشت، نزد مرحوم شیخ

۱۲۶۸ هـ ش در ۶۱ سالگی درگذشت و برحسب وصیتش در مشهد غرقه ۴۸ ضلع شرقی صحن آزادی حرم به خاک سپرده شد.

ابراهیم زنگنه

(۴۰۴)

موسوی گرمارودی -
محمد علی
(۱۲۹۲ - ۱۳۷۵ هـ ش)



آیه‌الله سید محمد علی موسوی گرمارودی، روز جمعه سوم شوال ۱۳۳۱ هـ ق / ۱۲۹۲ هـ ش در روستای گرمارود الموت قزوین چند کیلومتر

فضل الله قمقاسی بالاروچی فرا گرفت.

در روستای مَزَرْدَشْت تنکابن که به سبب حضور مرحوم شیخ کبیر حوزه علمی خوبی داشت، تا سن ۱۶ سالگی، برخی مقدمات و بخشی از سطح را آموخت.

سرانجام ربیع الاوّل سال ۱۳۲۹ ه. ق / ۱۳۰۹ ه. ش در ۱۷ سالگی به قم رفت.

رئیس حوزه علمیّه قم، مرحوم آیة الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری، سرپرستی معنوی هر گرمارودی را به اعتبار اینکه از کدام مَشَاطِفِ سَفَرِ کَرَمِیْنِ در نجف، نزد آیات عظام: سید کشور می‌بودند، به یک تن از مشاهیر همان منطقه سپرده بود. و اینان با فعل و عمل و حتی با قول و سخن خویش، مردانی بزرگ تربیت می‌کردند. در کلامشان تأثیری وجود داشت که در سخن دیگران، نبود.

از جمله این بزرگان، مرحوم آیة الله حاج شیخ علی اکبر الهیان معلم بزرگ اخلاق و پرهیزگاری بود که مرحوم حائری، سرپرستی طلاب قزوین و

گیلان را به وی، سپرده بود.

گرمارودی قدری از سطح و رسائل و مکاسب را نزد مرحوم الهیان خواند. هوش بسیار و صفای روستایی و منش ایشان، توجه مرحوم الهیان را به او جلب و آن بزرگمرد، او را به عنوان «هم حجره» خود، انتخاب کرد.

در سال ۱۳۱۵ ه. ش، مادرش در گرمارود فوت کرد. در تابستان همان

سال، همراه آیة الله حاج شیخ علی اکبر قمی، به طور قاچاق از خرمشهر و اروندرود، برای ادامه تحصیل به نجف سفر کرد. در نجف، نزد آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی خارج فقه و مشکیفی و آقاضیاء عراقی خارج اصول و آقا شیخ مرتضی طالقانی خارج اسفار را خواند و از دست آیة الله العظمی اصفهانی تصدیق اجتهاد و اجازه روایت گرفت و به قم باز گشت.

در تابستان ۱۳۱۸ ه. ش با دختر حاج شیخ جعفر روحانی وصلت کرد و پاییز همان سال از راه قزوین، برای ادامه تحصیل و نیز تدریس به قم

بازگشت.

آل الله، بسیار در سینه داشت.

از دیوان‌های شعرای عرب هم، اشعار مدحیه چهارده معصوم علیهم‌السلام را غالباً حفظ کرده بود و تا اهل ادب را می‌یافت، می‌خواند و ظرائف ادبی آن را با لذتی شرح می‌داد که شنونده همان قدر که از آگاهی از این ظرائف، بهره‌مند می‌شد، از لذت او نیز لذت می‌برد. بویژه قصیده بلند ملا مسیحای فسوی را در مدح حضرت امیر سلام الله

او ۹ سال دیگر، در قم درس خواند. بیشتر در درس آیات ثلاث (خوانساری، حجت، صدر) و بویژه درس فقه آیه الله خوانساری و کمتر در درس آیه الله العظمی بروجردی، حاضر می‌شد. او تا ۲۸ سالگی، تحصیل کرد و بقیه عمر را تنها به تدریس گذراند و هیچگاه امامت جماعت و منبر را نپذیرفت.

مرحوم موسوی گرمارودی علاوه بر

درس‌های رسمی، به ریاضی و جبر و هیئت بسیار علاقمند بود و سبخت‌ترین مسائل را سریعاً از طریق رهیافت‌های خود، حل می‌کرد. او حافظه بسیار قوی داشت. جزئیات دیده‌ها و شنیده‌های تمام عمر خود را از سه چهار سالگی به بعد، در حافظه داشت. از پنج گنج نظامی تقریباً تمام شعرهایی را که دوست داشت و اغلب ابیات خسرو شیرین و لیلی و مجنون و از دیوان حافظ و طاقدیس شیخ نراقی و شمع جمع فؤاد کرمانی و قصائدی از قآنی در مدح

جامعیت علمی از ویژگی‌های دیگر او است. او در بیشتر مناظرات علمی پیروز بود، در محضر او مناظرات علمی بسیار صورت می‌گرفت، زیرا در خانه‌اش باز بود و دائماً دوستان عالم او از قم، قزوین، رشت، لاهیجان، آستانه اشرفیه و مشهد نزد او می‌آمدند. او با وجود آنکه جزو اصحاب مکتب تفکیک و دوست و همراه آیه الله حاج شیخ مجتبی قزوینی بود، اسفار ملاصدرا و منظومه حاج ملاهادی و قیسات میرداماد را درس می‌داد و از

فصاحت بیان و وسعت مطالعه برخوردار بود. تقریباً تمام ایامی که درس نمی داد، مطالعه می کرد. لذا همواره، با دست پُر وارد بحث می شد.

جز ۱۴ سال اخیر زندگی اش که زمینگیر شده بود، در تمام عمر، ماه مبارک رمضان را، از شب تا صبح نمی خوابید و به عبادت و مطالعه می گذراند، و در شب های دیگر سال هم، همواره تا پاسی از شب مطالعه می کرد.

بلند، با احدی سخن نگفت، در تمام عمر، کسی از زبان او حتی نسبت به بدخواه وی اگر می داشت، دشنامی حتی ملایم، نشنید. نمونه واقعا کم نظیر مهربانی و خُلق پیامبرانه و طراوت روحی و خوش طینتی و بی آزاری بود.

از هرگونه تظاهر و تصنع بیزار بود تعهد داشت که از هیأت یک طلبه معمولی تجاوز نکند. تا ۷۲ سالگی، که از زانوی پای چپ فلج و زمینگیر شد و

اداره امور شخصی اش به دست فرزندان افتاد، شکل ظاهر او ساده

از فقه و اصول و درایه و کلام و تفسیر و... بود.

همیشه با طهارت بود و وضو داشت. در تمام عمر پیش از اذان صبح برای نماز شب می برخاست و تا هنگامی که آفتاب می زد، او مشغول نوافل نماز صبح و ادعیه بود و چون شب ها هم تا پاسی از نیمه شب بیدار بود، هنگام طلوع آفتاب همچنین بعد از ناهار، قدری می خوابید.

در تمام عمر، چه در حضور دیگران و چه تنها بود، پا دراز نکرد و لم هم نداد.

عرفان و ملل و نحل و علوم غریبه و ادب عرب و شعر و ادب فارسی و... در همه زمینه های دیگر هم اهل تفنن در مطالعه بود و جامعیت داشت. ایشان کتابخانه ۲۴۰۰۰ جلدی خود را به آستان قدس رضوی تقدیم کرد.

وی، بیان و زبان بسیار پاکی داشت، یعنی، در تمام عمر هیچ کس حتی کودک دو ساله را جز با خطاب آقا یا خانم، مخاطب نساخت. هرگز با صدای

در تنهایی نیز ادب حضور داشت، در تنهایی نیز چنانکه در حضور بزرگی نشسته باشد، جز دو زانو یا چهار زانو نمی‌نشست و هیچگاه در هنگام نشستن لم نمی‌داد.

از ویژگی‌های دیگر او، زهد راستین و ناآشکار وی بود. گاهی یک قبا را چند سال بیایی، می‌شست و می‌پوشید ولی چون در منیش و روش، بلند طبع و در ظاهر بسیار پاکیزه بود و اهل تظاهر هم نبود، حتی نزدیکانش در نمی‌یافتند که او سال‌هاست، با یکدست لباس مسوسه می‌پوشد. *میرزا تقی‌خان که پسر عموی حقیقه‌الله است.*

زرپرستی». او خود استغنا داشت. تمام دارایی شخصی او، یک عبا و یک قبا و دو سه پیراهن و لباس زیر و یک تسبیح ساده و یک کیف جیبی کوچک بود که ناخنگیر و قیچی کوچک خود را در آن می‌نهاد. وقتی از دنیا رفت، جز این‌ها هیچ چیز دیگر نداشت.

برجسته‌ترین و مشخص‌ترین ویژگی وی عشق شورانگیزی بود که به پيامبر اکرم و امیرالمؤمنین و دوازده معصوم دیگر علیهم‌السلام، و بویژه به حضرت

اساس هجرت دائمی او به مشهد عشق وی به حضرت امام رضا علیه‌السلام بود. با آنکه ۱۴ سال آخر عمر را بر صندلی چرخدار می‌نشست، گاهی سه بار در روز به زیارت آن حضرت مشرف می‌شد. همیشه از ضلع جنوبی و از دری که حلقه‌ای دارد، مشرف می‌شد، آن حلقه را در دست می‌گرفت، تقریباً آن را با اشک خود، شستشو می‌داد و همیشه این بیت شعر را می‌خواند:

ریشه این جنبه از زهد وی را در استغنائی روحش، باید جستجو کرد. یکبار از وی پرسیده شد: «چرا برخی از اخیار و ابرار، بنا بر آنچه در تاریخ مدون و غیر مدون آمده است، در پی کیمیا بوده‌اند، ابرار و اخیار که نباید زرپرستی کنند؟ در پاسخ فرمود: کیمیای حقیقی استغناست؛ آنان، کیمیا را از آن جهت که به آن‌ها استغنا می‌بخشید، می‌خواستند، نه از سر

لَمْ يَسْجِبْ لَانَ مَنْ رَجَاكَ وَمَنْ

خَرَّكَ مَنْ دُونَ بَابِكَ الْخَلْقَهُ.

یعنی کسی که به تو امید بست، و آنکه حلقه در خانقاهات را کوبید، ناامید نشد.

این شعر از کسی است که در مدینه، به در خانده حضرت امام حسین صلوات الله علیه رفته و چیزی طلبیده بود، امام علیه السلام چند هزار دینار را از لای در، به طوری که تنها دست مبارکش

پیدا بود، به او دادند و فرمودند، آن قدر کم است که شرم دارم خود بیرون آیم، و آن مرد با گریه گفته بوده است که چنین دست بخشنده‌ای چگونه زیر خاک خواهد رفت؟ کنایه از اینکه بخشندگان همواره زنده‌اند.

در اواخر حیات، وقتی که در صحن مطهر قدس، سر خاک دخترش می‌رفت که چند سال پیش به جوانی، در تصادف اتومبیل همراه با شوهرش، از دنیا رفته بود، با اشک آرزومندی می‌خواند:

آنان که در کنار رضا آرمیدند
کفران نعمت است بهشت آرزو کنند.

ایشان روز ۱۲ بهمن ۱۳۷۵ ه.ش در بیمارستان امام رضا علیه السلام در مشهد زندگی را بدرود گفت و به دیدار دوست اعلی شتافت و در صحن قدس رضوی دفن شد.

علی موسوی گرمارودی

(۴۰۵)

موسوی ملایری - عبدالله

(۱۳۴۴ ه.ق)

آية الله حاج سيد عبدالله موسوی ملایری از دانشمندان و علمای مشهور قرن ۱۳ و ۱۴ هجری و اصل وی از ملایر بود. وی تحصیلات عالی خود را در عتبات عالیات به پایان رسانید، سپس به مشهد مقدس رضوی آمد و مجاورت اختیار نمود.

وی سالها در مشهد به ترویج و نشر احکام اسلامی مشغول بود و در محل دارالسیاده حرم حضرت رضا علیه السلام اقامه جماعت می‌کرد. عاقبت روز هفتم محرم سال ۱۳۴۴ ه.ق دارفانی را وداع گفت و در جوار حضرت ثامن الحجج به



خاک سپرده شد.

آیه الله حاج سید ابوالقاسم ملایری (۱۳۱۴ - ۱۳۶۶ هـ ق) که مدتی دراز به جای پدر در دارالسیاده اقامه جماعت می نمود و نیز حاج شکوه الواعظین (م: ۱۳۶۸ هـ ق) و آیه الله حاج سید جمال الدین ملایری از فرزندان ایشان هستند.

گنجینه دانشمندان ۱۷۲/۷ - ۱۷۳ و ۲۱۷ - ۲۱۸.

ابراهیم زنگنه

(۴۰۶)

موسویان - حسن

(۱۳۰۰ - ۱۳۶۴ هـ ش)

سید حسن موسویان فرزند سید احمد از علما و مجتهدین زاهد و پارسای مشهد بود و از عمر ۶۴ ساله خویش حدود ۴۰ سال را در خدمت به اسلام و مسلمین سپری کرد.

وی در سال ۱۳۰۰ هـ ش در مشهد متولد شد و در ۴ سالگی پدرش را از دست داد و تحت سرپرستی مادر



برهیزکارش قرار گرفت. او در ۷ سالگی به مدرسه رفت و دوران ابتدایی و متوسطه را با موفقیت به پایان رسانید و پس از اخذ دیپلم به دانشکده افسری راه یافت، اما پس از مدتی به علت بی اعتناییهایی که به امور مذهبی بر دانشکده حاکم بود، آن جا را ترک گفت و برای ادامه تحصیل علوم انسانی به حوزه علمیه مشهد روی آورد.

ایشان در ضمن تحصیل از ترویج اخلاق اسلامی نیز غافل نبود و از همان اوان طلبگی چون از نعمت صدای خوش و قدرت بیان برخوردار بود به

تشکیل جلسات مذهبی و قرائت قرآن مجید و تربیت جوانان و آشنا نمودن آنان با علوم قرآنی همت گماشت؛ و خود نیز در مدت کوتاهی سطوح اولیه و عالی را با موفقیت به پایان رسانید.

سپس به تحصیل دروس خارج فقه و اصول پرداخت و از محضر اساتیدی چند مانند آیه الله العظمی میلانی و آیه الله حاج شیخ غلامحسین تبریزی و آیه الله حاج شیخ هاشم قزوینی بهره وافی و کافی برد و در شمار شاگردان برجسته آنان درآمد.

در کنار تحصیل بر اثر ذکاوت و شجاعت هوش سرشارش پس از پایان هر درس به تدریس آن شروع می نمود و در ایام تبلیغ هم به سخنرانیهای مذهبی و تنویر افکار عمومی می پرداخت و می توان گفت در تمام مدت تحصیلش هم محصل بود و هم معلم بود و هم مبلغ.

او با وجودی که از قدرت علمی برخوردار بود، هیچ گاه اظهار فضل نمی کرد و دائماً به سخنان استاد گوش می کرد. هنگام تدریس هم توجه

خاصی به تلامیذ خود داشت و عنوان کتاب و مطلب برایش مطرح نبود. در اواخر کرسی درس ایشان به علت کثرت جمعیت شرکت کننده به یکی از شبستانهای مسجد گوهرشاد انتقال یافت.

موسویان از مردان سیاسی و پیرو خط امام قدس سره بود و در سالهای ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ یکی از مبارزان سرسخت علیه رژیم طاغوت به شمار می رفت و بر اثر سخنرانیهای تند که علیه حکومت پهلوی کرد به مدت شش

ماه به پادگان نظامی چهل دختر تبعید گردید. در آن جا به علت فضایل اخلاقی و حسن خلقی که داشت چنان با نظامیان مانوس شد که در پادگان، نماز جماعت و مجلس و عظم و خطابه راه انداخت و بنا بر قول یکی از آنها می گفت: «ایشان بر اثر سوابق مبارزاتی شان می بایست در تک سلول می بودند، ولی اکنون با اخلاق حسنه ای که دارند در میان ما می باشند».

مدرسه علمیه موسی بن جعفر علیه السلام که

- ۶- انجمن خیریهٔ محبان‌الرضا علیهم‌السلام.
- ۷- مسجد امام هادی جنب آپارتمانهای آستان قدس.
- ۸- مسجد ۱۲ امام محمد آباد.
- ۹- مسجد موسی بن جعفر در خیابان سرخس.
- ۱۰- مسجد فاطمة الزهرا در سدر راه هنرستان بولوار وکیل آباد.
- ۱۱- مسجد همتی در کوچه بازار سرشور.
- ۱۲- مدرسهٔ علمیّهٔ ثامن‌الائمه علیهم‌السلام.
- ۱۳- مدرسهٔ علمیّهٔ جوادالائمه علیهم‌السلام.
- ۱۴- مدرسهٔ علمیّهٔ موسی بن جعفر علیهم‌السلام.
- ۱۵- اکثر مؤسسات خیریهٔ شهر مشهد.
- ۱۶- اکثر دوره‌های مذهبی شهر مشهد.
- علاوه بر این آثار در جهت حمایت از مستضعفین خانه‌های مسکونی زیادی را ساخت و زمینهای پشت شهرک صدف، زمینهای رضائیه، و زمینهای خیرآباد را ایشان به واجدین شرایط اهدا نمود، ولی در عین حال خود به زندگی زاهدانه‌اش اکتفا کرد و تا آخر بدون منزل شخصی روزگار
- به سعی و اهتمام او ساخته شده بود و سرپرستی آن را برعهده داشت، در مشهد نخستین مدرسه‌ای بود که شهریه حضرت امام قدس سره را در ایام خفقان ستمشاهی می‌پرداخت و تنها مدرسه‌ای بود که از سوی ساواک مورد هجوم واقع گردید و نیز در اندک مدتی تعطیل شد. حجة الاسلام موسویان در ایام حیاتش علاوه بر فعالیتهای درس و بحث در جهت خدمت به اسلام مسلمین خدمات شایانی ارائه داد و آثار مذهبی فراوانی که در تأسیس و احداث آنها دخالت داشته و نیا یکی از اعضای هیأت مؤسس آنها بوده است از خود به یادگار گذاشت؛ از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- ۱- مسجد حضرت ابوالفضل در بولوار فرودگاه.
- ۲- درمانگاه موسی بن جعفر علیهم‌السلام در خیابان تهران.
- ۳- درمانگاه و خیریه محمدآباد.
- ۴- مکتب حضرت خدیجه.
- ۵- مهدیّهٔ گرگان.



سالها در کشورهای هند و پاکستان و افغانستان به تبلیغ دین اشتغال داشته است.

وی صبح روز جمعه هفدهم ربیع الاول سال ۱۳۱۹ هـ ق / ۱۳ تیرماه ۱۲۸۰ هـ ش در خانواده‌ای متدین در مشهد به دنیا آمد. از هفت سالگی در مشهد به تحصیلات علوم حوزوی پرداخت. بعد از حادثه مسجد گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ هـ ش، همراه پدرش به نجف اشرف مهاجرت کرد و در این حوزه به تکمیل معلومات پرداخت و از محضر آیات میرزا محمدحسین نائینی،

گذراند. اگر گاهی خانهای به ایشان هدیه می‌شد یا آن را به مستمندی اهدا می‌کرد و یا تبدیل به مسجد می‌نمود و مسجد حضرت ابوالفضل در بولوار فرودگاه یکی از آنهاست. پس از ارتحالش ماترکی نداشت و با مساعدت آستان قدس رضوی روز نوزدهم صفر سال ۱۴۰۴ هـ ق / سال ۱۳۶۴ هـ ش در صحن آزادی غرۃ شماره ۴ به خاک سپرده شد.

ابراهیم زنگنه

مولانا میرزا ← شیروانی اصفهانی -

محمد

مولوی صاحب ← نبی بخش

(۴۰۷)

مولوی قندهاری - محمد حسن

(۱۲۸۰ - ۱۳۷۷ هـ ش)

عارف سالک شیخ محمد حسن مولوی نجفی فرزند حاج شیخ محمد اکبر، از علما و زاهدان معاصر است که

ایشان در مدت عمر پرتلاش خود آثار زیادی را پدید آورد. از جمله می‌توان از این کتابها یاد کرد: غبار نجف، جوانمرد پرنده در ترجمه احوال جعفر طیار و بیست و ششم رجب در ترجمه احوال حضرت ابوطالب علیه السلام و مناسک حج منظوم فارسی.

مرحوم آیه‌الله مولوی علاوه بر فقهات در ادبیات فارسی هم تبصر داشت و حدود بیست هزار بیت شعر فارسی سروده است.

غلامرضا بلالی

(۴۰۸)

مؤیدالاسلام - سید جلال‌الدین

(۱۲۴۲ - ۱۳۰۹ ه. ش)

سید جلال‌الدین ملقب به مؤیدالاسلام فرزند سید محمد رضا مجتهد کاشانی (۱۲۸۰ - ۱۳۴۹ ه. ق) از علما و فضلا و نویسندگان قرن ۱۳ و ۱۴ هجری است.

وی در سال ۱۲۸۰ ه. ق / ۱۲۴۲ ه. ش در کاشان متولد شد، پس از

حاج آقا ضیاء عراقی، میرزا علی آقا قاضی، شیخ محمد حسین آل کاشف‌الغطاء و سید ابوالحسن اصفهانی استفاده برد. پس از تکمیل مدارج علمی به عنوان نماینده تام‌الاختیار آنان به کشورهای هند و پاکستان و افغانستان رفت و طی چهل سال اقامت در این کشورها، به خدمات دینی پرداخت.

ایشان پس از این دوره به کشور عراق برگشت و باز هم در نجف اشرف از محضر آیات سید ابراهیم اصطهباناتی، سید عبدالهادی شیرازی،

سید محمود شاهرودی، سید عیدالله شیرازی و امام خمینی قدس سره کسب

فیض نمود. و سرانجام در اثر فشار دولت عراق در سال ۱۳۵۵ ه. ش به ایران مراجعت کرد و در زادگاهش مشهد اقامت گزید. در این شهر با تأسیس فاطمیه به ارشاد و رسیدگی به امور مستمندان ادامه داد و صبح روز شنبه ۲۴ مرداد ۱۳۷۷ ه. ش درگذشت و در کفشداری شماره ۷ صحن آزادی، به خاک سپرده شد.

برانداختن خاندان قاجار تأثیر زیادی داشت، و طی مدت انتشارش ۴۳ بار توقیف شد و از ورود آن به ایران، عراق، افغانستان و ترکیه جلوگیری به عمل آمد، ده نوبت حکومت هند مؤیدالاسلام را که عازم حرکت از هندوستان بود، مجبور به توقف ساخت.

مؤیدالاسلام در سال ۱۳۱۵ هـ ق مجله هفتگی «مفتاح الظفر» را منتشر ساخت. و مدیریت آن را به برادرش سید حسن کاشانی واگذار نمود در سال ۱۳۱۶ هـ ق مجله هفتگی آزاد را به چاپ رساند که به صورت ضمیمه مفتاح الظفر رایگان توزیع می‌شد و در همان سال روزنامه کلکته را به زبان اردو منتشر کرد. در سال ۱۳۲۱ مجله هفتگی «ملک و ملت» را به زبان انگلیسی نشر داد. در سال ۱۹۱۳ میلادی تا مدتی دو روزنامه به نام «حبل‌المتین» به زبان اردو و زبان بنگالی منتشر ساخت و بدین وسیله بیش از نهصد هزار روپیه اعانه برای صلیب سرخ ترک جمع‌آوری کرد و به اسلامبول فرستاد.

آموزشهای مقدماتی برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت و مدت پنج سال در آن جا در محضر عبدالمعالی، آخوند ملا محمد کاشی و شریعت دانش آموخت. سپس به کاشان برگشت و بعد از سفر به تهران و مشهد به عراق رفت و در سامراء به حوزه درس میرزا محمد حسن شیرازی پیوست. بعد از سامراء به بندرعباس حرکت نمود و هنگامی که سید جمال‌الدین اسدآبادی در سال ۱۳۰۴ هـ ق وارد بوشهر شد و خواست به تهران برود او نیز با سید به تهران آمد. چندی در تهران بود بعد روانه عمان شد و پس از مدتی اقامت در آن جا در سال ۱۳۰۸ هـ ق به بمبئی و سپس به کلکته رفت و در آن جا مشغول به تجارت گردید و در سال ۱۳۱۱ هـ ق / ۱۲۷۲ هـ ش هفته‌نامه حبل‌المتین را منتشر ساخت که انتشار آن تا مدت ۳۹ سال که وی زنده بود، ادامه داشت، و پس از مرگش تعطیل گردید.

هفته‌نامه حبل‌المتین در برقرار کردن مشروطیت و تنویر افکار ایرانیان و

یکی از شعرا درباره حبل المتین چنین سروده:

زهر دبیر هنرپرور خرد فرجام
امیر ملک سیاست خدیو عصر کلام
مدیر نامه حبل المتین کلکته
جلال مملکت جم مؤتدالاسلام
حکایت قلم حق نویس و نامه او
بشرح نماید اشجار اگر شوند اقلام
تمام گشته بدو نشر پاری امروز
چو شعر تازی بر بوفراس و بوتمام

سروش عرش مساوات پیک آزادی
رسول شرح مواسات امام پاک همام
گره گشای سیاست بناخن تدبیر
مسئل بسند حوادث بازوی اقدام

تنها کتاب به جا مانده از وی «سیاسة الحسینیه» می باشد. در اواخر عمر مؤیدالاسلام بیش از ده سال از هر دو چشم نابینا بود و در سال ۱۳۰۹ ه.ش / ۱۳۴۹ ه.ق در ۷۰ سالگی در کلکته درگذشت و پس از یک سال جنازه او را به مشهد آوردند و در ایوان عباسی در صحن عتیق حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام به خاک سپردند.

زندگینامه رجال و مشاهیر ایران
۹۹/۳ - ۱۰۰، تاریخ جراید و
مجلات ایران، ج ۲، مؤلفین کتب
چاپی فارسی و عربی، ج ۲، شمس
الشموس / ۲۲۲، اثر آفرینان ۳۰۵/۵.
غلامرضا جلالی

مهدوی دامغانی - محمد کاظم ←

دامغانی - محمد کاظم

میبدی ← یزدی - حسین

میرخدائی - محمد تقی ← رضوی -

محمد تقی

(۴۰۹)

میردامادی - حسن

(۱۳۱۰ - ۱۳۶۷ ه.ش)

حجة الاسلام والمسلمین حاج سید حسن میردامادی معروف به «نجف آبادی» فرزند مرحوم آیت الله حاج سید هاشم میردامادی نجف آبادی از علما و مفسرین خراسان و نیز از انعمه جماعات مسجد گوهرشاد مشهد و از



معالم و بعد رسائل و مکاسب و کفایة
الاصول را از محضر پدر و حاج شیخ
هاشم قزوینی استفاده کرد و در سال
۱۳۶۸ هـ ق از مشهد به قصد ادامه
تحصیل به قم رفت. در آن جا از محضر
حضرت آیه الله العظمی بروجردی و
آیه الله داماد و فقه و اصول امام خمینی و
از درس فلسفه و تفسیر علامه استفاده
برد. در خلال این مدت به همراه پدر به
عبات عالیات و مکه معظمه و مدینه

منوره مشرف شد. بعد از سفر حج موقتاً
به مشهد مراجعت نمود و بنا به تقاضای
علمای طراز اول مشهد امامت مسجد
پدر به ایشان محول گردید.

میردامادی در همین ایام بیش از
هفت سال در محضر آیه الله العظمی
میلانی در مشهد حاضر شده اصول و
فقه ایشان را تقریر نمود.

ایشان پیوسته به تحقیق و تتبع
اشتغال داشت. نوشته های او بجز
تقریرات عبارت است از بعضی رسائل
و مقالات راجع به تفسیر قرآن که در
کتاب معارف اسلام و ارمغان تشیع به

جانب مادر نوه مرحوم ملا عبدالله واعظ
تبریزی بود که نسلاً بعد نسل از واعظ به
نام تبریز به شمار می رفتند.

وی به سال ۱۳۱۰ شمسی در مشهد
متولد شد، تحصیلات ابتدایی را در
سمنان و حضرت عبدالعظیم گذراند.
پس از رفتن متفقین از ایران در التزام
پدر از ری به مشهد آمد و در مدرسه
خیراتخان و بعد در مدرسه نواب به
تحصیل علوم اسلامی مشغول شد و
قسمت عمده ادبیات را نزد ادیب
نیشابوری فراگرفت. سطح را نزد مرحوم
حاج سید احمد مدرس و مرحوم
پدرش شروع نمود. لمعتین و قوانین و

چاپ رسیده است.

وی پس از عمری خدمت به اسلام و مسلمین و ترویج و نشر حقایق اسلامی عاقبت در نوزدهم بهمن سال ۱۳۶۷ ه.ش در مشهد درگذشت و روز بعد در رواق دارالزهراء مبارکه حرم مطهر حضرت ثامن الحجج به خاک سپرده شد. گنجینه دانشمندان ۱۸۱/۷-۱۸۳ روزنامه خراسان ۱۶۷/۱۱/۲۰ فهرست شعبه مدفونین حرم حضرت امام (رضاع)



ابراهیم زنگنه
بزرگی مانند علامه میرمحمد اشرفی (م ۱۱۴۵ ه.ق)، علامه میرعبدالحسین

(م ۱۱۲۱ ه.ق)، علامه میراحمد عاملی

و علامه میرمحمد باقر داماد سر سلسله

خاندان بزرگ میرداماد که نسبش با ۲۱

واسطه به امام زین العابدین علیه السلام می‌رسد

و رجال بزرگی نظیر سید کمال‌الدین و

سید قوام‌الدین مرعشی که سالها در

منطقه مازندران حکومت داشته‌اند از

میان آنها برخاسته‌اند. آیه‌الله میردامادی

جد مادری حضرت آیه‌الله خامنه‌ای

رهبر انقلاب اسلامی ایران است.

میردامادی در سال ۱۳۰۳ ه.ق در

(۴۱۰)

میردامادی - سید هاشم

(۱۳۰۳ - ۱۳۸۰ ه.ق)

آیه‌الله حاج سید هاشم میردامادی معروف به «نجف آبادی» فرزند سید محمد از علما و دانشمندان و مفسران قرآن مجید است. نسبش با ۳۰ واسطه به محمد دیباج فرزند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می‌رسد. بسیاری از آباء و اجداد علیهم السلام ایشان اهل فضل و دانش بوده‌اند و نیز رجال و نوابغ علمی

دست عوامل رژیم پهلوی، ایشان به همراه دیگر علمای مشهد دستگیر و زندانی شدند، سپس آیه‌الله نجف‌آبادی را به سمنان تبعید کردند و پس از سرنگونی رضاخان در شهریور ۱۳۲۰، آیه‌الله نجف‌آبادی به مشهد بازگشت و سالها به اقامه نماز جماعت در مسجد گوهرشاد و تدریس و تألیف اشتغال داشت.

وی مردی متقی و منورالفکر بود و به دور از تعصبات خشک، قضایا را با دلیل و با میزان عقل و شرع دنبال می‌کرد و با جنجال مخالف بود.

آثاری چند از او به جا مانده است؛ از جمله: رساله‌ای در رجعت که آیات و روایات مربوطه در آن جمع‌آوری شده است، ترجمه کتاب سیف الائمة نراقی تقریرات مباحث اصول مرحوم نایینی، تفسیر قرآن به فارسی ساده به نام خلاصه البیان.

وی پس از ۷۷ سال زندگی با اخلاص، شب سه‌شنبه ۲۳ جمادى الآخر سال ۱۳۸۰ ه.ق دارفانی را وداع گفت و در جوار مرقد مطهر

نجف اشرف در خاندان فضیلت از مادری فاضله و پاک‌سیرت به دنیا آمد. در دو سالگی پدر را از دست داد و در سایه حمایت و مهر مادر دوران کودکی را پشت سر گذاشت. بر اثر فراست و هوش ذاتی از همان اوایل رشد، همت و علاقه فراوانی به تحصیل علم و کمال داشت تا این که مقدمات و سطح را نزد مدرسین معروف نجف به پایان رسانید، سپس از محضر آیات عظام آخوند

خراسانی، میرزا محمد تقی شیرازی، سید ابوالحسن اصفهانی و میرزا حسین نایینی

استفاده برد و به درجه اجتهاد نایل آمد. در اخلاق و عرفان هم از محضر

حاج سید احمد کریلایی و حاج سید مرتضی کشمیری و میرزا جواد آقا تبریزی کسب فیض کرد و در نتیجه کوشش و پشتکار فراوان در سن جوانی به مقام شامخی از علم و عمل دست یافت. سپس به ایران مهاجرت کرد و در مشهد مقدس رضوی مسکن گزید. در دوران سیاه رضاخانی و پس از کشتار مردم پپاخاسته در مسجد گوهرشاد به

حضرت امام رضا علیه السلام در دارالسیاده به خاک سپرده شد.

گنجینه دانشمندان ۱۷۵/۷-۱۸۱،
ضمیمه تاریخ علماء خراسان ۳۰۸/.

غلامرضا جلالی

میرزا بابا ← شیرازی - سیدابوالقاسم

(۴۱۱)

میرزا داود

(۱۱۹۰ - ۱۲۴۰ هـ ق)

از شهرهای مختلف برای تحصیل علوم نزد وی می آمدند و از مجلس درس او بهره می بردند. شیخ محمد تقی اصفهانی ایوانکیفی نویسنده حاشیه معالم، وقتی به مشهد آمد به مدت ۱۴ ماه میهمان او بود. میرزا داود قرضهای او را که بیش از هزار تومان بود از اموال خود ادا نمود و در این مدت فقه و اصول را نزد او تکمیل نمود.

میرزا داود به جمع کتاب اهتمام

داشت و نسخ ممتازی را در کتابخانه خود گردآوری نموده بود. از وی اثر بسیار نفیسی به نام ترجمه مسائل قصرانی برجای مانده است. مسائل قصرانی تألیف ابویوسف یعقوب بن علی قصرانی رازی، در علم ستاره شناسی است. نسخه ترجمه یادشده در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در مجموعه شماره ۶۲۸۰ نگهداری می شود. او قصد داشت در مشهد رصدخانه ای بسازد.

میرزا داود در سال ۱۲۴۰ هـ ق از دنیا رفت و پشت سر مبارک متصل به

میرزا داود کوچکترین فرزند میرزا مهدی شهید است. در سال ۱۱۹۰ هـ ق در مشهد پا به دنیا گذاشت. نزد تقی فقیه علیه السلام دیگر علمای آن عصر درس خواند و در علوم ریاضی مهارت یافت. پس از شهادت پدر با برادرانش میرزا هدایت الله و میرزا عبدالجواد به حج رفت و پس از بازگشت به تدریس روی آورد و در آستان قدس صاحب عناوینی چون «بهاء التولیه» و «وزیر وظایف» بود. آوازه میرزا داود تا آن جا رسید که

(۴۱۲)

میرزا عبدالجواد

(۱۱۸۸-۱۲۴۶ هـ ق)

میرزا عبدالجواد دومین فرزند میرزا مهدی شهید است. به سال ۱۱۸۸ هـ ق در مشهد به دنیا آمد و اشارات و عیون الحساب و کتابهای فقهی، کلامی و فلسفی را نزد پدر آموخت، بعد به نجف رفت و از محضر میرزا حبیب الله رشتی،

شیخ راضی نجفی و حاج سید علی شوشتری بهره برد و پس از بازگشت، تولیت مدرسه بالاسر و اقامه جماعت در

بین مردم را به عهده گرفت. در مسایل سیاسی عصر محمد خان قاجار در رویداد خبوشان فعال بود و از اهل علم و زهد به شمار می رفت و در علوم ریاضی و دانشهای فنی متبحر بود. به نقل مطلع

الشمس از جیمز، ب، فریزر James Baillie Fraser سیاح و جاسوس انگلیسی، فرش اتاق میرزا جواد حصیر بوده است، با این حال از جراثقال، نجوم، و جغرافیا خوب آگاه بود و این سیاح

توحید خانه حرم دفن شد.

او اهل ادب بود، شعر می سرود و «بی نوا» تخلص می کرد. نام وی در تذکرةهای «انجمن خاقان»، «مجمع الفصحاء»، «سفینه المحمود»، «بیان المعمور» و «بستان العشاق» آمده است. در کتاب «دقایق الخیال» تألیف میرزا محمد صالح رضوی، این رباعی به میرزا داود نسبت داده شده است:

بالفرض همه مال جهان یافته گیر

اسباب طرب برشته ای بافته گیر

ناگاه درآیدت ز در پیک اجل

گوید که سرت را به رهش باخته گیر

تاریخ علمای خراسان / ۶۸، مطلع

الشمس ۶۸۶/۲، سفرنامه خراسان و

کرمان / ۹۵، دائرة المعارف تشیع

۵۸۹/۳، فردوس التواریخ / ۱۲۲-۱۲۳،

اعیان الشیعه ۳۸۵/۶، مکارم الآثار

۱۱۰۷/۴ - ۱۱۱۹.

غلامرضا جلالی

میرزا رفیعی نایینی ← رفیعا - محمد

انگلیسی را در پاسخگویی به اشکالات علمی خود، در تنگنا می گذاشت.

میرزا عبدالجواد ادواتی را که خود ساخته بود به سیاح انگلیسی نشان داد و برخی از ادوات علمی را که خراب شده بود خود درست کرده بود. او سال ۱۲۴۶ هـ ق از دنیا رفت و در حرم کنار تربت پدر در توحیدخانه دفن شد.

به نوشته کتاب شجره طیبه بر سنگ قبر میرزا عبدالجواد این ابیات نقر شده بود:

ای دریغاکز جفای روزگار
شد ز اولاد نبی دزی به خاک
فخر دوران میرزا عبدالجواد
آن که گفتش آسمان روحی فدای
بست چون آن فاضل روشن ضمیر
سوی جنت بار از این تاری مفاک
بهر تاریخ وفاتش پیر عقل
گفت «کان علم پنهان شد به خاک»

فردوس التواریخ / ۱۲۳-۱۲۴، مطلع الشمس ۲/ ۳۶-۳۷، تاریخ علمای خراسان / ۶۹، گنجینه دانشمندان ۱۳۸/۷، تاریخ آستان قدس / ۳۳۶، شجره طیبه / ۲۲۲-۲۴۵، یادواره

دویستمین سال شهادت شهید رابع / ۲۵.

غلامرضا جلالی

(۴۱۳)

میرزا عسکری

(۱۲۱۱-۱۲۸۰ هـ ق)

میرزا عسکری فرزند میرزا هدایت‌الله مجتهد، در رجب سال ۱۲۱۱ هـ ق به دنیا آمد، بعد از پدر امام جمعه مشهد شد و به فراگیری علوم و ترویج دین همت گماشت و به بهبود وضع مستمندان و تأمین شهریه طلاب علوم دینی توجه تام داشت. او ضمن تدریس، کتابخانه‌ای را به وجود آورد که محفل دانشوران و ادبای خراسانی بود. به درخواست محمد شاه قاجار رساله‌ای در حدود قصاص و دیات به رشته تحریر درآورد. و زمان فوت محمد شاه، در تهران بر جنازه وی نماز خواند. ینابیع الشریعه در فقه امامیه، رساله مناسک حج، رساله نجات الیقین، رساله‌های صراط النجاة و خلاصه النجاة که هر دو در تبیین احکام

شرعی است و رساله‌ای در سکوت در بیع فضولی و منظومه ارث از آثار قلمی وی شعرده می‌شوند و شرحی بر تمهید القواعد دارد که تکمیل نشده است و رساله‌ای در قرائت ماموم پشت سر امام دارد که به دستور حجة الاسلام شفتی اصفهانی نوشته است.

در جریان طغیان سامخان، ایلخان زعفرانلو با تدبیر و درایت خود توانست

او را به متابعت دولت فراخواند. در قیام سالار مدتی همراه برادرش میرزا هاشم مجتهد در زندان بسر برد و پس از رفع

غائله مورد توجه دولتمردان و مستورین قرار گرفت. روز ۱۴ شوال سال ۱۲۸۰ هـ ق بر اثر سکت قلبی در مشهد درگذشت و در رواق پشت سر مبارک امام رضا علیه السلام دفن شد. مجمع الفصحا نام وی را تحت عنوان «شیر خراسانی» ثبت کرده است و این مطلع غزل را از او می‌داند:

تا یکی شکوه ز بی‌مهری صیاد کنی
باشد آن روز که از کنج قفس یاد کنی
تاریخ علمای خراسان / ۹۴،

مطلع الشمس / ۶۸۵، تاریخ آستان قدس / ۳۳۶، فردوس التواریخ / ۱۳۲-۱۳۳، مشهد طوس / ۵۶۴، منتخب التواریخ شیبانی / ۱۳۷، الکرام البرره / ۸۱۸/۲، مکارم الآثار / ۳۹۹/۲، الذریعه / ۲۷۵/۱ و ۲۰۷/۱۲ و ۱۵۳/۱۳ و ۶۵/۱۷، اعیان الشیعه / ۱۲۴/۸-۱۲۵.

غلامرضا جلالی

(۴۱۴)

میرزا محمد جعفر

(۱۲۵۳-۱۳۳۵ هـ ق)



میرزا محمد جعفر فرزند حاج میرزا هاشم مجتهد، برادرزاده و داماد میرزا عسکری امام جمعه مشهد، ربیع الاول سال ۱۲۵۳ هـ ق در مشهد چشم به جهان گشود. پس از تحصیل مقدمات و ارتحال پدر به عتبات رفت و از محضر اساتیدی چون میرزای شیرازی بهره برد و سال ۱۲۷۷ هـ ق به مشهد بازگشت. و سال ۱۲۸۰ هـ ق زمان حکومت حسام‌السلطنه پس از درگذشت میرزا عسکری، امام جمعه مشهد شد. سال

تا آخر عمر در این سمت بود و گاهی شعر می سرود. ذیقعدة سال ۱۳۴۳ هـ ق در ۶۳ سالگی درگذشت و در حرم امام رضا علیه السلام پشت سر مبارک دفن گردید. قوام الدین، نظام الدین و آقا طاهر امین دفتر فرزندان ایشان هستند. شجره طیبه / ۴۲۹-۴۳۰.

ابراهیم زنگنه

(۴۱۶)

میرزا هاشم

(۱۲۰۹-۱۲۶۹ هـ ق)



میرزای شیرازی / ۱۲۱، شجره طیبه

۴۲۷-۴۳۳، سند شماره ۱۲۴۷/۳

اداره اسناد آستان قدس رضوی

ابراهیم زنگنه
میرزا هاشم

فرزند ارشد میرزا هدایت الله نوه میرزا مهدی شهید مجتهد، از مجتهدین، فقها و مفسرین برجسته قرن ۱۳ هجری است. وی در رجب سال ۱۲۰۹ هـ ق در مشهد به دنیا آمد و فقه، اصول، تفسیر و کلام را خدمت پدر تلمذ نمود و به دریافت اجازه اجتهاد از ایشان نایل شد. در علوم ریاضی تخصص داشت. ایشان در بیشتر اوقات به مباحث علمی و ترویج احکام شرعی می پرداخت و مدام روزه

۱۲۸۹ هـ ق به زیارت بیت الله رفت و سه سال در عراق ماند، سپس به تهران بازگشت و آن جا رساله ای در مناسک حج نوشت و پس از مراجعت به مشهد منصب کلیدداری ضریح رضوی را به عهده گرفت. وی در تاریخ چهارم محرم سال ۱۳۳۵ هـ ق در مشهد درگذشت و در حرم مطهر امام پشت سر مبارک دفن گردید.

(۴۱۵)

میرزا هاشم

(۱۲۸۳-۱۳۴۳ هـ ق)

حاج میرزا هاشم فرزند حاج میرزا محمد باقر فرزند میرزا هدایت الله مجتهد از فضلا، ادبا و علمای سده سیزده هجری است، تحصیلات خود را در مشهد به پایان برد و کلیدداری ضریح مطهر رضوی به عهده وی گذاشته شد و

بود و شبها را شب‌زنده‌داری می‌نمود. او روزه ماه رجب و شعبان را هرگز ترک ننمود و در شبها جهت کمک به مستمندان به خانه‌هایشان وسایل مایحتاج می‌برد. کوشش داشت تا تفسیر ناتمام پدر خود را به آخر رساند، ولی موفق نشد و کتابی دیگر به نام «تسلیة الفؤاد فی فقد الاحبة والاولاد» نوشت.

خراسان / ۹۲، منتخب‌التواریخ / ۶۱۴، فردوس‌التواریخ / ۱۲۷-۱۲۸، اعیان‌الشیعه / ۱۰-۲۵۹-۲۶۰.

غلامرضا جلالی

(۴۱۷)

میرزا هدایت‌الله

(۱۱۷۸-۱۲۴۸ هـ ق)

میرزا هدایت‌الله فرزند ارشد

میرزامهدی شهید، از علما و فقهای

نامدار خراسان عصر خود بود و در تمام

خطه خراسان نفوذ تام داشت. رجب

سال ۱۱۷۸ هـ ق در مشهد به دنیا آمد.

در جوانی از محضر پدر بهره برد و در

فقه، فلسفه، کلام و علوم ریاضی

تخصص یافت و پس از درگذشت پدر

ریاست عامه خراسان را به عهده گرفت.

مرصع‌اهدایی فتحعلی‌شاه قاجار به

دست ایشان به ضریح حرم نصب شد.

وی از هر فرصتی برای ایجاد آرامش و

دفاع از حقوق محرومین و استفاده

می‌کرد. با وساطت ایشان، جریان

بازداشت محمد ولی میرزا در حدود

دخالت در امور سیاسی را از

مسئولیت‌های اجتماعی و دینی خود

می‌شمرد. در فتنه سالار از نیروهای

دولتی جانبداری کرد و به همین دلیل

مدتی به زندان افتاد و پس از رفع فتنه به

تهران رفت و مورد احترام فراوان قرار

گرفت. به سال ۱۲۶۹ هـ ق درگذشت و

در رواق پشت‌سر مبارک دفن شد. میرزا

محمد باقر مشهور به شفتی، نظام‌الدین و

میرزا سید محمد که هر سه از علما و

ادبای عصر خود بودند فرزندان ایشان

هستند.

شجره طیبه / ۴۲۷-۴۲۸، مطلع‌الشمس

/ ۶۸۷، گنجینه دانشمندان / ۷-۱۳۸،

مکارم‌الآثار / ۲-۳۴۷، تاریخ علمای

سال ۱۲۳۰ هـ ق، از سوی اسحاق خان قرانی، که با دخالت رضاقلی خان زعفرانلو و فنودالهای دیگر محلی داشت به یک غائله بزرگ تبدیل می‌شد، کنترل شد.

او در جلسه‌ای که رضاقلی خان زعفرانلو، حاکم قوچان و نجفعلی خان گُرد شادلو حاکم بجنورد و اسفرائین و بیگلرخان چاپشلو حاکم درگز و

اسحاق خان قرانی و دیگران در آن حضور داشتند، اظهار کرد: مخالفت با فتحعلی‌شاه که در هر ناحیه پسروی

فرمانگزار دارد، کار ساده‌ای نیست. اکنون که شما کار را به این جا رسانده‌اید، بهتر است شخصی را به امیری خود انتخاب نموده، تحت فرمان وی به مبارزات خود ادامه دهید.

خوانین خراسان گفتند: اسحاق خان بر همه ما سر است. میرزا هدایت‌الله با هوشمندی گفت: کار به کردار است نه به گفتار. اگر این سخنان را از در صدق می‌گویید برخیزید و در برابر او به پا ایستید.

فنودالها که سخت برآشفته بودند گفتند: ما را حشمت و حب و شرافت نسب از اسحاق خان بالاتر است. ما نمی‌توانیم خادم او باشیم. با این سیاست، فنودالها مشهد را ترک گفتند و اسحاق خان در برابر حکومت مرکزی سر به فرمان نهاد.

در زمانی که شجاع‌السلطنه حاکم خراسان از حکومت عزل گردید و به تهران رفت، سید محمّد خان کلّاتی به دستگیری ترکمانان بنای تجاوز را پایه‌ریزی کردند و شهر مشهد ناامن شد.

میرزا هدایت‌الله سید جلیل نیشابوری را که از شاگردانش بود به کلّات فرستاد و او را با نصایح مشفقانه به اطاعت دولت درآورد.

میرزا هدایت‌الله هفتم رمضان سال ۱۲۴۸ هـ ق درگذشت و در صفا شاه طهماسب داخل حرم مطهر دفن شد. تفسیر محققانه‌ای بر ده جزء اول و ده جزء آخر قرآن دارد. هدایة العوام در فقه نیز از آثار اوست. میرزا هاشم مجتهد، میرزا عسکری امام جمعه، میرزا

روز هشتم محرم سال ۱۳۱۳ هـ ق در خاندان فقاہت و اجتهاد، در نجف به دنیا آمد، جد اعلايش شريف سيد علي اكبر با ۲۶ نسل به «علي اصغر» فرزند امام علي بن حسين مي رسد. او به درخواست مردم مؤمن «اسكوچاي» و «ميلان» و موافقت نقيب سادات حسيني مدينه به آن جا هجرت كرد.

مرحوم آية الله ميلانی، مقدمات را نزد شيخ ابراهيم همدانی و آخوند ملا حسن تبریزی خواند و مطول را از محضر آية الله شيخ ابراهيم ساليانی و سید جعفر اردبیلی و ميرزا علي ايروانی و شيخ ابوالقاسم مامقانی فرا گرفت و دو دوره خارج فقه و اصول از محضر آيات، شيخ الشريعة اصفهانی، شيخ آقا ضياء عراقی، ميرزا حسين نائینی، و شيخ محمد حسين کمپانی اصفهانی بهره جست و به مقام رفيع اجتهاد نایل شد. فلسفه را از سيد حسين بادكوبه‌اي و شيخ محمد حسين اصفهانی، كلام و مناظره و تفسير را از آية الله شيخ محمد جواد بلاغی و اخلاق را از سيد ميرزا

ذبيح الله و ميرزا محمد فرزندان ذكور وی هستند.

الذريعه ۱۳۴۸/۴ شجرة طيبه ۴۲۷/، فردوس التواريخ ۹۵ و ۱۲۱-۱۲۲، منتخب التواريخ ۶۷۵/، تاريخ علمای خراسان ۶۶ و ۹۲، مطلع الشمس ۶۸۶/، اعيان الشيعة ۲۶۳/۱۰.

غلامرضا جلالی

(۴۱۸)

میلانی - سید محمد هادی

(۱۳۱۳-۱۳۹۵ هـ ق)



آية الله العظمی سيد محمد هادی حسینی ميلانی از فقهای نامدار شیعه.

گرفت. همراه میرزا مهدی قرزند آخوند خراسانی، شیخ جواد جواهری پسر صاحب جواهر، آیه‌الله سید علی داماد و برخی دیگر از هم دوره‌های خود، در این رویداد بزرگ اجتماعی شرکت جست، و شیوه مبارزه با اجانب و پایداری در برابر جهانخواران را در میدان عمل آموخت.

وی در سال ۱۳۳۲ هـ ش که جهت زیارت قبر پاک امام هشتم علیه السلام به مشهد مشرف شده و در خانه مرحوم شیخ علی اکبر نوقانی (م ۱۳۳۹ هـ ش) اقامت گزیده بود، به درخواست مردم و برخی از علمای آن روز خراسان، از جمله مرحوم آیه‌الله شیخ مرتضی آشتیانی، حاج شیخ مجتبی قزوینی و خود مرحوم نوقانی، در مشهد ماند و از زمان اقامت تا آخرین سال حیات پربار خود، به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بود و صدها چهره برجسته در محضر ایشان تلمذ کردند.

ورود آیه‌الله میلانی به مشهد همزمان با اوج‌گیری نهضت ملی نفت بود و مردم

علی قاضی و سید عبدالغفار مازندرانی و ریاضیات را از سید ابوالقاسم خوانساری آموخت و در طول حیات علمی خود بیش از ۱۵۰۰ اجازه روایی از علمای برجسته دریافت کرد و با همکاری علامه طباطبائی، آیه‌الله سید صدرالدین جزایری و شیخ علی قمی طی ۸ سال وسائل الشیعه را تصحیح کرد.

آیه‌الله میلانی در سال ۱۳۵۹ هـ ق به سوریه و لبنان سفر کرد و در این سفر با آیه‌الله سید عبدالحسین شرف‌الدین، آیه‌الله سید محسن امین، آیه‌الله شیخ حسین حبیب آل ابراهیم، آیه‌الله میرزا حسن لواسانی و حجة الاسلام شیخ محمد تقی صادق در شهرهای صور، دمشق، بعلبک، غازیه و نبطیه ملاقات کرد و از اندوخته‌های علمی آنان بهره برد.

آیه‌الله میلانی فعالیت سیاسی خود را از دوران جوانی در عراق آغاز کرد. وی در جریان جنگ مردم مسلمان عراق علیه حضور انگلیس در این کشور که به رهبری مراجع دینی صورت

با همکاری روحانیت مبارز و پیشرو در این نهضت بزرگ شرکت جسته بودند. در این دوران کانون تشریح حقایق اسلامی در مرکزیت فعالیتهای دینی و سیاسی شهر قرار داشت. کانون به همت استاد محمد تقی شریعتی پس از شهریور ۱۳۲۰ شکل گرفته و فعالیتهای دامنه‌دار فرهنگی خود را علیه مارکسیسم و قشرگرایی آغاز کرده بود. اعضا و مسئولین کانون به صرف اطلاع از اقامت آیه‌الله میلانی در مشهد به سراغ وی رفتند، و از ایشان درخواست حمایت معنوی کردند، و ایشان با رفت و آمد مستمر خود به این مرکز دینی اعتبار دیگری بخشید و فعالیتهای دینی سیاسی آن را مورد حمایت خود قرار داد، و به این ترتیب اهتمام خود را به مسایل جوانان و روشنفکران در عمل نشان داد.

حمایت آیه‌الله میلانی از کانون نشر حقایق اسلامی تا سال ۱۳۳۶ ادامه داشت، در ایمن سال با دستگیری اعضای نهضت مقاومت که بیشتر از اعضای کانون بودند و انتقال آنها به

زندان قزل‌قلعه، کانون تعطیل شد و از اوایل ۱۳۳۷ که استاد محمد تقی شریعتی از زندان بیرون آمد، به دستور آیه‌الله میلانی، مجلس تفسیر قرآن، نهج‌البلاغه، سخنرانی خود را در منزل ایشان دایر و این امر تا سال ۱۳۳۹ ادامه یافت. از این سال با حمایت آیه‌الله میلانی و بهره‌گیری از فضای باز سیاسی، کانون دوباره گشایش یافت و فعالیتهای خود را در چهارباغ مشهد از سر گرفت.

در همین سال مدرسه منتظریه (معتقنیه) اقم با حمایت مادی و معنوی آیه‌الله میلانی تأسیس شد و با ارتحال مرحوم آیه‌الله بروجردی ایشان مرجعیت عام یافت و بیش از پیش مورد توجه علما، سیاسیون و توده‌های مردم قرار گرفت.

سال ۱۳۴۲ آیه‌الله میلانی به درخواست شهید مرتضی مطهری، به استاد محمد تقی شریعتی توصیه کرد تا به تهران رفته و یک دهه در حسینیه ارشاد سخنرانی کند. کمی جلوتر از آن

آیه‌الله میلانی در جریان تصویب لوایح شش‌گانه، پیامی به وسیله مهندس سالور به علم نخست‌وزیر وقت فرستاد و طی نامه دیگری لغو تصوینامه را از ایشان خواست و خود با همکاری علمای بزرگ مشهد: شیخ هاشم قزوینی، حاج شیخ مجتبی قزوینی، سید احمد مدرس، حاج شیخ کاظم دامغانی، آقا میرزا جواد تهرانی و برخی دیگر از چهره‌های برجسته روحانیت خراسان، مجمعی را به منظور مقاومت در برابر سیاستهای ضد دینی و ضد ملی رژیم پهلوی به وجود آورد.

آیه‌الله میلانی در سومین نامه خود در آبان ۱۳۴۱، به علم نوشت: «وظیفه خود می‌دانم با استمداد از حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداء برای سومین بار اعلام بدارم، تصویبنامه دولت شما در مورد انجمنهای ایالتی و ولایتی با عدم رعایت شرط اسلام در انتخاب شوتندگان و تبدیل قسم به قرآن مجید به قسم به کتاب آسمانی، ملت مسلمان ایران و خاصه علمای اعلام را بی‌نهایت

خشمگین ساخته است».

روز ششم بهمن ۴۱ بازار مشهد به دستور ایشان تعطیل شد و با صدور اعلامیه تند ۲۸ اسفند ۴۱، جنایات رژیم پهلوی را افشا کرد و نوروز ۴۲ را همراه با امام خمینی قدس سره عزای عمومی اعلام کرد.

پس از رویداد ۱۵ خرداد و دستگیری امام قدس سره، آیه‌الله میلانی تلاش کرد به تهران برود، ولی هواپیمای حامل ایشان را از بین راه بازگرداندند و در بیستم خرداد ۴۲ طی تلگرافی به امام خمینی که در زندان محبوس بودند، به نظریات سیاسی ایشان صحه گذاشت و اظهار کرد: «آنچه شما گفته‌اید، گفته همه روحانیون بلکه گفته اولیاء خدا و ائمه اطهار است»، و در چهاردهم تیر همان سال به منظور حمایت از قیام امام خمینی به تهران رفت و از نزدیک با همه چهره‌های دینی و سیاسی در ارتباط قرار گرفت و روز دوم مرداد اعلامیه‌ای را، به دادخواهی از علمای بازداشت شده و مردم مبارز صادر کرد و نسبت به

موفقیت توأم باشد، اشکالی ندارد». و برای هماهنگی بیشتر سید مرتضی جزایری یکی از نزدیکان خود را تعیین کرده بود که پس از اندک زمانی منجر به دستگیری سید مرتضی جزایری و سپهد قرنی شد، که خود داستان دیگری است. آیه‌الله میلانی دو روز پس از ورود به مشهد. با شرکت خود در مجلس خطابه شهید جوانمرد حجة الاسلام والمسلمین سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد در محله شهیدگاه، موجب تشدید فعالیت‌های دینی و سیاسی مردم علیه رژیم پهلوی گردید و منجر به رویداد بیست‌وسوم مهر ۱۳۴۲ مسجد فیل و شهادت تعدادی از مردم مؤمن مشهد شد.

در جریان کاپیتولاسیون نیز که در دولت حسنعلی منصور و به منظور تضمین امنیتی برای مستشاران آمریکایی پیش‌بینی‌هایی شده بود، آیه‌الله میلانی با امام خمینی قدس سره همراهی کرد و پس از تبعید ایشان به ترکیه در ۱۳ آبان ۱۳۴۲ در نامه‌ای به وی نوشت: «خوشا به سعادت آن

تبعید امام خمینی به دولت هشدار داد و انتخابات دوره بیست‌ویکم مجلس شورای ملی را تحریم کرد و با ارسال نامه‌ای اعتراض‌آمیز به سازمان ملل متحد، ماهیت هیأت حاکمه، تجاوزات و خفقتان حاکم بر ایران را تشریح کرد و طی اعلامیه ۱۴ مهر همه را به اعتصاب عمومی فراخواند. رژیم پهلوی که از حضور بسیار فعال ایشان در تهران به وحشت افتاده بود، وی را در ۱۵ مهر ۱۳۴۲ تحت‌الحفظ به مشهد برگرداند. آیه‌الله میلانی پس از بازگشت به دست از فعالیت‌های سیاسی خود کشید و رابطه خود را با مبارزین سیاسی تهران و نیز با امام خمینی حفظ کرد، از جمله مرحوم سپهد قرنی با ایشان در ارتباط بود. ایشان در جواب مرحوم قرنی که از امکان موفقیت در براندازی رژیم با ایشان صحبت کرده بود و ضمناً یادآور شده بود که در جریان این کار عده زیادی کشته خواهند شد و از نظر شرعی کسب تکلیف کرده بود، فرموده بود: «اگر با

سرزمین که حضرت عالی در آن تشریف دارید! قلوب همه مردم با ایمان متوجه شماست. فانه تعالی جعل افئدة من الناس تهوی اليك، و همگی برای نصرت و تأیید شما، که لسان ناطق همه مجامع روحانی دینی هستید و گفته شما که کلام حق و حقیقت است، دعا می نمایند... راه شما که وارث انبیاء علیهم السلام هستید، همان راه است که

خدا برای پیغمبران اولوالعزم و ائمه هدی (علیهم الصلاة والسلام) معین فرموده.

شهید محمد بخارایی یکی از اعضای فعال هیأت‌های مؤتلفه اسلامی و روحانیت و مراجع تقلید داشت، رژیم به قولی به فتوای مرحوم آیه الله میلانی دست به ترور حسنعلی منصور زد، چنانکه ایشان اجازه اعدام شاه را نیز به برخی از مبارزین مسلمان داد.

از حدود ۱۲ اسفند ۱۳۴۳، جلساتی که روزهای جمعه در منزل ایشان تشکیل می گردید، از طرف سازمان امنیت تعطیل شد و کسی در این روزها حق رفت و آمد به منزل ایشان نداشت، با این حال ایشان همچنان رابطه خود را

با همه جناحهای مبارز دینی حفظ کرد. در خرداد ۱۳۴۶ با انتشار اعلامیه‌ای در رابطه با جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل، با اعراب مسلمان اظهار همدردی کرد و به همین دلیل از سوی تیمسار نصیری تهدید شد. در همین سال در جریان جشن تاجگذاری به خاطر نگفتن تبریک به شاه، گذرنامه ایشان صادر و دستور خروج وی از ایران داده شد، ولی به خاطر ملاحظه نفوذ معنوی ایشان در بین توده‌های مردم و جایگاه بلندی که میان روحانیت و مراجع تقلید داشت، رژیم از تصمیم خود منصرف شد.

آیه الله میلانی دو روز پس از شهادت آیه الله سعیدی، در ۲۴ خرداد ۱۳۴۹ به منظور تجلیل از شخصیت روحانی ایشان، درس خود را تعطیل کرد و در ۲۴ تیرماه همین سال دکتر محمد محمد الفحام رئیس دانشگاه الازهر که از سوی دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه، از قاهره به ایران آمده بود، با وی دیدار کرد.

آیه‌الله میلانی سالهای پایان عمر خود را مصروف تأسیس مدارس دینی و پرورش طلاب مستعد کرد؛ مدرسه عالی حسینی، مدرسه امام صادق و مدرسه میلانی از آن جمله است که با برنامه دقیق اداره می‌شد و اساتید بلندپایه‌ای، تدریس علوم دینی را از دوره مقدماتی تا خارج در آنها به عهده داشتند.

آیه‌الله میلانی روز جمعه ۲۹ رجب ۱۲۹۵ هـ ق / ۱۴ مرداد ۱۳۵۴ هـ ش در مشهد چشم از جهان فرو بست و در رواق دارالشکر حرم رضوی مدفون شد. در گوردید، روح بلند، سیمای ملکوتی و پرشور و خواجه ربیع مشهد دفن است. یاد همه اخلاق الهی ایشان در طول پیش از نیم قرن راهیان راه عشق و ایثار و حق و عدالت را سیراب کرد، او نه تنها یکی از

برجسته‌ترین فقهای شیعه در طول قرن حاضر بود، بلکه در ادای جهاد، و عدالت‌خواهی نیز کم‌نظیر بود و هزاران انسان مؤمن را به دور خود جمع کرد و از خوان معرفت خود خوشه‌چین ساخت. صدها نفر در طول مجاورت ایشان در مشهد مقدس به دست وی ملمان شدند، یکی از بارزترین آنها پروفیسور بول وین Boch Boulvin جراح بلژیکی بود که طی مباحثاتی به دست ایشان مسلمان گردید و به عبدالله تغییر نام داد و امروزه در گورستان گوردید، روح خواجه ربیع مشهد دفن است. یاد همه آنها به خیر و جاودانه باد، و یاد این فقیه اهل بیت نیز به دوام اختران یابدار. مجله نگاه حوزه، شماره ۲.

ن

(۴۱۹)

ناظر - محمد تقی

(- حدود ۱۲۴۸ هـ ق)

امام جمعه مشهد و میرزا محمد علی به دامادی عمویش میرزا محمد کاظم ناظر درآمدند. پسر کوچکش

میرزا محمد حسین (م: ۱۳۰۴ هـ ق) است

که از همسر سوم اوست و از فضیلتی

روزگارش به حساب می‌آمد و همیشه

می‌برد و زندگی‌اش غالباً به خواندن

ادعیه و اذکار سپری می‌شد. در حدود

سال ۱۲۴۸ هـ ق در مشهد درگذشت و

به احتمال زیاد در حرم دفن شد.

شجره طیبه، ۱۷۸/ - ۱۸۰، منتخب

التواریخ / ۷۳۴، اعیان الشیعه ۱۹۲/۲.

ابراهیم زنگنه

ناظر - محمد صادق ← جلد سوم

ناظر - محمد مهدی ← جلد سوم

آیة الله حاج میرزا محمد تقی فرزند

میرزا ابراهیم رضوی ناظر از مشاهیر،

علمای متبحر و فقهای قرن ۱۳ هجری

است. وی با دختر میرزا هدایت الله

فرزند میرزا مهدی شهید ازدواج کرد.

همسر او پس از چندی درگذشت و

دختر دیگر میرزا را به همسری گرفت،

ولی او هم در خانه همسر درگذشت و

دختر سوم مرحوم میرزا هدایت الله را

عقد نمود.

میرزا محمد تقی از همسر اولش دو

پسر فاضل و لایق به نامهای میرزا

ابراهیم و میرزا محمد علی داشت، که

میرزا ابراهیم به دامادی میرزا عسکری

نجف آبادی ← میردامادی - حسن

نجف آبادی ← میردامادی - هاشم

(۴۲۰)

نجفی - محمد حسین

(۱۲۸۱ - ۱۳۳۹ هـ ق)

آیةالله آقا سید محمد حسین نجفی
فرزند حاج میرزا عبدالجواد فرزند حاج
میرزا عبدالکریم نواده میرزا مهدی
شهید از علما و فقهای قرن چهاردهم
هجری بوده است.



تدریس و تبلیغ و ارشاد و نشر احکام
اسلامی را به عهده گرفت.

وی به زهد و تقوا و صراحت لهجه
مشهور بود و در مخالفت با مشروطه و
اصرار بر مشروعه شهرت داشت. پس از
شهادت آیةالله شیخ فضل الله نوری در
سال ۱۳۳۷ هـ ق، هدف ترور شبانه
مشروطه خواهان واقع شد، اما جان
سالم به در برد. نفوذ مردمی و قدرت
روحی ایشان در مشهد فوق العاده بود، و
مئاتند میرزا مهدی شهید، از اقتدار
معنوی برخوردار بود. وی سرانجام روز

در سال ۱۲۸۱ هـ ق در حیات نوایدی
متقی و پرهیزکار که همه در کسوت
روحانیت بوده اند در کوفه متولد شد.
پس از رسیدن به سن تعلیم و تربیت، و
آشنایی با زبانهای فارسی و عربی به
حوزه علمیه نجف وارد شد و خارج فقه
و اصول را در خدمت آیات حاج سید
اسماعیل صدر، شیخ الشریعة اصفهانی
و سید کاظم یزدی به پایان رسانید و به
درجه اجتهاد رسید. او به مشهد مقدس
آمد و مناصب آباء و اجدادی خود و

۱۹ منتهای ماه رمضان سال ۱۳۳۹ هـ ق در
مشهد درگذشت و در قسمت پشت سر
ضریح، رواق توحیدخانه حرم مطهر
رضوی به خاک سپرده شد.

یادواره دویستمین سال شهادت شهید
رابع، ۴۵-۴۶.

غلامرضا جلالی

نجفی - مهدی ← خدیو گیلانی، جلد

دوم

(۴۲۱)

نجفی فردوسی - عبدالحسین

(۱۲۸۹ - ۱۳۶۵ ه ق)

آیة الله سیّد عبدالحسین نجفی فردوسی معروف به «سرکار آقا» از علما و مجتهدان معروف قرن چهاردهم هجری است که سالهای متمادی بر مسند علم و قضا در جنوب خراسان تکیه زد.

در حدود سال ۱۲۸۹ ه ق در شهر تون (فردوس) در خانواده علم و تقوا متولد شد. پدرش مرحوم حاج میرزا محمود تونی معروف به سرکار حاج آقای بزرگ، و متخلص به «قدّس» از بزرگان علمای معروف و حکمای بنام زمان و از شاگردان نخبه حاج ملاهادی سبزواری و میرزای شیرازی بزرگ بود و از طرف مادر نوه مرحوم میرزا زین العابدین معروف به میرزای مجتهد و از نوادگان مرحوم ملا اکبر تونی است.

نجفی فردوسی در حدود سال ۱۳۱۵ ه ق برای تکمیل تحصیلات عالی فقه و اصول به نجف اشرف رفت و در آن جا از محضر استادان بزرگی مانند

آیة الله نائینی و آیة الله مازندرانی و به خصوص آخوند خراسانی استفاده برد و با فرزند بزرگ ایشان آقا میرزا مهدی همدرس و هم مباحثه گردید. سرانجام در حدود سال ۱۳۲۲ ه ق یا ۱۳۲۳ به اخذ درجه اجتهاد نایل آمد و به ایران مراجعت کرد. هنگام بازگشت در تهران که مصادف با اوج مبارزات مشروطه طلبان بود به وسیله شهید شیخ فضل الله نوری به رجال دولتی از جمله عین الدوله صدر اعظم و رکن الدوله والی خراسان معرفی شد. سپس به خراسان آمد. در این موقع میرزا محمد آقازاده فرزند دوم آخوند خراسانی ریاست حوزه علمیه مشهد را به عهده داشت. میرزا محمد از وی خواست تا در مشهد بماند، ولی به خاطر پدرش حاج میرزا محمود که در ستین کهنولت بر می برد به فردوس رفت و در آن جا جانشین پدر شد و ریاست حوزه علمیه و زعامت محکمه شرع جنوب خراسان را به عهده گرفت. در حوزه حکومتی فردوس، طبس، گناباد و بلکه

(۴۲۲)

نجفی مسجدشاهی - مهدی

(۱۳۹۳ هـ ق)

آیةالله حاج شیخ مهدی نجفی مسجدشاهی از علما و فقهای اصفهان بود که پس از سالها تحصیل علوم اسلامی در این شهر و عتبات عالیات به درجه اجتهاد رسید و در اصفهان به ترویج و نشر احکام اسلامی پرداخت. وی در ماه صفر سال ۱۳۹۳ هـ ق وفات یافت و برحسب وصیت جنازه اش به مشهد منتقل شد و در جوار حضرت رضی الله عنه در حجره ای که جمعی از علمای بزرگ مانند آیةالله سید عباس شاهرودی و آیةالله کوهستانی و آیةالله مدرّس و آیةالله تقوی شیرازی به خاک سپرده شده اند، دفن گردید.

آثار بجا مانده از ایشان عبارتند از: «جنت عدن» در ادعیه و آداب و سنن، «انهار» در قصص و حکایات و اشعار منتخبه، «اساور من ذهب» در حالات حضرت زینب رضی الله عنها، «سندس و استبرق»، «تاریخچه مختصر صفین»،

در قاین و بیرجند، احکام وی به اجرا گذاشته می شد.

سرکار آقا چون شخصی دانشمند، فرهنگ دوست و روشنفکر بود و ارتباط گسترده ای با مردم داشت، گامهای بلندی در جهت توسعه فرهنگ و ترویج افکار مردم محل برداشت. با هزینه شخصی خویش در فردوس مدرسه جدید تأسیس کرد و کتابخانه ای دایر نمود که تا زلزله ۱۳۴۷ هـ ش مورد استفاده بود. و از محل درآمد موقوفات مجهول المصرف منطقه به دانش آموزان مستمند سه شهر فردوس، طبس و گناباد کمک هزینه تحصیلی پرداخت می نمود. چون ارتباط قلبی با شیخ بهلول داشت و در واقع مسجد گوهرشاد نیز مظنون به همکاری با او بود تحت مراقبت شدید بسر می برد. سرانجام در سال ۱۳۶۵ هـ ق / بهمن ماه ۱۳۲۵ هـ ش به علت بیماری مزمن ربوی درگذشت و در رواق دارالضیافه حرم مطهر حضرت رضا رضی الله عنه به خاک سپرده شد.

ابراهیم زنگنه

جامع عباسی شیخ بهائی و ذخیره العباد
آخوند ملا محمد کماظم خراسانی را که
یک دوره کامل فقه به زبان فارسی
است، بارها خواند و با رسائل عملیه
مجتهدین آن عصر مقابله کرد و بر آنها
حاشیه نوشت.

در دوره کشف حجاب به قصد
اقامت دایم با خانواده به عتبات رفت،
ولی پس از شش ماه اقامت در کربلا به
ایران برگشت و روستای شاندیز واقع
در ۲۴ کیلومتری غرب مشهد را برای
سکونت برگزید و در آن جا علاوه بر
اقامه نماز و ایراد خطابه به طبابت
مشغول شد.

شیخ اسماعیل نجومیان اهل شعر و
ادب بود و دیوان نجومی خراسانی از
آثار اوست که به اهتمام فرزندش
حسین نجومیان از سوی بنیاد
پژوهشهای اسلامی آستان قدس
رضوی به چاپ رسیده است.

نجومیان شب جمعه ۲۹ مهرماه
۱۳۵۶ / ۱۳۹۷ هـ ق در حال خواب
جان به جان آفرین سپرد و در صحن

«رائک» در اصول، «نعم الثواب» در
سیر و سلوک و «مرتفق» در رد فلسفه
داروین و رد مسیحیان و هیئت جدید.
مرکز اسناد آستان قدس - سند شماره
۲۶۸۶۳

(۴۲۳)

نجومیان - اسماعیل

(۱۲۶۲ - ۱۳۵۶ هـ ش)

شیخ اسماعیل فرزند ملا ابراهیم
تقاس و زرگر فرزند آخوند ملا محمد
اسماعیل منجم خراسانی در ششم صفر
۱۳۰۲ هـ ق / ۱۲۶۲ هـ ش در مشهد
دیده به جهان گشود. پس از آموختن
قرآن مجید، نصاب و ترسل و دیوان
حافظ در مکتب خاندها، کتاب
جامع المقدمات را نزد پدر و ریاضیات
و استخراج تقویم و علوم غریبه را نزد
عمویش حاج ملا محمد مهدی
منجم‌باشی و هیئت را نزد حاج
غلامحسین معروف به حکیم زرگر
فراگرفت. او بویژه در جوانی بیشتر
اوقات خود را صرف مطالعه می‌کرد.

عتیق حرم امام رضا علیه السلام دفن گردید.

مقدمه دیوان نجومی خراسانی

۵۲-۲۷/

غلامرضا جلالی

نخودکی ← اصفهانی - حسنعلی

(۴۲۴)

نمازی شاهرودی - علی

(۱۳۳۲ - ۱۴۰۵ هـ ق)



پرورش یافت و در خدمت پدر و سایر اساتید به تحصیل پرداخت. سپس برای تکمیل مبانی فقه و اصول به مشهد آمد و از محضر آیه الله حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی و دیگران استفاده برد، آنگاه به نجف اشرف مهاجرت نمود و مدتی در خدمت اساتید آن حوزه به تکمیل علوم پرداخت و پس از رسیدن به درجه اجتهاد به مشهد مراجعت نمود.

او تا پایان عمر در حوزه مشهد به

تدریس و نیز تألیف کتب مفید اشتغال داشت و علاوه بر دانشهای دینی با علوم دیگر نیز آشنا بود.

این دانشمند اسلامی، شب دوم

ذیحجه سال ۱۴۰۵ هـ ق / ۲۸ مرداد

۱۳۶۴ ش به رحمت حق پیوست و در

جوار حضرت نامن الانمه به خاک

سپرده شد. آثار قلمی ذیل از ایشان

برجای مانده است.

اثبات ولایت، ابواب رحمت، تاریخ

فلسفه و تصوف، مقام قرآن و عترت،

ارکان دین، الهدی الی صراط المستقیم،

مستدرک سفینه البحار در ده مجلد.

علامه حاج شیخ علی نمازی

شاهرودی از علمای مبرز و متقی و از

دانشمندان متبّع است.

به سال ۱۳۳۲ هـ ق در شهر شاهرود

متولد شد، در خانواده علم و تقوا



رساله تفویض، تاریخ مجالس روضه خوانی، زندگانی حبیب بن مظاهر، اصول دین الاسلام، الهادیه فی الاعتبار، الکتب الاربعه، رساله نور الابصار، مناسک حج، مشتمل بر وجوب حج و مذمت تارک آن و خلقت کعبه و حجرالاسود و حرم و قضایای آن، روضات النظرات، دوره فقه استدلالی ده مجلد، مستدرکات علم رجال ده مجلد، مستطرفات المعالی در احوال

راویان حدیث، دوره معارف القرآن مشتمل بر چهل و سه جزء، رساله‌ای در طب، معرفه الاشیاء، گیاهها، درختها، حیوانات و جمادات و مباحث اصول.

گنجینه دانشمندان ۳۹۰/۹ - ۳۹۳.

(۴۲۵)

نوقانی - علی اکبر

(۱۳۰۰ - ۱۳۷۰ ه ق)

آیه الله حاج میرزا علی اکبر نوقانی، فرزند حاج میرزا موسی فرزند میرزا حسن، از مشاهیر علمای مشهد، در قرن

چهاردهم هجری قمری است. اجداد ایشان در اصل از ایل جلایر، یکی از عشایر ساکن کلات هستند که حدود دوپست سال پیش از کلات نادر به مشهد آمدند. مجدلاطبا و حاج میرزا کاظم، عموهای مرحوم میرزای نوقانی بودند که در اوایل قرن چهاردهم هجری از اطبای بنام خراسان محسوب می شدند. جد اعلای ایشان حاج محمّد زمان خان بن کلبعلی خان جلایر فرزند محمدزمان خان، طبیبی حاذق و فاضلی کامل بود طبع شعری شیوا داشت و اشعار عرفانی می سرود.

مرحوم میرزای نوقانی در آغازین سال سده چهاردهم هجری، یعنی سال ۱۳۰۰ هـ ق در مشهد مقدس رضوی در محله نوقان چشم به جهان گشود و به میرزای نوقانی اشتها یافت.

میرزا تا ۲۷ سالگی در مشهد به تحصیل دانشهای دینی پرداخت. ادبیات را در مدرسه نواب از محضر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری (م: ۱۳۴۴ هـ ق) آموخت. فقه و اصول را

نزد آیه الله حاج شیخ حسنعلی تهرانی (م: ۱۳۲۵ هـ ق) که یگانه عصر در وراغ

و تقوا بود فراگرفت و پاره‌ای دیگر از *تذکره مشرف کزین*

فقه و اصول را پس از درگذشت حاج شیخ حسنعلی تهرانی، از حاج سید عباس شاهرودی (م: ۱۳۴۱ هـ ق) از علمای برجسته مشهد آموخت.

میرزا به سال ۱۳۲۷ هـ ق سه سال پس از انقلاب مشروطیت، به منظور فراگیری دانشهای دینی، رهسپار نجف شد و دروس خارج فقه و اصول را در محضر حضرات آیات: محمدکاظم خراسانی و سید محمدکاظم یزدی

(م: ۱۳۳۷ هـ ق) و شریعت اصفهانی (م: ۱۳۳۹ هـ ق) فراگرفت، و چند ماه پس از ارتحال آخوند (م: ۱۳۲۹ هـ ق) با تکمیل تحصیلات و اخذ اجتهاد از میرزا محمد تقی شیرازی، مشهور به میرزای دوم (م: ۱۳۳۸ هـ ق) و حاج شیخ عبدالله مازندرانی (م: ۱۳۳۰ هـ ق) به ایران بازگشت و در مشهد به تدریس دروس حوزوی و ارشاد مردم همت گماشت و چهل سال از عمر خود را در

راه تدریس و خدمات معنوی به مردم خراسان و اعتلای فرهنگ این سرزمین

میرزا دو بار ازدواج کرد. همسر اول ایشان، دختر مرحوم شیخ محمد باقر نوقانی بود که از دوستان نزدیک مرحوم میرزا حبیب‌الله مجتهد شمرده می‌شد و پس از وی بخشی از امور دینی شهر را در اختیار گرفت. همسر دوم میرزا دختر مرحوم سید حسین امام، یکی از سادات و علمای متقی مشهد بود. میرزا مهدی نوقانی (۱۳۱۴-۱۳۴۱ هـ ق) فرزند میرزای نوقانی از این همسر است.

پس از بازگشت از عتبات، بجز سال ۱۳۶۶ هـ ق که به تهران رفت، سفر دیگری خارج از استان خراسان نداشت. فقط در اواخر عمر، در سال ۱۳۶۸ هـ ق / ۱۳۲۸ هـ ش به مکه مشرف شد. در همین سفر دهه اول محرم را در کربلا حضور یافت و در صحن حرم حضرت سیدالشهداء به منبر رفت و مقتل خواند. علما و مراجع دین، در منبر ایشان شرکت می‌جستند.

میرزا نوقانی، انسانی مؤمن، متعهد، اهل تهجد، خوش‌قریحه، شوخ‌طبع و مهربان بود. اندامی رشید داشت و از صدایی رسا و از چهره‌ای پرهیبت برخوردار بود. ساده‌زندگی می‌کرد و در مدت هفتاد سال عمر خود، هرگز از سهم امام مصرف نکرد. ایشان موقع بازگشت از نجف، به حرم حضرت علی علیه السلام مشرف شد و از روح مولای مستقیان مدد خواست تا معیشتی خداپسندانه داشته باشد و از دین، ابزاری برای تأمین دنیا نسازد. وقتی به مشهد بازگشت، روزی از بازار عبور

می‌کرد، یکی از کسبه نوشته‌ای را در اختیار او قرار داد و به او گفت: این وقفنامه را فرزند مجدالاطباء، پسرعموی شما، نزد من گرو گذاشته است. مروری به مضمون وقفنامه نشان می‌داد که سهمی از قریه سیس‌آباد، از املاک گوهرشاد دختر یونس خان جلایر، مادر کلعلی خان جلایر، جده مرحوم نوقانی از سال ۱۲۱۰ هـ ق وقف تعظیم شعائر اسلامی شده است و برابر آن، تولیت موقوفه با اصلح و اورع اولاد است. میرزا تنها کسی بود که در آن زمان می‌توانست تولیت موقوفه را که دو سهم از بیست و چهار سهم قریه یاد شده واقع در بلوک تبادکان مشهد است، به عهده بگیرد. داشتن راه ارتزاق درست و معیشت مستقل و عدم استفاده از سهم امام، از میرزای نوقانی یک انسان آزاده، منتقد و آینده‌نگر ساخت.

میرزا خط خوشی داشت و با ارباب ادب آن روز خراسان معاشرت می‌کرد. بیشتر روزهای بهار و تابستان همراه خانواده با دوستان خود در شاندیز،

پدر شهید مرتضی مطهری، همراه امام خمینی به فریمان رفت.

میرزای نوقانی با مرحوم حاج شیخ عباس قمی و آقای بروجردی و آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی و دیگر علمای برجسته قم و عتبات رابطه نزدیک داشت و مورد اعتماد همه آنان بود. به درخواست حاج شیخ عباس قمی، ایشان مقدمه مفاتیح الجنان را نوشت و در چاپهای اول مفاتیح، نام میرزا در پایان مقدمه به چشم می‌خورد.

همچنین آیه الله العظمی میلانی در پیروزی بزرگ پیروز سرخپوش به مشهد، به بیت ایشان وارد گردید و در مجموع، مورد اعتماد مراجع و بزرگان عصر خویش بود.

میرزا خطیبی توانمند بود و با بیان دلنشین خود، مردم را متوجه معارف حقه الهی می‌کرد. روزهای عاشورا در منزل خود، واقع در محل کنونی تکیه فتاح‌خان و پشت قبرستان سراب منبر می‌رفت. گاهی نیز در مدرسه میرزا جعفر یا مسجد گوه‌رشاد خطابه ایراد می‌کرد. منبر ایشان سرشار از

طرقه، هاشم‌آباد، ابرده علیا یا ویرانی، از بیلاقیهای اطراف مشهد به سر می‌برد. برخی از مطالعات عرفانی خود را در این محیطهای طبیعی دنبال می‌کرد و اشعار نغزی می‌سرود.

میرزا انسانی آگاه به مسایل دینی و مقتضیات زمان خود بود و از تعصبات کاذب و بی‌اساس برهیز می‌کرد. با میرزا مهدی اصفهانی دوست بود و همراه ایشان چند ماهی از محضر میرزا مهدی آشتیانی، فیلسوف نامدار، که برای مدتی به مشهد آمده بود و فلسفه

صدرایی تدریس می‌کرد، بهره جست. او با امام خمینی رابطه بسیار دوستانه‌ای داشت. امام پیش از درگذشت میرزا، وقتی به مشهد می‌آمد، به بیت ایشان وارد می‌شد و مکاتباتی نیز داشتند. پس از ارتحال میرزای نوقانی، امام به قصد ابراز تسلیت و دلجویی به مشهد آمد و هفته‌ای در منزل فرزندش میرزا مهدی نوقانی به سر برد. افکار میرزای نوقانی به امام بسیار نزدیک بود. او به دعوت شیخ محمد حسین مطهری،

اطلاعات تاریخی، اخبار سلف و شامل نکاتی ادبی، امثال، حکم و پند و اندرز و آمیخته با شعر و ادب بود. کسی از سخنان ایشان خسته نمی‌شد. در پایان منبر از روی یادداشتهای خود، مقتل می‌خواند. منبر ایشان به سبک منبر حاج میرزا حبیب‌الله خراسانی بود. خود وی می‌گفت: «در مدت عمرم منبری به جامعیت و تأثیر منبر مرحوم میرزا حبیب‌الله مجتهد ندیدم.»

از میرزا چند کتاب و مقداری یادداشتهای پراکنده باقی مانده است. سه مقاله، دو مقاله، تعلیقات بترجمه روح‌بنده قمی فرستاد. شیخ عبدالکریم خطاب به نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، شرح بخشی از گوهر مراد و مجموعه اشعار و جنگ خطابه از این مجموعه است.

از آن میان فقط سه مقاله و مجموعه اشعار به چاپ رسیده است. دو مقاله و سه مقاله هر دو در زمینه دین‌شناسی و گفتگو با ارباب ادیان و ملل و نحل است. میرزا، بنا به درخواست برخی از بزرگان، سه مقاله را در نقد و بررسی مقالات ماتریالیستها، مسیحیان و

مسلمانان نوشت.

حضور کمونیسم شرق، و مسیحیت سازمان یافته غرب، چنین کاری را در آن روزگار می‌طلبید. بویژه کتاب سه مقاله میرزا بسیار بی‌طرفانه نوشته شده است و به دور از هر گونه تعصب و لجاج است. سه مقاله که به صورت مناظره نوشته شده، تاکنون سه نوبت به چاپ رسیده است و در زمان نشر مورد ستایش مجامع علمی قرار گرفت. به

درخواست حاج شیخ عبدالکریم خطابی، میرزا صد جلد از این کتاب را سه مقاله، دو مقاله، تعلیقات بترجمه روح‌بنده قمی فرستاد. شیخ عبدالکریم خطاب به فضیلتی قم گفته بود: اگر خواستید کتاب بنویسید، مثل این بنویسید. سه مقاله گذشته از شواهدی که برای بیان مقصود از تورات و انجیل آورده باورهای گروههای الحاد قرن حاضر را در خود منعکس کرده است.

میرزای نوقانی به نظم و انضباط توجه تام داشت و می‌کوشید این خصلت بسیار مهم و حیات آفرین را در حوزه مشهود احیا کند. او از

انگشت شمار عالمانی بود که فرصت اعمال مدیریت علمی و تربیت جویندگان معارف دینی را در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ حوزه یافت. ایشان در عصر رضاخان، جزء انگشت شمار روحانیانی بود که حق پوشیدن لباس را داشت.

میرزای نوقانی، چنانکه اهل دیانت بود، اهل سیاست نیز بود. ایشان دوره مشروطه را درک کرده بود و در محضر چهره‌های برجسته‌ای چون آخوند خراسانی و میرزای دوم شاگردی کرده بود و از رویدادهای سیاسی جامعه تبریز که میرزا در آن شرکت می‌کرد بی‌خبر نبود.

مرحوم میرزا هفتاد سال و چند ماه حیات خود را در کسب دانش و تبیین معارف الهی گذراند و عصر روز جمعه دهم جمادی الاولی ۱۳۷۰ ه.ق / ۲۷ بهمن ۱۳۲۹ در پی سکت قلبی دعوت حق را لبیک گفت و در پایین پای امام رضا (ع) در دارالسعاده به خاک سپرده شد و به تمنایی که در این غزلش داشت، نایل آمد:

خواهی بدانی معنی حب الوطن را
یکچند از خود دور کن مائی و من را
در چاه ماندستی چرا ای یوسف جان
بگذار این چه را و برگیز این رسن را
از گوش جانت پنبه غفلت برون کن
تا بشنوی آواز مرغان چمن را
محراب دل را پاک کن از لوث شیطان
چون می‌پسندی چای یزکان اهرمن را؟
گر لطف حقت یار باشد می‌توانی
افکندن از نیروی خود نفس کهن را
دریا و کویش می‌دود اشکم به دامن
چون کند یکسر همه تل و نغن را
سودای عشقش جامعه تقوی بهر سوخت
شاهان نوازش کن «فقیر» ناتوان را
در وقت مردن کز سخن بندد دهن را
خواهم به وقت مرگ بینم روی جانان
روی رضا شاهنشاه دین بوالحسن را
زین روضه هرگز رخ نتابم تا بیابم
رضوان حق و داروی رنج و یخن را
سایم سر اندر خاک کویش از فقیری
زین تاجداری که توان سر تافتن را

غلامرضا جلالی

(۴۲۶)

نوقانی - محمّد رضا

(حدود ۱۲۳۷ - ۱۳۴۰ هـ ش)



مرحوم حاج شیخ محمدرضا نوقانی از علما و مجتهدین و پرهیزکاران معاصر بوده است، که سالها به امر تدریس و اقامه نماز جماعت در مسجد محرابخان مشهد اشتغال داشت.

وی در حدود سال ۱۲۳۷ هـ ش در روستای «رُشقی» از توابع شهرستان درگز در خانواده‌ای با تقوا متولد شد. پس از رسیدن به سن تعلیم در همین روستا به مکتب رفت. بعد از فراگیری خواندن و نوشتن و اندکی دروس عربی،

چون استعداد درخشانی داشت، به تشویق آخوند ملاعلی که همه سانه در ایام ماه مبارک رمضان و محرّم از مشهد به آن روستا می‌رفت و مهمان پدرش بود، جهت ادامه تحصیل به مشهد آمد. با معرفی آخوند مسّلا علی در مدرسه فاضل‌خان مشغول تحصیل شد و با حاج سید علینقی داماد آخوند در یک حجره ساکن شد و مدت هفت سال در خدمت استادان این مدرسه مقدمات و سطوح را فراگرفته و برای تکمیل تحصیلات علوم دینی راهی نجف اشرف شد. در حوزه علمیه نجف مدت ۹ سال به تحصیل پرداخت و پس از رسیدن به درجه اجتهاد، از محضر آخوند خراسانی به اخذ اجازه‌نامه اجتهاد نایل گردید.

ایشان پس از بازگشت از نجف در محله نوقان نرسیده به پل سنگی که نام خانوادگی‌اش از نام آن محله گرفته شده ساکن گردید و هنوز آن کوچه به نام «حاج شیخ محمّد رضا» معروف است. از آن موقع به امر تدریس پرداخت و

کفشکن شده است به خاک سپرده شد.
ابراهیم زنگنه

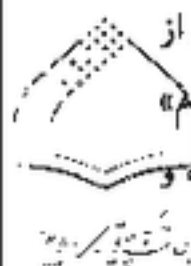
(۴۲۷)

نوقانی - محمد مهدی
(۱۳۰۵ - ۱۳۷۱ ه. ش)



آیةالله حاج میرزا محمد مهدی
نوقانی فرزند آیةالله حاج میرزا علی
اکبر نوقانی از علمای مبارز و مدرسین
معاصر مشهد است.
وی در سال ۱۳۰۵ ه. ش / ۱۳۴۵
ه. ق در مشهد به دنیا آمد و پس از
خواندن دروس کلاسیک به تحصیل

امامت جماعت مسجد محرابخان را به
عهده گرفت. در زمان حکومت
رضاخان که قانون تشکیل دفاتر اسناد
رسمی تصویب شد محضر شرع ایشان
نیز تبدیل به محضر اسناد رسمی گردید،
و تا سال ۱۳۳۵ ه. ش در این محضر
فعالیت داشت. از آن به بعد دفترخانه را
رها کرد و بقیه عمر را به عبادت و تنظیم
نوشته های خود از جمله «ینابیع
الاحکام» سپری کرد. شش اثر علمی از
وی باقی مانده است. «ینابیع الاحکام»
در سال ۱۳۳۳ ه. ش به چاپ رسیده و
بقیه هنوز چاپ نشده است.



آن مرحوم در نهایت سلامت جسمی
و روحی بسر می برد و در مدت
یکصد و اندی سال عمر به بیماری
عمده ای مبتلا نشد و بیماری که منجر به
فوت ایشان شد چند روزی پیش طول
نکشید و عاقبت دهم دیماه سال ۱۳۴۰
ه. ش در مشهد دعوت حق را لبیک
گفت و در صحن عتیق حرم مطهر
رضوی، ورودی بست بالاخیابان دست
راست جلو ایوان، در غرفه ای که امروزه

مرتضوی و زنجانی و نیز مقامات دولتی استان شرکت داشتند و چند تن از خطبا پیرامون زندگانی پسر بار آن مرحوم سخنرانی کردند.

گنجینه دانشمندان ۱۸۸۷-۱۸۸۹
روزنامه خراسان ۱۷ آبان ۱۳۷۱، ص ۱۰.
غلامرضا جلالی

علوم دینی پرداخت و از خدمت استادانی مانند ادیب ثانی، مدرس یزدی، حاج شیخ هاشم قزوینی و پدر خود میرزای نوقانی و در اواخر از محضر آیه الله العظمی میلانی کسب فیض کرد و در زندگانی پربرکت خود خدمات شایانی در راه انقلاب اسلامی انجام داد.

آیه الله نوقانی از اساتید حوزه علمیه

مشهد بود و از ایشان تفسیری بر قرآن مجید باقی مانده است. او ضمن اقامه نماز جماعت از راه تدریس تفسیر قرآن مجید و مبانی اعتقادی و درون‌فقهی و اخلاقی ایفای وظیفه می نمود تا این که به علت بیماری قلبی پس از ۲۲ روز درمان به دیار باقی شتافت و پیکر وی در روز شانزدهم آبان ماه ۱۳۷۱ بر دوش انبوه اقشار مختلف مردم عزادار تا بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام تشییع و در دارالزهده مبارکه حرم مطهر به خاک سپرده شد.

در این مراسم حضرات آیات شیخ ابوالحسن شیرازی، مروارید، فلسفی،

(۴۲۸)

نهاوندی - حسن

(حدود ۱۲۷۶ - ۱۳۳۰ ه ق)

شیخ حسن پیشنماز نهاوندی فرزند مجید و مبانی اعتقادی و درون‌فقهی و اخلاقی ایفای وظیفه می نمود تا این که به علت بیماری قلبی پس از ۲۲ روز درمان به دیار باقی شتافت و پیکر وی در روز شانزدهم آبان ماه ۱۳۷۱ بر دوش انبوه اقشار مختلف مردم عزادار تا بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام تشییع و در دارالزهده مبارکه حرم مطهر به خاک سپرده شد.

علامه میرزا عبدالرحیم نهاوندی (م ۱۳۰۴ ه ق) و برادر ارشد مرحوم آیه الله شیخ محمد نهاوندی از دانشمندان و علمای قرن چهاردهم هجری قمری است.

وی در حدود سال ۱۲۷۶ ه ق متولد شد. به روایت شیخ آقا بزرگ تهرانی، در کتاب میرزای شیرازی، سالیانی از عمر خود را در سامرا گذراند، و در مکتب فقهی میرزای شیرازی شاگردی کرد و به مقام اجتهاد نایل شد.

او پیش از سال ۱۳۱۰ ه ق به علت



عارضه چشمی به تهران بازگشت و پس از ارتحال پدر، همراه برادر خود به مشهد مقدس آمد و از مراجع شهر شد و در رأس حوزه علمیه مشهد قرار گرفت و خدمات ارزنده‌ای را انجام داد. سرانجام در ۱۷ صفر سال ۱۳۳۰ دارفانی را وداع گفت و در توحیدخانه مبارکه حرم رضوی دفن گردید.

یکی از معاصرین او به نام میرزا محمد مهدی کهنوی کشمیری، صاحب

«نجوم السماء» در جلد دوم درباره‌ی نوشته است: «می‌گویند مجتهد است، در نجف اشرف تحصیل علوم فرموده و عمرش در سنه ۱۳۲۱ هـ ق قریب به ۴۵ سال است.»

نقباء البشر ۴۰۶/۱ و ۱۱۰۹/۳، سند شماره ۱۲۰۸۸/۱۷ اداره اسناد آستان قدس رضوی

(۴۲۹)

نهایندی - علی اکبر

(۱۲۷۸ - ۱۳۶۹ هـ ق)

علامه محدث آیه‌الله حجاج شیخ علی اکبر فرزند شیخ حسین نهایندی

خراسانی، در سال ۱۲۷۸ هـ ق / ۱۲۳۸ هـ ش در نهایند به دنیا آمد و مقدمات را

در همان شهر نزد شیخ جعفر بروجردی و حاج ملا محمد سره‌بندی آموخت، بعد

به بروجرود مسافرت نمود و در آن جا در

مجلس درس شیخ آقا حسین

شیخ الاسلام و میرزا حسین تویسرکانی

و سید ابوطالب بروجردی شرکت

جست. مدتی به مشهد امام علی بن

موسی الرضا علیه السلام آمد و نزد فرهیختگان

نظامداری چون شیخ عبدالرحیم

بروجردی، حاج میر سید علی حائری

یزدی و حاج شیخ محمد تقی بجنوردی

اصفهانی، سید ابوالقاسم بن معصوم اشکوری، سید حسین کوه کمری، سید مرتضی کشمیری اجازه روایت دریافت کرد و به این ترتیب ایشان در حوزه های علمی به عنوان یکی از بزرگان علم اشتهار یافت و جامعیتی را به دست آورد که بعدها با ترکیب آنها با علوم عقلی، شایستگی عنوان علامه را به دست آورد.

مرحوم آیه الله شهاب الدین مرعشی، در بعضی آثار خود، ضمن یادآوری این نکته که مرحوم نهاوندی با پدر ایشان، آیه الله شمس الدین محمود حسینی مرعشی نجفی (م ۱۳۳۸ ه ق) هم دوره و هم درس بوده است، از شخصیت علمی او چنین تجلیل می کنند: «کان خریتا فی الحدیث و مقدماته من الرجال و الدراية فقیها اصولیا متکلماً مفسراً».

علامه نهاوندی در اواخر ماه ذی القعدة سال ۱۳۱۷ ه ق / ۱۲۸۰ ه ش و به روایت آقا بزرگ تهرانی در نقباء البشر در سال ۱۳۱۹، با توجه به مرضی که تن او را رنجور ساخته بود، به

تحصیل کرد. بعد به اصفهان رفت و نزد علمای این شهر و نیز تهران نزد میرزا عبدالرحیم نهاوندی و میرزا محمد اندرمانی شاگردی و از آن جا همراه همنام خود مولی علی اکبر نهاوندی، به عتبات عالیات مهاجرت کرد و در سامرا اقامت گزید و پای درس میرزا محمد حسن مجدد شیرازی شرکت کرد و به سال ۱۳۰۸ ه ق به نجف اشرف رفت و

نزد سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، محمد کاظم آخوند خراسانی و شیخ محمد طه نجف و میرزا حبیب الله رشتی و شیخ الشریعه اصفهانی و شیخ محمد حسن مامقانی و مولی لطف الله مازندرانی، حاج شیخ زین العابدین مازندرانی، حاج ملا محمد ترابیانی، سید ابوالقاسم اشکوری، میرزا محمد تقی شیرازی و حاج ملا حسینقلی همدانی، معارف الهی را به پایان برد و به درجه اجتهاد دست یافت. علوم حدیث را از حاج میرزا حسین نوری صاحب مستدرک فرا گرفت و بجز وی از میرزا حبیب الله رشتی، شیخ الشریعه

همان مسجد به اقامه نماز می پرداخت و بزرگان شهر و پرهیزکاران به او اقتدا می کردند و مرجع شرعی شهر شهادت شد.

او بعد از اقامه نماز عشا به منبر می رفت و به موعظه می پرداخت. موعظه های او مالا مال از نکات نغز و مؤثر و با لهجه ای صادقانه و همراه با اخلاص بود. حالات عبادی و خضوع و

خشوع مخصوص به خود داشت، وی در سال ۱۳۶۶ ه ق / ۱۳۲۶ یعنی سه سال پیش از درگذشت خود به عتبات

مقدسیه رفت و شادروان شیخ اسماعیل نجومیان ماده تاریخ بازگشت ایشان را در دیوان خود آورده است. به سال ۱۳۶۷ ه ق به قم مشرف شد و مورد تجلیل مرحوم شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه قم قرار گرفت.

آینده شهاب الدین مرعشی در روز جمعه ۱۶ جمادی الاولی سال ۱۳۵۴ و میرزا علی محمد وزیر در سوم ماه ربیع الثانی ۱۳۶۳ و شیخ محمد شریف رازی در سال ۱۳۶۴ از وی اجازه

ایران آمد و یک ماه و نیم در تبریز ماند و از آن جا به نهاوند رفت و تا نیمه ماه ذی الحجه سال ۱۳۲۲ ه ق در آن جا ماند و در محرم سال ۱۳۲۳ ه ق / ۱۲۸۱ ه ش به تهران هجرت نمود و تا سال ۱۲۸۷ ه ش یعنی همه سالهایی که مصادف با انقلاب مشروطه بود، در تهران ماند. در این مدت در بحث فقه حاج شیخ محمد حسن آشتیانی و در

بحث عرفان و علوم عقلی مرحوم حیدرخان نهایندی و میرزای جلوه و محمد رضا قمشه ای از اساتید فن موقوف حضور یافت.

مرحوم نهایندی به سال ۱۳۲۸ ه ق / ۱۲۸۷ ه ش یعنی چهار سال پس از انقلاب مشروطه به مشهد آمد و مجاور امام عالمان عامل شد و مورد استقبال همه مردم قرار گرفت و به تدریج مقبولیت عامه یافت و تا مدت ۱۲ سال بین الطلوعین ماه رمضان و بین الطلوعین دهه اول ماه محرم در مسجد جامع گوهرشاد و شبستان نهایندی مردم را ارشاد می کرد و در

روایی دریافت کردند.

شیخ بزرگوار ما در ۱۹ ربیع الثانی سال ۱۳۶۹ / ۱۸ بهمن ۱۳۲۸ در ۹۰ سالگی در مشهد درگذشت. روز درگذشت ایشان هوا بسیار سرد بود و برف سنگینی باریده بود و غسالخانه مشهد در خیابان ۱۷ شهریور در محل کنونی پارک وحدت قرار داشت و مردم با سختی طاقت فرسایی در مراسم کفن و دفن ایشان شرکت جستند، همین امر سبب شد که مرحوم آیه الله فقیه سبزواری با توجه به مساعدتهایی که مرحوم نهادندی در زمان حیات خود کرده بود و میان همگان وحدت و غسالخانه اول طبرسی را بنا نماید.

جسد پاک علامه نهادندی در رواق دارالسعادة در پایین پای هشتمین امام یاکان و کنار قبر شیخ مرتضی آشتیانی دفن گردید و روح بلندش به عالم بالا عروج کرد.

علامه شیخ علی اکبر نهادندی، با این که چهل سال تمام، ریاست دینی خراسان را به عهده داشت، انسان پرهیزکاری بود و عمر خود را در

خدمت به مردم و انجام وظایف دینی صرف می نمود و با زهد و اخلاق می زیست. وی که چندین دهه زمام امور روحانیت مشهد، بلکه خراسان را در اختیار داشت، جز خودش احدی را در هیچ یک از کارهای مربوط به خود دخالت نمی داد، حتی امور مربوط به منزل را تا مدتی خودش انجام می داد و احتیاجات خود را از بازار می خرید و هرگز تغییری در اخلاق و آداب وی مشاهده نمی شد. همیشه می کوشید اختلاف گروههای اجتماعی را از میان ببرد و میان همگان وحدت و یکپارچگی به وجود آورد.

ایشان از سجایای برجسته ای برخوردار بود. از خودگذشتگی از سجایای او شمرده می شد. در نماز به حال فقرا و بینوایان رسیدگی می کرد و مستمندان زیادی را به این نحو تأمین می نمود. او گفته های خود را پیش از دیگران به کار می بست و از مجادله پرهیز داشت.

مرحوم نهادندی در طول چهل سال

روز یکشنبه، ۱۲ ربیع الثانی ۱۲۵۴ هـ ق
در شمار بازداشت شدگان بود.

علامه حاج شیخ علی اکبر نهایندی
کتابخانه بسیار بزرگ و ارزشمندی
داشت و کتابهای خطی زیادی را گرد
آورده بود و مرحوم آقابزرگ تهرانی در
الذریعه در چند مورد از گنجینه‌های
خطی این کتابخانه یاد کرده است.

علامه نهایندی در شمار علمای پر
تألیف است، او بخشی از زندگی خود را
در تألیف و تصنیف گذراند، بخصوص
پس از عدم مساعدت مزاج، منبر را به
تألیف و تصنیف تبدیل کرد. تعداد و
توع آثار او نمایانگر آگاهی ایشان به
علوم دینی و تسلط به تاریخ، حدیث و
تفسیر است. از آثار ایشان می‌توان به
موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- انهار النواثب فی اسرار المصائب.
- ۲- البنیان الرفیع فی احوال
الخواججه ربیع که در سال ۱۳۴۱ هـ ق
تألیف و در سال ۱۳۴۸ هـ ق در
تهران چاپ شده است.
- ۳- کشکول الجنة العالیه و الجمعة

اقامت خود در مشهد منشأ خدمات
زیادی شد. در روزگار وی مدرسه‌های
دینی رضوان، ابدال‌خان، نواب، باقریه،
دودرب، سلیمانیه، بالاسر، میرزا جعفر،
عباسقلی‌خان، پریرزاد و حاج حسن دایر
بود و ایشان ضمن رسیدگی به این
مدارس، مبالغی را جهت تأمین
مدرسین و طلاب اختصاص داده بود و
مبالغی را بین طلاب خراسانی مقیم نجف
توزیع می‌کرد و مبالغی را در اختیار فقرا
می‌گذاشت و مقدار قابل اعتنایی نیز به
فقرای شهرستان نهایندی می‌فرستاد،
ایشان در اواخر حیات خود ثلثه
خروار زغال در فصل زمستان میان فقرا
تقسیم می‌کرد.

علامه نهایندی، در طول حاکمیت
رضاخان از کسانی بود که به طور مجاز
کسوت روحانیت را برتن کرد و در
مسجد جامع گوه‌رشاد از امضاکنندگان
تلگراف ضرورت موقوف شدن
بی‌حجابی و کلاه پهلوی به رضاخان بود
و به دعوت اسدی در دارالتولیه حضور
یافت و از جواب تلگراف مطلع شد و در

- ۱۱ - انوار المواهب فی اسرار المناقب
که مشتمل است بر پنج جلد از جمله: الید البیضاء فی مناقب الزهرا در اخبار وارده در مناقب حضرت زهرا و الکواکب الدری فی نکت اخبار مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام که در سال ۱۲۶۰ هـ ق به چاپ رسیده است. و العبقری الحسان فی تواریخ صاحب الزمان که خود دارای پنج جلد است، الزخرف الاخضر فی ظهور الحجة المنتظر، المسلك الازفر فی معجزاته، الصبح الاسفر فی اثبات المهدویة، الیاقوت الاحمر فی من یراه، النجم الازهر فی علائم ظهوره، که در سال ۱۳۶۳ هـ ق چاپ شده اند.
- ۱۲ - لمعات الانوار در حل مشکلات آیات و اخبار، فارسی است و چاپ شده است.
- ۱۳ - مفرح القلوب و مفرج الکروب درباره قصه و حکایت به زبان فارسی، در تهران به صورت سنگی چاپ شده است.
- ۱۰ - خزینة الجواهر فی زینة المنابر در سال ۱۳۳۶ هـ ق از تألیف آن فارغ شد و در یک مجلد بزرگ در سال ۱۳۵۸ به چاپ رسیده است. بعدها چاپهای متعددی از آن از سوی کتابفروشی اسلامیة تهران صورت گرفت.
- ۴ - جواهر الزواهر فی شوارد النوادر، مشتمل بر ۳۳۳ جوهره.
- ۵ - جواهر الکلمات فی النوادر و المتفرقات
- ۶ - حاشیه فرائد الاصول
- ۷ - رساله الحقیقه و المجاز
- ۸ - راحة الروح فی شرح حدیث و مثل اهل بیتی کسفینه نوح، فارسی است و در سال ۱۳۴۱ هـ ق از نوشتن آن دست کشیده و در سال ۱۳۵۱ هـ ق چاپ رسیده است.
- ۹ - جنتان مدهامتان در ۲ جلد جلد اول در سال ۱۳۵۳ هـ ق و جلد دوم در سال ۱۳۵۴ هـ ق به چاپ رسیده است.



- ۱۴ - عناوین الجمععات فارسی است و در حدود ۴۸ عنوان به تعداد جمعه‌های سال تبویب شده است و نام دیگر آن وسیلة النجاة است که در سال ۱۳۲۲ تا عنوان پنجم به چاپ رسیده بود که بنا به گزارش شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه، مؤلف به حج مشرف شد و کتاب خود را به پایان نبرد.
- ۱۵ - رسالة العبيد الى مراحل التوحيد.
- ۱۶ - رشحة الندى في مسألة البداء.
- ۱۷ - رساله صلاة المسافرين تقرير
- در سهای استاد خود شیخ محمد طه ^{رحمته} بیشتر آثار علامه نهادندی جنگها و ارشاد می‌توانند مؤثر باشند و آگاهی اصناف و طبقات جامعه را نسبت به معارف دینی بالاتر برند و می‌توان این منابع را خطابه‌های مکتوب نام نهاد.
- ۱۸ - طور سینا در شرح حدیث کساء.
- ۱۹ - عناوین اللغات فی شرح دعاء السمات.
- ۲۰ - الفتح المبين فی ترجمة الشيخ علی الحزین.
- ۲۱ - الفوائد الكوفية فی ردّ الصوفیه.
- ۲۲ - كشف التغطية عن وجوه الشمیه.
- ۲۳ - الكوكب الدرّی فی مناقب النبی.
- ۲۴ - گلزار اکبری و لاله زار منبری در
- ۱۱۴ گلشن مرتب شده و در سال ۱۳۵۲ هـ ق در ۴۱۵ صفحه در تهران به صورت سنگی به چاپ رسیده است.
- ۲۵ - رجال شیخ علی اکبر.
- ۲۶ - الموارث، تقریر بحث استادش سید محمد کاظم طباطبائی یزدی.
- ۲۷ - النفعات العنبریه فی البیانات المنبریه به فارسی.
- ۲۸ - اليد البيضاء فی مناقب الامیر و الزهراء (ع).
- مجموعه‌هایی است که برای تبلیغ و ارشاد می‌توانند مؤثر باشند و آگاهی اصناف و طبقات جامعه را نسبت به معارف دینی بالاتر برند و می‌توان این منابع را خطابه‌های مکتوب نام نهاد.
- غلامرضا جلالی
- (۴۳۰)
نهادندی - محمد
(۱۳۸۹ هـ ق)
- شیخ محمد نهادندی مشهور به فرید

۱۳۸۹ قمری به علت سکنه مغزی در تهران از دنیا رفت و جنازه‌اش را به منهد مقدس منتقل کردند و در آستان مقدس رضوی به خاک سپردند.

از سروده‌های اوست:

نمکین لب چو بشیرین سخنی باز کند
در درون شور ز اندازه بیرون ساز کند
بگسلد یکسره شیرازه اوراق وجود
گردمی پرده برتندازد و یک ناز کند
شود اندم همه آفاق پر از مشک تثار
که صبا تازی از آن زلف سیه باز کند
عاشقان را رمق از تن شده با شیوه مهر
وای زگر شیوه عاشق کشی آغاز کند
عمر بگذشت و همه روز دهد وعده وصل
من ندانم که به این وعده کی انجام کند
بر در کسوی بلا کرد لگدکوب فنا
هر که را خواست به کونین سرافراز کند
عشق رازبست که پنهان نتوان کرد ز غیر
که عیان هر سر مو قصه ابن راز کند
نازنین دست جدا گشته سقای حرم
سز ناگفته او تا ابد ابراز کند
نچشید آب و لب تشنه بیرون شد ز فوات
که تواند که چنین همت ممتاز کند



نوه دختری آیه‌الله شیخ علی اکبر نهایندی از علما و فضیلاي قرن چهاردهم هجری است.

وی تحصیلات خود را در مشهد و قم به پایان رسانید و سالها از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و سایر علمای اعلام قم استفاده کرده، سپس به مشهد رضوی مراجعت نمود و به خدمات دینی از جمله اقامه نماز جماعت و درس تفسیر و تالیف پرداخت. از آثار چاپ شده او رموز نماز به یادگار مانده است.

فرید سال ۱۳۸۸ و به روایتی سال

رضوی است و او را «زین‌العلما
والمفسرین» نوشته‌اند.

وی پانزدهم رجب سال ۱۲۹۱ هـ ق
در شهر نجف اشرف متولد شد. چهار
ساله بود که به همراه پدر به قصد زیارت
حضرت رضا علیه السلام به مشهد آمد و پس از
بازگشت به تهران، در این شهر ساکن
شد. بعد از وفات پدر، در سال ۱۳۰۴
هـ ق که سیزده سال بیش نداشت، تحت
سرپرستی برادر خود حاج حسن
نهایندی قرار گرفت. فقه، اصول و
حکمت را نزد علمای تهران و برادر
خود به پایان برد و با اشتیاق تمام به
ادامه تحصیل همت گماشت. وی در
سال ۱۳۱۷ هـ ق به اتفاق برادرش از
تهران به مشهد آمد، و در حوزه درس
برادرش و نیز شیخ حسنعلی تهرانی،
حاج شیخ اسماعیل ترشیزی و میر سید
علی حائری یزدی که از علمای بزرگ آن
زمان بودند، حضور یافت و اجتهاد ایشان
مورد تأیید همه این اساتید قرار گرفت.

شیخ محمد برای تکمیل تحصیلات
خود به عتبات عالیات رفت، مدتی در

مرحوم آیت‌الله شیخ علی‌اکبر
نهایندی فقط یک دختر داشت و
مرحوم فرید از بطن او است.

گنجینه دانشمندان ۲۷۴/۱ و ۱۹۰/۷

غلامرضا جلالی

(۴۳۱)

نهایندی - محمد

(۱۲۹۱ - ۱۳۷۱ هـ ق)



آیت‌الله حاج شیخ محمد نهایندی
متخلص به «تجلی» فرزند علامه میرزا
عبدالرحیم (۱۲۳۷ - ۱۳۰۴ هـ ق)
فرزند میرزا نجف مستوفی از علما و
مفسرین و مدرسین آستان قدس

دیوانی به نام *زبدة المصائب*، *سراج النهج* در مسایل عمره و حج، حاشیه بر کتاب *الصلاة* مرحوم حائری و *خلل الصلاة*.

آیه الله نهایندی از شاهدان عینی به توپ بستن حرم مطهر رضوی (۱۳۳۰ هـ ق) بود، و در آخرین صفحات کتاب *زبدة المصائب* خود ضمن مدح امام رضا علیه السلام به این رویداد ناگوار اشاره کرده است:

امام هشتم فرخنده زاده موسی که طاعتش زحق اول فریضه اهم است ولی مطلق حق حکمران عالم قدس امیر ملک عرب شاه کشور عجم است جهان رفت و دریای علم و معدن فضل کتاب جامع احکام و مجمع حکم است بود زکعبه فزون حرمت حریم درش چه کعبه و حرم از این حرم محترم است کلیم را کف دست ارچومه درخشان بود زآفتاب درخشان ترش کف قدم است دم مسیح حیات ار به مردگان می داد به مردگان همه نعل لبش مسیح دم است امین وحی خدا جبرئیل سد ره نشین به آستان جلالش زکمترین حرم است

کربلا از محضر درس سید اسماعیل صدر اصفهانی (م: ۱۳۳۸ هـ ق) بهره گرفت و پس از آن به نجف اشرف رفت و از محضر مرحوم آخوند خراسانی (م: ۱۳۲۹ هـ ق)، سید محمّد کاظم یزدی (م: ۱۳۳۷ هـ ق) حاج میرزا حسن خلیلی تهرانی (م: ۱۳۲۶ هـ ق) و شیخ عبدالله مازندرانی (م: ۱۳۳۰ هـ ق) استفاده برد و اخلاق را نزد ملا لطفعلی فرا گرفت. مدتی در سامرا بود و از محضر میرزا

محمّد تقی شیرازی مشهور به میرزای دوم (م: ۱۳۳۸ هـ ق) بهره جست. با اطلاع از خبر کسالت و سکنه قلبی برادر بزرگترش حسن نهایندی به سال ۱۳۴۹ هـ ق به مشهد بازگشت و پس از ارتحال برادر، زمام امور شرعی مشهد را به عهده گرفت. در مدرسه میرزا جعفر تدریس می کرد و کتاب می نوشت و ساعتی را به حل مشکلات مردم اختصاص داده بود. ایشان تألیفات عدیده ای دارد. از آثار چاپ شده او کتب مشروحه زیر است:

تفسیری به نام *نفحات الرحمن* در ۴ جلد، *ضیاء الابصار فی مباحث الخیار* و

نهایندی پس از این ابیات با دلی
پر درد و جانی سوخته به حادثه
تکاندهنده به توب بستن و تاراج حرم
از سوی قوای روس اشاره می‌کند:

تنها مگر تو نبی حکمران ملک وجود
مگر نه ز امر تو امر زمانه منتظم است
ز خاک طوس به چشم پر آب سر بردار
نگر که لشکر اسلام سرنگون علم است
اساس شرع ز جور مسیحیان بر باد
بنای دین ز جفای صلیب منهدم است
به صحن و قبه نورانیت رسیده ز توب
چه صدمه ها که دل جن و انس منهدم است

نهایندی انسانی متواضع و فروتن و
زنده دل و با نشاط بود و زندگی خود را
بسیار به سادگی سپری می‌کرد و از
تبذیر و اسراف پرهیز داشت و هیچ
قیدی نسبت به نوع غذا یا چگونگی
استراحت خویش نداشت. ایشان حافظ
کل قرآن بود و هنگام استراحت، در
ذهن خود قرآن مجید را تورق می‌کرد.

هفت سال از عمر پربرکت خود را صرف
نگارش تفسیر قرآن کرد. می‌کوشید
مفاهیم بلند قرآن را در زندگی فردی و
اجتماعی خود به کار ببندد. این بود که به
رفع نیازهای مردم توجه تمام داشت،
چنان که گفته‌اند، آیه‌الله حاج آقا حسین
قمی حل برخی مشکلات اقرباد را به
ایشان ارجاع می‌داد.

نهایندی با مسایل سیاسی بیگانه
نبود و با آیه‌الله کاشانی روابط نزدیکی
داشت. هرگاه به تهران می‌رفت به منزل
ایشان وارد می‌شد. بالاخره پس از
پنج‌سال تلاش معنوی و نشر احکام و
تحقیق‌انلامی در ۲۵ ربیع الآخر سال
۱۳۷۱ دارفانی را وداع گفت و در
آستان قدس رضوی مدفون گردید.

گنجینه دانشمندان ۱۹۱/۷، تاریخ آستان
قدس رضوی/ ۳۳۸، الذریعه ۱۶۳/۱۲،
۱۲۲/۱۵، نقباء البشر ۱۱۰۹/۳. مجله
نگاه حوزه ضمیمه شماره ۱۴/۱۳-۹.

غلامرضا جلالی

(۴۳۲)

واعظ - احمد

(۱۲۴۰ - ۱۳۰۳ هـ ق)

یک ساعت در مسجد گوهرشاد منبر می‌رفت و با این که هنگام سخن گفتن عادی لکنت زبان داشت، اما هنگام ایراد مواعظ هیچ گونه نارسایی در بیاناتش مشهود نبود. می‌توان گفت از نظر سخنوری و بلاغت و فصاحت در مشهد بی‌رقیب بود و به همین مناسبت او را «افصح الواعظین» نیز می‌گفتند.

او در فاصله سالهای ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۱ هـ ق به مکه معظمه رفت و پس از مراجعت به جرگه خدام آستان قدس رضوی پیوست. و در ۶۳ سالگی به سال ۱۳۰۳ هـ ق در مشهد درگذشت و در مسدخل کفش‌کن سمت راست ایوان طلای صحن تنبیه به خاک سپرده شد.



ملا احمد واعظ فرزند حاج شیخ محمد حسین واعظ مشهدی از علما و محدثان و واعظان مشهور قرن سیزدهم هجری است. در حدود سال ۱۲۴۰ هـ ق در مشهد رضوی در خانواده‌ای باتقوا، از مادری نیکوخصال به نام فاطمه به دنیا آمد. در مشهد به تحصیل پرداخت، آن گاه به عتبات رفت و بعد از سالها تحصیلات عالیة مذهبی به مشهد مراجعت نمود. چون فن وعظ و سخنرانی را از خاندانش به ارث برده بود در این زمینه تبخیری پیدا کرد و در مشهد به تبلیغ و ارشاد مردم پرداخت و بیشتر اوقات بعد از نماز صبح به مدت

حاج شیخ مهدی واعظ پسر اوست
که ترجمه احوال وی در همین کتاب
آمده است.
ابراهیم زنگنه

ابراهیم زنگنه

(۴۳۳)

واعظ - احمد

(۱۳۲۰ هـ ق -)

(۴۳۴)

واعظ - مهدی

(۱۲۵۵ - ۱۳۲۰ هـ ق)

شیخ احمد واعظ فرزند مرحوم حاج
شیخ مهدی واعظ بن حاج ملا احمد
واعظ بن محمد حسین واعظ مشهدی
بن محمد محسن مدرس از واعظان شهر
مشهد است.

وی به سال ۱۳۲۰ هـ ق در شهر
مشهد و در خانه‌ای روحانی متولد
گردید و پس از دروس ابتدایی به علوم
دینی پرداخت و سالها در مدرسه دو
درب حجره داشت. سپس به منبر
رو آورد و در مجالس مشهد ذکر مصیبت
می خواند و گاهی به موعظه
می پرداخت.

ایشان بیماری ممتدی داشت که
بالاخره پس از چند سال کسالت در
روز ۲۲ ذی قعدة ۱۲۵۵ هـ ق در
مشهد متولد شد و در خطابه و سخنوری
نامور گردید و به ترویج معارف الهی
همت گماشت و پس از ۶۵ سال، روز
پنجشنبه ۲۸ رجب ۱۳۲۰ هـ ق در مشهد

حاج شیخ مهدی معروف به «شیخ
مهدی کبیر» فرزند یوسف خراسانی، از
معارف واعظ خراسان است. او زمانی
مهدی واعظ خراسانی (م ۱۳۷۰ هـ ق)
در مشهد به شهرت رسیده بود و چون
تشابه اسمی داشتند، لذا ایشان را با
توجه به زیادی سن شیخ مهدی کبیر
خواندند.



درگذشت و در حرم مطهر دفن گردید. شیخ احمد فرزند او نیز در شمار علما بود. مرحوم شیخ مهدی شعر می سرود و «واعظ» تخلص می کرد. بحرالمحیط و کشکول العارفین از آثار اوست که با خط زیبایی نوشته شده اند. از غزلیات اوست:

نه شور عشق تو از سر برون توام ساخت
 نه درد عشق تو از دل به در توام کرد
 نه با فراق تو نرد جدل توام ساخت
 نه با وصال تو دست و کمر توام کرد
 چنان فراق تو بر من گرفته تنگ که من
 نه صبر در وطن و نه سفر توام کرد
 به خاک پای تو آن لحظه می زنه بوسه
 که خاک پای تو کحل بصر توام کرد
 بده ز لعل لب ت بوسه ای و جان بستان
 من این معامله را سربسر توام کرد
 حذر کن ای دل واعظ و گرنه عالم را
 زاه یک شبه زیر و زبر توام کرد
 گنجینه دانشمندان ۱۹۸۷/۷ - ۱۹۹۰
 ضمیمه تاریخ علمای خراسان ۴۱۳/
 صد سال شعر خراسان ۵۹۲/ - ۵۹۳.

غلامرضا جلالی

واعظ پایین خیابانی - حسن ← پایین
 خیابانی - حسن

واعظ تهرانی - محمدباقر ← کجوری
 تهرانی - محمدباقر

(۴۳۵)

واعظ خراسانی - مهدی

(۱۲۸۶ - ۱۳۷۰ هـ ق)



شیخ محدثان، حاج شیخ مهدی
 واعظ خراسانی، فرزند شیخ احمد
 واعظ، فرزند شیخ محمد حسین
 واعظ مشهدی، از خاندانی است که
 حدود دویست سال در راه وعظ و

ارشاد و تدریس علوم به اسلام و مسلمانان خدمت کرده‌اند.

حدود سال ۱۲۸۶ هـ ق در مشهد به دنیا آمد، در چهاردهمین بهار زندگی پدر را از دست داد و در محضر حاج فاضل خراسانی و حاج سید عباس شاهرودی فقه و اصول، تفسیر و حکمت آموخت و تحت ارشاد مرحوم شیخ مهدی معروف به «شیخ مهدی کبیر» و مرحوم آخوند بمانعلی به تمرین وعظ و خطابه پرداخت. و در اندک زمانی با توجه به قدرت حافظه قنوی

تاریخی بود و بارها مورد تمجید علمای بزرگ از جمله مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی قرار گرفت.

مرحوم واعظ خراسانی حدود هفتاد سال در میان مردم به تبلیغ پرداخت. تعلیمات دینی او منحصر به مشهد و شهرهای بزرگ ایران نبود. او از مشهد به شهرهای سبزوار، نیشابور، یزد، اصفهان، تهران و کرمانشاه و همچنین بخارا، نجف، کربلا، کاظمین و سامرا سفر کرد و به تبلیغ مجادرت نمود.

احادیث و روایات زیادی را به تحفیظ ایشان به ویژه در نجف خطابه‌های سپرد.

زیادی ایراد کرد. شبها در صحن مطهر امیرمؤمنان علی علیه السلام در زاویه نزدیک مسجد خضراء منبر می‌رفت. مرحوم آخوند خراسانی نیز در شمار کسانی بود که به سخنرانیهای وی ارج می‌نهاد و در زمان مرجعیت آیه‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی سالیان متمادی به دعوت ایشان به نجف می‌رفت و خود وی شخصاً در پای منبرش می‌نشست. در سال ۱۳۱۴ هـ ش در واقعه

واعظ خراسانی سالهای متمادی در جلو ایوان دارالسیاده حرم و زمستانها در شبستان گرم مسجد گوهرشاد منبر می‌رفت و همه ساله در ماه رمضان در زمینه عقاید و تفسیر بحث می‌کرد و شنوندگان از سخنان او یادداشت برمی‌داشتند. مباحث ایشان فقط پیرامون نقل حدیث نبود، بلکه شامل مطالب فلسفی، فقهی، کلامی، ادبی و

گوهرشاد شب هنگام به کمک اهل خانه و همسایگان از شهر متواری شد و مدت چهار سال زندگی مخفی داشت. او به اتفاق پدرش استاد محمد واعظزاده خراسانی که آن موقع چهارده سال بیشتر نداشت، به عتبات رفت و تا سال ۱۳۲۱ هـ ش در نجف بود و در مسجد هندی آن شهر و نیز در کربلا در صحن مطهر حضرت امام حسین علیه السلام و منزل علمای اعلام منبر می‌رفت. در ضمن با مراجع و علمای حوزه علمیه نجف و کربلا مانند مرحوم میرزای نائینی رحمته الله (ق ۱۳۵۵ هـ ق) در سفرهای قبل بقره آیت الله و خراسانی دو همسر اختیار کرد. از ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله شاهرودی، حاج میرزا حسن بجنوردی، شیخ محمد علی کاظمینی و دیگران رابطه صمیمی داشت.

ایشان پس از سقوط رضاخان به اشاره آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، در سال ۱۳۲۱ هـ ش به ایران بازگشت و تا سال ۱۳۲۹ هـ ش در مشهد و شهرهای دیگر منبر می‌رفت و طی سفری به تهران، پس از سپری شدن

محرم و صفر، روز پنجم ربیع الاول سال ۱۳۷۰ هـ ق در این شهر درگذشت و در تشییع جنازه ایشان همه علما و آیات و روحانیان بلندپایه و بازاریان شرکت کردند و آیت‌الله کاشانی بر ایشان نماز خواند و جنازه‌اش را به مشهد انتقال دادند و پس از تشییع باشکوه در محل دارالضیافه در میان قبرهای قائم مقام و میرزا مهدی اصفهانی، زیر طاق سمت چپ چسبیده به دارالسیاده، به خاک سپرده شد.

مرحوم حاج شیخ مهدی واعظ رحمته الله (ق ۱۳۵۵ هـ ق) در سفرهای قبل بقره آیت الله و خراسانی دو همسر اختیار کرد. از همسر اول ۳ دختر و یک پسر و از همسر دوم چهار دختر و چهار پسر بجای ماند. مرحوم حاج شیخ احمد واعظ از همسر اول و مرحوم دکتر حسین خراسانی استاد دانشگاه تهران و استاد محمد واعظزاده خراسانی استاد دانشگاه فردوسی مشهد و دبیر کل سابق مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی از همسر دوم ایشان هستند.

(۴۳۶)

واعظ زاده مقدس - محمد

(۱۲۷۲ - ۱۳۶۲ هـ ش)

آزادی حرم مطهر دفن گردید. فرزند
ارشد ایشان حاج شیخ مهدی واعظ
زاده مقدس است.

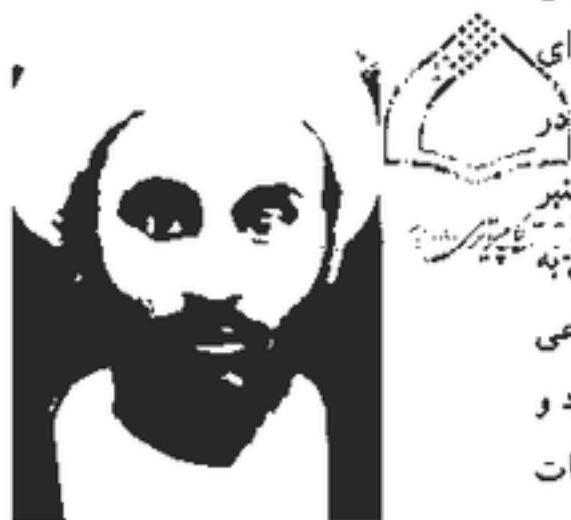
غلامرضا جلالی

حجة الاسلام حاج شیخ محمد
واعظ زاده مقدس مشهور به حاج شیخ
محمد معلم، فرزند ارشد حاج شیخ
غلامرضا واعظ مقدس از شاگردان
حاج شیخ حسنعلی اصفهانی بود و پس
از درگذشت حاج شیخ او جانشینی
خاص حاج شیخ بود و به مداوای
مریض‌های لا علاج می‌پرداخت و در
مسجد حاج گوهرشاد صبح‌ها به منبر
می‌رفت و مدتی نیز در مسجد جفائی به
اقامه نماز جماعت و بیان مسائل شرعی
می‌پرداخت. در علم قرائت استاد بود و
خط زیبایی داشت و در روزگار حیات
خود مورد توجه علمای مشهد بویژه
آیات نهاوندی حاج شیخ حبیب‌الله
گلپایگانی، سید محمد هادی میلانی،
علی علوی رضوی، میرزا جواد تهرانی،
شیخ حسنعلی مروارید و ادیب
نیشابوری بود. وی در روز ۱۹ خرداد
۱۳۶۲ هـ ش درگذشت و در صحن

(۴۳۷)

واعظ طبسی - غلامرضا

(۱۳۱۳ - ۱۳۵۵ هـ ق)



مرحوم حجة الاسلام والمسلمین
حاج شیخ غلامرضا واعظ طبسی فرزند
محمد مهدی مهدوی از علما و مفاخر
سرخنوران و معارف و عاظم قرن
چهاردهم هجری است. وی در ملاحات
سخن و ورزیدگی بیان و تسلط بر فنون

سخنوری بی نظیر بود و شهرتش در همه نقاط کشور و کشورهای شیعه نشین گسترش یافت.

ایشان در حدود سال ۱۳۱۳ هـ ق در طبس گلشن در خانواده‌ای مؤمن، متعهد و علاقمند به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام چشم به جهان گشود، پس از تحصیلات مقدماتی در ۱۳۴۱ هـ ق در حالی که ۲۸ سال از عمرش سپری شده بود به قم هجرت کرد و از محضر میرزا محمد همدانی و آخوند ملاعلی همدانی و بیشتر نزد آیه الله مرعشی نجفی بهره برد. او در قم با کمال حضور و سادگی زندگی می‌کرد و از سال ۱۳۴۵ هـ ق به کار تبلیغ پرداخت.

وی در مشهد در شمار واعظ بلندپایه‌ای بود که در بیت آیه الله میرزا محمد آقا زاده و آیه الله العظمی حاج آقا حسین قمی منبر می‌رفت و بسیاری از بزرگان حوزه در سخنرانی‌های ایشان حضور می‌یافتند.

مرحوم آیه الله العظمی اراکی در مسافرتی که مرداد سال ۱۳۷۲ هـ ش به

مشهد داشت، درباره مرحوم طبسی فرمود: «آقای طبسی در مدرسه خان حجره داشت و من هم لدی‌الورود آن جا بودم، حجره من محاذی حجره ایشان بود، هنگامی که آقای طبسی با رفیق خود آقای حاج شیخ حسن همدانی مباحثه می‌کرد صدایش آن قدر رسا و بلند بود که از داخل حجره به گوش من می‌رسید. صحبت ایشان در منبر آن چنان مسلسل وار و روان بود که طی یک ساعت سخنرانی گویا نفس نمی‌کشید و به این جهت مورد عنایت خاص حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی قرار داشت.»

مرحوم طبسی، واعظی خوش بیان بود و با متانت و آرامش سخن می‌گفت. شیوه دلنشینی در سرآغاز سخنرانی‌های خود داشت که با مقدمه چینی‌های واعظ دیگر متفاوت بود. گاهی سخنان خود را با مقدمه سعدی بر کتاب گلستان آغاز می‌نمود: «منت خدای را عز و جل که طاعتش موجب قربت است و به

شکر اندرش مزید نعمت، هر نفسی که فرو می‌رود ممدّ حیات است و چون برمی‌آید، مفرّح ذات. پس در هر نفس دو نعمت موجود است و بر هر نعمت شکری واجب.»

این نوآوری چنان جاذبه داشت که مردم از همه جا به پای سخنان او کشیده می‌شدند. ایشان در شهرهای بزرگی مانند تهران، قم، همدان و یزد به وعظ

می‌پرداخت و در مخاطبان خود شور ایمانی خاص برمی‌انگیخت. در همدان پای منبرش مسلمانان، یهود و نصاری

شرکت کرده و تحت تأثیر سخنان او اشک از چشمانشان جاری می‌شد. در تهران جای افراد به دلیل کثرت شرکت کنندگان خرید و فروش می‌شد. صاحب آثار الحجه می‌نویسد: «بلاغت و فصاحت این نادره زمان بر اثر توجهات و عنایات خاصه حضرت فاطمه معصومه بوده است. وی ابتدا در قم در کمال عسرت و تنگدستی زندگی می‌کرد و در آغاز کار تبلیغ، صوت و صدای گیرایی نداشته و منبرش با

استقبال مردم مواجه نمی‌شده است، تا آن که زمانی برای تبلیغات اسلامی به اراک رفت و چون منبرش نگرفت، یکی از روحانیان آن شهر، مبلغی به عنوان هزینه راه به ایشان داد و او را روانه اصفهان کرد، ولی در اصفهان توقف نکرد و از آن جا پیاده به مقصد یزد رهسپار شد، نزدیک نو گنبد راه را گم کرده و به بیراهه رفت. چون مسافت زیادی را پیمود و راه به جایی نبرد، بر اثر گرسنگی و تشنگی از ادامه راه باز ماند و از همه جا مأیوس بر زمین نشست و با توسل به حضرت معصومه علیها السلام و الحاح به پیشگاه خداوند متعال، با دلی بریان و چشمی گریان، عرض کرد: ای دختر موسی بن جعفر چندین سال در جوار تو رنج تحصیل کردم و مجاور بودم، آیا رسم مهمان نوازی همین است؟ و گریه بسیار می‌کند. ناگهان صدایی می‌شنود که او را به نام صدا می‌زند: «برخیز و آب بنوش» از جا بلند می‌شود و از صاحب صدا می‌پرسد آب کجاست؟ او نهر آبی را در

آن نزدیکی به او نشان می‌دهد. خود را به آب می‌رساند و از آن آب می‌نوشد و به راه خود ادامه می‌دهد. با خود زمزمه می‌کند، می‌بیند صدایش تغییر کرده است، به خواندن ادامه می‌دهد و درمی‌یابد که مورد توجه مخصوص قرار گرفته است. هنگامی که به یزد می‌رسد، منبر می‌رود، همه تحت تأثیر قرار می‌گیرند.»

در سفر عربستان و عراق و سوریه مورد احترام قرار گرفت و در سفر عتبات واقعه غریبی برای ایشان رخ داد که شهید محراب آیه‌الله دستغیب آن را در داستانهای شگفت خود آورده است. بازگشت ایشان به ایران همزمان بود با مسأله کشف حجاب و دین‌زدائی رضاخان. او نخستین واعظی بود که روی منبر علیه اقدامات رضاخان و کلاه فرنگی و زمزمه رفع حجاب سخن گفت او با توجه به سابقه مبارزه، سه بار از سوی رضاخان به نقاط محروم کشور تبعید شده بود. و پس از بازگشت از سفر حج در سال ۱۳۵۵ هـ ق و توقیف کوتاه در

مشهد، در مسیر خود به تهران، در شهر در پنجم شعبان همان سال برابر با ۱۳۱۵ شمسی بر اثر بیماری سل درگذشت و پیکر پاکش به مشهد انتقال یافت و با توجه به مخالفت و عناد پاکروان نایب التولیه با ایشان و علما و روحانیت، اجازه دفن بدن وی در اماکن متبرکه حرم رضوی داده نشد و چنانکه خود وصیت کرده بود: «چنانچه مسئولین با دفن این جانب در حرم با رعایت عزت و شوون خانوادگی موافقت کردند، مانعی نیست در حرم دفن نمایند و گرنه در محل پیر پالاندوز کنند». بنابر این پیکرش روز پنجم شعبان ۱۳۵۵ هـ ق. در قسمت شمالی بقعه پیرپالان دوز به خاک سپرده شد.

دست‌نوشته‌های عالمانه‌ای از مرحوم واعظ طبسی بر جای مانده است که جایگاه علمی ایشان را نشان می‌دهد. خاطرات خطی مجید فیاض، آثار الحجه ۱۳۷/۲، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران ۳۹۸/۲-۳۹۹، گنجینه دانشمندان ۳۸۳/۲-۳۸۴، ضمیمه تاریخ علمای خراسان/۳۱۴، بهشت شرق/۷۳.

(۴۳۸)

واعظ کرمانشاهی - محمد علی

(۱۳۴۷ هـ ق)

میرزا محمد علی از واعظان مشهور و معروف خراسان بود که مدتی در مشهد مقدس اقامت داشت و با مواعظ عرفانی خود مردم را مجذوب سخنان خود می ساخت.

او علاوه بر وعظ و سخنوری در شعر و ادب فارسی نیز مهارت داشت و «مظلوم» تخلص می کرد. صبح روز بیستم جمادی الاول سال ۱۳۴۷ هـ ق در مشهد وفات یافت و در حجره اوله صحن عتیق سمت راست متصل به بازار به خاک سپرده شد. از غزلیات اوست: دل دو صد بارم شکستی چون ز چشمم خون نریزد شیشه از صد جا شکسته باده چون بیرون نریزد تا میان انجمن لیلی کشد می با حریفان چون عزیزان خون ز غیرت از دل مجنون نریزد گل چو یار خار شد عشق و هوس شناخت از هم گو به باطل اشک حسرت بلبل محزون نریزد تا به عشق شمع یکجا خویش را پروانه سوزد شمع خاکستر به سر از ماتم او چون نریزد

زنده کی گردد دل (مظلوم) تا آن آب حیوان شبنمی از خود بیرون زان خط میناگون نریزد گنجینه دانشمندان ۱۹۹۷/۷-۲۰۱۰، ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۳۱۴.

ابراهیم زنگنه

(۴۳۹)

واعظ کرمانی - علی اکبر

(۱۳۲۶ هـ ش)

شیخ علی اکبر واعظ کرمانی معروف به «شیخ وربا» از وعظا اواخر قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم هجری بود که به واسطه علاقه شدید به خاندان عصمت و طهارت مجاورت امام رضا علیه السلام را برگزید و در مشهد به وعظ و تبلیغ و نشر احکام اسلامی مشغول شد و پس از سالها فعالیت مذهبی عاقبت در آبان ماه سال ۱۳۲۶ هـ ش درگذشت. پسرش آقا نصرالله یک صد جلد کتاب کتابخانه شخصی پدر را به جای حق الدفن به کتابخانه مرکزی آستان قدس اهدا نمود. جنازه مرحوم شیخ علی اکبر در اتاق مقبره صحن نو

(آزادی) مدفون کردند. شیخ علاوه بر فنّ و عظ و تبلیغ در ادبیات فارسی نیز دست داشت و شعر می‌سرود.
شمس‌الشموس / ۳۲۷.

ابراهیم زنگنه

(۴۴۰)

واعظ مشهدی - محمد حسین
(۱۱۴۰ - ح ۵۱۲۴۰ ق)

شیخ محمد حسین واعظ مشهدی فرزند محمد محسن مدرس از علما و فضلا و نیز واعظان و محدثان جهان دیده و مشهور قرن دوازده و سیزدهم هجری بود. وعظ و خطابت او درباره ترویج و نشر حقایق اسلامی بیش از هشتاد سال ادامه داشت.

حدود سالهای ۱۱۴۰ ه ق در مشهد در خانواده‌ای متقی و فاضل و اهل علم به دنیا آمد و در همین شهر نشو و نما یافت و چون تحصیلاتش به اتمام رسید، پیوسته در ارشاد و هدایت مردم کوشید و در مناقب اهل بیت (اطهار) علیهم‌السلام، در مشهد، تهران، یزد،

سبزوار و استانهای گیلان و مازندران و نیز در خارج از کشور بخصوص شهرهای مقدس عراق افاضه کرد.

جنگی آراسته به خط زیبای وی در حدود چهارصد صفحه به جای مانده که شامل احادیث، خطب، تواریخ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام و نیز شرح حال حضرت علی علیه‌السلام است، بعلاوه لطایف شیرین و فکاهیات، اشعار عربی و فارسی، چند رساله علمی و سفرنامه‌های کربلا و حج ایشان در این مجموعه مشاهده می‌شود. این کتاب مؤلف آن است که در اغلب زمینه‌های علمی و سخنوری تبصر داشته و با وجود مسافرت‌های تبلیغی فراوان از تحقیق غافل نمانده بود.

مسافرت‌های او نسبتاً طولانی بوده است، شعبان سال ۱۲۰۰ ه ق که جهت تبلیغ به عتبات عالیات سفر کرد، حدود ۲۵ ماه طول کشید و در هفدهم ربیع الاول سال ۱۲۲۴ ه ق از طریق بوشهر با کشتی به مکه معظمه رفت و در آن جا درباره عقاید خاص وهابیت به مباحثه

و محاوره پرداخت و بعد از حدود ۲۱ ماه به مشهد مراجعت کرد.

مرحوم واعظ مشهدی در اواخر عمر فلج شد، ولی مردم برای استفاده از سخنان شیوایش شبهای جمعه هر هفته او را روی تخت به مسجد گوهرشاد می‌آوردند و پس از ایراد چند حدیث و زیارت حرم مطهر رضوی او را به منزل برمی‌گرداندند.

تاریخ دقیق فوت ایشان معلوم نیست، ولی بنا به نوشته نوه دانشمندش استاد واعظ زاده خراسانی پس از حدود یک صد سال زندگانی در مشهد دار فانی را وداع گفت.

از ایشان و سه همسر یزدی، سبزواری و مشهدی‌اش شش پسر و هشت دختر به یادگار مانده که مرحوم حاج ملا احمد واعظ (م ۱۳۰۳ هـ ق) که شرح حالش در همین کتاب آمده است، کوچکترین فرزندش می‌باشد.
دستورته استاد واعظ زاده

غلامرضا جلالی

(۴۴۱)

واعظ مقدس - غلامرضا

(۱۲۵۰-۱۳۴۵ هـ ق)

شیخ غلامرضا واعظ مقدس فرزند ملامرتضی قلی فرزند ملاخسرو از اکابر علما و وعاظ مشهد بود. ایشان سخنرانی ماهر و سخن‌دانی کم نظیر بود. نسبت به احادیث و روایات اهل بیت اظهار وقوف کامل داشت و سخنانش تا اعماق جان مخاطبان می‌نشست و آنها را مجذوب خود می‌ساخت تا جایی که هر کس پای سخنان ایشان می‌نشست حدود یک صد سال در مشهد می‌کوشید تا راه اصلاح خود را در پیش گیرد. از وی کرامات گوناگونی نقل شده است. و در زمان خود مورد توجه مردم بود و نامه‌های زیادی از نقاط کشور به خراسان به آدرس او کوچه گندم‌آباد (حوض نو) می‌رسید. ایشان از خادمان بارگاه رضوی بود و در مراسم غبارروبی مضجع شریف شرکت می‌کرد و این سمت را از اجدادش به ارث برده بود. در دارالسیاده اقامه جماعت می‌نمود و پس از نماز به وعظ و ارشاد

بحار الانوار را با خط خود نوشت و به کتابخانه آستان قدس رضوی وقف کرد و بسه سال ۱۲۱۰ هـ ق در مشهد درگذشت.

کتابهای زیر از آثار اوست:
مغناطیس الابرار در مواعظ، نوامیس العجب در شرح زیارت رجب در ۲ جلد، خزائن الانوار در سیره نبی و آل، به فارسی، الباقیات الصالحات، درجات الاصحاب، رجال، براهین الخواص، منفجر المعانی به زبان فارسی در مواعظ، بحر الدموع در مقتل به زبان



واعظ یزدی - بافتی - محمد علی

وی در کتاب نوامیس العجب که از کتابهای چاپ شده ایشان است به فهرست همه آثار خود اشاره نموده است.

الذریعه ۱۱/۳ و ۸۰ و ۵۹/۸ و ۹۵/۱۰،
۳۰۶/۱۳ و ۱۴۸/۲۳ و ۳۵۰/۲۴،
تاریخ علمای خراسان / ۱۲۹ - ۱۳۱،
نقاء البشر ۹۵/۱، اعیان الشیعه ۵۰۵/۲،
غلامرضا جلالی

می پرداخت. سال ۱۳۴۵ هـ ق در سن ۹۵ سالگی درگذشت و در کنار درب شرقی دارالحفاظ مدفون شد. شیخ قاسم، شیخ باقر روضه خوان و حاج شیخ محمد واعظزاده مقدس فرزندان ایشان هستند. شیخ حسنعلی بادکوبه‌ای، حاج شیخ حسن پایین خیابانی و حاج شیخ حسین توسلی تنکابنی پدر ادیب طوسی و محمد کاظم طوسی دامادهای ایشان بوده‌اند.

(۴۴۲)

واعظ یزدی - احمد

(- ۱۳۱۰ هـ ق)

مولی احمد بن حسن واعظ یزدی عالم دینی و خطیب، در یزد متولد شد و در اصفهان نزد مولانا حاج محمد جعفر آباده درس خواند. بعد به خراسان آمد و به امامت نماز جماعت و تبلیغ شریعت همت گماشت. تمام مجلدات

(۴۴۳)

واعظ یزدی - علی

(۱۳۱۱ هـ ق)

شیخ علی واعظ از فضلا و واعظین معروف قرن سیزدهم و دهه اول قرن چهاردهم هجری بود و تا آخر عمر در مشهد رضوی میجاورت داشت.

وی در یزد متولد شد و پس از فراگیری مقدمات و سطوح اولیه برای ادامه تحصیل به عتبات عالیات رفت و در خدمت میرزای مجدد شیرازی به تحصیل پرداخت و مدتی در آن بجا ماند.

چون در اواخر به بیماری وسواس مبتلا شده بود مرحوم میرزا وی را به رفتن به مشهد ملزم ساخت و او نیز به اطاعت از استاد به اتفاق سید محمد تقی خراسانی (م ۱۳۵۰ هـ ق) که از علمای وقت بود به مشهد آمد و در این شهر به تبلیغ دین مبین اسلام و ذکر مصائب اهل البیت پرداخت و در ضمن کتاب منظومه در اصول الفقه را به رشته تحریر درآورد و به سال ۱۳۱۱ هـ ق

درگذشت. آیتالله سید محمد طباطبایی یزدی فرزند آیتالله العظمی سید محمد کاظم طباطبایی یزدی داماد وی بود.

ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۳۱۷،
نقیباء البشر ۱/ ۱۳۲۲، الذریعه ۲۳/ ۸۳،
شرح زندگانی میرزای شیرازی / ۱۴۵ و
نجوم السرد / ۷۵۴ - ۷۵۳.

غلامرضا جلالی

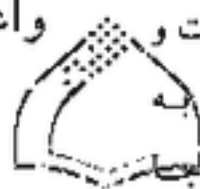
(۴۴۴)

واعظی سبزواری - سید مرتضی

(۱۲۸۴ - ۱۳۴۷ هـ ش)



نقطة المحدثین حاج سید مرتضی
واعظی سبزواری از وعاظ زاهد و عامل



در خدمت میرزای مجدد شیرازی به تحصیل پرداخت و مدتی در آن بجا ماند.

مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی دفن شد.

ابراهیم زنگنه

بود. پدر ایشان مرحوم حاج سید علی اکبر از منبریه‌های معروف و از کوه‌پایه اصفهان بود. وی در سبزوار ازدواج کرد و به مشهد آمد و در حوزه به تعلیم و تعلم پرداخت.

(۴۴۵)

واله - محمد

(۱۳۱۰ - ۱۳۷۵ هـ ش)



مرحوم سید مرتضی واعظی سبزواری در منازل علمای بزرگ مشهد مثل بیت آیه‌الله العظمی میلانی، آیه‌الله قمی، مجتهدی، و منزل شیخ محمد تقی و آیه‌الله مروارید سخنرانی می‌کرد و در پالاسر حضرت گاهی به جای آیه‌الله العظمی حاج سید یونس اردبیلی و آیه‌الله سید جواد خامنه‌ای تمکین می‌فرمودند و می‌خواند.

ایشان در نهایت زهد زندگی می‌کرد و موقع فوت هیچ آندوخته‌ای نداشت و در مرانی ائمه، خودش نیز گریه می‌کرد. در خلوت شب به مستمندان آذوقه می‌برد و برای استشفای آب نیشان را می‌گرفت و دعا می‌خواند. سفری به کربلا رفت، ایشان حدود ۸۳ سال زیست و در ۱۳۲۷ هـ ش چشم از جهان فرو بست و در صحن انقلاب (دارالاجابه) کنار قبر

شیخ محمد واله فرزند محمد رضا از علمای خودساخته و وارسته و نیز از خطبای مخلص و دلسوز و اساتید علم اخلاق حوزه علمی خراسان بود. روز سوم دیماه ۱۳۱۲ هـ ش در خانواده‌ای مذهبی و متدین در شهر کاشمر متولد شد. در این شهر به تحصیل پرداخت و

دوره‌های مقدماتی و سطح را به پایان رسانید.

از همان اوان نوجوانی در زمینه تهذیب نفس و صفای باطن، اعجاب همگان را برمی‌انگیخت و به داشتن این صفات زبانزد خاص و عام گردید. پس از فوت پدر ارث قابل توجهی نصیبش شد، ولی از آن جا که گرایشهای عارفانه‌ای داشت به مال و ذخایر دنیوی بی‌اعتنا بود و تقریباً همه را صرف احیای معارف قرآن و عترت و طلاب علوم دینی و نیازمندان نمود.

همچنین از درس خارج آیه‌الله میرزا حسنعلی مروارید نیز استفاده می‌برد.

ایشان در تواضع و ادب و عبادت و تقوا و زهد بی‌ریا آینه تمام‌نمای استادش مرحوم میرزا جواد آقا بود. از زمانی که به مشهد عزیمت نمود بود شیفتگان علم و معرفت و کمال برگرد وجودش حلقه می‌زدند و از محضرش استفاده‌های فراوانی می‌بردند. ایشان در مدارس علوم دینی سلیمانیه، علی‌بن ابی طالب و مدرسه موسوی نژاد و مدرسه بعثت تدریس می‌کرد و جلسات

در ۲۵ سالگی برای تکمیل **درس اخلاق او تجسم کامل اخلاق**

حمیده، روح ایمان و اخلاص بود.

واله در سال ۱۲۶۸ هـ ش به بیماری سختی دچار شد و در بیمارستان شاهین‌فر مشهد بستری گردید و در مدتی که در بستر بیماری حضور داشت همیشه در اطاقش مجلس دعا و ذکر مصیبت برقرار بود و از کثرت علاقه‌ای که به اهل بیت عصمت و طهارت داشت هر گاه مذاحی به عیادتش می‌رفت از او می‌خواست تسا روضه حضرت

تحصیلات و سکونت به مشهد هجرت کرد و در حوزه مشهد نیز دروس رسائل و مکاسب و کفایه را در محضر آیه‌الله شیخ هاشم قزوینی خواند. چون از هوش و استعداد سرشاری برخوردار بود پس از خاتمه هر جلسه درس، شاگردان گرد ایشان جمع می‌شدند و او درس همان جلسه را تقریر می‌کرد. دوره خسارج و تفسیر را در خدمت آیه‌الله میرزا جواد آقا تهرانی گذرانید و

سیدالشهداء برایش بخواند.

در تمام مدت عمر پریرکتش شهر کاشمر و حوزه علمیه آن جا از وجود وی بهره مند بود. هر چند گاهی به کاشمر می‌رفت و مدتی در آن جا اقامت می‌نمود و با تشکیل جلسات متعددی مردم آن جا از ارشاد و سخنان پندآمیزش بهره‌مند می‌شدند. یک سال آخر عمر خود را در کاشمر گذراند و به

رغم تقاضاهای مکرر افراد مبنی بر بازگشت، وی قبول نمی‌نمود. تا این که در سحرگاه روز شنبه ۲۲ اردیبهشت

سال ۱۳۷۵ هـ ش / ۲۲ ذیحجه سال

۱۴۱۶ هـ ق در حال نماز دار دنیا را وداع گفت و پس از تشییع جنازه باشکوهی در صحن آزادی مقابل غرفه ۲۴ در جوار حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام مدفون گردید.

مرحوم واله هواهای نفسانی را در وجود خود مهار کرده و کمالات اخلاقی را در خود گرد آورده بود. همواره و در همه حال، در پی کسب رضای حق بود و به جز آن وقتی نمی‌نهاد. قول و عمل

او درس آموز اهل علم و طلاب و سایر مردمان بود. با رزمندگان اسلام انس و الفتی دیدنی داشت و شیفتگان کمالات معنوی را به خود مجذوب می‌ساخت. سخنش آموزنده بود و عملش دیگران را به آخرت ترغیب می‌کرد. از نام و شهرت گریزان بود و از تظاهر و تصنع و تقدس‌نمایی به سختی پرهیز داشت، ولی این همه سبب گوشه‌نشینی و دوری او از مردم نگردید. از خودستایی و اظهار کمال واهمه می‌کرد، ولی به این بهانه هرگز شانه از زیر بار ارشاد و هدایت تهی ننمود.

حمایت از انقلاب و نظام را مسؤولیت شرعی و وظیفه مهم تبلیغی خود می‌دانست و خطابه او سنگری استوار در جهت دفاع از اساس انقلاب و ارزشهای والای آن بود.

معاشرت او با دیگران به دستورهای شرع عینیت می‌بخشید، بسیار فروتن بود. او به واقع خود را هیچ نمی‌دید. هر گونه تذکر هر چند کوچک را، با خوشرویی و از دل و جان پذیرا بود و از

می‌کوشید. از جمله وقتی بدهکاری شکوه قرض خود را پیش او برده بود، او کتابی کمیاب و موردنیاز خود را به کتابفروش فروخته بود و مشکل مالی او را حل کرده بود و پس از چندی به دلیل نیاز همان کتاب را به چند برابر قیمت قبلی از آن کتابفروش خریده بود. با وضو منبر می‌رفت و نسبت به گفتار خود تحفظ داشت.

مجتبی الهی

(۴۴۶)

بود و واردان را خود پذیرایی می‌کردند و در خانه او، به روی همه با احترام

(۱۳۰۳ - ۱۳۷۴ هـ ق)

شیخ حسن ودود ملقب به «شمس المحدثین» از علما و اساتید و محدثین و موثقین زمان خویش و نیز از وعاظ و سخنوران خراسان و اهل مشرب بوده است.

به سال ۱۳۰۳ هـ ق در محله عیدگاه مشهد متولد شد و پس از تحصیلات علوم دینی با آخوند ملا علی تونی که از زهاد آن عصر و متولی مدرسه

تذکردهنده، با اهمیت و بزرگداشت تشکر می‌کرد و در حضور دیگران، از او تجلیل و قدردانی می‌نمود و به صراحت، سخن قبلی خود را تخطئه می‌کرد. در حسن خلق و خوشرویی و حسن سلوک با دیگران و احترام به کوچک و بزرگ، دیدنی بود و با نگاه رویاروی او هیچ کس آزرده نمی‌شد.

هرگز با زبان و عمل خود کسی را نیاززد. حتی اگر تذکری می‌داد با مقدمه و دلنوازی و رعایت ادب و احترام

همراه بود. در خانه او، به روی همه با احترام

بود و واردان را خود پذیرایی می‌کردند و در خانه او، به روی همه با احترام

هرگز غیبت نمی‌کرد، بدگویی و

عیب‌جویی از او شنیده نشد. در ارتباط

با دیگران و حقوق مردم حساسیت

فوق‌العاده و تأکید فراوان داشت. بر

تهجد و توسل و نماز اول وقت و

جماعت و تشرّف به حرم مطهر امام

رضا علیه السلام و ذکر و انجام سنن و آداب و

اجتناب از محرّمات و شبهات مراقبت

کامل داشت. در خدمت و احسان به

دیگران و کارگشایی در حدّ توان

۷۱ سالگی روز دهم رجب سال ۱۳۷۴

۵ ق در مشهد درگذشت.

ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۸۴

ابراهیم زنکنه

فاضلخان بود مانوس گردید.

وی به ارشاد و هدایت مردم و ذکر

اهل بیت عصمت و طهارت اشتغال

داشت و در مدرسه فاضلخان و مسجد

گوهرشاد تدریس می کرد، تا این که در



میراث تحقیق - کتابخانه ملی و اسناد ملی

(۴۴۷)

هاشمی نژاد - سید عبدالکریم

(۱۳۱۱ - ۱۳۶۰ ه. ش)

کیلومتری به شهر رفت و در خدمت حضرت آیة الله کوهستانی به تحصیل پرداخت، وی همیشه این دوران را نقطه عطفی در زندگی دینی خویش می دانست.



وی برای ادامه و تکمیل تحصیلات

حضرت آیة الله العظمی بروجردی و

همچنین از محضر حضرت آیة الله

العظمی امام خمینی به مدت ۱۴ سال تا

سال ۱۳۴۰ بهره جست و بارها مورد

تشویق و تقدیر اساتید خود قرار گرفت.

ایشان همزمان با رحلت آیة الله

بروجردی به مشهد هجرت کرد و در

حوزه علمیه مشغول تدریس شد و

جلساتی را در کانون بحث و انتقاد دینی

برای دانشجویان و افراد مشتاق دنبال



مجاهد شهید سید عبدالکریم

هاشمی نژاد که یکی از چهره های

روحانیت مبارز است، به سال ۱۳۱۱

ه. ش در به شهر متولد شد. در اوایل

نوجوانی به روستای کوهستان دو

می‌کرد. این جلسات به صورت آزاد اداره می‌شد و نزدیک ۱۷ سال دوام آورد، تا این که ساواک ایشان را از شرکت در این بحثها بازداشت.

در نهضت ۱۵ خرداد، هاشمی نژاد به پیام امام لبیک گفت. در شب ۱۵ خرداد، شبی که سپیده دم آن حماسه آغاز انقلاب اسلامی را رقم زد، او جزء اولین دستگیرشدگان بود.

در آن شب که حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب قدس سره در زندان بسر می‌برد، رژیم پهلوی به منزل پیشین از چهل تن از روحانیون سرشناسین کهنه‌کار هنجیر شکنی را محاکمه و زندانی ساخت. آزاد یخواه بیرو راه امام هجوم برد و همه آنها را دستگیر کرد. به این پندار که با قطع ریشه های اصلی، درخت انقلاب را بخشکاند. ایشان از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷، پنج بار بازداشت شد. بازداشت دوم ایشان به جریان مسجد فیل مربوط می‌شد.

روز ۲۲ مهر سال ۴۲ سخنرانی وی در مسجد فیل علیه بی بندوباری زنان که از سوی رژیم پهلوی دنبال می‌شد، به

درگیری میان مردم و نیروهای امنیتی انجامید و دو نفر به شهادت رسیدند و ساواک ایشان را دستگیر نمود.

او پس از پایان یافتن دومین دوره دستگیری اش به مبارزات خود بعد تازه ای بخشید و با فعالیت بیشتر، جلسات بحث و انتقاد را در کانونهای گرم و پر شور نسل جوان ادامه داد و به سؤالات فراوانی که در ذهن فرزندان

اسلام پدید می آمد پاسخ می داد و همچنین حوزه درس فقه و اصول او مرتباً دایر بود. استاد شهید که در مشهد

سخنرانی را نداشت، در این مدت توانست در شهرستانهای مختلف ایران سخنرانیهای تکان دهنده ای ترتیب دهد و هیچ گاه دست از فعالیت و روشن کردن مردم و بر ملا ساختن جنایات رژیم شاه برنداشت تا این که بار دیگر در سال ۱۳۵۰ پس از ده شب سخنرانی مستمر

پیرامون علت عقب ماندگی مسلمین در یکی از مساجد شیراز دستگیر و زندانی شد و سپس برای همیشه در سرتاسر

کشور ممنوع المنبر شد.

به دو سال زندان محکوم شد.

او در مدتی که نمی توانست به منبر برود به نشر آثار قلمی پرداخت. از آثار اوست: مناظره دکتر و پیر؛ درسی که حسین به انسانها آموخت؛ تقریرات اصول آیه الله شیخ علی کاشانی؛ هستی بخش؛ رهبران راستین؛ مسائل عصر ما؛ قرآن و کتابهای دیگر آسمانی؛ مشکلات مذهبی روز؛ راه سوم بین کمونیزم و سرمایه داری؛ ولایت فقیه؛ زهرا (ع) مکتب مقاومت.

آخرین بازداشت ایشان مربوط می شود به روز ۲۲ خرداد ۵۷ و اوج گیری انقلاب اسلامی که پس از یک روز با تحصن مردم در بیت آیه الله العظمی سید عبدالله شیرازی آزاد شد.

ایشان بدون تردید یکی از گردانندگان اصلی انقلاب اسلامی در مشهد بود تا این که روز ۷ مهر ۱۳۶۰ به

دست منافقان به شهادت رسید و چشم از حیات مادی فرو بست و به ملکوت الهی پیوست.

و روز هشتم مهر در محل خاмене ای رهبر انقلاب و حضرت آیه الله خامنه ای رهبر انقلاب و حضرت آیه الله طوسی تولیت عظمای آستان قدس رضوی مثلث مقاومتی را به وجود آوردند که در اواخر دوران رژیم پهلوی همواره در کنار یکدیگر در شهر مقدس مشهد برای آزادی و رهایی مردم از جنگ استبداد فعالیت داشتند.

شهید هاشمی نژاد و حضرت آیه الله شامبر در ۱۸ تیر ماه ۵۴ به اتهام اقدام علیه امنیت کشور، همراه آیه الله واعظ طوسی و تنی چند از مبارزین دستگیر و روز دوم دیماه ۵۴

ابراهیم زنگنه

(۴۴۸)

هروی - محمد حسن

(۱۱۸۱-۱۲۵۴ ق ه)

شیخ محمد حسن فرزند حاج علی اصغر بیک ملک التجار افغانستان، از

شهید هاشمی نژاد روز ۱۸ تیر ماه ۵۴ به اتهام اقدام علیه امنیت کشور، همراه آیه الله واعظ طوسی و تنی چند از مبارزین دستگیر و روز دوم دیماه ۵۴

علما و عرفای قرن سیزدهم هجری است. در سال ۱۱۸۱ هـ ق در هرات تولد یافت و از ارباب تجارت شد. وقتی که اسماعیل ازغدی عارف معروف (م ۱۲۳۱ هـ ق)، به هرات سفر کرد، تحت تأثیر او دست از تجارت کشید و به سیر و سلوک پرداخت و در اندک زمانی مورد توجه عام و خاص قرار گرفت.

محمد شاه قاجار هنگام محاصره هرات او را محترمانه به مشهد فرستاد و او در مشهد بود تا این که به سال ۱۲۵۴ هـ ق درگذشت و در قبرستان قتلگاه دفن شد.

تاریخ علمای خراسان / ۷۲، مطبع
الشمس / ۶۸۲-۶۸۵، اعیان الشیعه
۱۴۳/۹.

ابراهیم زنگنه

(۴۴۹)

هروی مشهدی - سید محمد

(۱۲۵۷-۱۳۲۲ هـ ق)

سید محمد فرزند حسن بن علینقی بن مهدی حسین هندی هروی مشهدی از علما و ائمه جماعت مشهد مقدس

رضوی است.

وی رجب سال ۱۲۵۷ هـ ق متولد شد و پس از تکمیل تحصیلات به امامت جماعت و تدریس سطوح ادب عرب در حوزه علمیّه مشهد پرداخت و در ضمن تحقیقات و تألیفات چندی را به انجام رسانید که از جمله: رساله «رشف العسل و کشف الغزل» در آداب سلوک و نیز شرح یک غزل حافظ که در سال ۱۳۱۶ هـ ق در مشهد به چاپ رسیده است.

او در ۲۹ ذی الحجه سال ۱۳۲۲ هـ ق در مشهد درگذشت و در رواق رضوی موسوم به راهرو کشیک خانه دفن شد.

فهرست کتب خطی آستان قدس
۵۳۴/۶، ضمیمه تاریخ علمای خراسان/
۳۱۶، سند شماره ۱۲۰۰۲/۲۸ اداره
اسناد آستان قدس رضوی.

ابراهیم زنگنه

(۴۵۰)

همدانی - عبدالمجید

(۱۲۶۷-۱۳۴۶ هـ ق)

شیخ عبدالمجید همدانی فرزند عبدالوهاب از علمای پارسا و متقی و

نیز فقهای قرن ۱۳ و ۱۴ هجری است که سالها در مشهد مقدس رضوی زیست.

وی سال ۱۲۷۶ هـ ق در همدان متولد شد. علوم مقدماتی را نزد چندین نفر از فضلا فراگرفت و در حدود سال ۱۲۹۸ به عراق رفت و چندین سال در کربلا از محضر درس فاضل اردکانی و آیه الله حاج زین العابدین مازندرانی استفاده برد و بعد از وفات آنها به نجف اشرف رفت و در خدمت حاج میرزا حسین خلیلی و سایر اساتید حوزه به درجه اجتهاد رسید و سال ۱۳۱۶ هـ ق به امر استاد میرزا حسین خلیلی به همدان مراجعت نمود و به وظایف شرعی خود مشغول گشت.

سال ۱۳۲۸ به زیارت عتبات مشرف شد. از عباد به شمار می رفت و کراماتی چند به وی نسبت داده اند. مؤلف نقباء البشر می نویسد:

«چون مرا با وی علاقه دوستی و برادری بود وقتی از وی خواهش کردم که چیزی از آن کرامات به من گوید،

چنین فرمود: که سال ۱۲۹۹ من از کاظمین پیاده به زیارت عسکریین روانه شدم و چون نیم فرسنگ از خان المشاهده که اکنون نیز موجود و ایستگاه قطار است گذشتم، سخت از پیادگی و تشنگی به زحمت افتادم و از قافله عقب ماندم و راه را گم کردم و ترسی تمام در خود یافتم و برای نجات از آن حالت به ائمه علیهم السلام متوسل شدم. ناگهان دو نفر پیدا شدند و از آبی که همراه داشتند به من دادند و اندکی با من آمدند که به قریه ای رسیدم و پرسیدم این جا کجاست؟ گفتند: دجیل است ناگهان ملتفت شدم که آنها با من نیستند و اثری از آنها نیافتم و از قافله پرسیدم گفتند هنوز نیامده و من به اندیشه و انتظار فرو رفتم تا پس از پنج ساعت قافله رسید.»

کرامات دیگری هم درباره ایشان در نقباء البشر و مکارم الآثار آمده است. او سالها در مشهد رضوی مجاور بود و در ضمن به عتبات رفت و آمد می کرد تا

این که در سال ۱۳۴۶ هـ ق در مشهد
درگذشت و آثاری چند مانند: مجالس
الواظظ و مختصر الاحکام از او به جای
مانده است.

نقباء البشر ۴/۱۳۲۴ - ۱۳۲۵.

ابراهیم زنگنه

همدانی - محمد باقر ← اصفهانی -

محمد باقر



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری
اسلامی ایران

ی

(۴۵۱)

یزدی - حسین

(۱۲۵۲ هـ ق)

تدریس مشغول گردید و عده‌ای از فضلا و طلاب علوم دینی از وی کسب فیض می‌کردند تا آن که به نوشته مرحوم حاج شیخ علی اکبر مروّج خراسانی در سوانح، روز هفدهم شعبان سال ۱۲۵۲ هـ ق دارفانی را وداع گفت و در همان مدرسه علینقی میرزا که به تدریس مشغول بود و نیز سمت سرپرستی آن را داشت مدفون گردید.
ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۳۰۸

ابراهیم زنگنه

(۴۵۲)

یزدی - عبدالخالق

(ح ۱۲۰۶ ق - ۱۲۶۸ هـ ق)

مولانا عبدالخالق یزدی عالمی دینی، واعظ و مدرس، فرزند

سید حسین یزدی معروف به «میبدی» از علما و فقها و ائمه جماعت مشهد مقدّس است. وی در اصل از مردم میبد یزد بود که پس از سالها تحصیل در مشهد رسیدن به درجه اجتهاد، به واسطه علاقه‌ای که به خاندان عصمت و طهارت داشت از زادگاه و موطن اصلی خویش دل کند و مجاورت حضرت رضا علیه السلام را برگزید.

چون مورد وثوق و احترام خاصّ عموم مردم بود به امامت جماعت برگزیده شد و سالها به ارشاد ملت و تزویج و نشر احکام اسلامی پرداخت و نیز در مدرسه علینقی میرزای مشهد به

عبدالرحیم یزدی مجتهد و واعظ، از علمای سده سیزده هجری است.

در یزد به دنیا آمد، فقه را از حضور شیخ احمد بن زین الدین احسانی فراگرفت و در اصول از خدمت شریف العلماء بهره برد. پس از مدتی اقامت در یزد به مشهد آمد و تا آخر عمر در توحیدخانه حرم تدریس می کرد و در مناسبت های خاص به موعظه می پرداخت. چون از ملک شیخیه پیروی می کرد با علمای معاصر خود مجالس مناظره داشت تا این که به سال ۱۲۶۸ ه ق در مشهد درگذشت. صاحب الکرام البرره می نویسد قبر او در سوق الصباغین مشهد الرضا مشهور است. مصائب الائمة در حدیث و بیت الاحزان فی مصائب السادات الزمان، الخمة الطاهرة من ولد عدنان در مقتل و معین الطسالین در اصول و معین المجتهدین و رساله ای در صلاة جمعه در فقه از آثار اوست.

الکرام البرره ۲/۷۲۳، مطلع الشمس ۶۸۷/، تاریخ علمای خراسان ۱۰۵/، الذریعه ۷۳/۱۵، اعیان الشیعه ۷/۴۵۷،

ریحانة الادب ۶/۳۸۹، نجوم السرد / ۴۱۵، ۴۲۱

غلامرضا جلالی

(۴۵۳)

یزدی - عبدالله

(۱۲۷۸ - ۱۳۷۰ ه ش)



شیخ عبدالله یزدی فرزند غلام رضا متخلص به «شهودی» که او را «قدوة الخطباء و المحدثین» نوشته اند از گویندگان و وعاظ نامی خراسان است. سال ۱۲۷۸ ه ش در مهرجرد یزد تولد یافت و تحصیلات مقدماتی خود را در یزد طی کرد سپس به مشهد مقدس

ای چهره و خال و خط تو صفحه قران
گنجینه دانشمندان ۱۹۶/۷-۱۹۸.
یزدی - علی ← واعظ یزدی - علی

(۴۵۴)

یزدی - محمد رضا
(۱۳۳۳ هـ ق)

شیخ محمد رضا یزدی از اساتید
مدرسه سلیمان خان بود و فقه و اصول
و ادبیات تدریس می کرد و مرحوم حاج
شیخ علی اکبر مروج از شاگردان ایشان
است. وی شب یازدهم ذی الحجه سال
۱۳۳۳ هـ ق درگذشت و در دارالضیافه
دفن شد.

غلامرضا جلالی

(۴۵۵)

یزدی - محمد معصوم
(سده ۱۲ هجری)

مولانا محمد معصوم یزدی از علما و
فضلای قرن دوازدهم هجری و معاصر با

آمد و در این شهر ساکن شد و از محضر
علمای مشهد بخصوص مرحوم آیه الله
میرزا مهدی غروی اصفهانی کسب
فیض نمود.

او تمام عمر خویش را در علوم اهل
بیت علیهم السلام و تبلیغ معارف الهی صرف
کرده و در بهمن ماه سال ۱۳۷۰ هـ ش در
مشهد وفات یافته و در روز بیست و
چهارم بهمن در زیر صحن آزادی بلوک
۱۴۵ مدفون گردید.

از آثار ایشان است: رساله ای در
منطق به فارسی، رساله ای در رد فلاسفه
و صوفیه، رساله ای در مطالب متفرقه
دیوان اشعاری که هنوز به چاپ نرسیده
است.

یکی از اشعار او در توسل به
حضرت ولی عصر علیه السلام مخمس زیر
است:

ای صبیح ازل از گسل روی تو هویدا
شام ابد از سنبل گیسوی تو پیدا
ای سنبل و گل بلبل دل واله و شیدا
مثل تو بود بر دل و جان سز هویدا

(۴۵۶)

یزدی بافقی - سید محمد امین

(۱۳۴۰ هـ ش)

سید محمد امین یزدی بافقی از فضلا
و واعظان مشهور مشهد بود که سالها در
حوزه علمیه مشهد به تحصیل و
تدریس اشتغال داشت.

در شهر بافق متولد شد و تحصیلات
مقدماتی خود را در آن جا گذراند،
سپس جهت ادامه تحصیلات علوم دینی
به مشهد آمد و پس از کسب کمالات در
همین حوزه به تدریس مشغول شد.

ایشان در مشهد به زهد و تقوا
مشهور بود، سالها به وعظ و تبلیغ
احکام دین مبین اسلام و ذکر مناقب و
مصائب اهل بیت علیهم السلام اشتغال داشت و
از گویندگان نامی ارض اقدس رضوی
به شمار می رفت. در اوایل دهه اول
۱۳۴۰ هـ ش در مشهد درگذشت و در
دارالسیاده به خاک سپرده شد.

ستارگان در کنار خورشید ولایت / ۲۴.

شاه سلطان حسین صفوی است. از وی
شرح حال دقیقی در دست نیست، ولی
آنچه مسلم است او در اوایل جوانی به
منظور تحصیل و مجاورت بارگاه
ملکوتی حضرت رضا علیه السلام از یزد به
مشهد آمد و بعد از تکمیل تحصیلات
علوم دینی در این شهر اقامت گزید.

در بین مردم به فضیلت و تقوا و
تقدس شهرت داشت و مورد اعتماد
ساکنان ارض اقدس بود از جمله با
میرزا شمس الدین محمد از مشاهیر
سادات رضوی مشهد و مؤلف کتاب
وسيلة الرضوان ارتباط دوستانه و
نزدیک داشت.

از تاریخ مرگ وی اطلاع صحیحی
در دست نیست. مؤلف ستارگان در کنار
خورشید ولایت او را جزء دانشمندان
اسلامی و مدفون در رواق دارالسیاده
مبارکه آورده است.

مطلع الشمس / ۷۰۱، ستارگان در کنار
خورشید ولایت / ۱۵، اعیان الشیعه
۵۷/۱.

ابراهیم زنگنه

فهرست منابع -

- ۱- آتشکده آذر، لطف علی بیگ آذر بیگدلی، تصحیح جعفر شهیدی، تهران، مؤسسه نشر کتاب ۱۳۳۷.
- ۲- آثار الحجّه، محمّد شریف رازی، قم، کتابفروشی برقی ۱۳۳۲.
- ۳- آشنای عرشیان (شرح حال و آثار مهدی الهی قمشه‌ای)، غلامرضا گلی زواره‌ای، قم، انتشارات قیام ۱۳۷۶.
- ۴- آینه دانشوران، علیرضا ریحان یزدی، قم، کتابخانه مرعشی، چاپ اول ۱۳۷۲.
- ۵- ابواب الهدی، مهدی اصفهانی، مشهد، محمّد باقر نجفی یزدی ۱۳۶۳.
- ۶- اثرکنامه (تاریخ جامع قوچان)، رمضانعلی شاکری، تهران، انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۵.
- ۷- اثر آفرینان (زندگینامه نام آوران فرهنگی ایران از آغاز تا سال ۱۳۰۰ ش)، زیر نظر سیدکمال حاج سیدجوادی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۷.
- ۸- احسن التواریخ، حسن بیگ روملو، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات بابک، چاپ اول ۱۳۵۷.
- ۹- احسن الودیعہ، محمّد مهدی موسوی اصفهانی، بغداد، مطبعه نجاح ۱۳۴۸ ق.
- ۱۰- اختران فروزان ری و تهران، محمّد شریف رازی، قم، کتابخانه الزهراء، چاپ اول بی تا.
- ۱۱- از مشروطه تا جمهوری نگاهی به ادوار مجالس قانونگذاری در دوران مشروطیت، تحقیق

- و نگارش یونس مروارید، تهران، نشر اوحدی ۱۳۷۷.
- ۱۲ - استرآباد نامه، مسیح ذبیحی، با همکاری ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوده، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۵۶.
- ۱۳ - اسرار التوحید، محمد منور، تصحیح دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات آگه ۱۳۶۶.
- ۱۴ - الاعلام، خیرالدین زرکلی، بیروت، دارالعلم للملایین ۱۹۸۶ م.
- ۱۵ - اعلام الوری باعلام الهدی، فضل بن حسن طبرسی، نجف، مکتبه الحیدریه ۱۳۹۰ ق.
- ۱۶ - اعیان الشیعه، سید محسن امین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات ۱۴۰۲ ق.
- ۱۷ - اکبر نامه، ابوالفضل بن مبارک به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۷۲.
- ۱۸ - امل الامل، شیخ محمد بن حسن بحر عاملی، تحقیق سیداحمد حسینی، انتشارات جاوید ۱۳۶۲.
- ۱۹ - بحث در آثار و احوال حافظ قاسم غنی، تهران، انتشارات زوار ۱۳۶۹.
- ۲۰ - بزرگان سیستان، ایرج افشار سیستانی، تهران، انتشارات دیبا ۱۳۶۷.
- ۲۱ - بزرگان قاین، سید محسن سعیدزاده، قم، انتشارات ناصر ۱۳۶۹.
- ۲۲ - بناهای تاریخی خراسان، علی اصغر صفری، اداره کل و فرهنگ خراسان، مشهد، بی نا، بی نا.
- ۲۳ - بهارستان، محمد حسین آیتی بیرجندی، تهران، شرکت سهامی انتشار ۱۳۲۷.
- ۲۴ - بهشت شرق، حسین موسوی، مشهد، چاپخانه زوار ۱۳۴۱.
- ۲۵ - بیان سبل الهدایه فی ذکر احقاب صاحب الهدایه یا تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، مصلح الدین مهدوی، قم، نشر الهدایه ۱۳۶۷.
- ۲۶ - بیرجند امروز، غلامرضا یزدانی شواکند، مشهد، دانشگاه مشهد، چاپ اول ۱۳۷۸.
- ۲۷ - بیرجند نگین کویر، محمد رضا بهنیا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۸۰.

- ۲۸- تاریخ آستان قدس، علی مؤتمن، مشهد، بی نا، چاپ دوم ۱۳۵۵.
- ۲۹- تاریخ اردبیل و دانشمندان، فخرالدین موسوی اردبیلی، نجف، مطبعه الادب ۱۳۴۷.
- ۳۰- تاریخ بیهق، ابوالفضل بیهقی تصحیح سعید نفیسی، تهران، انتشارات سنائی ۱۳۳۲.
- ۳۱- تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی، تحقیق و تألیف محمد قاسم هاشمی، اصفهان، مؤلف، چاپ اول ۱۳۸۱.
- ۳۲- تاریخ تذکره‌های فارسی، احمد گلچین معانی، انتشارات کتابخانه سنائی، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
- ۳۳- تاریخ جراید و مجلات ایران، محمد صدر هاشمی، اصفهان، انتشارات کمال ۱۳۶۳.
- ۳۴- تاریخ روضه الصفای ناصری، رضا قلی خان هدایت، قم، انتشارات پیروز، ۱۳۳۹.
- ۳۵- تاریخ عالم آرای عباسی، اسکندر بیگ منشی، تهران، انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۰.
- ۳۶- تاریخ علمای خراسان، عبدالرحمن مدرس تصحیح محمد باقر ساعدی، مشهد، نشر دیانت، بی تا.
- ۳۷- تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، محمد تقی ملکی الشعرای بهار، تهران، انتشارات امیرکبیر ۱۳۷۱.
- ۳۸- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، سعید نفیسی، تهران، انتشارات فروغی ۱۳۶۳.
- ۳۹- تاریخ نیشابور، ابوالحسن عبدالغافر فارسی، تحقیق محمد کاظم محمودی، قم، انتشارات حوزه علمیه، ۱۳۶۲.
- ۴۰- تاریخ و سفرنامه حزین، محمد علی حزین لاهیجی، تصحیح علی دوانی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۷۵.
- ۴۱- تاریخ یزد، عبدالحسین آیتی، یزد، بی نا ۱۳۱۷.
- ۴۲- تمهید امل الامل، عبدالنبی قزوینی، مصحح سیداحمد حسینی، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، چاپ اول ۱۴۰۷ ق.
- ۴۳- تحلیلی از نهضت امام خمینی، حمید روحانی، تهران، انتشارات راه امام ۱۳۶۰.

- ۴۴- تذکرة الاولیاء، فریدالدین عطار نیشابور، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۱.
- ۴۵- تذکره ریاض العارفین، آفتاب رای لکهنوی، تصحیح و مقدمه حسام الدین راشدی، اسلام آباد، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ۱۳۹۶ ق. □
- ۴۶- تذکره سخنوران نائین، جلال نائینی، تهران، فرهنگ ایران زمین، ۱۳۶۱. □
- ۴۷- تذکره سخنوران یزد، اردشیر خاضع، حیدرآباد دکن، کتابفروشی خاضع ۱۳۴۱.
- ۴۸- تذکره شعرای یزد، عباس فتوحی یزدی، تهران، فرهنگ ایران زمین ۱۳۶۶.
- ۴۹- تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، سیدمصلح الدین مهدوی اصفهان، اصفهان، کتابفروشی ثقفی، چاپ دوم ۱۳۴۸.
- ۵۰- تذکره مجالس النفاوس، علیشیر نوایی به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، تهران، منوچهری ۱۳۶۳.
- ۵۱- تذکره مدینه الادب، محمد علی مصباحی نائینی، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۶.
- ۵۲- تذکره نصرآبادی، محمد ظاهری نصرآبادی، تصحیح وحید دستگردی، تهران، کتابفروشی فروغی ۱۳۵۲.
- ۵۳- تذکره هفت اقلیم، امین احمد رازی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، بی تا.
- ۵۴- تراجم الرجال، احمد حسینی، قم، مجمع ذخائر اسلامیة ۱۴۰۴ ق.
- ۵۵- تعلیقه امل الامل، میرزا عبدالله افندی اصفهانی، تحقیق احمد حسینی، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی ۱۴۱۰ ق.
- ۵۶- تکاپوگر اندیشه ها (مصاحبه های علامه محمد تقی جعفری) تنظیم علی رافعی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۷.
- ۵۷- تلبیس ابلیس، عبدالرحمن بن جوزی، بیروت، دارالکتب العلمیه ۱۳۶۸.
- ۵۸- تنبیهات حول المبدأ والمعاد، حسنعلی مروارید، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی ۱۴۱۶ ق.

- ۵۹- جستجو در تصوف ایران، عبدالحسین زرین کوب، تهران، انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۹.
- ۶۰- جشن نامه استاد مدرس رضوی (مجموعه مقالات علمی و ادبی) زیر نظر ضیاء الدین سجادی، تهران، انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی ۱۳۵۶.
- ۶۱- جواهر الاخبار، بوداق منشی قزوینی، تصحیح محسن بهرام نژاد، تهران، نشر میراث مکتوب ۱۳۷۸.
- ۶۲- حبیب السیر، غیاث الدین بن همام الدین خواندمیر، تهران، انتشارات خیام ۱۳۵۳.
- ۶۳- حدیقه الشعراء، احمد دیوان بیگی شیرازی، تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات زرین ۱۳۴۶.
- ۶۴- حیات جاودانی زندگانی آیه الله العظمی سید ابوالحسن موسوی اصفهانی، جعفر موسوی اصفهانی با همکاری هادی میرآقایی، مشهد: رستگار ۱۳۸۵.
- ۶۵- حیاة المحقق الکرکی و آثاره، محمد حسون، قم، منشورات احتجاج ۱۳۸۱.
- ۶۶- خاتمه مستدرک الوسائل، حسین نوری، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث ۱۴۱۵.
- ۶۷- خاطرات حاج سیاح، به کوشش ختمیه عینحاج بو تصحیح سیدفاطمه گلکار، تهران، انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۹.
- ۶۸- خدمات متقابل ایران و اسلام، مرتضی مطهری، قم، انتشارات اسلامی ۱۳۶۲.
- ۶۹- خصائص فاطمیه، محمد باقر واعظ کجوری، قم، آل علی ۱۳۸۴.
- ۷۰- خلاصه التواریخ، قاضی احمد قمی، تصحیح دکتر احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران ۱۳۵۹.
- ۷۱- خلاصه الاثر فی اعیان القرن الحادی عشر، محمد امین محبی، قاهره، بی نا، ۱۳۸۴ ق.
- ۷۲- خورشید تابان در علم قرآن، احمد محدث خراسانی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی ۱۳۷۲.
- ۷۳- دائرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی - خرمشاهی تهران، انتشارات سعید محبی، چاپ سوم ۱۳۷۵.

- ۷۴- دائرة المعارف الشیعه العامه، محمد حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۱۳ق.
- ۷۵- دائرة المعارف فارسی، غلامحسن مصاحب، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۷۴.
- ۷۶- دانشمند آذربایجان، محمد علی تربیت، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۸.
- ۷۷- دانشوران بجنورد، علی اکبر عباسیان، تهران، دانشگاه آزاد بجنورد، ۱۳۷۲.
- ۷۸- دانشوران خراسان، غلامرضا ریاضی، مشهد، کتابفروشی باستان ۱۳۳۶.
- ۷۹- دیوان حاج میرزا حبیب خراسانی، به سعی علی حبیب، تهران، انتشارات زوار، چاپ سوم، بی تا.
- ۸۰- دیوان نجومی خراسانی، مقدمه و تدوین حسین نجمیان، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.
- ۸۱- الذریعه الی تصانیف الشیعه، محمد محسن آقابزرگ تهرانی، بیروت، دارالاضواء، چاپ سوم، بی تا.
- ۸۲- راهنما یا تاریخ آستان قدس، علی پتوئین، بی تا، چاپی نا ۱۳۴۸.
- ۸۳- روضات الجنات، محمد باقر خوانساری ترجمه محمد باقر سعدی، تهران، کتابفروشی اسلامیة ۱۳۹۸ق.
- ۸۴- ریاض العلماء و حیاض الفضلا، میرزا عبدالله افندی، قم، خیام ۱۴۰۱ق.
- ۸۵- ریحانة الادب، محمد علی مدرس تبریزی، تهران، کتابفروشی خیام ۱۳۴۶.
- ۸۶- زندگانی امام رضا، حسین عمادزاده اصفهانی، تهران، محمد، چاپ دوم ۱۳۶۰.
- ۸۷- زندگانی و شخصیت شیخ مرتضی انصاری، مرتضی انصاری، تهران، بی تا، چاپ سوم ۱۳۶۹.
- ۸۸- زندگی و اشعار ادیب نیشابوری، با گفتاری از محمد رضا شفیمی کدکنی به کوشش یدالله جلالی پندری، تهران، چاپ و نشر بنیاد مستضعفان ۱۳۶۷.
- ۸۹- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، حسن مرسلوند، تهران، انتشارات الهام ۱۳۶۹.



- ۹۰ - زندگینامه ریاضیدانان دوره اسلامی، ابوالقاسم قربانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵.
- ۹۱ - سبزواری شهر دانشوران بیدار، محمود بیهقی، مشهد، کتابستان ۱۳۷۰.
- ۹۲ - ستارگان در کنار خورشید ولایت، سعید ماهوان، مشهد، مؤسسه جغرافیایی و انتشارات ماهوان ۱۳۷۵.
- ۹۳ - سراج المعانی در احوالات امام سید ابوالحسن اصفهانی، سیدناصر حسین مرعشی میبدی، بی جا، انتشارات اردشیر ۱۳۷۵.
- ۹۴ - سراج الانساب، سیداحمد بن محمد کیاگیلانی، تحقیق سید محمود مرعشی - سید مهدی رجایی، قم، کتابخانه آیةالله مرعشی نجفی ۱۴۰۹ ق.
- ۹۵ - سرزمین و مردم ایران، عبدالحسین سپهریان، تهران، علم و زندگی، چاپ سوم ۱۳۶۳.
- ۹۶ - سفرنامه خراسان و کرمان، غلامحسین خان افضل الملک، به اهتمام قدرت الله روشنی زعفرانلو تهران، انتشارات توس، بی تا.
- ۹۷ - سفرنامه سدید السلطنه، محمّد علی پتخون میرزایی بنابر عباسی، تصحیح احمد اقتداری، تهران، انتشارات بهنشر ۱۳۶۲.
- ۹۸ - الشجرة المباركة في انساب الطالبيّة، امام فخر رازی، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، مطبعه سیدالشهدا ۱۴۰۹ ق.
- ۹۹ - شجره طیبه، محمّد باقر رضوی به اهتمام سید محمّد تقی مدرس رضوی، تهران، چاپخانه حیدری ۱۳۵۲.
- ۱۰۰ - شخصیات ادراکتهما، سید صالح موسوی شهرستانی به کوشش سیدعباس موسوی شهرستانی، قاهره، بی نا، چاپ اول ۱۳۹۸.
- ۱۰۱ - شنوات الذهب فی اخبار من ذهب، ابن عماد حنبلی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا.
- ۱۰۲ - شرح حال رجال ایران، مهدی بامداد، تهران، کتابفروشی زوار ۱۳۶۳.

- ۱۰۳ - شمس الشموس یا تاریخ آستان قدس، حاج محمد احتشام کاویانیان، اداره کل فرهنگ و هنر خراسان ۱۳۵۴.
- ۱۰۴ - شمه‌ای از کرامات حاج شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی، محمد علی تولائی، بی جا، انتشارات محقق ۱۳۷۴.
- ۱۰۵ - شهدای روحانیت شیعه در یکصد ساله اخیر، علی ربانی خلدخالی، قم، مکتب الحسین ۱۴۰۲ ق.
- ۱۰۶ - شهیدان راه فضیلت، عبدالحسین امینی، ترجمه جلال الدین فارسی، تهران، انتشارات روزبه ۱۳۶۳.
- ۱۰۷ - صد سال شعر خراسان، علی اکبر گلشن آزادی، به کوشش احمد کمالپور، مشهد، مرکز آفرینشهای هنری آستان قدس رضوی ۱۳۷۴.
- ۱۰۸ - ضمیمه تاریخ علمای خراسان، محمد باقر سعیدی خراسانی، مشهد، بی نا ۱۳۴۱.
- ۱۰۹ - طبقات اعلام الشیعه، محمد محسن آقا میرزا، مشهد، دارالمرتضی ۱۴۰۴ ق.
- ۱۱۰ - طرائق الحقایق، محمد معصوم شیرازی، تصحیح محمد جعفر محبوب، تهران، کتابخانه بارانی ۱۳۳۹.
- ۱۱۱ - علمای بزرگ شیعه از کلیش تا خمینی، م. جرفادقانی، بی جا، انتشارات معارف اسلامی، چاپ اول ۱۳۶۴.
- ۱۱۲ - فردوس التواریخ، نوروز علی بسطامی، چاپ سنگی تبریز ۱۳۱۵ ق.
- ۱۱۳ - فردوس در تاریخ شوشتر، علاءالملک حسینی مرعشی، تصحیح میرجلال الدین حسینی ارموی، تهران، انجمن آثار ملی ۱۳۵۲.
- ۱۱۴ - فرزانه‌ای که با نهج البلاغه زیست، به کوشش مهدی مصطفوی، قم، دارالفکر ۱۳۷۰.
- ۱۱۵ - فرهنگ بزرگان اسلام و ایران از قرن اول تا چهاردهم هجری، به اهتمام آذر تفضلی - مهین فضایی جوان، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول ۱۳۷۲.

- ۱۱۶- فرهنگ خراسان، عزیزالله عطاردی، تهران، انتشارات عطارد، چاپ اول ۱۳۸۱.
- ۱۱۷- فرهیختگان دارالعباده، زین العابدین خیابانی، نسخه تایی موجود در بنیاد ریحانه الرسول یزد.
- ۱۱۸- فضیلت‌های فراموش شده، حسینعلی راشد، تهران، انتشارات اطلاعات ۱۳۷۵.
- ۱۱۹- فوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه، شیخ عباس قمی، تهران، کتابخانه مرکزی، چاپ اول ۱۳۲۷.
- ۱۲۰- فهرست بناهای تاریخی ایران، نصرت‌الله مشکوتی، بی‌جا، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران ۱۳۴۹.
- ۱۲۱- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی.
- ۱۲۲- فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی
- ۱۲۳- فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ۱۲۴- فهرست کتب خطی کتابخانه مللک
- ۱۲۵- قصص الخاقانی، ولی‌قلی شایسته، دکتر سید محسن سادات ناصری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۲.
- ۱۲۶- کاروان هند، احمد گلچین معانی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی ۱۳۶۹.
- ۱۲۷- کشف الظنون، حاجی خلیفه، بیروت، دارالفکر ۱۴۰۲ ق.
- ۱۲۸- الکرام البرره فی القرن الثالث بعد العشره، محمد محسن آقابزرگ تهرانی، مشهد، دارالمرتضی ۱۴۰۳ ق.
- ۱۲۹- کلیات دیوان وحشی بافقی، مقدمه سعید نفیسی، تهران، انتشارات جاویدان ۱۳۶۲.
- ۱۳۰- الکواکب المنتشره فی القرن الثانی بعد العشره، محمد محسن آقابزرگ تهرانی، تحقیق علی‌منزوی، تهران، دانشگاه تهران ۱۳۷۲.
- ۱۳۱- گلزار معانی، احمد گلچین معانی، تهران، انتشارات تالار کتاب، چاپ دوم ۱۳۶۳.
- ۱۳۲- گلشن مراد، ابوالحسن غفاری کاشانی به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران،

انتشارات زرین، چاپ اول ۱۳۶۹.

۱۳۲ - گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، تهران، کتابفروشی اسلامیة ۱۳۵۳.

۱۳۴ - لباب الانساب، ابوالحسن علی بن زید بیهقی، تحقیق سیدمهدی رجائی و سید محمود مرعشی، قم، انتشارات کتابخانه مرعشی ۱۴۱۰.

۱۳۵ - لغت نامه دهخدا، علامه علی اکبر دهخدا.

۱۳۶ - لولو البحرین فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث، یوسف بن احمد بحرانی، تحقیق سیدمحمد صادق بحر العلوم، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ دوم، بی تا.

۱۳۷ - لوح محفوظ، ابوالحسن حافظیان، شرح توضیحات از ساجد حسینی، کراچی، بی تا، بی نا، بی جا.

۱۳۸ - مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی ۱۴۰۳.

۱۳۹ - مجمع الفصحاء، رضاقلی خان هدایت، مظهر مصفا، تهران، امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۴۰.

۱۴۰ - مرآة الحجج، حمیدالدین حجت هاشمی خراسانی، مشهد، مؤسسه نشر و مطبوعات حاذق، ۱۳۷۱.

۱۴۱ - مرز داران فقاہت، محمود طیار، مراغی، قم، دبیرخانه کنگره بزرگداشت دوستمین سالگرد میلاد شیخ انصاری ۱۳۷۳.

۱۴۲ - مرگی در نور، عبدالحسین کفائی، تهران، کتابفروشی زوار ۱۳۵۹.

۱۴۳ - مزارات خراسان، کاظم مدیرشانه چی، مشهد، چاپخانه دانشگاه ۱۳۴۵.

۱۴۴ - مستدرکات اعیان الشیعه، حسن امین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات ۱۴۱۸ ق.

۱۴۵ - مشاهیر دانشمندان اسلام (ترجمه الکنی و الالقاب) عباس قمی ترجمه محمد شریف رازی، تهران، کتابفروشی اسلامیة رازی ۱۳۵۱.

۱۴۶ - مشهد طوس، محمد کاظم امام، تهران، کتابخانه ملی ملک ۱۳۴۸.

- ۱۴۷ - مصادر نهج البلاغه و اسانیده، عبدالزهره حسینی خطیب، بیروت، دارالاضواء ۱۴۰۵ ق.
- ۱۴۸ - مصنفات شیعه ترجمه الذریعه الی تصانیف الشیعه شیخ آقا بزرگ تهرانی، به اهتمام آصف فکرت، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی ۱۳۷۶ - ۱۳۷۲.
- ۱۴۹ - مطلع الشمس، محمد حسن خان اعتماد السلطنه، با مقدمه تیمور برهان لیمودهی، تهران انتشارات فرهنگسرا ۱۳۶۸.
- ۱۵۰ - معارف الرجال، محمد حرزالدین، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی ۱۴۰۵ ق.
- ۱۵۱ - معالم العلماء، ابن شهر آشوب مازندرانی، منشورات حیدریه، نجف، چاپ اول ۱۳۸۰ ق.
- ۱۵۲ - مفاخر اسلام، علی دوانی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۶۳.
- ۱۵۳ - مفاخر یزد ویژه عالمان دینی، به اهتمام سید محمد کاظم مدرسی - میرزا محمد کاظمینی، یزد، انتشارات ریحانه الرسول، چاپ اول ۱۳۸۲.
- ۱۵۴ - مکارم الآثار، محمد علی معلم حبیب انزلی، اصفهان، انتشارات فرهنگ و هنر، ۱۳۳۷.
- ۱۵۵ - منار الهدی فی الانساب، محمد حسین اعلمی حائری، تحقیق شیخ احمد حائری، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی چاپ اول ۱۳۴۳ ق. ^{تصحیح}
- ۱۵۶ - مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب مازندرانی، تصحیح هاشم رسولی محلاتی، قم، بی نا ۱۳۷۸.
- ۱۵۷ - مناقب فاطمی در شعر فارسی، احمد احمدی بیرجندی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی ۱۳۶۹.
- ۱۵۸ - منتخب التواریخ، ابراهیم شیبانی، تهران، محمد علی علمی ۱۳۶۶.
- ۱۵۹ - منتخب التواریخ، محمد هاشم خراسانی، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی، بی تا.
- ۱۶۰ - مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز تا کنون، خان بابا مشار، تهران، بی نا ۱۳۲۴ - ۱۳۲۰.
- ۱۶۱ - میرزای شیرازی، محمد محسن آقا بزرگ تهران، ترجمه اداره کل تبلیغات و انتشارات، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۶۳.

- ۱۶۲ - میزان الانساب، محمّد هاشم چهار سوقی، مقدمه و حواشی احمد چهار سوقی، قم، چاپخانه حکمت ۱۳۳۲.
- ۱۶۳ - نجوم السرد بذكر علماء یزد، آیةالله سیدجواد مدرس، تحقیق حاج سید محمّد حسین مدرس، یزد، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول ۱۳۸۴.
- ۱۶۴ - نشان از بی نشانها، علی مقدادی اصفهانی، مشهد، انتشارات زوار ۱۳۷۱.
- ۱۶۵ - نفاذ العلام فی سوانح الایام، علی اکبر مروج الاسلام، تصحیح و تنظیم عباس مروج خراسانی، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول ۱۳۷۳.
- ۱۶۶ - نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، محمّد محسن آقابزرگ تهرانی، مشهد، دارالمرتضی، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۶۷ - نقد الرجال، مصطفی تفرشی، بیروت، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، چاپ اول ۱۴۰۹ ق.
- ۱۶۸ - واعظ شهیر حجّة الاسلام حاج شیخ احمد کفّی به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول ۱۳۸۳.
- ۱۶۹ - واقفین عمده کتاب به کتابخانه های آستان قدس، رمضان علی شاکری، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ اول ۱۳۸۰.
- ۱۷۰ - وقایع السنین والاعوام، عبدالحسین حسینی خاتون آبادی، با مقدمه شهاب الدین نجفی مرعشی و ابوالحسن شعرانی، تصحیح محمّد باقر بهبودی، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چاپ اول ۱۳۵۲.
- ۱۷۱ - هدیه الاحباب، عباس قمی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم ۱۳۶۳.
- ۱۷۲ - یادداشت های محمّد قزوینی، به کوشش ایرج افشار، دانشگاه تهران ۱۳۴۷ - ۱۳۳۷.
- ۱۷۳ - یادنامه مرحوم حضرت آیةالله کفعمی خراسانی، به اهتمام قاسم کفعمی خراسانی، بی جا، بی نا، بی تا.
- ۱۷۴ - یادواره دویمین سال شهادت شهید رابع (آیةالله میرزا محمّد مهدی خراسانی) به

- کوشش ناصر الدین انصاری، بی جا، بی نا ۱۳۷۶.
- ۱۷۵ - یاران امام به روایت اسناد ساواک کتاب بیست و نهم آیه الله سید محمود طالقانی، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ۱۳۸۲.
- ۱۷۶ - یاران امام به روایت اسناد ساواک کتاب نوزدهم آیه الله حاج آقا حسین خادم، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، وزارت اطلاعات چاپ اول ۱۳۸۰.

اسناد

- ۱ - اداره اسناد آ. نان قدس رضوی
- ۲ - پرونده مدفونین در حرم مطهر حضرت رضاعلی (ع)
- ۳ - خاطرات خطی مجید فیاض موجود در کتابخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۴ - دفتر متوفیات آستان قدس
- ۵ - دفتر یادبود کتابخانه وزیری یزد تدوین مرحوم محمد علی وزیری، موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی
- ۶ - مصاحبه با استاد واعظ زاده مرتضی کاشانی پیر محمد سیدی
- ۷ - مصاحبه با شیخ مرتضی محامی
- ۸ - یادداشتهای آیه الله حاج شیخ محمد رضا مهدوی دامغانی
- ۹ - یادداشتهای حجة الاسلام صدوقی والهی خراسانی
- ۱۰ - یادداشتهای سیدحسن خوانجی ابراهیم

فهرست روزنامه‌ها

- ۱ - آفتاب شرق (۱۳۳۹/۲/۱۱)، (۱۳۳۳/۱۱/۱۷)
- ۲ - آزادی (۱۳۲۷/۱۰/۲)
- ۳ - اطلاعات (۱۳۷۰/۱/۱۰)
- ۴ - خراسان (۱۳۵۶/۷/۶)، (۱۳۶۳/۱۲/۲۱)، (۱۳۶۷/۱۱/۲۰)، (۱۳۷۱/۸/۱۷).